



کتابچه خلاصه مقالات نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

۳۰ مهر ماه لغایت ۲ آبان ماه ۱۳۹۸
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
دانشکده بهداشت و ایمنی



تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۹۹۳
دورنگار: ۰۲۱-۲۲۴۳۲۰۳۶
نشانی دبیرخانه کنگره:

IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



نهمین کنگره اپیدمیولوژی

ایران



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



۳۰ مهر لغایت ۲ آبان ۱۳۹۸

گروه اپیدمیولوژی

دانشکده بهداشت و ایمنی

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

تهران-ایران



متن سخنرانی رئیس همایش نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

با نام و استعانت از خداوند متعال، افتخار داریم که میزبان نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران در سال ۱۳۹۸ باشیم. کنگره‌های اپیدمیولوژی با تولید انجمن اپیدمیولوژیست های ایران برگزار می‌شود و خوشبختانه تاکنون نشست‌های با کیفیت و مناسبی در دانشگاه‌های مختلف علوم پزشکی کشور داشته است.

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های برتر کشور و منطقه در حوزه آموزش و پژوهش و خدمات بهداشتی درمانی و بخصوص دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه تمامی تلاش خود را متمرکز کرده تا این همایش به بهترین شکل و کیفیت ممکن برگزار شود.

زمینه اصلی کنگره اپیدمیولوژی، پژوهش و توسعه پایدار انتخاب‌شده تا با این رویکرد بتوانیم از این علم و پژوهش‌های مناسب مرتبط در راستای توسعه کشور عزیزمان گام برداریم. تلاش شده با استفاده و مشارکت حداکثری از ظرفیت‌های موجود این کنگره را به بهترین شکل ممکن برگزار کنیم. گنجاندن سخنرانی‌های باکیفیت، کارگاه‌های آموزشی کاربردی و پانل‌های تخصصی در کنار امکانات و تسهیلات مناسب از جمله این تلاش‌ها است. این کنگره با هدف احترام به طبیعت حتی‌المقدور بدون استفاده از کاغذ برنامه‌ریزی و اجرا شده است و بجای آن از زیر ساخت‌های نرم‌افزاری و فضای مجازی بهره گرفته شده است.

اپیدمیولوژی هم علم و هم عمل است و سابقه تاریخی آن در کشور و جهان این را ثابت کرده است. سهم بزرگی که این رشته در کنترل اپیدمی‌ها، پیشگیری از بیماری‌های واگیر و غیر واگیر و در نتیجه ارتقای سلامت انسان‌ها داشته بر کسی پوشیده نیست. امروزه این رشته نه تنها در علوم بالینی بلکه در بهداشت عمومی و ارتقای کیفیت پژوهش‌های علوم پزشکی نقش آفرینی می‌کند و کمتر رشته‌ای در این حوزه وجود دارد که از اپیدمیولوژی بی‌بهره باشد. برای حقیر که برگزارکننده اولین همایش منطقه‌ای اپیدمیولوژی در سال ۲۰۰۳ میلادی در دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز بودم خدمت در برگزاری نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران افتخار بزرگی است.

لازم می‌دانم از تمامی همکاران و دست‌اندرکاران کنگره از جمله عزیزان همکار در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، اساتید و دانشجویان عزیز این رشته، انجمن اپیدمیولوژیست های ایران، اعضای محترم بورد، همین‌طور سازمان‌ها و مسئولانی که ما را در این همایش یاری کردند تشکر و قدردانی کنم. انشالله میزبانی کنگره نهم اپیدمیولوژی در این دانشگاه خاطره خوب و نتایج مؤثری در توسعه کشور در بر داشته باشد.

دکتر حمید سوری



متن سخنرانی دبیر علمی همایش نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

بسیار مایه مباهات و افتخار است تا بار دیگر فرصتی فراهم شد تا در کنار مسئولین، اساتید گرانقدر، متخصصین اپیدمیولوژی، محققین گرامی، دانشجویان و دستیاران، نهمین کنگره اپیدمیولوژی با عنوان "اپیدمیولوژی، پژوهش و توسعه پایدار" را به همت دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران برگزار کنیم.

آنچه به عنوان کنگره ساختار یافته است، حاصل کار فکری و عملی چندین ماهه همکاران و دانشجویان عزیز اپیدمیولوژی در کمیته های علمی و اجرایی همایش است که با تلاش مداوم خود و پیگیری های لازم به ثمر نشست است که امیدواریم نتیجه آن را در این سه روز ببینیم. لذا بر خود واجب می دانم که مراتب تشکر و قدردانی خود را از تلاش تمامی این عزیزان ابراز دارم.

خوشبختانه پس از اعلام موضوع اصلی کنگره، استقبال بسیار خوبی از موضوع شد و بیش از ۴۲۴ مقاله به دبیرخانه کنگره ارسال گردید که رشد خوب علمی و کاربردی در این زمینه را نشان می دهد که پس از بررسی های انجام گرفته ۵۲ درصد بیماری های غیر واگیر، ۱۷ درصد هدف سوم توسعه پایدار، خاتمه دادن به همه گیری ها و سایر بیماری های واگیر، ۲۲ درصد روش ها و مدل ها در اپیدمیولوژی، ۹ درصد جایگاه اپیدمیولوژی در نظام سلامت و توسعه پایدار و ژنتیک اپیدمیولوژی و اپیدمیولوژی مولکولی را پوشش می دادند، در همین راستا ۴۱ پایان نامه نیز برای پندل پایان نامه های منتخب برای کنگره ارسال گردید که از این بین ۱۷ پایان نامه مقطع دکتری و ۲۴ پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد بودند. از بین مقاله و پایان نامه های ارسال شده تعداد ۲۴ مقاله و ۶ پایان نامه به صورت سخنرانی و ۳۰۷ مقاله به صورت پوستر در زمینه های مختلف پذیرفته شد.

در این کنگره ۶ پندل علمی منظور شده است و ۶ سخنران کلیدی هم به عنوان صاحب نظران حوزه مربوطه آخرین اطلاعات علمی خود را در اختیار شرکت کنندگان قرار دادند در همین راستا سخنرانی های شرکت کنندگان نیز متناسب با ۶ محور کنگره در ۶ پندل ارائه گردید و با مشارکت حاضران در کنگره مورد پرسش و پاسخ قرار گرفتند.

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران دارای برنامه های جانبی از جمله برگزاری ۵ کارگاه مفید با عناوین، آموزش نرم افزار اسپکتروم و آشنایی با نرم افزار One Health، مدیریت طغیان بیماری های واگیر در ایران، تفسیرهای نامناسب و معمول در متاآنالیز، روش های نمونه گیری در گروه های پنهان با تأکید بر روش Respondent Driven Sampling و آشنایی با مفاهیم و متدهای تشخیص اپیدمی بیماری های واگیر بود که در روزهای



دوشنبه و سه شنبه برگزار گردید، علاوه بر این مجمع عمومی فوق العاده انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران را در بعد از ظهر روز چهارشنبه برگزار گردید.

ما تمام تلاش خود را بکار بسته ایم تا با یاری مسئولان محترم دانشگاه و همکاران دانشکده بهداشت و ایمنی میزبانی این کنگره را به نحو مطلوبی به انجام برسانیم. امیدواریم که موضوعات و مباحثی که در این چند روز ارایه و تبادل گردید، بسترهای لازم و کافی را در دانش افزایی شرکت کنندگان فراهم آورده باشد و برگزاری این کنگره علمی در جهت ارتقاء سطح علمی و پژوهشی کشور اثرگذار باشد و دستاوردهای مطلوبی برای حوزه اپیدمیولوژی کشور برگزاری این کنگره به همراه داشته باشد.

در انتها لازم می دانم که از کلیه اعضای محترم کمیته علمی و همکاران دبیرخانه در واحدهای علمی و اجرایی که در ارتقاء سطح کیفی و در گسترش رویکرد علمی و کاربردی این کنفرانس تلاش بی وقفه و نقش اساسی داشته اند تشکر و قدردانی بعمل آورم.

همچنین لازم است از همه دست اندرکاران برگزار کنندگان این کنگره مهم و تک تک اعضای خانواده بزرگ اپیدمیولوژیست های ایران که چراغ این کنگره را با حضور، همکاری، همفکری و همدلی و حمایت بی دریغ خودشان روشن نگه داشته اند تشکر و قدردانی کنم و برای همه شما آرزوی سعادت و توفیق خدمت برای بندگان خدا و سربلندی دارم.

دکتر پروین یاوری



محورهای کنگره:

- ✓ جایگاه اپیدمیولوژی در نظام سلامت و توسعه پایدار
- ✓ هدف سوم توسعه پایدار: خاتمه دادن به همه گیری ها و سایر بیماری های واگیر
- ✓ ژنتیک اپیدمیولوژی- اپیدمیولوژی مولکولی
- ✓ روش ها و مدل ها در اپیدمیولوژی
- ✓ اپیدمیولوژی های بیماری های غیر واگیر
- ✓ پایان نامه های منتخب اپیدمیولوژی

هدف اصلی کنگره:

تبادل دانش اپیدمیولوژی و مطالعات مرتبط با حضور ارزشمند استادان، صاحب نظران، پژوهشگران و دانشجویان حوزه اپیدمیولوژی و سلامت

در این کنگره سعی بر این بود تا تمامی مطالب به صورت فایل های صوتی، تصویری، متنی و بدون کاغذ ارائه گردد.



اعضای تیم علمی و اجرایی نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران به ترتیب

حروف الفبا

تیم اجرایی

تیم علمی



	دانشجویان	اساتید
دکتر کورش اعتماد	محمد آقا علی	دکتر افشین استوار
ندا ایزدی	ندا ایزدی	دکتر اکبر اسلامی
حدیث براتی	محمود حاجی پور	دکتر حسام الدین اکبرین
دکتر الهام بزومی	نیلوفر طاهر پور	دکتر علیرضا باهنر
محمدرضا بهره بر	سیده سارا عظیمی	دکتر حمیدرضا برادران
سحریات	کودزکلی فرمود	دکتر رضا چمن
زینب پریسای	حسین مظفر سعادت	دکتر حسین حاتمی
مکار پیری		دکتر علی اکبر حدوست
محمود حاجی پور		دکتر شهر حقیقت



سیدمادی حسینی	دکتر داود خلیلی
معین خالونی	دکتر بایون صادقی بازرگانی
یوسف خانی	دکتر مجتبی صحت
ملیحه خرم داد	دکتر فریدون عزیزی
سجاد رحیمی	دکتر بابک عشرتی
سحر ستوده	دکتر محمد مهدی کویا
سارا سهیلی	دکتر سید عباس متولیان
سعیده شجاعی	دکتر رضا محمدزاده
زهره صداقت	دکتر محمد رضا مرآئی
نیلوفر طاهر پور	دکتر فرید بخشی



سودابه قاسمی نژاد

حدیث فخری

فاطمه قربانی

کودرز کلی فرمود

پریا محسنی

مریم محمدیان

احمد مری

سارا نادپور

زهرا نقیبه فر

آزاده نوحی

دکتر ابوالحسن ندیم

دکتر سید سعید ماشی نظری

دکتر کورش حلاکوبی نائینی



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



طناز ولدسیکی



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



اسامی داوران نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران به ترتیب حروف

الفبا

دکتر محمد حسین ابراهیمی دکتر حمید سوری دکتر نوشین فهیم

فر

دکتر زهرا اسمعیل زاده‌ها دکتر آرمیتا شاه دکتر مصطفی

قربانی

اسماعیلی

دکتر کورش اعتماد دکتر امین دوستی دکتر منوچهر کرمی

ایرانی

دکتر عباس آقائی دکتر عبدالحکیم رجبی دکتر محمد حسن لطفی



دکتر سمانه اکبرپور دکتر نگار رضایی دکتر محمد رضا

مرآئی

دکتر محمد حسن امامیان دکتر شهاب رضائیان دکتریداله محرابی

دکتر علیرضا انصاری آقای علیرضا دکتر یاسر مخیری

زستانی

مقدم

خانم ندا ایزدی دکتر سید محسن زهرایی دکتر قباد مرادی

دکتر محمد حسین پناهی دکتر ساگر سالاری خانم مرضیه

مرادی

لک

دکتر محسن جانقربانی دکتر شهره حقیقت دکتر مهدی مرادی

نظر



دکتر سیامسودی	دکتر داود خلیلی	دکتر زهرا چراغی
دکتر احسان	دکتر کیانوش فیعی	دکتر رضا چمن
مصطفوی		
دکتر فیض الله	دکتر نادر صفاریان	دکتر جعفر حسن زاده
منصوری		
دکتر لادن مهران	دکتر رویا صفری	دکتر فیروزه حسینی
دکتر شهره نادی	دکتر ابراهیم عبدالله	دکتر علی اکبر
مقام	پور	حدوست
دکتر فرید بخشی	خانم سمانه عسکری	دکتر امین حشمت



دکتر فاطمه حیدرپور دکتر بابک عشقی دکتر سید سعید ماشمی

نظری

خانم زهرا خرمی دکتر پریسا عظیمی دکتر کورش

هلاکویی نائینی

دکتر احمد خسروی دکتر اکبر فتوحی دکتر پروین یآوری

دکتر علی خورشیدی دکتر شهرت حقیقت



اسامی اعضاء پنل نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران به ترتیب

حروف الفبا

دکتر منوچهر کرمی	دکتر علی دل‌پیشه	دکتر محسن اسدی لاری
دکتر عباس کشتکار	دکتر عبدالخلیم رجبی	دکتر محمد اسماعیل اکبری
دکتر محمد حسن لطفی	دکتر سید محسن زهرایی	دکتر نادر اسماعیل نسب
دکتر یداله محرابی	دکتر ساگر سالاری لک	دکتر محمد حسن امامیان
دکتر مینو محرز	دکتر مسعود سلیمانی دودران	دکتر جلال پورا لعجل
دکتر قباد مرادی	دکتر کتایون طایری	دکتر محسن جانقربانی



دکتر احسان مصطفوی	دکتر ناعیب پوش	دکتر جعفر حسن زاده
دکتر مهشیدناصحی	دکتر فرشاد فرزادفر	دکتر سعید دستگیری
دکتر کامران یزدانی	دکتر اکبر فتوحی	دکتر امین حشمت
	دکتر افسر کازرونی	دکتر داود خراسانی زواره



فهرست خلاصه مقالات

پنل اول: جایگاه اپیدمیولوژی در نظام سلامت و توسعه پایدار ۱

۳.....	بررسی ارتباط فقر در کودکی و وضعیت سلامت روان در بزرگسالی- نتایج حاصل از فاز اول کوهورت کارمندان دانشگاه علوم پزشکی تهران
۴.....	بررسی وضعیت مصرف خودسرانه دارو و عوامل مرتبط با آن در شهر سمنجان در سال ۱۳۹۷
5.....	National Cancer Mortality-to-Incidence Ratio (MIR) in Iran (2005-2014)
6.....	Iranian Epidemiologists urge to take the lead on sustainable development goals
7.....	Development and Implementation of a Multi-year National Health Survey Plan (MNHSP) in Iran (2018-2021)
8.....	An Epidemiological Study of Food Insecurity in Healthcare Centers Affiliated with Mashhad UM
9.....	The effect of quitting water pipe smoking during pregnancy on newborn`s Anthropometric measurements at birth: a population-based prospective cohort study in South of Iran
۱۰.....	بررسی الگوی تغذیه ای بر اساس پرسشنامه یادآمد ۲۴ ساعته و عوامل موثر بر آن در منطقه دو هزار بندرعباس، به منظور تدوین برنامه عملیاتی
۱۱.....	۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ بررسی اپیدمیولوژیک وضعیت بیماران مبتلا به HIV/AIDS تحت پوشش مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر بندرعباس
۱۲.....	استقرار، پایش و ارزیابی نظامهای ثبت بیماری در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۱۳.....	شناسایی نیازهای جامعه و اولویت بندی مشکلات بر پایه ارزیابی سلامت جامعه در منطقه بلوار معلم و بروم پهنه شهرکرد
14.....	The Relationship between Spiritual Development and Life Satisfaction among Students of Qom UMS
15.....	An Increasing Trend in the Blood Donation in Iran in Recent Years
16.....	Food security status and related factors among rural households in north of Iran
17.....	Prevalence of Ciprofloxacin-resistant Klebsiella pneumonia in Iran: A Meta-Analysis (2007-2016)
18.....	Prevalence of Ciprofloxacin-resistant Shigella in Iran: A Meta-Analysis (2007-2016)
19.....	Imipenem-resistant pseudomonas aeruginosa in Iran: A meta-analysis (2007-2016)
20.....	The impact of health reform in Iran on catastrophic health expenditures: equity and policy
21.....	Epidemiology of poisoning in dead children that referred to Legal Medicine Organization of Tehran (2014-2016)
22.....	Unnatural deaths among women of reproductive age in Isfahan Province, Iran, 2013-2017
23.....	Health literacy and related factors in Afghan refugees of Kerman, Iran
233.....	Intensive monitoring of adverse drug reactions in hospitalized patients of a referral hospital in Kerman
244.....	Save Breast Saves Life in Patients with Breast Cancer

پنل دوم: هدف سوم توسعه پایدار - خاتمه دادن به همه گیری ها و سایر بیماری های واگیر ۲۵

۲۸.....	وضعیت اپیدمیولوژیکی بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو در دو دهه گذشته در ایران (۱۳۷۸- ۱۳۹۷)
۲۹.....	تحلیل نظام مراقبت بیماری های واگیر در جمهوری اسلامی ایران
۳۰.....	الگوی بیماری سل در کشور جمهوری اسلامی ایران- مطالعه مقطعی
۳۱.....	طراحی و اجرای نظام مراقبت بیماری های واگیر در مناطق درگیر سیل استان خوزستان -بهار ۱۳۹۸
32.....	Prevalence and risk factors for hepatitis B and hepatitis C exposure in Iranian prisoners: a national study in 2016
33.....	Assessing the effect of vitamin D on the of CD4 Count and some blood indices in HIV patients; a RCT



A Systematic Review and Meta-analysis on the Prevalence of HBsAg in Health Care Workers from Eastern Mediterranean and Middle Eastern Countries	34
تبیین چالش‌ها و نیازهای زلزله زدگان استان کرمانشاه: یک مطالعه کیفی	۳۵
تحریم های آمریکا علیه ایران، سیستم سلامت ایران را هدف قرار داده است	۳۶
شیوع عارضه استئوارتیکولار ناشی از بروسلوز در ایران: مرور سیستماتیک	۳۷
ارزیابی وضعیت بخش خصوصی سلامت در برنامه پیشگیری از انتقال اچ آی وی از مادر به کودک در ایران	۳۸
اپیدمیولوژی بیماری لیشمانیوز جلدی در استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۸۶ - ۱۳۹۷	۳۹
بررسی روند ۱۰ ساله بیماری CCHF در جمعیت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۱۳۸۸-۱۳۹۷)	۴۰
طغیان گاستروانتریت ناشی از نورووایروس در شهرستان قروه در استان کردستان در سال ۱۳۹۷	۴۱
بررسی علل طغیان اسهال زمستان ۱۳۹۷ و بهار ۱۳۹۸ شهرستان قروه استان کردستان: مطالعه مورد-شاهدی	۴۲
همبستگی بروز فصلی سل انسانی با سل گاوی و فاکتورهای هواشناسی در استان خراسان رضوی	۴۳
پیمایش‌های خوشه‌ای شاخص‌های چندگانه و جمعیت و سلامت در کشورهای منطقه مدیترانه شرقی بر اساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی مسئول پیمایش‌ها: ایران چه وضعیتی در اجرای این دو پیمایش دارد؟	۴۴
مقابله با مقاومت ضد میکروبی: جایگاه و نقش اپیدمیولوژیست‌ها	۴۵
بررسی رژیم درمانی بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی در محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی	۴۶
کریبتوسپوریدیوزیس: نگرانی در ارتباط با زئونوز بودن بیماری	۴۷
شیوع جهانی هپاتیت سی و بی در معتادان تزریقی مبتلا به اچ آی وی/ایدز: یک مطالعه مرور ساختار یافته و متآنالیز	۴۸
طغیان گاستروانتریت ناشی از نورووایروس در یکی از روستاهای استان کردستان در سال ۱۳۹۷	۴۹
بررسی روند تغییرات بروز سیاه زخم در ایران از سال ۱۳۹۴-۱۳۸۹ و پیش بینی نقاط پر خطر تا سال ۱۴۰۰	۵۰
بررسی روند تغییرات بروز بروسلوزیس در ایران از سال ۱۳۹۴-۱۳۸۸ و پیش بینی نقاط پر خطر تا سال ۱۴۰۰	۵۱
عوامل موثر بر تاخیر در تشخیص بیماری تب مالت در شمال و شمال غربی ایران	۵۲
میزان شیوع آلودگی به شپش سر در دانش آموزان ابتدایی مدارس شهر بادرود در سال تحصیلی ۲۰۱۷-۲۰۱۸	۵۳
فروانی اچ آی وی، هپاتیت B و C در بیماران همودیالیزی مراجعه کننده به بیمارستان بهارلو تهران و عوامل خطر مرتبط با آن	۵۴
بررسی شیوع عوامل خطر هپاتیت B و C در شهر شیراز، ۱۳۹۷	۵۵
خسارات ناشی از درمان بیماری تب برفکی در جمعیت نشخوارکنندگان اهلی روستایی آذربایجان غربی	۵۶
بررسی شیوع سل ریوی در اطرافیان بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت در رباط کریم	۵۷
Seroprevalence of hepatitis B, C and D viral among hemodialysis patients in Tehran	58
Frequency of cutaneous leishmaniasis in soldiers with suspected skin lesions by the parasitologic technique in Sistan-Balochestan Province, 2018.....	59
The requirement to improve the Brucellosis Surveillance system in Kurdistan province: Reduce the delay in diagnosis time	60
Investigation of Risk Factors Associated with Leptospirosis in the North of Iran (2011-2017)	61
Health status in Iran, Middle East and North Africa Countries: Implications for Global Health	62
What is the status quo of high-risk behaviors among male adolescents in the south of Iran: a cross-sectional study in Bandar Bushehr, Iran	63



Migration and high risk behaviors in vulnerable women in North of Iran: Time-Location sampling64
 The burden of premature mortality due to the Middle East respiratory syndrome (MERS) in worldwide from September 23, 2012 until May 17, 2019 using standard expected years of life lost: a sequential cross-sectional65
 Evaluation of the effect of vitamin D intake on immune system in patients with HIV/AIDS: A RCT study.....66
 Current epidemiological status of Middle East respiratory syndrome coronavirus in the world from 1.1.2017 to 17.1.2018: a cross-sectional study67
 Epidemiological Status of the Middle East Respiratory Syndrome Coronavirus in 2019: An Update from 1 January through 31 March 2019 on Globally Reported Cases to the World Health Organization68
 Vanishing Endemicity Schistosomiasis in north of Khuzestan province, Iran: A twenty-five year assessment.....69
 Which Type of Univariate Forecasting Methods is Appropriate for prediction of Tuberculosis Cases in Razavi Khorasan Province?.....70

پنل سوم: ژنتیک اپیدمیولوژی- اپیدمیولوژی مولکولی..... ۶۹

بررسی بقاء یکساله در سرطان ریه نوع Non-small-cell تحت درمان با داروی پمترکسید و ارتباط آن با پلی مورفیسم های شایع ژن SLC19A1 ۷۳
 بررسی اثر مستقل و متقابل پلی مورفیسم ژن ACE و فاکتورهای خطر سکتة مغزی ایسکمیک بر ابتلا به سکتة مغزی ایسکمیک در بیمارستان قائم مشهد در سال ۱۳۹۵..... ۷۴
 Cigarette Smoking, Mendelian Randomization Analysis, Opium Dependence75
 Heritability of blood pressure traits in diverse populations: A systematic review and meta-analysis76
 بررسی ارتباط پلی مورفیسم rs6318 در ژن گیرنده سروتونین 2C (5-HTR2C) با آرتریت روماتوئید..... ۷۷
 بررسی ارتباط پلی مورفیسم rs6318 در ژن گیرنده سروتونین 2C (5-HTR2C) با سقط جنین ۷۸
 Generality of Genomic Findings on Blood Pressure Traits and Its Usefulness in Precision Medicine in Diverse Populations: A Systematic Review.....79
 Intra-species variation of small liver fluke on the basis of nucleotide sequences.....80

پنل چهارم: روش ها و مدل ها در اپیدمیولوژی..... ۷۸

شناسایی برهمکنش موجود بین عوامل مختلف مرتبط با مرگ ناشی از سوانح ترافیکی ایران با استفاده از رگرسیون منطقی ۸۲
 ارزیابی عملکرد مدل گیرش و بازگیرش لگاریتم خطی: یک مطالعه شبیه سازی ۸۳
 کاربرد نقش خود سازمان ده در شناسایی عوامل خطر متابولیک سرطان ۸۴
 Superiority of Bayesian Model Averaging to Stepwise Model in Selection of Factors Related to the Incidence of Type II diabetes in Pre-diabetic Women.....85
 Population Attributable fraction Estimation of the Cardiovascular Diseases- related factors: An Evidence from western part of Iran.....86
 Avoidable Burden of Cardiovascular Diseases in the Eastern Mediterranean Region: Contribution of Selected Risk Factors for Cardiovascular-Related Deaths87
 Pattern of substance use in relation to Attention-Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD), anxiety and sensation seeking in Iranian male workers: A latent class analysis.....88
 The joint contribution of epidemiology and management disciplines to road traffic accidents (RTAs) target setting: An objective planning for policy makers.....89



Prediction of infant mortality factors using data mining in Iran.....	90
بررسی توزیع جغرافیایی مرگ موتور سواران در پزشکی قانونی استان اصفهان با استفاده از GIS و عوامل خطر ثبت شده در سال های ۹۵-۱۳۹۱.....	۹۱
بررسی روند مصرف سیگار در استان کردستان در دوره زمانی ۹۴-۱۳۸۴ و پیش بینی آن تا سال ۱۴۰۳.....	۹۲
بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی برمدل بزنف بر رفتار مصرف لبنیات در زنان باردار تحت پوشش مراکز جامع سلامت شهر زنجان.....	۹۳
مقدمه ای بر روش همسان سازی نمره تمایل در مطالعات مشاهده ای.....	۹۴
اصلاح سوءطبقه بندی مواجهه با استفاده از روش وزن دهی ارزش پیشگویی (predictive value) در رگرسیون لجستیک.....	۹۵
اثر مستقیم کنترل شده اختلالات روان پزشکی بر بیماری های ایسکمیک قلبی.....	۹۶
مقایسه دو روش توزیعی و رگرسیون لجستیک در بررسی رابطه متغیرهای کووریت با یک متغیر پیوسته.....	۹۷
بررسی اجزای پرسشنامه کیفیت خواب پیتزبرگ در جمعیت بالغین ایرانی: مدل تئوری پاسخ آیتم.....	۹۸
الگوی اضافه وزن و چاقی در استان کردستان در دوره زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ و پیش بینی آن تا سال ۱۴۰۵: مطالعه سری زمانی.....	۹۹
تقدم علت بر معلول: دیدگاه اپیدمیولوژی، دیدگاه فلسفی.....	۱۰۰
پارادایم های سه گانه اثبات گرایی، تفسیری و تحول طلبانه در مطالعات.....	۱۰۱
مروری بر کارآزمایی برابر (بدون برتری) و نحوه تعیین حجم نمونه در آن.....	۱۰۲
دیجیتال اپیدمیولوژی: دیدگاهی نو در اپیدمیولوژی مدرن.....	۱۰۳
پیش بینی بروز لیشمانیای جلدی با استفاده از روشهای داده کاوی در استان اصفهان.....	۱۰۴
کاربرد مدل فضایی زمانی فرآیند گوسی برای تحلیل داده های تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی مغز.....	۱۰۵
استاندارد سازی پرسشنامه فارسی ۱۲ آیتمی انگ اجتماعی در بیماران مبتلا به ایدز در ایران.....	۱۰۶
برخی نکات کلیدی متودولوژی در استفاده از روش بسط شبکه ای.....	۱۰۷
مقایسه راهنمای بالینی کالج کاردیولوژی آمریکا/انجمن قلب آمریکا و پنل درمانی بزرگسالان در درمان کلسترول خون بالا در جمعیت ایرانیان.....	۱۰۹
کاربرد شبکه عصبی خودسازمانده در خوشه بندی داده های سلامت.....	۱۱۰
ارزیابی عوامل مؤثر بر بقای بیماران مبتلا به سرطان پستان با استفاده از مدل جمعی تعمیم یافته.....	۱۱۱
تحلیل منحنی تصمیم (DCA).....	۱۱۲
سال های از دست رفته عمر ناشی از مرگ زودرس در استان گلستان در سال ۱۳۹۶ (برحسب گروه های کلی مرگ در نسخه دهم طبقه بندی بین المللی بیماری ها).....	۱۱۳
بررسی تأثیر درک از بیماری بر استرس درک شده زنان مبتلا به دیابت بارداری: یک مطالعه کارآزمایی بالینی.....	۱۱۴
Predictive validity of the American Diabetes Association screening tool for detecting undiagnosed type 2 diabetes among Iranian population.....	115
The Relationship between Ambient Air Pollution and Migraine: A Systematic Review.....	116
Anthropometric cut-point to predict Cardiometabolic risk; results from RaNCD cohort study.....	117
Reliability and Validity of Persian version of Perceived Stress Scale (PSS) in middle-Aged healthy population....	118
Misclassification bias adjustment of odds ratio: an application of Bayesian methods.....	119
Investigating the Factors Affecting Cesarean Section in Fasa: a Case-control Study.....	120
Factors associated with neonatal mortality rate in 2016 using Bayesian quantile regression model based on World Health Organization reports.....	121
Bayesian and Penalization Methods to tackle Sparse Data in Epidemiological Experiments.....	122



Estimating The Lifetime and Age-conditional Risk of HIV Infection in Iran, 2011-2015.....	123
Assessing Horizontal Equity in health care utilization in Iran: A decomposition analysis.....	124
The association between Academic Stress and Adolescent Mental Health: A MSE Modeling	125
Establishment of trimester-specific reference range for thyroid hormones during pregnancy	126
Percentiles for anthropometric measures in 11-18 years old students of 73 developing countries.....	127
Effect of serum total testosterone on progression of hyperglycemia; a multi-state modeling of follow-up data.....	128
A Latent Class Analysis of Metabolic Syndrome among adults in relation to incidence of Cardiovascular Disease: Tehran Lipid and Glucose study.....	129
Determination of spatial-temporal pattern of Smear-positive pulmonary tuberculosis in Iran between 2001 - 2015 using BMY	130
RABIT: A new approach for data quality and integrity.....	131
Indirect Estimation of Student Marijuana Consumers' Population in Hamadan City using PRM and NSU Methods	132
Predictors of Death and Discharge in Intensive Care Unit: A Competitive Risk Model.....	133
Validity and reliability of the Persian version of the Adverse Childhood Experiences Abuse Short Form	134
Discovering the etiology of suicide in Iran using Causal Layered Analysis	135
A Bayesian spatial Poisson disease mapping model for evaluating neonate"s congenital hypothyroidism between 2011 and 2018 in Guilan, Iran	136

۱۳۳ پنل پنجم: اپیدمیولوژی های بیماری های غیر واگیر.....

۱۳۹.....	روند شاخص های مرگ زودرس ناشی از چهار بیماری اصلی غیر واگیر در ایران طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵
۱۴۰.....	مصرف اپیوم به عنوان یک عامل خطر مستقل در ارتباط با سرطان پانکراس، یک مطالعه مورد شاهدی
۱۴۱.....	توزیع مکانی مناطق پرخطر و کم خطر حوادث رانندگی منجر به جرح مرتبط با عابران پیاده در منطقه ۶ شهر تهران
۱۴۲.....	سن اولین تجربه مصرف سیگار در نوجوانان با در نظر داشتن عوامل خطر والدی مرتبط با آن: مطالعه آینده نگر قند و لیپید تهران
۱۴۳.....	بررسی وضعیت مراجعات افراد مشارکت کننده در شهرهای پایلوت برنامه ایرپن
144	Prevalence of Chronic Neck Pain, Low Back Pain, and Knee Pain and Their Related Factors in Community-Dwelling Adults in Iran: A Population-based National Study
145	The environmental health catastrophe in Urmia Lake and asthma disease: a cohort study
146	Short and long-term Survival rate Following Myocardial Infarction and its Predictive Factors: a Study Using National Registry Data
147	Prevalence of osteoporosis among the elderly population of Iran and related risk factors: The Bushehr Elderly Health (BEH) Program.....
۱۴۸.....	بار سرطان ها در یک نمونه از جمعیت ایران از سال ۱۳۹۶-۱۳۹۰: مطالعه موردی استان کردستان
۱۴۹.....	بررسی اپیدمیولوژی کارسینوم سلول بازال در استان کردستان از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸
۱۵۰.....	تاثیر هورمون تراپی و عوامل موثر بر باروری بر ابتلا به سرطان پستان در زنان کمتر از ۵۰ سال
۱۵۱.....	الگوهای غذایی و خطر سرطان پستان: مطالعه مورد شاهدی در غرب ایران
۱۵۲.....	بررسی اتیولوژی نارسایی های پیشرونده کلیوی منجر به همودیالیز
۱۵۳.....	داروها و مواد مخدر شایع ترین علت مسمومیت: یک مطالعه موردی در بیمارستان بهارلو



- ۱۵۴ بررسی ارتباط بین کیفیت زندگی مرتبط با وضعیت سلامت دهان در دانش آموزان ۸ تا ۱۰ ساله شهر شیراز در سال ۱۳۹۶
- ۱۵۵ بررسی عملکرد زنان ۳۵-۵۵ ساله شهرستان سیرجان در خصوص پیشگیری از پوکی استخوان بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی
- ۱۵۶ روش شناسی و ابزار نظام مراقبت و پیشگیری از رفتارها و عوامل مداخله آمیز سلامت دانش آموزان (پیمایش کاسپین) اجرا شده در ایران
- ۱۵۷ الگوی اپیدمیولوژی توزیع سنی و جنسی ۵ علت اول مرگ در جمهوری اسلامی ایران طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵
- ۱۵۸ ارزیابی روایی و پایایی نسخه فارسی چک لیست رفتار خطر آفرین کودک (IBC)
- ۱۵۹ اپیدمیولوژی سرطان کلورکتال در ایران : یک مطالعه مروری و متاآنالیز
- ۱۶۰ بررسی هزینه انسولین در افراد مبتلا به دیابت وابسته به انسولین کمتر از ۱۹ سال استان فارس بر اساس نسخه های تجویز شده حاوی انسولین
- ۱۶۱ کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه
- ۱۶۲ بررسی الگوی مرگ ناشی از بیماری های غیر واگیر در ایران طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵
- ۱۶۳ تعریف جدید فشار خون بالا بر اساس راهنمای بالینی کالج کاردیولوژی آمریکا/انجمن قلب آمریکا بر روی شیوع فشار خون بالا ی ایرانیان
- ۱۶۴ بررسی شیوع سندرم روده تحریک پذیر در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۹۴
- ۱۶۵ بررسی عوامل مرتبط با کیفیت زندگی در ساکنان حاشیه شهر مشهد
- ۱۶۶ سیمای اپیدمیولوژیک و تحلیل جغرافیایی مرگ کودکان کمتر از ۵ سال در استان اصفهان در فاصله سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۰
- ۱۶۷ شیوع اعتیاد به اینترنت و ارتباط آن با سلامت روان در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر بوشهر در سال ۱۳۹۷
- ۱۶۸ مقایسه شیوع نوزادان نارس و کم وزن در نژاد ایرانی و افغانی در زایشگاه نیک نفس رفسنجان در سال ۱۳۹۰
- ۱۶۹ بررسی ارتباط افسردگی و اضطراب با کنترل دیابت در بیماران دیابتیک مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی ارومیه
- ۱۷۰ بررسی بروز و عوامل مرتبط با ناهنجاری مادرزادی در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۵
- ۱۷۱ بررسی ارتباط بین سروپا:یتیمی هلیکوباکتر پیلوری با استئوپروز در خانم های یائسه
- ۱۷۲ استفاده از داروهای گیاهی در دوران بارداری
- ۱۷۳ بررسی نیازهای آموزش سلامت در سالمندان تهران؛ مطالعه کیفی
- ۱۷۴ الگوهای غذایی و خطر سرطان پستان: مطالعه مورد شاهدی در غرب ایران
- ۱۷۵ تاثیر برخی عوامل سبک زندگی روی کیفیت زندگی مرتبط با پوکی استخوان
- بررسی میزان توافق بین یافته های آزمایشگاهی مصرف آمفتامین با خوداظهاری شفاهی بستگان متوفیان ناشی از عوارض مصرف مواد مخدر و روانگردان
- ۱۷۶ ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی
- ۱۷۷ بررسی شش ساله علل تغذیه با شیر مصنوعی در کودکان زیر یکسال تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ۹۷-۹۲
- ۱۷۸ بررسی وضع نابرابری جغرافیایی و اجتماعی- اقتصادی در مرگومیر ناشی از سوانح ترافیکی در اجساد ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی کشور
- بررسی وضعیت شاخص های بهداشت، ایمنی و محیط زیست در برخی از مجموعه های سازمانی شهرداری تهران: چالش ها، نقاط ضعف و قوت و راهبردهای
- ۱۷۹ اصلاحی
- ۱۸۰ بررسی ۹ ساله مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۵۹ تا ۱ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
- ۱۸۱ بررسی پرتوزایی گامای طبیعی و برآورد خطر مازاد ابتلاء به سرطان ناشی از آن در ساکنان شهر قزوین در سال ۱۳۹۷
- ۱۸۲ شیوع بیماری تالاسمی ماژور در منطقه سیستان
- ۱۸۳ بررسی اپیدمیولوژیک کودکان مبتلا به سرطان مراجعه کننده به بخش انکولوژی کودکان ارومیه
- ۱۸۴ طراحی و استاندارد سازی پرسشنامه ارزیابی کیفیت زندگی زنان یائسه



- ۱۸۵..... تبعیت از درمان پرفشاری خون و تعیین کننده‌های آن در بیماران مبتلا به پرفشاری خون: یک مطالعه تک مرکزی در ارومیه
- ۱۸۶..... آیا مصرف ایپوم در ارتباط با افزایش خطر سرطان ریه می باشد؟ یک مطالعه مورد شاهدهی
- ۱۸۷..... میزان بقا بیماران مبتلا به سرطان معده دارای متاستاز دوردست در استان آذربایجان غربی
- ۱۸۸..... تاثیر مداخله آموزشی براساس مدل اعتقاد بهداشتی در اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در دانش آموزان
- ۱۸۹..... بررسی اپیدمیولوژی جغرافیایی کم کاری تیروئید نوزادی در استان کرمان طی سه سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲ با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی
- ۱۹۰..... نتایج بسیج ملی کنترل فشار خون بالا در استان گلستان
- ۱۹۱..... بروز استاندارد شده سنی سرطان لنفوم غیر هوچکین در ایران: یک مرور سیستماتیک و فراتحلیل
- ۱۹۲..... برآورد شاخص مرگ مادر در ایران در سال های ۸۹ تا ۹۳ با روش صید- باز صید
- ۱۹۳..... بررسی شیوع سردرد تنشی و میگرنی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۳
- ۱۹۴..... بررسی عملکرد جنسی زنان شهر تهران و عوامل پیش گویی کننده
- ۱۹۵..... مرگ بدلیل مسمومیت های غیر عمد در استان اردبیل بعنوان یکی از شاخص های مرتبط با سلامت توسعه پایدار از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶
- ۱۹۶..... ارزشیابی نحوه مراقبت بیماران دیابتی تحت پوشش مراکز دیابت و کلینیک‌های تخصصی بیمارستان‌های ایران در سال ۱۳۹۷
- ۱۹۷..... ناامنی غذایی و عوامل موثر بر آن در خانوارهای دارای کودک زیر ۵ سال شهرستان کلبر
- ۱۹۸..... اپیدمیولوژی سرطان پروستات و عوامل بروز تغییر در روند آن در شمال غرب کشور
- ۱۹۹..... بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان در معتادان مراجعه کننده به مراکز درمان اعتیاد شهر اصفهان
- ۲۰۰..... سرمایه اجتماعی در ساکنین حاشیه شهر مشهد- یک مطالعه مبتنی بر جامعه
- ۲۰۱..... بررسی استرس و پرخاشگری در بیماران مبتلا به دیابت
- ۲۰۲..... اپیدمیولوژی سرطان معده در استان آذربایجان غربی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲
- ۲۰۳..... بررسی ارتباط وضعیت اقتصادی- اجتماعی با کنترل فشار خون در بیماران مبتلا به فشارخون بالا در استان لرستان در سال ۱۳۹۴
- ۲۰۴..... بررسی عوامل خطر سرطان پستان در زنان ایرانی
- ۲۰۵..... بررسی عوامل اپیدمیولوژیک بستری نوزادان در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان شهیدصدوقی یزد درسال ۹۶
- ۲۰۶..... بررسی میزان شیوع استرس حاد بعد سانحه و عوامل موثر بر آن در کودکان دارای تجربه حادثه ترافیکی در تهران
- ۲۰۷..... بررسی اپیدمیولوژیک حوادث مراسم چهارشنبه سوری ایران در سال ۹۶
- ۲۰۸..... ارزیابی ریسک سلامت مواجهه احتمالی با فلزات سنگین و شبه فلزات رسوبات سطحی دریاچه ارومیه
- ۲۰۹..... بررسی همبستگی بین کیفیت زندگی و سلامت عمومی در معتادان تحت درمان با مواد نگهدارنده
- ۲۱۰..... اسرار نوروفیبروماتوز
- ۲۱۱..... شیوع سرطان کولورکتال در اقوام درجه یک بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال
- ۲۱۲..... بررسی اپیدمیولوژی کارسینوم سلول بازال در استان کردستان از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸
- ۲۱۳..... لزوم توجه بیشتر به شناسایی و درمان پرفشاری خون در افراد با درآمد پائین جامعه
- ۲۱۴..... ارتباط بین بروز پرفشاری خون با شاخص های تن سنجی در افراد ۳۵-۶۵ ساله: دو سال فالوآپ
- ۲۱۵..... شیوع بالای دیابت در جمعیت با درآمد کمتر: یک مطالعه مبتنی بر جمعیت در استان کردستان
- ۲۱۶..... تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در ایجاد رفتار خود آزمایی پستان در زنان بالای ۳۰ سال شهرستان سیرجان در سال ۱۳۹۵
- ۲۱۷..... بررسی تاثیر قرص ویتامین B6 در ترکیب با کلسیم بر علائم سندرم قبل از قاعدگی در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان دیواندره



۲۱۸.....	۱۳۸۸-۱۳۹۶	فراوانی خودکشی موفق و ناموفق در شهرستان دیواندره سال های ۱۳۸۸-۱۳۹۶	۲۱۸
۲۱۹.....	۱۳۹۷	بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در کشاورزان زن شهرستان سیرجان	۲۱۹
۲۲۰.....	۱۳۹۷	غربالگری در نوزادان	۲۲۰
۲۲۱.....	۱۳۹۷	تومور ویلمز، دردی با تجربه کودکانه	۲۲۱
۲۲۲.....	۱۳۹۷	مشکلات اجتماعی در کودکان چاق و دارای اضافه وزن	۲۲۲
۲۲۳.....	۱۳۹۷	دیابت زنان و رابطه آن با کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی آن ها و سایر اعضای خانواده: یافته های مطالعه قند و لپید تهران	۲۲۳
۲۲۴.....	۱۳۹۷	بررسی اپیدمیولوژی سرطان کولورکتال و عوامل وابسته به آن در جمعیت استان آذربایجان غربی (۱۳۹۷)	۲۲۴
۲۲۵.....	۱۳۹۶	بررسی اپیدمیولوژی تب مالت و عوامل بروز آن در استان آذربایجان غربی در سال (۱۳۹۶)	۲۲۵
۲۲۶.....	۱۳۹۷	بررسی اپیدمیولوژی مسمومیت افراد مصرف کننده ترامادول مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی (۱۳۹۷)	۲۲۶
۲۲۸.....	۱۳۹۷	بررسی علل مرگ و میر در مراجعین به مرکز آموزشی درمانی سینای تبریز در سال ۱۳۹۷	۲۲۸
۲۲۹.....	۱۳۹۳	بررسی وضعیت تحرک بدنی و راه کارهای ارتقای آن در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی یزد ۱۳۹۳	۲۲۹
۲۳۰.....	۱۳۹۷	بررسی اپیدمیولوژی عقرب زدگی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۹۷	۲۳۰
۲۳۱.....	۱۳۹۵-۹۶	بررسی تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر تشخیص دیر هنگام بیماری اندومتریوز در سال های ۹۶-۱۳۹۵	۲۳۱
۲۳۲.....	۱۳۹۷	اعتیاد به اینترنت و عوامل روان شناختی مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز	۲۳۲
۲۳۳.....	۱۳۹۷	برآورد کم شماری سوانح ترافیکی منجر به مرگ در ایران	۲۳۳
۲۳۴.....	۱۳۹۷	آیا مصرف سیگار با کاهش فشارخون همراه خواهد بود؟	۲۳۴
۲۳۵.....	۱۳۹۷	بررسی اثر سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت بر کیفیت زندگی سالمندان بالای ۶۰ سال شهر زاهدان در سال ۱۳۹۷	۲۳۵
۲۳۶.....	۱۳۹۷	تعیین مولفه های موثر بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی تحت پوشش معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی-۱۳۹۷	۲۳۶
۲۳۷.....	۱۳۹۷	بررسی میزان بقا و عوامل مرتبط با آن در بیماران مبتلا به سیروز کبدی در استان کردستان	۲۳۷
۲۳۷۳.....	۱۳۹۷	ارتباط بین میزان بروز حوادث ترافیکی موتورسیکلت با میزان رشد اقتصادی استان های کشور: مطالعه بوم شناختی	۲۳۷۳
The Prevalence of Cigarette Smoking in Iranian Adolescents and Young Adults: A Systematic Review and Meta-Analysis.....			239
The prevalence of Peyronie's disease in diabetic patients, Yazd, 2018.....			240
Short and long-term myocardial infarction Survival rate in Islamic Republic of Iran: a study using national registry data in 2013-2014.....			241
Urbanization levels and its association with prevalence of risk factors and Colorectal Cancer Incidence.....			242
Comparison of prevalence of congenital hypothyroidism and related factors between Nahavand and Kashmar cities in 2016-2017 (Respectively in the west and east of Iran).....			243
Association between the new anthropometric indexes and coronary artery disease: which of those is the best predictor?.....			244
Assessment the Relationship between stress exposure during pregnancy and occurrence of Congenital Heart Disease: a Case-control study in southeast of Iran.....			245
Relationship between Incidence of Motorcycle Crashes and Economic Development in Iran: An Ecological Study.....			246
A case control study of Association between Stressful Life Events and Suicide.....			247
The patterns of Non-communicable Disease Multimorbidity in Iran: A Multilevel Analysis.....			248



Association of dietary patterns with continuous metabolic syndrome in children and adolescents; a nationwide propensity score-matched analysis: The CASPIAN-V study	249
The Relative incidence of Leukodystrophies in Tehran Province	250
The Incidence of Testicular Cancer in Iran from 1996 to 2017: A Systematic Review and Meta-analysis	251
The incidence of laryngeal cancer in Iran: A systematic review and meta-analysis.....	252
The Effect of Dietary Inflammatory Index on hypertension; Results from RaNCD Cohort Study	253
Global and Regional Prevalence of Hepatitis C in HIV-Positive Prisoners: A systematic review meta-analysis	254
Patterns of Obesity and Overweightness in the Iranian Population: Findings of STEPS 2016	255
Prevalence and correlates of fear of falling among elderly population in Varamin in 2019.....	256
Joint disease mapping of breast, uterine and ovarian cancers in cities of Isfahan province using spatial shared component model	257
Age-standardized Sex specific Incidence rate of hypertension in Iranian adults.....	258
Systematic Review of the Risk Factors of Thyroid Cancer in Iran.....	259
The Association between Incidence and Mortality from Cancer and Human Development Index (HDI)	260
The incidence rate of diabetes mellitus (type II) and its related risk factors: A 10-year longitudinal study of Yazd Healthy Heart Cohort (YHHC), Iran	261
The incidence of hearing loss and its associated factors among newborns in Fasa, 2018-2019	262
Psychological Disorders Arising from Problems of Appearance and Its Predictors in Burn Patients	263
Survival Analysis of Patients with Colorectal Cancer Undergoing Combined Treatment	264
Epidemiology and determinants of self-injury among high school students in Iran: A longitudinal study	265
The validity of self-reported smoking in a population-based study:.....	266
Results from the pilot phase of Azar cohort study.....	266
Epidemiological evaluation of colorectal cancer screening with positivity to fecal immunochemical tests: National Plan Results of IRAPEN.....	267
The Associations between Noise Annoyance and Psychological Distress with Blood Pressure in Children and Adolescents: The CASPIAN-V Study	268
The relationship between Internet addiction and loneliness worldwide: A systematic review	269
The association of cognitive dysfunction and osteosarcopenia in old age: The Bushehr Elderly Health program....	270
Sleep quality and the risk of recurrent aphthous stomatitis: A prospective cohort study among Spanish students ...	271
Metabolic Syndrome and Risk of Colorectal Cancer: A Case Control Study	272
Diabetes incidence and influencing factors in women with and without gestational diabetes mellitus: A 15 year population-based follow-up cohort study	273
A Survey of Leading Causes of Injury and Violence in South-East Iran	274
Investigation the role of traffic police function in reducing the disparities in mortality from road traffic accident ..	275
Frequency of Child Abuse in Iranian Children: A systematic Review and Meta-analysis	276
Epidemiological Findings in Methanol Poisoning Outbreak in Iran 2018.....	277
Trend of crude mortality rate due to drowning in Iran	278
Epidemiological trends of oral cavity cancers in Kurdistan Province in 2001-2017	279
Investigation of survival rate in locally advanced breast cancer patients in two groups of Chemotherapy neo-adjuvant and adjuvant referred to the comprehensive cancer center of SBMU (2008-2018).....	280
Dyslipidemia and its components across body weight categories among type II diabetic patients	281



Estimating the cure proportion of colorectal cancer and related factors after surgery in patients: using parametric cure models	282
The risk of gestational diabetes mellitus by pre-pregnancy BMI: A Systematic Review and Meta-Analysis.....	283
HIV-Related Stigma among Healthcare Providers in Different Healthcare Settings- A cross-sectional study	284
The effect of dairy consumption on the prevention of cardiovascular diseases: A meta-analysis of prospective	285
Subgroup dairy products consumption on the risk of stroke and CHD: A systematic review and meta-analysis	286
Risk Factors of Gastric Cancer: A Case-Control Study in the west of the Iran	287
Factors Affecting Nutritional Behaviors of ageing population based on BASNEF Model: Sanandaj, Iran	288
Determinants of Child Safety Seat Use among Parents in an International Safe Community, Tehran, Iran	289
Epidemiological aspects of Cystic Echinococcosis among Children in Lorestan Province, Western Iran.....	290
The Perception of Carrying a Weapon to School by Students in Iran	291
Some epidemiological aspects of cutaneous leishmaniasis in Aran va Bidgol city, central Iran 2009-2016.....	292
Epidemiology of common cancers in Dezful County	293
Estimation of the factors relation of End Stage Renal Disease patient's survival Using Competing Risk Model	294
Pattern of tobacco use in Iranian Adults, 2016 national household survey	295
The Global Gender-Specific Under 5 Mortality Rate from 1990 to 2018: A Functional Data Analysis	296
Comparison the quality of sleep between cardio-vascular patients and non-patients 2014	297
Trends in health burden of untreated water and insanitary environments in Iran, 1990-2010: Findings from the global burden of disease study 2010.....	298
The Trend of National and provincial Burden of gastric cancer in Iran 1990-2017	299
The dementia's disease in Iran: A systematic review and Meta-analysis	300
Validation of the Persian version of Parent Supervision Attributes Profile Questionnaire (PSAPQ)	301
Study of frequency and outcome of burn types in Sina hospital inpatients, 2018	302
The Effect of Insulin Therapy on Cardiovascular Disease in Diabetic Type II Patients Using Doubly Robust Propensity Score Method.....	303
A review on congenital hypothyroidism screening program outcomes in Tehran Province	304
Optimal Cut-Offs Values for Body Fat for identifying metabolic syndrome in Adults; Results from RaNCD	305
Factors Associated with Overweight and Obesity in Adults using Structural Equation Model: Mediation effect of Physical Activity and Dietary Pattern	3051



Evaluation of Factors Associated with Obesity of Menopause Women in RaNCD Cohort Study: Structural Equation Model Analysis	3052
The survival rate of patients with Beta Thalassemia Major: A systematic review and meta-analysis.....	3063
The Incidence and Epidemiology of Hepatocellular Carcinoma: National and Subnational Perspective of Iran.....	309
The role of environmental factors on the intensity of pedestrian traffic accidents in Tehran city	310
Validation of Persian HeartQoL questionnaire in Iranian patients with myocardial infarction.....	311
Association between circulating 25-hydroxyvitamin D and cardiovascular diseases: A meta-analysis of prospective cohort studies	312
Gastric cancer data analysis in Iran 2005-2015	313
Incidence of Breast and Cervical Cancers in Isfahan Province, Iran, in 2018: Results of a Screening Program for Women	314
Comparison of Risk Factors for Pedestrian Fatality in Urban and Suburban Traffic Accidents	315
Factors related to pedestrians mortality following road traffic accidents in Tehran and Alborz Provinces, Iran	316
Factors affecting recurrence and costs of Basal Cell Carcinoma undergoing Mohs Micrographic Surgery: A hospital base retrospective cohort study.....	317
Evaluating the Rising Secular Trends of Incidence and Partial Prevalence of Colorectal Cancer in Iran	318
Is Iran going to achieve the Sustainable Development Goals for Non Communicable Diseases?	319
Earn life skills, the necessity of the world today	320
An Epidemiological Study of Traumatic Spinal Injuries in Iranian Patients from 2007 to 2017	321
An Overview on Research Activities of Sarcopenia in Iran	322
Mental Health Problems in Iranian Adolescents: Multilevel Analysis	323
The Impact of Opioids on Extend of Coronary Vessel Involvement in diabetic patients who underwent coronary angiography	324
Evaluation of anxiety and fear about anesthesia in adults undergoing surgery with general anesthesia	325
Assessment of Chronic Headache in Men and Women: Results from RaNCD Cohort Study	326
Prevalence and Risk Factors for HBV and HCV among Incarcerated People Who Inject Drugs (PWID) in Iran	327
Comparison of Cinnamon and Ginger Effects on Dysmenorrhea and PMS in Students of Shoushtar School of Medicine in 2015	328
Diabetes Management in a sub sample of Kurdish population: results from Ravansar Non-Communicable Disease Cohort Study.....	329
Prevalence, awareness, treatment, and control of hypertension and their determinants: Results from the Ravansar cohort study	330
The prevalence of depression among breast cancer survivors in Iran: A Systematic Review and Meta-analysis	331
Association of food habits with obesity in a sample of Iranian adults.....	332
The factors associated with infant mortality due to congenital anomalies: A population-based case-control study	333
Investigating the effect of socio-economic inequality on adult food intake: evidence from Ravansar Cohort Study.	3339
Does Socioeconomic Status Affect Fruit and Vegetable Consumption? Evidence from a Cohort Study in West of Iran	33330
The effect of socio-economic inequality on the quality of nutrition: Evidence from Ravansar Cohort Study.....	331
The trend of changes in the mortality of non-communicable diseases in Iran during 2000-2016	33332



Epidemiological profiles of mortality due to drug and chemical poisoning in patients referred to Baharloo hospital in Tehran (2011-2014).....33433

۳۳۹ کمپین ملی کنترل فشارخون، فرصت‌ها، تهدیدها و آموخته‌ها

۳۴۰ روند عوامل خطر قلبی-عروقی در افراد دیابتی در مقایسه با جمعیت عمومی در ایران، ۲۰۱۶ - ۲۰۰۷

۳۴۱ مطالعه بار بیماری‌ها، سوانح و حوادث و عوامل خطر در سطوح ملی و فروملی (NASBOD)

۳۴۲ مطالعه کوهورت چشم شاهرود (Shahroud Eye Cohort Study)

۳۴۳ مطالعه کوهورت چشم دانش آموزان شاهرود (Shahroud Schoolchildren Eye Cohort Study)

۳۳۹ پنل ششم: پایان نامه های منتخب اپیدمیولوژی

۳۴۵ تحقق اهداف توسعه پایدار در بیماری های غیرواگیر در سطوح ملی و فروملی: مدلسازی با برآورد مبتنی بر سناریو

۳۴۶ بررسی عوامل مرتبط با سوختگی با استفاده از الگوریتم‌های طبقه‌بندی در داده‌کاوی و برآورد کسر قابل انتساب جمعیت در کودکان استان کرمانشاه

برآورد اثرات حاشیه ای (marginal effect) فاکتورهای مرتبط با سبک زندگی در ابتلا به اسکروز منتشر با استفاده از stratification score و propensity score: یک مطالعه مورد-شاهد مبتنی بر جمعیت

۳۴۹ شناسایی کلاس‌های پنهان اجزای سندرم متابولیک و بررسی اثر برنامه مداخله‌ای در تغییر این کلاس‌ها در طول زمان در مطالعه TLGS با استفاده از Latent Class Analysis و Latent Transition Analysis

۳۵۱ گونه شناسی رفتارهای پرخطر جنسی در زنان تن فروش مراجعه کننده به مراکز مشاوره بیماری های رفتاری

۳۵۲ بررسی نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در چاقی، عدم تحرک، رژیم غذایی نامناسب و عوامل مرتبط در کودکان شهر سنج در سال

۳۵۳



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



خلاصه مقالات



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



پنل اول

جایگاه اپیدمیولوژی در نظام سلامت و توسعه پایدار



جایگاه اپیدمیولوژی در نظام

سلامت و توسعه پایدار



بررسی ارتباط فقر در کودکی و وضعیت سلامت روان در بزرگسالی - نتایج حاصل از فاز اول کوهورت کارمندان دانشگاه علوم پزشکی تهران

سخنرانی

احمد مهری، ولی بایگی، دانیال رحیمی، سحرناز نجات*

saharnaznedjat@gmail.com

مقدمه و هدف: یکی از عوامل موثر بر سلامت، وضعیت اقتصادی و فقر است. وضعیت فقر دوران کودکی افراد از جمله این نشانگرهای اقتصادی-اجتماعی است. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط وضعیت فقر دوران کودکی با شاخص های سلامت روان در بزرگسالی می باشد.

روش کار: این مطالعه مقطعی روی ۲۰۶۲ نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد. وضعیت افسردگی، استرس و اضطراب با استفاده از پرسشنامه استاندارد DASS-42 اندازه گیری شد. برای سنجش وضعیت فقر دوران کودکی از یک سوال خود ابراز استفاده شد. همچنین متغیرهایی دیگری شامل؛ سن، جنس، وضعیت تاهل و شاخص دارایی افراد نیز اندازه گیری شدند. برای تحلیل از رگرسیون خطی استفاده شد.

نتایج: نتایج نشان داد ۲۴/۶ درصد از مردان و ۳۳/۸ درصد از زنان درجاتی از افسردگی (خفیف، متوسط، شدید و یا خیلی شدید) را داشتند. همچنین ۳۲/۹ درصد مردان و ۲۹/۴ درصد زنان اضطراب خفیف، متوسط، شدید و یا خیلی شدید داشتند. ۳۶/۳ مردان و ۴۵/۲ درصد زنان نیز استرس خفیف، متوسط، شدید و یا خیلی شدید داشتند. طبق نتایج؛ مستقل از اثر وضعیت اقتصادی-اجتماعی کنونی افراد، وضعیت اقتصادی دوران کودکی با سلامت روان افراد در حال حاضر ارتباط داشت. به این صورت که افراد با وضعیت فقر دوران کودکی نامطلوب، سلامت روان نامطلوب تری داشتند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد افرادی با فقر شدیدتر دوران کودکی، افسردگی، استرس و اضطراب بیشتری دارند. بنظر می رسد برنامه ریزی های لازم برای بهبود سلامت روان این افراد باید مورد توجه واقع شود.

کلمات کلیدی: افسردگی، فقر کودکی، سلامت روان، اضطراب، استرس

بررسی وضعیت مصرف خودسرانه دارو و عوامل مرتبط با آن در شهر سنندج در سال ۱۳۹۷

سخنرانی

آرین آزادنیان*، ابراهیم قادری، نادر اسماعیل نسب، کامبیز حسن زاده، دائم روشنی، قباد مرادی

azadnia.a1989@gmail.com

مقدمه و هدف: سلامت یکی از پایه های اساسی حقوق انسان است. مصرف خودسرانه دارو به دلیل خطرات، عوارض، مرگ و میر و همچنین هزینه های بسیار سنگین آن در بودجه دارویی دولت ها، شرکت های بیمه و جمعیت عمومی از مسائل مهم به حساب می آید. با توجه به اینکه مصرف خودسرانه دارو در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران یکی از معضلات بهداشتی هست هدف مطالعه ما بررسی وضعیت مصرف خود سرانه دارو و عوامل مرتبط با آن در شهر سنندج در سال ۱۳۹۷ بود.

روش کار: این پژوهش مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی می باشد. در این مطالعه ۸۳۸ نفر از افراد مراجعه کننده به داروخانه های شهر سنندج مورد بررسی قرار گرفتند در ابتدا ۱۰ دارو خانه به صورت تصادفی انتخاب و از هر دارو خانه ۴۰ نفر از افراد مراجعه کننده به صورت در دسترس انتخاب و با موافقت آگاهانه وارد مطالعه شدند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه که شامل سه بخش قسمت اول اطلاعات دموگرافیک، قسمت دوم وضعیت مصرف خودسرانه دارو و قسمت سوم علل مصرف دارو بود، استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با کمک بسته نرم افزاری spss 20 و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

نتایج: شیوع مصرف خودسرانه دارو در شهر سنندج ۷/۷۳٪ بود. بیشترین دسته های داروی مصرف خودسرانه به ترتیب مسکن، آنتی بیوتیک، ضدالتهاب غیر استروئیدی، سرماخوردگی و گوارشی بودند. بیشترین بیماری که باعث مصرف خودسرانه دارو شده به ترتیب سردرد، سرماخوردگی، عفونت بود. ۱/۶۳٪ افراد استفاده قبلی از دارو و بهبود علائم، ۷/۵۴٪ به علت علائم جزیی بیماری، ۸/۵۳٪ دردسترس بودن هنگام نیاز ۶/۵۲٪ تهیه آسان دارو از داروخانه ها را علت مصرف خودسرانه دارو اعلام کرده بودند. بین مصرف خودسرانه دارو با متغیرهای شغل، سطح تحصیلات، گروه های سنی، بیماری خاص و مصرف سیگار ارتباط معنی دار داشت ($p < 0.05$)

نتیجه گیری: با توجه به مصرف بالای خودسرانه دارو در شهر سنندج لازم است برنامه های جهت آموزش و آگاهی مردم جهت مصرف خودسرانه دارو انجام شود. مصرف خود سرانه دارو یکی از نگرانی های مهم بهداشتی در جهان می باشد، سیاست گزاران سلامت باید ملاحظاتی انجام دهند تا مصرف خودسرانه دارو کاهش یابد.

کلمات کلیدی: مصرف خودسرانه دارو، عوامل مرتبط، سنندج



ORAL

National Cancer Mortality-to-Incidence Ratio (MIR) in Iran (2005-2014)

Atieh Akbari, Mohammad Esmaeil Akbari*

profmeakbari@gmail.com

Introduction: Cancer is the first cause of death followed by ischemic heart disease (IHD) and stroke, worldwide, with increasing 19.5 %years of life lost (YLL) due to cancer from 2007 to 2017. The cancer burden is steadily increased with decreasing 4.4% deathrate from 2007 - 2017. The incidence rate of cancer is twice to 3 times higher in developed countries with low mortality due to care regarding developing countries. Here, we report the 10 years' incidence and mortality of malignancies in Iran with different patterns compared to the other parts of the world.

Methods: Data of national cancer registry system from 2005 to 2014 were analyzed in order to find out the trend of age standardized incidence rate (ASIR)/age standardized mortality rate (ASMR)/ mortality to incidence ratio (MIR) in both sexes in Iranian population.

Results: Growing trend in ASIR for both sexes in all of the cancers were seen. ASMR decreased from 2005 to 2014 in both sexes with higher rate in males. MIR decreased by half in 2014 compared to 2005 regarding the increase of cancer in Iran.

Conclusions: In Iran, the incidence of cancer is increasing due to aging people and death is decreasing due to the good care of patient. So, it is a good sample of developing country, which is comparable with the developed ones.

Keywords: Mortality, Incidence, Cancer, Iran

ORAL

Iranian Epidemiologists urge to take the lead on sustainable development goals

Nayyereh Aminisani*, Morteza Shamshirgaran

aminisani_n@hotmail.com

Introduction: WHO will deliver soon the Global Action Plan for Healthy lives and well-being for all which emphasizes that ending poverty and other inequalities and spur economic growth must be in parallel to health and education improvement strategies while climate change and ageing are driving all. Iran is experiencing remarkable health transition hand- in- hand with ageing, socio-economic and environmental challenges. What can epidemiologists do in the new era of health challenges to contribute to sustainable development goals (SDGs) in Iran ?

Methods: We have overseen some recent national health actions to find out whether epidemiology considered as the foundation of our public health actions. We have also checked if the epidemiology curriculums make the future epidemiologists competent enough to take action as a public health leader and how much our epidemiology training is taking into account the ageing of the population, burden of diseases, climate changes, and social epidemiology. We propose how we can improve the current situation.

Results: In the era of profound health changes and threats and a desperate need for providing rigorous data, modelling and analysis to respond to public health needs, epidemiology is not appreciated fundamentally in our health system. Besides, our students are also not training accordingly to take a leadership role, and there is still a gap between the current curriculum and the current health issues .

Conclusion: The gap was considerable; we propose to form a “National Epidemiology Committee” and curriculum revision to take the lead in public health actions and to meet the SDGs.

Keywords: *Sustainable development goals, epidemiology, curriculum, public health*



ORAL

Development and Implementation of a Multi-year National Health Survey Plan (MNHSP) in Iran (2018-2021)

Elham Ahmadnezhad*, Zhale Abdi

elhamahmadnezhad@gmail.com

Due to the end of the time period announced in the first plan, and completing the time period of the MDGs that has been replaced with Sustainable Development Goals (SDGs), reviewing and editing of the second edition is necessary. The second edition has been developed aiming to review the multi-year health survey plan with the approach to supplying necessary information in SDGs (2018-2021). Therefore, the new edition of the plan sets out to cover international commitments to achieve SDGs and universal health coverage (UHC) and initially reviews all relevant international programs and indicators of these programs. The selected surveys are divided into three groups: Group 1, Group 2 and Group 3. Based on these three groups, the priorities of surveys are determined. The NIHR has the leading role in carrying out the whole plan as well as every single survey; although no survey will be directly implemented by the NIHR since, they are assigned to other centers. Through a specific request for proposals (RFP), all surveys are shared with the relevant research centers. Each survey contains 5 steps that include: Phase 1- Protocol Development; Phase 2- Piloting; Phase 3- Data Gathering; Phase 4- Final Report; and Phase 5- Knowledge Transition for Action.

Keywords: Sustainable Development Goal, Survey, Universal Health Coverage

An Epidemiological Study of Food Insecurity in Healthcare Centers Affiliated with Mashhad University of Medical Sciences

ORAL

Zahra Khosravi*, Ali Taghipour, Ehsan Mousa Farkhani, Monavar Afzal-Aghaee
khosraviz1@mums.ac.irt

Introduction: Food security and physical and financial access to ample and wholesome nutrients for the fulfillment of the nutritional needs are among the most basic needs of human beings and are regarded as a priority in the development objectives of all countries. This study aimed at an epidemiological review of food security in the healthcare centers affiliated with Mashhad University of Medical Sciences .

Method: This is a cross-sectional study of the food security, BMI, physical activity, education, smoking, hypertension, domestic violence and psychological status among 60625 mothers who referred to healthcare centers affiliated with Mashhad University of Medical Sciences between 2017 and June 2019. Food security was measured using the HFIAS scale. The relationships of the variables with food security were investigated using multinomial logistic regression .

Results: The mean age of the participants was 42.01 ± 14.3 years. Among the participants, 64.7% (N=39209) had food security; 25.3% (N=15321) of the participants suffered from mild food insecurity; 6.7% (N=4044) suffered from moderate insecurity and 3.4% (N=2051) suffered from severe food insecurity. Moreover, food insecurity was significantly associated with BMI, education, age and psychological status score, and smoking (OR=2.1) and lack of physical activity (OR=1.9) were associated with an increase in the odds of severe food insecurity.

Conclusion: As the results of this study indicate, most households enjoy good food security.

Keywords: *Epidemiology, Food Security, Mashhad*

ORAL

The effect of quitting water pipe smoking during pregnancy on newborn`s Anthropometric measurements at birth: a population-based prospective cohort study in South of Iran

Sharzad Nematollahi

shahrzadnema@gmail.com

Introduction: The effects of cessation of water pipe smoking during pregnancy on fetal growth is not yet investigated in Iran. The present study aimed to assess the effects of cessation of water pipe during pregnancy on birth anthropometric measures in suburban population.

Methods: Data came from a population-based prospective cohort study in suburban communities entitled "Bandar Abbas Pregnancy Cohort". Information of 1120 successful singleton deliveries (response rate=93.4%) was collected. Birth measures were recorded from vaccination card. Pattern of water pipe was categorized in: 1) mothers who never smoke water pipe (never smoker); 2) mothers who stopped water pipe during pregnancy and resumed it postpartum (quitters); 3) mothers who continued water pipe smoking regardless of their pregnancy (always smokers). Generalized Linear Models (GLMs) were utilized for analyses.

Results: Compared to never smokers, cessation of water pipe due to pregnancy would decrease mean birthweight by 99.30 grams (β :-99.30, 95%CI:-204.35,-5.75) and it would decrease additionally by 37.83 grams in always smokers (β :-137.13; 95%CI:-262.21,-12.05). The pattern of water pipe on mean birth length did not yield statistically significant effects. Mean head circumference would significantly increase by 0.79 centimeter in always smokers (β :0.79,95%CI:0.13,1.45).

Conclusion: Quitting water pipe during pregnancy could partially prevent infant growth impairment. Knowledge about the benefits of quitting smoking during pregnancy would be an added incentive to quit earlier for the women who struggle with this addiction.

Keywords: Water pipe smoking, birth anthropometry, prospective cohort study, Bandar Abbas

بررسی الگوی تغذیه ای بر اساس پرسشنامه یادآمد ۲۴ ساعته و عوامل موثر بر آن در منطقه دو هزار بندرعباس - بهمن ۱۳۹۷؛ به منظور تدوین برنامه عملیاتی

حجت رکنی

hojjat.rokni@gmail.com

مقدمه و هدف: ارزیابی سلامت جامعه (Community Health Assessment)، پایه و اساس بهبود و ارتقای سلامت ساکنان شهر است و نقش آن تعیین عوامل موثر بر سلامت و تعیین منابع در دسترس برای رفع این عوامل می باشد. هدف از انجام این مطالعه کمک به شناخت عوامل موثر بر الگوی تغذیه ای ساکنان منطقه دو هزار بندرعباس و آرایه برنامه عملیاتی به سیستم سلامت جهت بهبود الگوی تغذیه ای است.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی (توصیفی-تحلیلی) به منظور تشخیص اصلی ترین مشکل سلامت مردم در بهمن ماه ۱۳۹۷ بر روی ۲۲۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در منطقه دو هزار بندرعباس با ابزار پرسشنامه انجام شد.

نتایج: میانگین نمره سواد سلامت تغذیه ای افراد ۱۲ با دامنه ۱-۲۰ بوده و اکثر افراد سواد سلامت خوب (۴۸ درصد) و پس از آن عالی و ضعیف داشتند (به ترتیب ۳۸ و ۱۴ درصد). الگوی تغذیه ای با سن، جنس، تحصیلات و هزینه امرار معاش رابطه داشته و با نوع مالکیت مسکن ارتباط نداشت.

نتیجه گیری: نیازهای هر جامعه با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی، و اقتصادی آن جامعه متفاوت می باشد، ضروری است که برای بهبود وضعیت بهداشت و سلامت هر جامعه، شناسایی مشکلات مردم در هرمنطقه و اولویت بندی آنها با مشارکت و همراهی مردم همان جامعه تدوین گردد. تا از این راه بتوان در مسیر ارتقای سلامت و رسیدن به توسعه پایدار گام نهاد.

کلمات کلیدی: ارزیابی جامعه، بررسی الگوی تغذیه ای، برنامه عملیاتی، شهرستان بندرعباس، ایران

بررسی اپیدمیولوژیک وضعیت بیماران مبتلا به HIV/AIDS تحت پوشش مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر بندرعباس در سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴

حلیمه یعقوبی*، فاطمه ذولفی زاده، محسن رضائیان

lemer_2012@yahoo.com

مقدمه و هدف: همه گیری AIDS (سندرم نقص ایمنی اکتسابی) و HIV (ویروس نقص ایمنی انسانی) اکنون جدی ترین تهدید بهداشت عمومی در جهان محسوب می گردد. HIV با تاثیر بر سیستم ایمنی بدن انسان باعث آسیب و ابتلا به عفونت های فرصت طلب می شود. الگوی همه گیری این بیماری به شدت به رفتارهای پرخطر به عنوان یک عامل عمده در سطح اجتماع وابسته است. هدف از این مطالعه، بررسی اپیدمیولوژیک بیماران مبتلا به HIV/AIDS تحت پوشش مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر بندرعباس از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ می باشد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی که در سال ۱۳۹۵ انجام شد، ۴۲۶ نفر بیمار HIV مثبت دارای سن ۱۸ سال و بالاتر که طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ تحت مراقبت مرکز مشاوره بیماری های رفتاری شهر بندرعباس بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. اطلاعات دموگرافیک و اطلاعات مراقبت بالینی با استفاده از چک لیست محقق ساخته، توسط پرسنل مرکز مشاوره از پرونده بیماران استخراج گردید. داده ها با استفاده از آزمون های مجذور کای و دقیق فیشر تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: میانگین و انحراف معیار سنی بیماران $30/36 \pm 0/28$ سال بود، اکثر آن ها در گروه سنی ۱۸-۴۴ سال قرار داشتند و ۷۳ درصد (۳۱۱ نفر) مرد بودند. بیست و سه درصد (۹۲ نفر) بیماران در مرحله AIDS قرار داشتند. بیشترین نحوه آلودگی بیماران، اعتیاد تزریقی ۴/۶۲ درصد (۲۶۶ نفر) و بعد از آن رابطه جنسی ۵/۲ درصد (۱۸۱ نفر) بود.

نتیجه گیری: یافته های این بررسی نشان داد اکثر افراد مبتلا به HIV/AIDS، از طریق اعتیاد تزریقی دچار این بیماری شده اند. بنابراین، آموزش صحیح و مشاوره مناسب در پیش گیری و کنترل عوامل خطر این بیماری و کاهش بروز آن در جامعه موثر می باشد.

کلمات کلیدی: مطالعه اپیدمیولوژیک، سندرم نقص ایمنی اکتسابی، ویروس نقص ایمنی انسانی، بندرعباس

استقرار، پایش و ارزیابی نظام‌های ثبت بیماری در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

فاطمه فلاح عطاطلب، افشین زرقی، سعید صفری، کورش اعتماد*

etemadk@sbmu.ac.ir

مقدمه و هدف: رجیستری، "فایلی از اسناد حاوی اطلاعات واحد درباره افراد می باشد که با روشی سیستماتیک و جامع به منظور استفاده در راستای یک هدف علمی، بالینی یا سیاستی از پیش تعیین شده، جمع آوری شده است." با توجه به اهمیت ثبت بیماری ها و پیامدهای سلامت، مطالعه حاضر با هدف استقرار، پایش و ارزیابی نظام-های ثبت بیماری در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

روش کار: در ابتدا مکاتباتی با مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها و بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه انجام گرفت و جلساتی در این خصوص برگزار شد. سپس پروپوزال ها از افراد متقاضی دریافت، بررسی و تأیید شد و در نهایت به تأیید معاونت تحقیقات و فن-آوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسید. همچنین به منظور ارزیابی برنامه های ثبت، فرم گزارش سالیانه و فرم پایش تکمیل شد.

نتایج: در حال حاضر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با وجود ۶ برنامه ثبت مصوب در رتبه پنجم قرار دارد. این در حالی است که طی ۵ ماه پس از تشکیل دفتر ثبت بیماری ها در دانشگاه، این تعداد به ۲۳ مورد افزایش یافته و بیش از ۲۰ مورد دیگر در دست بررسی می باشد که موجب ارتقاء رتبه دانشگاه خواهد شد. همچنین مکاتبات انجام شده با بخش IT دانشگاه در خصوص اختصاص سرور و قابلیت اتصال داده های ثبت بیماری با داده های سامانه سیب، ثبت مرگ و HIS بیمارستانی، گام مهمی در راستای دسترسی آسان تر به اطلاعات می باشد.

نتیجه گیری: با راه-اندازی نظام-های ثبت بیماری جدید و پایش و ارزیابی نظام-های ثبت موجود، علاوه بر ارتقاء رتبه دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، می-توان برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های بهتر به منظور بهبود سلامت جامعه انجام داد.

کلمات کلیدی: ثبت بیماری، ارزیابی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



شناسایی نیازهای جامعه و اولویت بندی مشکلات بر پایه ارزیابی سلامت جامعه در منطقه بلوار

معلم و بروم پهنه شهر کرد

نیلای رضایی*، سکینه ایمانی، جمیله معارفی، مژگان قربانی، مریم السادات قائم فرد، علی احمدی

neilarezaei70@gmail.com

مقدمه و هدف: آنچه که مردم از نظام سلامت انتظار دارند، پاسخگویی به نیازهای مرتبط با سلامت آنان است. در تمدن نوین جلب مشارکت مردمی و هماهنگی بین بخشی از مهمترین راهکارهای توسعه در بخش های مختلف جامعه تلقی می شود. مهمترین هدف ارزیابی نیازهای جامعه، برنامه ریزی برای تغییر در جهت دستیابی به عدالت اجتماعی است (۱-۲-۵). اطلاعاتی که از ارزیابی نیازها به دست می آید و اولویت تعیین شده بر مبنای آن مهمترین ملاک برای تصمیم گیران خواهد بود، لذا جهت رسیدن به چنین هدفی به نظر می رسد استفاده از فرآیند رویکرد برنامه ریزی شده به سلامت و با کمک استفاده از تجربه جهانی بصورت سازمان یافته و متناسب با شرایط اجتماعی کشورمان راهکار مناسبی برای رسیدن به اهداف عالی به پایگاه تحقیقات توسعه و ارتقاء سلامت باشد (۳-۴). مطالعه حاضر با هدف اولویت بندی مشکلات منطقه بلوار معلم و بروم پهنه شهر کرد و بازخورد آن مشکلات به ذی نفعان و مسئولین جهت رفع مسایل قابل حل می باشد.

روش کار: برای ارزیابی جامعه از مدل های متفاوتی استفاده می شود که روش انجام این مطالعه برگرفته از مدل کارولینای شمالی است. مطالعه در سال ۹۶-۹۷ در منطقه بروم پهنه و میدان معلم شهر شهر کرد در ۸ مرحله انجام شد. مرحله اول تشکیل تیم ارزیابی جامعه است که شامل ۳ گروه مشاور، گروه کار و ناظر پروژه است. مرحله دوم اختصاص به جمع آوری داده ها دارد. داده های اولیه که داده های خام از جمعیت هستند توسط گروه کار به مدت ۲ هفته در منطقه توسط پرسشنامه محقق ساخته به تعداد ۴۰۰ فرم جمع آوری شد. در مرحله سوم داده های سلامت شهرستان تجزیه و تحلیل شد و با رسم نمودار برای هر شاخص مشکلات این شهرستان بهتر شناسایی شد. در مرحله چهارم داده های ثانویه حاصل از مرحله دوم و سوم با یکدیگر ترکیب و مقایسه شد. در مرحله پنجم تیم ارزیابی جامعه، اطلاعات و یافته های خود را در اختیار مردم قرار داد و نظرات آنان را با این گزارشات تلفیق کرد. مرحله ششم اختصاص به اولویت بندی مشکلات دارد. در مرحله هفتم تیم ارزیابی جامعه گزارش مستند فرآیند ارزیابی خود را همراه با نتایج آن تهیه و ارائه نمود. در مرحله هشتم برنامه عملیاتی بر اساس مشکلات اولویت بندی شده تهیه شد.

نتایج: اولویت بندی مشکلات بر اساس نمره میانگین چک لیست: ۱- گرانی مسکن و اجاره بها ۲- هزینه های زیاد دندانپزشکی ۳- بیکاری ۴- نبود یا دسترسی کم به دندانپزشک در مراکز درمانی ۵- وضع اقتصادی نامناسب ۶- شیوع بالای بیماریهای قلبی و عروقی ۷- روال طولانی دریافت وام خود اشتغالی ۸- بی اعتمادی در جامعه ۹- وجود مراحل طولانی کارهای اداری ۱۰- کافی نبودن سرویس بهداشتی ۱۱- مدیریت جمع آوری زباله ۱۲- اعتیاد ۱۳- افسردگی و بیماریهای روانی ۱۴- عرض کم خیابانها و کوچه ها ۱۵- کمبود روانشناس. نتیجه ماتریس به ترتیب اولویت: ۱. افسردگی و بیماری های روانی ۲. عدم مدیریت صحیح زباله ۳. مصرف دخانیات ۴. کمبود دندانپزشک ۵. بوی نامطبوع فاضلاب ۶. وجود حیوانات ولگرد

نتیجه گیری: علت وجود این مشکل در نمودار تیغ ماهی زیر مشخص شده و توجه به نکات زیر باعث کاهش یا از بین بردن این مشکل در این جامعه خواهد شد.

کلمات کلیدی: ارزیابی سلامت جامعه، نیاز سنجی، شهر کرد



The Relationship between Spiritual Development and Life Satisfaction among Students of Qom University of Medical Sciences

Azam biderafsh *, Zahra Aliakbarzadeh, Somayeh Salmani

abiderafsh@yahoo.com

Introduction: Having a spiritual perspective on life can have an effect on the optimism and individuals level of life satisfaction, and it is a protective factor against self-harm in life. The aim of this study was to investigate the relationship between spiritual development and life satisfaction in students of Qom University of Medical Sciences, Iran.

Methods: This cross-sectional study is part of study that was performed in Qom University of Medical Sciences, Iran, from February 2015 to July 2016 which accommodates 250 medical and paramedical students that were selected through systematic random sampling. Data collection tools were demographic, spiritual attitude and ability questionnaire and Diener's satisfaction with life scale. Data were analyzed using frequency, percent, Pearson correlation and linear regression analysis in SPSS 20 software.

Results: The Pearson correlation coefficient between spiritual attitude and life satisfaction ($R = 0.37$) at the level of $p < 0.001$ and between spiritual ability and addiction ($R = 0.34$) at the level of $p < 0.001$ was direct and meaningful.

Conclusion: The relationships between spiritual development and life satisfaction should be considered in university programs for the development of spirituality in the life of students in order to increase the life satisfaction.

Keywords: *Spiritual development · Spiritual attitude · Spiritual ability · Satisfaction · Students*



An Increasing Trend in the Blood Donation in Iran in Recent Years

Moslem Taheri Soodejani*, Ali Akbar Haghdoost, Abbas Sedaghat, Mohammad Reza Baneshi,
Farzaneh Zolala

moslem.taheri2009@yahoo.com

Introduction: This study is the first account of blood donation trend in Iran at a national level. We report different status of blood donation such as demographic status, type of donor, trend of donation and geographical distribution of blood donation in Iran between 2003 and 2017.

Methods: This study used data registered in the donor vigilance part of Iranian Blood Transfusion Organization (IBTO). Statistical analysis was carried out using SPSS (SPSS, Inc., Chicago, IL, USA) and Arc Map GIS Ver10.2 software. P value less than 0.05 was considered statistically significant.

Results: According to the results of this study, blood donation in Iran has reached more than 2 million units in 2017; in addition, it is predicted that Iran will achieve more than 29 donations per 1000 population in 2022. The average blood donation rate in 7 provinces was higher than the national average, and the growth rate average of their blood donation per population was positive, as well.

Conclusion: Based on the results of the current study, it appeared that there is an increasing trend toward blood donation in Iran during recent years. In the meantime, the largest share of donations is related to regular donors. The increasing proportion of regular and repeated donors has led to improve the quality and consequently the health level of donated blood.

Keywords: Blood Donors, Regular Donation, Iran.



Food security status and related factors among rural households in north of Iran

Maryam Shakiba*, Arsalan Salari, Marjan Mahdavi-Roshan

shakiba_mm@yahoo.com

Introduction: Food security (FS) defined as the status where “all people at all times have access to sufficient, safe, nutritious food to maintain a healthy and active life”(1). Based on studies, FS vary according to gender, ethnicity and geographical differences (2). Furthermore, economic status, social policies, income level, employment, and food availability can affect FS (3). Information on the population’s food insecurity is needed to develop policies, monitor changes and evaluate the impact of food programs (4). Little is known about food insecurity in the north of Iran. Therefore, the present study aimed to investigate the food insecurity status and possible associated factors in rural area of Guilan province, in the north of Iran

Methods: Cross-sectional study on rural population of Rasht County located at north of Iran. The food security of the household was measured by Persian validated Household Food Insecurity Access Scale (HFIAS). The HFIAS is composed of a set of nine questions scored from 0 to 3 with higher score indicating more food insecurity. Principal component analysis on household assets was used to define socioeconomic index. The first principal component was considered as the measure of socioeconomic condition. Socioeconomic index was calculated as sum of products of individual score by factor loading for the particular variable. Multivariate Ordinal logistic regression model were used to estimate adjusted odds ratio with 95% confidence interval

Results: The mean score of food security was 2.48 (SD=3.11, min=0, Max=18). About half of the respondents (50.8%) had experienced some degree of food insecurity (figure1). The socioeconomic index (SEI) was constructed using factor analysis on household properties (Table1). Table 2 shows the results of multivariate ordinal logistic model.

Conclusion: Food security status was independently associated with sex, age, depression status of the head of household, and having chronic patient in the household. Depression status render a bidirectional association with FS, as experience of food insecurity is a stressful life event. Visversa, food insecurity is linked to dietary inadequacy and specific nutrient deficiencies, that some of which are linked to depressive symptoms (6). In contrast with previous report, in our population woman head and head of households in 45 to 65 years of age were significantly less likely to experience food insecurity.

Keywords: food security, rural population, household, Iran



Prevalence of Ciprofloxacin-resistant *Klebsiella pneumoniae* in Iran: A Meta-Analysis (2007-2016)

Ghobad Morad i, Seyyede Maryam Bechashk *, Behzad Mohsenpour, Rashid Ramazanzadeh
 bechashkm@gmail.com

Introduction: Ciprofloxacin-resistant *Klebsiella pneumoniae* is one of the most important challenges in the public health and introduced by the WHO as important microbial resistance. This meta-analytical study was conducted to identify the prevalence of Ciprofloxacin-resistant *Klebsiella pneumoniae* during 2007-2016 in Iran.

Methods: Persian databases (including Magiran, and SID) and international databases (including PubMed, Sciencedirect, and Scopus) were searched during this period (2007-2016). In the selected studies, a specific laboratory method was not considered. All the methods used in the studies were used. Such that the high heterogeneity ($50\% < I^2$) in this study was analyzed using the DerSimonian Laird method. Data were categorized into subgroups based on year of study and province. Data analysis was performed using statsdirect software.

Results: Based on the available data in medical databases, 815 articles were selected. After reviewing and applying the inclusion criteria, the remaining 98 studies were meta-analyzed. In this study, the overall prevalence of Ciprofloxacin-resistant *Klebsiella pneumoniae* is 35.92% (95%: 31.14, 40.85) in 2016 it was 43.83% (95% CI: 42.03, 45.65), in 2007 was 19.84% (95% CI: 16.83, 23.13) the heterogeneity was estimated to be 96.1% (95% CI: 94.8, 96.9).

Conclusion: The prevalence of ciprofloxacin-resistant *Klebsiella pneumoniae* in Iran is high and its rate is increasing. And it is necessary to gain knowledge about the latest changes in its antibiotic resistance pattern in Iran.

Keywords: IRAN, Prevalence, AMR, *Klebsiella pneumoniae*, Ciprofloxacin, Meta-Analysis.

Prevalence of Ciprofloxacin-resistant Shigella in Iran: A Meta-Analysis (2007-2016)

Ghobad Moradi, Seyyede Maryam Bechashk*, Behzad Mohsenpour, Rashid Ramazanzadeh
 bechashkm@gmail.com

Introduction: Ciprofloxacin-resistant Shigella has been introduced by the WHO as one of the seven important dangerous microbial resistances in developing and developed countries. This meta-analytical study was conducted to identify the prevalence of Ciprofloxacin-resistant Shigella during 2007-2016 in Iran.

Methods: Persian databases (including Magiran, Irandoc, and SID) and international databases (including PubMed, Sciencedirect, and Scopus) were searched during this period (2007-2016). In the selected studies, a specific laboratory method was not considered. All the methods used in the studies were used. Such that the high heterogeneity ($50\% < I^2$) in this study was analyzed using the DerSimonian Laird method. Data were categorized into subgroups based on year of study and province. Data analysis was performed using statsdirect software.

Results: Based on the available data in medical databases, 577 articles were selected. : After reviewing and applying the inclusion criteria, the remaining 22 studies were meta-analyzed. In this study, the overall prevalence of Ciprofloxacin-resistant Shigella is 10.13% (95%: 6, 14.81) in 2016 it was 9 % (95%CI: 6, 14), in 2007 was 2 % (95%CI: 1, 5) the heterogeneity was estimated to be 89.9 % (95%CI: 82.8, 93.3).

Conclusion: The prevalence of ciprofloxacin-resistant Shigella in Iran is higher than that in developed countries, Europe and the United States. It is necessary to prioritize the interventions for reducing and combating the ciprofloxacin-resistant Shigella in the Iranian health plans by gaining knowledge about the latest changes in its antibiotic resistance pattern and preventing further prevalence of the microbe.

Keywords: IRAN, prevalence, AMR, Shigella, Ciprofloxacin, Meta-Analysis



Imipenem-resistant pseudomonas aeruginosa in Iran: A meta-analysis (2007-2016)

Ghobad Moradi, Seyyede Maryam Bechashk*, Behzad Mohsenpour, Rashid Ramazanzadeh
bechashkm@gmail.com

Introduction: Ciprofloxacin-resistant Shigella has been introduced by the WHO as one of the seven important dangerous microbial resistances in developing and developed countries. This meta-analytical study was conducted to identify the prevalence of Ciprofloxacin-resistant Shigella during 2007-2016 in Iran

Methods: Persian databases (including Magiran, Irandoc, and SID) and international databases (including PubMed, Sciencedirect, and Scopus) were searched during this period (2007-2016). In the selected studies, a specific laboratory method was not considered. All the methods used in the studies were used. Such that the high heterogeneity ($50\% < I^2$) in this study was analyzed using the DerSimonian Laird method. Data were categorized into subgroups based on year of study and province. Data analysis was performed using statsdirect software.

Results: Based on the available data in medical databases, 577 articles were selected. : After reviewing and applying the inclusion criteria, the remaining 22 studies were meta-analyzed. In this study, the overall prevalence of Ciprofloxacin-resistant Shigella is 10.13% (95%: 6, 14.81) in 2016 it was 9 % (95%CI: 6, 14), in 2007 was 2 % (95%CI: 1, 5) the heterogeneity was estimated to be 89.9 % (95%CI: 82.8, 93.3).

Conclusion: The prevalence of ciprofloxacin-resistant Shigella in Iran is higher than that in developed countries, Europe and the United States. It is necessary to prioritize the interventions for reducing and combating the ciprofloxacin-resistant Shigella in the Iranian health plans by gaining knowledge about the latest changes in its antibiotic resistance pattern and preventing further prevalence of the microbe.

Keywords: IRAN, prevalence, AMR, Shigella, Ciprofloxacin, Meta-Analysis



The impact of health reform in Iran on catastrophic health expenditures: equity and policy

Zhaleh Abdi, Elham Ahmadnezhad, Rezvaneh Alvandi*, Elham Abdalmaleki, Mahshad Goharimehr, Sahand Riazi Esfahani

rbiostat.alvandi@gmail.com

Introduction: Universal health coverage (UHC), defined as access to all required quality health services without financial hardship, is a key target included in the United Nations Sustainable Development Goals (SDGs). Progress towards this target is measured by the prevalence of Catastrophic Health Expenditure (CHE). CHE can occur at all income quintiles but is most severe in poor households and can cause households to forego the consumption of other necessary goods and services. This study aimed to conduct a detailed analysis of the impact of Health Transformation Plan (HTP) on Out Of Pocket (OOP) payments for health care among Iranian households, with a specific focus on catastrophic health expenditure.

Methods: We used data from two rounds—2013 and 2016—of the Household Expenditure and Income survey (HEIS), a nationally representative cross-sectional household survey conducted by the Iranian Statistics Centre (ISC), collected before and after implementation of the HTP. We estimate changes in the level and drivers of OOP payments, and the prevalence, intensity, and distribution of catastrophic health expenditures (CHEs) among Iranian households.

Results: Our results indicate that per capita OOP payments on health remained stable during the observed period, with the largest proportion of OOP payments spent on medicines. Using thresholds of 10% and 25% of total consumption, there was a slight increase in the prevalence of CHE.

Conclusion: These results suggest that while financial protection of the poor in Iran has improved due to the HTP, more work is needed to achieve UHC in Iran. For the next phase of health reforms, more emphasis should be placed on shifting away from OOP co-payments for health financing to progressive prepayment mechanisms to facilitate better sharing of financial risks across population groups.

Keywords: Out of pocket payments, catastrophic health expenditure, Health reform, Iran



Epidemiology of poisoning in dead children that referred to Legal Medicine Organization of Tehran, Iran (2014-2016)

Elham Bazmi

dr_elbazmi@yahoo.com

Introduction: Children are particularly susceptible to fetal and non-fetal poisoning because of their smaller size and less well-developed physiology, particularly as the toxicity of most abuse substances. Various substances can cause poisoning in children, and according to studies conducted, these substances vary from one part of the world to the next. In many studies, drugs have been presented as the most common cause of poisoning in children. Other studies have reported organophosphorus pesticides in farming, pesticide neurological system drugs and cleaning products, and kerosene as the most common causes. The purpose of this study is evaluation of postmortem toxicological findings in children that referred to Legal Medicine Organization of Tehran, Iran (2014-2016)

Methods: In this retrospective study, demographic information, causes, manner of death and toxicological results were examined in 272 children (less than 18 years) who has suspected death that need toxicological evaluation. Autopsy and scene investigation findings were studied and entered into a predesigned checklist. In this research, toxicological investigations were performed on biological samples by using thin layer chromatography as screening test and high pressure liquid chromatography and gas chromatography mass spectrometry as confirmation.

Results: In 49 cases with positive toxicological findings, 85% were male and 2% were less than one year of age. The mean age was 14.70 ± 5.05 years. Tramadol and Methadone were the most common substances (67%) which were found in them. Amphetamine, Methamphetamine and anticonvulsant drugs such as carbamazepine and diazepam were in the next grade. Amphetamine and Methamphetamine were detected in children older than 16 years. In recent years, consumption of methadone as syrup or tablet for relief of severe pain and addiction to it has been common in Iran. Methadone syrup is an oral solution of 5 mg/mL methadone hydrochloride. Dose of 1 mg/kg can lead to serious apnea and death. Unsafe keeping of this drug in water bottle can be wrong. Analyses showed no significant difference among age for other substances.

Conclusion: Toxicological results in postmortem children show the low mortality rate related to drug poisoning. By attention of drug analysis in death children, the abuse of opioids and drug related to them (tramadol and Methadone) can be considered as one of the major risk factors of death due to poisoning in children less than 18 years (especially less than 12 years) in Iran. Therefore, poisoning by them can be reduced through the use of effect prevention strategies.

Keywords: children, epidemiology, poisoning, death



Unnatural deaths among women of reproductive age in Isfahan Province, Iran, 2013-2017

Mostafa Barghi*, Najmeh Shakibaei, Jalal Karimi

mostafabarghi66@gmail.com

Introduction: Women in the age group of reproduction (14-49) are more vulnerable in our community, because they face stressors associated with menstruation and pregnancy, in addition to stressors that are common in the general population. Unnatural deaths in women of childbearing age indirectly affect the family and community with many psychological and socioeconomically consequences.

Methods: In this study, data were collected on all unnatural deaths among women of reproductive age who underwent a medicolegal forensic investigation performed from January 1, 2011, to December 31, 2015, in the Isfahan province. During this study period, 1,208 women underwent a forensic postmortem examination. Medical records and other investigative reports were also collected and reviewed on each case to see the pattern of cause and manner of deaths.

Results: The top three causes of death were road traffic accident 424 (35.1%) victims followed by burns 359 (29.7%), poisoning in 143 (11.8%) and hanging in 66 (5.5%) victims. The manner of death was suicide in 165(13%) cases, accident in 976(81%) cases and homicide in 47 (3.9%) cases. Manner of death distribution showed that burns and hanging were the most prevalent method of suicide among reproductive age group women.

Conclusion: Identifying at-risk people, stress coping strategies, suicide prevention campaigns, and promoting the accurate representation of suicide attempts in the media are some suggested strategies to prevent suicide. Programs to promote safer ways through public education may be a useful incident prevention strategy.

Keywords: Unnatural death, reproductive age, Isfahan



Health literacy and related factors in Afghan refugees of Kerman, Iran

Ghazal Mousavian*, Armita Shahesmaeili, Abedin Iranpour

ghazal_mousavian@yahoo.com

Introduction: Health literacy is one of the most important components of health self-management and health-related activities. Minority groups such as ethnic, racial groups and refugees are at higher risk of having low health literacy and consequently, poor health-related outcomes. The aim of the present study was to determine the level of health literacy and related factors in Afghan refugees of Iran.

Methods: This cross-sectional study was conducted on 346 Afghan refugees. The Health literacy was measured using the Persian Health Literacy questionnaire. Univariate and multivariate linear regression analysis were used to investigate factors related to health literacy.

Results: The mean (SD) age of participants was 33.1 ± 3.1 . The mean score of health literacy was 7.0 ± 4.5 out of 20. Health literacy was positively associated with the level of education (elementary school adjusted β ($A\beta$): 2.6, CI 95%: 2.0, 3.4, university $A\beta$: 8.5, CI 95% 7.0, 9.9 (Reference group=Illiterate), length of residence in Kerman ($A\beta$: 0.06, CI 95% .02, .09). And access to health care system ($A\beta$: 1.1 CI 95% -0.5, 1.8).

Conclusion: The current legislation on illegal immigration need to be revised and comprehensive strategies should be adopted to address the health needs of all Afghan refugees. To improve the health status of this population, it is necessary to educate health care providers on how to communicate with this group. Low level of health literacy among Afghan refugees indicates underscores the need for extensive intervention in this minority population.

Keywords: Health literacy, refugee, Afghan, Iran



Intensive monitoring of adverse drug reactions in hospitalized patients of a referral hospital in Kerman

Malahat Khalili*, Ali Akbar Haghdooost, Hamid Sharifi, Bita Mesgarpour

malahat.khalili@gmail.com

Introduction: Underreporting of Adverse Drug Reactions (ADRs) is one of the main problems in spontaneous case reporting systems. This study was planned to detect the cumulative incidence of the ADRs in hospitalized patients using an intensive monitoring in a teaching hospital in southeast of Iran.

Methods: This prospective study carried out in all wards of Afzalipour, the main referral hospital in Kerman, for a three-month period. Data collected by a trained epidemiologist to identify all suspected ADRs through daily visiting hospital wards and soliciting additional information from physicians and nurses. All the admitted patients who developed an ADR after admission or who were admitted primarily for the treatment of an ADR were included. The cumulative incidence (in 1000 patients) of the detected ADRs were calculated and compared with spontaneous reporting using Stata.

Results: Out of 7692 patients, 68 patients developed 69 ADRs with an incidence of 9.0 in 1000 patients (95% CI: 7.0, 11.3). While number of spontaneous ADR reporting was 3 (0.4) in a three-month period in the last year and 6 (0.9) for a three-month period before the study, respectively.

Conclusion: Based on the calculated cumulative incidence in this study and compare with the same period in the last year and also with the period before the study, it seems spontaneous ADR reporting could not report majority of the ADR cases. Use of intensive monitoring approach based on active surveillance of records might be helpful in better detection and reporting of ADRs and ensure better healthcare delivery to the patients.

Keywords: Adverse drug reactions, Pharmacovigilance, Spontaneous reporting, Intensive monitoring system



Save Breast Saves Life in Patients with Breast Cancer

Mohammad-Esmaeil Akbari*, Maryam Khayamzadeh, Hamid-Reza Mirzaei, Afshin Moradi,
Farid Moradian, Atieh Akbari

profmeakbari@gmail.com

Introduction: Surgery has been known the choice for procedure of managing breast cancer since 3000 years before Christ. Now, breast conserving surgery (BCS) and mastectomy are present in the selected cases with specific clinical criteria. In early breast cancer and limited noninvasive cancer, breast conserving therapy (BCT) is the procedure of choice, which is more acceptable for patients to be supported by social determinants.

Methods: We are reporting 25 years' follow-up of 3 358 breast cancer cases with the mean follow-up of 94 months divided to 61% BCT and 39% mastectomy.

Results: The Overall Survival (OS) and Disease-free Survival (DFS) for all cases were significantly better in breast conserved patients, particularly in early breast cancer with better clinical, pathological, and biological features.

Conclusions: BCT is a surgical technique choice that improves OS and DFS in the selected breast cancer cases.

Keywords: Breast Cancer †Mastectomy †Breast Conserving Surgery †Overall Survival, Disease-free Survival



پنل دوم



هدف سوم توسعه پایدار: خاتمه دادن به همه گیری ها و سایر بیماری های واگیر



وضعیت اپیدمیولوژیکی بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو در دو دهه گذشته در ایران

(۱۳۷۸-۱۳۹۷)

سخنرانی

محمد زینلی*، محبوبه خاتون قنبری، بهزاد امیری

mzeinali_m@yahoo.com

مقدمه و هدف: تب خونریزی دهنده کریمه کنگو مهم ترین و گسترده ترین بیماری ویروسی منتقل شونده از طریق کنه بوده که در بیش از ۳۰ کشور دنیا وجود داشته و در قاره های آفریقا، اروپا و آسیا اندمیک است. توزیع گسترده جغرافیایی تب خونریزی دهنده کریمه کنگو و همچنین توانایی ویروس در ایجاد بیماری های شدید انسانی با میزان کشندگی بالا باعث شده این بیماری مورد توجه قرار گیرد. در ایران پس از شناسایی بیماری در سال ۱۳۷۸، سالانه در مناطق مختلف کشور بر اساس تعریف و برنامه مراقبت بیماری، بیماران شناسایی و گزارش می شوند. بیماری از طریق گزش کنه، تماس با دام و ترشحات آلوده و تماس با بافت، خون و ترشحات انسان آلوده قابل انتقال است.

روش کار: روش جمع آوری داده ها از طریق فرم های خلاصه اطلاعات بیماری طبق تعریف مورد مشکوک، محتمل و قطعی به صورت گزارش تلفنی و فوری به طور روزانه توسط مراکز بهداشت شهرستان ها در سیستم پورتال مرکز مدیریت بیماری های واگیر ثبت می شود بیماران طبق برنامه مراقبت بیماری با داشتن سه علامت شامل تب، ترمبوسیتوپنی (کاهش پلاکت) و خونریزی از سراسر کشور گزارش می شوند. نمونه های سرم خون افراد طی ۳ مرحله (مرحله تشخیص، پنج روز بعد از تشخیص و ده روز بعد از تشخیص) تهیه و از نظر سرولوژی آنتی بادی های IgM و IgG و همچنین از نظر مولکولی RT-PCR مورد بررسی قرار می گیرند.

نتایج: انتشار جغرافیایی بیماری در کشور و وضعیت اپیدمیولوژیکی آن نشان دهنده این است که بیماران قطعی در اکثر مناطق کشور پراکنده هستند. از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۹۷ تعداد موارد قطعی بیماری ۱۴۲۴ مورد بوده که ۱۹۰ مورد منجر به مرگ شده اند. بیشترین میزان کشندگی در سال ۱۳۷۸ (۵۰٪) و کمترین آن ۱۳۸۵ (۲٪) بوده است. بیشترین تعداد مبتلایان در گروه سنی ۴۰ - ۲۰ سال می باشد، بیشترین موارد در ماه های خرداد و تیر شناسایی شده است و در مناطق شهری (۶۳ درصد) بیشتر از مناطق روستایی (۳۷ درصد) و بیماری در جنس مذکر (۷۹ درصد) بیشتر از جنس مؤنث (۲۱ درصد) رخ داده است. بیشترین مشاغل مبتلا گروه کشاورز - دامدار (۳۲۱ مورد) ۲۲/۵٪ کارگر کشتارگاه (۲۴۱ مورد) ۱۷٪ و زنان و زنان خانه دار (۲۴۰ مورد) ۱۷٪ بوده اند با توجه به راه انتقال بیشترین موارد از طریق تماس مستقیم با خون، ترشحات و بافتهای آلوده حیوانی مبتلا در هنگام ذبح گزارش شده است که تجزیه و تحلیل آن به طور کامل ارائه خواهد شد. گزارش موارد محتمل و قطعی از مناطق مختلف کشور که بیشترین استان های گزارش کننده موارد قطعی در کشور شامل استان سیستان و بلوچستان با شناسایی ۸۵۱ مورد، خراسان رضوی ۱۱۸ مورد و کرمان ۶۸ مورد و تعداد موارد مرگ در استان سیستان و بلوچستان با ۷۱ مورد، خراسان رضوی ۱۸ مورد و فارس ۱۳ مورد به ترتیب بیشترین موارد در کشور را تشکیل داده اند. از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۹۷ تعداد موارد قطعی بیماری ۱۴۲۴ مورد بوده که ۱۹۰ مورد فوت شده اند. بیشترین میزان کشندگی در سال ۱۳۷۸ (۵۰٪) و کمترین آن ۱۳۸۵ (۲٪) بوده است. بیماری به صورت بومی در مناطق و استان های ایران گزارش شده است. بیشترین تعداد مبتلایان در گروه سنی ۴۰ - ۲۰ سال می باشد، بالاترین تعداد موارد در ماه های خرداد و تیر و در مناطق شهری (۶۳ درصد) بیشتر از مناطق روستایی (۳۷ درصد) و در هر دو جنس مذکر (۷۹ درصد) و مؤنث (۲۱ درصد) دارد. بیشترین مشاغل مبتلا گروه کشاورز - دامدار (مورد ۳۲۱) ۲۲/۵٪ کارگر کشتارگاه (۲۴۱) ۱۷٪ و زنان خانه دار (۲۴۰ مورد) ۱۷٪ بوده اند.

نتیجه گیری: با توجه به روند و وضعیت اپیدمیولوژی بیماری در کشور، اجرای دقیق نظام مراقبت و آگاهی پزشکان برای تشخیص و درمان به موقع جهت شناسایی بیماران و کاهش مرگ بیماری باید تقویت گردد.

کلمات کلیدی: تب خونریزی دهنده کریمه کنگو، اپیدمیولوژی.

تحلیل نظام مراقبت بیماری های واگیر در جمهوری اسلامی ایران

سخنرانی

قباد مرادی، امجد محمدی بلبان آباد، بختیار پیروزی، حشمت اله اسدی، آرین آزادنیا *

azadnia.a1989@gmail.com

مقدمه وهدف: امروزه اهمیت بیماری های واگیر نه تنها کم نشده بلکه با نوپدیدی و باپدیدی بیماری ها نیازمند یک نظام مراقبت دقیق تر برای شناسایی و کنترل بیماری های واگیر هستیم. هدف این مطالعه تحلیل نظام مراقبت از بیماری های واگیر در جمهوری اسلامی ایران است.

روش کار: ترکیب از روش های کیفی و کمی برای انجام این پژوهش به کار گرفته شد. در فاز کیفی ۴۷ مصاحبه عمیق و ۳ بحث گروهی متمرکز با کارکنان نظام مراقبت بیماری های واگیر و سازمان های درگیر انجام گرفت. در فاز کمی به صورت پیمایش انجام گرفت. نمونه پژوهش شامل ۴۲۶ نفر از مدیران و کارکنان نظام مراقبت از بیمارهای واگیر بودند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود.

نتایج: نظام مراقبت با چالش هایی در حوزه تولید، گزارشدهی و گزارشگیری، تجزیه و تحلیل اطلاعات، سامانه های اطلاعاتی و مداخله مواجه است. زیرساختها و شاکله خوب نظام مراقبت، حمایت های فنی مرکز مدیریت بیماری ها، موفقیت های نظام مراقبت و سامانه های الکترونیکی مناسب از نقاط قوت نظام مراقبت بیماری ها بودند. نتایج کمی نشان داد که بعد تولید نظام مراقبت بیماری های واگیر از دیدگاه پاسخگویان با میانگین $34/4 (SD = \pm 15)$ نامطلوب بود که مهمترین دلایل آن را عدم توجه به برخی بیماری های واگیر به عنوان یک مقوله امنیت سلامت (ملی) و ضعف در قوانین و مقررات تنظیمی برای حمایت از نظام مراقبت واگیر می دانستند. همچنین ۹۱/۵٪ پاسخگویان معتقد بودند ضعف گزارشدهی در بخش خصوصی وجود دارد که مهمترین دلایل آن منفعت نبردن بخش خصوصی از گزارشدهی ۷۵/۲٪ و نگاه کردن به گزارش دهی به عنوان بار اضافی و خارج از شرح وظایف ۷۱/۷٪ عنوان شده بود. ۸۶٪ پاسخگویان با افزایش گزارشدهی و ۸۶/۱٪ آنها با به روز بودن داده ها بعد از راه اندازی سامانه موافق بودند. نمره کلی تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات در نظام مراقبت از دیدگاه پاسخگویان با میانگین $58 (SD = \pm 15)$ بالاتر از متوسط نمرات و در وضعیت تقریباً مناسبی قرار داشت.

نتیجه گیری: تدوین سند چشم انداز بیماری های واگیر، توجه به بیماری های واگیر به عنوان مقوله امنیت سلامت ملی، تنظیم و بازبینی مقررات مربوط به گزارشدهی بیماری های واگیر، نفع بردن بخش خصوصی از گزارشدهی، و وجود سیستم پایش مستمر بیرونی راهکارهایی می باشد که می تواند نظام مراقبت ایران را در مقابل بیماری های واگیر موجود، نوپدید و بازپدید شکست ناپذیر کند.

کلمات کلیدی: نظام مراقبت واگیر، گزارشدهی، ثبت آنلاین

الگوی بیماری سل در کشور جمهوری اسلامی ایران - مطالعه مقطعی

سخنرانی

عادل دوستی^{*}، مهشید ناصحی، قباد مرادی، دائم روشنی، سعید شرفی، ابراهیم قادری

adeldousti@gmail.com

مقدمه و هدف: اطلاع از وضعیت بیماری، خصوصیات افراد بیمار و وضعیت کشور از نظر اهداف استراتژی WHO برای حذف سل می تواند در برنامه ریزی، اصلاح برنامه های فعلی و مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف برنامه فعلی مورد استفاده قرار گیرد.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی و بر اساس داده های بیماران ثبت شده کشور در طول سال ۱۳۹۵ کشور در پورتال وزارتی انجام گرفت. شکست و موفقیت درمان در مواردی که پیامد درمان مشخص گردیده بود بررسی شد. برای مخرج کسر بروز از داده های سرشماری سال ۱۳۹۵ کشور استفاده شد. برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS23 - stata14 و آزمونهای آماری کای دو، فیشر ... استفاده شد. برای تهیه نقشه GIS از نرم افزار Arcgis10.1 استفاده گردید.

نتایج: از کل بیماران ۸۷٪ بیماران ملیت ایرانی ۱۲٪ ملیت افغانی داشتند؛ از ۹۴۶۳ مورد ۴۶٪ موارد زن و ۵۴٪ موارد مرد بودند. بروز بیماری سل ۱۱،۴۲ در ۱۰۰ هزار جمعیت بود. ۷۲،۳۵٪ بیماران سل ریوی و ۲۷،۶۵٪ از نوع خارج ریوی بود. از بیماران ثبت شده ۹۲،۸٪ موارد جدید ۳،۲٪ عود و ۳،۶٪ سایر موارد بود. از کل بیماران ۶۳،۳٪ توسط واحدهای تابعه شبکه های بهداشت ۳۶،۷٪ موارد توسط مطب های خصوصی و تأمین اجتماعی ارجاع گردیده اند. بالاترین بروز در استان گلستان (۳۵،۹۱ در ۱۰۰ هزار) کمترین بروز در استان چهارمحال بختیاری (۳،۰۶ در ۱۰۰ هزار) مشاهده شد. شکست درمان در سل ریوی اسمیر مثبت ۳،۶٪ و در کل موارد ۲،۳۴٪ مشاهده شد. بیشترین مقاومت دارویی را ایزونیاژید (۹،۹۸٪) داشت. نسبت افراد در تماس بیمار اسمیر مثبت که درمان پیشگیری کامل دریافت کرده اند ۶۲،۲۳٪ در بزرگسالان است. تفاوت موفقیت درمان بین دو جنس و بین افراد HIV مثبت و منفی دارای تفاوت آماری معنی داری بود ($p < 0.01$) و ($p = 0.01$). در سایر موارد مثل محل سکونت، تاهل و ... تفاوت معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه گیری: بروز بیماری روند کاهشی مناسبی ندارد. مشکلات مهاجرین افغان در گسترش بیماری به مناطق دیگر کشور و عدم همکاری در درمان و ... وجود دارد. بیماریابی پایین از مراکز دولتی به نسبت گستردگی آن نیازمند آموزش و بازآموزی کادر شاغل است. تعداد کم نمونه های بررسی شده از نظر مقاومت به آنتی بیوتیک ها از موارد و بالا بودن تعداد موارد بررسی نشده از نظر ایدز از نقاط نیازمند توجه است

کلمات کلیدی: الگوی سل، ایران، بهداشت عمومی، اپیدمیولوژی



طراحی و اجرای نظام مراقبت بیماری های واگیر در مناطق درگیر سیل استان خوزستان - بهار

۱۳۹۸

سخنرانی

همایون امیری*، سید مهدی حسینی زاده، سیروس زارعی، سید سعد موسوی، سید علی نجات، رضا امرایی

amiri.homayoun54@gmail.com

مقدمه و هدف: بلاای طبیعی در صورتی که منجر به جابجایی قابل توجه جمعیت و تشدید هم افزایی عوامل خطر (تغییر در محیط، شرایط افراد و مواجهه با عوامل بیماری زای بومی) برای انتقال بیماری های واگیر شوند، می توانند باعث ایجاد اپیدمی گردند. در شرایط پس از بلایا انجام بموقع اقدامات کنترلی از طریق بازیابی و بهبود مراقبت های بهداشتی اولیه خصوصا "در زمانی که دسترسی به داده های نظام مراقبت وجود ندارد، باید در اولویت قرار گیرد. در جریان سیل فصل بهار استان خوزستان، نظام مراقبت بیماریهای واگیر با هدف پایش روند بیماری ها، شناسایی اپیدمی ها و گروههای در معرض خطر، ارزیابی پیشرفت مداخلات کنترلی و با در نظر گرفتن شاخص های توانایی نظام مراقبت از جمله حساسیت و ویژگی، در مناطق درگیر سیل دانشگاه علوم پزشکی اهواز طراحی و اجرا گردید.

روش کار: پس از وقوع سیل تیم های مراقبتی مراکز بهداشت از جمله پزشک و کارشناسان بهداشتی در ۴۳ محل اسکان اضطراری و ۲ بیمارستان صحرایی مستقر شدند. همچنین در جریان بحران سیل ۱۰ پایگاه دیده ور در بیمارستان ها و مراکز جامع خدمات سلامت شهرستان های درگیر سیل راه اندازی شد. جمع آوری داده ها بصورت روزانه از طریق دفتر ثبت سندرمیک و نرم افزار مبتنی بر موبایل انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با ثبت و مقایسه روزانه اطلاعات در پنل مدیریت بیماریهای واگیر و پایش روند سندرم ها و نتایج آزمایشگاهی صورت پذیرفت.

نتایج: در طی بحران سیل ۶ شهرستان دانشگاه علوم پزشکی اهواز درگیر سیل شدند. در محل های اسکان اضطراری سندرم های اسهال (۵۷۶ مورد)، اسهال خونی (۱۵ مورد)، مسمومیت غذایی (۳۸ مورد) شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت. در سایر مناطق شهرستان های درگیر سیل تعداد ۳۶۸۲ مورد اسهال حاد آبکی و ۴۰ مورد اسهال خونی گزارش دهی شد. نمونه های بیماران مبتلا به اسهال از نظر بیماری التور منفی گزارش گردید. روند اسهال حاد آبکی در شهرستان های درگیر سیل، نسبت به مدت مشابه سال های گذشته، افزایشی بوده است. در محل های اسکان ۹ مورد طغیان محدود بیماری های منتقله از آب و غذا و در سایر مناطق ۶۲ مورد طغیان شناسایی و کنترل گردید.

نتیجه گیری: وجود نظام مراقبت پویا و کارآمد در بلایا، نقش حیاتی در هشدار سریع و تشخیص بهنگام اپیدمی های بیماری های واگیر دارد.

کلمات کلیدی: نظام مراقبت، سیل، خوزستان

ORAL

Prevalence and risk factors for hepatitis B and hepatitis C exposure in Iranian prisoners: a national study in 2016

Ghobad Moradi, Mohammad-Mehdi Gouya, Saeedeh Jafari, Bushra Zarei, Marzieh Mahbobi, Fatemeh Azimian Zavareh, Leila Molaei, Amjad Mohamadi Bolbanabad, Sonia Darvishi, Mehrzad Tashakorian moradi_gh@yahoo.com

Introduction: People in prisons are at high risk of hepatitis B virus (HBV) and hepatitis C virus (HCV) infection. The aim of this study was to evaluate the prevalence of HBV and HCV exposure and associated risk factors in Iranian prisons.

Methods: This cross-sectional study was conducted in 2016, among 29 prisons in Iran, blood samples were collected using multistage sampling. HBV and HCV diagnostic tests were conducted using enzyme-linked immunosorbent assay (ELISA). Univariate and multivariate logistic regression were used for evaluation of factors associated with HBV and HCV exposure.

Results: Among 6481 people in prisons, HCV and HBV antibody prevalence were 8.21% (95% CI: 7.55-8.90) and 3.06% (95% CI: 2.65- 3.50), respectively. In adjusted analysis, the most important risk factor for HCV exposure was history of injecting drug use (AOR 11.2, 95% CI 8.85-14.18), followed by history of tattooing (AOR 2.02, 95%CI 1.56 – 2.60), history of imprisonment (AOR 1.61, 95%CI 1.21 – 2.14), being single (AOR 1.38, 95% CI 1.04 - 1.83), and low education (AOR 2.97, 95%CI 1.41 - 6.27). In adjusted analysis, no risk factors were found to be associated with HBV exposure.

Conclusion: These findings highlight a high prevalence of HCV infection in Iranian prisons. Efforts are needed to improve HCV screening, particularly among people with a history of injecting drug use, and linkage to care.

Keywords: *Hepatitis B, Hepatitis C, Prison, Iran, High-risk Behaviors, Prevalence.*

ORAL

Assessing the effect of vitamin D on the of CD4 Count and some blood indices in HIV patients; a Randomized Clinical Trial

Hossein Hatami, Zohreh Haghghatdana*, Soheila Khodakarim, Mohammad Saad Forghani
haghghatz@yahoo.com

Introduction: Low levels of vitamin D are associated with faster progression of HIV to the third stage of AIDS. Studies have shown that mortality is higher in people with AIDS who have a lower serum level of vitamin D. The aim of this study was to investigate the effect of vitamin D on the CD4 count of HIV patients.

Methods: The present study is a clinical trial conducted in intervention and control group in three stages. In a monthly intervention group, a Perl of 50,000 units of oral vitamin D3 was given to the intervention group. Three and six months after the intervention, the level of CD4 was measured again.

Results: The results of the study showed that there was a statistically significant difference between the levels of CD4 in the intervention and control groups after 3 and 6 months after taking vitamin D ($P < 0.05$). After 3 months of monthly vitamin D intake, the mean CD4 level in the intervention and control groups was calculated as 374.7 ± 760.7 and 270.4 ± 521.4 , respectively ($P = 0.03$). After 6 months of monthly vitamin D intake, the mean of CD4 in the intervention group was 642.4 ± 371.2 and in the control group was 471.7 ± 204.3 ($P = 0.01$).

Conclusion: Considering that vitamin D in HIV patients is effective in preventing CD4 levels, the monthly supplementation of vitamin D in these patients can be effective in maintaining their immunity level.

Keywords: HIV/ AIDS, Vitamin D, CD4, TLC, RCT

ORAL

A Systematic Review and Meta-analysis on the Prevalence of HBsAg in Health Care Workers from Eastern Mediterranean and Middle Eastern Countries

Mehran babanejad *, Seyed Moayed Alavian, Neda Izadi, Ali Akbar Bakhtiari
 mehran68b@yahoo.com

Introduction: Occupational exposure to HBV is a risk for healthcare workers (HCWs), and depends on the frequency of mucosal or cutaneous exposure to blood or body fluids containing blood, and usually occurs due to contact with sharp objects such as needles. The present study aimed to determine the prevalence of HBsAg in Health Care Workers (HCWs) in Eastern Mediterranean Region Office (EMRO) and Middle Eastern countries from 2000 to 2016.

Methods: In a Meta-analysis study the databases of PubMed, ISI, Ovid, Scopus, Google Scholar, and Persian databases were searched for relevant articles on the prevalence of HBsAg in HCWs in EMRO and Middle Eastern countries. Homogeneity was assessed based on Cochran's Q-test results.

Results: A total of 43 articles (110,179 people) were included. The pooled prevalence of HBsAg in HCWs of EMRO and Middle East countries was found 2.77% (95% CI: 2.64-2.83). The specific prevalence of HBsAg was 2.84% (95% CI: 2.6-3.11) in EMRO and 2.22% (95% CI: 2.13-2.31) in Middle Eastern countries. The highest and lowest prevalence rates of HBsAg among HCWs for countries with more than one study were 6.85% (95% CI: 5.74%–8.16%) in Sudan and 1.00% (95% CI: 0.94%–1.07%) in Turkey, respectively. The trends of HBsAg prevalence among HCWs decreased from 2000 to 2016.

Conclusion: Based on the World Health Organization classification of HBV prevalence, intermediate HBsAg prevalence rates were detected in HCWs of EMRO and Middle East countries during 2000–2016.

Keywords: Prevalence, Hepatitis B, Health care workers

تبیین چالش‌ها و نیازهای زلزله زدگان استان کرمانشاه: یک مطالعه کیفی

قباد مرادی، امجد محمدی بلبان آباد، فرید نجفی، بختیار پیروزی، آرین آزادنی*، ستار رضایی

azadnia.a1989@gmail.com

مقدمه و هدف: هدف این مطالعه تبیین چالش‌ها، نقاط ضعف، نقاط قوت، و نیازهای زلزله زدگان استان کرمانشاه می‌باشد. **روش کار:** این مطالعه یک مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوای می‌باشد. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری با حداکثر تنوع بود، ۲۹ مصاحبه نیمه ساختاریافته با مدیران، سیاستگذاران و ارائه دهندگان خدمات سلامت و غیرسلامت در مناطق زلزله زده و ۱۰ بحث گروهی متمرکز با آسیب دیدگان زلزله از دی تا اسفند ۱۳۹۶ انجام گرفت. داده‌ها با استفاده از شیوه‌های مقایسه مداوم و به روش آنالیز محتوای استقرائی با کمک نرم افزار MAXQDA ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نیازها و چالش‌های موجود در زلزله کرمانشاه در سه طبقه اصلی و ده طبقه فرعی دسته بندی شد. ۱- چالش‌ها و نیازهای چند روز اول زلزله شامل سه طبقه فرعی مدیریتی، امداد و نجات، و چالش‌های مراقبت درمانی فوری بودند. ۲- چالش‌ها و نیازهای چند هفته اول زلزله شامل سه طبقه فرعی اسکان و کمک‌های فوری، خدمات بهداشت عمومی، و دسترسی به مراقبت‌های درمانی بودند و ۳- نیازها و چالش‌هایی چند ماه بعد از زلزله شامل چهار طبقه فرعی اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی و نیازهای خدمات بهداشتی و درمانی بود. همچنین نقاط قوت در مدیریت زلزله در چهار طبقه اصلی و دوازده طبقه فرعی شامل تامین منابع زیرساختی، خدمات رسانی نیروهای نظامی، خدمات رسانی بخش بهداشت و درمان، مسئولیت پذیری اجتماعی بالای جامعه دسته بندی شد. **نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه چند نکته مهم را گوشزد می‌کند: اول، عدم وجود وحدت فرماندهی و موازی کاری در این زلزله به چشم می‌خورد. دوم، نیازهای بهداشتی و درمانی زلزله زدگان با مرور زمان تغییر می‌کند. سوم، رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و چهره‌های مشهور کشوری نقش مهمی در کانالیزه کردن کمک‌های مردمی داشتند. در نهایت، به منظور جلوگیری از پراکنده کاری، هدررفت و غیرکانالیزه بودن کمک‌های مردمی دولت و مسئولین اعتمادسازی را در مردم ایجاد کنند.

کلمات کلیدی: زلزله، کرمانشاه، چالش‌ها، نیازها



تحریم های آمریکا علیه ایران، سیستم سلامت ایران را هدف قرار داده است

ابراهیم قادری

ebrahimghaderi@yahoo.com

در سال ۲۰۰۵ همه اعضای عضو مجمع سازمان جهانی بهداشت متعهد شدند که همه توان خود را بکار گیرند تا دسترسی همگانی به خدمات سلامت (UHC) را در کشورهای عضو گسترش دهند و نظام تامین مالی خود را به گونه ای توسعه دهند که امکان دسترسی همه مردم به خدمات ارایه سلامت فراهم گردد. یکی از شرایط مهم برای دسترسی همگانی به خدمات سلامت، ایجاد منابع پایدار در کشورهاست که به صورت بهینه و عادلانه ای مورد استفاده قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران نیز اقداماتی را در این زمینه آغاز کرد که میتوان به اجرای پزشک خانواده در گذشته و اجرای طرح تحول نظام سلامت که اخیرا اجرا شد، اشاره کرد. هر چند این طرح کم و کاستیهایی داشت ولی در کاهش هزینه های پرداخت مستقیم از جیب تا حدود زیادی موثر بود و از میزان فقر ناشی از هزینه های بیمارستانی در کشور کاست. همچنین فعالیتهایی که منجر به سلامت مردم شود یک نوع سرمایه گذاری برای آیندگان خواهد بود که مجبور به اتلاف منابع زیادی نباشند. لذا اجرای UHC یکی از راهکارهای مهم توسعه پایدار یک کشور است. در طی دو سال اخیر به علت افزایش مشکلات سیاسی بین ایران و آمریکا، تحریمهای جدید علیه ایران وضع شد که هدف اصلی این تحریمها، کاهش دسترسی ایران به منابع مالی پایدار بوده است. هر چند در ظاهر، هدف این کاهش دسترسی به منابع، محدود کردن ایران در دستیابی به سلاح اتمی و حمایت از گروههای همفکر است ولی در واقع هدف اصلی و عملی این تحریمها، بر هم زدن تعادل کشور در توسعه پایدار است. استراتژی UHC نیز در این تحریمها به شدت آسیب خواهد دید چون محدودیت دسترسی به امکانات و منابع برای سیستم بهداشتی کشور بوجود آمده است و این مسئله روی آینده کشور نیز تاثیر خواهد گذاشت و در آینده منابع بیشتری باید صرف بهداشت و مخصوصا درمان بیماران گردد.

کلمات کلیدی: دسترسی همگانی به خدمات سلامت، تحریم، توسعه پایدار، سلامت

شیوع عارضه استئوارتیکولار ناشی از بروسلوز در ایران: مرور سیستماتیک

فهام خامسی پور، ملیکاسادات ملاباشی*

melika.molabashi@gmail.com

مقدمه و هدف: بروسلوز (تب مالت) از بیماری های عفونی باکتریایی مشترک بین انسان و دام است که به عنوان خطر جدی بهداشت عمومی در سرتاسر جهان شناخته می شود. عفونت استخوان ها و مفاصل یکی از مهم ترین عوارض بروسلوز در انسانها است و اغلب در تمام سنین و جنس ها و در مناطق با ریسک بالا همچون ایران گزارش شده است. با توجه به عدم وجود یک برآورد کلی از آن، این مطالعه با هدف تعیین شیوع عارضه استئوارتیکولار بروسلوز در ایران به روش مرور نظام مند انجام شده است.

روش کار: مطالعه مروری حاضر با استفاده از کلیدواژه های مناسب مورد جستجو قرار گرفتند. موارد جست و جو شامل تمام مطالعات شیوع و عارضه استئوارتیکولار بروسلوز در انسانها بودند که بوسیله دو یا تعداد بیشتری از روش های تشخیصی (باکتری شناسی، مولکولی، سرم شناسی و یا رادیوگرافیک) اثبات شده اند. مستندات به دست آمده از بین مقالات انگلیسی زبان شش بانک اطلاعاتی Medline، Global Health، Northen Light life Sciences، CINAHL، Agricola و Embase تا سال ۲۰۱۸ با استفاده از کلیدواژه های استاندارد بوده است.

نتایج: در ۹ مطالعه، ۸۵۲ نمونه مورد بررسی قرار گرفت. کمترین و بیشترین میزان فراوانی در بیماران با عارضه استئوارتیکولار بروسلوز به ترتیب ۰/۰۹۹ و ۰/۷۷ بود. شیوع این عارضه از بیماری در جنس مذکر بیش تر از جنس مونث گزارش شده است. در بررسی انجام شده روش های شناسایی عارضه استئوارتیکولار بروسلوز شامل علائم التهابی (درد، تب، تعریق، افیوژن، درد مفصل، قرمزی و ناتوانی عملکردی) کشت (خون، مغز استخوان، مایع مفصلی)، سرولوژی (تست راییت، آزمایش ۲- مرکاپتواتانول، تست آگلوتیناسیون لوله ای استاندارد، تست کومیس، تست آگلوتیناسیون سرم و رزبنگال)، روش های رادیوگرافی (رادیوگرافی ساده، ام آر آی، سونوگرافی و اسکن رادیونوکلئید استخوان) بودند. گروه سنی مورد مطالعه بین ۱ تا ۹۰ سال بودند. بیشترین درگیری مفصلی در مفاصل خاجی-تهیگاهی، لگنی، زانو، مچ پا، آرنج، شانه، ستون فقرات، مچ دست و جناغی - ترقوه ای بودند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بررسی حاصل شیوع عارضه استئوارتیکولار بروسلوز ارتباطی به اندمیک بودن بروسلوز در یک منطقه خاص ندارد. بنابراین مطالعات بیش تری در مورد این عارضه و همچنین تأثیر سن، جنس و دیگر عوامل اقتصادی-اجتماعی بیماری برای مدیریت صحیح بیماری باید مد نظر قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: زئونوز، تب مالت، بروسلا، شیوع، ایران

ارزیابی وضعیت بخش خصوصی سلامت در برنامه پیشگیری از انتقال اچ آی وی از مادر به کودک در ایران

مرضیه محبوبی*، قباد مرادی، ماندانا تیرا، پروین افسر کازرونی، محمد مهدی گویا

marzieh.mahboobi@yahoo.com

مقدمه و هدف: امروزه موضوع پیشگیری انتقال اچ آی وی از مادر به کودک (PMTCT) در بهداشت عمومی اهمیت زیادی پیدا کرده است. با توجه به سهم بالای بخش خصوصی در ارائه خدمات مراقبت های دوران بارداری و زایمان هدف مطالعه حاضر، ارزیابی وضعیت بخش خصوصی در برنامه PMTCT در ایران تعیین شد.

روش کار: این مطالعه به صورت mixed method و evidence policy based در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. داده های لازم جهت ارزیابی وضعیت بخش خصوصی و ارائه مدل مناسب جهت مشارکت بیشتر این بخش در برنامه PMTCT با استفاده از مرور سیستماتیک و بررسی متون در دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۷ و مصاحبه های عمیق و بحث گروهی با ذینفعان و افراد کلیدی در سطوح مختلف جمع آوری شدند. در نهایت اطلاعات جمع آوری شده از مصاحبه های عمیق و بحث گروهی به روش تحلیل محتوی، آنالیز شدند.

نتایج: بر اساس بررسی های انجام گرفته مدل های اجرایی متفاوتی از جمله: مدل ارائه مستقیم خدمات توسط مراکز منتخب بخش خصوصی، مدل ارائه خدمت توسط بخش خصوصی و پشتیبانی جزئی توسط مراکز و بیمارستان های دولتی، مدل مشارکت دولتی/خصوصی و مدل ارجاع که در آن افراد به مراکز از پیش تعیین شده ارجاع می شوند، می توانند برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی مناسب باشند. همچنین نتایج به دست آمده نشان دادند که بخش خصوصی علی رغم توانایی فراوان برای ارائه خدمات به افراد، بنا به برخی دلایل مانند: عدم مدیریت و برنامه ریزی صحیح، عدم آگاهی کافی کارکنان برای ارائه خدمات و نبود دستورالعمل های اجرایی روشن مشارکتی فعال و مؤثر در این برنامه ندارد که به نظر می رسد حمایت طلبی از سیاست گذاران و افراد کلیدی اولین و مهم ترین گام در جهت رفع مشکلات در این خصوص می باشد.

نتیجه گیری: متناسب با ساختار نظام سلامت فعلی کشور به نظرمی رسد که دو مدل مشارکت دولتی/خصوصی و مدل ارجاع به منظور بهبود پوشش برنامه PMTCT و افزایش مشارکت بخش خصوصی موثرترین رویکرد می باشند که اجرای آن ها می تواند ارتباط خدمات مراقبت و درمان را به حداکثر برساند. بیشترین عوامل خطر برای هر دو جنس در دو گروه سنی ۲۰-۲۹ و ۳۰-۳۹ بود، برای زن ها آرایشگاه و تاتو و برای مرد ها مصرف مواد مخدر شایع ترین عوامل خطر بودند. توصیه می گردد مراکز بهداشتی درمانی آموزش عوامل خطر این بیماری را برای این دو گروه سنی در اولویت قرار دهند.

کلمات کلیدی: اچ آی وی، پیشگیری، بخش خصوصی، ایران

اپیدمیولوژی بیماری لیشمانیوز جلدی در استان اصفهان طی سال های ۱۳۸۶ - ۱۳۹۷

ناصر رجبی*، رضا فدایی، عاطفه خازنی، جواد رمضان پور، ساناز نصیری اصفهانی، قاسم یادگارفر

rajabi.naser94@gmail.com

مقدمه و هدف: لیشمانیوز یکی از بیماری های انگلی است که در اکثر کشورهای جهان خصوصاً مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری مطرح است. در طی سال های اخیر گزارش موارد سالک در استان اصفهان روبه افزایش بوده است. مطالعه حاضر باهدف بررسی اپیدمیولوژی لیشمانیوز جلدی (سالک) در استان اصفهان طی یک دوره ۱۱ ساله انجام شده است.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت یک مطالعه مقطعی تکرارشونده انجام شد. تعداد موارد جدید سالک در هر سال و اطلاعات زمینه ای بیماران سالک ثبت شده از واحد مبارزه با بیماری های مرکز بهداشت استان اصفهان مورد مطالعه قرار گرفت. میزان بروز سالیانه بر اساس جمعیت هر سال استان با استفاده از نرم افزار STATA14 محاسبه و ارتباط متغیرهای زمینه ای با آن در سطح معنی داری ۰/۰۵ تحلیل گردید.

نتایج: میانگین و انحراف معیار سن افراد مبتلا برابر، ۱۸/۶۳ ± ۲۳/۶۸ بود. میانگین و انحراف معیار سن اختصاصی جنسی برای مردان، ۱۷/۶۴ ± ۲۳/۶۷ و زنان، ۲۰/۱۵ ± ۲۳/۷۷ بود. میزان بروز بیماری طی سال های ۸۶ با میزان ۸۰ در صد هزار مورد تا سال ۹۲ با میزان ۵۸ در صد هزار مورد، از روند منظمی برخوردار نبود. از سال های ۹۲ لغایت ۹۶ روند منظم نزولی به خود گرفته و به میزان ۱۹/۸ درصد هزار مورد رسیده است. در سال ۹۷، میزان بروز این بیماری با یک روند افزایشی شدید به میزان ۶۰ در صد هزار مورد رسیده است. نوع غالب لیشمانیا ماژور بود و دست ها با میزان ۳۶٪ آسیب پذیرترین عضو بودند.

نتیجه گیری: به نظر می رسد برنامه های مداخله ای پیشگیرانه مرکز بهداشت استان تا حدودی موفق بوده و باعث کاهش روند میزان بروز بیماری در سال های پس از سال ۹۲ شده است. نتایج سال ۹۷ که احتمالاً به دلیل تغییرات در مواجهه های محیطی و عدم هماهنگی بین بخشی روند افزایشی به خود گرفته، می تواند زنگ خطری مبنی بر احتمال جابجایی بیماری و گسترش آن در مناطقی که بیماری قبلاً آندمیک نبوده باشد. همچنین با توجه به میزان نسبتاً بالای بروز سالک در این استان لزوم اختصاص بودجه بیشتر جهت آموزش مردم و تشدید اقدامات پیشگیری و انجام مطالعات در ابعاد وسیع تر باید مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژی، لیشمانیوز جلدی، بیماری های مشترک بین انسان و حیوان

**بررسی روند ۱۰ ساله بیماری CCHF در جمعیت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
(۱۳۸۸-۱۳۹۷)**

بیژن مقیمی دهکردی*، محمدرضا سربازی، رکسانا باطبی، فریبا فنروش، سیمین دخت بیات، طیبه شفیع زاده، فاطمه نوائیان، معصومه کشانی، آزاده صفایی، شهنام عرشی

bijanmoghimid@gmail.com

مقدمه و هدف: بیماری تب خونریزی دهنده کریمه کنگو CCHF، یک بیماری ویروسی خونریزی دهنده تبار حاد مشترک بین انسان و دام است. این مطالعه با هدف بررسی روند ۱۰ ساله اپیدمیولوژیک بیماری CCHF در جمعیت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی صورت پذیرفت.

روش کار: در این مطالعه توصیفی، اطلاعات بیماران با علائم بالینی و یا داشتن سابقه اپیدمیولوژیک مرتبط با CCHF مراجعه کننده به بیمارستان ها و مراکز خدمات جامع سلامت تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در فاصله سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ بررسی شدند. نمونه ها برطبق دستورالعمل کمیته فنی کشوری CCHF، در دو گروه مورد مظنون و قطعی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار اکسل ۲۰۰۷ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: در این مدت تعداد ۱۰۷ مورد مظنون و تعداد ۹ مورد قطعی بیماری CCHF شناسایی و ثبت شده بود (نمودار ۱). در طی این ۱۰ سال تنها یک مورد مرگ از بیماری مورد بررسی اتفاق افتاده بود (میزان کشندگی ۱۱ درصد) و با تشخیص زودرس از مرگهای بیشتر جلوگیری شده بود. مهمترین علایم اولیه بیماران شامل تب (۱۰۰٪)، سردرد (۹۶٪)، درد عضلات (۸۵٪) و نقاط پتشی یا خونریزی (۶۵٪) و کلیه بیماران تشخیص داده شده سابقه تماس با کنه و دام زنده یا ذبح دام بصورت غیربهداشتی و تکه تکه کردن گوشت تازه را داشتند. میانگین زمان بروز علایم تا تشخیص قطعی بیماری $4/5 \pm 2/1$ روز بدست آمد.

نتیجه گیری: برنامه پیشگیری و کنترل بیماری CCHF توانسته است با شناسایی زودرس و درمان بیماران از مرگ این بیماران جلوگیری کند. همچنین برنامه های آموزشی در حوزه بهداشت امکان خودمراقبتی و حساس سازی افراد جامعه را رقم زده که این مهم مرهون تلاشهای کادر بهداشتی و درمانی است. پیشگیری از بیماری CCHF نیازمند هماهنگی بین بخشی دستگاههای ذینفع در ابعاد مختلف می باشد.

کلمات کلیدی: تب خونریزی دهنده کریمه کنگو، اپیدمیولوژی



طغیان گاستروانتریت ناشی از نوروویروس در شهرستان قروه در استان کردستان در سال ۱۳۹۷

نصرت الله ویسی*، اردشیر رحیم زاده، قباد مرادی، سجاد محرابی، حسن سلطانی، صادق طالبی

veisi.nasrollah@yahoo.com

نوروویروس ها یکی از شایعترین علت شناخته شده گاستروانتریت حاد غیر باکتریایی در سراسر جهان می باشند گاستروانتریت ناشی از نوروویروس اکثراً با حالت استفراغ و تهوع در فصل زمستان بروز پیدا می کنند. این مطالعه به منظور بررسی طغیان گاستروانتریت ناشی از نوروویروس (نوراک) در شهرستان قروه، استان کردستان در سال ۱۳۹۷ انجام شده است. مطالعه به صورت توصیف - تحلیلی بر روی ۳۳۷۰ بیمار مبتلا به گاستروانتریت که در فاصله زمانی ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ لغایت ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ به مراکز بهداشتی و درمانی مراجعه کرده اند انجام شد. اطلاعات بیماران بصورت مصاحبه جمع آوری و استفاده از پرسشنامه جمع آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به نتایج، طغیان از نوع جامع گستر و با میزان حمله ۲۵،۵ در هزار نفر (شهر و روستا برابر) می باشد. از نظر جنسی میزان حمله در مردان و زنان به ترتیب ۲۲،۵ و ۲۸،۶ در هزار نفر بود. بین گروههای سنی از نظر آماری اختلاف معنی دار مشاهده شد.

کلمات کلیدی: نوروویروس، طغیان، کردستان، اپیدمیولوژی

بررسی علل طغیان اسهال زمستان ۱۳۹۷ و بهار ۱۳۹۸ شهرستان قروه استان کردستان: مطالعه**مورد-شاهدی**

نصرالله ویسی*، قباد مرادی، اردشیر رحیم زاده، حسن سلطانی، سیف الله هدایتی، صادق طالبی، آرین آزادنیا، سجاد محرابی
veisi.nasrollah@yahoo.com

بررسی علل طغیان‌ها به منظور برنامه ریزی جهت کنترل و جلوگیری از وقوع موارد مشابه یکی از مهمترین اقدامات در نظام مراقبت بیماریها شناخته شده است. این مطالعه به منظور بررسی طغیان اسهالی شهرستان قروه، استان کردستان در فاصله زمانی ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ لغایت ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ که در آن ابتلا ۳۳۷۰ نفر به این بیماری گزارش شدند، انجام شده است. مطالعه به صورت موردی-شاهدی با تعداد ۱۵۰ بیمار و ۱۵۰ نفر شاهد، همسان شده از نظر سن و جنس انجام شده است. اطلاعات مربوط به سابقه مصرف مواد خوراکی و آشامیدنی، هرگونه مسافرت، تماس با افراد دارای علائم مشابه طی سه روز قبل از شروع علائم بیماری، با استفاده از پرسشنامه ۳۶ سوالی و بصورت مصاحبه تکمیل شد. داده های استخراج شده با استفاده از نرم افزارهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. منحنی اپیدمی در این بخش آمده است. با توجه به نتایج مطالعه در روز اول قبل از شروع علائم، بین مصرف میوه و پنیر در دو گروه اختلاف معنی داری وجود داشت.

کلمات کلیدی: نوروویروس، طغیان، کردستان، اپیدمیولوژی، اسهال

همبستگی بروز فصلی سل انسانی با سل گاوی و فاکتورهای هواشناسی در استان خراسان رضوی

نیره اسماعیل زاده*، علی رضا باهنر، عباس رحیمی فروشانی، مهشید ناصحی، کریم امیری

esmaeilzadeh.n@ut.ac.ir

مقدمه و هدف: کمپلکس مایکوباکتریوم توبرکلوزیس شامل تعدادی از معروف ترین اعضای جنس مایکوباکتریوم ها میباشد که سبب بروز سل در انسان و حیوانات می گردند. عفونت با مایکوباکتریوم توبرکلوزیس فراوانترین نوع آلودگی در انسان است هر چند این عفونت از انسان به دام و بالعکس قابل انتقال است. به دلیل عدم وجود نظارت سیستماتیک برای مایکوباکتریوم بویس و ناتوانی روشهای آزمایشگاهی که برای شناسایی و تشخیص مایکوباکتریوم بویس از مایکوباکتریوم توبرکلوزیس است می توان فرض کرد که علت همه موارد بر مایکوباکتریوم توبرکلوزیس ختم می شود و این مساله منجر به کم شماری عفونت با بویس می شود. از طرف دیگر بروز سل در نواحی گرمسیری و نیمه گرمسیری در فصول مختلف متفاوت است لذا هدف این مطالعه رویکرد متقابل عوامل بر بیماری سل انسانی است که با بررسی همبستگی بروز بیماری سل گاوی و عوامل اقلیمی (اطلاعات آب و هوایی) بر بروز سل (ریوی، خارج ریوی و درمان مجدد) می پردازد.

روش کار: مطالعه اکولوژی با استفاده از میانگین بروز فصلی داده های سل انسانی (سل ریوی، خارج ریوی و درمان مجدد)، سل گاوی و میانگین فصلی عوامل اقلیمی (دما، رطوبت و بارندگی، ساعات آفتابی) در استان خراسان رضوی که یکی از استانهای پرمخاطره بروز سل می باشد که داده های آن مربوط به ۱۱ سال از آوریل ۲۰۰۷ لغایت مارس ۲۰۱۸ است. بررسی همبستگی متغیرهای مستقل (میانگین فصلی متغیرهای هواشناسی و بروز فصلی سل گاوی) با بروز فصلی سل انسانی با ضریب همبستگی اسپیرمن با سطح معنی داری ۰,۰۵ انجام شد.

نتایج: بیشترین موارد گزارش سل در زمستان و اغلب در اسفند و همچنین در ماه های اردیبهشت ماه و خرداد است. در رابطه با تاثیر عوامل اقلیمی بر بروز سل افزایش ساعات آفتابی و دمای هوا که ارتباط با نورخورشید دارد موارد سل کاهش یافته است هر چند همبستگی مشاهده شده معنی دار نیست و افزایش بارندگی و بدنبال آن رطوبت نیز با افزایش بیماری در اغلب موارد همراه است. همبستگی بین بروز سل انسانی و گاوی در کلیه فصول مستقیم است به جز سل درمان مجدد در بهار و سل ریوی جدید در پاییز ولی در کل ارتباط مشاهده شده معنی دار نیست.

نتیجه گیری: به منظور کنترل موثر بیماری همکاری منظم بین تخصصهای مختلف و سیستم های مراقبت و کنترل با نگرشی بر فهم کامل اکوسیستم یا چند میزبان بودن پاتوژن لازم است. داشتن اطلاعات نسبتا کامل از سیستم های مراقبتی می تواند در رسیدن به این هدف کمک کننده باشد. در مطالعه حاضر خصوصا داده های سل گاوی شامل موارد مشکوک و قطعی آزمایش پوستی توبرکلین در دامداری های صنعتی و نیمه صنعتی است این نقصان اطلاعات کاملا مشهود است لذا این مطالعه به عنوان مقدمه ای بر رویکرد متقابل عوامل بر بیماری سل انسانی و شناسایی نقاط ضعف در سیستم مراقبت انجام شد.

کلمات کلیدی: Tuberculosis, Bovine tuberculosis, meteorological factors, Surveillance system

پیمایش‌های خوشه‌ای شاخص‌های چندگانه و جمعیت و سلامت در کشورهای منطقه مدیترانه شرقی بر اساس گزارش سازمان‌های بین‌المللی مسئول پیمایش‌ها: ایران چه وضعیتی در اجرای این دو پیمایش دارد؟

الهام عبدالملکی*، ژاله عبدی، مهشاد گوهری‌مهر، رضوانه الوندی، سهند ریاضی اصفهانی، الهام احمدنژاد

elhamabdalmaleki@gmail.com

مقدمه و هدف: نظارت بر پیشرفت اهداف در حوزه سلامت (با تمرکز بر پوشش همگانی سلامت) از طریق دو پیمایش‌های خوشه‌ای شاخص‌های چندگانه و جمعیت و سلامت که مبتنی بر خانوار هستند، انجام می‌شود. هدف این مقاله ارزیابی اجرای این دو پیمایش در کشورهای عضو منطقه مدیترانه شرقی، بررسی وضعیت ایران در اجرای این پیمایش‌ها و همچنین یافتن بهترین گزینه برای اجرا در ایران است.

روش کار: در این مطالعه مروری (با بررسی پایگاه اطلاعاتی مربوط به سازمان‌های متولی این پیمایش‌ها)، تاریخچه اجرا، دستورالعمل‌های مرتبط که شامل ابزارها، پروتکل و همچنین شاخص‌های استخراج‌شده از این دو پیمایش بود، مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: در منطقه مدیترانه شرقی، ۲۴ بار DHS استاندارد و ۵۶ بار MICS استاندارد انجام شده است. کشور عراق بیشترین تعداد MICS و کشور مصر بیشترین تعداد DHS را انجام داده‌اند. آخرین MICS انجام‌شده نسخه ۶ و آخرین DHS انجام‌شده نسخه ۷ است. در گزارش‌های جهانی تعداد پیمایش‌های DHS برای ایران صفر گزارش شده است اما با توجه به گزارش‌های رسمی کشوری، ایران طی پنج دوره، یک یا تلفیقی از دو پیمایش را از سال ۱۹۹۵ اجرا کرده است.

نتیجه‌گیری: منطقه مدیترانه شرقی، در اجرای پیمایش‌ها فعال عمل کرده است. در حال حاضر انتخاب اینکه کدام پیمایش در ایران انجام شود تفاوتی ندارد بلکه نکته مهم این است که در جهت رسیدن به روند جهانی انجام این پیمایش‌ها، ایران (با توجه به تعهدات بین‌المللی در زمینه پایش و ارزیابی پوشش همگانی سلامت) باید در سال ۲۰۱۹ حداقل یکی از آن‌ها را اجرا کند. در صورتی که فقط یک پیمایش انتخاب شود، بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعه و مقایسه‌های انجام‌شده DHS برای شرایط ایران مناسب‌تر است.

کلمات کلیدی: پیمایش خوشه‌ای شاخص‌های چندگانه، پیمایش جمعیت و سلامت، پوشش همگانی سلامت، توسعه پایدار

مقابله با مقاومت ضد میکروبی: جایگاه و نقش اپیدمیولوژیست ها

لیلا مونسان*، احسان مصطفوی

Immounesan@yahoo.com

مقدمه و هدف: مقاومت ضد میکروبی (Anti-Microbial Resistance (AMR)) به عنوان معضلی نوپدید، یکی از ۱۰ موضوع تهدید کننده سلامت و در اولویت اقدام در سال ۲۰۱۹ معرفی شده است. مدیریت AMR، بدلیل ماهیت چند وجهی آن نیازمند همکاری سامانمند تخصص های مرتبط است. در این میان، نقش اپیدمیولوژیست ها بدلیل ترسیم روش مند مشکل و کمک به حل مسئله غیر قابل انکار است. مطالعه حاضر به بررسی نقش اپیدمیولوژیست ها در مقابله با مقاومت ضد میکروبی میپردازد.

روش کار: شواهد و مستندات لازم در خصوص کاربرد اپیدمیولوژی و نقش اپیدمیولوژیست ها در مدیریت مقاومت ضد میکروبی در حوزه بیماری های عفونی نوپدید، با مرور متون و مصاحبه با متخصصین استخراج و پس از تحلیل محتوا دسته بندی شد.

نتایج: اپیدمیولوژیست ها در حوزه AMR بطور مشخص در قالب های اپیدمیولوژیست بیمارستانی، در تولید پیشگیری و کنترل مقاومت ضد میکروبی، شناسایی طغیان های مرتبط و طراحی پاسخ مناسب، و اپیدمیولوژیست مولکولی، در جهت بررسی مکانیسم های مولکولی مقاومت میکروبی و تکنیک های مولکولی لازم در بررسی و پیش بینی طغیان ها نقش مهمی ایفا می نمایند. اپیدمیولوژیست ها میتوانند در هر یک از سطوح میدانی، بالینی، سیاستگذاری و آکادمیک هماهنگ با گروه های همکار در حوزه AMR اعم از پزشکان، پرستاران، میکروبیشناسان، دامپزشکان، دندانپزشکان، و داروسازان، وظایفی چون کمک به شناسایی مشکل با بررسی توزیع (زمان، مکان، شخص) و عوامل تعیین کننده مقاومت، ترسیم روندها، مدل سازی بیماری های عفونی مقاوم به درمان، بکارگیری نرم افزار های مرتبط در تحلیل و مدیریت اطلاعات، و آموزش گروه های هدف ایفای نقش نمایند.

نتیجه گیری: گرچه در این مطالعه، تعدادی از نقش های اپیدمیولوژیست ها در حوزه AMR استخراج شد، اما با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت بکارگیری روش های اپیدمیولوژی برای فهم هر چه بهتر مشکل و مدیریت آن در سطوح محلی، ملی و بین المللی، ارائه تعاریف روشن از نقش اپیدمیولوژیست ها و جایگاه ایشان در همکاری با سایر گروه های ذینفع جهت سرعت بخشیدن به اقدامات پیشگیرانه و کنترل کننده در مقابله با روند رو به گسترش AMR حائز اهمیت است.

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژیست- نقش ها/ مسئولیت ها- مقاومت ضد میکروبی

بررسی رژیم درمانی بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی در محدوده تحت پوشش دانشگاه علوم

پزشکی شهید بهشتی

فریبا فرنوش، طیبه شفیعی زاده*، رکسانا باطبی، محمدرضا سربازی، بیژن مقیمی دهکردی، سیمین دخت بیات، معصومه کشانی، نعمت الله محمدی نیا، شهنام عرشی

t_shafieezadeh@yahoo.com

مقدمه و هدف: لیشمانیوز جلدی (سالک) از جمله بیماریهای آندمیک در بسیاری از مناطق ایران است که به صورت طیف گسترده ای از علائم بالینی با شدت کم تا زیاد تظاهر می یابد. درمان با گلوکانتیم به عنوان خط اول درمان در نظام مراقبت این بیماران در ایران است که به شکل سیستمیک و موضعی همراه با کرایوتراپی تزریق می شود. هدف این بررسی مقایسه رژیم درمانی تجویز شده بر نتیجه درمان بیماران می باشد. **روش کار:** یک مطالعه مقطعی بر روی بیماران مبتلا به لیشمانیوز جلدی در مدت ۲ سال، از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴، که در برنامه نظام مراقبت کشوری در محدوده تحت پوشش دانشگاه شهید بهشتی ثبت شدند؛ انجام شد. رژیم درمانی استاندارد تزریق گلوکانتیم به شکل سیستمیک (تزریق عضلانی) (روزانه/ کیلوگرم/ میلی گرم ۲۰) و یا به شکل تزریق موضعی (تزریق داخل ضایعه) همراه با کرایوتراپی در نظر گرفته شده است. معیارهای درمان سیستمیک طبق دستورالعمل کشوری وجود بیشتر از ۵ ضایعه، ضایعه با قطر بیش از ۳ سانتی متر، وجود ضایعه در صورت و یا مفصل، عدم پاسخ به درمان در طی دو دوره درمان موضعی و طول درمان ۱۴ تا ۲۱ روز می باشد. داده ها با استفاده از SPSS18 مورد آنالیز قرار گرفت.

نتایج: در طی مدت ۲ سال، ۳۳۱ بیمار لیشمانیوز جلدی ثبت شده که ۱۷۱ مورد در سال ۹۳ و ۱۶۰ مورد مربوط به سال ۹۴ می باشد. نسبت جنسی مبتلایان مرد به زن ۱/۷ به ۱ با میانگین سنی ۲۵ سال است. منطقه شرق تهران با ۱۰۹ (۳۲٪/۹) مورد بیشترین موارد بیماری را به خود اختصاص داده است. از ۳۳۱ موردی که درمان آنها ثبت شده ۵۱/۴٪ مورد گلوکانتیم را به شکل سیستمیک، ۱۷/۸٪ مورد به صورت تزریق در ضایعه (موضعی)، ۱۳/۹٪ مورد تزریق موضعی همراه با کرایوتراپی، ۶/۶٪ مورد کرایوتراپی به تنهایی و ۳/۹ اندیکاسیون درمان نداشتند و ۲/۷٪ سایر درمان ها را داشتند. از ۱۷۰ موردی که درمان سیستمیک دریافت داشتند ۵۹ بیمار (۳۴٪/۷) اندیکاسیون درمان سیستمیک را داشتند. ۲ مورد (۳٪/۳) درمان موضعی، ۸ مورد (۱۳٪/۵) درمان موضعی همراه با کرایوتراپی، ۵ مورد (۸٪/۴) اندیکاسیون درمان نداشتند. ۲ مورد (۳٪/۳) فقط کرایوتراپی دریافت نموده اند. نتایج درمان نشان داد ۳۰۸ مورد (۹۳٪) بهبود یافته می باشند. ۲ مورد (۰٪/۶) شکست درمان داشتند. بررسی موارد شکست درمان نشان داد که یک مورد تحت درمان سیستمیک بوده در حالی که اندیکاسیون درمان سیستمیک نداشته است. مورد بعدی هم که تحت درمان موضعی قرار داشته است. هیچکدام از موارد شکست درمان بیماری زمینه ای نداشتند. طول مدت درمان سیستمیک در ۲۰ مورد (۶۱/۰۴٪) کمتر از ۷ روز می باشد. مقایسه رژیم درمانی و پیامد درمان نشان می دهد میزان بهبودی در مواردی که درمان سیستمیک دریافت کردند ۹۲٪، در مواردی که درمان موضعی دریافت کردند ۸۹/۸٪، در مواردی که درمان موضعی همراه با کرایوتراپی دریافت کردند ۹۱/۳٪، در مواردی که اندیکاسیون درمان نداشتند ۹۲/۳٪ و در مواردی که کرایوتراپی را به تنهایی دریافت کردند میزان بهبودی ۱۰٪ می باشد. **نتیجه گیری:** میزان موفقیت درمان با کرایوتراپی، اهمیت این روش به عنوان یک روش موثر در موارد اندیکاسیون درمان موضعی دارند را نشان می دهد. درصد بالایی از مواردی که اندیکاسیون درمان سیستمیک نداشتند متأسفانه سیستمیک درمان شدند. پیامد درمان نادرست می تواند زنگ خطری در پیدایش موارد شکست، مقاومت به درمان و عود بیماری باشد.

کلمات کلیدی: رژیم درمانی، لیشمانیوز جلدی

کریپتوسپوریدیوزیس: نگرانی در ارتباط با زئونوز بودن بیماری

نازنین مقدم*، سینا مقدم

moghaddamnazanin814@gmail.com

مقدمه و هدف: کریپتوسپوریدیومها جزء انگل‌های تک‌یاخته شاخه آپی‌کمپلکسا می‌باشند. و چرخه زندگی آن‌ها مستقیم بوده و سبب عفونی شدن از طریق مسیر مدفوعی - دهانی می‌شوند. بر اساس اطلاعات مولکولی بیش از ۱۶ گونه و ۴۶ ژنوتیپ از آن‌ها گزارش شده که سبب آلودگی سلول‌های اپیتلیال دستگاه گوارشی می‌گردد. کریپتوسپوریدیوم پارووم دو ژنوتیپ داشته ژنوتیپ ۱ انسانی و ژنوتیپ ۲ گاوی که هر دو ژنوتیپ در انسان سبب آلودگی می‌شود.

روش کار: پایگاه اطلاعاتی PubMed، Google Scholar و Scopus با هدف یافتن مطالعات مورد جستجو قرار گرفتند و تعداد ۱۱ مقاله مطالعه گردید.

نتایج: دریک مطالعه شیوع کریپتوسپوریدیوزیس در گوساله‌ها قبل از شیرگیری حدود ۵۰٪ و در پی شیرخواری به ۲۰٪ تنزل پیدا می‌کند و این اطلاعات نشان می‌دهد که گوساله‌های جوان خطر زئونوتیکی بیشتری نسبت به گاوهای بالغ دارند. در مطالعاتی که از نظر ارتباط ایمنی و عفونت کریپتوسپوریدیوم در انسان صورت گرفته بود؛ در افرادی که از نظر ایمنی سالم ولی دارای علائم بالینی بودند کریپتوسپوریدیوزیس به صورت اسهال و کاهش وزن سریع بوده و افرادی که از نظر ایمنی نقص داشتند مانند HIV و داروهای سرکوب کننده ایمنی علائم بالینی بسیار شدیدتری نشان دادند. در بررسی‌های انجام شده از مقالات انتقال عفونت به انسان به صورت مستقیم از فردی به فرد دیگر و انتقال غیرمستقیم از حیوان به انسان به وسیله آلودگی آب‌های سطحی با مدفوع دام‌های اهلی و وحشی می‌باشد. در مطالعاتی کریپتوسپوریدیوزیس در دانشجویان دامپزشکی و کودکانی که به بازدید از باغ وحش و مزرعه برده می‌شوند، گزارش شده است. امروزه افزایش مشهودی در ابتلا به این بیماری به دلیل کوچ کردن مردم از روستا به شهرها و تماس افراد با انسان‌های ناقل بیماری گزارش گردیده است.

نتیجه گیری: اووسیت‌های انگل نسبت به اکثر ضد عفونی کننده‌ها مقاومند و به راحتی در محیط سرد و مرطوب تا ۱۸ ماه زنده می‌مانند اما نسبت به خشک کردن و حرارت بالای ۶۰°C حساس بوده و از بین می‌روند. اووسیت‌ها در معرض آمونیاک ۵٪، فرمال-سالین ۱۰٪، ضد عفونی کننده حاوی پراکسید هیدروژن و انجماد خشک غیر فعال و غیر عفونی می‌شوند. در نتیجه طبق بررسی‌های انجام شده در مقالات استفاده از مواد ضد عفونی کننده‌های موثر در مراکزی که زئونوتیک بودن بیماری بالا است ضروری می‌باشد.

کلمات کلیدی: کریپتوسپوریدیوزیس، زئونوز، ضد عفونی کننده‌ها

**شیوع جهانی هپاتیت سی و بی در معنادان تزریقی مبتلا به اچ آی وی/ایدز: یک مطالعه مرور
ساختار یافته و متاآنالیز**

رویا رشتی*، قباد مرادی، یوسف مرادی، حیدر شرفی، سید موید علویان، امجد محمدی بلبان آباد، دائم روشنی
roya.rashti73@gmail.com

مقدمه و هدف: افراد مبتلا به اچ آی وی/ایدز می توانند به ویروس های هپاتیت سی و بی مبتلا شوند که هم ابتلایی آن ها مرگ و میر بالایی داشته و دوره ی بیماری را بدتر می کند. هدف از انجام این مطالعه بررسی شیوع هپاتیت های ویروسی سی و بی در گروه پرخطر معنادان تزریقی مبتلا به اچ آی وی/ایدز در جهان می باشد.

روش کار: منابع اطلاعاتی از ژانویه سال ۲۰۰۸ تا اکتبر ۲۰۱۸ در پایگاه های اطلاعاتی شامل PubMed, Scopus, Web of science, Embase, Ovid با استفاده از کلید واژه های "HCV", "HBV", "HIV", "PWID", "IDU", "VIDU" جستجو شدند. در این مطالعه به منظور ارزیابی تورش های احتمالی و ارزیابی کیفیت مطالعات از چک لیست "Prevalence" استفاده شد. در این مطالعه به منظور ارزیابی تورش های احتمالی و ارزیابی کیفیت مطالعات از چک لیست NOS (Newcastle - Ottawa Quality Assessment Scale) استفاده شد. داده ها در نرم افزار Stata 14 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از دستور MetaProp و تست های Egger و Begg استفاده شد.

نتایج: از ۵۶۳۱ مقاله پس از حذف موارد تکراری، بررسی عنوان، چکیده و متن کامل، در نهایت تعداد ۱۵ مقاله وارد آنالیز شد. شیوع هپاتیت سی، هپاتیت بی و شیوع هر دو عفونت هپاتیت سی و بی در معنادان تزریقی که با اچ آی وی ایدز زندگی می کنند در سراسر جهان به ترتیب (۰٫۸۵، ۰٫۶۴، ۰٫۷۴)، (۰٫۲۶، ۰٫۱۰، ۰٫۱۸) و (۰٫۱۰، ۰٫۰۷، ۰٫۰۸) برآورد شد.

نتیجه گیری: هم ابتلایی هپاتیت سی و اچ آی وی/ایدز در میان گروه پرخطر معنادان تزریقی شیوع بالایی دارد که می تواند به راه های انتقال مشترک این عفونت ها مرتبط باشد. در نتیجه در راستای ریشه کنی هپاتیت سی نیاز به برنامه ریزی های جهانی در راستای به کارگیری روش های پیشگیری، غربالگری و تشخیص به موقع این عفونت در معنادان تزریقی مبتلا به اچ آی وی می باشیم.

کلمات کلیدی: شیوع، هپاتیت سی، هپاتیت بی، اچ آی وی، ایدز، معنادان تزریقی، متاآنالیز



طغیان گاستروانتریت ناشی از نوروویروس در یکی از روستاهای استان کردستان در سال ۱۳۹۷

نصرالله ویسی، اردشیر رحیم زاده، سید مهدی حسینی*، منصور میرزایی، هادی رضایی، پیام شکری، سیده پروین قضایی

hosseini.mehdi54@gmail.com

مقدمه و هدف: نوروویروس ها شایعترین علت شناخته شده گاستروانتریت حاد غیر باکتریایی در سراسر جهان می باشند گاستروانتریت ناشی از نوروویروس اکثرا با حالت استفراغ و اسهال در فصل زمستان بروز پیدا می کنند.

روش کار: مطالعه از نوع مقطعی بود که به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است. مطالعه بر روی بیماران مبتلا به گاستروانتریت روستای زاغه علیا واقع در شهرستان دیواندره در مورخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۷ لغایت ۲۳ بهمن ۹۷ صورت گرفته است. در طول این مدت تعداد ۱۴۹ نفر دچار بیماری و علائم مشترک اسهال، استفراغ، کرامپ شکمی شدند که اطلاعات آنها ثبت شد. اطلاعات طغیان وارد نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ شد و توسط آمار توصیفی و آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سطح معنی داری آماری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: میزان حمله طغیان در کل جمعیت روستا ۳۱/۱۷ در صد نفر است. همچنین میزان حمله در مردان و زنان روستا به ترتیب ۲۶/۵۰ در صد نفر و ۳۶/۲۴ در صد نفر بود. میانه سنی مبتلایان ۲۶،۵ سال بود. بیشترین بروز بیماری در گروه سنی ۱۵ - ۱۱ سال (۸۵ در صد) بود. میانگین و انحراف معیار سن مبتلایان در روز های اول طغیان کمتر از سایر روزها بوده است و این رابطه از نظر آماری معنی دار بود ($P=0.003$). بیشترین علائم بیماران؛ اسهال غیر خونی (۵۷،۷۱٪)، استفراغ (۵۲،۳۴٪)، کرامپ شکمی (۲۶،۱۷٪) و تهوع (۲۴،۸۳٪) بود. در روز ۱۲ بهمن (روز طغیان) ۳ مورد نمونه برداری انجام شد که هر سه مورد غیرقابل شرب بود. همچنین در همان روز ۳ مورد کدورت سنجی آب شبکه توزیع انجام شده است که هر ۳ مورد نامطلوب بود. از ۶ مورد کلر سنجی انجام شده در روز بروز طغیان هر ۶ مورد صفر اعلام شد. دو منبع ایجاد کننده طغیان وجود داشت، یکی چاه عمیق تامین کننده که در بستر رودخانه قرار دارد و فاضلاب ۲۵ خانوار روستا بصورت روباز در رودخانه تخلیه می شد و دیگری چشمه تامین کننده بود که نزدیک زمین های کشاورزی بود که از کود حیوانی استفاده می کردند. با توجه به شکل منحنی اپیدمی، طغیان از نوع جامعه گستر (Community-Wide) بود که به علت ویروس نوروواک رخ داده است.

نتیجه گیری: با استفاده از شواهد بالینی، بررسی اپیدمیولوژی، نتیجه آنالیز نمونه های انسانی و آب مشخص گردید طغیان بیماری در اثر مصرف آب آشامیدنی آلوده به نوروویروس در اثر ورود فاضلاب خانگی به سامانه تامین آب اتفاق افتاده است. جهت پیشگیری از بروز طغیانهای مشابه رفع اشکالات مشاهده شده در سامانه آبرسانی و اجرای برنامه ایمنی آب توصیه می شود.

کلمات کلیدی: نوروویروس، طغیان، کردستان، اپیدمیولوژی

بررسی روند تغییرات بروز سیاه زخم در ایران از سال ۱۳۹۴-۱۳۸۹ و پیش بینی نقاط پر خطر تا سال ۱۴۰۰

علی صادقی نسب*، بشری زارعی، قباد مرادی، ابراهیم قادری

sadeghinasabali@gmail.com

مقدمه و هدف: آنتراکس بیماری مشترک باکتریایی و بومی کشور است که در دامها عمدتاً به شکل سیستمیک و مرگ ناگهانی و در انسان به شکل پوستی و سیاه زخم مشاهده می شود. هدف از این مطالعه بررسی روند بروز سیاه زخم انسانی بر اساس گزارش های کشوری از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۴ و پیش بینی این روند در سالهای آتی بوده است.

روش کار: داده ها از مرکز مدیریت بیماریهای واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به تفکیک استانهای مختلف از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ اخذ و مقایسه میزان بروز و روند تغییرات آن در کشور و هر یک از استانها انجام شده است. پیش بینی روند بیماری تا ۱۴۰۰ بر اساس مدل های GIS ورژن 9.3 صورت گرفت.

نتایج: متوسط بروز سالیانه کشوری ۰/۳۱ در صد هزار و روند تغییرات آن در بازه زمانی مورد مطالعه به ترتیب ۰/۱۴، ۰/۱۸، ۰/۲۸، ۰/۲۹، ۰/۳۴ و ۰/۲۸ در صد هزار در سال بوده است. روند افزایش یافته از سال ۹۱ تا ۹۴ تقریباً ثابت بوده است و تغییری در آن مشاهده نمی شود. کمترین و بیشترین متوسط بروز سالیانه استانی در ۶ سال مورد بررسی به ترتیب مربوط به گروه اول شامل ایلام، بوشهر و سیستان و بلوچستان با صفر در صد و بیشترین مربوط به گروه ششم شامل چهار محال و بختیاری (۰/۹۷)، کردستان (۰/۹۹)، خراسان شمالی (۱/۰۶) و آذربایجان غربی (۱/۴) بوده است. گروه پنجم استانها شامل کهگیلویه و بویراحمد (۰/۲۷۱)، گیلان (۰/۲۷۳)، خراسان رضوی (۰/۲۸)، گلستان (۰/۳۲۱)، زنجان (۰/۳۲۳)، آذربایجان شرقی (۰/۳۹) و اصفهان (۰/۴۴) رتبه دوم متوسط بروز سالیانه را داشته اند.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد روند افزایش یافته از سال ۹۱ تا ۹۴ همچنان ثابت بوده است و تغییری در آن مشاهده نمی شود. پس از چهار استان نامبرده در گروه ششم، بیشترین احتمال مشاهده موارد سیاه زخم انسانی را می توان در استانهای کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، خراسان رضوی، گلستان، زنجان، آذربایجان شرقی و اصفهان انتظار داشت. لذا علاوه آموزش، بهبود و تسریع روند گزارش دهی موارد انسانی و دامی، واکسیناسیون هدفمند احشام برابر پروتکل های تعریف شده سازمان دامپزشکی باید به دقت انجام شود.

کلمات کلیدی: سیاه زخم، بروز، ایران.

بررسی روند تغییرات بروز بروسلوزیس در ایران از سال ۱۳۸۸-۱۳۹۴ و پیش بینی نقاط پر خطر تا سال ۱۴۰۰

علی صادقی نسب*، بشری زارعی، قباد مرادی، ابراهیم قادری

sadeghinasabali@gmail.com

مقدمه و هدف: بروسلوزیس بیماری منتقله از دام به انسان (Anthropozoonosis) و بومی کشور است که در دامها باعث سقط و در انسان، طیف گسترده ای از نشانه های بالینی متفاوت و نهایتا خسارات بهداشتی-اقتصادی قابل توجهی را موجب می شود. هدف از این مطالعه بررسی روند بروز بروسلوزیس انسانی بر اساس گزارش های کشوری از سال ۱۳۸۸-۱۳۹۴ و پیش بینی این روند در سالهای آتی بوده است.

روش کار: داده ها از مرکز مدیریت بیماریهای واگیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، به تفکیک استانهای مختلف از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ اخذ و مقایسه میزان بروز و روند تغییرات آن در کشور و هر یک از استانها انجام شده است. پیش بینی روند بیماری تا ۱۴۰۰ بر اساس مدل های GIS ورژن 9.3 صورت گرفت.

نتایج: بروز کشوری بیماری از سال ۸۸ تا ۹۴ رو به افزایش (به ترتیب ۱۷/۶۱، ۱۶/۵۲، ۱۶/۹۵، ۲۱/۱۱، ۲۴/۸۳، ۲۵/۹۴ و ۲۵/۶۴ در صد هزار) بوده است. کمترین و بیشترین متوسط بروز سالیانه به ترتیب مربوط به هرمزگان (۱/۵۸ در صد هزار) و لرستان (۶۲/۸۷) بوده است. شش استان هرمزگان (۱/۵۸)، تهران (۲/۱۹)، گیلان (۲/۴۹)، بوشهر (۲/۷۷)، البرز (۳/۷۷)، سیستان و بلوچستان (۴/۹۰) در گروه استانهایی با کمترین و پنج استان آذربایجان غربی (۴۳/۲۹)، کرمانشاه (۴۷/۴۸)، کردستان (۵۰/۸۵)، همدان (۶۰/۰۳) و لرستان (۶۲/۸۸) در گروه استانهایی با بیشترین بروز قرار دارند. هر چند سه استان کردستان، همدان و لرستان استانهایی دارای بالاترین میزان بروز در هفت سال مورد مطالعه بوده اند ولی در کردستان روند افزایش بروز بیشترین گرادیان افزایشی (به ترتیب ۲۸/۲۵، ۲۴/۷۸، ۳۵/۸۸، ۵۰/۶۶، ۶۴/۴۶، ۱۰۳/۹۴ و ۱۰۳/۱۹) را نشان می دهد.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های این مطالعه، میزان کلی بروز بیماری در کشور افزایش یافته است ولی تغییر چشمگیری در روند بروز بیماری بروسلوزیس انسانی و جا بجا شدن رتبه استانها اتفاق نیفتاده است. در مورد استانهایی همچون کردستان، لرستان و همدان میزان بروز همچنان گرادیان افزایش خود را نشان می دهد. با توجه به این نکات و Anthropozoonosis بودن بیماری، پیش بینی می شود لااقل تا سال ۱۴۰۰ نیز این وضعیت مستقر خواهد بود. لذا همراه با آموزش های بهداشتی لازم، اهتمام به غربالگری، کنترل و پیشگیری فعال بیماری در احشام بیش از پیش ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: بروسلوزیس، بروز، ایران.

عوامل موثر بر تاخیر در تشخیص بیماری تب مالت در شمال و شمال غربی ایران

جلیل حسنی*، علی خورشیدی، حمید صالحی نیا، سلمان خزایی، مهدی محمدیان، عبدالله محمدیان هفشجانی

jalil68.hasani@gmail.com

سابقه و هدف: تشخیص به موقع بیماری تب مالت به خصوص در مناطق غیر آندمیک هم واره با تاخیر و یا اشتباه هم راه است. این مطالعه با هدف شناسایی عوامل مرتبط با تاخیر در تشخیص بیماری تب مالت در شمال و شمال غرب ایران انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بود. داده های 6 ماهه اول سال ۵۲۴۲ برای کلیه موارد گزارش شده بیماری تب مالت توسط مراکز درمانی (بخش دولتی و خصوصی) بررسی شد. داده ها بر اساس فرم گزارش دهی بیماری توسط کارشناسان بهداشتی مراکز بهداشتی درمانی جمع آوری شد. جهت بررسی نقش متغیرها بر تاخیر در تشخیص بیماری، از مدل رگرسیون لجستیک و برای بررسی رابطه بین متغیرهای کیفی از آزمون کای دو استفاده شد.

نتایج: ۳۱۹۱ بیمار توسط نظام مراقبت بیماری ها در مناطق تحت مطالعه گزارش گردید. از این تعداد ۵۱۴۴ نفر (۶۳ درصد) مرد، و ۴۱ درصد موارد جدید بودند. بیشترین موارد ابتلا (۹/۲۱ درصد) در گروه سنی 31-99 سال مشاهده شد. ارتباط معناداری بین متغیرهای سن ($p < 7/756$) نوع بیماری ($p < 7/756$) با تاخیر در تشخیص مشاهده شد.

نتیجه گیری: تاخیر در تشخیص بیماری در گروه 31-99 سال و در موارد جدید بیماری بیش تر است. تقویت نظام مراقبت و سیستم گزارش دهی بیماری، آموزش در زمینه راه های انتقال و علائم بالینی بیماری برای کاهش تاخیر در تشخیص بیماری ضروری می باشد

کلمات کلیدی: تاخیر در تشخیص، تب مالت، شمال غرب ایران

میزان شیوع آلودگی به شپش سر در دانش آموزان ابتدایی مدارس شهر بادرود در سال تحصیلی ۲۰۱۷-۲۰۱۸

زینب احمدی قهریزجانی*، امیرحسین گل افشان

zahra.ahmadi7@ymail.com

مقدمه و هدف: آلودگی به شپش سر یکی از شایع ترین آلودگی های انگلی با سابقه طولانی در جهان است. با توجه به شیوع متفاوت آلودگی به شپش سر در کشور و عوارض ناشی از این عفونت و نحوه پیشگیری از آن این تحقیق در دانش آموزان ابتدایی مدارس شهر بادرود سال تحصیلی ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ انجام گردید.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی و توصیفی است. جامعه مورد مطالعه ۱۵۹۵ دانش آموز دختر و پسر ابتدایی شهر بادرود می باشند. نمونه گیری به صورت سر شماری (Census) بود و همه دانش آموزان مورد معاینه قرار گرفتند. تشخیص آلودگی بر مبنای مشاهده شپش سر یا رشک بر روی موهای سر دانش آموزان بوده و همچنین جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه و مشاهده مستقیم انجام گرفته است. اطلاعات به دست آمده دسته بندی و مورد مقایسه قرار گرفت.

نتایج: از مجموع ۱۵۹۵ دانش آموز در مقاطع مختلف ابتدایی، ۱۱۵ دانش آموز دختر و ۱۰ دانش آموز پسر آلوده بودند. فراوانی نسبی آلودگی به شپش سر در دختران ۷,۲٪ و در پسران ۰,۶۲٪ بود و بیشترین میزان در گروه سنی ۷ سال و پایه تحصیلی اول و کمترین میزان در گروه سنی ۱۲ سال و پایه تحصیلی ششم بود.

نتیجه گیری: بررسی نشان می دهد دختران نسبت به پسران بیشتر در معرض آلودگی به شپش سر قرار دارند. میزان آلودگی در دانش آموزان با سن کمتر بیشتر و در سن بالاتر کمتر است. با آموزش دانش آموزان و والدین می توان از شیوع پدیکلوزیس در مدارس، جلوگیری به عمل آورد و میزان آن را کاهش داد.

کلمات کلیدی: پدیکلوزیس، رشک، نمف، شپش سر، مدارس ابتدایی

فروانی اچ آی وی، هپاتیت B و C در بیماران همودیالیزی مراجعه کننده به بیمارستان بهارلو تهران و عوامل خطر مرتبط با آن

سید مجید موسوی، آرزو نجفی، سمانه اکبریورژ، مریم سرایی، مرضیه محبوبی، فاطمه تقی زاده

akbarpour62@yahoo.com

مقدمه و هدف: بیماران تحت درمان با همودیالیز، یکی از گروههای در معرض خطر ابتلا به بیماری هایی هستند که از طریق خون منتقل می شوند. به نظر می رسد این بیماران نیاز به مراقبت ویژه جهت پیشگیری از ابتلا به اینگونه بیماری ها دارند. لذا در مطالعه حاضر سعی شده است به بررسی فروانی اچ آی وی، هپاتیت B و C در بیماران همودیالیزی و عوامل خطر مرتبط با آنها بپردازیم.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مقطعی بر روی ۱۱۳ بیمار همودیالیزی که در طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۷ جهت انجام دیالیز به بیمارستان بهارلو مراجعه کرده اند و حداقل سه ماه از انجام دیالیز آنها گذشته است انجام شد. اطلاعات مورد نیاز از پرونده بیماران استخراج گردید. یافته های حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم افزار STATA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برای بررسی ارتباط عوامل خطر مرتبط با ابتلا به هپاتیت ها از رگرسیون لجستیک استفاده گردید.

نتایج: در کل ۱۱۳ نفر فرد همودیالیزی وارد مطالعه شدند که میانگین سن آنها برابر با ۵۸,۰۴ (انحراف معیار = ۱۴,۲۰) بوده است. از این تعداد ۷۵ نفر مرد (۶۶,۴ درصد) و مابقی زن بودند. میانگین مدت زمان دیالیز برابر با ۷,۷۴ با انراف معیار ۰,۴۹ بوده است. نتایج مطالعه نشان داد که فروانی هپاتیت C، هپاتیت B و اچ آی وی به ترتیب برابر با ۴,۴، ۱۳,۳ و صفر درصد بوده است. تنها یک نفر هم هپاتیت B و هم هپاتیت C داشته است. در بررسی عوامل خطر مرتبط با هپاتیت ها سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تاهل، مدت زمان دیالیز، سابقه تزریق خون و مدت دفعات دیالیز در هفته مورد بررسی قرار گرفتند اما هیچ کدام از موارد ارتباط معنی داری را با ایجاد بیماری نشان ندادند.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شیوع هپاتیت B در این گروه از بیماران نسبت به هپاتیت C و هم چنین اچ آی وی بالاتر است. با توجه به اینکه این بیماری واکنش موثری دارد به نظر می رسد یکی از مهم ترین اقدامات مورد نیاز در این گروه از بیماران انجام واکسیناسیون برای هپاتیت B می باشد.

کلمات کلیدی: اچ آی وی، هپاتیت، دیالیز، بیمارستان بهارلو

بررسی شیوع عوامل خطر هپاتیت B و C در شهر شیراز، ۱۳۹۷

علی آردانه، مهدیه آردانه*

mahdiehardaneh73@gmail.com

مقدمه و هدف: ویروس هپاتیت B و C چندین شباهت مشترک دارند از جمله توزیع در سراسر جهان، روش های مشابه انتقال و توانایی ایجاد عفونت مزمن که ممکن است منجر به سیروز کبدی و کارسینوم سلول های کبدی گردد. با وجود واکسن موثر هپاتیت B ولی همچنان به عنوان یک معضل جهانی محسوب می شود هدف از این مطالعه تعیین شیوع عوامل خطر هپاتیت B و C در مردم شهر شیراز می باشد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی ابتدا ۸ نفر به عنوان پرسشگر در یک کارگاه ۴ ساعته آموزش دیدند. سپس مردم شهر شیراز بصورت نمونه گیری آسان در قسمت های مختلف شهر توسط پرسشگران در سه روز متوالی مورد پرسش قرار گرفتند. گروه هدف، افراد بالای ۱۰ سال بودند. پرسشنامه شامل ۱۶ سوال با پاسخ بلی و خیر بود که سوالات شامل عوامل خطر هپاتیت B و C (عوامل خطر تایید شده در سازمان جهانی بهداشت) بودند. در نهایت از بین افراد مورد پرسش ۲۹۰ نفر بطور کامل به سوالات پاسخ دادند و اطلاعات این افراد وارد IBM SPSS ورژن ۲۲ گردید و فراوانی عوامل خطر مشخص گردید.

نتایج: یافته ها نشان دادند که از ۲۹۰ نفر مورد مطالعه ۱۱۹ (۴۱٪) مرد و مابقی زن بودند. در بین این افراد طبق گفته خودشان یک زن مبتلا به هپاتیت B و دو مرد و یک زن مبتلا به هپاتیت C بودند. عوامل خطر در ۸ گروه سنی ۱۰-۱۹، ۲۰-۲۹، ۳۰-۳۹، ۴۰-۴۹، ۵۰-۵۹، ۶۰-۶۹، ۷۰-۷۹ و ۸۰ به بالاتر مشخص گردید. در گروه سنی ۲۰-۲۹ شایع ترین عوامل خطر: داشتن چند شریک جنسی، مصرف مواد مخدر و کار در مراکز درمانی، ۳۰-۳۹ داشتن بیماری های منتقله از طریق جنسی، کبد غیر نرمال، مصرف مواد مخدر و آرایشگاه و تاتو و ۴۰-۴۹ داشتن بیماری های منتقله از طریق جنسی، جراحی و پیوند اعضا، حجامت و تاتو بود.

نتیجه گیری: بیشترین عوامل خطر برای هر دو جنس در دو گروه سنی ۲۰-۲۹ و ۳۰-۳۹ بود، برای زن ها آرایشگاه و تاتو و برای مرد ها مصرف مواد مخدر شایع ترین عوامل خطر بودند. توصیه می گردد مراکز بهداشتی درمانی آموزش عوامل خطر این بیماری را برای این دو گروه سنی در اولویت قرار دهند.

کلمات کلیدی: هپاتیت B، هپاتیت C، عوامل خطر، ایران

خسارات ناشی از درمان بیماری تب برفکی در جمعیت نشخوارکنندگان اهلی روستایی آذربایجان غربی

جواد امامی*، سید محمد بارانی، سعید بکایی

emami202010@gmail.com

مقدمه و هدف: بیماری تب برفکی مهمترین بیماری دامی دنیا است که خسارات اقتصادی شدیدی را به جمعیت نشخوارکنندگان اهلی شامل گاو، گوسفند و بز وارد می کند. مشخص کردن ابعاد خسارات این بیماری بسیار مهم است. این مطالعه برای مشخص کردن خسارات ناشی از هزینه های درمان این بیماری در جمعیت دامی نشخوارکنندگان اهلی در سطح روستاهای آذربایجان غربی انجام شد

روش کار: این مطالعه به روش پیمایش پرسشنامه ای انجام شد. بر اساس خسارات اقتصادی محاسبه شده در سایر کشورها (بطور متوسط ۳۰۰ دلار) و خطای مورد پذیرش ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ از لیست دامداران مبتلا ۱۸۱ دامدار روستایی از ۹۹ روستا بصورت تصادفی انتخاب و با مراجعه حضوری هزینه های درمان در سه بخش هزینه ویزیت دامپزشک، هزینه داروها و هزینه مواد ضد عفونی خریداری شده سووال و نتایج با استفاده از نرم افزار اکسل تحلیل شدند.

نتایج: در مجموع ۱۸۱ دامدار مبتلا به بیماری برای ویزیت دامپزشک مبلغ ۲۷۰،۳۷۰،۰۰۰ ریال با میانگین ۱،۲۱۲،۴۲۲ ریال پرداخته بودند. کمینه هزینه ویزیت دامپزشک صفر ریال (دامدار تمایلی ویزیت دامپزشک نداشت) و بیشینه آن ۱۰،۵۰۰،۰۰۰ ریال بود و از ۱۸۱ دامدار مبتلا تنها ۱۴۶ نفر ویزیت دامپزشک داشتند و برای خرید دارو مبلغ ۹۰۲،۹۵۰،۰۰۰ ریال با میانگین ۴،۰۴۹،۱۰۳ ریال پرداخت بودند و کمینه هزینه دارو صفر ریال (دامدار دامهای خود را درمان نکرده بود) و بیشینه خرید دارو ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بود، ۱۶۶ دامدار اقدام به خرید دارو کرده و ۱۵ دامدار از خرید دارو امتناع کرده بودند. همچنین برای خرید ضد عفونی ۱۴۱۹۰۰۰۰۰ ریال با میانگین ۶۵۳۹۱۷ ریال پرداخت شده بود. کمینه خرید ضد عفونی نیز صفر ریال و بیشینه آن ۸،۰۰۰،۰۰۰ بود. تنها ۱۲۴ دامدار بعد از ابتلا دامداری خود را ضد عفونی کرده بودند.

نتیجه گیری: هزینه ویزیت دامپزشک و خرید دارو و ضد عفونی یکی از سنگین ترین هزینه های ناشی از ابتلای دامها به تب برفکی است. می توان با پیشگیری از بیماری با واکسیناسیون و رعایت اصول امنیت زیستی مانع وارد آمدن بخش زیادی از این خسارات شد.

کلمات کلیدی: آذربایجان غربی، تب برفکی، خسارات اقتصادی، نشخوارکنندگان اهلی، درمان

بررسی شیوع سل ریوی در اطرافیان بیماران مبتلا به سل ریوی اسمیر مثبت در رباط کریم

یاشار نظری

Yashi_senfi@yahoo.com

مقدمه و هدف: یکی از راههای مؤثر در کشف به موقع بیماری سل جلوگیری از گسترش آن از طریق بیماریابی نزد اطرافیان در معرض تماس با بیماران مسلول خلط مثبت است. بر اساس این گزارش افرادی که در تماس با فرد مبتلا به سل ریوی خلط مثبت قرار داشته اند از نظر آلودگی و ابتلا به بیماری سل مورد بررسی قرار گرفته و که پروفیلاکسی و یا درمان سل تجویز شده است. هدف عمده از این گزارش شناسایی و پیشگیری موارد ابتلا به سل در افراد در تماس نزدیک با فرد مسلول می باشد.

روش کار: این مطالعه به روش توصیفی - مقطعی بررسی اطرافیان ۳۱۶ فردی (۲۷۰ بزرگسال - ۴۶ کودک زیر ۶ سال) که با سابقه تماس نزدیک با ۲۳ بیمار مسلول اسمیر مثبت داشته اند (۲۱ بیمار بزرگسال - ۲ کودک بیمار زیر ۶ سال) در سال کل ۹۶ توسط واحد سل شهید شاطریان (شهرستان رباط کریم) انجام شده است. مورد تماس به کلیه افرادی که در زیر یک سقف به مدت بیشتر از ۳۰ روز زندگی کردند اطلاق می گردد. محدوده سنی افراد مورد یک تا هشتاد ساله بود. اطلاعات مورد نیاز هر فرد شامل شرح حال، معاینه بالینی، تاریخچه تماس با فرد مسلول، سابقه تلقیح واکسن BCG، نتایج تست توبرکولین، افته های باکتریولوژیک و رادیولوژیک در فرم های خاص ثبت گردید.

نتایج: از مجموعه ۳۱۶ مورد بررسی ۱۴۱ نفر (۵۵,۱٪) ایرانی بزرگسال و ۱۲۹ نفر (۴۴,۹٪) افغانی بزرگسال و ۲۲ نفر کودک ایرانی (۴,۹٪) و ۲۴ نفر کودک افغانی (۵,۱٪) بودند. ۲۳ نفر مورد مثبت شناسایی شده در کل سال ۹۶ (۴۸,۹٪) افغانی ۱۰ نفر و ۱۱ نفر (51.1٪) ایرانی و ۲ مورد کودک افغانی (۱,۰٪) بودند. در ۱۳۴ مورد مدت زمان تماس کمتر از یکسال و در ۷۶ مورد بالاتر از یکسال و در ۱۰۶ مورد تماس دائمی بوده است. قطر اندراسیون PPD در ۶۸,۸٪ درصد کمتر از ۱۰ میلی متر و در ۳۱,۲ درصد موارد تماس بالاتر از ۱۰ میلی متر بود. از کل افراد مورد بررسی براساس یافته های تشخیص ۲۱ (۴,۸٪) مورد سل ریوی اسمیر مثبت مشخص گردید. یافته های رادیولوژیک غیرطبیعی در ۳۶,۳٪ افراد با تماس نزدیک یافت گردید که شایعترین یافته، کلسیفیکاسیون (۲۷,۱٪) بود و ضایعات بصورت انفیلتراسیون (5.08٪)، Cavitary (2.04٪) و ندول (۲,۰۴٪) در رده های بعدی قرار داشتند

نتیجه گیری: در این مطالعه تفاوت معنی داری بین میزان شیوع سل در افراد ایرانی و افغانی بدست نیامد همچنین تفاوت معنی داری در مدت زمان تماس و ابتلاء به سل ریوی وجود نداشت. از نظر درگیری رادیولوژیک در ۳۶,۳٪ یافته های رادیولوژیک مثبت در افراد در تماس وجود داشته که در ۲۷,۷٪ موارد بصورت کلسیفیکاسیون بود که نشانه عفونت اولیه سلی در این افراد است. این گزارش اهمیت غربالگری سل در اطرافیان بیماران مسلول اسمیر مثبت و هم چنین ارزش رادیولوژی را در تشخیص سل نمایان می سازد.

کلمات کلیدی: سل و زنان باردار، بیماری سل، سل ریوی

Seroprevalence of hepatitis B, C and D viral among hemodialysis patients in Tehran

Davood Yadegarynia, Hossein Hatamai, Sara Rahmati Roodsari*, Zahra Arab-Mazar
s_r_r85@yahoo.com

Introduction: Different studies show that the prevalence of hepatitis viruses in hemodialysis (HD) patients is much greater than general population. It is important to be aware of local prevalence data, in order to control infections and prevention of nosocomial transmission. The aim of this cross-sectional study was to investigate the seroprevalence of hepatitis B, C, and D viral infections among HD patients

Methods: During 2016, a cross-sectional study was conducted in Tehran, among 360 HD patients from 5 hemodialysis centers. All HBsAg positive subjects were screened for Hepatitis B surface Ag (HBsAg), Hepatitis C virus Ab (HCVAb) and Hepatitis D virus antibody (HDVAb), using specific enzyme linked immunoassay

Results: 360 patients were involved including 213 males (59.17%) and 147 females (40.83%). The mean age in current study was 53.43 years. HBV positive (HBsAg positive) was found in 1.39% of patients, HCVAb in 3.06%, whereas no HDV positive patient was diagnosed. In HD, duration of 1–5 years has the highest frequency rate.

Conclusion: Prevalence of HBV, HCV and HDV in hemodialysis patients seems low in Tehran province. Due to higher prevalence of HCV, it is recommended to check the patients for anti-HCV Ab before admission to the centers.

Keywords: Seroprevalence, HBV, HCV, HDV, Hemodialysis

Frequency of cutaneous leishmaniasis in soldiers with suspected skin lesions by the parasitologic technique in Sistan- Balochestan Province, 2018

Minoo Shaddel*, Zahra Sadat Asadi, Sina Sekandarpour, Saeed Rezaei Nia
min_shad@yahoo.com

Introduction: Cutaneous leishmaniasis (CL) is one of the most important parasitic diseases and recently, there have been some reports that there were CL in Iran, so it should be considered more. Regarding the importance of disease in military force and the necessity of its preventing and prediction during peace and war time, the present study was designed to investigate the prevalence of CL in soldiers with suspected skin lesions.

Methods: In this descriptive/cross-sectional study, 145 soldiers with suspected skin lesions were examined. After obtaining the consent and filling the form included the personal information, collected the samples, then were prepared via Giemsa staining and examined by microscopy.

Results: Totally, 44.8% of the lesions were positive for CL and although the most positive lesions were in Spring and Summer (45.5% and 46.3%), the lowest positive were in the Autumn and Winter seasons (44% and 36.4%)., and the most commonly positive CLs were observed in the head and face (47.1%), none of them were significant. On the other hand, there were significant differences between wounded individuals based on the season and location of the wound.

Conclusion: The prevalence of CL was high. The subjects of this study included the soldiers with skin wound and urban populations did not have the characteristics of a developed industrial city. In addition, the weather and climate conditions of various regions have undergone changes recently. So, such unusual underlying variables are indirectly contributing factors in making changes to the dispersion of contagious diseases like CL.

Keywords: Cutaneous Leishmaniasis, soldiers

The requirement to improve the Brucellosis Surveillance system in Kurdistan province: Reduce the delay in diagnosis time

Meysam Olfatifar, Seyed Mehdi Hosseini*, Soheila Khodakarim, Payam Shokri, Hedieh Balaii, Mansour mirzai, Sajjad Rahimi Pordanjani

hosseini.mehdi54@gmail.com

Introduction: Providing the spatial information is a crucial step for enhancement and monitoring of brucellosis surveillance system. That can be given rise to timely diagnosis and treatment of brucellosis. To do so, we used exponential scan statistic to formalize the spatial distribution of adjusted delay in diagnosis time of brucellosis (time between onset and diagnosis of disease) in Kurdistan province.

Methods: We compared cluster areas with non-clusters areas in terms of studied variables, using logistic regression. We explored the brucellosis delayed diagnosis case clusters by applying the exponential scan statistic model using SaTScan software (v.9.6).

Results: The mean survival time was 4.02 months for short spatial cluster with the centrality of Baneh and 4.05 months for spatiotemporal clusters with the centrality of Baneh and Qorveh. Similarly, the mean survival time for long spatial and spatiotemporal clusters were 6.56 and 15.28 months, respectively. Spatial distribution of cases in cluster area was different from the distribution of cases in non-clusters areas in term of livestock vaccination, residence, and sex and job variables. Our results showed that delay in diagnosis of brucellosis cases is very high. The spatial distribution delayed in diagnosis cases was not random and their clustering pattern effected by base variables.

Conclusion: We suggest implementing the targeted and multi-faceted approaches to improvement of the brucellosis surveillance system in Kurdistan province because the delay in diagnosis can lead to long-term and serious complication.

Keywords: Spatial analysis, Brucellosis, Kurdistan province, Exponential scan statistic

Investigation of Risk Factors Associated with Leptospirosis in the North of Iran (2011-2017)

Ebrahim Sahneh, Ali Delpisheh*, Kourosch Sayehmiri, Behnaz Khodabakhshi, Miremad Moafi-Madani

sahnehebi@yahoo.com

Introduction: The risk factors for infection with leptospirosis in Iran have never been studied. We aimed to determine the risk factors of Leptospirosis and the epidemiological pattern of this disease in Golestan Province, Iran during 2011-2017.

Methods: This case-control study was performed on the population of patients diagnosed with leptospirosis. Controls were selected from the residents of Golestan Province, northern Iran and were matched with the cases for gender, age group, and place of residence. After coding the data collected in checklists, the analysis was performed in SPSS using independent *t*-test, logistic regression, contingency tables, and Fisher exact test.

Results: Eighty-seven cases were diagnosed infected with leptospirosis. Most patients were male (69.0%) and residents of rural areas (82.7%). The three leading risk factors for leptospirosis were exposure to stagnant rice paddy water while having a skin scratch/injury (OR=11.21, 95% CI: 3.02, 43.06), washing the face with stagnant rice paddy water (OR=11.33, 95% CI: 5.12, 25.01), and sighting of rats or rat nest in rice paddies (OR=3.30, 95% CI: 1.01, 11.62)

Conclusion: For farmers working in stagnant and muddy waters of rice paddies, occupational protection measures such as wearing waterproof boots, gloves, support, and socks can reduce the chance of infection with leptospirosis. Health education of the people with susceptible occupations about the transmission and prevention methods can also play a key role in controlling this disease

Keywords: Leptospirosis, Risk factors, Case-control studies, Iran

Health status in the Islamic Republic of Iran, Middle East and North Africa Countries: Implications for Global Health

Hossein Mirzaei, Zhaleh Abdi, Elham Ahmadnezhad, Mahshad Goharimehr*, Elham Abdalmaleki, Rezyvaneh Alvandi

m.goharimehr@gmail.com

Introduction: The aim of this study was to evaluate health status of Iranians following the sustainable development goals (SDGs) introduction in the world and to compare with those of the Middle East and North Africa region (MENA) and global

Methods: This is a comparative study used secondary data analysis to investigate socio-demographic and health status indicators in Iran. The sources are including census, population-based surveys and death registries. The indicators in MENA region were obtained from international databases including World Health Organization, the World Bank and the Institute for Health Assessment and Evaluation (IHME)

Results: Life expectancy and human development index increased following the HTP implementation. Among causes of death, 74.6% were attributed to non-communicable diseases. There was an increasing trend in risk factors for non-communicable diseases (NCDs) in Iran, while at the same time Neonatal, infant and under-5 mortality rates reduced. Compared to the MENA region, Iran has a lower maternal mortality ratio, neonatal, infant, and under-5 mortality rates, and a higher life expectancy. NCDs and road injuries accounted for a larger portion of disability adjusted life years (DALYs) in Iran compared to the MENA region and worldwide.

Conclusion: Actions against communicable diseases and road traffic injuries are required together with continued efforts to address NCDs. Our Results showed that although Iran does not have a low global SDG Index ranking, there is a need to develop a roadmap to accelerate achieving the global health goals and SDGs implementation

Keywords: Health status, Non-communicable disease, Iran, MENA region, Global Health, Sustainable Development Goals



What is the status quo of high-risk behaviors among male adolescents in the south of Iran: a cross-sectional study in Bandar Bushehr, Iran

Ahmad Sotoudeh*, Mojtaba Fatahi Ardakani, Ali Asadian, Farochlegha Servat, Nayereh Kasiri, Kamel Ghobadi

sotoudeh_ahmad@yahoo.com

Introduction: Adolescents are the most vulnerable population in society to high-risk behaviors. It is essential to explore male adolescents' state of health so as to establish this health well. The present research aimed to explore the prevalence of high-risk behaviors among male adolescents in the south of Iran.

Methods: The present cross-sectional research employed a random multi-stratified sampling method to select subjects from male students of secondary schools (2nd grade) in Bushehr in 2017. The data collection instrument was a questionnaire comprised of two parts. The first part explored background information and the second monitored adolescents' high-risk behaviors. Once the reliability and validity of the questionnaire were confirmed, the collected data were analyzed in SPSS20 using ANOVA test and Tukey post-hoc test

Results: The majority of subjects belonged to the 16 year-old age group. The highest frequency of high-risk behaviors in male adolescents involved physical contact and struggle out of school (22.81%), hookah consumption within a month (19.62%), physical contact and struggle at school within a year (18.30%) and smoking cigarettes out of school in a month (11.14%).

Conclusion: The prevalence of high-risk behaviors among male adolescents was for physical contact out of school in a year, hookah consumption in a month and physical contact at school in a year. It is suggested to conduct qualitative research to recognize why adolescents show tendency to risky behaviors and to reduce such behaviors.

Keywords: prevalence, high-risk behaviors, adolescents, cross-sectional study

Migration and high risk behaviors in vulnerable women in North of Iran: Time-Location sampling

Mehran Asadi-Aliabadi*, Shahnaz Rimaz, Jamileh Abolghasemi, Ebrahim Babaei,
Fereshteh Rostami-Maskopae, Yousef Moradi

mehran_asadi_a@yahoo.com

Introduction: The HIV / AIDS epidemic in Iran focuses on high-risk groups such as injecting drug users and female sex workers. Many factors can increase the risk of HIV / AIDS transmission in these people, one of them is migration to earn money through sex. The aim of this study was to evaluate high-risk behaviors in female who migrate to sex work.

Methods: This cross-sectional study was conducted on 184 women in one of the largest cities in northern Iran. Hard to reach population sampling methods were used (Respondent Driven Sampling and Time Location Sampling), Of course, the main method at this stage was based on the identification of venues with the help of key population, which ultimately identified and sampled 7 venues based on time and location.

Results: According to a survey conducted on 183 women, the average age was 36.8 ± 5.3 . 53.6% of them had a marriage history (divorced, widowed, temporary marriage history) and 22.4% never married (single). 77.2% of them had income under five million Rial a month. There was a significant association between age at the first sex and migration for sex work {(p value = 0.02, OR = 0.44 (0.22, 0.88)} and there was a significant association between substance abuse and migration for sex work {(p value = 0.03, OR = 0.4 (0.2, 0.9)}.

Conclusion: According to the results, for comprehensive prevention and control of high-risk behaviors, need for peer groups to implement harm reduction and treatment services, it seems necessary.

Keywords: Migration, vulnerable, women, Iran

The burden of premature mortality due to the Middle East respiratory syndrome (MERS) in worldwide from September 23, 2012 until May 17, 2019 using standard expected years of life lost: a sequential cross-sectional

Maryam Salamatbakhsh, Kazhal Mobaraki, Sara Sadeghi mohammadi, Jamal Ahmadzadeh*
Ahmadzadeh.j@umsu.ac.ir

Introduction: Although Middle East respiratory syndrome coronavirus (MERS-CoV) has a recorded about 8 years of circulation in 27 countries worldwide, there is no international study to estimate the overall burden related to this emerging disease. The present study was conducted to assess the burden of premature mortality due to Middle East respiratory syndrome (MERS) worldwide.

Methods : In this sequential cross-sectional study, we have utilized publicly available data from the WHO website related to 1789 MERS patients reported between September 23, 2012 and May 17, 2019. To calculate the standard expected years of life lost (SEYLL), life expectancy at birth was set according to the 2000 global burden of disease study on levels 25 and 26 of West model life tables from Coal and Demeny at 82.5 and 80 years for females and males, respectively.

Results : Totally, SEYLL in males and females was 10702 and 3817.5 years, respectively. The MERS patients with 30-59 year-olds had the highest SEYLL (8305.5 years) in comparison to those were in age groups 0-29 (SEYLL=3744.5 years) and ≥ 60 years (SEYLL=2466.5 years). The total SEYLL in all age groups in 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018 and 2019 were 71.5, 2006.5, 3162, 4425.5, 1809.5, 878, 1257.5 and 909 years, respectively. The most SEYLL related to MERS-CoV infection was in the early four years of the onset of the pandemic (2012 to 2015) and in the last four years of the MERS-CoV pandemic (2016 to 2019), there has been a significant reduction in the SEYLL related to MERS-CoV infection in the MERS patients

Conclusion : These findings reflect a full picture in the burden of premature mortality due to MERS infection in the world. This results also are useful for Policy-makers for prevention, control and responding to MERS-CoV disease

Keywords : Standard expected years of life, Premature mortality, Burden of disease, Worldwide.

Evaluation of the effect of vitamin D intake on immune system in patients with HIV /AIDS: a randomized clinical trial study

Hossein Hatami, Zohreh Haghighatdana*, Soheila Khodakarim, Mohammad Saad Forghani, Akram nejatbakhsh

haghighatz@yahoo.com

Introduction: Acquired Immunodeficiency Syndrome (AIDS) is a newborn viral disease. Low levels of vitamin D are associated with faster progression of HIV to the third stage of AIDS. Total lymphocyte count is an appropriate laboratory index for determining the progression of the disease. The aim of present study was to investigate the effect of vitamin D on the total number of lymphocytes (TLCs) and white blood cells in patients with HIV / AIDS.

Methods: The present study is a clinical trial which was conducted in two groups: intervention and control and in three stages. The selection of the subjects in both groups was randomized. A perl number of 50,000 units of comestible vitamin D3 was administered monthly to the intervention group. Then, three and six months after the intervention, the total number of lymphocytes was recounted.

Results: After three month using vitamin D, the mean (SD) of TLC level in intervention group was significantly more than control group (2447 (167.1) vs. 2141 (110.1), $P=0.01$). Also after six month it was the same (2402.6 (169.8) vs. 2045.5 (104), $P=0.03$). There was no difference between numbers of WBC before. 3 and 6 month after intervention in tow groups (6099.6 (1943.5) vs. 6316.2 (1631.7), 6035.8 (1586.7) vs. 6158.4 (1486.8) and 6110.6 (1523.8) vs. 6305.1 (569.2), $P=0.6$).

Conclusion: Considering that vitamin D in HIV / AIDS patients is effective in preventing the reduction of absolute TLC in patients, therefore, monthly consume of vitamin D supplement in these patients can be effective in maintaining their immunity.

Keywords: HIV/AIDS, Vitamin D, lymphocyte, WBC

Current epidemiological status of Middle East respiratory syndrome coronavirus in the world from 1.1.2017 to 17.1.2018: a cross-sectional study

Kazhal Mobaraki, Jamal Ahmadzadeh*

ahmadzadeh.j@umsu.ac.ir

Introduction: Middle East respiratory syndrome coronavirus (MERS-CoV) is considered to be responsible for a new viral epidemic and an emergent threat to global health security. This study describes the current epidemiological status of MERS-CoV in the world.

Methods: Epidemiological analysis was performed on data derived from all MERS-CoV cases recorded in the disease outbreak news on WHO website between 1.1.2017 and 17.1.2018. Demographic and clinical information as well as potential contacts and probable risk factors for mortality were extracted based on laboratory-confirmed MERS-CoV cases.

Results: A total of 229 MERS-CoV cases, including 70 deaths (30.5%), were recorded in the disease outbreak news on world health organization website over the study period. Based on available details in this study, the case fatality rate in both genders was 30.5% (70/229) [32.1% (55/171) for males and 25.8% (15/58) for females]. The disease occurrence was higher among men [171 cases (74.7%)] than women [58 cases (25.3%)]. Variables such as comorbidities and exposure to MERS-CoV cases were significantly associated with mortality in people affected with MERS-CoV infections, and adjusted odds ratio estimates were 2.2 (95% CI: 1.16, 7.03) and 2.3 (95% CI: 1.35, 8.20), respectively. All age groups had an equal chance of mortality.

Conclusion: In today's "global village", there is probability of MERS-CoV epidemic at any time and in any place without prior notice. Thus, health systems in all countries should implement better triage systems for potentially imported cases of MERS-CoV to prevent large epidemics.

Keywords: Middle East respiratory syndrome coronavirus, Case fatality rate, Descriptive epidemiology, Disease outbreak, Emerging diseases.

Epidemiological Status of the Middle East Respiratory Syndrome Coronavirus in 2019: An Update from 1 January through 31 March 2019 on Globally Reported Cases to the World Health Organization

Kazhal Mobaraki, Jamal Ahmadzadeh*

ahmadzadeh.j@umsu.ac.ir

Introduction: This study represents the current epidemiological status of Middle East respiratory syndrome coronavirus (MERS-CoV) worldwide in the first three months of 2019.

Methods: Full details of the MERS-CoV cases available and published in the disease outbreak news on the world health organization (WHO) website were retrieved. Related details of laboratory-confirmed MERS-CoV are extracted and analyzed by standard statistical methods.

Results: A total of 107 cases of MERS-CoV, including 18 deaths (overall CFR, 16.8%; male-specific CFR was 17.5% [14/80] and female-specific CFR was %14.8 [4/27]) were reported to WHO from the National IHR Focal Points of Saudi Arabia and Oman. The overall mean age was 50±17 years and 80 patients (74.8%) were male. The average time from the symptoms onset to the first hospitalization was 3±3.3 days; from the first hospitalization to laboratory confirmation was 3.6±6.5 days; from the onset of symptom to death was 17.5±11.7 days; and also the mean for hospitalized patients with MERS-CoV was 3.5±3.9 days. Males in comparison to females had a 1.5 fold increased chance (Adjusted odds ratio (AOR) = 1.5 [95% CI: 1.3-1.8] of death related to MERS-CoV infection; 05 [95% CI: 1.1-3.3], 1.05 [95% CI: 1.2-2.8] and 1.06 [95% CI: 1.2-2.0] for those who had exposure to camels, Camel milk consumption, and close contact with MERS-CoV cases, respectively. Health care worker had 2.4 fold [95% CI: 1.2-3.1] greater odds of death compared to other people.

Conclusion: This results contribute to the development of a prevention program and early system warning against MERS-CoV infection.

Keywords: Middle East respiratory syndrome coronavirus; emerging infectious disease; disease outbreaks

Vanishing Endemicity Schistosomiasis in north of Khuzestan province, Iran: A twenty-five year assessment

B.Jafarinia*, R. Rashti, L. Mohebbi, J. Moazen, E. kord-sarkachi

brjh62@yahoo.com

Schistosomiasis, after malaria, is the second important parasitic disease in the world in terms of morbidity and mortality. In this study, the incidence rate and Spatial-temporal clusters distribution of schistosomiasis was evaluated in the north of Khuzestan province, Iran. This is a cross-sectional study of data collected from January 1977 to December 2001. The data of 1390 definitive patients with Schistosomiasis hematobium in the north of Khuzestan province, were analyzed for the incidence of disease in rural districts in five 5-year periods. Spatial scan statistics were used to diagnose and to evaluate spatial clusters of S.hematobium cases. The pure retrospective temporal analysis, scanning and retrospective space- temporal analysis, scanning is carried out to identify the temporal clusters and space- Temporal cluster of Schistosomiasis with high rates by the software using discrete Poisson model, respectively. In general, the incidence of Schistosomiasis has decreased over the years and the last case has reported in 2001. Spatial clusters using Kulldorff's spatial scan method show that 9 high-risk areas have been observed in the north of Khuzestan province from 1977 to 2001. It was also found that S.hematobium was not randomly distributed in this area. Spatial-temporal clusters identified 3 high-risk areas during the study period. Temporal clusters have decreased from 17 months and 5 days to 1 day, they have mostly occurred in the winter and summer.

Keywords: Schistosomiasis, Spatial-Temporal, Epidemiology

Which Type of Univariate Forecasting Methods is Appropriate for prediction of Tuberculosis Cases in Razavi Khorasan Province?

Nayereh Esmaeilzadeh, Alireza Bahonar*, Abbas Rahimi Froshani, Mahshid Nasehi, Mohamad Taghi Shakeri

esmaeilzadeh.n@ut.ac.ir

Introduction: TB surveillance and preventing further extend of the disease needs full knowledge of the biological characteristics influencing TB and detecting mathematical patterns interpret the mechanism of TB widespread. These models can provide explanation and knowledge of the dynamics of diseases and they can be able in forecasting the ensuing values. To determine possible number of patients the time ahead is principal to decision making in public health. However, it is essential to determine forecast accuracy utilize genuine forecasts. Thus, we experienced on TB cases Apr-2007 until Mars- 2018 in Razavi Khorasan province to provide fit model and forecast the number of TB cases for the next 24 months.

Methods: We consider a time series of monthly incidence counts on Tuberculosis in Razavi Khorasan province Apr-2007 to Mars- 2018. The values for these objects are tuberculosis, total pulmonary TB, new case pulmonary tuberculosis, TB retreatment and extra pulmonary tuberculosis. For choosing models and forecasting, we use about 20% of all data (24 data) for testing, and the rest of them for training the model. The optimization of parameters according to the smallest root mean squared error for these time-series analysis techniques calculated automatically with STATA. The models were EWMA models (Single Exponential and Double Exponential Smoother) and totally, we compared the quality of forecasts provided by EWMA models through the Stand-alone measurement (RMSE).

Results: Pattern of the raw series for total cases of TB, total cases of pulmonary TB and new cases of pulmonary exhibited almost the same. They illustrated slowly downward trend with oscillated around the trend that is properties of cyclic trend. For retreatment pulmonary TB cases and extra pulmonary cases, although reduction cases accrued during times but it seems no pattern exist. However, the results of the statistical models indicated the value of smoothing constants of all series are near zero that indicate very smooth series with slowly changing counts. Total TB, pulmonary TB, new cases of pulmonary TB series had the double-exponential patterns with noisy and secular trend, they might be with increasing throughout the 24 months-ahead; and two series retreatment of TB and extra pulmonary TB series had the simple exponential method, noisy without secular trend; they might be with no changing throughout the 24 months-ahead

Conclusion: In recent years, our country has experienced immigrants from neighboring countries, sanctions or/and attack with category "C" of biological agents. The stop TB strategy, MDG 6, target 8 is pause and start to inverse the incidence of TB by 2015 and we joined to the stop TB strategy in January 2006. However, TB control remains one of the main public health, for moving toward tuberculosis elimination, our implementation will require changes in strategies and activities should evolve over time. The findings of this study is one of the primary needs for this goal.

Keywords: Tuberculosis, EWMA models, Forecasting

پیش سوم



ژنتیک اسید مسولوژی -

اسید مسولوژی مولکولی



بررسی بقاء یکساله در سرطان ریه نوع Non-small-cell تحت درمان با داروی پمترکسید و ارتباط آن با پلی مورفیسم های شایع ژن SLC19A1

سخنرانی

طیب رمیم

tayebramim@yahoo.com

مقدمه و هدف: پمترکسید (Pemetrexed) یک داروی آنتی فولات و multitargeted است که در سرطان ریه به عنوان داروی خط اول، خط دوم و maintenance بکار می رود. اثربخشی می تواند وابسته به نحوه بیان ژن SLC19A1 و نوع واریانت های آن دارد. شایع ترین واریانت های آن rs1051298 و rs3788189 می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط پلی مورفیسم های ژن SLC19A1 با میزان بقاء در بیماران مبتلا به سرطان ریه non-small-cell تحت درمان با پمترکسید انجام شد.

روش کار: مطالعه به صورت مقطعی (Cross-Sectional) در بیمارستان رسول اکرم (ص) تهران در سال ۱۳۹۷ انجام شد. بیماران با تشخیص سرطان متاستاتیک ریه غیر قابل جراحی که عدم محدودیت دریافت رژیم های کمورادیوتراپی داشتند وارد مطالعه شدند. رژیم درمانی همه بیماران شامل داروی پمترکسید با دوز 500 mg/m² و سیس پلاتین 75 mg/m² بود که در ۴ سیکل ۲۱ روزه تجویز گردید. ۱۰ سی سی خون از رگ محیطی گرفته شده و درلوله های حاوی ماده ضدانعقاد EDTA، ریخته شده و به آزمایشگاه منتقل شد. تمامی محصولات PCR پس از انجام الکتروفورز در ژل های ۱-۲٪ (با توجه به اندازه قطعه مد نظر) با رنگ آمیزی اتیدیوم بروماید مشاهده شد.

نتایج: از ۴۰ بیمار شرکت کننده در مطالعه، تعداد ۲۵ نفر (۶۲٪/۵) مرد و ۱۵ نفر (۳۷٪/۵) زن بودند. میانگین سنی بیماران ۹/۰۹ ± ۵۸/۹۰ سال بود (۴۰-۷۷ سال). ۳۲ نفر از بیماران (۸۰٪) در پایان سال اول پس از درمان فوت کردند. در واریانت rs1051298 آزمون آنالیز بقاء نشان دهنده عدم معنی داری میان سه آلل TT و TC و CC بود (p=۰/۶۴۹ Log Rank= 864/0). در مورد واریانت rs3788189 نیز اختلاف معنی داری در میزان بقاء یکساله در مورد سه آلل TT، TG و GG وجود نداشت (p=۰/۶۲۳ Log Rank= 948/0).

نتیجه گیری: یافته های بدست آمده از مطالعه نشان داد که علیرغم اینکه میزان بقاء یکساله در برخی از گروه ها نسبت به گروه های دیگر بیشتر بود اما این اختلاف از نظر آماری معنی دار بین آنها وجود نداشت. در نهایت می توان نتیجه گرفت که ارتباط میان دو واریانت rs1051298 و rs3788189 از ژن کاهنده حامل فولات (SLC19A1) و میزان بقاء یکساله پس از درمان با پمترکسید در سرطان ریه وجود ندارد.

کلمات کلیدی: پمترکسید، سرطان ریه non-small-cell، ژن SLC19A1، بقاء یکساله

بررسی اثر مستقل و متقابل پلی مورفیسم ژن ACE و فاکتورهای خطر سکنه مغزی ایسکمیک بر ابتلا به سکنه مغزی ایسکمیک در بیمارستان قائم مشهد در سال ۱۳۹۵

سخنرانی

سیده مهدیه نماینده، هادی فیوجی*، سارا جام برسنگ، مرجان عرفانی، آریانه صدرنبوی

hadiifuoji@gmail.com

سکنه مغزی که از علل اصلی مرگومیر در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، یک بیماری پیچیده و چندعاملی است که عوامل خطر محیطی و ژنتیکی در ایجاد آن دخیل می‌باشند. مطالعات متعددی نقش عوامل ژنتیکی را در ایجاد سکنه مغزی بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعات، نه تنها شیوع سکنه مغزی در شمال شرق ایران (خراسان رضوی) نسبت به کشورهای غربی بیشتر است؛ بلکه سن بروز سکنه مغزی در این محدوده، ده سال کمتر از کشورهای غربی می‌باشد. مطالعه موردی-شاهدی حاضر، به منظور تعیین بررسی اثر مستقل و متقابل پلی مورفیسم ژن ACE و فاکتورهای خطر سکنه مغزی ایسکمیک بر ابتلا به سکنه مغزی ایسکمیک در بیمارستان قائم مشهد در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. در این مطالعه موردی-شاهدی، ۲۰۱ بیمار مبتلا به سکنه مغزی ایسکمیک که توسط متخصص مغز و اعصاب و روش‌های تصویربرداری تشخیص آنها تایید شده بود، با ۲۰۰ فرد سالم از نظر سن و جنس مورد همسان‌سازی قرار گرفتند، که شناسایی پلی مورفیسم ژن توسط گروه ژنتیک دانشکده پزشکی مشهد انجام شده بود و با استفاده از پرسشنامه اطلاعات زمینه ای و همچنین سایر فاکتورهای خطر شناخته شده سکنه مغزی ایسکمیک استخراج و مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از تعیین ژنوتیپ و همچنین اثر مستقل و متقابل آن با سایر فاکتورهای خطر سکنه مغزی ایسکمیک با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک انجام شد. این مطالعه نشان داد تفاوت معنی داری در ژنوتیپ و توزیع آلل‌ها بین گروه بیمار و شاهد برای پلی مورفیسم مورد نظر برقرار می‌باشد (P=0/001).

کلمات کلیدی: سکنه مغزی ایسکمیک، پلی مورفیسم، ژن ACE، فاکتور خطر



ORAL

Cigarette Smoking, Mendelian Randomization Analysis, Opium Dependence

Abdolhalim rajabi*, seyed abbas amotevalian.azadeh shojaei. Mojtaba farjam. Leila janani
 rajabiepid@gmail.com

Introduction: Gateway hypothesis presumes that using a psychotropic drug can increase the probability of using another drug. On the other hand, the common liability model describes that use of multiple drugs reflects a common liability for drug use, with no specific influence of one particular drug leading to use of another. Mendelian Randomization (MR) can be applied to test which hypothesis is more likely in a given scenario of using drug A in relation to using drug B. As an example, in this study we assessed cigarette smoking in relation to opium use applying a MR analysis .

Methods: Mendelian randomization (MR) study. The CHRNA3 (rs1051730 T alleles) was used as an instrument for smoking intensity in a MR analysis. Association between rs1051730 T alleles and opium use was estimated by odds ratios (ORs) and 95% confidence intervals (CIs). Additionally, to generate the causal estimate the cigarettes smoking per day we used the logistic control function estimator. Setting and participants: We conducted a population based case control study in a cohort setting in Fasa, Iran. Overall, 477 cases and 531 controls were selected based on their opium use status at the baseline of cohort study.

Results: Smoking quantity (no. of cigarettes) was associated with opium use (OR 1.17, 95% CI 1.15-1.19). In the Mendelian randomization analysis, rs1051730 T alleles were associated with increased risk of opium use among ever smokers (OR 5.73, 95% CI 1.72-19.07, per T allele) however we found no evidence of association among never smokers. In IV analysis, showed that on average smoking every 1 more cigarettes per day increases the odds of opium use by 1.17 (OR= 1.17, 95%CI:1.14-1.19).

Conclusions: The MR analysis found a positive finding on the relationship between cigarette smoking and opium use which supports the gateway hypothesis about this example. It adds new information to the gateway theory regarding the relation of cigarette smoking and drug use, and increases our understanding on the importance of tobacco control for prevention of opium addiction. We recommend performing MR analysis for testing the two theories on tobacco, alcohol and marijuana consumption with use of other drugs including heroin, cocaine, and methamphetamine.

Keywords: Cigarette Smoking, Mendelian Randomization Analysis, Opium Dependence

ORAL

Heritability of blood pressure traits in diverse populations: A systematic review and meta-analysis

Goodarz Kolifarhood*, Maryam Daneshpour, Farzad Hadaeigh, Siamak Sabour, Hossein Mozafar Saadati, Ali Akbar Haghdoost, Mahdi Akbarzadeh, Bahareh Sedaghati-Khayat, Nasim Khosravi

gfarhood@gmail.com

Introduction: To understand the genetic architecture and make inferences about transmissible resemblance of systolic and diastolic blood pressure (SBP and DBP) traits in relatives, the polygenic effect of individual alleles in terms of narrow heritability (h^2) is usually assessed. The heritability estimates for BP traits are population specific parameters with a wide range in different studies (6-68%), and there is no comprehensive evidence comparing its source(s) of heterogeneity. To fill the gap, this systematic review and meta-analysis study was carried out.

Methods: Using MeSH terms, 647 records were detected through searching, "Pubmed", "Ebsco", "Web of Science" and "Scopus" databases. From these, 24 relevant full-text articles with 47 comparisons for final quantitative meta-analysis were included in our review over the 5 continents.

Results: The additive genetic effects of both traits showed a widespread distribution (h^2 SBP:17-52%, h^2 DBP:19-41%). Different categories of transmissible resemblance for BP traits were explained by ethnicity; higher heritability was estimated in Europeans and Mexican Americans, while lower heritability was seen in the Middle Eastern, Asians, Africans, Latinos, Hispanics, and American Indians.

Conclusion: Low heterogeneity of polygenic effects was seen for both traits in subgroups of the Middle East, Asians, Africans, and Latinos, Hispanics, American Indians. However, there was a substantial heterogeneity of h^2 within European and Mexican American studies. Neither pedigree type nor other covariates explained the variance of additive genetic effects of BP traits in different ethnicities.

Keywords: Blood pressure, Narrow heritability, Polygenic effect, Additive genetic effect, Heterogeneity



بررسی ارتباط پلی مورفیسم rs6318 در ژن گیرنده سروتونین (5-HT_{2C}) با آرتریت روماتوئید

ستار جمشیدی نسب

sattarjamshidi74@yahoo.com

مقدمه و هدف: آرتریت روماتوئید یک بیماری مزمن التهابی اتوایمیون می باشد که اخیراً نقش دوپامین و سروتونین و گیرنده های آن ها در پاتوژنز این بیماری مورد توجه قرار گرفته است. 5-HT_{2C} یکی از گیرنده های سروتونین است. یکی از انواع HTR_{2C} که اخیراً مورد توجه قرار گرفته، پلی مورفیسم تک نوکلئوتید C>G rs6318 - (SNP) می باشد که واقع در کروموزوم X است و یک پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی نان سینانیموس کدینگ است. این نوع SNP منجر به جایگزینی سرین (Ser) به جای سیستئین (Cys) در کدون ۲۳ میشود (Cys23Ser). در این مطالعه به بررسی ارتباط پلی مورفیسم rs6318 در ژن یکی از گیرنده های سروتونین با آرتریت روماتوئید پرداخته شده است.

روش کار: بدین منظور از ۱۴۹ نفر افراد سالم (بدون سابقه ابتلا به بیماری های روماتیسمی) و ۱۴۹ نفر افراد مبتلا به بیماری روماتیسم مفصلی نمونه گیری و پس از انجام PCR-RFLP ابتدا ناحیه ای از پروموتور ژن 5HT_{2C} که در برگیرنده پلی مورفیسم مورد نظر می باشد با استفاده از یک جفت پرایمر اختصاصی با بهره گیری از تکنیک PCR تکثیر حامل پلی مورفیسم مورد نظر تکثیر و پس از هضم آنزیمی، بر اساس تعداد و سایز باندها، ژنوتیپ ها تعیین شدند

نتایج: فراوان ترین پلی مورفیسم در جمعیت زنان فرم هموزیگوت G/G و در مردان G بود. در مقابل کمیاب ترین فرم آللی در کل جمعیت، فرم آللی هموزیگوت SER23/SER23 مربوط به زنان بود. برای سهولت بررسی پلی مورفیسم ها، ۵ حالت آللی را به دو فرم کلی آلل C و غیر C دسته بندی شدند. در مجموع درصد کمتری از کل جمعیت حامل C و درصد بزرگتری افراد غیر حامل C بودند. پس از تعیین ژنوتیپ افراد، نتایج با نرم افزار آماری SPSS Statistic 18 آنالیز گردید.

نتیجه گیری: آنالیز رگرسیون لجستیک نشان داد که داشتن یک آلل ویژه از پلی مورفیسم rs6318 تاثیر معنی داری بر شانس ابتلا به روماتیسم مفصلی نداشت. به عبارتی پلی مورفیسم rs6318 تاثیر معنی داری بر شانس ابتلا به روماتیسم مفصلی نداشت. اگر چه پس از بررسی ارتباط میزان تیترا RF در بیماران مبتلا به آرتریت روماتوئید و نوع آلل rs6318 مشخص شد که هیچ یک از بیماران حامل آلل C (Ser23) دارای تیتراهای RF بالا (۱۲۸ و ۲۵۶) نبودند. در واقع بیماران روماتیسمی که دارای آلل C یا Ser23 بودند، دارای تیتراهای پایین تری از فاکتور روماتوئید بودند. این ارتباط حتی پس از کنترل سن و جنس بیماران هم معنی دار بود. بدین ترتیب می توان با مطالعات بیشتر بر روی نقش کمبود سروتونین و پلی مورفیسم های مختلف در سیستم سروتونین در پاتوژنز بیماری آرتریت روماتوئید به شناخت بهتر و اهداف درمانی موثرتر در این بیماری کمک نمود.

کلمات کلیدی: سروتونین، ترانسپورتر سروتونین، گیرنده سروتونین 5-HT_{2C}، پلی مورفیسم rs6318، آرتریت روماتوئید

بررسی ارتباط پلی مورفیسم rs6318 در ژن گیرنده سروتونین 2C (5-HT2C) با سقط جنین

مختار حسینی، ستار جمشیدی نسب*

sattarjamshidi74@yahoo.com

مقدمه و هدف: با وجود مطالعات فراوان بر روی سقط جنین به عنوان یک بیماری چند عاملی هنوز در برخی موارد اتیولوژی آن ناشناخته مانده است. اخیرا نقش بالانس سیستم هورمونی و نورواندکراین در فیزیوپاتولوژی سقط مورد توجه بسیاری از محققین بوده است. تحقیقات نشان می دهند که سیستم های ایمنی، عصبی و اندوکراین با همدیگر از طریق انتقال دهنده های عصبی، سایتوکائین ها و هورمون ها در ارتباط می باشند. اختلالات هورمونی و استرس ها نیز از علل سقط جنین محسوب می شوند. افزایش خطر ریسک سقط جنین با مصرف برخی داروهای مهارکننده بازجذب سروتونین و نیز وجود استرس شدید سبب شده است که مطالعه نقش سروتونین و مولکولهای مرتبط با آن در سقط جنین برای محققین جذاب باشد. سروتونین دارای انواع مهار کننده ها، گیرنده ها و یک انتقال دهنده می باشد. 5-HT_{2C} یکی از گیرنده های سروتونین می باشد. در این مطالعه پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی rs6318 در ژن این گیرنده های سروتونین در زنان با سابقه قبلی سقط مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور شیوع این پلی مورفیسم در خانم هایی با سابقه سقط بررسی و فراوانی آن با جمعیت زنانی که دارای بارداری موفق بودند، مقایسه گردید

روش کار: در این مطالعات وضعیت پلی مورفیسم rs6318 در ژن گیرنده سروتونین 2C (5-HT_{2C}) در دو گروه زیر مورد بررسی قرار گرفت. A: زنان بدون سابقه سقط که هم اکنون صاحب فرزند سالم می باشند به عنوان گروه کنترل سالم B: زنان با حداقل یک سابقه سقط قبلی به عنوان گروه بیمار در گروه افراد سالم، پس از اخذ رضایت نامه چنانچه خانمی سابقه ای از مشکلات هورمونی مربوط به باروری یا بی نظمی قاعدگی یا آمنوره یا مشکلات تخمدانی یا حاملگی اکتوپیک داشت نیز از مطالعه حذف شدند. تا بدین ترتیب جمعیت سالم از نظر علمی قابل مقایسه با جمعیت بیمار با سابقه سقط باشد. در گروه زنان با حداقل یک سابقه سقط قبلی به عنوان گروه بیمار نیز کاملا مستند اقدام شد و زنانی که سقط آنها به صورت عمدی یا به علت حوادث تروماتیک بوده از مطالعه حذف شدند. الف - ۲ نمونه گیری از دو گروه مورد مطالعه. در مجموع از ۲۶۴ زن پس از اخذ رضایت نامه ۳ CC الی ۵ CC خون سیاهرگی گرفته شد و به لوله های آزمایش حاوی EDTA منتقل گردید و تا زمان استخراج در دمای ۲۰- درجه سانتی گراد نگهداری گردید. همچنین اطلاعات فردی هر فرد به صورت محرمانه تکمیل و ثبت گردید. از این تعداد ۱۳۲ نفر زنان سالم دارای فرزند و بدون هیچگونه سابقه سقط به عنوان گروه کنترل می باشند و ۱۳۲ زن نیز با داشتن حداقل یک سابقه سقط به عنوان گروه بیمار وارد مطالعه شدند.

نتایج: پس از انجام PCR و بررسی و ثبت وضعیت پلی مورفیسم در جمعیت های مورد بررسی، فراوان ترین پلی مورفیسم در جمعیت زنان با سابقه سقط و زنان بدون سابقه سقط، فرم هموزیگوت G/G می باشد در حالی که در کمیاب ترین فرم پلی مورفیسم در هر دو گروه مربوط به حالت هموزیگوت ser23/ser23 بود. در ادامه برای سهولت بررسی پلی مورفیسم های مختلف rs6318 در زنان ۳ حالت آلی فوق را به دو فرم کلی زنان حامل آلل C هستند و زنان غیر حامل C دسته بندی شدند. در گروه زنان با سابقه سقط حدود ۲۲ درصد حامل آلل C و ۷۷ فاقد آلل C بودند. در حالی که در جمعیت زنان با بارداری موفق درصد کمتری (۱۲ درصد) در گروه حامل آلل C قرار داشتند. این فراوانی بالاتر آلل C یا همان ser23 در زنان با سابقه سقط از نظر آماری معنی دار بود. آنالیز رگرسیون لجستیک نشان داد که داشتن یک آلل ویژه از پلی مورفیسم rs6318 حائز تاثیر معنی داری بر شانس سقط جنین می باشد. ارزیابی همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن نیز نشان داد که زنانی که حامل آلل کمیاب تر Ser23 or C بودند، تعداد سوابق سقط قبلی بیشتر داشته اند. **نتیجه گیری:** آنالیز رگرسیون لجستیک نشان داد که داشتن یک آلل ویژه از پلی مورفیسم rs6318 حائز تاثیر معنی داری بر شانس سقط جنین می باشد. ارزیابی همبستگی ناپارامتریک اسپیرمن نیز نشان داد که زنانی که حامل آلل کمیاب تر Ser23 or C بودند، تعداد سوابق سقط قبلی بیشتر داشته اند. بدین ترتیب تحقیقات روی گیرنده سروتونین و پلی مورفیسم های آن، سبب شده این مولکول به عنوان کاندیدی جالب برای مطالعات سقط جنین باشد.

کلمات کلیدی: سروتونین، ترانسپورتر سروتونین، گیرنده سروتونین 5-HT_{2C}، پلی مورفیسم rs6318، سقط جنین

Generality of Genomic Findings on Blood Pressure Traits and Its Usefulness in Precision Medicine in Diverse Populations: A Systematic Review

Goodarz Kolifarhood*, Maryam Daneshpour, Bahar Sedaghati Khayat, Hossein Mozafar Saadati, Kamran Guity, Nasim Khosravi, Mahdi Akbarzadeh, Siamak Sabour

gfarhood@gmail.com

Introduction: Remarkable findings from genome wide association studies (GWAS) on blood pressure (BP) traits have made new insights for developing precision medicine towards more effective screening measures. However, generality of GWAS findings in diverse populations is hampered by some technical limitations. There is no comprehensive study to evaluate source(s) of the non-generality of GWAS results on BP traits, so to fill the gap, this systematic review study was carried out.

Methods: Using MeSH terms, 1545 records were detected through searching in 5 databases and 49 relevant full-text articles were included in our review. Overall, 749 unique variants were reported, of those, majority of variants have been detected in Europeans and were associated to systolic and diastolic blood pressure traits.

Results: Frequency of genetic variants with same position was low in European and Non-European populations (n=38). However, more than 200 (>25%) single nucleotide polymorphism were found on same loci or linkage disequilibrium blocks ($r^2 \geq 80\%$). Investigating for locus position and linkage disequilibrium of infrequent unique variants showed modest to high reproducibility of findings in Europeans that in some extent was generalizable in other populations.

Conclusion: Beyond theoretical limitations, our study addressed other possible sources of non-generality of GWAS findings for BP traits in same and different origins.

Keywords: Blood Pressure, Genome Wide Association Study, Genetic Variant, Single Nucleotide Polymorphism, Precision Medicine



Intra-species variation of small liver fluke on the basis of nucleotide sequences

Dorsa Barzi, Farnaz Kojouri, Behnam Meshgi*

dorsabarzi@yahoo.com

Introduction: *Dicrocoelium dendriticum* belongs to digenea trematodes and it is one of the prevalent parasites in wild and domestic ruminants which located in biliary tract.

Dicrocoeliasis a disease caused by this liver fluke is one of the ruminant's parasitic infections that is more prevalent in ruminants rather than other hosts.

Methods: The principle purpose of this study was assessment of intra-species diversity of *D. dendriticum* in different definitive hosts from Iranian isolates. Twenty adult fluke were collected from naturally infected sheep and cattle from different geographical regions. Polymerase chain reaction (PCR) was performed determining DNA sequences of the second internal transcribed spacer (ITS2) and 28S of nuclear genome as well as cytochrome c oxidase I subunit (COI) of mitochondrial genes of collected *D. dendriticum* samples

Results: The sequence analysis of 28S, ITS2 and COI revealed bands of 585, 239 and 400 bp, respectively. No intra-species variation of *D. dendriticum* from different hosts and localities was found in comparison the 28S and ITS2 sequences, while the COI sequences showed intra-species diversity related to hosts and localities.

Conclusion: The comparison and alignment of obtained amino acid sequences with GenBank data indicated differences in 12 amino acids, which is not definitely adequate to generate new subspecies or strains. This study shows that molecular variation of *D. dendriticum* is a multifactorial phenomenon including complexity of life cycle, plurality and diversity of intermediate hosts and worm adaptation with various conditions, as well.

Keywords: *Dicrocoelium dendriticum*, Variation, 28S, ITS2, COI, Sequence



پنل چهارم

روش ها و مدل ها در اپیدمیولوژی



شناسایی برهمکنش موجود بین عوامل مختلف مرتبط با مرگ ناشی از سوانح ترافیکی ایران با استفاده از رگرسیون منطقی

سخنرانی

مرضیه روحانی رصاف*، یداله محرابی، حمید سوری، سید سعید هاشمی نظری

rohani_marzieh@yahoo.com

مقدمه و هدف: مرگ و میر ناشی از مصدومیت های ترافیکی یک علت عمده مرگ قابل اجتناب و یک مسئله مهم بهداشت عمومی است. اثرات عوامل اثرگذار بر وقوع سانحه و مرگ مربوط به آن در شرایط محیطی متفاوت و بین رانندگان با وسایل نقلیه مختلف یکسان نیست. لذا بررسی این عوامل به تنهایی نتایج را مخدوش می کند. به علت وجود تعداد بسیار زیاد برهمکنش های محتمل در متغیرها و عدم امکان شناسایی و لحاظ کردن همه آنها به خصوص در تقابل های چند طرفه، هدف این مطالعه شناسایی متغیرهای معنادار دارای برهمکنش از بین تمام برهمکنش های محتمل، ساخت ترکیبی از آنها با استفاده از رگرسیون منطقی و وارد کردن آن به عنوان متغیر مستقل جدید در مدل است.

روش کار: کلیه سوانح ترافیک جاده های برون شهر ایران از بانک اطلاعات سوانح ترافیکی پلیس در سال ۱۳۹۳ استخراج گردید. در این تحقیق پیامد مرگ برای راننده و سرنشین تعیین و جهت اصلاح پیامد مرگ برای مجروحین تا یک ماه بعد از حادثه از بانک اطلاعات پزشکی قانونی استفاده شد. برای کشف برهمکنش های معنادار دو یا چند طرفه موجود بین ۱۸ عامل مختلف از زیر مجموعه عوامل راه، خودرو و انسان، از رگرسیون منطقی که یک روش رگرسیونی تعمیم یافته است استفاده گردید. الگوریتم جستجوی تبرید تدریجی بهترین مدل را سه ترکیب منطقی مشتمل بر ۸ متغیر را انتخاب نمود.

نتایج: نتایج نشان داد که مواجهه با خودرو سنگین یا رویه غیر آسفالت (شنی و خاکی) یا شغل رانندگی شانس مرگ از سانحه را دو برابر می کند. همچنین رانندگی با خودرو غیر ایمن در جاده غیرمسطح و دارای پیچ شانس مرگ از سانحه را ۱/۶۵ برابر و داشتن خطا در جاده ای غیرمسکونی یا بدون شانه راه شانس خطر مرگ را ۱/۹ برابر می کند.

نتیجه گیری: با وجود کم گزارشدهی پلیس راهنمایی رانندگی به عامل راه، حضور این عامل در هر سه ترکیب بولی در رگرسیون منطقی نشان دهنده اهمیت ویژه این عامل در ایران است. جاده های با طراحی ضعیف هم به طور مستقل و هم در برهمکنش با عوامل انسانی و خودرو نقش به سزایی در تصادفات مرگبار دارد. خطای راننده در این نوع جاده ها بیشتر شده لذا باید سیاستمداران در نظر داشته باشند تا با احداث هر نوع سازه به ویژه اماکن رفاهی و خدماتی ویژه مسافران در کنار جاده های غیرمسکونی و ایجاد شانه مناسب راه شدت و بروز حوادث را کم نمایند.

کلمات کلیدی: مرگ از سوانح ترافیکی، برهمکنش، رگرسیون منطقی



ارزیابی عملکرد مدل گیرش و بازگیرش لگاریتم خطی: یک مطالعه شبیه سازی

سخنرانی

شهربانو گلی*، حسین محبوب، جلال پورالعجل

mahjub@umsha.ac.ir

مقدمه و هدف: معمولا فراوانی افراد با ویژگی های منفی مانند مصرف کنندگان مواد مخدر در جامعه نامعلوم می باشد و چند منبع اطلاعات، مانند بیمارستان، پزشکی قانونی و غیره هر کدام جداگانه فهرست ناقصی از نام افراد ثبت می کنند. تعدادی از افراد در جامعه پنهان هستند که نامشان در هیچ فهرستی شامل نمی شود. روش های گیرش و بازگیرش یا صید باز صید با استفاده از فهرست ها، حجم جامعه کل افراد را برآورد می کند. یکی از متداولترین این روش ها، مدل لگاریتم خطی است. هدف این مطالعه ارزیابی دقت این روش با استفاده از مطالعه شبیه سازی بود.

روش کار: شبیه سازی ها بر اساس سه منبع اطلاعات انجام شد. هر منبع، یک فهرست از نام افراد، ثبت می کند که بر اساس شامل شدن یا نشدن هر فرد در یک فهرست، جدول توافقی تشکیل می شود. فراوانی یک سلول جدول نامعلوم است که مربوط به افراد پنهان است و با در نظر گرفتن توزیع پواسون یا چندجمله ای و برازش مدل لگاریتم خطی، فراوانی آنها برآورد می شود. با فرض معلوم بودن حجم جامعه، داده ها شبیه سازی شدند به این ترتیب که برای مقادیر مختلف درصد هم پوشانی (میزان اشتراک بین فهرست ها) از ۱۰ تا ۹۰ درصد و همچنین درصد افراد مشاهده شده (درصدی از افراد جامعه که حداقل در یک فهرست، نامشان ثبت شده) از ۵ تا ۹۵ درصد، در هر مورد ۵۰۰ داده شبیه سازی شد و میانگین اربیبی نسبی و جذر میانگین مربعات خطای نسبی محاسبه شد.

نتایج: با مقایسه میانگین اربیبی داده ها بر اساس هر دو مدل پواسون و چندجمله ای به دست آمد که برای اینکه منابع، دقیق ترین برآورد را ارائه دهند، لازم است هم پوشانی بین آنها متناسب با میزان افراد مشاهده شده توسط آنها باشد و در داده های با هم پوشانی بالا و میزان افراد مشاهده شده کم یا بالعکس نتایج دارای اربیبی بالایی هستند.

نتیجه گیری: محققین می توانند قبل از به کارگیری این مدل، بر اساس تجربه یا نمونه گیری مقدماتی برآوردی از درصد افراد مشاهده شده توسط منابع اطلاعاتی به دست آورند و در صورتی که هم پوشانی، متناسب با این درصد نبود به علت خطای بالای مدل از به کارگیری آن اجتناب کنند.

کلمات کلیدی: گیرش و بازگیرش، مدل لگاریتم خطی، شبیه سازی



کاربرد نقش خود سازمان ده در شناسائی عوامل خطر متابولیک سرطان

سخنرانی

عذرا رمضانخانی*، فرزاد حدائق، فریدون عزیزی

ma.ramezankhani@gmail.com

مقدمه و هدف: مطالعات موجود نشان می دهند که تعدادی از عوامل خطر متابولیک تمایل به تجمع یا خوشه شدن در افراد دارند و خوشه های این عوامل ممکن است خاصیت هم افزایی داشته باشند، به طوریکه اثر ترکیبی این عوامل بسیار بیشتر از مجموع اثر هر خطر است. در این مطالعه، اثرات هم افزایی تعدادی از عوامل خطر متابولیک در ارتباط با بروز سرطان در بزرگسالان ایرانی مورد بررسی قرار گرفت.

روش کار: از بین ۸۵۹۳ فرد (۳۹۲۹ مرد) بالای ۳۰ سال شرکت کننده در مطالعه قند و لیپید تهران (TLGS)، رویکرد نقشه های خود سازمان ده (Self Organizing Map) که یکی از روشهای خوشه بندی مبتنی بر شبکه های عصبی مصنوعی است، برای خوشه بندی چهار عامل خطر متابولیک شامل گلوکز بالای پلاسمای ناشتا (HFPG)، کلسترول تام بالا (HTC)، فشار خون سیستولیک بالا (HSBP) و شاخص توده بدنی بالا (HBMI) استفاده شد. مدل مخاطرات نسبی کاکس برای بررسی ارتباط بین خوشه های شناسائی شده با بروز سرطان در طی ۱۴ سال پیگیری استفاده شد.

نتایج: در حدود ۳۲ و ۴۰ درصد مردان و زنان به ترتیب، دارای سه یا چهار MRF بودند. تعداد هفت خوشه MRF در هر دو جنس شناسایی شدند. تجمع MRF در هر دو جنس در افراد با سن بالاتر بیشتر بود. علاوه بر این، ارتباط معکوس بین سیگار کشیدن در مردان و سطح تحصیلات زنان و تجمع MRFها مشاهده شد. در مردان، خوشه ای که ۱۰۰٪ افراد HSBP و ۹۳٪ افراد HBMI داشتند، دارای بیشترین خطر ابتلا به سرطان بودند. در حالی که در میان زنان، خوشه ای که ۱۰۰٪ افراد HFPG و ۹۳٪ افراد HBMI داشتند، بیشترین خطر ابتلا به سرطان را به خود اختصاص داد. همچنین در زنان، خط سرطان زمانیکه HBMI همراه با HTC باشد، کاهش یافت.

نتیجه گیری: الگوهای خوشه بندی ممکن است نشان دهنده ارتباط بین MRFها و سرطان باشد و می تواند اجرای مداخلات هدفمند را در جهت ارتقاء سلامت تسهیل نماید.



ORAL

Superiority of Bayesian Model Averaging to Stepwise Model in Selection of Factors Related to the Incidence of Type II diabetes in Pre-diabetic Women

Yadollah Mehrabi, Maryam Mahdavi*, Davood Khalili, Ahmadreza Baghestani,
Farideh Bagherzadeh-Khiabani

mehrabi@sbmu.ac.ir

Introduction: The world prevalence of type 2 diabetes and its related increment mortality rate which needs high controls cost has attracted high scientific attention. Early detection of individuals who face this disease more than the others can prevent getting sick or at least reduce the disease consequences on public health. Regarding the costs and limitations of diagnostic tests, a statistical model is presented that helps predict the time of diabetes incidence and determines its risk factors.

Methods: In this study, 803 pre-diabetic women in the age range of more than 20 years were selected from Tehran lipid and glucose study (TLGS) to examine the predictor variables on time of diabetes incidence. They were entered into the study in the phases 1 and 2 and were followed up to the phase 4. The predictor variables selection was performed using the Stepwise Model and the Bayesian Model Averaging (BMA). Then, the predictive discrimination was used to compare the results of both models. The Log-rank test was performed and the Kaplan-Meier Curve was plotted. The statistical analyses were performed using R software (version 3.1.3).

Results: The Backward Stepwise Model, the Forward Stepwise Model and the BMA have used 9, 10 and 6 variables, respectively. Although the BMA selected predictor variables number is much lower than the Stepwise Models, the prediction ability remains nearly constant.

Conclusion: This model has shown nearly constant accuracy despite the selection of lower predictor variables number in comparison to the Stepwise Models.

Keywords: Bayesian Model Averaging, Stepwise Model, Tehran Lipid and Glucose Study, Women pre-diabetic, Cox regression



ORAL

Population Attributable fraction Estimation of the Cardiovascular Diseases– related factors: An Evidence from western part of Iran

Zhila Javani*, Yahya Salimi. Mahdi Moradinazar, Farid Najafi

zh.javani@gmail.com

Introduction: Cardiovascular diseases; Risk factors; population attributable fraction; sequential population attributable fraction; average population attributable fraction population attributable fraction has been widely used in literature to quantify an impact of removing risk factors in occurrence of diseases. This study was designed to estimate the population attributable fraction of prevalent cases of cardiovascular diseases associated with different risk factors.

Methods: First, to identify the confounding variables, we did a comprehensive review of the available resources and then presented the relationship between different risk factors with directed acyclic graphs and for any risk factor. Sequential and average adjusted attributable fractions were used. To calculate 95% confidence intervals, the Monte Carlo simulation was conducted .

Results: Among the modifiable predictors of cardiovascular diseases, the highest amount of population attributable fraction after adjusting in men were for hypertension 35.7% (95% CI: 30.2, 40.6%), dyslipidemia 12.2% (95% CI: 7.5, 17.6%), and in women were hypertension 42.8% (95% CI: 36.5, 47.3%), general obesity 10.7% (95% CI: 6.2, 15.3%), and for dyslipidemia 9.7% (95% CI: 5.1, 14.5%).

Conclusion: Due to the difference in the population attributable fraction of cardiovascular diseases-related factors in men and women, it is advisable to prioritize preventive cardiovascular diseases interventions by sex segregation.

Keywords: Cardiovascular diseases, Risk factors, population attributable fraction, sequential population attributable fraction, average population attributable fraction



ORAL

Avoidable Burden of Cardiovascular Diseases in the Eastern Mediterranean Region: Contribution of Selected Risk Factors for Cardiovascular-Related Deaths

Ehsan Mazloumi*, Jalal Poorolajal, Nizal Sarrafzadegan, Hamid Reza Roohafza, Javad Faradmal, Manoochehr Karami

ehsan.mazloumi1@gmail.com

Introduction: Contribution of risk factors for cardiovascular-related deaths in the Eastern Mediterranean Region Organization (EMRO) is not estimated quantitatively. To determine the avoidable burden of cardiovascular diseases (CVDs) due to hypertension, diabetes, smoking, overweight, and obesity in countries of EMRO of the WHO.

Methods: The comparative risk assessment methodology was used to calculate the potential impact fraction (PIF) and percentage of the avoidable burden of CVD-related death due to associated risk factors. Population exposure levels for CVDs and corresponding measures of association were extracted from published studies. The attributable burden was calculated by multiplying the Disability-Adjusted Life-Years (DALYs) for CVDs by the estimated impact fraction of risk factors. DALYs of the CVDs in all countries of the EMRO were extracted from the GBD official website in 2016. theoretical minimum risk exposure (scenario 1, that was set zero at this projected level of exposure), or feasible minimum risk (scenario 2, in this case, the prevalence of cigarette smoking is reduced by 30% compared to the primary exposure level, and a 25% reduction relative to the primary exposure level was reported for obesity, overweight, diabetes and hypertension)

Results: Following reduction of the current prevalence of smoking, obesity, hypertension, diabetes, and overweight to a feasible minimum risk exposure level in Lebanon, about 12.4%, 4.2%, 10.2%, 3.8%, and 5.7% of the burden of CVD-related mortality could be avoidable, respectively. The corresponding values of avoidable burden in selected EMRO countries were 5.1%, 3.5%, 9.4%, 5.9% and 5.3% in Iran and 9.5%, 4.1%, 11%, 8.2% and 5.4% in Egypt.

Conclusion: Findings suggest that health policy makers of all EMRO countries should take into account the attributable burden of CVD-related mortality due to associated risk factors to effectively develop preventive interventions.

Keywords: Global burden of diseases, Noncommunicable diseases, Cardiovascular diseases, Risk factors



ORAL

Pattern of substance use in relation to Attention-Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD), anxiety and sensation seeking in Iranian male workers: A latent class analysis

Abbass Abbassi*, Leila Janani, Seyed-Kazem Malakouti, Mahshid Rabetian, Shahnaz Rimaz
abbasi.abbas49@yahoo.com

Introduction: Substance use is serious risk to the health of workers. The aims of this study were to identify the subgroups of workers on the basis of substance use and assess the role of anxiety, sensation seeking and ADHD on the membership of participants in each latent class.

Methods: This cross sectional study was performed on 2434 workers. The sample was selected through random cluster sampling from Kaveh Industrial City. All workers completed five sets of checklists and questionnaires. Data analysis was performed using latent class analysis.

Results: Four latent classes were identified; namely, 1) Non user (80.1%), 2) Tobacco user (15.2%), Tobacco and opium user (3.7%) and, poly substance user (1.0%). After adjusting for other studied covariates, having ADHD increased the odds of membership in tobacco user class (OR=2.41) and poly substance user class (OR= 2.96) compared to non-user class. Also, having anxiety significantly increased the odds of membership in tobacco user class (OR=2.12) and poly substance user class (OR=2.21) in comparison to non-user class. Finally sensation seeking significantly increased the odds of membership in tobacco user class (OR= 7.30), tobacco and opium user class (OR=1.69) and poly substance user class (OR= 6.95) compared to non-user class.

Conclusion: Results indicated that 4.7% of the workers fell under tobacco and opium user and poly substance user classes. Focusing on treatment of ADHD with considering other comorbid factors such as anxiety and sensation seeking may be helpful in designing and executing effective programs to reduce of substance use among workers.

Keywords: latent class analysis, substance use, ADHD, anxiety, sensation seeking



ORAL

The joint contribution of epidemiology and management disciplines to road traffic accidents (RTAs) target setting: An objective planning for policy makers

Hamid soori, Seyed Saeed Hashem- Nazari, Seyed Abbas Motevalian, Aadel Azar, Skandar Momeni, Habibollah Rahimi*

rahimi_136@yahoo.com

Introduction: There is no doubt about the burden of road traffic accidents (RTAs). It imposes governments to set targets, aimed to reduce RTAs. Target achievement, required setting rational and objective-adopted approaches, as the attainable goals. This study has set realistic and objective targets for each inter-urban police station (IUPS), in Iran, using epidemiology and management capabilities .

Methods: The available inputs (as the resources), outputs and environmental and cultural (as the confounders) data of each Iran's IUPS were collected, in 2014. The input variables included the number of police (percentage), patrol cars, police motorcycles, patrol teams, law penalty and punishments, speed cameras and score of cultural and educational activities. The output variables included accidents, injuries and deaths. The confounder variables included length of freeway/ highway, length of one-way main roads, length of two-way main roads, length of by-way roads, ratio of main roads to the total roads, literacy rate, population of young people (aged 18-24), the number of household owning motorcycle, ratio of household owning car and traffic count on main road/ per minutes. At the first stage, the crude relative efficiency of each IUPS was measured, using DEA method. In the next stage, the effect of confounders on obtained efficiency score examined, using SFA method. With accounting the negative and positive effects of confounders on efficiency score, it was added or subtracted RTAs to the actual outputs (occurred RTAs for each IUPS). At the last, by using the adjusted outputs, the relative efficiency was measured, again. As a capability of DEA method, in this stage, the excess-determined RTAs for every non-efficient IUPS, compared with the peer-efficient IUPS, was obtained. Subtracting the excess RTAs from occurred RTAs implied the acceptable RTAs for every IUPS, as the achievable targets for the next year.

Results: In total, data of 198 country's IUPS was collected (75% of total provinces). Regarding the available resources and environmental and cultural conditions of each IUPS, it was possible to reduce 83 accidents (33.8%), 115 injuries (51.9%) and 1 death (3.3%) in each IUPS, on average. The obtained results could be set as the realistic target in the next year, retaining available resources and conditions .

Conclusions: Using joint capacities of epidemiology and management could provide mix-sophisticated approach in RTAs administration, in Iran. Epidemiology by distinguishing causal and confounder factors, and management by their specific models and approaches for resource management, could be helpful for policy makers.

Keywords: *Epidemiology, Management, RTAs, Data Envelopment Analysis, Stochastic Frontier Analysis, Police*



ORAL

Prediction of infant mortality factors using data mining in Iran

Yadollah Mehrabi, Niloufar Taherpour, Hamid Reza Tabatabaee, Tannaz Valadbeigi,
Mahmoud Hajipour*

m.hajipour.13@gmail.com

Introduction: Reduce of infant mortality in whole world is one of the millennium development goals. The aim of this study was to determine the factors related to infant mortality, using data mining algorithms.

Methods: This population-based case-control study was conducted in eight provinces of Iran in this study 2386 mothers (1076 cases and 1310 controls) enrolled. Data were extracted from health records of mothers and researcher-made questionnaire in health centers. We employed several data mining algorithms such as AdaBoost classifier, Support Vector Machine, Artificial Neural Networks, Random Forests, K-nearest neighborhood and Naive Bayes in order to recognize the important predictors of infant death also binary logistic regression model was used to clarify the role of each selected predictor.

Results: 58.7% of infant mortality was occurred in rural area that 55.6% of them were boy. In this study, Naive Bayes and Random Forest had high power in predictions of related factors among data mining models. also result of regression model was showed that event during pregnancy such as, dental disorders, high blood pressure and loss of parents, factors related infants such as low birth weight (<2500g) and factors related mothers like Consanguineous marriage, gap of pregnancy (<3 years) were risk factors while age of pregnancy (18-35 year) and high degree of education were protective factors.

Conclusion: Infant mortality is multifactorial outcome including infants, mothers and event during pregnancy. Due to high accuracy and ability of modern modeling similar to traditional modeling (regression models), we can use from machine learning for indicating related factors to infant mortality.

Keywords: *Infant mortality, risk factors, machine learning, logistic regression model.*



بررسی توزیع جغرافیایی مرگ موتور سواران در پزشکی قانونی استان اصفهان با استفاده از سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و عوامل خطر ثبت شده در سال های ۹۵-۱۳۹۱

رویا کریمی

roya.karimi26@yahoo.com

مقدمه و هدف: استان اصفهان جزو استانهای با بروز بالای مرگ ناشی از تصادفات موتورسیکلت می باشد و پس از استانهای بوشهر و گلستان، رتبه ی سوم بروز مرگ را داراست. هدف این مطالعه بررسی عوامل خطر و توزیع جغرافیایی مرگ موتورسواران و برخی عوامل خطر مرتبط با آن بود.

روش کار: مطالعه ی حاضر به صورت مقطعی توصیفی (Cross-sectional)، با استفاده از نرم افزار GIS بر روی داده های سالهای ۱۳۹۱-۹۵ اداره کل پزشکی قانونی استان اصفهان، انجام شده است.

نتایج: توزیع تصادفات منجر به مرگ موتورسواران در دوره پنج ساله ی ۹۵-۱۳۹۱ در مردان و در گروه های سنی ۱۰ تا ۳۰ سال از فراوانی بالاتری برخوردار بود. وقوع حادثه در شهریور ماه و در ساعات بعد از ظهر (۱۶ تا ۱۹) فراوانی بالایی را به خود اختصاص داد. برخورد با وسیله نقلیه روبرو از جمله سواری فراوانی بالاتری در بین سایر موارد داشت. در تحلیل فضایی شهرستانهای اصفهان، نجف آباد و فلاورجان نمایانگر بالاترین فراوانی تصادفات منجر به مرگ موتورسواران می باشد. همچنین شهرستان های لنجان و مبارکه به عنوان شهرستان های پر خطر شناخته شده اند ($P\text{-Value} < 0.05$).

نتیجه گیری: در نظر گرفتن مشخصات دموگرافیک متوفیان در جهت سیاستگذاری برای کاهش موارد مرگ ناشی از تصادفات موتوری به ویژه در گروه های پر خطر، اجرای مدون قوانین راهنمایی رانندگی، بررسی مکان های پرخطر و توجه به این مناطق و همچنین توجه به زمانهای پر حادثه و آماده باش بودن نیروهای خدمت رسان از جمله راهبرد هایی است که کاهش تلفات و پیشگیری از مرگ موتورسواران را فراهم می نماید.

کلمات کلیدی: تصادف، موتورسیکلت، عوامل اپیدمیولوژیک، تحلیل فضایی



بررسی روند مصرف سیگار در استان کردستان در دوره زمانی ۹۴-۱۳۸۴ و پیش بینی آن تا سال ۱۴۰۳

پارسا حاتمی*، بشرا زارعی، لیلا بابرام زاده، قباد مرادی

parsahatami@outlook.com

دخانیات مهمترین عامل مرگ قابل کنترل است. پایش شیوع آن از طریق تهیه پروفایل ملی و منطقه ای برای ارزیابی مداخلات در پیشگیری و کاهش بار بیماری های ناشی از آن الزامی است. این مطالعه به بررسی روند مصرف سیگار در استان کردستان در دوره زمانی ۹۴-۱۳۸۴ و پیش بینی آن تا سال ۱۴۰۳ می پردازد. این مطالعه از نوع مقطعی است. داده ها با استفاده از اطلاعات مربوط به شیوع مصرف سیگار از طریق نظام مراقبت غیرواگیر استان کردستان در هشت دوره و مرور متون و منابع مربوط به شیوع مصرف سیگار در استان کردستان گردآوری شد. برای آنالیز و پیش بینی از مدل سری های زمانی باکس و جینکینز با نرم افزار Stata 14 استفاده گردید؛ این مدل، داده های اضافه وزن و چاقی را با لحاظ معیارهای مناسبت مدل به ترتیب به مدل (۱،۱،۲) ARIMA رهنمون ساخت. در این مطالعه شیوع مصرف سیگار در استان کردستان در پاییز ۱۳۸۴، ۲۵/۹ درصد و در تابستان ۱۳۹۴، ۲۲/۵۰ درصد بوده است. پیش بینی می شود روند مصرف سیگار در استان کردستان به صورت تقریباً ثابت با مختصری کاهش باشد و شیوع مصرف سیگار در بهار سال ۱۴۰۳ به ۲۱/۸۰ درصد برسد. نتایج نشان داد مصرف سیگار تفاوت معناداری در زنان ۴،۵٪ و مردان ۳۲،۱۷٪ دارد.

کلمات کلیدی: سری زمانی، سیگار، شیوع، کردستان



بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل بزنف بر رفتار مصرف لبنیات در زنان باردار تحت پوشش مراکز جامع سلامت شهر زنجان

مرضیه متین

ma.matin8@yahoo.com

مقدمه و هدف: با توجه به اهمیت بهبود تغذیه در زنان باردار، مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل بزنف بر رفتار مصرف لبنیات در زنان باردار شهر زنجان در سال ۹۸-۹۷

روش کار: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۱۴۰ زن باردار که به صورت تصادفی از بین مراکز در وضعیت اقتصادی متوسط انتخاب شدند و در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه تنظیم شده براساس مدل بزنف و یادآمد خوراک ۲۴ ساعته خوراک (قبل از مداخله و دو ماه بعد از مداخله) بود. مداخله آموزشی بصورت غیرحضورى و از طریق شبکه اجتماعی تلگرام انجام گرفت و اطلاعات حاصل از پرسشنامه ها نیز توسط نرم افزار spss24 و با آزمون های آماری مستقل، زوجی، آنالیز واریانس با تکرار مشاهدات تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: یافته های پژوهش نشان داد که میانگین نمره آگاهی، نگرش، هنجارهای انتزاعی، عوامل قادر کننده، قصد رفتاری و رفتار بین دو گروه مداخله و کنترل در خصوص عملکرد تغذیه ای بعد از مداخله آموزشی اختلاف معنی داری وجود داشت. مهم ترین هنجار انتزاعی در این گروه همسران آنها بودند که آموزش ها را دریافت کردند و نتیجه آن بالا رفتن میانگین نمره هنجاری های انتزاعی و همچنین رفتار مصرف لبنیات حاصل از آن بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه طراحی برنامه آموزش تغذیه بر اساس مدل بزنف بصورت غیر حضورى و با استفاده از شبکه های اجتماعی مانند تلگرام بر اتخاذ رفتار تغذیه ای مناسب موثر واقع خواهد شد.

کلمات کلیدی: مدل بزنف، رفتار، لبنیات، زنان باردار



مقدمه ای بر روش همسان سازی نمره تمایل در مطالعات مشاهده‌ای

مصطفی واحدیان*، آرمیتا شاه اسماعیلی، امیر همتا

vahedian58@gmail.com

مقدمه و هدف: مطالعات مشاهده ای بطور فزاینده ای در برآورد اثرات علیتی درمانها، مداخلات و مواجهه ها روی پیامد مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این مطالعات زمانی برای برآورد اثرات درمانی روی پیامد استفاده می‌شود که استفاده از مطالعه کارآزمایی بالینی شاهد دار تصادفی شده عملی نبوده و یا به علت مسایل اخلاقی قابلیت انجام نداشته باشد. از دیگر مزایای مطالعات مشاهده ای این است که بر خلاف مطالعه کارآزمایی بالینی شاهد دار تصادفی شده، بدون کنترل شرایط مطالعه، میتوانند به مطالعه کارآیی درمان بپردازند، همچنین می‌توانند افرادی را که در مطالعه کارآزمایی بالینی شاهد دار تصادفی شده ممکن بود جزو معیارهای خروج باشند در مطالعه وارد نمایند و همچنین میتوانند روی پیامد های نادر و عوارض جانبی مطالعه نمایند، چیزی که در مطالعه کارآزمایی بالینی ممکن بود قدرت آماری لازم برای انجام آن وجود نداشته باشد.

روش کار: برخلاف مطالعات کارآزمایی بالینی، در مطالعات مشاهده ای تخصیص درمان در گروهها اکثرا تحت تاثیر ویژگی های افراد تحت مطالعه قرار می‌گیرد که تورش نشانه از جمله آنهاست، که نوعی سوگیری انتخاب می‌باشد. بنابراین در مطالعات مشاهده ای اغلب، در توزیع متغیرهای بالقوه مخدوشگر بین افراد گروه مواجهه داشته و نداشته (در مطالعه همگروهی) یا گروه مورد و شاهد (در مطالعه مورد شاهدی) تفاوت دیده می‌شود و به همین دلیل پیامدها در دو گروه نمی‌توانند بطور مستقیم با هم مقایسه شوند. یک راهکار مناسب استفاده از روش تحلیل نمره تمایل می‌باشد. تحلیل نمره تمایل قادر است مخدوشگرها را در مطالعات مشاهده ای تطبیق نماید، بنابراین به راحتی می‌تواند قابلیت مقایسه بین گروهها را میسر سازد. این روش توسط روزنباوم و روبین در سال ۱۹۸۳ معرفی شد.

نتایج: نمره تمایل احتمال برآورد شده برای هر فرد در مطالعه، برای قرار گرفتن وی در گروه مواجهه یا گروه عدم مواجهه با کنترل اثر متغیرهای مخدوشگر می‌باشد. چهار روش اصلی برای استفاده از نمره تمایل برای کاهش مخدوشگر وجود دارد. ۱- همسان سازی با استفاده از نمره تمایل ۲- طبقه بندی با استفاده از نمره تمایل ۳- وزن دهی بر اساس عکس احتمال مواجهه با استفاده از نمره تمایل و ۴- تطبیق اثر متغیرها با استفاده از نمره تمایل (یا مدل سازی) از بین این روشها استفاده از روش همسان سازی نمره تمایل متداول تر است. نمره تمایل معمولا با استفاده از رگرسیون لجستیک برآورد می‌شود که در آن مواجهه داشتن یا نداشتن بعنوان متغیر وابسته (متغیر Y) در نظر گرفته می‌شود و متغیرهای مخدوشگر بالقوه بعنوان متغیر مستقل (متغیر X) در مدل وارد شده و اثر آنها تطبیق می‌شود. در نهایت یک مجموعه همسان شده از افراد درمان شده و درمان نشده با استفاده از همسان سازی روی نمره تمایل بوجود می‌آید.

نتیجه گیری: روش نمره تمایل بر سوگیری هایی که در اثر مخدوشگرهای مشاهده شده (یا اندازه گیری شده) بوجود آمده اند بسیار تاثیر گذار است. بهتر است از همان ابتدا مخدوشگرهای بالقوه بیشتری در مدل نمره تمایل بعنوان متغیرهای مستقل وارد شوند. انتخاب درست متغیرها در زمان برآورد نمره تمایل برای اعتبار مدل نمره تمایل بسیار تعیین کننده است. همچنین باید بدانیم که عامل تعیین کننده اعتبار مدل نمره تمایل انتخاب صحیح متغیرها در زمان برآورد نمره تمایل می‌باشد.



اصلاح سوء طبقه بندی مواجهه با استفاده از روش وزن دهی ارزش پیشگویی (predictive value) در رگرسیون لجستیک

زهرا کردی، احمد خسروی*، اکبر فتوحی

khosravi2000us@yahoo.com

مقدمه و هدف: در بررسی رابطه بین مواجهه و پیامد در مدل رگرسیون، گاهی اندازه گیری مواجهه به طور دقیق و کامل نیست. در خصوص متغیرهای کیفی و گروه بندی شده، ممکن است طبقه بندی مشاهده شده با طبقه بندی واقعی بدلیل سوء طبقه بندی متفاوت باشد. در صورتی که این سوء طبقه بندی در متغیر مواجهه Z لحاظ نشود ضرایب برآورد ما در مدل دچار بایاس می شود. برای نشان دادن نحوه اصلاح این سوء طبقه بندی، رابطه بین افسردگی و خودمراقبتی در بیماران دیابتی را با استفاده از روش وزن دهی ارزش پیشگویی مورد آنالیز قرار دادیم.

روش کار: در این مطالعه تعداد ۱۰۰۰ نفر از بیماران مبتلا به دیابت در شاهرود از نظر عوامل مرتبط با دیابت، خودمراقبتی و افسردگی با استفاده از پرسشنامه ۵ سوالی WHO مورد ارزیابی قرار گرفتند. با توجه به اینکه پرسشنامه تندرستی WHO دارای ارزش تشخیصی کاملی در تشخیص افسردگی نیست بنابراین بررسی رابطه آن با خودمراقبتی دیابت در این گروه از افراد نیاز به اصلاح دارد. حساسیت و ویژگی این پرسشنامه در یک مطالعه مروری برای بررسی افسردگی برابر با ۰/۸۶ و ۰/۸۱ به دست آمده است. خودمراقبتی با استفاده از پرسشنامه SDSCA مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: در صورتی که شیوع برآورد شده افسردگی در مطالعه با Z و شیوع اصلاح شده با X نشان داده شود. با استفاده از این دو شاخص و شیوع ظاهری افسردگی بر حسب پیامد، ارزش اخیری مثبت و منفی با استفاده از فرمول مربوطه محاسبه شده است. بعد از محاسبه ارزش پیش گویی مثبت و منفی برای گروه بیماران دارای خودمراقبتی مطلوب و نامطلوب (دو سطح پیامد) بصورت مجزا، از این احتمال بعنوان وزن متغیر X استفاده شده است. در این مطالعه شیوع افسردگی تصحیح نشده در بیماران دیابتی ۶۹/۳ درصد است. نسبت شانس رابطه افسردگی با خودمراقبتی در این مطالعه برابر با ۲/۴ (۲/۷-۳/۱) و بعد از تصحیح برابر با ۵/۲ (۲/۷-۹/۸) است. در این مطالعه سن، سابقه بیماری، جنس، تحصیلات، همگلوبین گلیکولیزه، دور کمر و سابقه فشارخون هم در مدل مورد بررسی قرار گرفتند.

نتیجه گیری: از این روش می توان برای تصحیح خطای اندازه گیری در مواجهه بخصوص در مطالعات پرسشنامه ای استفاده کرد. استفاده از این روش نیازمند رعایت پیش فرض های این روش است.

کلمات کلیدی: دیابت، ارزش پیشگویی کننده، سوء طبقه بندی غیراتراقی



اثر مستقیم کنترل شده اختلالات روان پزشکی بر بیماری های ایسکمیک قلبی

زهرا دارابی^۱، فرید نجفی^۲، رویا صفری فرامانی^۳، یحیی سلیمی

zdarabi70@yahoo.com

مقدمه و هدف: اختلالات روان پزشکی به صورت معنی داری باعث افزایش بروز و شیوع بیماری های قلبی عروقی، افزایش مرگ و میر در اثر این بیماری ها و افزایش عود و بستری مجدد در این بیماران می شود. همچنین فشارخون یکی از عواملی است که می تواند در مسیر علیتی بین اختلالات روان پزشکی و CVD قرار گیرد. این مطالعه به منظور بررسی اثر مستقیم کنترل شده اختلالات روان پزشکی بر بیماری های قلبی عروقی، با کنترل اثر میانجی فشارخون انجام گرفت.

روش کار: پژوهش حاضر یک بررسی مقطعی است. جامعه آماری این مطالعه را تمام افراد ۳۵ تا ۶۵ سال شهر روانسر تشکیل می دهند. در این مطالعه ۱۰۰۶۵ نفر مورد مطالعه و آنالیز قرار گرفتند. اطلاعات مورد نیاز برای انجام این مطالعه به وسیله پرسش نامه های استاندارد در مطالعه کوهورت روانسر جمع آوری شد. به منظور بررسی اثر مستقیم کنترل شده (CDE) در حضور برهمکنش بین اختلالات روان پزشکی و وضعیت فشارخون از Marginal structural model استفاده شد. این روش به صورت تحلیل مدل رگرسیونی پیامد بر روی مواجهه و واسطه است اما به جای کنترل مخدوش گر ها با رگرسیون، آن ها را با روش وزن دهی کنترل می کند.

نتایج: بیماری های ایسکمیک قلبی در ۱۳/۷۳٪ (۱۳۸۲ نفر) از جمعیت مورد مطالعه گزارش شد. در صورت کنترل متغیر واسطه فشارخون در سطح جمعیت (هیچ کس فشارخون نداشته باشد)، داشتن اختلال روان پزشکی شانس مبتلا بودن به بیماری های قلبی عروقی را به اندازه ۱۸،۸۳ برابر افزایش می دهد (OR=18/83, CI:16/44, 21/55).

نتیجه گیری: اختلالات روان پزشکی به طور مستقیمی با بیماری های ایسکمیک قلبی در ارتباط است. در وضعیت مطلوب فشارخون در صورت وجود اختلالات روان پزشکی در مقایسه با عدم وجود اختلالات روان پزشکی شانس بروز بالاتری برای بیماری های ایسکمیک قلبی وجود داشت. استفاده از آموزش های مختلف و افزایش آگاهی افراد جامعه در تمامی رده های سنی و سطوح مختلف اجتماعی می تواند به جلوگیری از الگوهای ناسالم فرهنگی و اجتماعی بیانجامد که در واقع، با اصلاح الگوی زندگی و روش تغذیه ای مردم، می توان به جلوگیری از شکل گیری و استقرار فاکتورهای خطر بیماری های قلبی عروقی، امیدوار بود.

کلمات کلیدی: بیماری های ایسکمیک قلبی، اختلالات روان پزشکی، وضعیت فشارخون، اثر مستقیم کنترل شده.



مقایسه دو روش توزیعی و رگرسیون لجستیک در بررسی رابطه متغیرهای کووریت با یک متغیر

پیوسته

احمد خسروی*، سیدعباس موسوی، محمد حسن امامیان، حسن هاشمی، اکبر فتوحی

khosravi2000us@yahoo.com

مقدمه و هدف: در بسیاری از موارد اندازه گیری متغیر پیامد در مطالعات اپیدمیولوژیک به صورت یک متغیر کمی است و در آنالیز محققین متغیر پیامد را به صورت گروه بندی و دو سطحی تقسیم بندی نموده و در نهایت با استفاده از رگرسیون لجستیک به بررسی رابطه بین مواجهه و پیامد می پردازند. در این حالت دوحالتی کردن متغیر بر حسب انتخاب نقطه برش با کاهش توان آنالیز و ایجاد تورش و از دست دادن اطلاعات همراه است. در این مقاله عوامل مرتبط با کیفیت خواب با استفاده از روش آنالیز توزیعی (distributional) و رگرسیون لجستیک مورد بررسی قرار گرفته است.

روش کار: در این مطالعه داده های مربوط به فاز دوم مطالعه کوهورت چشم شاهرود در خصوص کیفیت خواب ۴۷۳۷ نفر از بزرگسالان مورد استفاده قرار گرفت. رابطه متغیرهای سن، جنس، نمایه توده بدنی، مصرف سیگار، وضعیت اقتصادی، ابتلا به دیابت و فشارخون به صورت گروه بندی شده با متغیر پیامد کمی نمره کیفیت خواب مورد بررسی قرار گرفته است. نمره کیفیت خواب با استفاده از روش تئوری پاسخ آیتم (IRT) به یک متغیر کمی نرمال با میانگین صفر تبدیل شد.

نتایج: نتایج مطالعه نشان داد که از نظر مفهومی تفاوتی بین نوع و جهت رابطه بین متغیرهای کووریت و پیامد و تعداد متغیرهای معنادار در مدل وجود ندارد. مقایسه نسبت شانس برآورد شده در روش توزیعی دارای دامنه اطمینان و برآورد خطای معیار کمتری است.

نتیجه گیری: روش توزیعی را می توان برای هر پیامد کمی با توزیع نرمال مورد استفاده قرار داد.

کلمات کلیدی: رگرسیون لجستیک، متغیر کمی، متغیر دوحالتی، روش توزیعی.



بررسی اجزای پرسشنامه کیفیت خواب پیتزبرگ در جمعیت بالغین ایرانی: مدل تئوری پاسخ آیتم

احمد خسروی*، سیدعباس موسوی، محمد حسن امامیان، حسن هاشمی، اکبر فتوحی

khosravi2000us@yahoo.com

مقدمه و هدف: در کشور ما مطالعات اندکی در خصوص بررسی کیفیت خواب در جمعیت عمومی انجام شده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی دقت اجزای هفت گانه پرسشنامه کیفیت خواب پیتزبرگ برای بررسی کیفیت خواب با استفاده از مدل Item response theory و ارایه نقطه برش مناسب برای مطالعات جمعیتی طراحی و اجرا شده است.

روش کار: در این مطالعه کیفیت خواب ۴۷۳۷ نفر از بزرگسالان شرکت کننده در فاز دوم مطالعه کوهورت چشم پزشکی شاهرود در سال ۲۰۱۴ با استفاده از پرسشنامه پیتزبرگ مورد بررسی قرار گرفتند. با استفاده از مدل پاسخ آیتم، اجزای هفت گانه پرسشنامه کیفیت خواب بعنوان متغیرهای پیشگو و کیفیت خواب بعنوان متغیر پنهان در نظر گرفته شدند. در این روش بطور اختصاصی احتمال پاسخ مثبت به هر آیتم توسط هر فرد برحسب مقادیر متغیر پنهان (تتا) و خصوصیات هر آیتم مورد بررسی قرار می گیرد.

نتایج: نتایج بررسی اجزای مختلف پرسشنامه نشان داد که جز ۶ (استفاده از داروی خواب) و جز ۷ (اختلال عملکرد در طی روز)، دارای کمترین مقدار پارامتر تمیز و جز ۴ (کفایت عادات خواب) و جز ۱ (کیفیت ذهنی خواب) دارای بیشترین مقدار تمیز هستند (بیشترین نقش را در تشخیص افراد دارای اختلال خواب و افراد سالم جز ۴ و در رتبه بعدی جز ۱ و کمترین را جز ۶ و ۷ دارند). نتایج آنالیز نشان داد که افراد با نمره کیفیت خواب مورد انتظار کمتر و مساوی ۶/۵ دارای کیفیت خواب مطلوب هستند.

نتیجه گیری: با توجه به ضریب تمیز پایین اجزای ۶ و ۷ این پرسشنامه در نمره نهایی کیفیت خواب، استفاده از نمره استاندارد شده کیفیت خواب و نمره برش بالاتر از شش برای این ابزار در جمعیت ایرانی توصیه می شود.

کلمات کلیدی: کیفیت خواب، مدل پاسخ آیتم، پرسشنامه پیتزبرگ، شاهرود.



الگوی اضافه وزن و چاقی در استان کردستان در دوره زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ و پیش‌بینی آن تا سال ۱۴۰۵: مطالعه سری زمانی

بشرا زارعی*، سیامک واحدی، علی مجیدی، قباد مرادی

boshrazarei88@gmail.com

مقدمه و هدف: چاقی و اضافه‌وزن از مهمترین عوامل خطر بیماری‌های غیرواگیر هستند. طراحی مداخلات مؤثر برای کاهش ابتلا به اضافه‌وزن و چاقی نیازمند تهیه پروفایل منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است. هدف این مطالعه بررسی الگوی اضافه‌وزن و چاقی در استان کردستان در دوره زمانی ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ و پیش‌بینی آن تا سال ۱۴۰۵ است.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی است. بخشی از داده‌ها با استفاده از اطلاعات مربوط به اضافه‌وزن و چاقی از طریق نظام مراقبت غیرواگیر استان کردستان در هشت دوره و بخش دیگر با مرور متون و منابع مربوط به شیوع اضافه‌وزن و چاقی در استان کردستان گردآوری شد. برای آنالیز و پیش‌بینی از مدل سری‌های زمانی باکس و جینکینز و هموارسازی به روش نمائی با نرم‌افزار Stata 14 استفاده گردید؛ این مدل، داده‌های اضافه‌وزن و چاقی را با لحاظ معیارهای مناسب مدل به ترتیب به مدل $ARIMA(4,1,4)$ و $ARIMA(1,1,1)$ رهنمون ساخت.

نتایج: ترسیم روند ابتلا به اضافه‌وزن و چاقی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ به طور چشمگیری رشد این دو پیامد را در طول زمان نشان می‌دهد. شیوع اضافه‌وزن و چاقی در سال ۱۳۶۹ به ترتیب برابر $3,60-15,78$ (۹۵٪ CI: $1,38-8,28$) و $2,94-9,94$ (۹۵٪ CI: $1,92-10,08$) و برای سال ۱۳۹۵، $38,27-47,27$ (۹۵٪ CI: $40,00$) و $22,47-29,77$ (۹۵٪ CI: $22,74$) است. شیوع اضافه‌وزن از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ در هر دهه نسبت به دهه گذشته ۱,۵ تا ۲ برابر و شیوع چاقی ۱,۵ تا ۲,۵ برابر افزایش داشته است؛ پیش‌بینی می‌شود شیوع چاقی به ۳۴,۰۳٪ و شیوع اضافه‌وزن به ۵۸,۳٪ در سال ۱۴۰۵ در استان کردستان رشد یابد. از یافته‌های مهم این مطالعه کم شدن اختلاف شیوع اضافه‌وزن و چاقی در دوره‌ی سی ساله و استمرار آن در آینده است. نتایج نشان داد چاقی تفاوت معنادار در زنان ۲۳,۵٪ و مردان ۱۳,۶٪ دارد ($P < 0,001$). بیشترین فراوانی اضافه‌وزن در گروه سنی ۴۵-۵۴ سال و برای چاقی در گروه سنی ۶۴-۵۵ سال یافت شد.

نتیجه‌گیری: اضافه‌وزن و چاقی از ریسک فاکتورهای اصلی بیماری‌های غیرواگیر می‌باشند که کنترل آن‌ها نیازمند برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه سازمان‌یافته در استان کردستان می‌باشد.

کلمات کلیدی: اضافه‌وزن، چاقی، سری‌های زمانی، ایران



تقدم علت بر معلول: دیدگاه اپیدمیولوژی، دیدگاه فلسفی

جعفر حسن زاده

jafarabolhasan@yahoo.com

مبحث علت و معلول یکی از مباحث اختصاصی در حوزه فلسفه است اما رویکرد و ماهیت دانش اپیدمیولوژی به گونه ای است که نه تنها ورود به این مبحث را ضروری کرده است بلکه آن را به یکی از مباحث جذاب و در عین حال پیچیده در این حیطه از علوم تجربی تبدیل کرده است. هدف این مقاله نقد دیدگاه های دانش اپیدمیولوژی در خصوص اصل تقدم علت بر معلول - به عنوان یکی از معیار های ارزیابی رابطه علت و معلولی - از منظر فلسفی است. تفکر حاکم بر دانش اپیدمیولوژی این است که تقدم علت بر معلول یکی از معیار های قطعی و غیر قابل بحث در ارزیابی رابطه علت و معلولی است. از نقطه نظر اپیدمیولوژی این تقدم دارای دو وجه است یکی ترتیب زمانی و دیگری فاصله زمانی. آنچه در این دیدگاه بر آن تاکید می شود "متغیر زمان" است. این مفهوم رایج در اپیدمیولوژی از منظر فلسفی قابل نقد است. در دیدگاه فلسفی منظور از فاصله، مفهوم فیزیکی آن نیست. به عبارتی گاهی فاصله ای به نام زمان قابل اندازه گیری و حتی قابل تصور نیست. در واقع دو پدیده مقارن هستند و در زمان واحدی رخ داده اند. در این جا تنها چیزی که دلالت بر علیت می کند عقل است. بنابراین ارتباط زمانی به عنوان یک اصل قطعی در اپیدمیولوژی پاسخ گوی پدیده های همزمان نیست. تقدم عقلانی مفهومی جامع تر و مناسب تر برای جایگزینی با این معیار است. نقد دیگری که بر اصل تقدم علت بر معلول با مفهوم رایج در اپیدمیولوژی وجود دارد، ضرورت "تعاقب" یا "از پی هم آمدن" است. اما واقعیت آن است که پدیده های گذشته و حال و آینده متاثر از یکدیگرند و اینگونه نیست که پدیده های موجود در زمان حال مستقل از عوامل آینده باشند. اگر تاثیر آینده نبود پدیده های امروز نیز محقق نمی شد. این بدان علت است که نهاد هستی دارای حقیقت واحدی است و ذره ذره موجودات آن از یکدیگر متاثرند " و ما امرنا الا واحده کلمح بالبصر "

کلمات کلیدی: علت، معلول، فلسفی، اپیدمیولوژی



پارادایم های سه گانه اثبات گرایی، تفسیری و تحول طلبانه در مطالعات

الهه رحیمی نیا^{*}، حوریه رحیمی نیا

rahiminia@sbmu.ac.ir

مقدمه و هدف: بدون تعیین یک پارادایم در ابتدای تحقیق، هیچ اساسی برای انتخاب های بعدی در خصوص روش شناسی، ادبیات و طرح تحقیق وجود ندارد. پارادایم مجموعه ای از فرضیات، مفاهیم و قضایای منطقی مرتبط به هم که روش تفکر را جهت دهی می کنند، تعریف می شود. از این رو شناخت پارادایم های تحقیقی به کار گرفته شده در حوزه پژوهش و آگاهی از وضعیت و کیفیت رواج آن ها ضروری به نظر می رسد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی پارادایم های سه گانه اثبات گرایی، تفسیری و تحول طلبانه در مطالعات صورت گرفت.

روش کار: در این پژوهش مروری از مطالعات کتابخانه ای و سایت های Magiran، Pubmed، Irandoc، google scholar استفاده شده است. بدین صورت ابتدا در سایت های مختلف با ارائه کلید واژه های *positivism, interpretative, and Transformative* مقالات چاپ شده مرور و سپس مقالاتی که با موضوع ارتباط بیشتری داشتند، انتخاب و مورد مطالعه دقیق قرار گرفتند.

نتایج: طبق نتایج پارادایم اثبات گرایی (Positivism) رویکردی عینی است که در روش های کمی غالب است و توانایی آزمون نظریه ها و پایه گذاری قوانین علمی را در آن هدف آن مشخص کردن روابط علت و معلولیمی باشد. در حالی که پارادایم تفسیر گرایی (Interpretivism) در روش های کیفی غالب تر هستند و همچنین بر این عقیده استوار است که مفاهیم ذهنی نقش مهمی در کنش های اجتماعی ایفا می کنند. در رویکرد تحول طلبانه (Transformative) روش های کمی و کیفی و ترکیبی می توانند مورد بهره برداری قرار گیرند که اجازه فهم و درک گوناگونی ارزش های اجتماعی و حالات مختلف را به محققان نشان می دهد. همچنین سه پارادایم فوق از لحاظ پیش فرض های پایه، منبع شواهد، روش های جمع آوری داده ها، هدف تحقیق، سطح مشارکت افراد و تاثیر پارادایم ها بر روی شرکت کنندگان مطالعه با یکدیگر بررسی و مورد مقایسه قرار گرفت.

نتیجه گیری: آشنایی با پارادایم ها توسط محققان سبب افزایش فهم و درک آن ها نسبت به ماهیت پارادایم ها و نحوه به کارگیری آنها می شود و در نهایت سبب به کارگیری رویکرد مناسب در انواع مطالعات کمی و کیفی می گردد.

کلمات کلیدی: پارادایم تفسیری، پارادایم اثبات گرایی، پارادایم تحول طلبانه



مروری بر کار آزمایی برابر (بدون برتری) و نحوه تعیین حجم نمونه در آن

فرزان مددی زاده*، تکتم شفیعی

f.madadzadeh@ssu.ac.ir

مقدمه و هدف: کار آزمایی بالینی شامل تحقیقات یا مطالعات علمی که به بررسی و ارزیابی ایمنی و اثربخشی داروها و روش های درمانی جدید بر روی انسان می پردازد. کار آزمایی های بالینی شامل هر دو نوع بررسی مشاهده ای و مداخله ای می شوند. کار آزمایی های بالینی انواع مختلفی دارند:

کار آزمایی بالینی تصادفی سازی شده (Randomized Clinical Trial)، مطالعه ای که در آن شرکت کنندگان به طور تصادفی در گروه های مجزایی قرار می گیرند تا محققان درمان های مختلف را با هم مقایسه نمایند. محققان و شرکت کنندگان به دلخواه نمی توانند گروه ها را انتخاب کنند. به طور تصادفی قرار دادن شرکت کنندگان در گروه های مختلف به این معنی می باشد که گروه ها شبیه هم خواهند بود و اینکه درمان هایی را که در مورد شرکت کنندگان صورت می گیرد می توان به طور بی طرفانه مقایسه نمود.

کار آزمایی بالینی تصادفی سازی نشده (Nonrandomized Clinical Trial)، آزمایشی بالینی که در آن شرکت کنندگان به طور تصادفی در گروه های مختلف درمان قرار نمی گیرند. ممکن است خود شرکت کنندگان تصمیم بگیرند در کدام گروه شرکت کنند یا امکان دارد محقق آن ها را در گروه های مختلف قرار دهد.

کار آزمایی بالینی شاهد دار (Controlled Clinical Trial)، آزمایشی بالینی که شامل گروه مقایسه (شاهد) است. افراد این گروه از درمانی دیگر برخوردار می شوند، یا آن ها را درمان نمی کنند و به آن ها دارو نما (پلاسبو) داده می شود. نوع دیگری از کار آزمایی های بالینی به نام کار آزمایی برابر (*Non-inferiority clinical trials*) هم وجود دارد.

محاسبه حجم نمونه در مطالعات کار آزمایی بالینی برابر:

$$n \geq \frac{k+1}{k} \frac{\left(z_{1-\frac{\alpha}{2}} + z_{1-\beta} \right)^2 s^2}{\Delta^2}$$

در این فرمول Δ حداقل مقدار اختلاف در میزان موفقیت و اثر بخشی دارو است که معمولا آن را ده درصد در نظر می گیرند. K نسبت نمونه ها در گروه داروی استاندارد نسبت به گروه داروی جدید است. S انحراف معیار مشترک میزان اثر بخشی دو دارو است. محاسبه حجم نمونه در این نوع کار آزمایی تا حدی مشابه محاسبه حجم نمونه بر حسب میانگین در دو گروه مستقل است با این تفاوت که در مخرج فرمول حداقل مقدار اختلاف در میزان اثر بخشی دو دارو برابر ده درصد لحاظ می شود. کار آزمایی برابر نوعی از کار آزمایی بالینی است که در حوزه درمان کاربرد دارد. این نوع از کار آزمایی هنگامی استفاده می شود که هدف بررسی تاثیر یک دارو جدید و مقایسه آن با داروی استاندارد است.

کلمات کلیدی: کار آزمایی برابر، حجم نمونه



دیجیتال اپیدمیولوژی: دیدگاهی نو در اپیدمیولوژی مدرن

سیما مسعودی، محمد حیدری*، پروین یآوری

heidari.m1358@gmail.com

مقدمه وهدف: همچون نقش فلسفه علم در میان سایر علوم، معرفی و توسعه متدولوژی تحقیق یکی از مهمترین رسالت‌های اپیدمیولوژی است، لذا اپیدمیوژی باید بتواند همگام با تحولات علمی و ظهور ابزارهای نو، خود را به روز و افق‌هایی تازه بر روی محققان بگشاید. در دهه اخیر شاخه‌ای از اپیدمیولوژی مدرن به نام اپیدمیولوژی دیجیتال مطرح شده که مقاله حاضر در پی معرفی و پتانسیل کاربرد آن است. تحولات اخیر در زمینه ارتباطات، گسترش و نفوذ اینترنت و تلفن‌های همراه و افزایش تعداد کاربران آنها و نشانه‌های متعددی که در این شبکه‌ها از کاربران بر جای می‌ماند، گنجینه‌ای غنی از داده‌های بزرگ را ایجاد کرده است. امروزه نسبت بزرگی از جمعیت جهان به کمک این ابزارها یا اطلاعات مرتبط با سلامت را جستجو می‌کنند یا تجربیاتشان را با بقیه در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند. به این ترتیب برای شناخت رفتار و برخی ویژگی‌های مرتبط با سلامت جمعیت‌ها می‌توان از شبکه‌های مجازی و اینترنت استفاده کرد.

روش کار: دیجیتال اپیدمیولوژی حوزه‌ای از اپیدمیولوژی است که از روش‌های دیجیتال برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌هایی استفاده می‌کند که با هدف اصلی مطالعات اپیدمیولوژیک تولید نشده‌اند. این داده‌ها شامل عبارت‌های جستجو و رکوردهای ورود به صفحات وب با استفاده از ابزارهایی مانند گوگل ترند و ویکی‌پدیا، پست‌های رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر، داده‌های شبکه‌های تلفن همراه و غیره هستند. از چنین داده‌های برای مطالعه بیماری‌های عفونی و غیرواگیر مانند ایدز و صرع، بررسی مسائل رفتاری و سلامت روان مانند مصرف الکل، سیگار و دیدگاه مردم نسبت به واکسیناسیون، کشف به موقع طغیان‌های آنفلوآنزا، و بررسی الگوهای فصلی و مکانی مولتیپل اسکروزیس و غیره استفاده شده است.

نتایج: دیجیتال اپیدمیولوژی می‌تواند در فراهم کردن داده‌های لازم برای کشف زودرس اپیدمی‌ها، پایش مداوم حرکات بیماری در جمعیت‌ها، ارزیابی رفتارها و نگرش‌های مردم در مورد مسائل مربوط به سلامتی کمک کننده باشد. از دیجیتال اپیدمیولوژی در مطالعه بیماری‌های عفونی و غیرواگیر مانند ایدز و صرع، بررسی مسائل رفتاری و سلامت روان مانند مصرف الکل، سیگار و دیدگاه مردم نسبت به واکسیناسیون، کشف به موقع طغیان‌های آنفلوآنزا، و بررسی الگوهای فصلی و مکانی بیماری‌ها استفاده شده است. در این مطالعات از داده‌های google flu trend, google trend, twitter و wikipedia و داده‌های شبکه تلفن همراه استفاده شده است.

نتیجه گیری: به رغم اهمیت رو به رشد، دیجیتال اپیدمیولوژی با چالش‌هایی مانند مسئله حریم خصوصی، ماهیت بالقوه چوله داده‌ها، صحت اطلاعات، تاثیر اخبار، رسانه‌ها و دانش جمعیت عمومی در مورد بیماری‌ها بر حجم‌های جستجو نیز روبرو است. در ایران پوشش ضعیف و کندی نظام‌های ثبت، کم‌گزارش‌دهی یا فقدان اطلاعات در مورد وضعیت‌های دارای حاشیه‌های فرهنگی اجتماعی، همراه با افزایش روز افزون استفاده از تلفن‌های هوشمند، گسترش شبکه‌های اجتماعی در میان عموم مردم، افزایش بانک‌های اطلاعاتی آنلاین و توسعه روش‌های تحلیلی مناسب، اهمیت استفاده و کاربرد دیجیتال اپیدمیولوژی را دو چندان می‌کند.

کلمات کلیدی: دیجیتال اپیدمیولوژی، داده‌های دیجیتال، رسانه‌های اجتماعی، گوگل ترند



پیش بینی بروز لیشمانیای جلدی با استفاده از روشهای داده کاوی در استان اصفهان

رقیه رمضانخانی

minoo.ramezani@gmail.com

مقدمه و هدف: لیشمانیا یکی از بیماریهای واگیر است که بطور معمول ۳۵۰ میلیون زن، مرد و کودک را در بیش از ۸۸ کشور تهدید می کند. جهت اجرای برنامه های پیشگیری و کنترل لیشمانیا، محققان از دو دهه اخیر اقدام به توسعه مدل های پیش بینی لیشمانیا نموده اند. اکثر این مدل ها با روش های آماری مانند رگرسیون لجستیک و خطی بدست آمده اند. اخیراً به دلیل افزایش حجم اطلاعات در حوزه پزشکی و سلامت استفاده از روش های مختلف داده کاوی به ویژه توسعه مدل های پیش بینی بروز بیماریها و کشف ارتباط بیماریهای مختلف با محیط پیرامون متداول گشته است. هدف از این مطالعه بررسی عملکرد روشهای مختلف داده کاوی در پیش بینی بروز لیشمانیای جلدی و انتخاب مناسب ترین مدل و در نهایت شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اساس این مدل است.

روش کار: جمعیت مورد مطالعه شامل افراد مبتلا به لیشمانیای جلدی در شهرستانهای استان اصفهان است. به طور کلی داده های مورد استفاده در این تحقیق شامل تعداد موارد بیماری لیشمانیای جلدی در فواصل سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴، تعداد جمعیت در معرض خطر هر شهرستان به تفکیک هر سال، تصاویر ماهواره ای به منظور استخراج شاخص پوشش گیاهی و داده های مرتبط با وضعیت هواشناسی منطقه مورد مطالعه بودند. به دلیل اینکه ایستگاههای هواشناسی در بعضی از شهرستانها وجود نداشت و یا اینکه در بعضی از شهرستانها چند ایستگاه وجود داشت، لازم بود تا از روشهای درون یابی استفاده شود تا اطلاعات هواشناسی برای کلیه شهرستانها در دسترس باشد. برای این منظور از نرم افزار GIS استفاده گردید. از مدل های داده کاوی (شبکه عصبی و درخت تصمیم) در نرم افزار R برای پیش بینی بروز بیماری استفاده گردید و عملکرد مدل ها با استفاده از شاخص (Root Mean Square Error) مقایسه شد.

نتایج: در این مطالعه ۹ ساله در استان اصفهان کمترین بروز مربوط به سال ۱۳۹۴ و بیشترین بروز مربوط به سال ۱۳۸۸ بود. مدل درخت تصمیم با RMSE کمتر مدل مناسب تری برای پیش بینی بروز لیشمانیای جلدی در استان اصفهان بود. قوانین استخراج شده از این الگوریتم نشان داد که وقتی سرعت باد کمتر از ۱۴ متر بر ثانیه، ارتفاع منطقه بین ۱۸۱۰-۱۲۳۴ متر و پوشش گیاهی کمتر از ۱۲/۰ و میزان بارش کمتر از ۶/۱ میلی متر و درجه حرارت هوا بیشتر از ۳۰ درجه سلسیوس باشد، میزان بروز فصلی ۲۸/۱۶۳ خواهد بود که بیشترین میزان بروز است و به همین ترتیب اگر سرعت باد کمتر از ۱۴ متر بر ثانیه و ارتفاع منطقه کمتر از ۱۸۱۰ و پوشش گیاهی بیش از ۱۲/۰ باشد، آنگاه میانگین بروز فصلی بیماری در آن منطقه ۲۷/۲ خواهد بود که کمترین میزان بروز است.

نتیجه گیری: روشهای داده کاوی می توانند در مطالعات اپیدمیولوژی برای اهداف مختلفی از جمله شناسایی عوامل خطر محیطی و پیش بینی بروز بیماریها با استفاده از متغیرهای محیطی و تعیین برهمکنش بین متغیرها استفاده گردد. روشهای درخت تصمیم گیری با ایجاد ساختار درختی روابط غیر خطی بین متغیرها را مشخص نموده و با ایجاد آستانه یا مرز تصمیم گیری به تعیین عوامل موثر در بروز بیماری در رابطه با متغیرهای مربوطه کمک می نماید.

کلمات کلیدی: لیشمانیا، داده کاوی، درخت تصمیم، شبکه عصبی، اصفهان



کاربرد مدل فضایی زمانی فرآیند گوسی برای تحلیل داده‌های تصویربرداری تشدید مغناطیسی

عملکردی مغز

اعظم صفار*، یداله محرابی، وحید ملکیان، مجید جعفری خالدي

azam.saffar66@gmail.com

مقدمه و هدف: تصاویر تشدید مغناطیسی عملکردی مغز از قوی‌ترین ابزارهای شناخت ساختار و عملکرد مغز است. برای شناسایی ساختارهای صحیح مغزی از طریق این تصاویر باید ویژگی‌های خاص این داده‌ها از جمله همبستگی فضایی زمانی پاسخ‌ها در نظر گرفته شود (۲). در این مطالعه از مدل فضایی زمانی برای در نظر گرفتن این همبستگی‌ها برای مشاهده نتایج دقیق‌تر در این نوع داده‌ها بر روی مجموعه داده زبان شناسی که یکی از زمینه‌های اصلی علوم شناختی است صورت گرفت.

روش کار: در این مطالعه از داده‌های تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی مغز مربوط به مطالعه زبان شناسی بر روی ۲۳ فرد سالم (۱۱ زن و ۱۲ مرد) با میانگین سنی ۲۴ سال استفاده شد. برای مقایسه میزان فعالیت مغزی و نواحی فعال مغز در کاربرد عبارات تمثیلی و عبارات عادی یک فعالیت مرتبط با رخداد طراحی شد و در ۱۵۱۵۲۲ و اکسل مغز (نقاط فضا) در ۲۶۷ نقطه زمانی هر دو ثانیه یکبار سیگنال وابسته به سطح اکسیژن خون که متغیر پاسخ پیوسته است اندازه‌گیری شد. محاسبات براساس مدل فضایی زمانی گوسی برای در نظر گرفتن همبستگی فضایی زمانی بین مشاهدات و تغییرات دررون و بین فردی در چهار گام صورت گرفت. مدل فضایی زمانی برای هر واکسل S در هر زمان t برای فرد A در مطالعه به شکل زیر بود:

$$Y_i(s, t) = \mu_i(s, t) + \eta_i(s, t) + \varepsilon_i(s, t)$$

در گام اول میانگین کل μ_i ، در گام دوم برآورد ساختار فضایی زمانی η_i ، در گام سوم برآورد خطا ε و در نهایت در گام آخر برآورد ضرایب اثر اصلاح شده β برای میزان فعالیت واکسل محاسبه شد.

نتایج: براساس واکسل‌های فعال شناسایی شده، تفاوت معناداری در فعالیت مغزی در حالت کاربرد عبارات تمثیلی نسبت عادی دیده شد. بیشترین فعالیت مغزی در ناحیه چپ آمیگدالا و شیار جاپروس قسمت فوقانی مغز مشاهده شد. مدل در شناسایی نواحی فعال عملکرد بهتری نسبت به مدل خطی عمومی که غالباً برای تحلیل این داده‌ها به کار می‌روند داشت.

نتیجه‌گیری: بر اساس واکسل‌های فعال شناسایی شده، تفاوت معناداری در فعالیت مغزی در حالت کاربرد عبارات تمثیلی نسبت به عبارات عادی دیده شد. بیشترین فعالیت در ناحیه سمت چپ آمیگدالا و پس از آن در شیار جاپروس بود. در مطالعات مختلف زبان شناسی نیز این نواحی اصلی‌ترین نواحی شناخته شده هستند. هم‌چنین براساس فعالیت مغزی مشاهده شده می‌توان گفت در مکالمات و گفتگوها اگر از عبارات تمثیلی استفاده شود ذهن فرد مقابل بیشتر درگیر شده و بیشتر مطلب مورد بحث را دنبال می‌کند که از این مطلب در ساده‌ترین حالت می‌توان در آموزش و مکالمات حساس استفاده کرد.

کلمات کلیدی: مدل فضایی زمانی، فرآیند گوسی، تصویربرداری تشدید مغناطیسی عملکردی، زبان شناسی



استاندارد سازی پرسشنامه فارسی ۱۲ آیتی انگ اجتماعی در بیماران مبتلا به ایدز در ایران

رحمت الله مرادزاده، ایمان نویدی، مریم زمانیان*

maryam_zamanian23@yahoo.com

مقدمه و هدف: استیگمای مرتبط با HIV، نوعی پیش داوری و نگرش منفی درباره بیماران HIV و AIDS می باشد. پرسشنامه ای ۱۲ آیتی به زبان انگلیسی توسط Reinus و همکاران طراحی و توسعه داده شده است که با توجه به ضرورت استفاده از چنین پرسشنامه های کوتاهی که به زمان کمی برای جمع اوری داده ها نیاز دارد، بر آن شدیم تا آن را به زبان فارسی ترجمه کرده و تطابق فرهنگی آنرا در بیماران HIV مثبت فارسی زبان انجام دهیم.

روش کار: پرسشنامه تحت بررسی دارای ۴ بعد disclosure, negative self-image, personalized stigma, concerns, concerns about public attitudes می باشد. در این پژوهش از فرآیند تطابق بین فرهنگی توصیه شده توسط انجمن آمریکایی کمیته پیامدهای جراحی ارتوپدی استفاده شده است. مراحل ترجمه اولیه، ترکیب ترجمه ها، Back Translation، کمیته متخصصین، آزمودن نسخه پیش نهایی، ارائه مستندات به یا کمیته ای متناسب برای نقد مراحل تطابق انجام گردید. روایی محتوا براساس نظرات متخصصین مرتبط و با محاسبه شاخص های روایی محتوی مورد ارزیابی قرار گرفت. برای محاسبه ثبات درونی از آلفای کرونباخ استفاده گردید. محاسبه پایایی از طریق test-retest و محاسبه ICC صورت گرفت.

نتایج: در مجموع ۳۲ بیمار در مطالعه وارد شدند. بیماران دارای میانگین سنی ۴۴ سال بودند. ۵۹ درصد از شرکت کنندگان مرد بودند. بیشترین روش انتقال گزارش داده شده به روش انتقال جنسی با غیر همجنس (۶۰ درصد) تعلق داشته است. نمرات حاصل از روایی محتوای پرسشنامه روی موضوعات clarity, relevancy به هر یک از سوالات در دامنه ۰/۹ تا یک قرار داشت S-CVI ابزار نیز دارای مقدار روایی قابل قبول معادل ۰/۹۹ بوده است. شاخص الفای کرونباخ در کل پرسشنامه ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس های مختلف در دامنه ۰/۶۹ تا ۰/۸۲ قرار گرفتند. نتایج test-retest ICC کل ابزار ۰/۸۸ و برای هر یک از خرده مقیاس ها در دامنه ۰/۷۷ تا ۰/۸۸ محاسبه گردید.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که ابزار ما در کنار جامع و کوتاه بودن، از روایی و پایایی بالایی برخوردار می باشد و می توان از این ابزار در تعیین استیگمای بیماران HIV فارسی زبان استفاده کرد.

کلمات کلیدی: استیگما، استانداردسازی، HIV



برخی نکات کلیدی متودولوژی در استفاده از روش بسط شبکه‌ای

مریم زمانیان*، فرزانه ذوالعلی، علی اکبر حق دوست، سعیده حاج مقصودی، زینب حیری، محمدرضا بانثی

maryam_zamanian23@yahoo.com

مقدمه و هدف: روش تعمیم شبکه ای یک روش جدید برای برآورد اندازه جمعیت های با رفتارهای حساس و پنهان می باشد. در این مطالعه ما نکات متودولوژی مهمی را در این روش بررسی کردیم که می توانند در برآورد رفتارهای پنهانی چون سقط جنین که در یک گروه سنی جنسی خاص رخ می دهند به کار گرفته شوند.

روش کار: در این مطالعه ۱۲۵۰ مرد و ۱۲۵۰ زن در سنین ۱۸ تا ۵۰ سال وارد شدند. میزان سقط جنین از طریق مستقیم و تعمیم شبکه ای برآورد شد. تعمیم شبکه ای در سه زیر گروه زنان، مردان و کل به کار گرفته شد. با تلفیق پاسخ های افراد به ۲۵ گروه رفرنس، اندازه شبکه اجتماعی شرکت کنندگان و توزیع سنی-جنسی آن محاسبه شد. به منظور تخمین بخشی از شبکه اجتماعی افراد که مربوط به زنان سن باروری است از دو روش تناسبی (proportional) و مبتنی بر داده ها (data based) استفاده شد. ضریب شفافیت سقط جنین نیز از طریق یک نمونه ۲۲۲ نفره از زنان دارای تجربه سقط جنین به دست آمد.

نتایج: با استفاده از اندازه شبکه اجتماعی به دست آمده از روش تناسبی سوگیری نسبی (Relative Bias) در نمونه مردان و زنان به ترتیب ۳۳ و ۸۴ درصد به دست آمد. با روش مبتنی بر داده سوگیری نسبی در نمونه های اختصاصی جنسی و نمونه تلفیقی به ترتیب ۵ و ۲ درصد به دست آمد.

نتیجه گیری: روش تناسبی شیوع را بیش برآورد می کند. روش مبتنی بر داده برای برآورد اندازه شبکه ارجح است. در روش تعمیم شبکه ای تعیین توزیع سنی جنسی شبکه و به علاوه ضرایب شفافیت اختصاصی ضروری است.

کلمات کلیدی: توزیع سنی جنسی، سقط



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



مقایسه راهنمای بالینی کالج کاردیولوژی آمریکا/انجمن قلب آمریکا و پنل درمانی بزرگسالان در درمان کلسترول خون بالا در جمعیت ایرانیان

سمانه عسگری*، هنگامه عبدی، علیرضا مهدوی هزاوه، حسن ریاحی بنی، داوود خلیلی

asgari.samaneh@gmail.com

مقدمه و هدف: در سال ۲۰۱۳، کالج کاردیولوژی آمریکا / انجمن قلب آمریکا (ACC/AHA) راهنمای بالینی جدیدی را به منظور ارزیابی خطر قلبی-عروقی و کنترل کلسترول بالا منتشر نموده اند که این راهنما توسط برخی از متخصصان با توجه به جوانب مثبت و منفی آن با پنل درمانی بزرگسالان (ATP III) مورد مقایسه قرار گرفت. در همین راستا در این مطالعه درصد افراد کاندید دریافت درمان کلسترول خون بالا در هر دو راهنمای بالینی مورد بررسی قرار می گیرد.

روش کار: اطلاعات مطالعه عوامل خطر بیماریهای غیرواگیر (SurvNCD 2011) ایران مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تعمیم نتایج به جمعیت ایران، داده ها بر اساس سرشماری سال ۹۰ ایران وزن دهی شد. با استفاده از ضریب کاپا، میزان توافق بین دو راهنمای بالینی سنجیده شد.

نتایج: از میان ۳۴۹۶ فرد (۱۳۲۲ مرد) ۴۰ تا ۷۰ ساله، ۴۶/۵٪ واجد دریافت داروی کاهنده لیپید بر اساس راهنمای ACC/AHA بودند. بر اساس راهنمای بالینی ATP III، ۱۷٪ از افراد مورد مطالعه برای درمان در نظر گرفته شدند. این اختلاف بیشتر در افراد بالاتر از ۶۰ سال نمایانگر است (بر اساس ACC/AHA 2/85% و بر اساس ATP III، 25%). میزان توافق بین این دو راهنمای بالینی پایین بود (Kappa=32%).

نتیجه گیری: در مقایسه با راهنمای بالینی ATP III، درصد افراد کاندید دریافت داروی کلسترول بالا بر اساس راهنمای بالینی ACC/AHA افزایش چشمگیری را نشان میدهد. این افزایش بر اساس سرشماری سال ۹۰ از ۲/۵ میلیون نفر به ۷ میلیون نفر تخمین زده شد.

کلمات کلیدی: کلسترول بالا، مقایسه راهنمای بالینی کالج کاردیولوژی آمریکا/انجمن قلب آمریکا، پنل درمانی بزرگسالان



کاربرد شبکه عصبی خودسازمانده در خوشه بندی داده های سلامت

سمانه اکبرپور*، داود خلیلی، حجت زراعتی، محمد علی منصورنیا، عذرا رمضانخانی، اکبر فتوحی

akbarpour62@yahoo.com

مقدمه و هدف: با توجه به اهمیت فشارخون بالا و ارتباط آن با فاکتورهای مرتبط با شیوه زندگی و از طرفی تمایل به خوشه ای شدن فاکتورهای رفتاری شیوه زندگی، در مطالعه حاضر سعی شده است تا ارتباط الگوهای مختلف شیوه زندگی شناخته شده با فشارخون مورد ارزیابی قرار گیرد.

روش کار: در مطالعه حاضر از داده های مطالعه کشوری نظام مراقبت عوامل خطر بیماری های غیرواگیر در ایران در سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. ۸۲۴۴ نفر از افراد در گروههای سنی ۲۵-۷۰ سال وارد مطالعه شدند. فاکتورهای مرتبط با شیوه زندگی (تغذیه، فعالیت فیزیکی و دخانیات) با استفاده از پرسشنامه جمع آوری و با کمک روش شبکه عصبی خودسازمانده خوشه بندی انجام شد و در نهایت با استفاده از مدل های رگرسیونی رابطه بین فشارخون با خوشه ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: نتایج مطالعه حاضر ۷ خوشه شیوه زندگی در جمعیت مورد مطالعه نشان داد. خوشه اول، شیوه زندگی سالم تر (۱۵ درصد)، و مابقی خوشه ها حداقل یک یا چند فاکتور خطر مرتبط با شیوه زندگی را دارا بودند. در این میان دو خوشه ای که به ترتیب همراه با مصرف نوشیدنی های صنعتی، نمک و فست فود بالاتر و دیگری همراه با عدم فعالیت فیزیکی بودند خطر بالاتری در افزایش فشارخون سیستولیک و دیاستولیک (نسبت شانس به ترتیب ۱،۴۸ و ۱،۳۴) نشان دادند. خوشه دیگری که ۱۰۰ درصد سیگاری بودند و فعالیت فیزیکی مرتبط با کار بسیار بالایی داشتند تقریباً ۳۰ درصد شانس کمتری برای ایجاد فشارخون بالا نشان دادند.

نتیجه گیری: هر چند که نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شیوه زندگی همراه با مصرف سیگار با کاهش فشارخون ارتباط دارد. اما ممکن است به دلیل فاکتورهای همراه دیگری مانند فعالیت فیزیکی مرتبط با کار باشد که در کاهش فشارخون تاثیر گذار بوده باشد. البته این فرضیه هم چنان نیاز به مطالعات بیشتری در آینده دارد

کلمات کلیدی: ایران، شبکه عصبی خود سازمانده، خوشه بندی، شیوه زندگی



ارزیابی عوامل مؤثر بر بقای بیماران مبتلا به سرطان پستان با استفاده از مدل جمعی تعمیم یافته

محمد اصغری جعفرآبادی، زینب ایرجی*، توحید جعفری کشکی، رویا دولتخواه

iraji95@yahoo.com

مقدمه و هدف: یکی از جنبه‌های مهم در تحقیقات بالینی علاوه بر بررسی اتیولوژی، اپیدمیولوژی و ارزیابی درمان‌های مختلف، شناسایی و تشخیص فاکتورهای پیش‌آگهی بیماری و پیش‌بینی احتمال بقای بیماران توسط این فاکتورهاست. مدل‌های پیش‌بینی-کننده بقای بیماران، ابزار مهمی برای مدیریت مراقبت از بیمار هستند. به عبارتی شناسایی گروه‌های خطر بیماران، با استفاده از مقادیر پیش‌آگهی معین، اهمیت خاصی دارد، زیرا مثلاً ممکن است یک تصمیم پزشکی مثل عملکرد یک داروی خاص، بستگی به پیش‌بینی بیمار داشته باشد. سرطان پستان یکی از سرطان‌های شایع و دومین علت مرگ و میر در ایران است. اگرچه بار این بیماری هنوز در ایران کم است، اما روند رو به رشدی برای شیوع و مرگ و میر حاصل از آن وجود دارد. لذا مطالعه در مورد بیماران مبتلا به سرطان پستان و تعیین عوامل مهم و مؤثر در بقای این بیماران، در پژوهش‌های بالینی حائز اهمیت است. روش مدل جمعی تعمیم‌یافته روشی است که علاوه بر بررسی اثرات خطی عوامل مؤثر بر بقا، به بررسی اثرات غیرخطی این عوامل نیز می‌پردازد.

روش کار: در این مطالعه از اطلاعات ۹۱۲ بیمار مبتلا به سرطان پستان استفاده شد. این داده‌ها در مرکز تحقیقات هماتولوژی و انکولوژی دانشگاه علوم پزشکی تبریز جمع‌آوری شده و شامل اطلاعات کلینیکوپاتولوژیک بودند. پیشامد مورد نظر در مطالعه حاضر مرگ بیماران بوده و زمان بقای بیماران، از زمان تشخیص اولیه بیماری تا زمان مرگ (سانسور شدن) بود. برای تحلیل داده‌ها و تعیین عوامل مؤثر بر بقای بیماران از مدل جمعی تعمیم یافته استفاده شد.

نتایج: در این مطالعه ۲٪ از بیماران مرد و ۹۸٪ زن بوده‌اند که ۳۳٪ از مردان و ۱۸٪ از زنان به دلیل سرطان پستان فوت شده‌اند. نتایج حاصل از مدل جمعی تعمیم یافته نشان داد که درجه بیماری و زمان تا رخداد مرگ، اثر غیرخطی معنی‌دار ($P\text{-value} < 0.05$) بر روی بقای بیماران دارند.

نتیجه گیری: مدل جمعی تعمیم‌یافته علاوه بر ارزیابی اثرات خطی عوامل مؤثر بر بیماری، روش مناسبی برای تعیین اثرات غیرخطی عوامل مؤثر بر بقای بیماران است.

کلمات کلیدی: مدل جمعی تعمیم‌یافته، تحلیل بقا، اثرات غیرخطی، سرطان پستان



تحلیل منحنی تصمیم (DCA)

زهرة بابائی

zohrebabaie@yahoo.com

(DCA) یک روش برای ارزیابی تستهای تشخیصی، مدل های پیش بینی کننده و نشانگرهای مولکولی است که به سادگی کمیت اندازه های درستی را با کاربرد بالینی آن ترکیب می کند. روش DCA بر خلاف تکنیک های قدیمی تحلیل تصمیم، نیازی به داده های اضافی ندارد و به صورت مستقیم روی مجموعه داده ها به کار برده می شود. این روش اساساً یک تصمیم گیری تحلیلی است و می تواند در خصوص تصمیم استفاده یک مدل برای همه به ما کمک نماید، علاوه بر آن انتخاب مناسب ترین مدل را در بین چندین مدل برای ما فراهم می سازد. در این روش سود خالص (Net benefit) روی محور y در مقابل احتمال حد آستانه (Threshold probability) بر روی محور x رسم و نموداری که به ما می دهد منحنی تصمیم نامیده میشود. برای تفسیر منحنی تصمیم به برآورد طیف وسیعی از احتمال حد آستانه در بیماران عادی نیاز داریم، که می توان این برآورد را از پزشکان بالینی بدست آورد. روش های قبلی نمیتوانند نتایج بالینی را در خود بگنجانند و در مورد عملکرد بالینی اطلاع دهند به علاوه با مشکل انتخاب نقطه برش (Cut off point) مناسب نیز همراه هستند، اما یک روش خیلی ساده برای گنجاندن نتایج کلینیکی، استفاده از احتمال حد آستانه به عنوان یک وزن در منحنی تصمیم است که در نهایت نیز می توان با استفاده از میزان سود خالص نتایج آن را گزارش نمود. تحلیل منحنی تصمیم در مواردی استفاده می شود که اصل بر پیش بینی احتمال یک رویداد در بیمار به عدم وجود آن می باشد و سود خالص $(NB = \frac{TP - wFP}{N})$ یک مدل پیش گو که مولفه اصلی در این نوع تحلیل است با مقادیر پیش فرض درمان همه یا هیچ مقایسه می شود.

کلمات کلیدی: تحلیل منحنی تصمیم، سود خالص، احتمال حد آستانه



سال های از دست رفته عمر ناشی از مرگ زودرس در استان گلستان در سال ۱۳۹۶ (برحسب گروه های کلی مرگ در نسخه دهم طبقه بندی بین المللی بیماری ها)

احسان الله کلتنه*، فاطمه کریمی، حمیده صادق زاده

kalteh270@yahoo.com

مقدمه و هدف: سال های از دست رفته عمر برای تعیین بار اجتماعی و اقتصادی از دست رفته در یک جمعیت به دلیل مرگ و میر زودرس استفاده می شود. هدف از این مطالعه، برآورد این شاخص برحسب گروه های کلی مرگ در استان گلستان در سال ۱۳۹۶ می باشد.

روش کار: در یک بررسی مقطعی با مراجعه به اطلاعات نظام ثبت مرگ استان و با استفاده از روش امید زندگی استاندارد از دست رفته ای سازمان جهانی بهداشت، سالهای از دست رفته عمر برحسب گروه های کلی مرگ در نسخه دهم طبقه بندی بین المللی بیماریها محاسبه گردید.

نتایج: تعداد کل مرگها در استان گلستان در سال ۱۳۹۶، ۸۵۴۳ مورد بود. کل سالهای از دست رفته عمر ناشی از مرگ زودرس ۱۲۹۸۳۸ سال بود که ۵۷/۴٪ آن متعلق به مردان می باشد. دلایل عمده از دست رفتن سالهای عمر (YLL/%) مربوط به بیماریهای سیستم گردش خون (I00-I99) با ۳۲/۳٪، علل خارجی (V01-Y89) با ۱۷/۳٪، شرایط خاص منشاء گرفته از دوران حول تولد (P00-P96) با ۱۴/۵٪ و سرطان ها (C00-D48) با ۱۳/۹٪ می باشد. بعد از بیماریهای سیستم گردش خون، عمده ترین دلیل از دست رفتن سالهای عمر در مردان مربوط به علل خارجی با ۲۲/۹٪ و در زنان مربوط به سرطان ها با ۱۶/۲٪ می باشد. به طور کلی بیشتر میزان سالهای از دست رفته عمر ناشی از مرگ زودرس مربوط به بیماریهای سیستم گردش خون با ۲۲/۵٪ سال در هر ۱۰۰۰ نفر می باشد. مردان گروه سنی ۱۵-۲۹ سال بیشتر از سایر گروه های سنی و زنان در معرض خطر از دست دادن سالهای بیشتری از عمر ناشی از علل خارجی بیماری و مرگ و میر هستند.

نتیجه گیری: برحسب شاخص سالهای از دست رفته عمر ناشی از مرگ زودرس، شرایط خاص منشاء گرفته از دوران حول تولد از مشکلات اولویت دار نظام سلامت استان می باشد.

کلمات کلیدی: سالهای از دست رفته عمر، مرگ زودرس، امید زندگی



بررسی تأثیر درک از بیماری بر استرس درک شده زنان مبتلا به دیابت بارداری: یک مطالعه کارآزمایی بالینی

سمانه خداپرست*، محمدعلی سلیمانی، نسیم بهرامی، مریم مافی، حوریه شایگان

samane.khodaparast77@gmail.com

مقدمه و هدف: بارداری و زایمان یکی از مهمترین رخدادهای زندگی زنان است که می‌تواند عوارض قابل توجهی بر زندگی زنان داشته باشد. از بین این عوارض، دیابت بارداری میتواند با پیامدهای جسمی و روانی همراه باشد. شناخت درک از بیماری ارزش پیشگویی کننده‌ای در ارتقای رفتارهای بهداشتی بیماران دارد. لذا مطالعه حاضر با هدف تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر درک از بیماری بر استرس درک شده زنان مبتلا به دیابت بارداری انجام شد.

روش کار: این مطالعه یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده شاهد دار بود. نمونه‌ها از بین زنان مبتلا به دیابت بارداری بستری در بخش پره ناتال بیمارستان الزهرا شهر رشت در بازه زمانی اسفند ۹۶ تا شهریور ۹۷ انتخاب و به روش بلوک‌های تصادفی متعادل شده با بلوک‌های چهارتایی به دو گروه کنترل (۴۰ نفر) و آزمون (۴۰ نفر) تخصیص داده شدند. ابتدا پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و استرس درک شده در هر دو گروه تکمیل شد. در گروه آزمون، مداخله آموزشی مبتنی بر درک از بیماری بصورت انفرادی در ۳ جلسه ۶۰ تا ۹۰ دقیقه‌ای اجرا شد. پس از اتمام مداخله و ۴ هفته پس از مداخله، مجدداً پرسشنامه استرس درک شده در هر دو گروه تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از آزمون توصیفی (میانگین و انحراف معیار؛ تعداد و درصد) و آزمون تحلیلی (تی مستقل، کای اسکور و آنالیز واریانس با اندازه‌گیری مکرر) در نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد که بین مشخصات دموگرافیک و استرس درک شده دو گروه قبل از مداخله اختلاف معنی‌داری وجود نداشت ($p=0/65$)، بلافاصله پس از مداخله و یک ماه پس از مداخله، نمرات استرس درک شده گروه آزمون در مقایسه با گروه کنترل به طور معنی‌داری کاهش یافته بود ($p<0/002$).

نتیجه‌گیری: نتیجه مطالعه حاضر نشان داد که مداخله آموزشی مبتنی بر درک از بیماری بر استرس درک شده زنان مبتلا به دیابت بارداری مؤثر است. لذا انجام این مداخله در زنان مبتلا به دیابت بارداری به منظور کاهش میزان استرس در آنها توصیه میشود.

کلمات کلیدی: دیابت بارداری، استرس درک شده، درک از بیماری



Predictive validity of the American Diabetes Association screening tool for detecting undiagnosed type 2 diabetes among Iranian population

Samaneh Asgari*, Davood Khalili

asgari.samaneh@gmail.com

Introduction: The aim of this study is to assess the validity of the American Diabetes Association (ADA) risk score, as a self-assessment screening tool, recommended by current clinical guidelines for undiagnosed type 2 diabetes (T2DM).

Methods: Data of 3458 Iranian adults, aged ≥ 20 years, free of known T2DM in the 2011 national survey of risk factors for non-communicable diseases were investigated. We assessed the validity of the ADA risk score by the area under the receiver operating characteristics curve (AUC). We also calculated Youden's index, sensitivity, specificity, positive and negative predictive values (PPV and NPV) in different cut-offs. We further estimated the frequency of the high-risk population, who need glucose test, and those who need intervention in different cut-offs according to Iranian censuses.

Results: The standardized prevalence of undiagnosed T2DM was 2.8%. The discrimination power of the model assessed by AUC was 73.7%. The suggested ADA score threshold of ≥ 5 yielded a sensitivity of 51.6%, specificity 82.4%, NPV 98.3%, and PPV 7.9%. This threshold resulted in classifying 18.6% of people; equals to 8.5 million, as high-risk and 1.5% of the population, about 700,000, would need intervention. The threshold of ≥ 4 had the highest Youden's index and identified 34% of the population as high-risk and 2% of the population would need intervention.

Conclusion: Our findings support the ADA suggested threshold for identifying high-risk individuals for undiagnosed T2DM; however, a lower threshold is also recommended for higher sensitivity. The final decision could be made by health policymakers and professionals based on available resources, potential impacts, and costs of screening programs.

Keywords: Type 2 diabetes, American Diabetes Association, Screening, Validity, Cut-point



The Relationship between Ambient Air Pollution and Migraine: A Systematic Review

Ali Jafari-Khounigh, AliAkbar Haghdooost, Vahideh Zarea Gavgani, Zahra Khorrami,
Farzaneh Zolala*

zolalafarzaneh@gmail.com

Introduction: Some studies showed an association between air pollution and Emergency Department visits for migraine. However, these results require verification by larger-scale studies, since the clinicians have not greatly accepted the association between air pollution with migraine. As a result, the present systematic review aims to determine whether outdoor air pollution can cause an increase in triggering of migraine headache and if yes, which pollutants contribute more.

Method: A literature search was performed in Scopus, Medline (via PubMed), EMBASE, and Web of Science to carry out this systematic review. Manual searches for resources and related references were also conducted to complete the search. After completion of the search, all observational studies which investigated the association between ambient air pollution and migraine headache and had inclusion criteria were included in the review

Results: Nine articles from a total of 990 identified articles met the inclusion criteria and entered the study. In the gaseous air pollutants category, exposure to NO₂, O₃, and CO had a role in triggering of migraine; but, there found no clear role for SO₂. In the particulate air pollutants category, PM₁₀ had a relationship with migraine trigger; however, no clear relationship found for PM_{2.5} and migraine.

Conclusion: It is recommended to conduct more studies in different cities around the world with more precise methodology, on all types of pollutants, especially SO₂ and PM_{2.5}.

Keyword: Ambient Air Pollution, Migraine



Anthropometric cut-point to predict Cardiometabolic risk; results from RaNCD cohort study

Yahya Pasdar*, Behrooz Hamzeh

Yahya.pasdar@gmail.com

Introduction: Anthropometric indices have been proposed for the early detection of cardiometabolic diseases. We aimed to determine the optimal cutoff points for the waist-to-hip ratio (WHR), body mass index (BMI), and waist circumference (WC) in the prediction of cardiometabolic diseases.

Methods: This article is a cross-sectional study and performed on 10063 individuals, aged between 35-65 years, recruited in Ravansar Non-Communicable Diseases (RaNCD) cohort. The anthropometric indices were measured using a body analyzer. The receiver operating characteristic curve analysis was employed to determine the optimal cutoff points for the indices.

Results: In males, the optimal cutoff point for BMI, WHR and WC to the prediction of cardiometabolic was 27.3 kg/m², 0.95 and 99.6, respectively. In females, the optimal cutoff point for BMI, WHR and WC was 28.6 kg/m², 0.95 and 98.6, respectively. WC was a better discriminator compared to BMI and WHR. The risk of cardiometabolic diseases in males and females with a WC higher than the optimal cutoff point was respectively 13.04 and 2.05 times higher than that in those with a WC lower than the cutoff point.

Conclusion: This study revealed that the indices of BMI, WC, and WHR are appropriate predictors of the risk of cardiometabolic diseases, with WC having a higher predictive value than the other two indices.

Keywords: Cardiometabolic risk, Cutoff point, waist circumference, Waist-to-hip ratio



Reliability and Validity of Persian version of Perceived Stress Scale (PSS) in middle-Aged healthy population

Fatemeh Mohammadsefat Rudsari*, Babak Hassanlouei, Hamidreza Baradaran, Hadi Azani, Rezvan Rajabzadeh, Seyed Abbas Motevalian

beshi_87@yahoo.com

Introduction: Stress is among health risks with both direct and indirect impacts on the health of individuals. Such issues are mostly related with lifestyle, especially during middle-age. Perceived Stress Scale (PSS) is one of the methods for assessing the state of stress management in middle aged people.

Methods: This study was conducted to evaluate the validity and reliability of Persian version of perceived stress scale (PSS-10) in middle aged people of Iran. A study was conducted on 578 individual referred to primary health care services. Content validity, face validity, structure validity and internal reliability were measured in this study. The test-retest method was used for time stability and 50 people responded to questions 10-15 days later, and the Intra-class Correlation Coefficient and kappa coefficient were calculated.

Results: An exploratory factor analysis was conducted and two aspects were extracted for the Persian version of Perceived Stress Scale (PSS). These two factors, called "perceived self-efficacy" and "perceived inefficiency", explained 51.71% of the total variance. The total score and, "perceived self-efficacy"(factor 1) and "perceived inefficiency"(factor 2) cronbach's alpha coefficient were obtained 0.703, 0.757 and 0.802, respectively; which indicate the acceptable internal validity of the questionnaire. Also, The Kappa was measured above 0.6 for all questions, except for question 3, and the intra-group correlation coefficient was 0.797 and 0.925 in the two factors, respectively; indicating desirable stability of the questionnaire.

Conclusion: The Persian version of Perceived Stress Scale (PSS-10) is valid and Reliable to measure perceived stress in an Iranian middle-aged healthy population.

Keywords: Reliability, Validity, Perceived Stress Scale, Middle-Aged



Misclassification bias adjustment of odds ratio: an application of Bayesian methods

رحمت اله مرادزاده*، محمد علی منصورنیا، رضا قیاسوند، کورش هلاکوئی نائینی

moradzadehr@yahoo.com

Introduction: Our aim was to determine the association between age at menarche (AAM) and breast cancer adjusted for recall bias (misclassification) in AAM

Methods: We have used data provided from a case-control study conducted in Iran from 2005 to 2009. The cases and controls were frequency matched based on 5-year age groups and region of residence. First, logistic regression was conducted to estimate the odds ratio (OR) and second, Bayesian analysis was applied to estimate the ORs adjusted for misclassification.

Results: The study was conducted on 880 cases and 998 controls. In the assumption of no correction for recall bias on self-reported AAM, the OR was 1.36 (95% Credible Interval (0.98, 1.90). Based on a sensitivity value = 71% and a specificity value = 81% (the indices about the ratio of true recall of AAM) for the case and control groups (as the first scenario), the AAM \leq 12 years of age was associated with a lower OR for breast cancer by 1.23 (95% Credible Interval: 0.50, 3.13). In the other scenario, with consideration of 100% sensitivity and specificity of self-reported AAM in the case group, and 71% and 81% sensitivity and specificity of the item in the control group, the related OR between breast cancer and AAM was found increased to 2.96 (95% Credible Interval: 0.75, 7.66.)

Conclusion: After adjustment for misclassification related to recall bias, this study provides evidence that the self-reported mode of AAM has a moderate impact on calculation of the OR.

Keywords: Adjustment, Misclassification, OR, AAM.



Investigating the Factors Affecting Cesarean Section in Fasa: a Case-control Study

Masoumeh Mousavi Ghaemhaleh, Leila Dehfgani*

dehganil@yahoo.com

Introduction: The cesarean section refers to delivering the baby, the placenta, and the membranes by cutting the abdominal wall and the uterus. While the global cesarean rate is 10-30 percent, the rate in Iran is 50-65 percent. The aim of this study was to determine the effective factors of pregnancy termination in cesarean section .

Method: This case-control study was performed on 252 women who referred to Fasa health centers after delivery in 2015. The required information was extracted by interviewing the cases and controls by the researcher as well as by referring to the health records. After collection, data was entered into SPSS software and analyzed using logistic regression test .

Results: This study was performed on 252 people, of which 126 had cesarean section and 126 had normal deliveries. The mean age of mothers was 31.40 ± 5.45 and the body mass index was 23.35 ± 2.63 .

In single-variable model, birth rate, mother's occupation, education, cesarean history, history of hypertension, history of stillbirth, gestational diabetes, fear of normal delivery, bleeding, delivery time, type of pregnancy, education level, spouse's job, smoking, CPD , NST showed a significant correlation with cesarean section ($P \leq 0.05$).

Conclusion: Although cesarean has been accepted as a necessary step in the lives of mothers and the infant as a life-saving act, in addition to the natural indications of education, occupation and maternal fear of normal delivery, they are also effective factors in pregnancy termination by cesarean section.

Keywords: *Effective factors, cesarean section, case contr*



Factors associated with neonatal mortality rate in 2016 using Bayesian quantile regression model based on World Health Organization reports

Kiarash Tanha, Leila Janani*, Maziar Moradi Lake, Namamali Azadi, Ameneh Ebrahim Valojerdi

janani.l@iums.ac.ir

Introduction: The Neonatal mortality rate (NMR) is one of the important health indicators in a population. Moreover, socio-economic factors affecting directly or indirectly on mortality rates. This study aims to assess the factors associated with NMR using Bayesian quantile regression (BQR).

Methods: The information about 194 countries in 2016 were considered based on the WHO and World Bank reports. The effect of socio-economic indexes on NMR was assessed in different quantiles of NMR using BQR models. All computations were performed using the package “bayesQR” for the statistical programming environment R.

Results: The mean of NMR was 13.13 per 1,000 live birth in 2016. San Marino and Pakistan have the lowest and highest rate with 0.6 and 45.60 per 1,000 live births, respectively. The results showed that the HDI has a significant effect in the median and upper quantile of NMR distribution which its highest effect was in the third quartile (-0.4278 with credible interval (-0.4910, -0.3697)). Also, percent of birth attendant by skilled persons has a significant effect in the median and lower quantiles, which its highest effect was in median (-0.0953 with credible interval (-0.1164, -0.0762)).

Conclusion: Only adolescent birth rate and lifetime risk of maternal mortality are associated with NMR in all quantiles. In addition, associated factors with NMR were varied in the different quantiles, which shows the importance of using BQR models to achieve comprehensive information and interpretation of associated factors with NMR.

Keywords: Neonatal mortality rate, Bayesian quantile regression, Ecological studies



Bayesian and Penalization Methods to tackle Sparse Data in Epidemiological Experiments

Razieh Bidhendi Yarandi, Sima Nazarpour*, Fahimeh Ramezani Tehrani

snazarpour@gmail.com

Introduction: This paper is devoted to illustrating the problem of Complete and Quasi-Complete Separation in sparse data pattern occurring in epidemiological experiments.

Methods: Bayesian and Penalized methods were introduced to reduce bias in estimating ratio indices such as the odds ratio. The biased estimation gives misleading information. Data from the Tehran Thyroid and Pregnancy Study applied for illustration.

Results: Analyses of the applied data example produced an unbiased estimate, which is much more sensible. It showed these methods are more sufficient than the traditional method.

Conclusion: In spite of proposing Bayesian and data augmentation as the advanced techniques to achieve the unbiased estimations, their applications have not been generalized among researchers.

Keywords: Bayesian Method, Data augmentation, Penalization methods, Sparse Data.



Estimating The Lifetime and Age-conditional Risk of HIV Infection in Iran, 2011-2015

Maryam Nasirian, Mohamad Reza Maracy, Parvin Afsar Kazerooni, Samaneh Akbarpour, Marzieh Mahboobi*

marzieh.mahboobi@yahoo.com

Introduction: According to the importance of an accurate estimate on the burden of HIV in developing countries like Iran where not all cases of infection are diagnosed, the aim of this study is to estimate the lifetime and age-conditional risk of HIV in Iran in the years 2011 to 2015.

Methods: The data used to calculate age-specific probabilities of an HIV infection, including vital statistics, HIV modeling data and census records. The probabilities were applied to an assumptive cohort of 10 million live births. Finally, the lifetime and age-conditional risk of developing HIV in the total and general population of Iran was calculated

Results: the estimated lifetime risk of females in the total population was 0.18% (95% CI: 0.175-0.185) or one in every 556 cases. For males in the total population, the estimate was 0.644% (95% CI: 0.634- 0.653) or one in every 155 men. In the general population, the lifetime risk for women was 0.061% (95%CI: 0.058-0.064) or one in 1648 females. Men in the general population had a lifetime risk of 0.181% (95% CI: 0.176-0.186) or 1 in 552 males. In the general and total population, the 10-year age-conditional risks of HIV showed that men aged 30 and women aged 25 have the highest risk of developing HIV.

Conclusion: estimates in this study showed that the risk of developing HIV varies based on age, gender, and type of population and that considering these differences is essential for effective planning. Also, the need to improve the surveillance system of HIV infection is evident.

Keywords: Lifetime risk, Age-conditional risk, HIV, modeling, Iran.



Assessing Horizontal Equity in health care utilization in Iran: A decomposition analysis

Farideh Mostafavi*, Bakhtiar Piroozi, Paola Mosquera, Reza Majdzadeh, Ghobad Moradi
mostafavi359@gmail.com

Introduction: Despite the goal of horizontal equity in Iran, little is known about it. This study aimed: i) to assess socioeconomic inequality and horizontal inequity in the healthcare utilization; and ii) to explore the contribution of need and non-need variables to the observed inequalities.

Methods: This study used national cross sectional dataset from Utilization of Health Services survey in 2015. Concentration Index (C), Concentration Curve (CC) and Horizontal Inequity index (HI) were calculated to measure inequality in inpatient and outpatient health care utilization. Decomposition analysis was used to determine the contribution of need and non-need factors to the observed inequality.

Results: Results showed the pro-poor inpatient services in both rural ($C = -0.079$) and non-rural areas ($C = -0.096$) and the pro-rich outpatient services in both rural ($C=0.038$) and non-rural ($C=0.007$). After controlling for need factors, HI was positive and significant for outpatient services in rural ($HI=0.039$) and non-rural ($HI=0.008$), indicating that for given need, the better off especially in rural make greater use of outpatient services. The HI was pro-poor for inpatient services in both rural ($HI= -0.068$) and non-rural ($HI=-0.090$), was significant only in non-rural area. Non-need factors were the most important contributors to explain inequalities in the decomposition analysis.

Conclusion: Disentangle the different contribution of determinants, as well as greater HI in rural areas for outpatient and in non-rural areas for inpatient services, provide helpful information for decision makers to re-design policy and re-distribute resource allocation in order to reduce the socioeconomic gradient in health care utilization.

Keywords: Health Inequality, Health care utilization, Horizontal inequity index, Decomposition analysis, Iran



The association between Academic Stress and Adolescent Mental Health: A Multilevel Structural Equation Modeling (MSEM)

Zahra Hosseinkhani*, Saharnaz Nedjat, Mahboubeh Parsaeian, Hamid-Reza Hassanabadi, Mehrdad Karimi

zh_122@yahoo.com

Introduction: Academic stress is one of the most important stresses experienced by adolescents. Hence, the present study goal was to determine the association of different sources of academic stress and adolescent mental health through mediator variables on the student and school levels.

Methods: In this cross-sectional study, 1724 students aged between 12 and 19 years were selected from 53 high schools in Qazvin City through stratified cluster sampling. Of these students, 864 were female (50.1%) and 860 were male (49.9%). The sources of academic stress included family conditions, education system, future concerns, academic competition, and homework, interaction with teachers, school disciplines, peer pressure, parental involvement, and financial problems. In addition, academic self-efficacy and self-concept were the mediator constructs. The students and schools' information was considered into the model on levels 1 and 2, respectively. The gender of the students and high school educational periods were also assessed on two levels. A Multilevel Structural Equation Modeling (MSEM) analysis was carried out in Mplus version 7.4.

Results: On the student level, the academic stress caused by families (0.31 (95%CI: 0.28-0.34)), peers (0.29 (95%CI: 0.27-0.32)), and the education system (0.21 (95%CI: 0.18-0.24)) had the highest impact on the adolescent mental health, respectively. There was a direct and indirect association between academic stress and mental health through the self-concept mediator variable. The regression coefficient for the association between family conditions stress and mental stress through the self-concept mediator variable ($b=0.24$, $p<0.001$) was also higher than the direct association ($p<0.01$, $b=0.07$). The direct and indirect paths had equal shares of the other sources of academic stress. Among the sources of academic stress on the school level, only family conditions stress had an association with mental health ($p=0.015$, $b=1.08$), and the other sources of academic stress had no significant association with mental health. The high school educational periods and gender of students were also associated with mental health as level-2 variables. Academic self-efficacy showed no significant association in the model.

Conclusion: Academic stress from different sources threatens the mental health of adolescents. The stress from families is the most important source of stress associated with the adolescent mental health on the student and school levels.

Keywords: Academic Stress, Mental Health, Self-efficacy, Self-concept, Adolescents, Iran, MSEM



Establishment of trimester-specific reference range for thyroid hormones during pregnancy

*SimaNazarpour, Maryam Rahmati

rahmati.mary@gmail.com

Introduction: Physiological gestational changes are associated with alterations in thyroid function which require different biochemical interpretation from that of non-pregnant women and necessitate established pregnancy-specific reference ranges. We aimed to identify the trimester-specific ranges of thyroid markers in a healthy population of pregnant Iranian women.

Methods: In this self-sequential study, data were extracted from The Tehran Thyroid Study; a total of 314 women were tested during the 1st, 2nd and 3rd trimesters for serum levels of thyrotropin (TSH), thyroxine (T4), free thyroxine index (FT4I) and thyroid peroxidase antibody (TPOAb). The normal and modulus exponential-normal models were fitted by maximum likelihood using STATA software. The 5th and 95th percentiles of thyroid parameters were determined and used as reference intervals.

Results: Mean±SD age of participants was 26.8±5.2 years. Estimated reference intervals for TSH, T4 and FT4I in the 1st, 2nd and 3rd trimesters corresponding to the 5th and 95th percentiles were 0.30-4.93, 0.60-4.11, 0.75-3.5μIU/ml; 6.60-15.46, 7.82-17.54, 7.50-15.33μg/dl; and 1.90-4.20, 2.14-5.20, 1.85-4.00, respectively. Reference interval for TPOAb in the 1st trimester was 1.50-23.41 IU/mL. Median of TSH was low in the 1st trimester, and gradually increased until 2nd trimester, followed by a slight decrease onward. A decreasing trend in TSH levels was observed in higher centiles with advancing gestational age.

Conclusion: This study provides trimester-specific reference ranges for some common thyroid markers among healthy Iranian women in an iodine sufficient area, to prevent biochemical misinterpretations during pregnancy

Keywords: Thyroid hormones, Pregnancy, Reference interval



Percentiles for anthropometric measures in 11-18 years old students of 73 developing countries

Farad Najafi, Sara Naderpour, Mehdi Moradinazar, Malihe Khoramdad*

saranaderpour@gmail.com

Introduction: one of the health concerns for any society is to have its own standards of growth. The aim of this study was to provide the age- and sex-specific percentile values of anthropometric measures for adolescents of developing countries.

Methods: Data were obtained from the Global School-based Student Health Survey (GSHS). This study was conducted on school students, selected by multistage random cluster sampling from 73 developing countries. A parametric method was used for constructing age-specific reference intervals (normal ranges).

Results: In general, 210,045 of 11-18 years old schoolchildren (14.38 ± 1.39) from 73 developing countries between 2003 and 2014 were included in this study, among which 103,080 (49.08%) were male and 106,965 (50.92%) were female. Calculation of BMI percentile showed that all BMI percentile curves of both sexes, there were a gradual increase up to the age of around 15 years, and then remain stable (except for 95th percentile). Also in all weight percentile curves of boys, except 90th and above, there was a slight raise until the age of 18 years. In 10th height percentile curves and above in boys, there was a sharp increase up to the age of 17, followed by a decline. Similarly, this pattern was found for 50th height percentile and above in girls.

Conclusion: The use of global percentiles in developing countries overestimates underweight and stunting while underestimates overweight and obesity.

Keyword: Anthropometric percentiles, growth chart, reference curves, adolescents



Effect of serum total testosterone on progression of hyperglycemia; a multi-state modeling of a 15-year follow-up data

Sonia Minooe, Maryam Rahmati*

rahmati.mary@gmail.com

Introduction: The association between low testosterone level and increased risk of hyperglycemia in men has been demonstrated in observational and interventional studies. However, considering a variety of confounding factors, limited population-based studies have so far been conducted. Furthermore, no information is available regarding the effect of testosterone on progressive development of dysglycemia, using multi-state modeling.

Methods: Data were obtained from the Tehran Lipid and Glucose Study (TLGS), a community-based prospective cohort of an Iranian population. Analyses were conducted on 903 normoglycemic eligible men aged 30-70 years. An illness-death model was applied to estimate the probabilities of three transitional phases of transition 1 (normoglycemia→diabetes), transition 2 (normoglycemia→pre-diabetes) and transition 3 (pre-diabetes→diabetes). Risk factors of pre-diabetes and diabetes were included in the parametric survival models.

Results: Over a median follow-up of 12 years, 0.9% individuals developed diabetes. Per unit increase (ng/mL) in testosterone concentration, the transition rate from normoglycemia to pre-diabetes decreased by 6% [hazard ratios (HRs): 0.94 (95% confidence interval (CI): 0.90, 0.99)]. However, no effect for testosterone on the progression of diabetes from normoglycemia or pre-diabetes was observed [HRs: 0.79 (95% CI: 0.44, 1.41) and 0.98 (95% CI: 0.84, 1.16), respectively]. High body mass index was a strong predictor of hyperglycemia within all transitions.

Conclusion: Independent of major confounding factors, low testosterone was associated with normoglycemia progression to pre-diabetes, but not with pre-diabetes to diabetes, which might indirectly highlight the stronger impact of other risk factors after occurrence of pre-diabetes.

Keywords: diabetes, multi-state modeling, normoglycemia, pre-diabetes, testosterone



A Latent Class Analysis of Metabolic Syndrome among adults in relation to incidence of Cardiovascular Disease: Tehran Lipid and Glucose study

Noushin Ahanchi*, Davood Khalili, Farzad Hadaegh, Fereidoun Azizi,
n.ahanchi@gmail.com

Introduction: Metabolic Syndrome (MetS) has been characterized as a clustering of various interrelated risk factors including, together they culminate in adverse consequences. This study investigated how identified cluster Are associated with CVD incident.

Methods: The present study included subject aged 40-65 years Without prevalence of CVD at baseline. We used latent class analysis and Cox proportional hazard model.

Results: We found four classes in men and women.

Conclusion: Using LCA showed that subjects with MetS could be classified in sub-classes with different origins for their metabolic disorders and different MetS sub-classes have different risks for CVD incident.

Keywords: Latent Class Analysis, Cardiovascular Disease, Metabolic Syndrome



Determination of spatial-temporal pattern of Smear-positive pulmonary tuberculosis in Iran between 2001 - 2015 using BM3

Setayesh sindarreh*, Mahsa Mojahedi, Hossein Jadidi, Maryam Nasirian, Behzad Mahaki
setayesh.sindarreh@gmail.com

Introduction: The distribution of tuberculosis in different parts of the country and how it changes over time is necessary to prioritize the needs of specific areas for prevention and control. The present study intends to study the spatial-temporal distribution pattern of TB in Iran during the period from 2001 to 2015. For this purpose, data from 56 medical universities around the country are used.

Methods: This study is empirical and ecological, which the population studied is all medical centers in the country that record cases of positive smear-positive pulmonary tuberculosis from 2001 to 2015 in Iran. Bayesian Multilevel Space-Time Model was used to measure the relative risk of smear-positive pulmonary tuberculosis. Data consisted of three geographically nested levels in which the countries were nested in the provinces and provinces in time (year). Data analysis was conducted using the Integrated Nested Laplace Approximations (INLA) Bayesian approach in R software.

Results: In the years 2001 to 2015, tuberculosis was studied in 31 provinces of the country. In the north and west of the country, the disease is at greater risk than the southern and the west of the country. The highest incidence of tuberculosis in these 14 years is due to sistans province and the lowest incidence is related to Tehran province.

Conclusion: Considering the better fit of the three-level model with the adjustment of all risk factors, the use of multi-level models with the adjustment of more effective risk factors is recommended in future studies. This investigation showed that Northeast, Northwest, and some areas in Central Iran had the highest risk of positive smear-positive pulmonary tuberculosis.

Keywords: *spatial-temporal pattern, pulmonary tuberculosis, Smear-positive, Iran, Bayesian model*



RABIT: A new approach for data quality and integrity

Ashkan Mehregan*, Hossein Zokaei, Negar Rezaei, Bahman Damirchlu, Farshad Farzadfar
 mehregan@ncdrc.info

Introduction: RABIT, which stands for Research and Business Integrated Tools, is a chain tool for government, universities, research centers and researchers to gather data in various scientific forms and to provide a spectacular data pipeline. Outstanding to velocity, volume and variety of generated data in healthcare and health surveys make us to develop a system to manage all processes related to data flow including collecting, analyzing and visualizing it.

Methods: RABIT has three main platforms includes, DIGIT, SUMIT, and VIZIT. DIGIT helps to design and implement different surveys, registries, RCTs, and observational studies. DIGIT creates electronic questionnaires with measures which ensures data quality. It combines multiple questionnaire and converts them to a survey project. DIGIT also provides a network of interviewers to collect data in the field.

Results: RABIT already has provided services to healthcare system and health surveys to be conducted efficiently. Involved projects includes Tarbiat-Modares, Kermanshah, Tehran universities and private sectors for student healthcare, registries, RCTs, and observational studies.

Conclusion: Due to variety of generated data in healthcare and health surveys, we created a system to manage all processes related to data flow. This project would be a cost-effective method to achieve high quality data in minimum time.

Keywords: Data Gathering, Data Pipeline, Data Visualization, Data guaranty, Data regulatory



Indirect Estimation of Student Marijuana Consumers' Population in Hamadan City using PRM and NSU Methods

Leyla Halimi*, Alireza Soltanian, Mohammad Babamiri, Yadollah Hamidi, Seyyed Reza Majdzadeh

lhhalimi20@yahoo.com

Introduction: It is difficult to find social causes of a particular disease or specific health problem in groups or hidden illnesses such as drug misuse in order to estimate the population size; and the under enumeration usually occurs in direct estimation of population of certain high-risk groups. Therefore, the present study compared direct and indirect methods in estimating the marijuana consumer population.

Methods: The present cross-sectional research was conducted on 461 students in Hamadan. Two indirect methods namely the Network Scale-up (NSU) and proxy respondent method (PRM) were used in this regard. Data analysis was performed by statistical tests and SPSS and Excel.

Results: In this study, the lowest prevalence of marijuana misuse was 2.6% in females by direct method, but the highest misuse was 14.575 in males by the NSU method. In a study titled "Correlates of college student marijuana use in US Students in 1997", Bell et al. found that the prevalence of misuse among students was 24.8% that was higher than the present study. Johnston et al. studied the drug use during 1975 to 2009, and found the prevalence of marijuana misuse equal to 14% in the Spanish, 10% in whites and 12% in African Americans; and declared that three quarters of students (78%) experienced once-in-a-lifetime misuse of marijuana. It was also found that marijuana and cigarette were among substances which are gateways of consumption; and the misuse of this substance is higher in young people than other illegal substances (1). This issue can be greatly important to policymakers in terms of preventing drug addiction in society.

Conclusion: It seemed that direct and NSU methods had higher bias than the PRM, and the frequency of PRM was closer to the reality; and the prevalence of once use of marijuana was higher in the young male population than female.

Keywords: Social network, indirect estimation, marijuana consumer, Network Scale-up (NSU), proxy respondent method (PRM)



Predictors of Death and Discharge in Intensive Care Unit: A Competitive Risk Model

Zahra Maleki, Mohammad Ghorbani, Haleh Ghaem*, Farid Zand

maleki5146@gmail.com

Introduction: Many risk factors are associated with death and discharge in the intensive care unit. So, this study aimed to evaluate risk factors associated with death and discharge among ICU patients.

Methods: This historical cohort study was conducted on 712 patients admitted to ICU of Namazi hospital of Shiraz city between 2013 and 2015. The competing risk regression model was suitable for assessing risk factors associated with death and discharge in ICU. Data analysis was performed using STATA 13.0 and R software.

Results: The average age of the participants was 53.3 ± 327.7 years. Of the 712 patients, 436 (61.2%) were males, that 121 (17.8%) died. In competing risk model, death was considered as an event of interest, the age and total days of patients using double-lumen and mechanical ventilation increased the risk of death (all SHR > 1). However, when discharge was considered as an event of interest, these variables reduced the likelihood of discharge (all SHR < 1).

Conclusion: The findings of this study showed that, death in ICU increased through increase age, use of double-lumen and mechanical ventilation, and female sex, but risk of death decreased or increased discharge, when patient admitted because of surgical in ICU.

Keywords: Mortality, Discharge, Intensive care units, Competing risk



Validity and reliability of the Persian version of the Adverse Childhood Experiences Abuse Short Form (ACE-ASF)

Maryam chegeni*, Nouzar Nakhaee, Mahin Eslami Shahrababaki, AliAkbar Haghdooost
mchezeni84@yahoo.com

Introduction: Measuring child abuse and adverse experiences is a critical task with regard to its long-term impact on the health of individuals and communities. The purpose of this study was to validate the Persian version of the International Adverse Childhood Experiences Abuse Short Form (ACE-ASF) in Iranian society.

Methods: The present study was conducted in Kerman, southeast of Iran, in 2019 on 494 students from Kerman University of Medical Sciences, selected by convenience sampling method. Psychometric properties of the questionnaire were examined after the forward and backward translation processes. The factor structure of the questionnaire was evaluated using exploratory factor analysis (EFA) and confirmatory factor analysis (CFA). The concurrent validity of the questionnaire was assessed using the Childhood Trauma Questionnaire (CTQ). Cronbach's alpha and corrected item-total correlation were used to measure reliability.

Results: The mean age of participants was 24.3 ± 5.3 years. Based on EFA, two physical-emotional abuse and sexual abuse factors were obtained. The CFA fit indices well supported two extracted factors. The CFA showed acceptable factor loadings. The internal consistency coefficient of Cronbach's alpha was 0.75 for the physical-emotional abuse factor and 0.77 for the sexual abuse factor. The correlation coefficient of ACE-ASF and CTQ was $r = 0.56$. The reliability index of intraclass correlation coefficient (ICC) was 0.73 (95% CI: 0.60; 0.84).

Conclusion: The Persian version of the ACE-ASF questionnaire has acceptable psychometric properties. It is a valid tool for measuring physical, emotional, and sexual abuse according to the cultural context in Iran.

Keywords: Adverse childhood experience, Child abuse, Psychometrics, Child maltreatment, Iran



Discovering the etiology of suicide in Iran using Causal Layered Analysis

Mohammad Heidari*, Narges Khanjani, Aliakbar Haghdoost

heidari.m@umsu.ac.ir

Introduction: Despite a huge number of studies on suicide since the 17th century, its causation almost remains unclear between conjectures of the two main fields of sociology and psychology. .

The hypothesis behind the causal layered analysis is that there are several layers of reality. CLA was preferred as a suitable approach for joining the past and future and as a way to create various ways of understanding. We will explain the qualifications of each layer more detailed in the method section. We have applied causal layered analysis (CLA), as a new approach in the social epidemiology to explore the underneath causes of suicide in Iran.

Methods: The study consists of several hierarchical layers, deeper layers explained the state of the upper layers and were measured through its approach. Then results in different layers link to each other's based on CLA assumptions.

Litany Layer: Causal layered analysis has a vertical view on a problem like an iceberg with the small observed peak which called a litany. Systemic Layer: This layer observed quantitative data found in the litany was analyzed and interpreted according to the short-term historical facts, including social, political, economic and cultural factors. Worldview: This is the first unconscious layer of CLA, which clarified the hidden discourse behind the systemic causes in the upper layers. Myth and Metaphor: This is the latest layer concerned with the deeper metaphors, stories, and traditions, which have a long historical consequence

Results: Based on our analysis, we have constructed four unique CLA models. Each one has its characteristics in different layers and its interpretation. CLA (1): Self-Burning of women in tribal based provinces, CLA (2): Duality of parent's Addiction- Divorce, CLA 3: Suicide as a reaction to an identity crisis in the metropolis.

Conclusion: Rapid shifts in the rate of urbanization, macro-historical events in the politics as well as an invasion of the western civilization on Iranian poetry and literature lead to the fundamental shifts in the social and familial values in addition to revision in the meaning of life. As our younger generation did not prepare spiritually for such a macro social change, they have come to find themselves lonely and hopelessness against such a terrible wave of the changes.

Keywords: Etiology, Suicide, Causal Layered Analysis, Methaphor



A Bayesian spatial Poisson disease mapping model for evaluating neonate's congenital hypothyroidism between 2011 and 2018 in Guilan, Iran

Bahare Gholami*, Sadredin mahdipour, Alireza akbarzad

gholamibahare89@gmail.com

Introduction: Congenital Hypothyroidism (CH) is one of the reasons for mental retardation and defective growth in neonates. It can treat if it diagnose early. The congenital hypothyroidism is diagnosed by neonates screening in the first days after birth. Disease mapping helps to identify high risk areas of disease. The aim of this study is to evaluate pattern of congenital hypothyroidism using spatial Poisson model in disease mapping using Bayesian approach.

Methods: In this study, authors used the recorded data of all infants diagnosed with CH between 2011 and 2018 in Guilan province, Iran. The Bayesian spatial Poisson model was run using Markov Chain Monte Carlo method in OpenBUGS software. Preparing maps of Guilan's towns were done via Arc GIS software.

Results: Among 219800 live births in Guilan province, Incidence of CH was 2:1000 during 7 years. Pattern of disease mapping for posterior mean of relative risk for CH was identical during 7 years. Only a central town had a relative risk of >2 . Approximately, in more than half of the towns, relative risk was lower than one .

Conclusion: Relative risk of CH incidence was lower than one in most towns. This probability can be because of resolving iodine deficiency as one of the main causes of CH incidence by consuming sea foods and iodized salt in Guilan province. As, there are few cities in Guilan province that include higher relative risk than others, further studies are needed to investigate causes of high risk CH in these towns

Keywords: Bayesian approach, disease mapping, spatial model, Congenital Hypothyroidism



پنل پنجم

اپیدمیولوژی بیماری های غیر واگیر



IEA

انجمن علمی اپیدمیولوژیست های ایران

Iranian Epidemiological Association

نهمین کنگره اپیدمیولوژی ایران

9th Iranian Congress of Epidemiology



روند شاخص های مرگ زودرس ناشی از چهار بیماری اصلی غیر واگیر در ایران طی سال های

۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

سخنرانی

الهه کاظمی*، اردشیر خسروی، سعیده آقامحمدی، محمد شریعتی، حسین کاظمینی

elaheh.kazemi.63@gmail.com

مقدمه و هدف: بار بیماری های غیر واگیر (NCDs) از جمله بیماری های قلبی عروقی، سرطان، دیابت و بیماری های تنفسی مزمن یکی از چالش های عمده در قرن حاضر است. حدود ۱۵ میلیون مرگ و میر به علت چهار بیماری غیرواگیر در افراد ۳۰ تا ۷۰ ساله در سراسر جهان رخ می دهد.

روش کار: در این مطالعه از داده های مرگ سازمان ثبت احوال، نظام ثبت و طبقه بندی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و داده های جمعیتی مرکز آمار ایران جهت محاسبات استفاده شده است. در ابتدا قبل از انجام محاسبات داده ها از نظر کیفی و کمی مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای محاسبه احتمال مرگ ۳۰ تا ۷۰ سال ناشی از بیماری های غیرواگیر، از روش جدول عمر استفاده شده است. با استفاده از روش رگرسیون میانگین نرخ سالانه کاهش احتمال وقوع مرگ نیز محاسبه شده است و تا سال ۱۴۰۴ نیز پیش بینی شده است. برای محاسبه کم شماری داده های مرگ کشور از روش اثرات آمیخته تصادفی جهت اصلاح محاسبات استفاده شده است. تمام محاسبات به تفکیک جنس نیز انجام شده است.

نتایج: بالاترین میزان مرگ و میر در هر صدهزار نفر جمعیت ۳۴۳ در سال ۱۳۸۵ و کمترین میزان مرگ و میر ۲۴۰ در سال ۱۳۹۵ در هر دو جنس بوده است. بیشترین احتمال مرگ ۲۱ در سال ۱۳۸۵ و ۱۵ در سال ۱۳۹۵ در هر دو جنس بوده است. طی زمان مطالعه شاخص های مرگ ناشی از بیماری های غیرواگیر روند کاهشی داشته است.

نتیجه گیری: بررسی شاخص های مرگ و میر در طی زمان مطالعه مشخص کرد که مرگ و میر ناشی از بیماری های غیرواگیر در دهه گذشته در ایران کاهش یافته است. همچنین پیش بینی برای سال های آینده نیز نشان داد که این روند کاهشی ادامه خواهد داشت و ایران در سال ۱۴۰۴ به اهداف سازمان جهانی بهداشت و اهداف توسعه پایدار خواهد رسید.

کلمات کلیدی: احتمال مرگ، میزان مرگ، بیماری های غیرواگیر، جدول عمر



مصرف اپیوم به عنوان یک عامل خطر مستقل در ارتباط با سرطان پانکراس، یک مطالعه مورد شاهدی

سخنرانی

احمد نقیب زاده تهامی^{*}، مریم مرزبان، وحید یزدی فیض آبادی، بهناز کریمیپور، علی اکبر حقدوست

anaghibzadeh61@gmail.com

مقدمه و هدف: مطالعه حاضر به بررسی ارتباط بین مصرف اپیوم و مشتقات آن با ابتلا به سرطان پانکراس در ایران با استفاده از یک مطالعه مورد پرداخته است. در این مطالعه همچنین ارتباط مصرف سیگار و الکل با سرطان پانکراس علیرغم دسترسی به اطلاعات کم این جمعیت، ارزیابی شده است.

روش کار: در یک مطالعه مورد شاهدی جورشده در کرمان (قرار گرفته در جنوب شرقی ایران)، ۱۷۵ بیمار سرطانی و ۳۵۰ کنترل سالم (همسان شده بر اساس سن، جنس و محل سکونت (شهر، روستا) وارد شدند. متغیرها شامل (مصرف اپیوم و مشتقات آن، کشیدن سیگار، مصرف الکل و رژیم غذایی) با استفاده از یک پرسشنامه ساختار یافته جمع آوری شدند. جهت بررسی ارتباطات از آزمون رگرسیون لجستیک شرطی استفاده شد.

نتایج: مصرف اپیوم در ارتباط با افزایش خطر سرطان پانکراس با یک نسبت شانس تعدیل شده (۱۰,۷۶-۳,۱۴۲,۸۲ CI: 95%) بود. همچنین یک ارتباط دوز پاسخ قوی بین مصرف اپیوم و مشتقات آن و سرطان پانکراس مشاهده شد (مصرف کم ۱۰,۷۰-۱,۸۱ OR= 4.4 CI: 95% و مصرف زیاد ۱۴,۱۸-۳,۵۰ OR= 7.04 CI: 95%). به علاوه سن پایین تر شروع اپیوم و مشتقات آن در ارتباط با افزایش خطر سرطان بود (۱۴,۹۱-۳,۹۹ OR= 6.71 CI: 95%). همچنین مصرف سیگار در ارتباط با افزایش خطر سرطان پانکراس با یک نسبت شانس تعدیل شده (۴,۷۱-۲,۷۵۱,۶۱ CI: 95%) بود.

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر، مصرف اپیوم و سیگار در ارتباط با افزایش خطر ابتلا به سرطان پانکراس بود، در حالی که مصرف الکل هیچ رابطه ای نشان نداد.

کلمات کلیدی: مورد شاهدی، ایران، اپیوم، ریسک فاکتور، سرطان پانکراس



توزیع مکانی مناطق پرخطر و کم خطر حوادث رانندگی منجر به جرح مرتبط با عابران پیاده در منطقه ۶ شهر تهران

سخنرانی

علی مرادی

amoradi1350@yahoo.com

مقدمه و هدف: در بسیاری از شهرهای پرجمعیت جهان عابران پیاده نسبت قابل توجهی از مرگهای ناشی از حوادث ترافیکی را به خود اختصاص می دهند. با توجه به اینکه نسبت قابل توجهی از مرگهای ناشی از حوادث ترافیکی در تهران در عابران پیاده اتفاق می افتد، این مطالعه به منظور تعیین مناطق پرخطر حوادث رانندگی منجر به جرح مرتبط با عابران پیاده در مرکز شهر تهران (منطقه ۶) در سال ۱۳۹۳ انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر بصورت مقطعی و توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری شامل حوادث ترافیکی جرحی مرتبط با عابران پیاده بودند که در طی سال ۱۳۹۳ در منطقه ۶ اتفاق افتاده بودند. داده های لازم برای انجام مطالعه از پایگاه داده های پلیس راهنمایی و رانندگی راهور تهران بزرگ و شهرداری تهران استخراج شد. جهت نمایش توزیع حوادث از نقشه های پهنه بندی استفاده شد. در آنالیز تحلیلی برای تعیین الگوی پراکنش حوادث از شاخص موران و جهت تجزیه و تحلیل نقاط داغ (نقاط پر خطر) از آماره Getis-Ord G استفاده شد.

نتایج: در این مطالعه ۵۱۴ حادثه مورد مطالعه قرار گرفت. بیشترین فراوانی حوادث مورد مطالعه در اردیبهشت ماه (۶۲ مورد) و کمترین فراوانی در فروردین ماه (۲۲ مورد) بوده است. به ترتیب ۳۷۰ مورد (۷۱٪/۹)، ۱۳۳ مورد (۲۵٪/۲) و ۱۱ مورد (۲٪/۱) از حوادث مورد مطالعه در خیابان های شریانی، جمع کننده و بزرگراهها اتفاق افتاده است. بیشترین فراوانی حوادث مورد مطالعه در خیابان ولیعصر (۶۷ مورد) و بیشترین میزان بروز حوادث مورد مطالعه در خیابان آزادی حد فاصل خیابان نواب و میدان انقلاب (۱۸/۱۱) حادثه در هرکیلومتر راه اتفاق افتاده است. آماره موران ($P < 0.001$) نشان می دهد، توزیع حوادث مورد مطالعه به صورت خوشه ای و آماره Getis-Ord General G (002/0=P) نشان می دهد که توزیع نقاط داغ و سرد حوادث مورد مطالعه از نظر آماری معنی دار است.

نتیجه گیری: محلات جنوبی منطقه ۶ خطرناکترین نواحی از نظر حوادث ترافیکی جرحی مرتبط با عابران پیاده می باشند. در خیابانهای شریانی درجه ۱، اطراف مراکز عمده فراغت و کار، مراکز تجاری، پایانه های اتوبوسرانی حوادث بیشتری رخ می دهد. عابران به اهمیت پلهای عابر پیاده در ارتقاء ایمنی رفت و آمد پی نبرده اند و از آنها کمتر استفاده می کنند. با توجه به اهمیت نقش عوامل محیطی در وقوع حوادث رانندگی مرتبط با عابران پیاده، انجام مطالعات بیشتر به منظور شناسایی آنها ضروری به نظر میرسد.

کلمات کلیدی: توزیع مکانی، حوادث ترافیکی، عابران پیاده، تهران

سن اولین تجربه مصرف سیگار در نوجوانان با در نظر داشتن عوامل خطر والدی مرتبط با آن: مطالعه آینده نگر قند و لیپید تهران

سخنرانی

پریسا امیری، هستی مسیحای اکبر*، سارا جلالی فراهانی، مهرداد کریمی، امیر عباس مومنان، فریدون عزیزی
hasti.masihay.akbar@gmail.com

مقدمه و هدف: با توجه به شیوع بالای مصرف سیگار در نوجوانان سراسر جهان و روند افزایشی آن در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مطالعه سن شروع مصرف سیگار و عوامل مرتبط با آن از اهمیت بالایی برخوردار است. بر اساس شواهد موجود اکثر بزرگسالان سیگاری، اولین سیگار خود را در نوجوانی تجربه میکنند. هدف مطالعه ی حاضر، بررسی سن اولین تجربه مصرف سیگار در نوجوانان با در نظر گرفتن عوامل خطر والدی مرتبط و ارزیابی ارتباط سن شروع مصرف سیگار با عادات سیگار کشیدن نوجوانان در آینده میباشد.

روش کار: با استفاده از داده های مطالعه قند و لیپید تهران، ۱۴۸۷ نوجوان در محدوده سنی ۱۲-۱۸ سال با داده های والدی کامل، وارد تحلیل خوشه ای (cluster analysis) شدند. با روش تحلیل خوشه ای دو مرحله ای وبا استفاده از داده های والدین شامل سن، تحصیلات، اشتغال و وضعیت مصرف سیگار، خانواده ها در دو گروه والدی پرخطر و کم خطر تقسیم بندی شدند. سپس با استفاده از مدل بقای کاکس، تاثیر خوشه های خطر والدی در اولین تجربه مصرف سیگار در نوجوانان غیرسیگاری ارزیابی شد. جهت بررسی تاثیر خوشه های خطر والدی و سن اولین تجربه مصرف سیگار بر عادات مصرف سیگار در آینده روش رگرسیون لجستیک مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج: میانگین سن نوجوانان در مطالعه حاضر $07/2 \pm 63/14$ سال بود. تحصیلات والدین و وضعیت مصرف سیگار پدر مهمترین عوامل خطر والدی محسوب میشدند. احتمال اولین تجربه مصرف سیگار در نوجوانان خوشه والدی پرخطر ۴۹ درصد بیشتر از خوشه والدی کم خطر بود. در نوجوانان متعلق به خانواده های پرخطر، شانس سیگاری شدن در آینده نیز ۵۵ درصد بیشتر بود. احتمال اولین مصرف سیگار در پسران در مقایسه با دختران ۸۳ درصد بالاتر ارزیابی شد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که یک سال به تاخیر انداختن اولین تجربه مصرف سیگار، ۲۵ درصد احتمال مصرف سیگار در آینده را کاهش میدهد.

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد که شروع زودتر مصرف سیگار در فرزندان خانواده های پرخطر در سنین نوجوانی میتواند زمینه ساز مصرف سیگار در آینده باشد. طراحی و اجرای مداخلات زودهنگام با هدف پیشگیری از شروع مصرف سیگار در سنین نوجوانی به ویژه در خانواده های پرخطر ضروری می نماید.

کلمات کلیدی: سن اولین تجربه مصرف سیگار، عادات سیگار کشیدن، نوجوانان، خصوصیات والدین، تحلیل خوشه ای

بررسی وضعیت مراجعات افراد مشارکت کننده در شهرهای پایلوت برنامه ایران

سخنرانی

کوروش اعتماد، سمیه درخشان هوره*

somayeh452derakhshan@gmail.com

مقدمه وهدف: بسته مداخلات اساسی بیماری های غیرواگیر سازمان جهانی بهداشت (WHO-PEN) یک راه عملی برای کاهش بار بیماری های غیرواگیر در کشورهای با درآمد کم و متوسط است. در ایران نیز در راستای بومی سازی و اجرای پیشنهادات سازمان جهانی بهداشت، برنامه ایران (Ira-PEN) طراحی و در ۴ شهرستان نقره، مراغه، شهرضا و بافت به صورت آزمایشی اجرا گردید. در این برنامه در خانه های بهداشت و پایگاه های سلامت میزان احتمال خطر ۱۰ ساله بروز سکتته های قلبی و مغزی کشنده و غیرکشنده جمعیت هدف برنامه تعیین می گردد و متناسب با میزان احتمال به دست آمده اقداماتی صورت می پذیرد. هدف از پژوهش حاضر توصیف وضعیت مراجعات افراد مشارکت کننده در شهرهای پایلوت برنامه ایران می باشد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است که بر روی داده های سال ۹۵ و ۹۶ برنامه ایران در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه مورد مطالعه افراد بالای ۳۰ سال مراجعه کننده به مراکز، پایگاهها و خانه های بهداشت در راستای برنامه ایران هستند که به صورت پایلوت در ۴ شهر ذکر شده اجرا گردید.

نتایج: کل افراد مشارکت کننده در طرح پایلوت این برنامه ۱۶۶۱۵۸ نفر (۴۲,۲۷٪ مرد و ۵۷,۷۳٪ زن) می باشند، از این تعداد ۱۲۷۱۷۸ نفر (۴۴,۷۵٪ مرد و ۵۵,۲۵٪ زن) تنها یک بار به مراکز و پایگاه ها مراجعه کردند و ۸۶۸۱۵ نفر (۳۴,۱۷٪ مرد و ۶۵,۸۳٪ زن) از افراد مراجعات بیشتر از یک بار داشتند. در برنامه ایران با توجه به ریسک های مختلف، پیگیری افراد نیز متفاوت است. از جمعیتی که تنها یک بار به مراکز مراجعه کردند انتظار می رفت ۹۳,۹۲٪ افراد یکسال بعد، ۲,۹۶٪ افراد ۹ ماه بعد، ۰,۶۰٪ افراد ۶ ماه بعد و ۲,۵۲٪ افراد ۳ ماه بعد از اولین مراجعه به مراکز مراجعه کنند که این امر محقق نگردید.

نتیجه گیری: با توجه اینکه بیماری های قلبی و عروقی علت اصلی مرگومیر زودرس و ناتوانی در جهان هستند در حال حاضر عامل اصلی مرگ در ایران است. از آنجاییکه مطالعه حاضر وضعیت افراد را در شهرهای پایلوت بررسی می کند پیدا کردن هرگونه نقاط قوت برای تقویت هرچه بهتر برنامه در سطح ملی و یافتن نقاط ضعف و رعایت آن نکات باز هم به پیشبرد بهتر برنامه و رسیدن به اهداف آن کمک خواهد کرد.

کلمات کلیدی: بیماری های قلبی و عروقی، بیماری های غیرواگیر، برنامه ایران



ORAL

Prevalence of Chronic Neck Pain, Low Back Pain, and Knee Pain and Their Related Factors in Community-Dwelling Adults in Iran: A Population-based National Study

Pardis Normohamadpour*. Mohammad Ali Mansournia

normohamadpour@tums.ac.ir

Introduction: Chronic musculoskeletal pain (CMP) is increasing in prevalence rapidly. Over the past 2 decades low back pain has been ranked globally as the primary cause of years lived with disability. The primary objective of this study was to investigate the prevalence of chronic neck pain (CNP), chronic low back pain (CLBP), and chronic knee pain (CKP) and their related risk factors in the national Iranian population .

Methods: We analyzed data obtained through a cross-sectional, population-based survey of 7889 Iranians who were aged between 30 and 70 years.

Results: Prevalence of CNP, CLBP, and CKP were 15.34%, 27.18%, and 29.97%, respectively. Female gender, aging, having a BMI \geq 25, having Lur or Arab ethnicity, being illiterate, passive smoking, positive osteoporosis history, and low or high physical activity level were risk factors for CLBP, CNP, and CKP after adjustment for potential confounders. For example, in subjects who had BMI equal or more than 30, odds ratios for CNP, CLBP, and CKP adjusted for age, sex, ethnicity, living area, education, employment status, smoking, and physical activity level were 1.26 (95% confidential interval (CI) 1.04-1.52), 1.37 (95%CI 1.17-1.59), and 1.64 (95%CI 1.41-1.91), respectively.

Conclusion: This is the first study investigating the prevalence of CNP, CLBP, and CKP in the national population of Iran. It shows some modifiable risk factors for CMP, and brings about the idea that affordable planning for these risk factors can be valuable for prevention of CMP globally.

Keywords: Chronic musculoskeletal pain, Low back pain, Neck pain, prevalence, odds ratio



ORAL

The environmental health catastrophe in Urmia Lake and asthma disease: a cohort study

Jafar Moosapoor

jafarmoosapoor@gmail.com

Introduction: Urmia Lake of Iran used to be the largest saltwater lake in the world. It has now disastrously shrunk to 10 percent of its previous size. This study aims to investigate the impact of this environmental catastrophe on the occurrence of asthma.

Methods: The whole population of ten districts in the area were investigated in this retrospective cohort study: “Exposed group” in the neighbouring areas of the lake, “Not exposed group 1” with medium distance (65 km) from the lake, and “Not exposed group 2” with more than 160 km from the lake. Clinical diagnosis of asthma was performed by the family physicians in the whole population.

Results: The occurrence risk of asthma in “Exposed group” was 1.85 times higher (CI95%: 1.1-3.0) than of “Not exposed group 1”. The risk of disease, similarly, in “Exposed group” was 1.44 times more (CI95%: 0.9-2.3) when compared to “Not exposed group 2.”

Conclusion: The country and provincial authorities should consider this hazardous climate change in the region seriously before it becomes a harmful.

Keywords: asthma, incidence, occurrence, Urmia Lake, Iran



ORAL

Short and long-term Survival rate Following Myocardial Infarction and its Predictive Factors: a Study Using National Registry Data

Samaneh Mozaffarian*, Seyed Saeed Hashemi Nazari

s.mozaffarian@behdasht.gov.ir

Introduction: Type and location of MI are prognostic significant factors for predicting post-MI mortality. The present study has been designed to predict short and long-term survival rate in MI stricken patients.

Methods: The current research is a retrospective cohort study, where the data were collected from 21181 cases of MI recorded by the Myocardial Infarction Registry in 12 months period leading to 20 march 2014. The follow-up of the patients began after hospitalization. In this study, survival rates were estimated by Kaplan-Meier method and the P-values for comparison of survival curves were determined by log-rank statistics.

Results: Totally 21181 patients were studied with the first attack of MI in this survey. There were 15328 (72.37 %) men. The most common MI location was Anterior wall MI (31.86 %). Overall, the survival rate of 28 days, 6 months and 1 year was gained as 0.95 (0.95-0.96), 0.90 (0.90-0.91) and 0.88(0.88-0.89). After controlled confounding factors, Variables including history of chronic heart disease (p-value<0. 0001), hypertension (p-value<0. 0001), diabetes (p-value <0.0001) have a significant relationship with increased risk of death due to myocardial infarction and history of hyperlipidemia (p-value <0.0001) and myocardial infarction of inferior wall (p-value <0.0001) have a significant relationship with decreased risk of death due to myocardial infarction.

Conclusion: Estimates of myocardial infarction survival rate is valuable in health policy-making, resource allocation and prioritization and prevention and control of cardiovascular diseases.

Keywords: *myocardial infarction, location of MI, predictive factors, survival rate, COX analysis.*



ORAL

Prevalence of osteoporosis among the elderly population of Iran and related risk factors: The Bushehr Elderly Health (BEH) Program

Noushin fahimfar, Sima Noorali, Shakiba Yousefi, Safoora Gharibzadeh, Gita Shafiee, Afshin Ostovar, Iraj Nabipour, Alireza Raeisi, Nekoo panahi, Bagher Larijani*
nfahimfar@gmail.com

Introduction: Osteoporosis and osteoporotic fractures became an important health problem because of population aging, especially in developing countries. In this study the prevalence of osteoporosis and related risk factors were investigated among an elderly population in Bushehr, Iran.

Methods: Baseline data of the second stage of Bushehr Elderly Health (BEH) program was used. Spinal or femoral neck or total hip osteoporosis were defined as a Bone Mineral Density that lies 2.5 standard deviations or more, below the average values of a young healthy adult in the lumbar, femoral neck or total hip site, respectively. Osteoporosis at either site was defined as total osteoporosis. Age-standardized prevalence of osteoporosis for men and women was estimated, separately. We used the modified Poisson regression to identify the osteoporosis associated factors adjusted for potential confounders.

Results: Overall, 2409 participants (1248 women) aged ≥ 60 years were included. In general, total osteoporosis was detected in 999 (41.5%) of the population. The age-standardized prevalence of total osteoporosis was 24.7% (95%CI: 22.0%-27.4%) in men and 62.7% (95%CI: 60.0%-65.4%) in women. In both sexes, osteoporosis was negatively associated with Body Mass Index. In men, age, smoking, and history of fracture was positively associated with osteoporosis. Hypertriglyceridemia, and education were negatively correlated with osteoporosis in women; while years after menopause and history of fracture increased the likelihood of osteoporosis.

Conclusion: The high prevalence of osteoporosis and osteopenia was detected in the elderly population. Considering the high burden of severe complications, especially fractures, expanding of comprehensive interventions is recommended.

Keywords: Osteoporosis, prevalence, elderly, Iran

بار سرطان ها در یک نمونه از جمعیت ایران از سال ۱۳۹۶-۱۳۹۰: مطالعه موردی استان کردستان

شهرام مرادی*، قباد مرادی، بختیار پیروزی، آربین آزادنیا

shhramm@yahoo.com

مقدمه و هدف: بیماری‌های غیر واگیر (NCDs) در حال حاضر عامل اصلی مرگ در جهان هستند و انتظار می‌رود هم‌چنان جزو عوامل اصلی مرگ باقی بمانند. در سال ۲۰۱۸ حدود ۱/۱۸ میلیون مورد جدید و ۶/۹ میلیون مرگ ناشی از سرطان در دنیا گزارش شده است. پیش بینی می‌شود شیوع سرطان در کشورهای توسعه یافته تا ۴۵٪ در سال ۲۰۲۵ افزایش یابد. در این مطالعه بار بیماری ۳۷ سرطان در استان کردستان به عنوان یک نمونه از جمعیت ایران در طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۰ محاسبه گردید.

روش کار: این مطالعه یک مطالعه Cross-Sectional است. در این مطالعه بروز سرطان از داده‌های نظام ثبت سرطان استان کردستان استفاده شد. جمعیت استان کردستان به تفکیک سال از سایت مرکز آمار ایران استخراج شد. داده‌های مرگ از سامانه نظام ثبت و طبقه بندی علل مرگ استخراج شد دو جز شاخص DALY از فرمول زیر استفاده گردید.

$$DALY=YLL+YLD$$

$$YLL=N \times L$$

$$YLD=I \times DW \times D$$

نتایج: در سال ۱۳۹۰ بار سرطانها ۱۲۳۰۹ DALY بوده که به ۱۳۹۶۹ DALY در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. بیشترین بار سرطان مربوط به سرطان های دستگاه گوارش می باشد. ۵ سرطان اول با بیشترین DALY در سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۰ بر حسب درصد DALY به صورت ذیل است: معده (۲۵٪)، ریه (۱۴٪)، کبد (۹٪)، مری (۷٪)، کولون (۶٪) در هر دو جنس و در مردان معده (۲۸٪)، ریه (۱۶٪)، پروستات (۹٪)، کبد (۸٪)، مری (۶٪) و در زنان معده (۲۰٪)، سینه (۱۲٪)، ریه (۱۰٪)، کبد (۱۰٪) و مری (۸٪) محاسبه گردید. بروز استاندارد سنی (ASR) سرطان از ۵/۸۳ در ۱۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰ به ۸/۱۲۲ در ۱۰۰۰۰۰ نفر در ۱۳۹۶ افزایش یافته است.

نتیجه گیری: بروز استاندارد سنی (ASR) سرطان معده و مری استان کردستان در هر دو جنس در مقایسه با سایر مناطق جهان در مرتبه دوم قرار دارد. اقدامات فوری در زمینه سیاستگزاری و مدیریتی و سلامت عمومی برای کاهش بار سرطان‌ها و بخصوص سرطان‌های دستگاه گوارش مانند آموزش عمومی، غربالگری، تشخیص زودهنگام و درمان موثر توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: بار بیماری، سرطان، بیماری‌های غیر واگیر، استان کردستان



بررسی اپیدمیولوژی کارسینوم سلول بازال در استان کردستان از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸

گلاویز احمدی*، مسعود سلیمانی دودران، محسن اسدی لاری، سعید امانی

arvin_amani@yahoo.com

مقدمه و هدف: توضیحات سرطان های پوست از بزرگترین مشکلات بهداشت عمومی است. کارسینوم سلول بازال (BCC) شایعترین تومور پوستی انسان است که حدود ۵۰ درصد موارد سرطان پوست را تشکیل می دهد. این مطالعه با هدف بررسی اپیدمیولوژی BCC در استان کردستان از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه مقطعی با استفاده از داده های موجود در سیستم ثبت سرطان معاونت بهداشتی استان کردستان انجام شد. در این بررسی همه موارد BCC که از سال ۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۸ در این سیستم ثبت شده بود مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از پرسشنامه دو قسمتی که بخشی از اطلاعات از روی داده های موجود در معاونت بهداشتی و بخش دیگر اطلاعات از طریق مصاحبه با بیمار یا افراد درجه یک خانواده بیمار جمع آوری شد. بیمارانی که برای بار اول به زنگ تلفن پاسخ ندادند و یا بیمارانی که شماره تلفن آنها مسدود بود حداقل در ۳ بار تماس تلفنی دیگر در روزهای مختلف پیگیری شدند.

نتایج: در این مطالعه ۸۸۷ مورد BCC که سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ در سیستم ثبت سرطان استان کردستان ثبت شده بود مورد بررسی قرار گرفت. از این تعداد ۵۱۶ (۵۸ درصد) مرد و ۳۷۱ (۴۲ درصد) زن بودند. ۴۵۰ (۵۱ درصد) در گروه سنی ۶۰-۷۹ سال قرار داشتند. میانگین و میانه سنی بیماران بترتیب ۶۲ و ۶۴ سال بود. ۴۴/۹ درصد واحد های مورد پژوهش کشاورز و باغدار بودند. ۶۳/۹ درصد این بیماران بیسواد بودند. ۶۰/۸ درصد بیماران سابقه عود بیماری را داشتند. از نظر محل آناتومیک ۸۲/۸ درصد موارد ناحیه صورت درگیر بود. در مدت زمان تحت مطالعه میزان بروز در مردان از ۳ به ۷ در صد هزار و در زنان از ۴ به ۶ در صد هزار افزایش یافته است.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه به نظر می رسد BCC یک مشکل بهداشتی مهم در استان کردستان می باشد. روند افزایش بروز و بالا بودن موارد در افراد کشاورز و باغدار که اکثرا بیسواد هستند، بیانگر توجه و آموزش بیشتر به این گروه از افراد جامعه می باشد.

کلمات کلیدی: سرطان پوست، SCC، متاستاز



تأثیر هورمون تراپی و عوامل موثر بر باروری بر ابتلا به سرطان پستان در زنان کمتر از ۵۰ سال

بهجت مرزبانی*، مهدی مرادی نظر

marzbanibehjat@gmail.com

مقدمه و هدف: در کشورهای در حال توسعه فاکتورهای باروری و هورمونی نقش مهمی در ابتلای زنان به سرطان پستان دارند و از آن جایی که بسیاری از این عوامل هنوز ناشناخته هستند، این مطالعه به بررسی ارتباط عوامل مرتبط با دوره باروری، مصرف هورمون ها و خطر ابتلاء به سرطان پستان در زنان غرب ایران می پردازد.

روش کار: در این مطالعه مورد شاهدهی، تمام زنان ۲۵ تا ۴۹ ساله (۲۱۲ نفر) مبتلا به سرطان پستان که نتیجه پاتولوژی آن ها در طی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ مثبت شده و به درمانگاه های پرتودرمانی، آنکولوژی و شیمی درمانی مرکز رفراال تشخیص سرطان غرب ایران (بیمارستان امام رضا) مراجعه کرده بودند انتخاب و دو برابر این تعداد از زنان ۲۵ تا ۴۹ ساله مراجعه کننده به سایر درمانگاه های سرپایی همان بیمارستان که در زمان مطالعه و تا دو سال بعد از پیگیری فاقد سرطان پستان و سایر سرطان ها بودند به عنوان گروه شاهد انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از فرم برنامه باروری سالم و فرم مراقبت دوره ای میانسالان وزارت بهداشت ایران (Ministry of Health (MOH) جمع آوری و آنالیز داده ها به وسیله نرم افزار STATA نسخه ۱۴،۱ و آزمون رگرسیون لجستیک تک متغیره و چند متغیره انجام شد.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعه متغیرهای افزایش سن، سن اولین قاعدگی، سن اولین حاملگی منجر به تولد زنده، مصرف هورمون ها به منظور پیشگیری از بارداری، هورمون تراپی جهت درمان (نازایی، سقط جنین، یائسگی، خونریزی، کیست تخمدان) و سابقه خانوادگی سرطان پستان ارتباط معناداری با خطر ابتلای به سرطان پستان را نشان دادند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت نقش عوامل باروری و هورمونی در سرطان پستان پیشنهاد می شود مطالعات بیشتری بخصوص به صورت کوهورت و با حجم نمونه بالاتری در این زمینه انجام شود، همچنین برنامه ریزی در زمینه حساس سازی، اطلاع رسانی و آموزش به زنان و متخصصین توسط سیاست گذاران امر بهداشت در رابطه با ازدواج و به تبع آن حاملگی در سنین پایین و به حداقل رساندن مصرف هورمون های پیشگیری از بارداری و هورمون تراپی جهت درمان تأکید می گردد.

کلمات کلیدی: فاکتورهای باروری، هورمون های پیشگیری از بارداری، هورمون تراپی، سرطان پستان.



الگوهای غذایی و خطر سرطان پستان: مطالعه مورد شاهدی در غرب ایران

بهجت مرزبانی*، مهدی مرادی نظر

marzbanibehjat@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان پستان مهم‌ترین علت مرگ ناشی از سرطان در بین زنان سراسر جهان به حساب می‌آید. یکی از مهمترین عوامل خطر قابل تغییر در بروز این بیماری الگوهای غذایی است. این مطالعه به منظور بررسی ارتباط الگوهای رژیم غذایی و خطر ابتلای به سرطان پستان در زنان زیر ۵۰ سال غرب ایران در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مورد شاهدی، تمام زنان زیر ۵۰ سال (۲۱۲ نفر) مبتلا به سرطان پستان که نتیجه پاتولوژی آن‌ها در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ مثبت شده و به درمانگاه‌های پرتودرمانی، آنکولوژی و شیمی‌درمانی مرکز رفerral تشخیص سرطان غرب کشور (بیمارستان امام رضا) مراجعه کرده بودند انتخاب و دو برابر این تعداد از زنان زیر ۵۰ سال مراجعه‌کننده به سایر درمانگاه‌های سرپایی همان بیمارستان که در زمان مطالعه و تا دو سال بعد از پیگیری فاقد سرطان پستان و سایر سرطان‌ها بودند به‌عنوان گروه شاهد انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از فرم مراقبت دوره‌ای میانسالان وزارت بهداشت ایران (Ministry of Health (MOH) بود و آنالیز داده‌ها به‌وسیله نرم‌افزار STATA نسخه ۱۴٫۱ و آزمون رگرسیون لجستیک تک متغیره و چند متغیره انجام شد.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعه متغیرهای سن، میزان تحصیلات، مصرف سبزی، نوشابه، آبمیوه‌های صنعتی، روغن جامد، غذاهای سرخ‌کردنی و شیرینی ارتباط معناداری را با خطر ابتلای به سرطان پستان نشان دادند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت نقش الگوهای غذایی در پیشگیری از سرطان پستان پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری بخصوص به‌صورت کوهورت و با حجم نمونه بالاتری در این زمینه انجام شود، همچنین برنامه‌ریزی در زمینه‌ی حساس‌سازی، اطلاع‌رسانی و آموزش به زنان توسط سیاست‌گذاران امر بهداشت تأکید می‌گردد.

کلمات کلیدی: الگوهای غذایی، سرطان پستان، مطالعه مورد شاهدی



بررسی اتیولوژی نارسایی های پیشرونده کلیوی منجر به همودیالیز

سید مجید موسوی، سمانه اکبرپور*، آرزو نجفی، مریم سرایی، فاطمه تقی زاده

akbarpour62@yahoo.com

مقدمه و هدف: با توجه به اهمیت بالینی بیماری های پیشرونده کلیه و علل مرتبط با ایجاد آن و از طرفی عدم وجود اطلاعات کافی در کشور، در مطالعه حاضر سعی شده است به بررسی اتیولوژی نارسایی پیشرونده کلیوی در بیماران همودیالیزی بیمارستان بهارلو پرداخته شود.

روش کار: مطالعه حاضر، یک مطالعه مقطعی توصیفی-تحلیلی بود که به صورت گذشته نگر در سال ۱۳۹۷ بر روی ۱۱۳ بیمار مبتلا به بیماری مزمن کلیوی که طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۷ به بیمارستان بهارلوی تهران جهت انجام دیالیز مراجعه کرده بودند، انجام شده است. در ابتدا با استفاده از چک لیست جمع آوری اطلاعات، تمامی اطلاعات مورد نظر از پرونده بیماران استخراج شد. معیار های ورود به مطالعه بیمارانی بودند که میزان فیلتراسیون گلومرولی کمتر از ۶۰ میلی لیتر /دقیقه/۱.۷۳ متر مربع داشتند و طی زمان مورد مطالعه حداقل سه ماه تحت انجام دیالیز در بیمارستان بودند

نتایج: از مجموع ۱۱۳ بیمار تحت همودیالیز، ۷۵ نفر مرد (۶۶،۴ درصد) و ۳۸ نفر زن (۳۳،۶ درصد) بودند. که میانگین سنی آنها ۵۸،۰۴ سال با انحراف معیار ۱۴،۲۰ بوده است. علل اصلی احتمالی ایجاد کننده نارسایی مزمن کلیه در بیماران تحت همودیالیز به ترتیب برابر با فشارخون، دیابت، سنگ کلیه و گلومرونفریت بوده اند و درصد های متناظر آنها برابر با ۳۸،۱، ۳۷،۲ و ۲،۶ و ۰،۹ بوده است و مابقی موارد معادل ۲۱،۲ درصد علت نامشخص بوده است.

نتیجه گیری: هر چند که مطالعات زیادی نشان داده اند که دیابت و فشارخون علت اصلی ایجاد کننده برای بیماری های مزمن کلیه می باشند اما نباید فراموش کرد مطالعه حاضر نشان داده که درصد قابل ملاحظه ای از بیماران در ایران علت ناشناخته ای برای ایجاد این بیماری دارند که در مقایسه با اطلاعات سایر کشورها، عدد بالاتری است. از آنجایی که بیماری در مراحل اولیه علامتی ندارد معمولاً در مراحل انتهایی بیمار به نفرولوژیست مراجعه می کنند. لذا به نظر می رسد ضروریست سیاستگزاران سلامت این نکته را مدنظر قرار دهند که لازم است آموزش های کافی در جامعه داده شود تا تمامی افرادی که به هر دلیلی یکی از فاکتورهای خطر مرتبط با بیماری های مزمن کلیه را دارند آموزش های لازم را در خصوص پیشگیری، مراقبت و فواید شناخت بیماری در مراحل اولیه را دریافت نمایند

کلمات کلیدی: بیماری های مزمن کلیه، CKD، ESRD، دیالیز



داروها و مواد مخدر شایع ترین علت مسمومیت: یک مطالعه موردی در بیمارستان بهارلو

نسرین برزگری*، مرضیه محبوبی، محمد عارفی، سمانه اکبرپور، فاطمه تقی زاده

n.barzegari065@gmail.com

مقدمه و هدف: مسمومیت ها در تمامی جوامع یکی از شایع ترین علل مراجعه به مراکز اورژانس و مرگ می باشند. از موثرترین روش برای پیشگیری از این معضل می توان به اجرای اقدامات پیشگیرانه اشاره کرد که پیش نیاز آن ها آگاهی از الگوی مسمومیت در افراد است. این مطالعه با هدف بررسی الگوی وضعیت مسمومیت در بیماران مراجعه کننده به اورژانس مسمومین بیمارستان بهارلو طراحی و اجرا گردید.

روش کار: در این مطالعه مقطعی ۶۲۰ نفر از مسمومین مراجعه کننده به اورژانس مسمومین بیمارستان بهارلو طی ۶ ماه اول سال ۹۳ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. تشخیص مسمومیت با بررسی تاریخچه مصرف سموم و یافته های بالینی انجام گرفت و اطلاعات دموگرافیک با بررسی پرونده ثبت شده مسموم استخراج شد. در نهایت نوع سم مصرفی با استفاده از روش های آزمایشگاهی تأیید شد. داده های بدست آمده توسط نرم افزار spss-v16 آنالیز شدند.

نتایج: میانگین سنی بیماران در این مطالعه 13 ± 31.86 سال (دامنه ۸۶-۱۰ سال) بود. اکثر مسمومین مرد (۸۴/۶ درصد)، متأهل (۵۱/۵ درصد) و در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال قرار داشتند. بیش ترین عامل مسمومیت در این مطالعه مصرف داروها (۴۱ درصد) و مصرف مواد مخدر (۲۷/۰۴ درصد) بود، سایر موارد مسمومیت به ترتیب مربوط به الکل، سم ارگانوفسفره و مصرف قرص برنج بودند. در نهایت از مجموع ۱۲۰ بیمار ۱۱ نفر فوت کردند.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای مسمومیت مرگ ناشی از مصرف دارو و مواد مخدر به نظر می رسد نیاز است اقدامات موثرتری در خصوص محدود نمودن دسترسی افراد به این موارد صورت گیرد. همچنین افزایش آگاهی و اطلاعات مردم در خصوص نحوه نگره داری و مصرف داروها نیز امری حیاتی است.

کلمات کلیدی: مسمومیت، الکل، دارو، مخدر، بیمارستان بهارلو



بررسی ارتباط بین کیفیت زندگی مرتبط با وضعیت سلامت دهان در دانش آموزان ۸ تا ۱۰ ساله

شهر شیراز در سال ۱۳۹۶

مسعود امیری*، راحله برفی، سعید امیری، سیده ریحانه منصوری، حسن عسکریپور، سجاد رحیمی پردنجانی

amirim39@yahoo.com

مقدمه و هدف: سلامت دهان و دندان علاوه بر حفره دهان، وضعیت جسمی، فیزیکی و روانی کودکان را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. پوسیدگی های دندانی درمان نشده در کودکان، یک دید منطقی از نحوه بزرگ شدن، رشد و کیفیت زندگی کودک به ما می دهد. با توجه به شیوع بالای مشکلات دهان و دندان در کودکان، این مطالعه با هدف بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان در کودکان ۸ تا ۱۰ ساله در شیراز انجام گرفت.

روش کار: مطالعه حاضر توصیفی- تحلیلی و از نوع مقطعی است. برای انجام این تحقیق ۳۱۵ دانش آموز ۸ تا ۱۰ ساله در شهر شیراز در سال ۹۶ از ۴ ناحیه به روش نمونه گیری طبقه ای - خوشه ای انتخاب گردیدند. پس از اخذ رضایت نامه کتبی از والدین، مصاحبه با کودکان در مورد ویژگیهای دموگرافیک و تأثیر مشکلات دهان بر فعالیت های روزانه (child-OIDP= Oral impact on daily performance) انجام شد. سپس شاخص PUFA/pufa در آنها تعیین شد. جهت آنالیز داده ها از SPSS v.22 و آزمون های همبستگی پیرسون و اسپیرمن، t مستقل، آنالیز واریانس ANOVA و رگرسیون خطی در سطح معنی داری ۰/۰۵ استفاده شد.

نتایج: ۸/۶۹٪ از کودکان حداقل اثر یکی از مشکلات دهان را بر فعالیت های روزانه طی سه ماه گذشته تجربه کرده بودند. بیشترین مشکل کودکان در غذا خوردن بود. بیشترین علت مشکلات مربوط به درد و خون ریزی از لثه بود. میانگین نمره child-OIDP، ۴۲/۱۱ با انحراف معیار ۵۵/۱۳ به دست آمد. شاخص کیفیت زندگی child-OIDP با سن کودکان مورد مطالعه رابطه معنی داری نداشت (p=۴۳/۰). بین میانگین شاخص child-OIDP و شاخص پوسیدگی های درمان نشده شیری (pufa) (p=۰۰/۰) و شاخص کل پوسیدگی های درمان نشده (PUFA+pufa) (p=۰۰/۰) رابطه معنی دار مشاهده شد بدین معنی که با افزایش شاخص پوسیدگی های درمان نشده مجموع دندان های شیری و دائمی، نمره child-OIDP کودکان نیز افزایش نشان داد و کیفیت زندگی آنها پایین تر بود.

نتیجه گیری: تحقیق حاضر نشان دهنده تأثیر قابل توجه بیماری های دهان و دندان در کاهش کیفیت زندگی کودکان بود. برای افزایش کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان در کودکان بایستی تمهیدات لازم جهت بهبود دسترسی آنها به مراقبت های درمانی و پیشگیری سنجیده شود.

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی، وضعیت سلامت دهان دانش آموزان، شهر شیراز



بررسی عملکرد زنان ۳۵-۵۵ ساله شهرستان سیرجان در خصوص پیشگیری از پوکی استخوان بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی

ریحانه سرداری پور*، رضا صادقی، فاطمه شیبانی، نیلوفر صادقی

r.sardari.2018@gmail.com

مقدمه و هدف: پوکی استخوان یکی از مهمترین مشکلات سلامت زنان و افراد سالمند در هر دو جنس می باشد. پوکی استخوان بیماری است که با کاهش تراکم استخوان و از دست رفتن کیفیت ریز ساختار استخوان شناخته می شود و منجر به افزایش خطر شکستگی می گردد. پژوهش حاضر با هدف سنجش سازه های مدل اعتقاد بهداشتی در رابطه با رفتارهای پیشگیری کننده از پوکی استخوان در زنان بالای ۵۰ سال شهرستان سیرجان صورت پذیرفت.

روش کار: در این مطالعه توصیفی ۱۰۰ نفر از زنان ۳۵-۵۵ ساله مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سیرجان به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات توسط پرسشنامه تنظیم شده بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی (حساسیت، شدت، منافع و موانع درک شده، راهنمای عمل)، چک لیست خودکارآمدی و عملکرد زنان در خصوص رعایت رژیم غذایی و انجام پیاده روی بود. داده ها توسط مصاحبه سازمان یافته جمع آوری و با استفاده از آزمون های آماری و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: میانگین نمره عملکرد زنان در خصوص رعایت رژیم غذایی مناسب و انجام پیاده روی منظم به ترتیب $24/85 \pm 8/65$ و $18/14 \pm 6/34$ بود. میزان حساسیت، شدت، منافع درک شده و خودکارآمدی با عملکرد مادران باردار در خصوص پیشگیری از پوکی استخوان همبستگی مثبت، و موانع درک شده با عملکرد همبستگی منفی داشت ($p=0/001$). هر چه آگاهی، شدت درک شده و خودکارآمدی بالاتر و موانع درک شده مادران باردار جهت انجام رفتارهای پیشگیری از پوکی استخوان پایین تر بود، عملکرد در زمینه پیشگیری از پوکی استخوان نیز بیشتر شده بود ($p<0/001$).

نتیجه گیری: اجرای برنامه های آموزشی دقیق بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی برای بالا بردن حساسیت، شدت درک شده، خودکارآمدی و کاهش موانع درک شده در زنان ۳۵-۵۵ ساله نسبت به رعایت رفتارهای پیشگیری کننده از پوکی استخوان پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: پوکی استخوان، مدل اعتقاد بهداشتی، زنان



روش‌شناسی و ابزار نظام مراقبت و پیشگیری از رفتارها و عوامل مخاطره‌آمیز سلامت دانش‌آموزان (پیمایش کاسپین) اجرا شده در جمهوری اسلامی ایران

الهام عبدالمالکی*، ژاله عبدی، مهشاد گوهری‌مهر، رضوانه الوندی، سهند ریاضی، الهام احمدنژاد

elhamabdalmaleki@gmail.com

مقدمه و هدف: براساس مدل بین‌المللی نظام مراقبت سلامت دانش‌آموزان، ایران همانند بقیه کشورها مجموعه پیمایش‌هایی را تحت عنوان کاسپین اجرا کرده است. هدف از این مقاله معرفی و مقایسه پیمایش‌های کاسپین اجرا شده و سپس پیشنهادهایی برای اجرا در دوره‌های آتی می‌باشد.

روش کار: مطالعه مرور سیستماتیک که در آن جمع‌آوری اطلاعات از مستندات مربوط به سازمان جهانی بهداشت و از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی شامل *Google*، *Scopus*، *EMBASE*، *Pubmed*، *Scholar*، *ScienceDirect* و پایگاه اطلاعات کشوری شامل *SID*، *Magiran*، *Iran doc*، *Iran medex* به دو زبان انگلیسی و فارسی (برای فاصله زمانی ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۸) انجام شد. زمان و مکان اجرا، گروه هدف، پرسشنامه‌های مورد استفاده، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری در دوره‌های اجرا شده مقایسه شده است.

نتایج: مطالعه کاسپین تاکنون ۵ بار در ایران (۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵) به اجرا درآمده است. این مطالعه دو پرسشنامه دانش‌آموزان و والدین دارد. در هر ۵ دوره، روش‌های نمونه‌گیری و پرسشنامه‌ها در هسته اصلی مشابه هستند. پرسشنامه‌ها بر اساس برنامه نظام مراقبت سلامت دانش‌آموزان (*GSHS*) و برنامه رویکرد گام‌به‌گام سازمان جهانی بهداشت برای مراقبت عوامل خطر بیماری‌های غیر واگیر، طراحی شده‌اند. جدول ۱ خلاصه‌ای از مطالعات کاسپین را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تغییرات اندک در هر دوره و انطباق آن با مدل جهانی، پیشنهاد می‌شود پیمایش دوره بعدی کاسپین با تبعیت از دوره‌های قبلی و مطابق استانداردهای ارائه‌شده در مدل جهانی در طی سال‌های اخیر به فاصله منطقی از پیمایش سال ۲۰۱۵ اجرا شود.

کلمات کلیدی: کاسپین، دانش‌آموزان، بیماری‌های غیر واگیر، پیشگیری، نظام مراقبت، ایران



الگوی اپیدمیولوژی توزیع سنی و جنسی ۵ علت اول مرگ در جمهوری اسلامی ایران طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵

سعیده آقامحمدی*، الهه کاظمی، اردشیر خسروی

saeide1984@gmail.com

مقدمه و هدف: اطلاعات معتبر از علل و روند مرگ و تغییرات آن یکی از اساسی ترین مبانی برنامه ریزی، مدیریت، ارزشیابی بخش بهداشت در تمام کشورهاست. بنابراین هدف از انجام این مطالعه، بررسی توزیع سنی و جنسی ۵ علت اول مرگ در جمهوری اسلامی ایران طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ بوده است.

روش کار: جامعه مطالعه، کل مرگ های ثبت شده در نظام ثبت و طبقه بندی علل مرگ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ بوده است. داده ها پس از جمع آوری از نظر کیفی، علل بد تعریف شده و پوچ، بررسی و اصلاح شدند. سپس میزان های مرگ بر اساس گروه های سنی و جنسی محاسبه شدند.

نتایج: در سال ۱۳۹۱، ۵ علت اول مرگ در کشور را سکته قلبی با میزان ۷۵/۵۲، سکته مغزی با میزان ۳۴/۹، حوادث مربوط به حمل و نقل با میزان ۲۷/۸۱، بیماری های قلبی ناشی از فشار خون با میزان ۲۷/۴۸، سایر بیماری های قلبی و عروقی با میزان ۱۸/۴۱ در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت تشکیل می دادند و در سال ۱۳۹۵، ۵ علت اول مرگ در کل جمعیت را سکته قلبی با میزان ۹۲/۳۶، سکته مغزی با میزان ۴۱/۴۵، دیابت با میزان ۲۴/۱۴، بیماری های قلبی ناشی از فشار خون با میزان ۱۹/۲۲ و حوادث مربوط به حمل و نقل با میزان ۱۸/۸۲ در هر ۱۰۰ هزار نفر تشکیل داده اند.

نتیجه گیری: از آنجائیکه عمده علل مرگ در ایران ناشی از بیماری های غیر واگیر می باشد، باید با رویکردی جامع و با همکاری کلیه بخش های مرتبط با سلامت کشور برای کاهش هر چه بیشتر عوامل خطر این بیماری ها تلاش نمود. همچنین با بهره گیری از اطلاعات سیمای مرگ در کشور، به ارزیابی تاثیر هر چه بهتر برنامه های سلامت پرداخته و مداخلات موثرتری را طراحی و اجرا نمود.

کلمات کلیدی: الگوی اپیدمیولوژی، مرگ، میزان، ایران، غیر واگیر



ارزیابی روایی و پایایی نسخه فارسی چکلیست رفتار خطر آفرین کودک (IBC)

معصومه نجاتی فر*، حمید سوری، محتشم غفاری

rnejatifar@gmail.com

مقدمه و هدف: در بررسی خطرپذیری کودکان خردسال در ارتباط با مصدومیت آنان به ابزاری عملی و هزینه- اثربخش جهت ارزیابی این رفتار کودکان نیاز است. هدف این مطالعه ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی چکلیست رفتار خطرآفرین کودک (IBC) است.

روش کار: در این مطالعه روان‌سنجی، پس از انجام روایی ترجمه (روش استاندارد ترجمه- بازترجمه)، نسخه نهایی پرسشنامه طی بررسی روایی محتوا و صوری و بر اساس توافق صاحب‌نظران آماده گردید. این نسخه میان ۳۰۰ نفر از مادران کودکان ۲-۵ ساله مراجعه‌کننده به مهدهای کودک در شهر تهران توزیع گردید. روایی همگرا از طریق بررسی همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و نیز همبستگی هر آیتم با امتیاز کل ابزار ارزیابی شد. پایایی پرسشنامه به روش آزمون- بازآزمون با مشارکت ۵۵ نفر از مادران و مقایسه نمرات کسب‌شده در دو مرحله با استفاده از ضریب همبستگی و ضریب همبستگی درون رده‌ای (ICC) مورد قضاوت قرار گرفت.

نتایج: نتایج CVR برای صد در صد آیتم‌ها، خوب و بین ۰/۱ تا ۱/۰، و CVI کلی از نظر تناسب و شفافیت معادل ۰/۹۳ و از نظر سادگی معادل ۰/۹۲ و قابل قبول بود. ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ بود. هر ۲۴ آیتم IBC همبستگی خوب و مستقیمی با امتیاز کل ابزار داشتند (۰/۳۲/۷۱-۰/۱ = r). نتایج پایایی نیز تأییدکننده پایایی نسخه فارسی IBC در طول زمان بود (۰/۸۶/۰ = ICC؛ ۰/۹۰/۰ = r).

نتیجه‌گیری: نسخه فارسی IBC، ابزار معتبری است که می‌تواند در بررسی خطرپذیری کودک و ارتباط آن با مصدومیت‌های مختلف کودکان ۲-۵ ساله در ایران بکار رود.

کلمات کلیدی: روایی، پایایی، رفتار، خطر، کودک، فارس



اپیدمیولوژی سرطان کولورکتال در ایران : یک مطالعه مروری و متاآنالیز

راضیه بیدهندی یارندی

razi_bidhendi@yahoo.com

مقدمه و هدف: سرطان کولورکتال یکی از سرطان های شایع در ایران است. هدف از این مطالعه مروری سیستماتیک بر مقالات در این زمینه در ایران و محاسبه نرخ بقا جمع شده (Pooled Survival Rate) با استفاده از متا آنالیز می باشد. ارایه این شاخص وضعیت بقا این بیماری را در ایران نشان خواهد داد و می تواند اطلاع خوبی برای سیاست گذاران حوزه سلامت باشد.

روش کار: در این مطالعه بانک داده های ایرانی شامل Magiran، Irandoc و SID و بین المللی شامل Scopus، Google scholar، PubMed و Science direct تا آوریل ۲۰۱۹ بررسی شد. جستجوها بدون محدودیت سال مطالعه و زبان مقاله انجام گرفت. با استفاده از نرم افزار STATA-14 داده های جمع آوری شده است. برای آنالیز و برآورد نرخ بقا پنج ساله جمع شده از مدل اثر تصادفی استفاده شده است.

نتایج: برآورد نرخ بقا جمع شده سرطان کولورکتال ۵۶٪ بوده است. علاوه براین، نرخ بقا پنج ساله کولورکتال پس از جراحی ۶۴٪ تخمین زده شد.

نتیجه گیری: سرطان یکی از مهمترین مشکلات بهداشتی در جهان است و سرطان کولورکتال یکی از مرگبار ترین نوع است. غربالگری موثر و شناسایی بیماران در سطوح اولیه بیماری می تواند مرگ و میر این بیماری را کاهش دهد.

کلمات کلیدی: سرطان کولورکتال، نرخ بقا، متا آنالیز



بررسی هزینه انسولین در افراد مبتلا به دیابت وابسته به انسولین کمتر از ۱۹ سال استان فارس بر اساس نسخه های تجویز شده حاوی انسولین در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶

ساناز امیری*، علیرضا میراحمدی زاده

amiri.sanaz987@gmail.com

مقدمه و هدف: دیابت یکی از شایعترین بیماری های مزمن جهان است و در صورت عدم درمان هزینه ها عوارض زیادی به جای می گذارد. آژانس کیفیت تحقیقات بهداشتی (AHRQ) گزارش داد که ۳۴ میلیارد دلار هزینه های بهداشتی در سال ۲۰۰۵ مربوط به بیماری دیابت است. مطالعه اخیر انجمن دیابت آمریکا نشان می دهد که افرادی که مبتلا به دیابت هستند، به طور میانگین ۱۶,۷۵۲ دلار در سال هزینه های پزشکی پرداخت می کنند.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است که به منظور برآورد هزینه انسولین در بیماران مبتلا به بیماری دیابت وابسته به انسولین زیر ۱۹ سال در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ انجام شده است. در این مطالعه تمام نسخه های ثبت شده بیمه تامین اجتماعی و بیمه خدمات درمانی بررسی شدند. برای محاسبه قیمت هر انسولین از وب سایت رسمی اداره مواد غذایی و دارویی وزارت بهداشت (FDA) استفاده شد. در نهایت، هزینه انسولین در بیماران مبتلا به دیابت وابسته به انسولین و افراد بدون دیابت وابسته به انسولین بر اساس جنسیت، گروه سنی و انواع بیمه در سن کمتر از ۱۹ سال محاسبه شده است.

نتایج: در این مطالعه ۱۱۳۵۱۰۵ بیمه شده زیر ۱۹ سال مورد بررسی قرار گرفتند که ۵۱٪ از آنها جنس زن بوده و بیشتر در گروه سنی ۲-۷ سال قرار داشتند (۳۴٪) و ۵۰٪ شرکت کنندگان در این مطالعه تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی بودند. هزینه درمان برای هر فرد مبتلا به بیماری دیابت وابسته به انسولین در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب ۱۱۸۷ و ۱۳۰۹ دلار و برای هر فرد زیر ۱۹ سال در جمعیت عمومی به ترتیب ۱/۴ دلار و ۱,۷ دلار بوده است.

نتیجه گیری: مطالعاتی که بر اساس نسخه های ثبت شده در آرشیو بیمه ها انجام شده اند میتوانند بهترین اطلاعات را به منظور برنامه ریزی های مدیریتی فراهم آورند.

کلمات کلیدی: هزینه، انسولین، دیابت



کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

سیما مسعودی*، امید گرکز

simamasudi@gmail.com

مقدمه و هدف: کیفیت زندگی به معنی درک افراد از موقعیتشان در زندگی در چهارچوب سیستم‌های فرهنگی و ارزشی موجود در جامعه است که با اهداف، انتظارات، استانداردها و نگرانی‌های آنها رابطه دارد. ارتباط متقابلی بین کیفیت زندگی و جنبه‌های مختلف زندگی فرد وجود دارد. کیفیت زندگی دانشجویان به دلیل تغییرات در شرایط، سبک و محیط زندگی آنها می‌تواند به مشکلات روانی و اجتماعی بیشتری منجر گردد و این مشکلات می‌توانند بر کیفیت زندگی آنها اثر بگذارند. این مطالعه با هدف تعیین کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۶۳۰ دانشجو که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از دانشکده‌های پزشکی، پرستاری-مامایی، بهداشت و پیراپزشکی انتخاب شده بودند، شرکت کردند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه WHOQOL-BREF استفاده شد. نمرات ابعاد مختلف کیفیت زندگی به یک مقیاس از صفر تا ۱۰۰ تبدیل و با استفاده از آمارهای توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

نتایج: میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه 22.1 ± 6.2 سال بوده، $6/55\%$ آنها دختر، $3/8\%$ متاهل، $3/48\%$ از دانشکده پزشکی و بقیه از سایر دانشکده‌ها بودند. میانگین و انحراف معیار نمرات برای کیفیت زندگی جسمانی، روانی، روابط اجتماعی و محیطی به ترتیب $7/14 \pm 2/68$ ، $9/15 \pm 6/2$ ، $8/19 \pm 2/68$ و $7/15 \pm 9/59$ بود. تفاوت نمرات کیفیت زندگی برای ابعاد روابط اجتماعی و محیط بین دو جنس، بعد سلامت جسمانی، روانی و محیطی بین مقاطع مختلف تحصیلی و از بعد سلامت روانی بین دانشجویان متاهل و مجرد معنی‌دار بود ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: نمرات ابعاد روانی و محیطی کیفیت زندگی در این مطالعه پایین‌تر بود. با توجه به اینکه کیفیت زندگی پایین دانشجویان می‌تواند به عدم رضایت از زندگی و افت تحصیلی آنها منجر گردد، برنامه‌ریزی برای شناسایی مشکلات و افزایش کیفیت زندگی برای ارتقاء رضایت‌مندی از زندگی و عملکرد تحصیلی و شغلی دانشجویان شایسته توجه است.

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی، WHOQOL-BREF، دانشجویان، ارومیه



بررسی الگوی مرگ ناشی از بیماری های غیر واگیر در ایران طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

اردشیر خسروی*، الهه کاظمی، سعیده آقا محمدی

ardeshir1344@yahoo.com

مقدمه و هدف: یکی از چالشهای اساسی نظام سلامت کشورها از جمله کشورمان بار ناشی از بیماری های غیر واگیر از جمله بیماری های قلبی عروق، سرطان، دیابت و بیماری های مزمن تنفسی می باشد. بر اساس برآوردهای انجام ۷۲ درصد از مرگ ها در سطح جهان مربوط به بیماری های می باشد. هدف از این مطالعه بررسی روند ۴ گروه بیماری های غیر واگیر در طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ میباشد.

روش کار: داده های استفاده شده در این مطالعه، اطلاعات جمعیتی سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران و اطلاعات مرگ نظام ثبت و طبقه بندی علل مرگ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. داده ها قبل از انجام محاسبات از نظر کیفی و کمی بررسی گردیدند. علت های پوچ و بدتعریف شده مرگ باتوجه به روش های سازمان جهانی بهداشت (ANACONA) بازتوزیع شدند. با استفاده از مدل های آماری و روش های جمعیت شناسی درصد کم شماری ثبت داده های مرگ در کشور برای هر سال محاسبه گردیده است و تعداد داده ها تصحیح شده است. میزان ها و درصدهای مرگ به تفکیک علت های اصلی مرگ ناشی از بیماری های غیرواگیر (سرطان ها، بیماری های قلبی، دیابت و بیماری های مزمن تنفسی) در گروه های سنی و جنسی محاسبه شدند.

نتایج: میزان مرگ ناشی از بیماری های غیر واگیر در تمام سنین در صد هزار نفر جمعیت ۲۵۱ و برای زنان ۲۲۳ و برای مردان ۲۷۹ در سال ۱۳۸۵ است. میزان مرگ ناشی از بیماری های غیر واگیر در تمام سنین در صد هزار نفر جمعیت ۲۸۴ و برای زنان ۲۶۱ و برای مردان ۳۰۷ در سال ۱۳۹۵ است

نتیجه گیری: بررسی میزان های مرگ در طی زمان مطالعه مشخص کرد که مرگ و میر ناشی از بیماری های غیرواگیر در طی زمانه ده ساله مطالعه (۱۳۸۵-۱۳۹۵) روند افزایشی داشته است. با توجه به نیاز به مداخلات چند بخشی برای کاهش بیماری های غیر واگیر، برای کاهش مرگ ناشی از این بیماری ها یک برنامه ریزی بین بخشی و دراز مدت در کشورمان ضرورت دارد.

کلمات کلیدی: میزان، علت مرگ، بیماری های غیر واگیر، روند



تعریف جدید فشار خون بالا بر اساس راهنمای بالینی کالج کاردیولوژی آمریکا/ انجمن قلب آمریکا بر روی شیوع فشار خون بالا ی ایرانیان

سمانه عسگری*، داوود خلیلی، فرزاد حدائق

asgari.samaneh@gmail.com

مقدمه و هدف: هدف از این مطالعه تعیین شیوع فشار خون بالا بر اساس راهنمای بالینی کالج کاردیولوژی آمریکا/ انجمن قلب آمریکا در سال ۲۰۱۷ (ACC/AHA) و مقایسه آن با گزارش هفتم کمیته ملی مشترک پیشگیری، تشخیص، ارزیابی و درمان فشار خون بالا (JNC7) میباشد. همچنین در این مطالعه درصد افرادی که اقدامات دارویی برای آنها توصیه شده و افرادی که تحت درمان بوده و فشارخون آنها کنترل شده است مورد بررسی قرار میگیرند.

روش کار: اطلاعات افراد بالای ۲۰ سال از مرحله پنجم (۹۱-۹۴) مطالعه قند و لیپید تهران (۱۰۷۶۷۶ نفر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور تعمیم نتایج به جمعیت تهرانی ها، داده ها بر اساس سرشماری سال ۹۵ ایران وزن دهی شد.

نتایج: شیوع فشار خون بالا بر اساس راهنمای بالینی ACC/AHA، 7/42% بوده است که معادل ۳،۵۲۵،۹۵۰ میلیون نفر از کل تهرانی های واجد شرایط (۸،۲۵۷،۴۹۳ نفر) میباشد؛ اگرچه ۸۹،۹٪ این افراد در گروه با ریسک پایین ۱۰٪ برای بروز ۱۰ ساله بیماریهای قلبی عروقی قرار داشتند. بر اساس راهنمای بالینی JNC7، شیوع فشار خون بالا ۱۲/۶٪ تخمین زده شد که معادل ۱،۰۴۰،۴۴۴ نفر میباشد. بر اساس راهنمای بالینی جدید ۵۰٪ از مردان و بیش از ۳۵٪ زنان دارای فشا خون تشخیص داده شدند که به ترتیب افزایش ۳۵٪ و ۲۵٪ را در مردان و زنان نسبت به راهنمای بالینی JNC7 نشان می دهد. همچنین بر اساس راهنمای بالینی ACC/AHA (1، 391،808،9/21% نفر) واجد شرایط شروع اقدامات درمانی بودند که این درصد بر اساس راهنمای JNC7 (1، 696،593، 3/19% نفر) بوده است. علاوه بر آن، از میان افرادی که داروی کاهنده فشار خون مصرف میکردند به ترتیب ۲۰٪ (۱۹۱،۶۹۲ نفر) و ۴۲/۱٪ (۴۰۳،۵۱۱ نفر) دارای فشار خون کنترل شده بودند.

نتیجه گیری: بر اساس راهنمای ACC/AHA شیوع فشار خون در تهران بسیار بالا تخمین زده شد، از هر ۱۰ تهرانی ۴ نفر فشار خون بالا دارند. علی رغم این افزایش چشمگیر نسبت به JNC7، بسیاری از این افراد در گروه با ریسک بالا قرار ندارند، لذا باید بر روی عوارض ناشی از برچسب زدن این افراد به عنوان بیمار که منجر به تغییر سبک زندگی میشود تحقیقات بیشتری انجام شود.

کلمات کلیدی: فشار خون بالا، راهنمای بالینی کالج کاردیولوژی آمریکا/ انجمن قلب آمریکا، گزارش هفتم کمیته ملی مشترک پیشگیری، تشخیص، ارزیابی و درمان فشار خون بالا



بررسی شیوع سندرم روده تحریک پذیر در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال**۱۳۹۴**

قباد مرادی، آرین آزدنیا، بشرا زارعی، حجت رکنی*

hojjat.rokni@gmail.com

مقدمه و هدف: سندرم روده تحریک پذیر یک نوع اختلال عملکردی دستگاه گوارش است که با درد و ناراحتی شکمی و تغییر در عادات اجابت مزاج (اسهال، یبوست و یا هر دو) خودنمایی می کند. این مطالعه با هدف بررسی شیوع سندرم روده تحریک پذیر در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۹۴ انجام شد

روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۳۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان انجام شد. ابزار جمع آوری در این مطالعه برای بررسی شیوع سندرم روده تحریک پذیر (IBS)، پرسشنامه ROME 3 بود. داده ها بعد از جمع آوری وارد نرم افزار STATA12 شد. در توصیف از فراوانی و درصد و در تحلیل از آزمون کای دو و T-test انجام شد. سطح معنی داری در این مطالعه ($p < 0.05$) در نظر گرفته شد.

نتایج: نتایج نشان داد که بیشترین علائم مربوط به تعداد حملات ناراحتی یا درد شکم در ماه با $56/3\%$ و در رتبه بعدی علامت ناراحتی معده در ۳ ماه اخیر با $55/7\%$ بود. همچنین تفاوت آماری معنی داری بین رشته تحصیلی و ابتلا به سندرم روده تحریک پذیر مشاهده شد ($p = 0/0016$) ولی بین سن، جنسیت، وضعیت بومی دانشجویان، محل سکونت، وضعیت تاهل و نمره معدل آنها تفاوت آماری معنی داری مشاهده نشد ($p > 0.05$)

نتیجه گیری: شیوع سندرم تحریک پذیر در دانشجویان پزشکی بیشتر از سایر رشته های تحصیلی بود. اما توزیع فراوانی هیچ یک از متغیرهای مورد بررسی در افراد مبتلا و غیرمبتلا به سندرم روده تحریک پذیر تفاوت آماری معناداری نداشتند. نتایج این مطالعه به مسئولین امر کمک خواهد کرد تا برنامه ریزی دقیقی جهت پیشگیری و درمان مبتلایان انجام داده و کیفیت زندگی دانشجویان نیز افزایش یابد.

کلمات کلیدی: سندرم روده تحریک پذیر، شیوع، دانشجویان، کردستان



بررسی عوامل مرتبط با کیفیت زندگی در ساکنان حاشیه شهر مشهد

احمد مهری*، محمد علی مشتاق، مهناز ارجمندی راد، حسن صالح صالحی فرمان آبادی

mehri2602@gmail.com

مقدمه و هدف: امروزه از کیفیت زندگی بعنوان ابزاری برای اندازه گیری بهبود سلامت عمومی، ادراکی و بیماری های خاص بطور فزاینده ای استفاده می شود. افرادی که در حاشیه شهر زندگی می کنند از نظر وضعیت اقتصادی-اجتماعی، گرسنگی، بیماری، سو تغذیه، بیکاری به نوعی بحران اجتماعی دچار هستند. هدف از این مطالعه بررسی عوامل موثر بر کیفیت زندگی ساکنین حاشیه شهر مشهد در سال ۹۷ است.

روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۳۰۰ نفر از ساکنین حاشیه شهر مشهد و از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه کیفیت زندگی ۲۶ آیتمی سازمان بهداشت جهانی بود. این پرسشنامه دارای ۴ حیطه است که دامنه نمرات بین صفر تا صد است. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی، T-test، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون خطی چندگانه انجام شد.

نتایج: میانگین سنی افراد شرکت کننده ۳۶ (انحراف معیار ۴/۴۱) بود. میانگین و فاصله اطمینان ۹۵ درصد نمره کیفیت زندگی شرکت کنندگان در مطالعه ۵۵/۸۷ (۷۱/۲۹-۴۷/۶۳) بدست آمد. نتایج الگوی رگرسیونی چند متغیره نشان داد متغیرهای اقتصادی اجتماعی خود ابراز، سن، تاهل و جنس تطبیق یافته برای سایر متغیرها ۲۳ درصد از تغییرات این حیطه را پیش بینی می کنند که این مقدار از نظر آماری نیز معنی دار بود ($P=0.05$).

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد میانگین نمره کیفیت زندگی و حیطه های آن در مناطق حاشیه شهر مشهد وضعیت متوسطی را داراست که این یافته نشان میدهد این شاخص در مناطق حاشیه شهر وضعیت نامطلوبی دارد که بایستی مدیران سلامت توجه ویژه ای به بهبود این شاخص مهم تاثیرگذار بر سلامت ساکنین بویژه مناطق حاشیه شهر مشهد داشته باشند.

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی، اقتصادی اجتماعی، حاشیه شهر، سلامت، مشهد



سیمای اپیدمیولوژیک و تحلیل جغرافیایی مرگ کودکان کمتر از ۵ سال در استان اصفهان در فاصله سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۰

نفیسه صادقیان*، مهری رجالی، بهزاد مهکی، مصطفی صابری

n_nafis60@yahoo.com

مقدمه و هدف: میزان مرگ کودکان، نمایانگر سطح سلامت جامعه می باشد. بنابراین ترسیم دقیق چهره مرگ کودکان، از جمله مهمترین راهکارها برای کاهش این میزان است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال استان اصفهان در سال ۹۵-۹۰ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه کاربردی از نوع اکولوژیک، کلیه مرگ های کودکان کمتر از ۵ سال استان اصفهان مربوط به برنامه نظام مراقبت مرگ کودکان طی سال های ۹۰ تا ۹۵ را به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار داد. اطلاعات شامل مشخصات دموگرافیک، محل فوت و علت زمینه ای مرگ با استفاده از آزمون های کای دو بررسی شدند و میزان مرگ به تفکیک شهرستانها بر روی نقشه جغرافیایی ترسیم شد.

نتایج: تعداد کل مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال ۵۲۴۷ مورد بوده که بیشترین موارد فوت (۱/۶۰ درصد) [CI: ۵۹/۰ - ۶۱/۰] ۹۵ درصد] در نوزادان به وقوع پیوسته. میزان مرگ در پسرها نسبت به دخترها (۶/۱۲ در برابر ۱/۱۱ در هزار تولد زنده) ($p < ۱۰۰۱$) غیر ایرانی های ساکن ایران نسبت به ایرانی ها (۴/۲۱ در برابر ۵/۱۱ در هزار تولد زنده) ($p < ۱۰۰۱$) و روستایی ها نسبت به شهری ها (۲/۱۵ در برابر ۴/۱۱ در هزار تولد زنده) ($p < ۱۰۰۱$) بیشتر بود. بیشترین علت مرگ شرایط خاص با منشاء دوران قبل از تولد (۹/۴۵ درصد) گزارش شد.

نتیجه گیری: با توجه به سهم عمده نوزادان در مرگ کودکان زیر ۵ سال و با عنایت به مهمترین علل مرگ، طراحی مداخلاتی نظیر جلوگیری از زایمان زودرس، مشاوره ژنتیک در زوجین پرخطر و آموزش والدین در جهت پیشگیری از سوانح، میتوانند نقش موثری در کاهش مرگ کودکان داشته باشند.

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژی، تحلیل جغرافیایی، میرایی، ایران، کودک، علت مرگ



شیوع اعتیاد به اینترنت و ارتباط آن با سلامت روان در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر بوشهر در سال ۱۳۹۷

فروغ آل ابراهیم*، محمدجواد طراحی، سمیه دانشور

forugha07@gmail.com

مقدمه و هدف: استفاده بیش از حد و نادرست از اینترنت، خطر اعتیاد به اینترنت را به دنبال دارد. با توجه به اینکه نوجوانان ساعات زیادی را به استفاده از اینترنت می گذرانند، لذا سلامت عمومی آنان در معرض خطر می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوع اعتیاد به اینترنت و رابطه آن با سطح سلامت روان انجام شده است.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع توصیفی مقطعی بود. گروه نمونه شامل ۱۰۰۰ دانش آموز دبیرستانی دختر و پسر شهر بوشهر در سال ۱۳۹۷ بود که دانش آموزان با تکمیل پرسشنامه های اعتیاد به اینترنت کیمبرلی یانگ و سلامت روان گلدنبرگ در پژوهش شرکت کردند. جهت بررسی نتایج از فراوانی، میانگین، انحراف معیار و برای تحلیل داده ها از آزمون مجذور کای استفاده شد.

نتایج: بر اساس نتایج، شیوع اعتیاد به اینترنت در نمونه حاضر ۱/۱ درصد گزارش شد. یافته های پژوهش نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت با مولفه های دموگرافیک رشته تحصیلی، معدل سال قبل، مدت زمان استفاده از اینترنت، علاقه به رشته تحصیلی و وضعیت سکونت ارتباط معناداری وجود دارد؛ اما بین سن و جنسیت با میزان اعتیاد به اینترنت تفاوت معناداری مشاهده نشد. بین وضعیت سلامت روان و اعتیاد به اینترنت ارتباط معناداری مشاهده شد ($P < 0/0001$).

نتیجه گیری: در مطالعه حاضر نسبت بالایی از دانش آموزان، در معرض خطر ابتلا به اعتیاد به اینترنت بودند. بنابراین برنامه ریزی برای اقدامات پیشگیرانه، کنترلی و مداخله در گروه دانش آموزان دبیرستانی ضروری به نظر می رسد. ضمن آن که برنامه ریزی برای این مساله توجه و همکاری مسئولین، مدیران و معلمان مدارس، والدین و درمانگران را می طلبد.

کلمات کلیدی: اعتیاد به اینترنت، سلامت روان، یانگ، دانش آموزان، بوشهر



مقایسه شیوع نوزادان نارس و کم وزن در نژاد ایرانی و افغانی در زایشگاه نیک نفس رفسنجان در سال ۱۳۹۰

محسن رضائیان، رضا گوجانی*، محمود شیخ فتح الهی، رضا وزیر نژاد، آریتا منشوری، سعید راضی

rezamoe90@gmail.com

مقدمه و هدف: زندگی جنینی و خارج رحمی در امتداد یکدیگر مسیری را مشخص می‌سازند که طی آن رشد و تکامل کودکان تحت تأثیر عوامل ژنتیکی، محیطی و اجتماعی رقم می‌خورد. حوادث حول تولد که تحت تأثیر عوامل مادری، جنینی و حوادث حول زایمان قرار دارد، می‌تواند سبب ایجاد یک نوزاد و شیرخوار در معرض خطر گردند. در این میان، تولد نارس و وزن کم هنگام تولد همواره به عنوان عوامل مهم مرگ و میر نوزادان و از علل عمده اختلالات تکاملی، عوارض نوزادی و شیرخواری مطرح می‌باشند. از آن جایی که پیامدهای بهداشتی در گروه‌های قومی - نژادی متفاوت است و اطلاعات کمی در این زمینه در کشور وجود دارد، این مطالعه با هدف بررسی وضعیت تولد نوزادان نارس و کم وزن ایرانی و افغانی انجام شده است.

روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۵۹۲۵ نوزاد زنده ایرانی و افغانی بیمارستان نیک نفس رفسنجان در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت. اطلاعات با استفاده از داده‌های موجود در پرونده‌های زایمانی مادران در واحد مدارک پزشکی بیمارستان، جمع‌آوری گردید. برای ثبت اطلاعات از چک لیست اطلاعات مربوط به مادر شامل اطلاعات دموگرافیک (سن، نژاد، شغل، وضعیت بیمه)، تعداد حاملگی‌های قبلی، بیماری زمینه‌ای مادر، سن حاملگی، نوع و نتیجه زایمان و اطلاعات مربوط به نوزاد شامل جنس نوزاد، وزن موقع تولد و سن بود، استفاده شد. ملاک تولد نارس در این مطالعه، سن حاملگی کمتر از ۳۷ هفته بارداری بر اساس تاریخ آخرین قاعدگی مادر بر اساس هفته کامل بارداری و ملاک اطلاق کم وزنی، وزن موقع تولد کمتر از ۲۵۰۰ گرم بود.

نتایج: تعداد ۵۵۳۲ نوزاد (۴۱/۹۳٪) ایرانی و ۳۹۳ نوزاد (۶/۱۶٪) دارای نژاد افغانی بودند. میزان شیوع تولد نارس ۵/۷٪ (۴۴۷ نفر) بود، به طوری که این میزان در بین موالید ایرانی ۱/۷٪ (۳۹۱ نفر) و در بین موالید افغانی ۵/۱۴٪ (۵۶ نفر) بود (P=۰/۱۰). میزان شیوع کم وزنی در مطالعه حاضر ۷٪ (۴۱۶ نفر) بود که این میزان در بین موالید ایرانی ۷/۶٪ (۳۶۷ نفر) و در موالید افغانی ۷/۱۲٪ (۴۹ نفر) بود (P<۰/۰۱). میانگین سن زنان ایرانی نوزادان نارس و کم وزن بیشتر از زنان افغانی بود (P<۰/۰۱). از لحاظ پوشش بیمه خدمات درمانی ۴/۹۷ درصد از زنان ایرانی تحت پوشش خدمات بیمه‌ای قرار داشتند، اما این مقدار در بین زنان افغانی تنها ۳/۱ درصد بود (P<۰/۰۱).

نتیجه گیری: در این مطالعه میزان‌های تولد نوزاد نارس و کم وزن در زنان افغانی حدود دو برابر این میزان‌ها در زنان ایرانی بود. عوامل مختلفی بر روی این گوناگونی تأثیرگذار است، از جمله سن کم مادر، وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین و دسترسی کمتر به خدمات بهداشتی درمانی. لذا از آن جایی که نارسی و کم وزنی از عوامل مهم و تعیین‌کننده سلامت نوزادان می‌باشند و هم‌چنین با توجه به بالا بودن این میزان‌ها در بین زنان مهاجر افغانی، به نظر می‌رسد نژاد و در کنار آن مهاجرت و احتمالاً عواملی چون نبود خدمات بیمه‌ای مناسب، کمبود دسترسی به خدمات بهداشتی، سطح اجتماعی اقتصادی پایین مهاجران و نیز سکونت در مناطق با امکانات بهداشتی ضعیف از عوامل تأثیرگذار بر این افزایش باشند.

کلمات کلیدی: تولد نارس، کم وزنی، نژاد، ایرانی، افغانی، رفسنجان



بررسی ارتباط افسردگی و اضطراب با کنترل دیابت در بیماران دیابتیک مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی ارومیه

جواد رسولی*، حمیدرضا خلخالی، میرهاشم حسینی، شقایق کاویانی

rsljvd@yahoo.com

مقدمه و هدف: شیوع دیابت در دو دهه اخیر افزایش چشمگیری داشته و به یکی از معضلات مهم بهداشت عمومی تبدیل شده است. با توجه به ماهیت بیماری و عوارض متعددی که بیماری دیابت دارد و از سویی اهمیت کنترل قند خون در بیماران بعنوان کلیدیترین استراتژی برای پیشگیری از عوارض و افزایش کیفیت زندگی بیماران با در نظر گرفتن ماهیت مزمن بودن بیماری شناسایی عوامل موثر بر آن و ارتقا شاخص های مربوطه از دغدغه ها و اهداف مراقبین سلامت میباشد. در این مطالعه ارتباط بین عوامل روانشناختی با کنترل دیابت مورد بررسی قرار گرفته است.

روش کار: مطالعه حاضر بصورت مقطعی بر روی ۷۱۸ بیمار دیابتیک مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان ارومیه که بصورت نمونه گیری چندمرحله ای انتخاب شده بودند انجام گردید. برای کلیه بیماران پرسشنامه اضطراب ناشی از دیابت (DDS_17) و افسردگی در بیماران دیابتی (PHQ_9) و نیز مشخصات دموگرافیک و اطلاعات مربوط به بیماری تکمیل گردید و در ادامه داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS_21 تحلیل گردید.

نتایج: تعداد ۷۱۸ بیمار دیابتیک وارد مطالعه شدند که میانگین سنی $58/59 \pm 12/36$ سال و ۲۴۳ (۳۳/۸٪) مرد و ۴۷۵ (۶۶/۳٪) زن بودند. تعداد ۴۰۳ (۵۶٪) افسردگی نداشته و ۹ نفر (۱٪/۳) خیلی شدید، ۲۴ نفر (۳٪/۳) شدید، ۶۸ نفر (۹/۴٪) نسبی و ۲۱۶ نفر (۳۰٪) خفیف داشتند. همچنین ۹۱ نفر (۱۲/۶٪) اضطراب دیابتیک داشتند. تحلیل تک متغیره نشان داد که میانگین A1c با طول مدت دیابت، میانگین نمرات افسردگی و اضطراب و نیز میانگین نمرات افسردگی با اضطراب همبستگی دارند ($p < 0.05$). تحلیل چند متغیره نشان داد که کنترل دیابت با طول مدت دیابت-1.01:1.05 (OR=1.05, CI95%) و نیز افسردگی (1.08 و نیز افسردگی (1.45-1.01:1.21, CI95%) ارتباط دارد ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: کنترل دیابت وضعیت مطلوبی نداشته (۴۹/۳٪) و نیز مدت ابتلا به دیابت و افسردگی شانس کنترل دیابت را کاهش میدهند. عوامل روانشناختی می توانند نقش مهمی در کنترل وضعیت بیماری دیابت ایفا کنند.

کلمات کلیدی: دیابت، افسردگی، اضطراب، هموگلوبین A1c

بررسی بروز و عوامل مرتبط با ناهنجاری مادرزادی در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۵

مصطفی صابری*، احمد خالق نژاد طبری، حمید سوری، محمدرضا مرآئی

m_saberi60@yahoo.com

مقدمه و هدف: ناهنجاری مادرزادی به عنوان نقایص تولد، اختلالات و یا انحرافات آشکار مادرزادی شناخته می شوند. در سراسر جهان به صورت تقریبی بین ۷-۳ درصد از نوزادان با ناهنجاری مادرزادی به دنیا می آیند. هدف از انجام این مطالعه تعیین بروز ناهنجاری مادرزادی و عوامل مرتبط با آن در بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۵ می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مقطعی و قسمتی از یک مطالعه کوهورت تاریخی می باشد. گروه مورد مطالعه کلیه نوزادان متولد شده در سال ۱۳۹۵ می باشد. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه تهیه شده توسط مرکز تحقیقات جراحی کودکان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران مشتمل بر مشخصات والدین و نوزاد و نوع ناهنجاری تشخیص داده شده می باشد. داده های جمع آوری شده با آزمون رگرسیون لجستیک چندگانه و توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ تحلیل گردید.

نتایج: از مجموع ۵۴۵۵ پرونده در بیمارستان های شهر اصفهان، ۱۲۱ نوزاد مبتلا به ناهنجاری مادرزادی عمده شناسایی شد. میزان بروز ناهنجاری عمده مادرزادی در شهر اصفهان ۲/۲ درصد نوزادان زنده متولد شده برآورد شد. بین گروه خونی مادر، نسبت خویشاوندی و جنس نوزاد و قد نوزاد با ناهنجاری مادرزادی در نوزادان رابطه معنی دار مشاهده گردید ($p < 0/05$).

کلمات کلیدی: بروز، ناهنجاری مادرزادی، مطالعه کوهورت تاریخی، عوامل خطر، نوزاد



بررسی ارتباط بین سروپازیتیویتهی هلیکوباکتر پیلوری با استئوپروز در خانم های یائسه

سعید فلاح*، وحیده رئیسی، معصومه نقدی، نفیسه عبدالهی

s.fallah@goums.ac.ir

مقدمه و هدف: پوکی استخوان یک مشکل شایع بهداشتی است که سبب کاهش استحکام استخوان و افزایش خطر شکستگی می شود. یکی از عوامل خطر مطرح در بروز پوکی استخوان ابتلا به عفونت هلیکوباکتر پیلوری می باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط ابتلا به عفونت هلیکوباکتر پیلوری با پوکی استخوان انجام شده است.

روش کار: این مطالعه بصورت مورد شاهدهی در جمعیت بیماران مراجعه کننده به درمانگاه روماتولوژی بیمارستان شهید صیاد شیرازی گرگان انجام شد. تعداد ۱۱۴ زن یائسه که طی یکسال گذشته سنجش تراکم استخوان لگن و ران انجام داده بودند، بصورت تصادفی انتخاب شدند. ۵۷ نفر دارای تراکم بافت استخوانی نرمال بعنوان شاهد و ۵۷ نفر مبتلا به پوکی استخوان بعنوان بیمار انتخاب شدند. سپس این افراد فراخوان شده، نمونه خون تهیه و IGG و IGM آنها از نظر هلیکوباکتر پیلوری بررسی شد. نتایج بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS. Ver: 16 و شاخص های توصیفی و تحلیلی و آزمون های تی و کای دو تحلیل شد.

نتایج: ۸۴،۲٪ (۹۶ نفر) از افراد شرکت کننده از نظر IGG و IGM سرمی مثبت و ۱۵،۸٪ (۱۸ نفر) منفی بودند. در گروه مبتلا به پوکی استخوان ۴۹ نفر (۸۶٪) از نظر IGG و IGM سرمی هلیکو باکتر پیلوری مثبت و ۸ نفر (۱۴٪) منفی بودند. در گروه نرمال نیز ۴۷ نفر (۸۲،۵٪) از نظر IGG و IGM سرمی مثبت و ۱۰ نفر (۱۷،۵٪) منفی بودند.

نتیجه گیری: در این مطالعه ارتباط معنی داری بین سروپازیتیویتهی هلیکوباکتر پیلوری و پوکی استخوان یافت نشد.

کلمات کلیدی: پوکی استخوان، هلیکوباکتر پیلوری، تراکم استخوان



استفاده از داروهای گیاهی در دوران بارداری

مریم صابر، نرگس خانجانی، مریم زمانیان*

maryam_zamanian23@yahoo.com

مقدمه و هدف: زنان باردار با این تصور که داروهای گیاهی برای سلامت جنین و مادر کاملاً بی خطر هستند در طول دوران بارداری به دلایل مختلف از این داروها استفاده می کنند. مطالعه ی زیر با هدف تعیین انواع گیاهان دارویی و سنتزی مورد استفاده در زنان باردار شهر کرمان و عوامل مرتبط با آنها صورت گرفت.

روش کار: در این مطالعه مقطعی ۱۵۰ زن باردار که برای دریافت مراقبت های دوران بارداری به ۱۲ مراکز بهداشتی درمانی شهر کرمان مراجعه می کردند، طی سال ۱۳۹۰ مورد مصاحبه قرار گرفتند. جهت بررسی ارتباط بین متغیرها از آزمون های کای اسکوئر، تی تست و رگرسیون لجستیک بهره گرفته شد.

نتایج: میزان استفاده از داروهای گیاهی در این مطالعه ۷۱/۳ درصد بود. شایع ترین داروی گیاهی مورد استفاده عرق نعنا (۳۰ درصد) و شایع ترین داروی سنتزی ویتامین ها (۴۷/۳ درصد) بودند. بیشترین علل ذکر شده برای مصرف این داروهای گیاهی در دوران بارداری مشکلات گوارشی بود. ۵۲ درصد افراد معتقد بودند که داروهای گیاهی هیچ گونه عارضه ای در بر ندارند. شانس مصرف داروهای گیاهی در زنان خانه دار نسبت به زنان شاغل ۴/۴ برابر بود و ایمن دانستن مصرف داروها احتمال مصرف آنها را برای داروهای گیاهی ۴/۵ برابر و برای داروهای سنتزی ۳/۱ برابر می کرد.

نتیجه گیری: با توجه به احتمال عوارض جانبی داروهای گیاهی تدوین و اجرای برنامه های آموزشی جهت ارتقاء آگاهی زنان باردار در این زمینه و برنامه ریزی جهت آموزش های تخصصی به ماماها و پزشکان مراکز بهداشتی درمانی ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: داروهای گیاهی، بارداری، عوارض جانبی، داروهای شیمیایی



بررسی نیازهای آموزش سلامت در سالمندان تهران؛ مطالعه کیفی

ترانه یوسفی نژادی*، عفت محمدی

t.yousefinezhadi@gmail.com

مقدمه و هدف: در ایران سرعت رشد جمعیت سالمندان بسیار سریع بوده و درحالی که ضریب رشد جمعیت ۱/۲۹٪ بوده اما ضریب رشد جمعیت سالمند ۳/۵٪ است. طبق بررسی بخش جمعیت سازمان ملل تا سال ۲۰۵۰ میلادی، ۳۳ درصد جمعیت کشور سالمند خواهند بود. در گذشته سالمندان عمدتاً تحت حمایت خانواده و اطرافیان بودند، اما در حال حاضر حدود ۱۳ درصد سالمندان تهرانی تنها زندگی می کنند. برنامه های آموزشی برای سالمندان در بسیاری از کشورهای با درآمد بالا سال هاست که اجرا می شود، ولی الگوی آموزشی بومی سازی شده ای در ایران وجود ندارد. این پژوهش باهدف شناسایی نیازهای آموزش سلامت در سالمندان انجام شد.

روش کار: این پژوهش با روش کیفی و از طریق انجام مصاحبه های عمیق و نیمه ساختاریافته با ۳۰ نفر از اساتید باتجربه در حوزه سالمندشناسی انجام گرفت. روش نمونه گیری به صورت هدفمند بود و متخصصانی که قبلاً مطالعاتی در این زمینه انجام داده بودند انتخاب شدند. مصاحبه ها، پس از پیاده سازی به روش تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA-10 تحلیل شدند.

نتایج: در این پژوهش، ۹ موضوع اصلی (تم) استخراج شد. تم های اصلی استخراج شده در این مطالعه شامل آشنایی با سالمند شناسی، تغذیه و مکمل های مصرفی، آموزش شیوه زندگی سالم و ارتقای کیفیت زندگی در سالمندی، بیماری های شایع سالمندان و نحوه مراقبت از آن ها، ایمنی سالمندان برای پیشگیری از سوانح، آشنایی با داروهای شایع و نحوه دارودهی، آشنایی با تمرینات تعادلی، ورزش ها و نرمش های مناسب سالمندان، اصول توان بخشی در سالمندان و بررسی وضعیت سلامت بود.

نتیجه گیری: از آنجا که سالمندان الگوهای زندگی و مشکلات مختلف مرتبط با سلامتی و ایمنی دارند، آموزش های خودمراقبتی در سطح جامعه و با همکاری سازمان بهزیستی می تواند در افزایش کیفیت زندگی سالمندان و کاهش هزینه های نظام سلامت موثر باشد.

کلمات کلیدی: آموزش، سالمندان، مطالعه کیفی



الگوهای غذایی و خطر سرطان پستان: مطالعه مورد شاهدی در غرب ایران

بهجت مرزبانی*، مهدی مرادی نظر

marzbanibehjat@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان پستان مهم‌ترین علت مرگ ناشی از سرطان در بین زنان سراسر جهان به حساب می‌آید. یکی از مهمترین عوامل خطر قابل تغییر در بروز این بیماری الگوهای غذایی است. این مطالعه به منظور بررسی ارتباط الگوهای رژیم غذایی و خطر ابتلای به سرطان پستان در زنان زیر ۵۰ سال غرب ایران در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مورد شاهدی، تمام زنان زیر ۵۰ سال (۲۱۲ نفر) مبتلا به سرطان پستان که نتیجه پاتولوژی آن‌ها در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ مثبت شده و به درمانگاه‌های پرتودرمانی، آنکولوژی و شیمی‌درمانی مرکز رفerral تشخیص سرطان غرب کشور (بیمارستان امام رضا) مراجعه کرده بودند انتخاب و دو برابر این تعداد از زنان زیر ۵۰ سال مراجعه کننده به سایر درمانگاه‌های سرپایی همان بیمارستان که در زمان مطالعه و تا دو سال بعد از پیگیری فاقد سرطان پستان و سایر سرطان‌ها بودند به عنوان گروه شاهد انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از فرم مراقبت دوره‌ای میانسالان وزارت بهداشت ایران (Ministry of Health (MOH) بود و آنالیز داده‌ها به وسیله نرم‌افزار STATA نسخه ۱۴.۱ و آزمون رگرسیون لجستیک تک متغیره و چند متغیره انجام شد.

نتایج: بر اساس نتایج مطالعه متغیرهای سن، میزان تحصیلات، مصرف سبزی، نوشابه، آبمیوه‌های صنعتی، روغن جامد، غذاهای سرخ‌کردنی و شیرینی ارتباط معناداری را با خطر ابتلای به سرطان پستان نشان دادند.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت نقش الگوهای غذایی در پیشگیری از سرطان پستان پیشنهاد می‌شود مطالعات بیشتری بخصوص به صورت کوهورت و با حجم نمونه بالاتری در این زمینه انجام شود، همچنین برنامه‌ریزی در زمینه‌ی حساس سازی، اطلاع‌رسانی و آموزش به زنان توسط سیاست‌گذاران امر بهداشت تأکید می‌گردد.

کلمات کلیدی: الگوهای غذایی، سرطان پستان، مطالعه مورد شاهدی



تأثیر برخی عوامل سبک زندگی روی کیفیت زندگی مرتبط با پوکی استخوان

رحمت اله مرادزاده*، مریم زمانیان

moradzadehr@yahoo.com

مقدمه و هدف: برای اجرای استراتژی های پیشگیری در جهت افزایش کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در مان بیماران مبتلا به پوکی استخوان نیاز به شناسایی عوامل خطر مهم منتسب به کیفیت زندگی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

روش کار: در این مطالعه مقطعی، ۱۱۱ زن مبتلا به استئوپروز در مطالعه وارد شده اند. کیفیت زندگی جسمانی و روانی توسط پرسشنامه ECOS-16 اندازه گیری شده است. متغیرهای T-score، سن، شاخص توده بدنی، تحصیلات، تاهل، شکستگی، تعداد بارداری، و فعالیت بدنی به عنوان سایر متغیرهای مورد بررسی در مطالعه وارد شدند. اثرات کل این عوامل روی ابتلا به پوکی استخوان و همچنین اثرات مستقیم و غیر مستقیم آنها با رویکرد مدل های معادلات ساختاری ارزیابی شده است.

نتایج: میانگین نمرات کیفیت زندگی جسمی و روانی به ترتیب ۵۴ و ۵۴/۴۵ بوده است. تعداد بارداریها و فعالیت بدنی تعیین کننده های مهم کیفیت زندگی جسمانی بوده است. در حالی که سن و فعالیت بدنی از عوامل مهم مرتبط با کیفیت زندگی روانی به حساب آمده اند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه عوامل مهمی را برای سیاستگذاران نظام سلامت در جهت برنامه ریزی برای ارائه خدمات بهداشتی شناسایی کرده است.

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی، پوکی استخوان، ایران، مدل معادلات ساختاری



بررسی میزان توافق بین یافته های آزمایشگاهی مصرف آمفتامین با خوداظهاری شفاهی بستگان متوفیان ناشی از عوارض مصرف مواد مخدر و روانگردان ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی

حدیث فجری*، سیدسعید هاشمی نظری

h.ghajari@sbmu.ac.ir

مقدمه و هدف: سوء مصرف مواد همچنان یک مشکل مهم جوامع در بسیاری از کشورها می باشد. در حالیکه هیچ استاندارد طلایی برای اندازه گیری مصرف مواد وجود ندارد، اندازه گیری های بیولوژیک به عنوان یک رویکرد دقیق مورد بحث قرار گرفته اند. با این حال اندازه گیری های عینی مشکلاتی را به خود به همراه دارند. ارزیابی استفاده از مواد مخدر براساس خودگزارش دهی افراد یکی از روش هایی است که به طور گسترده ای برای تحقیقات اپیدمیولوژیک در اعتیاد مورد استفاده قرار می گیرد. هدف از این مطالعه بررسی هم خوانی بین خوداظهاری شفاهی بستگان متوفیان ناشی از مواد مخدر در خصوص مصرف شیشه متوفی، با یافته های آزمایشگاهی، پیش بالینی، کالبدگشایی و آسیب شناسی می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر، یک مطالعه مقطعی بوده که طی آن اطلاعات مربوط به دموگرافیک، اپیدمیولوژیک و آزمایشگاهی مربوط به متوفیان مواد مخدر کل کشور در سال های ۹۴ تا ۹۷ توسط ۲ چک لیست استخراج گردید. در نهایت آنالیز داده ها توسط نرم افزار stat14 انجام شد.

نتایج: تعداد کل مرگ ها به دلیل مواد مخدر ۷۷۶۲ نفر بود. نتایج خودگزارش دهی های نشان دهنده اعتبار ضعیفی (کاپا=۰,۳۳)، حساسیت پایین (۰,۳) و ویژگی متوسط (۷۷,۹) از مصرف آمفتامین در بین متوفیان ناشی از مواد مخدر بود. نتایج منحنی راک به طور کلی بیانگر پاسخ های ضعیف بستگان متوفی بود (۰,۶۹۱). در خصوص ارتباط سطح تحصیلات متوفی با پاسخ های خودگزارش دهی ها اعتبار متوسطی مشاهده گردید (کاپا ۰,۴۶).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که خودگزارش دهی بستگان متوفیان مواد مخدر دربرگیرنده پاسخ های با اعتبار بالا برای مصرف آمفتامین توسط قربانیان مواد مخدر نمی باشد.

کلمات کلیدی: اعتیاد، مصرف مواد، آمفتامین، توافق



بررسی شش ساله علل تغذیه با شیر مصنوعی در کودکان زیر یکسال تحت پوشش دانشگاه علوم

پزشکی شهید بهشتی ۹۷-۹۲

فاطمه تاج الدینی*، شهناز دلبرپور احمدی، پروین محمدقاسم پور، فرناز اهدایی وند

f.tajedin@yahoo.com

مقدمه و هدف: شیر مادر طبیعی ترین و بهترین غذایی است که می تواند به آسانی در اختیار نوزاد قرار گیرد. همچنین یکی از ابعاد بسیار با اهمیت در رشد و تکامل ذهنی شناختی کودک به حساب می آید. مطالعه حاضر با هدف تعیین علل مصرف شیر مصنوعی در کودکان زیر یکسال تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی و توصیفی جمع آوری داده ها بصورت سرشماری انجام شد. کلیه کودکان زیر یکسال که توسط مراکز خدمات جامع سلامت، پایگاههای سلامت و خانه های بهداشت شیر مصنوعی (کامل یا کمکی) دریافت کردند مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها از طریق پرونده الکترونیک و مصاحبه با مادر بدست آمد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در مجموع از ۵۸۹۸ کودک مورد بررسی، ۷۱،۷ درصد بصورت کامل و ۲۸،۳ درصد بصورت کمکی با شیر مصنوعی تغذیه می شدند. علل مصرف شیر مصنوعی در این کودکان به ترتیب چندقلویی (۵۵،۴ درصد)، مطلوب نبودن نمودار رشد کودک (۲۰،۳ درصد)، بیماری مزمن مادر (۸،۵ درصد)، مصرف دارو توسط مادر (۳،۵ درصد)، فرزندخواندگی (۱،۳ درصد)، جدایی والدین (۱،۱ درصد)، فوت مادر (۰،۶ درصد) و سایر موارد می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه حاضر، مشاوره صحیح مادران باردار و شیرده بخصوص مادران چندقلوزا و مادرانی که کودکان آنها دارای رشد نامطلوب است، در زمینه تغذیه با شیر مادر می تواند نقش مهمی در کاهش مصرف شیرمصنوعی داشته باشد.

کلمات کلیدی: شیر مادر، شیر مصنوعی، کودکان



بررسی وضع نابرابری جغرافیایی و اجتماعی - اقتصادی در مرگومیر ناشی از سوانح ترافیکی در اجساد ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی کشور

فاطمه شهبازی

asd.shahbazi@gmail.com

مقدمه و هدف: در کشور ما علیرغم اینکه اپیدمیولوژی میرایی ناشی از سوانح ترافیکی به طور عمده‌ای مورد بررسی قرار گرفته اما نابرابری در این میرایی و فاکتورهای مرتبط با آن مورد بررسی قرار نگرفته؛ لذا هدف این مطالعه، بررسی نابرابری‌های جغرافیایی و اجتماعی - اقتصادی در مرگومیر ناشی از سوانح ترافیکی در ایران در سال ۱۳۹۴ بود.

روش کار: در این پژوهش توصیفی - مقطعی اطلاعات تمامی افرادی که در سال ۱۳۹۴ به دلیل سوانح ترافیکی فوت کرده بودند، از سازمان پزشکی قانونی کشور دریافت شد. برای تعیین نابرابری در میزان مرگومیر ناشی از سوانح ترافیکی بر اساس سطوح جغرافیایی از شاخص آنتروپی تایل و به‌منظور سنجش نابرابری بر اساس سطوح تحصیلاتی متوفیان از شاخص تمرکز مطلق و نسبی استفاده شد.

نتایج: براساس یافته‌های این مطالعه، میزان مرگومیر ناشی از سوانح ترافیکی در کل کشور ۲۱/۵ به‌ازای هر صد هزار نفر جمعیت بود. شاخص تایل برای مرگومیر ناشی از سوانح ترافیکی در بین استان‌های کشور ۰/۰۶ به دست آمد که بیانگر توزیع نابرابر میرایی ناشی از سوانح ترافیکی در بین استان‌های کشور بود. هنگامی که نابرابری را در سطوح جغرافیایی کوچک‌تر یعنی در بین شهرستان‌های هر استان سنجیده شد، یافته‌ها بیانگر توزیع یکنواخت و عادلانه در بین سطوح جغرافیایی کوچک‌تر بود. شاخص تمرکز ۰/۱۳ - (فاصله اطمینان ۹۵ درصد: ۰/۱۶ - ۰/۴۱) نیز بیانگر توزیع عادلانه‌ی سوانح ترافیکی در بین زیرگروه‌های تحصیلاتی متوفیان بود.

نتیجه گیری: یافته‌ها نشان داد مصدوم شدن به دنبال تصادف در راه اصلی خطر مرگ بیش‌تری دارد. در ارائه خدمات پیش‌بیمارستانی توجه به سن، وضع فشار خون، نبض، وضع مصدوم و نوع تروما می‌تواند بر بقای افراد تأثیرگذار باشد. بهتر است کارکنان پیش‌بیمارستانی با مهارت ناکافی از مداخله‌های جایگزین لوله‌گذاری داخل تراشه، برای تأمین راه هوایی استفاده کنند.

کلمات کلیدی: نابرابری، عدالت در سلامت، مرگومیر، سوانح ترافیکی، شاخص تایل، شاخص تمرکز



بررسی وضعیت شاخص های بهداشت، ایمنی و محیط زیست در برخی از مجموعه های سازمانی شهرداری تهران: چالش ها، نقاط ضعف و قوت و راهبردهای اصلاحی

فاطمه شهبازی

asd.shahbazi@gmail.com

مقدمه و هدف: در رویکرد مدیریت نوین، مهمترین محور توسعه پایدار، حفظ و صیانت از نیروی انسانی، محیط زیست، سرمایه و تجهیزات است. امروزه این مسأله با استقرار و اجرای الزامات سیستم یکپارچه مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) تا حدودی تحقق یافته است. رعایت اصول و الزامات سیستم مذکور در کلیه سازمان ها و شرکت های تابعه شهرداری تهران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی وضعیت شاخص های HSE در سازمان های زیرمجموعه استان تهران در تابستان سال ۱۳۹۷ بود.

روش کار: در این پژوهش کاربردی مقطعی، جامعه مورد مطالعه شامل کلیه واحدهای زیر مجموعه شهرداری تهران بود که عملکرد بهداشت، ایمنی و محیط زیست آنها در طول تابستان سال ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفت. در انجام این مطالعه از ۱۸ آیتم برای بررسی عملکرد HSE سازمان های تابعه شهرداری استان تهران استفاده شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که از بین سازمان های زیرمجموعه شهرداری استان تهران، سه سازمان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سازمان مهندسی و عمران شهرسازی و سازمان پایانه ها و پارک سوارها به ترتیب با داشتن شاخص HSE برابر با ۶۳٫۶، ۵۷٫۴۸ و ۵۲٫۵۹ درصد بهترین عملکرد را در حوزه بهداشت، ایمنی و محیط زیست داشتند. از بین محورهای ۱۸ گانه عملکردی HSE خط مشی HSE بالاترین امتیاز را داشت (۶۸٫۶٪).

نتیجه گیری: این مطالعه مشخص می کند که راهکارهایی از جمله ارتقا صلاحیت حرفه ای مدیران، تناسب کمی و کیفی کارشناسان HSE، تخصیص بودجه مشخص جهت اجرای برنامه های HSE، نهادینه سازی فرآیند تحقیق، تجزیه و تحلیل و درس آموزی از حوادث، تدوین و اجرای برنامه های عملیاتی مناسب و در نهایت ارزیابی اثربخشی اقدامات کنترلی جهت بهبود شاخص بهداشت، ایمنی و محیط زیست قابل طرح و بررسی می باشد.

کلمات کلیدی: سیستم بهداشت، ایمنی و محیط زیست، شهرداری تهران، HSE



بررسی ۹ ساله مرگ خارج بیمارستانی کودکان ا تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی

فاطمه تاج الدینی*، شهناز دلبریپور/احمدی، فرناز اهدایی وند

f.tajedin@yahoo.com

مقدمه و هدف: میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال یکی از شاخص های مهم توسعه و سلامت در کشورها بوده و در تعیین رشد جمعیت نقش مهمی دارد. بنابراین ترسیم دقیق چهره مرگ و میر کودکان در جامعه، به منظور شناسایی علل بروز و یا عوامل قابل اجتناب جهت طراحی مداخلات و جلوگیری از مرگ های مشابه، از جمله مهمترین راهکارها برای کاهش این میزان است. مطالعه حاضر با هدف بررسی مرگ خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی و توصیفی کلیه مرگهای خارج بیمارستانی کودکان ۱ تا ۵۹ ماهه تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ که از فرم اطلاعات اداره سلامت کودکان وزارت بهداشت استخراج شده بود مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: تعداد مرگها ۱۷۹ مورد بود. بیش از نیمی از کودکان فوت شده (۵۱،۴٪) دختر بودند. بیشترین علل فوت کودکان به ترتیب ناهنجاری مادرزادی و کروموزومی (۳۹٪)، سوانح و حوادث (۲۱،۲٪)، بیماری متابولیک (۷،۸٪) و بیماری سیستم تنفسی (۷،۳٪) گزارش شد. در بین مرگهای ناشی از حوادث نیز شایعترین علل به ترتیب غرق شدگی در استخر و کانالهای آب (۲۸،۹٪)، حمل و نقل (۲۱٪) و انسداد تنفسی (۱۸،۴٪) و برق گرفتگی (۱۰،۵٪)، مسمومیت (۷،۹٪)، سقوط (۵،۳٪) بدست آمد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده، طراحی و اجرای مداخلاتی در زمینه انجام مراقبتهای پیش از بارداری و غربالگریهای دوران بارداری، پیشگیری از حوادث و ایمن سازی محل سکونت در کاهش میزان مرگ کودکان موثر می باشد.

کلمات کلیدی: مرگ کودکان، ناهنجاری مادرزادی، حوادث



بررسی پرتوزایی گامای طبیعی و برآورد خطر مازاد ابتلاء به سرطان ناشی از آن در ساکنان شهر قزوین در سال ۱۳۹۷

یعقوب حاجی زاده، سیدعرفان بابایی، عسگر شریف زاده، سیدعلیرضا بابایی*

walasn_babae82@yahoo.com

مقدمه و هدف: تابش های طبیعی یکی از ویژگی های اساسی محیط زیست اطراف ما می باشند. مواجهه با این تابش های یونساز به دلیل دارا بودن انرژی زیاد آثار سوء و زیانباری را در سلول های زنده ایجاد می کنند و به عنوان عاملی در جهت افزایش خطر ابتلاء به سرطان محسوب می گردند. این مطالعه با هدف بررسی پرتوزایی گامای محیطی و برآورد خطر مازاد ابتلاء به سرطان ناشی از آن در ساکنان شهر قزوین در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: با استفاده از یک دستگاه سرویومتر یونیزاسیون کالیبره آهنگ دوز گامای محیطی در فضای باز شهر قزوین در ۲۰ ایستگاه منتخب با توجه به پراکندگی جمعیت و وسعت شهر شامل ۴ ایستگاه در مرکز شهر و ۱۶ ایستگاه در ۴ جهت اصلی جغرافیایی اندازه گیری شد.

نتایج: میانگین آهنگ دوز گامای محیطی در فضای باز شهر قزوین 16 ± 165 نانو سیورت در ساعت اندازه گیری شد. بیشترین آهنگ دوز مربوط به فصل تابستان با 12 ± 246 نانو سیورت در ساعت و کمترین آن مربوط به فصل زمستان با 15 ± 94 نانو سیورت در ساعت بود. دوز موثر سالانه ناشی از پرتوزایی طبیعی 0.2 میلی سیورت و میزان خطر ابتلا به سرطان $3-10 \times 0.8$ برآورد گردید. **نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که دوز موثر سالانه و میزان خطر ابتلاء به سرطان ناشی از پرتوزایی طبیعی از متوسط جهانی آنها بترتیب 0.07 میلی سیورت و $3-10 \times 0.29$ بیشتر است. بنابراین انجام مطالعات اپیدمیولوژیک جهت بررسی احتمال شیوع بیماری های مزمن مرتبط با تابش های طبیعی در میان ساکنین شهر پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: آهنگ دوز گاما، تابش های طبیعی، خطر مازاد ابتلاء، دوز موثر سالانه



شیوع بیماری تالاسمی ماژور در منطقه سیستان

خلیل شهریاری*، مهرنگار آزوغ

shahriarikhilil@gmail.com

مقدمه و هدف: یکی از شایعترین اختلال‌ها و بیماری‌های خونی است که به صورت ژنتیکی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و تالاسمی ماژور (بتا تالاسمی)، شایعترین بیماری ارثی در کشور محسوب می‌شود بطوریکه شیوع بیماریهای ارثی، کروموزومی و ناهنجاریهای مادرزادی عمده در کشور ۵ مورد در هر ۱۰۰ تولد زنده می‌باشد. این بیماری‌ها من جمله تالاسمی ماژور بدلیل ماهیت پیچیده و ایجاد عوارض بلندمدت، منجر به افزایش مستمر مراجعات بیمارستانی و مطالبات خدمات درمانی می‌شوند. بکارگیری مشاوره ژنتیک موجب شناسایی افراد مستعد (ژنتیکی) ابتلا از کودکی و پیش از بروز بیماری می‌شود. تالاسمی تقریباً در تمام نژادها دیده میشود ولی در نواحی اطراف دریای مدیترانه، نواحی استوایی و مناطق نزدیک استوا در قاره‌های آفریقا و آسیا بیشترین شیوع را دارد. در کشورما، استانهای گلستان و مازندران، ۱۰ تا ۱۳ درصد جمعیت آنها ناقل ژن تالاسمی می‌باشند. استان های گیلان، هرمزگان و خوزستان با شیوع ناقلین ۷ تا ۱۰ درصد و استانهای فارس، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و سیستان و بلوچستان هم با شیوع ۵ تا ۷ درصد ناقلین ژن بتا، در مقام های بعدی قراردارند. از نظر آماری میزان بروز تالاسمی ماژور بین ۱۴۰ تا ۱۸۰ مورد در سال برآورد شده که ۸۰٪ موارد بروز در استان سیستان و بلوچستان و جنوب کرمان رخ می‌دهد.

روش کار: اطلاعات بیماری در حوزه معاونت بهداشتی زابل از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۷ جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

نتایج: در منطقه سیستان طبق آخرین آمار از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۷ تعداد ۲۲۷ مورد بیماری تالاسمی ماژور ثبت گردیده است و در سال ۱۳۹۷ تعداد ۲۱۱ مورد تالاسمی ماژور جهت دریافت خون مراجعه می‌کنند و ۱۶ مورد فوت نموده اند. ۸۰٫۸٪ موارد غیر ایرانی بوده اند. ۱۰٫۶٪ نیز مهاجرت نموده اند. بیشترین بروز در سال ۱۳۷۷ رخ داده است (۱۴ مورد) بحث متوسط شیوع ژن بتا تالاسمی در کشور حدود ۵ درصد تخمین زده می‌شود و در بعضی استانها شیوع بالایی دارد. از سویی بیماری تالاسمی ماژور یک بیماری کشنده است ولی قابل پیشگیری است. بیماران تالاسمی با عوارض جسمی و روحی مواجه هستند هزینه نگهداری بیماران بسیارگران است اما روش کنونی غربالگری در برنامه ی کشوری بسیارآسان و ارزان است.

نتیجه گیری: مراجعه زوجین قبل از هر اقدامی برای ازدواج به مراکز مشاوره، انجام آزمایشات لازم و همکاری با تیم سلامت، امری ضروری و مقرون به صرفه جهت فرد و اجتماع می‌باشد. از عوارض جسمی، روحی روانی کودکان و والدین به میزان زیادی پیشگیری می‌گردد و ۲۵ درصد از خون های موجود در انتقال خون صرف کودکان تالاسمی می‌شود ذخیره می‌گردد .

کلمات کلیدی: سیستان ، تالاسمی ماژور



بررسی اپیدمیولوژیک کودکان مبتلا به سرطان مراجعه کننده به بخش انکولوژی کودکان ارومیه

جواد رسولی*، حمیدرضا خلخالی، لیلیا قلی پور، مهران نوروزی، شقایق کاویانی

rsljvd@yahoo.com

مقدمه و هدف: سرطان های دوران کودکی در ایران دومین علت مرگ و میر در کودکان کمتر از ۱۴ سال محسوب می شود. هر چند که میزان ابتلاء کودکان به این بیماری در حال افزایش است اما در کنار آن میزان بقای این کودکان نیز افزایش چشمگیری داشته است. تبیین وضعیت اپیدمیولوژیک بیماران همواره ابزاری مهم برای مدیریت و برنامه ریزی برای ارائه خدمات درمانی و نیز انجام مداخلات پیشگیری بوده است که این مطالعه بدین منظور طراحی و اجرا گردیده است.

روش کار: مطالعه حاضر بصورت مقطعی بر روی ۱۸۷ کودک مبتلا به سرطان مراجعه کننده به بخش انکولوژی کودکان بیمارستان مطهری ارومیه در بازه زمانی ۵ ساله که پرونده کامل و در دسترس داشتند اجرا گردیده است. اطلاعات دموگرافیک و مرتبط با وضعیت بیماری از روی پرونده بیماران استخراج و در ادامه با استفاده از نرم افزار SPSS_21 تحلیل گردید.

نتایج: تعداد ۱۸۷ بیمار بررسی شدند که میانگین سنی $۸۵/۳۵ \pm ۴۸/۳۶$ ماه و میانگین سن تشخیص $۶۶/۷۱ \pm ۴۵/۴۳$ ماه بوده است. در کل ۸۲ (۴۳/۹٪) دختر و ۳۶ (۱۹/۴٪) سابقه بستری در یکماه اخیر را داشتند. سرطان های شایع به ترتیب لوسمی (۶۱٪)، لنفوما ۲۲ (۱۱/۸٪)، سارکوما ۱۵ (۸٪) و نوروبلاستوما ۱۵ (۸٪) بوده اند. شیمی درمانی ۱۳۹ (۷۴/۳٪)، شیمی درمانی و رادیوتراپی ۱۳ (۷٪) و شیمی درمانی و رادیوتراپی و جراحی ۶ (۳/۲٪) و شیمی درمانی و جراحی ۲۹ (۱۵/۵٪) موارد درمانی را تشکیل میدادند. تعداد ۵۶ نفر (۲۹/۹٪) تشخیص جدید در ۶ ماه اخیر بوده اند.

نتیجه گیری: نتایج نشان میدهد که سرطان در کودکان یک مشکل جدی بوده و نیز لوسمی و لنفوما سرطانهای شایع در این گروه سنی بوده که نزدیک ۷۳٪ موارد را تشکیل میدهند. شیمی درمانی متداولترین روش درمانی در جمعیت تحت بررسی بوده است.

کلمات کلیدی: سرطان، کودکان، ویژگیهای اپیدمیولوژیک



طراحی و استاندارد سازی پرسشنامه ارزیابی کیفیت زندگی زنان یائسه

حدیث السادات موسوی*، قاسم یادگارفر

hadis3731@gmail.com

مقدمه و هدف: پرسشنامه های موجود در کشور برای ارزیابی کیفیت زندگی خانم های یائسه پرسشنامه های کوتاه ترجمه شده ای هستند که اکثرا تنها به اندازه گیری فراوانی و شدت علائم یائستگی می پردازند و تمام ابعاد اثرگذار بر کیفیت زندگی در این دوران را شامل نمی شوند. هدف این مطالعه معرفی یک پرسشنامه جامع که در مرحله استانداردسازی و تطبیق فرهنگی قرار دارد می باشد. **روش کار:** نسخه فارسی پرسشنامه با فرایند "ترجمه-برگردان-ترجمه" تهیه و در ۳۷۰ نفر از خانمها در سن ۴۵ تا ۶۹ که بصورت تصادفی از خانم های تحت پوشش مراکز بهداشت و درمان شاهین شهر در سال ۱۳۹۸ انتخاب شدند، در حال ارزیابی می باشد. برای ارزیابی روایی محتوا و صوری از شاخص روایی محتوایی و نسبت اعتبار محتوا و برای سنجش روایی ملاکی از تکنیک **Known Group Analysis** و برای ارزیابی پایایی پرسشنامه و شاخص ضریب پایایی از روش های بازآزمایی و آلفای کرونباخ استفاده میگردد. جهت تعیین عاملی و برای ارزیابی پایایی پرسشنامه و شاخص ضریب پایایی از روش های همبستگی روایی همگرایی و روایی افتراقی و آنالیز تاییدی ساختار ضریب همبستگی درون گروهی پرسشنامه توسط ۵۰ نفر از خانم های مورد مطالعه که شرایط آنها در دو هفته پس از سنجش اول تغییر نخواهد کرد مجددا تکمیل خواهد شد. این پرسشنامه ۳۷ سوالی به همراه پرسشنامه های اطلاعات زمینه ای و پزشکی، پرسشنامه معاینات دوره ای، تنظیم خانواده، زایمان، مشکلات جنسی و هورمون درمانی و پرسشنامه سبک زندگی، عادات شخصی و حوادث خاص در زندگی شخصی به اجرا گذاشته می شود. داده ها با استفاده از نرم افزار STATA14 در سطح معنی داری ۵٪ تحلیل خواهد شد.

نتایج: پرسشنامه نهایی پیشنهادی که ترجمه شده ی پرسشنامه های مورداستفاده در کشورهای کانادا، آمریکا و انگلیس است شامل ۵ مقیاس و ۳۷ سوال می باشد که مقیاس علائم فیزیکی با ۱۴ سوال، مشکلات مربوط به خواب با ۲ سوال، مشکلات روانی با ۶ سوال، مشکلات اجتماعی با ۳ سوال و مشکلات جنسی با ۱۱ سوال سنجیده می شود. یک سوال نیز جهت سنجش روایی ملاکی با تکنیک **Known Group Analysis** در نظر گرفته شده است. جمع آوری داده ها هنوز به پایان نرسیده و نتایج نهایی چگونگی روایی و پایایی پرسشنامه، در کنگره ارائه خواهد شد.

نتیجه گیری: امیداست مطالعه حاضر یک ابزار استاندارد روا و پایا برای اندازه گیری کیفیت زندگی خانم های یائسه به جامعه علمی و کشور ارائه نماید.

کلمات کلیدی: اعتبارسنجی، کیفیت زندگی، زنان یائسه، روایی و پایایی



تبعیت از درمان پرفشاری خون و تعیین کننده‌های آن در بیماران مبتلا به پرفشاری خون: یک مطالعه تک مرکزی در ارومیه

ریاب باقری، سیما مسعودی*، شاکر سالاری لک، حمیدرضا خلخالی، کمال خادم وطنی

bagheri_r66@yahoo.com

مقدمه و هدف: یکی از مهمترین بیماری‌های غیرواگیر پرفشاری خون است که کنترل مناسب آن می‌تواند عوارض ناشی از آن را کاهش دهد. یک عامل مهم در کنترل این بیماری پایبندی به درمان‌های تجویز شده است. این مطالعه با هدف بررسی میزان پایبندی به درمان در بیماران مبتلا به پرفشاری خون و عوامل موثر بر آن در ارومیه انجام شد.

روش کار: شرکت کنندگان در این مطالعه از مراجعین مرکز تخصصی قلب سیدالشهدا در ارومیه که مبتلا به پرفشاری خون بودند انتخاب شدند برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه اول مربوط به اطلاعات جمعیت شناختی و ویژگی‌های بالینی بیماران (مصرف سیگار، سابقه خانوادگی پرفشاری خون، طول مدت درمان، تعداد داروهای مصرفی، وجود عوارض دارویی، دیابت، دیس‌لیپیدمی، سابقه سکته قلبی، مغزی، جراحی قلب و آنژیوپلاستی) بود. برای ارزیابی پایبندی به درمان از پرسشنامه ۱۴ سوالی هیل‌بن (شامل سه حیطه رژیم دارویی، رژیم غذایی و ویزیت‌های پزشکی) استفاده شد. فشارخون بیماران دو بار در وضعیت نشسته اندازه‌گیری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک انجام شد.

نتایج: در این مطالعه ۶۵۰ نفر (شامل ۴۱۳ زن) با میانگین و انحراف معیار سنی 59.5 ± 10.4 سال شرکت کردند که از آنها ۱۴/۲٪ سابقه عمل جراحی قلب و ۵۲/۵٪ سابقه آنژیوپلاستی داشته و ۵۵٪ بیش از ۵ سال تحت درمان بوده و ۳۹٪ فشارخون کنترل شده داشتند. نسبت افراد دارای پایبندی خوب به درمان ۱۸/۹٪ بود. از بین عوامل مورد بررسی در تحلیل چند متغیره نداشتن عوارض جانبی دارویی (OR=۲/۰۱ و CI95%:۱/۱۲-۳/۶۲) و نداشتن سابقه آنژیوپلاستی (OR=۱/۵۹ و CI95%:۱/۰۶-۲/۳۹) و مصرف سه دارو و بیشتر (OR=۱/۲۱-۳/۲۵ و CI95%:۱/۹۸ و OR) با پایبندی خوب به درمان رابطه داشتند.

نتیجه گیری: میزان پایبندی کامل به درمان و کنترل پرفشاری خون در بین افراد مطالعه پایین بود. برای بهبود پایبندی درمان بیماران مبتلا به پرفشاری خون، افزایش آگاهی بیماران از طریق آموزش و مشاوره توسط پزشک یا کارکنان مراقبت سلامت لازم است مورد توجه قرار داد.

کلمات کلیدی: پایبندی به درمان، پرفشاری خون، پرسشنامه هیل بن، ارومیه



آیا مصرف اپیوم در ارتباط با افزایش خطر سرطان ریه می باشد؟ یک مطالعه مورد شاهدی

احمد نقیب زاده تهامی*، مریم مرزبان، وحید یزدی فیض آبادی، بهناز کریمپور، نرگس خانجا

anaghibzadeh61@gmail.com

مقدمه و هدف: طی سال های اخیر سرطان ریه در ایران دارای روند افزایشی بوده است. بعلاوه مصرف تریاک (اپیوم و مشتقات آن) قابل ملاحظه می باشد. هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط بین مصرف اپیوم و بروز سرطان ریه می باشد.

روش کار: در یک مطالعه مورد شاهدی جورشده در کرمان (قرار گرفته در جنوب شرقی ایران)، ۱۴۰ بیمار با سرطان و ۲۸۰ کنترل سالم (همسان شده بر اساس سن، جنس و محل سکونت (شهر، روستا) وارد شدند. متغیرها شامل (مصرف اپیوم و مشتقات آن، کشیدن سیگار، مصرف الکل و رژیم غذایی) با استفاده از یک پرسشنامه ساختار یافته جمع آوری شدند. جهت بررسی ارتباطات از آزمون رگرسیون لجستیک شرطی استفاده شد.

نتایج: مصرف اپیوم در ارتباط با افزایش خطر سرطان ریه با یک نسبت شانس تطبیق داده شده 6.13 (95% CI: 2.52-14.91) بود. یک ارتباط دوز پاسخ قوی بین مصرف اپیوم و مشتقات آن و سرطان ریه مشاهده شد (مصرف کم ۲۳،۹۸-۳۳،۲: 95% CI: 7.47= OR و مصرف زیاد ۵۹،۴۹-۵۹،۴۹-۲،۲۵: 95% CI: 11.57= OR). همچنین سن پایین تر شروع اپیوم و مشتقات آن در ارتباط با افزایش خطر سرطان ریه بود (۱۳،۲۹-۲،۱۲: 95% CI: 5.30= OR).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که مصرف اپیوم می تواند به عنوان یک ریسک فاکتور قوی برای سرطان ریه محسوب شود.

کلمات کلیدی: مورد شاهدی، ایران، اپیوم، ریسک فاکتور، سرطان ریه



میزان بقای بیماران مبتلابه سرطان معده دارای متاستاز دوردست در استان آذربایجان غربی

رسول انتظار مهدی، رابعه حسامی*، حمیدرضا خلخالی، امید اثنی عشری

sh.hesami90@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان معده پنجمین سرطان شایع و سومین علت مرگ ناشی از سرطان در جهان است. متاستاز یکی از عوامل پیش آگهی مهم در بقای بیماران مبتلابه سرطان معده است که باعث کاهش بقای بیماران می شود. هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان بقای بیماران مبتلابه سرطان معده دارای متاستاز دوردست در استان آذربایجان غربی است.

روش کار: در این مطالعه ۳۰۲ مورد سرطان معده ثبت شده در نظام ثبت سرطان استان آذربایجان غربی طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ که بر اساس پرونده پزشکی و گزارش پاتولوژی دارای متاستاز دوردست بودند مورد بررسی قرار گرفتند. جهت آنالیز بقا از روش کاپلان-مایر استفاده و آنالیز داده ها توسط نرم افزار Stata نسخه ۱۱ انجام شد.

نتایج: درصد بیماران مرد و ۱/۳۰ درصد زن بودند. میانگین سنی ابتلا به ترتیب در مردان و زنان $۸/۶۴ \pm ۲/۱۲$ و $۱/۷ \pm ۶۳/۱۴$ بود. کبد بیشترین عضو درگیر متاستاز (۵۸/۶۶ درصد) بود. ۱/۳۳ درصد بیماران جراحی و در این میان ۵۷ درصد توتال گاسترکتومی شده بودند. میانگین و میانه بقای بیماران به ترتیب ۷/۱۲ و ۷ ماه برآورد گردید. میزان بقای یک، دو، سه، چهار و پنج ساله بیماران به ترتیب ۴/۲۹، ۶/۱۱، ۹/۶، ۶/۵ و ۸/۴ درصد بود.

نتیجه گیری: میزان بقای بیماران بسیار پایین است به نحوی که بیش از ۷۰ درصد بیماران مبتلابه سرطان معده دارای متاستاز دوردست در اولین سال تشخیص فوت کردند. به نظر می رسد تشخیص و درمان زودهنگام قبل از مرحله متاستاز تومور می تواند میزان بقا را بهبود بخشد.

کلمات کلیدی: سرطان معده، میزان بقا، متاستاز، استان آذربایجان غربی



تأثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در اتخاذ رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان در دانش آموزان

اردشیر رحیم زاده، پرشنگ فقیه سلیمانی*، خالد رحمانی، شراره باقری

pari.solaymani@yahoo.com

مقدمه و هدف: هدف از مطالعه حاضر تعیین تاثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر ارتقای رفتارهای پیشگیری کننده از پوسیدگی دندان دانش آموزان است.

روش کار: این مطالعه از نوع مداخله ای نیمه تجربی است که بر روی ۱۲۰ دانش آموز پایه پنجم پسرانه شهر سنندج در سال ۱۳۹۵ انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل اطلاعات دموگرافیک و سازه های مدل اعتقاد بهداشتی بود. پس از تخصیص تصادفی دانش آموزان به دو گروه مداخله و کنترل (هر گروه ۶۰ نفر)، اطلاعات اولیه آن ها جمع آوری گردید. سپس مداخله آموزشی برای گروه مداخله اجرا شد. ۸ هفته پس از اجرای برنامه آموزشی، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون های تی مستقل، تی زوجی و تحلیل کواریانس تحلیل شدند.

نتایج: نتایج نشان داد که بین دو گروه مداخله و کنترل در بیشتر سازه های مدل همچون حساسیت درک شده ($P=0/06$)، شدت درک شده ($P=0/7$)، منافع درک شده ($P=0/6$)، خودکارآمدی ($P=0/8$) و راهنما برای عمل ($P=0/8$) وجود نداشت. اگر چه تنها در سازه های موانع ($P=0/001$) بین دو گروه رابطه معنی دار آماری یافت شد، اما نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که هیچ اختلاف آماری معنی داری بین میانگین نمرات سازه های مدل در دو گروه وجود ندارد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش در مدارس ابتدایی به تنهای کافی نیست و مشارکت والدین، مربیان بهداشتی و معلمان در کنار طراحی مداخلات جدید برای بهبود عملکرد رفتارهای بهداشتی دهان و دندان در دانش آموزان امری اجتناب ناپذیر است.

کلمات کلیدی: آموزش بهداشت، بهداشت دهان و دندان، دانش آموزان، مدل اعتقاد بهداشتی



بررسی اپیدمیولوژی جغرافیایی کم کاری تیروئید نوزادی در استان کرمان طی سه سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲ با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی

راحله امیرزاده*، محسن رضائیان، مهدی شفیعی بافتی، سیروس سالاری، منیژه جمشیدی

rahil.amirzadeh@gmail.com

مقدمه و هدف: یکی از علل مهم و قابل پیشگیری عقب ماندگی ذهنی در نوزادان، کم کاری تیروئید نوزادی می باشد. بروز این بیماری در استان کرمان بطور قابل ملاحظه ای بالاتر از میانگین کشوری می باشد. این مطالعه با هدف بررسی روند میزان بروز بیماری و توزیع جغرافیایی این بیماری در سطح استان کرمان طی سه سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲ با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی طراحی و اجرا شده است.

روش کار: این مطالعه بصورت مقطعی و با ماهیت توصیفی انجام شد. با استفاده از داده های برنامه کشوری غربالگری، کلیه نوزادان متولد شده استان کرمان طی سه سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲ که بیمار تشخیص داده شده بودند، وارد مطالعه شدند. میزان بروز سه ساله بیماری کم کاری تیروئید نوزادی در سطح استان کرمان محاسبه و روی نقشه های دیجیتالی با مقیاس ۱/۱۰۰۰۰۰ با استفاده از نرم افزار ArcGIS9.2 ترسیم گردید. همچنین با استفاده از نرم افزار SPSS18 همبستگی بین ارتفاع از سطح دریا و میزان بروز بیماری به تفکیک شهرستان محاسبه و نقشه توزیع مکانی آن نیز رسم گردید.

نتایج: در این مطالعه ۳۹۳ نوزاد مبتلا به کم کاری تیروئید نوزادی که طی سه سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲ در سطح استان کرمان تشخیص داده شدند، مورد بررسی قرار گرفتند. از این تعداد ۲۲۵ نفر نوزاد پسر و ۱۶۸ نفر نوزاد دختر بودند. میزان بروز سه ساله بیماری کم کاری تیروئید نوزادی در سطح استان برابر با ۱ در ۲۳۰ تولد زنده می باشد. یافته های این تحقیق نشان داد که میزان بروز کم کاری تیروئید در شهرستان های راور، بافت، ارزوییه و کوهبنان از میزان بروز بالاتری (۵,۰۴ تا ۱۳,۶۷ در ۱۰۰۰) نسبت به سایر شهرستان های استان بودند. همبستگی معنی دار آماری بین ارتفاع از سطح دریا و بروز کلی بیماری CH وجود نداشت ($r=0,33$ و $P)=0,116$).

نتیجه گیری: در این مطالعه، با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی شهرستان های راور، بافت، ارزوییه و کوهبنان که دارای میزان بروز بالا بیماری بودند، مشخص گردید. با توجه به الگوی موجود بنظر می رسد باید به دنبال یافتن عوامل موثر دیگری از جمله وضعیت اقتصادی- اجتماعی، همخونی والدین و علل ژنتیکی و همچنین کمبودهای تغذیه ای مادران در دوران بارداری باشیم و مطالعات بیشتری در این خصوص انجام پذیرد.

کلمات کلیدی: کم کاری تیروئید نوزادی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، کرمان



نتایج بسیج ملی کنترل فشار خون بالا در استان گلستان

سراج الدین عارف نیا، سید مهدی صداقت، حمیده صادقی زاده*

sadeghzadeh.hamideh@gmail.com

مقدمه و هدف: بیماری فشار خون بالا، اصلی ترین عامل خطر قابل تغییر برای ناتوانی و مرگ و میر زودرس ناشی از بیماری های قلبی، بیماری های مزمن کلیه و سکته مغزی در جهان و ایران است. بر اساس پیمایش ملی در سال ۲۰۱۶، حدود یک سوم جمعیت بزرگسالان ایران از فشار خون بالا رنج می برند. بیش از نیمی از جمعیت ایران (۵۳٫۷ درصد) دچار پرفشاری خون هستند. از میان حدود ۱۶ میلیون بیمار، فقط ۶۰ درصد آنان از بیماری خود اطلاع دارند و فقط نیمی از بیماران برای کنترل بیماری خود دارو دریافت می کنند. از این رو وزارت بهداشت و درمان بنا به اهمیت سنجش فشار خون این گروه های حساس و در معرض خطر، اقدام به برپایی کمپین بسیج ملی فشارخون در تمامی استان های کشور کرد تا درصد زیادی از گروه هدف از بیماری خود آگاه و نسبت به درمان آن اقدام نمایند. این مطالعه به بررسی نتایج غربالگری فشار خون گروه هدف بسیج ملی کنترل فشار خون بالا در استان گلستان پرداخته است

روش کار: نتایج این مطالعه از اطلاعات پرسشنامه غربالگری فشار خون که برای افراد بالای ۳۰ سال، زنان باردار و بیماران کلیوی در بسیج ملی کنترل فشار خون توسط سنجشگران در خانه های بهداشت، مراکز خدمات جامع سلامت، پایگاههای بهداشت و ایستگاههای ثابت و سیار در طول طرح (۱۷ خرداد لغایت ۱۵ تیر ۹۸) تکمیل و در سامانه ناب ثبت گردیده بود استخراج شده است. **نتایج:** ۶۳۹۲۹۰ نفر (۷۱٫۴٪) از جمعیت بالای ۳۰ سال استان گلستان در این طرح غربالگری شدند. ۴۷٪ مردان و ۵۳٪ زنان بالای ۳۰ سال در این طرح مشارکت داشتند، ۱۲٫۵٪ افراد غربالگری شده مبتلا به فشار خون بالا و ۵٫۲٪ مبتلا به دیابت بودند که تنها نیمی از این افراد دارای پرونده الکترونیک سلامت بودند. ۳۱۴۷۶ نفر در این طرح مشکوک به فشار خون بالا شناسایی شدند که تا قبل از طرح از بیماری خود مطلع نبودند.

نتیجه گیری: نتایج این طرح نشان داد شیوع فشارخون و دیابت از شرق به سمت غرب استان روند افزایشی دارد. به نظر می رسد بالا بودن جمعیت سالمندان و چاقی، عامل خطر این افزایش شیوع در غرب استان باشد. نسبت افراد مشکوک به فشار خون بالا در جمعیت شهری شهرستانها خصوصا در غرب استان نحوه چشمگیری بالاتر است.

کلمات کلیدی: فشار خون بالا، بسیج ملی کنترل فشار خون، غربالگری



بروز استاندارد شده سنی سرطان لنفوم غیر هوچکین در ایران: یک مرور سیستماتیک و فراتحلیل

حامد دلام*، سهیل حسنی پور

hameddelam8@yahoo.com

مقدمه و هدف: لنفوم غیر هوچکین یکی از سرطان های شایع دستگاه گردش خون به شمار می رود، با این حال هیچگونه مطالعه جامع سیستماتیک در این زمینه انجام نشده است، بنابراین مطالعه مرور سیستماتیک و متآنالیز حاضر جهت تخمین میزان بروز سرطان لنفوم غیر هوچکین در جمعیت ایران طراحی شد.

روش کار: این مرور سیستماتیک بر اساس آیتم های گزارش شده برای مرور سیستماتیک (PRISMA) صورت گرفت. جستجو در چهار پایگاه بین المللی Medline/PubMed, Scopus, ISI/ Web of Science, Embase و چهار پایگاه ایرانی SID, MagIran, IranMedex و IranDoc تا ژوئن سال ۲۰۱۸ صورت گرفت. میزان بروز سرطان لنفوم غیر هوچکین با استفاده از مدل اثرات تصادفی محاسبه گردید.

نتایج: پس از جستجوی اولیه کلیه پایگاه های بین المللی و داخلی، ۲۶۲ مقاله یافت شد و پس از بررسی بیشتر مطالعات بازبایی شده، تعداد ۹ مقاله وارد تحلیل نهایی گردید. بر اساس مدل اثرات تصادفی میزان بروز استاندارد شده سنی سرطان لنفوم غیر هوچکین ۴۳/۴ با فاصله اطمینان ۹۵ درصد (۱۱/۶ - ۷۶/۲) برای مردان و ۷۹/۲ با فاصله اطمینان ۹۵ درصد (۸۸/۳ - ۷۱/۱) در ۱۰۰،۰۰۰ نفر برای زنان به دست آمد.

نتیجه گیری: میزان بروز استاندارد شده سنی سرطان لنفوم غیر هوچکین در ایران نسبت به سایر کشورهای جهان در حد پایین تری قرار دارد، با این حال، تحقیقات بیشتر جهت تعیین دقیق میزان بروز و روند این سرطان در جمعیت ایران، ضروری است.

کلمات کلیدی: بروز، لنفوم غیر هوچکین، مرور سیستماتیک، متآنالیز، ایران



برآورد شاخص مرگ مادر در ایران در سال های ۸۹ تا ۹۳ با روش صید- باز صید

علی رضا زمستانی*، بهاره یزدی زاده، آیت احمدی

ar.zemestani@gmail.com

مقدمه و هدف: همبستگی شدید میان نرخ مرگ مادران در یک جامعه و شاخص های توسعه یافتگی باعث شده که شاخص مرگ مادر به عنوان یکی از نشانگرهای توسعه یافتگی در جامعه در نظر گرفته شود. یکی از مشکلات موجود در داده های حاصل از منابع ثبت داده های مرگ مادر، کم گزارش دهی یا به طور کلی کم شماری است که ناشی از نادر بودن رخداد در جامعه هدف و گوناگونی منابع اطلاعاتی برای اندازه گیری مرگ مادر می باشد.

روش کار: در مطالعه حاضر، از روش تحلیل صید-بازصید سه منبعی استفاده شد. این روش می تواند مقدار کم گزارش دهی منابع مختلف جمع آوری داده ها را محاسبه کند. حجم نمونه مطالعه حاضر شامل همه موارد مرگ مادر بود که در فاصله ی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ در نظام کشوری مراقبت مرگ مادر، سازمان ثبت احوال کشور یا نظام ثبت مرگ کشوری ثبت و گزارش شده است. مدل های لگاریتم خطی، روش رویکرد پوشش نمونه ای و استفاده از مقدار معیارهای اطلاعاتی Akaike مدل های برآورد جمعیت به روش صید-باز صید می باشند که در مطالعه حاضر استفاده شده است.

نتایج: میزان مرگ مادران از سال ۸۹ تا ۹۳ به ترتیب، ۲۹/۱۹، ۲۵/۹۰، ۲۳/۹۹، ۲۴/۵۳، ۲۲/۸۱ در یکصد هزار تولد زنده برآورد شد. همچنین، میزان پوشش سه منبع در فاصله سا لهای ۸۹ تا ۹۳ به ترتیب ۷۳، ۸۳، ۸۲، ۸۰ و ۸۳ درصد تخمین زده شد.

نتیجه گیری: در نهایت، نتایج مطالعه حاضر مشخص میکند که با استفاده از سه منبع و کاربرد روش صید-بازصید می توان در مقایسه با استفاده از هریک از منابع به تنهایی، تخمین یا برآورد بهتری از تعداد موارد مرگ مادر دست آورد.

کلمات کلیدی: صید-بازصید، میزان پوشش، میزان حساسیت، مرگ مادر



بررسی شیوع سردرد تنشی و میگرنی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال

۱۳۹۳

خاتون عیسی زاده*، سید مرتضی شمشیرگران، محمد اصغری جعفرآبادی، نیره امینی ثانی، مازیار هاشمیلر

issazadehk@yahoo.com

مقدمه و هدف: سردردها از نظر ایجاد اختلال در انجام کارهای روزمره، پایین آوردن بازده کاری افراد، افزایش غیبت از کار، افزایش پریشانی های روان شناختی و مصرف خودسرانه داروهای مسکن، اهمیت به سزایی دارند. هدف از این مطالعه بررسی شیوع سردردهای تنشی و میگرنی در بین دانشجویان علوم پزشکی تبریز است.

روش کار: این مطالعه هم گروهی با تعداد ۵۱۵ نفر از دانشجویان ورودی ۹۳ دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام شد. در این مقاله اطلاعات سال پایه ارائه می گردد. داده ها با پرسش نامه ای که بر اساس معیارهای HIS تنظیم شده بود، جمع آوری شد، شیوع سردرد تنشی و میگرنی و ارتباط آن با برخی متغیرها مانند جنسیت، سن، رشته تحصیلی و ... مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه از نرم افزار Stata15 جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده گردیده است.

نتایج: میزان شیوع سردرد در بین دانشجویان، ۴۸،۹ درصد به دست آمد که در این بین ۶،۴ درصد مربوط به سردردهای میگرنی، ۱۱،۴ درصد مربوط به سردردهای تنشی و ۳۱،۱ درصد سایر سردردها بود. میزان شیوع سردردهای میگرنی در مردان حدود ۵،۲ درصد و در زنان ۷،۳ درصد و میزان شیوع سردردهای تنشی در مردان حدود ۸،۱ و در زنان حدود ۱۳،۴ درصد به دست آمد. در این مطالعه بین جنسیت و تأهل و محل سکونت با سردردهای تنشی و میگرنی وابستگی معنی داری به دست نیامد. بین دانشکده و رشته دانشجویان با سردردهای میگرنی وابستگی معنی داری به دست آمد و دانشجویان دانشکده مدیریت و رشته های مدیریت و بهداشت محیط بیشترین شیوع سردردهای میگرنی را در بین دانشکده ها و رشته ها داشتند.

نتیجه گیری: شیوع میگرن و سردرد تنشی در این مطالعه تقریباً مشابه با مطالعات دیگر گزارش شده است. اغلب حملات میگرنی به مداخله پزشکی نیاز دارد. بنابراین، کنترل شرایط تشدیدکننده بخصوص در دانشجویان علوم پزشکی اهمیت دارد.

کلمات کلیدی: شیوع سردرد، سردرد تنشی، سردرد میگرنی، میگرن، دانشجویان



بررسی عملکرد جنسی زنان شهر تهران و عوامل پیش گویی کننده

مینا چیدری*، مهدی رنجبران، نفیسه سید زاده اقدم، کتایون وکیلان، محسن شمسی

mina_ch2000@yahoo.com

مقدمه و هدف: اختلال عملکرد جنسی در زنان بسیار شایع بوده و یکی از شاخص هائی است که در رضایت زناشویی و تحکیم خانواده ها بسیار مهم است. این مطالعه با هدف تعیین شیوع انواع اختلالات عملکرد جنسی و متغیرهای پیشگویی کننده آن در زنان شهر تهران انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی توصیفی-تحلیلی از بین زنان متاهل شهر تهران ۲۰۰ نفر از طریق نمونه گیری در دسترس از مراجعین به مراکز بهداشتی-درمانی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل شاخص عملکرد جنسی زنان و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک بودند. داده ها با کمک آمارتوصیفی و آمار استنباطی شامل: ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن، آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: میانگین نمره عملکرد جنسی 21.14 ± 4.35 به دست آمد. ۴۴ نفر (۲۲٪) اختلال میل جنسی، ۶۵ نفر (۳۲.۵٪) اختلال برانگیختگی، ۵۷ نفر (۲۷.۵٪) اختلال رطوبت جنسی، ۴۴ نفر (۲۲٪) اختلال ارگاسم، ۵۸ نفر (۲۹٪) نارضایتی جنسی و ۴۱ نفر (۲۰.۵٪) اختلال درد جنسی را گزارش کردند. ارتباط معکوس و معناداری بین سن، مدت زمان ازدواج، مدت آخرین زایمان با عملکرد جنسی وجود داشت. در مدل چندگانه رگرسیون وضعیت زندگی زناشویی، میزان علاقه به همسر و سن همسر پیش گویی های معنی دار عملکرد جنسی بودند.

نتیجه گیری: به نظر می رسد وضعیت زندگی زناشویی، میزان علاقه به همسر و سن همسر نقش مهمی را در پیشگویی عملکرد جنسی زنان بازی می کند، به طوری که زنانی که زندگی شادتری را توصیف می کنند و به همسر خود علاقه مند هستند و سن خود و همسرشان پایین تر می باشد، عملکرد جنسی مطلوب تری را گزارش می کنند.

کلمات کلیدی: عملکرد جنسی، زنان، رضایت جنسی



مرگ بدلیل مسمومیت های غیر عمد در استان اردبیل بعنوان یکی از شاخص های مرتبط با سلامت توسعه پایدار از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶

امین عطائی*، الناز جعفروند

amin5143@yahoo.com

مقدمه و هدف: مسمومیت ها یکی از مشکلات عمده بهداشت عمومی در کشورهای با درآمد متوسط و پایین می باشد و سالانه حدود نیم میلیون نفر به دلیل انواع مسمومیت ها فوت می کنند. ابعاد واقعی مسمومیت ها بدلیل عدم وجود داده های کافی اپیدمیولوژیکی ناشناخته بوده و مطالعه مستندات بیمارستانی و گزارش های بهداشتی روند رو به رشد مسمومیت را نشان می دهند. در این مطالعه توزیع مرگ از انواع مسمومیت ها در استان اردبیل در طی ۷ سال به منظور تدوین راهکارهای مناسب جهت پیشگیری و یا کاهش آن بررسی شده است.

روش کار: در این بررسی از اطلاعات ثبت شده توسط معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان اردبیل استفاده شد. کلیه مسمومیت ها اعم از عمدی و غیر عمدی لحاظ گردید. توزیع سنی، جنسی و فصلی مرگ های ناشی از مسمومیت ها مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. برای بررسی ارتباط بین سن و جنس با نوع و علت مسمومیت از نرم افزار SPSS-24 استفاده گردید.

نتایج: بیشترین فراوانی مرگ در اثر مسمومیت های غیر عمد مربوط به فصل پاییز (۹۲/۳۰ درصد)، جنس مرد (نسبت جنسی ۹۴/۲) و مناطق شهری (۷/۷۲ درصد) بود. میزان مرگ به دلیل مسمومیت های غیر عمد ۴۸/۳ در صد هزار نفر جمعیت می باشد. بیشترین میزان مرگ به علت مسمومیت غیر عمدی در گروه سنی ۶۰-۳۰ سال مشاهده شد. ۵/۶۲ درصد مسمومیت ها ناشی از داروها و ترکیبات شیمیایی بوده و بعد از آن مسمومیت ناشی از گازها و بخارات می باشد. بین سن و جنس با نوع مسمومیت از لحاظ آماری اختلاف معنی دار مشاهده شد.

نتیجه گیری: برنامه ریزی برای انجام مداخلات برای گروه های پرخطر کاملاً لازم می باشد. آموزش از طریق رسانه های جمعی نیز حائز اهمیت می باشد. سیستم بهداشتی باید راهکارهای اختصاصی را برای پیشگیری از آسیب ها تدوین و اجرایی نماید.

کلمات کلیدی: مسمومیت، مسمومیت غیرعمد، مرگ و میر، توسعه پایدار، استان اردبیل



ارزشیابی نحوه مراقبت بیماران دیابتی تحت پوشش مراکز دیابت و کلینیک‌های تخصصی بیمارستان‌های ایران در سال ۱۳۹۷

قباد مرادی، بختیار پیروزی، امجد محمدی بلبان آباد، فرزاد بیدارپور، نادیا شکیبیا، آرین آزادنیا*

azadnia.a1989@gmail.com

مقدمه و هدف: پایش و ارزشیابی کیفیت مراقبت‌های سلامت و ارائه نتایج حاصل از آن باعث آگاه سازی ارائه دهندگان و سیاستگذاران نظام سلامت شده و زمینه را برای ارتقای سلامت فراهم می‌کند. با توجه به عدم اطلاع دقیق از نحوه ارائه مراقبت به بیماران دیابتی در مراکز دیابت، هدف این مطالعه ارزشیابی نحوه مراقبت به بیماران دیابتی تحت پوشش مراکز دیابت و کلینیک‌های درمانی بیمارستان‌های کشور می‌باشد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه شامل ۱۲۰۰ نفر از مراجعه کنندگان به کلینیک‌های سه شهر سنندج، سبزوار، اصفهان می‌باشند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای مشتمل بر پنج بخش شامل اطلاعات زمینه ای بیماران دیابتی، تاریخچه بیماری و وضعیت فعلی بیمار دیابتی، آزمایشات، کیفیت مراقبت از بیماران دیابتی، و دانش و آگاهی بیماران دیابتی بود. پرسشگری و تکمیل بخش‌های اول، سوم، چهارم و پنجم پرسشنامه توسط یک نفر کارشناس آموزش دیده انجام گرفت. یک نفر پزشک عمومی بخش دوم پرسشنامه را از طریق مصاحبه با بیمار و بررسی پرونده مراقبت او تکمیل می‌نمود.

نتایج: در کل ۱۱۹۸ نفر از بیماران مبتلا به دیابت مراجعه کننده به مراکز تخصصی دیابت مورد ارزیابی قرار گرفتند که اغلب آنها زن (۷۱ درصد)، و اکثراً بالای ۵۰ سال سن داشتند. در کل ۷۱/۷۹ درصد (۸۶۰ نفر) بیماران دیابتی سابقه داشتن عوارض کلیوی و ۶۲/۵۹ درصد آنها سابقه عوارض عصبی داشته‌اند. کمترین عوارض گزارش شده در این بیماران نیز مربوط به زخم پای دیابتی (۳/۱۹ درصد) و عوارض مغزی (۲/۱۷ درصد) می‌باشد. ۳۹/۴۶ درصد (۴۷۲ نفر) بیماران قند خون ناشتا (FBS نرمال) (Normal FBS: ≤ 130) و ۳۳/۷۸ درصد (۴۰۴ نفر) HBA1c نرمال داشتند.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که درصد پایینی از بیماران با پرونده فعال در کلینیک‌های تخصصی دیابت، HBA1c و قندخون ناشتای نرمالی دارند. بنابراین، بهبود مراقبت‌ها و پیگیری فعال بیماران دیابتی توسط این کلینیک‌ها توصیه می‌گردد. همچنین، افزایش آگاهی و دانش بیماران در خصوص بیماری دیابت و اهمیت خودمراقبتی می‌تواند در مراجعه منظم تر بیماران نقش مهمی داشته باشد و در نهایت منجر به کنترل بهتر علائم آنها شود.

کلمات کلیدی: دیابت، ارزشیابی، کلینیک تخصصی دیابت



ناامنی غذایی و عوامل موثر بر آن در خانوارهای دارای کودک زیر ۵ سال شهرستان کلبیر

سیما مسعودی*، قدسیه عبدالعلی زاده، حمیدرضا خلخالی

simamasudi@gmail.com

مقدمه و هدف: امنیت غذایی یک ویژگی ارزشمند برای درک وضعیت تغذیه خانوارها و کودکان آنها است و تاثیرات عمده‌ای به ویژه بر رشد و تکامل کودکان و سلامت مادران دارد. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت امنیت غذایی در خانوارهای کودکان دارای کودک زیر ۵ سال و عوامل موثر بر آن در شهرستان کلبیر انجام شد.

روش کار: این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۷ بر روی ۹۹۲ خانوار دارای کودک زیر ۵ سال که با انتخاب تصادفی از خانوارهای تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی شهرستان کلبیر انتخاب شده بودند، انجام شد برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های اطلاعات جمعیت شناختی شامل سن، شغل و سطح تحصیلات والدین، محل سکونت، تعداد افراد خانوار، وضعیت بیماری مادر و پرسشنامه امنیت غذایی ۱۸ سوالی USDA استفاده شد. ارتباط بین ناامنی غذایی با عوامل مورد بررسی از طریق آزمون‌های مجذور کای و رگرسیون لجستیک بررسی شد.

نتایج: از خانوارهای مورد بررسی ۵۱۷ خانوار (۵۱/۲ درصد) در وضعیت امن غذایی، ۲۸۳ خانوار (۲۸/۵ درصد) در وضعیت ناامنی غذایی بدون گرسنگی و ۱۸۵ خانوار (۱۸/۶ درصد) در ناامنی غذایی با گرسنگی بودند. از عوامل مورد بررسی در تحلیل تک متغیره شغل پدر، وضعیت شغلی مادر، تحصیلات مادر، میزان درآمد خانوار، سکونت در روستا و بیماری مادر با ناامنی غذایی رابطه داشت (p < ۰/۰۰۱). در تحلیل چند متغیره داشتن شغل با درآمد ناآب (OR)=۳/۶۰، CI95%: ۱/۲۵-۳/۶۰ و (OR)=۲/۱۲، درآمد بین ۱-۲ میلیون تومان (OR)=۳/۹۳، CI95%: ۱/۹۳-۷/۹۵ و (OR)=۱۲/۳۵، درآمد کمتر از یک میلیون تومان (OR)=۲/۳۷، CI95%: ۱/۵۰-۳/۷۵) و (OR)=۲/۳۷، CI95%: ۱/۵۰-۳/۷۵) مادر رابطه داشت.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان دهنده وجود نسبت بالایی از ناامنی غذایی در خانوارهای مورد بررسی و ارتباط بین عوامل اجتماعی-اقتصادی با ناامنی غذایی است. برای کاهش ناامنی غذایی در این جمعیت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم ضروری به نظر می‌رسد.

کلمات کلیدی: امنیت غذایی، ناامنی غذایی، عوامل اجتماعی اقتصادی



اپیدمیولوژی سرطان پروستات و عوامل بروز تغییر در روند آن در شمال غرب کشور

ساسان تالانه*، علی صدقیانی فر، زهرا ازاد کسب، نوشین انصافی

sasantalaneh@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان پروستات به عنوان دومین عامل مرگ و میر در جهان بین مردان می باشد از جمله عوامل بروز آن می توان به تغییرات محیطی و ژنتیکی اشاره کرد. شناخت عوامل و میزان تاثیرگذاری هر کدام از آن ها و تغییرات اپیدمیولوژی در بروز آن سرطان حائز اهمیت است. لذا هدف از این مطالعه بررسی اپیدمیولوژی سرطان پروستات و عوامل بروز تغییرات در روند آن در منطقه شمال غرب کشور می باشد.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی مقطعی میباشد که داده های مورد نظر از سال ۳۸۸ تا ۱۳۹۷ از گزارش سالانه ثبت موارد سرطان کشور تهیه شده و همچنین از نظر پارامترهای تعداد کل افراد و بروز استاندارد و میزان شروع مورد بررسی قرار گرفت و خصوصیات اپیدمیولوژی و روند بیماری ارائه کردید در نهایت داده ها با نرم افزار spss v.24 آنالیز گردید.

نتایج: بیشترین میزان بروز سرطان در بین استان های شمال غرب مربوط به شهر تبریز با میزان شیوع ۱۴/۲٪ بود از کل تعداد موارد ثبت شده در سال ۱۳۸۸ که برابر با ۷۲۴ نفر بود. تا سال ۹۸ این میزان به ۱۰۹۷ نفر رسیده بود که نشانگر یک روند رو به افزایش در میزان شیوع و توسعه آن می باشد. کمترین میزان بروز استاندارد سنی (ASR) در سال ۱۳۸۹ برابر با ۴/۱۹٪ در ۱۰۰ هزار نفر و بیشترین میزان بروز مربوط به سال ۹۵ برابر با ۱۱/۷۴ در ۱۰۰ هزار نفر بود. احتمال بروز سرطان پروستات در افراد کمتر از ۳۰ سال ۰/۰۳٪ و در رده سنی ۴۰ تا ۶۰ سال برابر ۱/۷ و بالای ۶۰ برابر با ۱۲/۶٪ بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج به دست آمده میزان بروز و شیوع سرطان پروستات در افراد دارای سن بالایی نسبت به افراد زیر ۳۰ سال بیشتر می باشد همچنین به دلیل افزایش سن کشور و جمعیت در حال مطالعه و تغییر در روند زندگی و تغذیه پیشنهاد می شود تا مطالعه اپیدمیولوژیک در مورد این سرطان و راه های تشخیص زودهنگام و قبل از ابتلاء مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژی، سرطان پروستات، شمال غرب، ژنتیکی



بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان در معتادان مراجعه کننده به مراکز درمان اعتیاد

شهر اصفهان

مسعود امیری*، سعید امیری، راحله برفی، حسن عسکریپور، مهدی نادری لردجانی، سجاد رحیمی پردنجانی

amirim39@yahoo.com

مقدمه و هدف: کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان تاثیرات فیزیکی، اجتماعی و روحی روانی ناشی از وضعیت سلامت دهان را مورد ارزیابی قرار می دهد. با توجه به شیوع بالای مشکلات دهان و دندان در معتادان هدف مطالعه حاضر بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان در معتادان مراجعه کننده به مراکز درمان اعتیاد شهر اصفهان بود.

روش کار: مطالعه حاضر توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی است. تعداد افراد مطالعه ۲۶۷ معتاد تحت درمان نگهدارنده متادون در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۵ به روش نمونه گیری طبقه ای - خوشه ای انتخاب گردیدند. مصاحبه با بیماران در مورد ویژگیهای دموگرافیک، تاریخچه اعتیاد و تاثیر مشکلات دهان بر فعالیت های روزانه (OIDP) انجام شد و شاخص DMFT در آنها تعیین شد. داده ها توسط نرم افزار آماری SPSS v.22، آزمون t-test، همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آنالیز واریانس ANOVA و رگرسیون خطی در سطح معنی داری ۰،۰۵ تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: ۹۹٪ معتادان مرد بودند. میانگین سنی افراد ۵۵،۱ سال با انحراف معیار ۹،۹ بود. حدود سه چهارم افراد (۷۴،۱٪) حداقل اثر یکی از مشکلات دهان را بر فعالیت های روزانه طی شش ماه گذشته تجربه کرده بودند. بیشترین مشکلی که بیماران اعلام کرده بودند اختلال در غذا خوردن (۶۴،۸٪) بود و بیشترین دلیل مشکلات دندانی به ترتیب از دست دادن دندان، پوسیدگی دندان، جرم و دندان درد بوده است. شاخص OIDP با سن شروع مصرف مواد ($r=-0.261 < 0.001$)، مدت دوری از مواد ($r=-0.005$)، مدت (DT) رابطه معکوس و با مدت اعتیاد رابطه مستقیم داشت. ($r=0.17$)، شاخص های (OIDP) با شاخص های (DMFT) ($r=0.196$)، ($p=0.001$)، ($r=0.155$) رابطه مستقیم داشت. بر اساس نتایج آنالیز رگرسیون خطی چندگانه نیز سن شروع مصرف مواد، مدت اعتیاد، مدت دوری از مواد و همچنین شاخص های DT و DMFT رابطه معنی داری با OIDP داشتند.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق حاضر نشان دهنده تاثیر قابل توجه بیماری های دهان و دندان در کاهش کیفیت زندگی افراد معتاد بود. بنابراین برای افزایش ارتقاء شاخص های دهان و دندان در معتادان بایستی دسترسی آنها به مراقبت های درمانی و پیشگیری را تسهیل و فراهم نماییم

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی مرتبط با سلامت دهان، سلامت دهان، اعتیاد، شهر اصفهان



سرمایه اجتماعی در ساکنین حاشیه شهر مشهد - یک مطالعه مبتنی بر جامعه

احمد مهری*، فاطمه هداوند، علی اکبر حسن پور، اکرم رباط جزئی

mehri2602@gmail.com

تحقیقات نشان می دهد سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اجتماعی تاثیرگذار بر پیامدهای سلامتی بویژه بیماری های غیر واگیر است. از آنجایی که سلامتی بعنوان یکی از نگرانی های نظام سلامت در حواشی شهرهاست از این رو هدف از انجام این پژوهش بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در حاشیه شهر مشهد است. پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی بر روی ۳۰۰ نفر از ساکنین حاشیه شهر مشهد و از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه ۳۶ گویه ای دارای ۸ حیطه سرمایه اجتماعی اونیکس و بولن بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی، T-test، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون خطی چندگانه با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد. میانگین سنی افراد ۳۴,۶ (SD=11) بود. میانگین و فاصله اطمینان ۹۵ درصد نمره سرمایه اجتماعی شرکت کنندگان در مطالعه ۵۳,۶۳ (۵۲,۴۹-۵۴,۸۲) بدست آمد. در بین حیطه های هشت گانه سرمایه اجتماعی، ارزش زندگی و مشارکت در جامعه محلی به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین نمره را کسب کردند. نتایج الگوی رگرسیونی چند متغیره نشان داد متغیرهای جنس، تحصیلات و سلامت خودابراز تطبیق یافته برای سایر متغیرها ۲۱ درصد از تغییرات سرمایه اجتماعی کل را پیش بینی میکنند که این مقدار از نظر آماری نیز معنی دار بود.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، سلامت خود ابراز، حاشیه شهر، تعیین کننده های اجتماعی



بررسی استرس و پرخاشگری در بیماران مبتلا به دیابت

محدثه هادی*، معصومه رمضانیان

mdshadi424@gmail.com

مقدمه و هدف: دیابت یکی از عوامل استرس زا در زندگی و جامعه است و عدم کنترل آن منجر به بروز رفتار های نامناسب از جمله پرخاشگری در فرد می شود. برخورداری از سلامت روان و کاهش استرس در بیماران میتواند باعث ارتباط سالم تر فرد در جامعه و دریافت بهتر خدمات بهداشتی شود لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط اپیدمی دیابت و گسترش استرس و پرخاش در جامعه انجام شد

روش کار: این مقاله بر اساس مقالات یافت شده در SID google scholar pubmed و موتور های جستجوی دیگری گردآوری شده است.

نتایج: یافته های به دست آمده نشان داد بین استرس و پرخاشگری بیماران دیابتی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد. **نتیجه گیری:** از آنجا استرس و اضطراب بر بیماری دیابت بسیار مشهود بوده است لذا توصیه می شود در درمان بیماران دیابتی برنامه آموزشی کنترل استرس و کاهش اضطراب را جزئی برنامه های اصلی درمان بیماران دیابتی قرار داده لذا هم در روند بهبود درمان بسیار موثر بوده و همچنین باعث کاهش پرخاش و زندگی راحت تر بیماران دیابتی و همچنین سایر بیماران مزمن شده که در مقاله در رابطه با چگونگی کنترل استرس و راه های مقابله با آن نیز مورد مطالعه قرار گرفته شده است.

کلمات کلیدی: دیابت، استرس، پرخاشگری



اپیدمیولوژی سرطان معده در استان آذربایجان غربی طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۲

رابعه حسامی*، رسول انتظار مهدی، حمیدرضا خلخالی، امید اثنی عشری

sh.hesami90@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان معده پنجمین شایع جهان است. هدف از این مطالعه به دست آوردن پروفایلی از ویژگی‌های اپیدمیولوژیک سرطان معده در استان آذربایجان غربی می‌باشد.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی بر روی ۹۳۰ بیمار مبتلا به سرطان معده ثبت شده در نظام ثبت سرطان استان آذربایجان غربی طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۲ انجام و آنالیز داده‌ها توسط نرم‌افزار Stata نسخه ۱۱ صورت پذیرفت.

نتایج: دامنه سنی بیماران ۲۰ تا ۱۰۷ سال با میانگین سنی ابتلا $4/12 \pm 4/66$ سال بود. ۴/۶۹ درصد بیماران مرد، ۱/۵۶ درصد ساکن شهر، ۳/۶۷ درصد متأهل، ۲/۵۷ درصد آذری‌زبان و اکثریت مردان و زنان به ترتیب، بازنشسته و خانه‌دار بودند. بر اساس خصوصیات پاتولوژی، درجه تمایز یافتگی تومور ضعیف، هیستوپاتولوژی آدنوکارسینوما، محل قرارگیری تومور کاردیا، اندازه تومور کمتر از ۶ سانتی‌متر، عمق تهاجم تومور T3، عدم رخ داد متاستاز به گره لنفاوی (NO) بیشترین فراوانی را داشتند. بر اساس خصوصیات بالینی، درد اپی گاستر شایع‌ترین علامت بالینی و ۵/۳۲ درصد بیماران در زمان تشخیص دارای متاستاز دوردست بودند. ۸/۸۵ درصد متاستاز به یک عضو رخ داده و کبد بیشترین عضو درگیر می‌باشد. ۸/۱۰ درصد بیماران هم‌زمان به سایر بیماری‌ها مبتلا و فشارخون بالا بیشترین فراوانی را داشت. ۳/۴۰ درصد بیماران درمان نشده و ۵/۳۷ درصد جراحی و ۴/۵۰ درصد تحت عمل جراحی سبب توتال قرار گرفته بودند.

نتیجه گیری: نتایج نشان‌دهنده افزایش بروز سرطان معده بعد از سن ۵۰ سالگی و تشخیص در مرحله ۴ بیماری است؛ بنابراین جدی گرفتن علائم گوارشی و انجام اقدامات تشخیصی لازم با تأکید ویژه بر تشخیص زودهنگام بیماری و کاهش میزان مرگ‌ومیر برای جمعیت در معرض خطر توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژی، سرطان معده، استان آذربایجان غربی



بررسی ارتباط وضعیت اقتصادی - اجتماعی با کنترل فشار خون در بیماران مبتلا به فشار خون بالا در استان لرستان در سال ۱۳۹۴

عباس نجف پور*، سیدرضا مجدزاده، سحرناز نجات

najafpourabbas@yahoo.com

مقدمه و هدف: افزایش فشارخون یکی از مهمترین مشکلات سلامت عمومی و رو به گسترش در سطح دنیا به علت شیوع بالای آن و ارتباط با بیماری قلبی عروقی می باشد. در رساندن فشارخون به سطحی که بتواند از عوارض نامطلوب جلوگیری کرد فاکتورهای زیادی دخیل هستند که در این بین عوامل اقتصادی - اجتماعی نقش انکار ناپذیری را ایفا می کنند. این مطالعه به منظور بررسی ارتباط بین وضعیت اقتصادی اجتماعی و کنترل فشارخون در بیماران مبتلا به فشارخون بالا طراحی شده تا با شناسایی اجزای تأثیر گذار بر کنترل فشارخون بیماران، بتواند فرصتی برای کاهش عوارض بیماری در این افراد بوجود آورده یا موجب به تأخیر انداختن عوارض بیماری شود.

روش کار: این مطالعه مقطعی توصیفی - تحلیلی بوده که نمونه ای به تعداد ۳۸۹ نفر از بین تمامی بیماران بالای ۳۰ سال مبتلا به فشارخون بالای شناسایی شده ساکن مناطق روستایی استان لرستان براساس نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شده و بر اساس پرسشنامه و اندازه گیری فشارخون (میانگین دوبر اندازگی) برای بررسی و آنالیز آماری استفاده شد. اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه ها و مصاحبه ها در ارتباط با متغیرهای دموگرافیک و زمینه ای و نمره کلی وضعیت اقتصادی - اجتماعی بعنوان متغیرهای مستقل، با وضعیت کنترل فشارخون بعنوان متغیر وابسته با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. که جهت آنالیز از آزمون های کای دو، دقیق فیشر و رگرسیون لاجستیک استفاده شد سطح معنی داری در این مطالعه ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: در بیماران بررسی شده فقط ۳۹/۸٪ (در زنان ۴۲/۳٪ و در مردان ۳۵/۸٪) فشارخونشان کنترل شده (کمتر از ۱۴۰/۹۰) بود. علیرغم تفاوتی که بین کنترل فشارخون و محل دریافت خدمات مشاهده شد (بخش دولتی ۳۸/۳٪ در مقابل ۵۱٪ بخش خصوصی) اما این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود. ارتباط معنی داری بین سطح تحصیلات و کنترل فشارخون مشاهده گردید به نحوی که با افزایش تعداد سال های تحصیل، کنترل پرفشاری خون نیز افزایش پیدا می کرد ($P=0.003$). بین وضعیت تأهل با کنترل فشار خون رابطه معنی داری مشاهده شد ($P=0.04$). کنترل فشارخون در افراد متأهل بهتر از غیر متأهل ها (مجردها، مطلقه ها و بیوه ها) بود. بین وضعیت آگاهی و کنترل پرفشاری خون رابطه معنی دار بوده و با افزایش سطح آگاهی کنترل پرفشاری خون نیز افزایش پیدا می کرد ($p=0.028$). اختلاف معنی داری بین کنترل فشارخون و جنس مشاهده شد ($p=0.016$). کنترل فشارخون در زنان بهتر از مردان بود. اما ارتباط معنی داری بین متغیرهای وضعیت اقتصادی، قومیت، سن و شهرستان محل سکونت با کنترل فشار خون مشاهده نشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این مطالعه مبنی بر شیوع بالای عدم کنترل پرفشاری خون (۶۰٪) در بیماران و نظر به اینکه افزایش سطح تحصیلات و بالا رفتن آگاهی ارتباط معنی داری با کنترل پرفشاری خون داشت، با اتخاذ تدابیر لازم و انجام برنامه های مداخله ای متناسب با گروه های هدف، سطح سواد و... در راستای افزایش سطح آگاهی بیماران و خانواده های آنان در رابطه با ماهیت بیماری و راه های درمان و کنترل فشارخون، می توان به آنها کمک کرد.

کلمات کلیدی: فشارخون، پرفشاری خون، وضعیت اقتصادی - اجتماعی



بررسی عوامل خطر سرطان پستان در زنان ایرانی

مجید جنانی*، فرشته بهشتی‌نیا

majid.jananiiii@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان پستان یکی از شایع ترین سرطان‌ها در زنان جهان میباشد و طبق گزارشات ۳۳٪ سرطان های زنان و حدود ۲۰٪ مرگ‌های ناشی از سرطان به علت سرطان پستان رخ میدهد. بروز این بیماری در ایران نیز روند صعودی داشته و در سال ۲۰۱۷ با شیوع ۳۴،۵ در ۱۰۰،۰۰۰ نفر، شایع‌ترین سرطان در بین زنان ایرانی بوده است. بروز بالا و روزافزون این بیماری در ایران ضرورت بررسی عوامل موثر بر ریسک فاکتورهای موثر بر ابتلا به سرطان پستان را بیش از پیش نمایان میکند و به همین منظور، این پژوهش با هدف شناخت عوامل موثر بر ابتلا به سرطان پستان در زنان ایرانی از طریق مرور مقالات انجام شده است.

روش کار: مرور مقاله ها توسط چک لیست پریمسا و در سه بانک اطلاعاتی PubMed, Scopus, web of science انجام شد. کلمات OR breast neoplasm breast cancer با ترکیب کلمه risk factor جست و جو شدند و سپس ریسک فاکتورهایی که در مقالات ایرانی گزارش شده بودند، جمع بندی شدند.

نتایج: در سرچ اولیه در پایگاه داده های ذکر شده، ۹۸ مقاله پیدا شد که از این بین فقط مقالات مرتبط که عوامل خطر را در زنان ایرانی بررسی کرده بودند و به زبان فارسی یا انگلیسی نمایه شده بودند، وارد مطالعه شدند. ۶۸ مقاله مرتبط در ایران انجام شده بود و از این بین ۱۸ مقاله معیارهای لازم برای ورود به مطالعه داشتند. در این مقالات فاکتورهای سن، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، مصرف میوه و سبزیجات، مصرف غذاهای پرچرب، فعالیت فیزیکی، سیگار کشیدن فعال و غیرفعال، استرس، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، شغل، BMI، سن قاعدگی، وضعیت یائسگی، سابقه حاملگی، تعداد فرزندان، سن اولین بارداری، سابقه سقط، طول مدت شیردهی، ناباروری، مصرف و مدت زمان مصرف قرص های OCP، و ... مورد بررسی قرار گرفتند.

نتیجه گیری: کمیت و کیفیت مقالات نمایه شده در این زمینه پایین بوده و نمیتوان ارتباط بین عوامل خطر و ابتلا به سرطان پستان را بجز در ریسک فاکتورهای سن و سابقه خانوادگی که تمامی مقالات ارتباط معنی دار پیدا کرده اند بیان کرد و در اندازه گیری میزان ارتباط بقیه عوامل و ابتلا به سرطان پستان اتفاق نظر وجود ندارد و نیاز به بررسی بیشتر در آینده احساس میشود.

کلمات کلیدی: سرطان پستان، عوامل خطر، زنان ایرانی



بررسی عوامل اپیدمیولوژیک بستری نوزادان در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان

شهید صدوقی یزد در سال ۹۶

حدیثه سنجری پور*، محمد حسین باقیانی مقدم

hedieh.sp1993@gmail.com

مقدمه و هدف: میزان مرگ و میر نوزادان یک شاخص استاندارد برای توسعه سیستم‌های مراقبتی بهداشتی، آموزشی و اجتماعی است که تاثیر مستقیمی بر شاخص‌های مرگ و میر شیرخواران و کودکان زیر ۵ سال دارد. تلاش برای ارتقای سلامت و کاهش مرگ و میر نوزادان از جنبه‌های مختلف سلامتی، اجتماعی، روانی و اقتصادی ارزشمند است و فواید آن تنها به دوره نوزادی محدود نگردیده بلکه تمام عمر ادمی را در برمی گیرد. اولین گام در کاهش مرگ و میر ارتقا سطح این شاخص شناسایی علل بستری و مرگ و میر است. دانستن این علل در برنامه ریزی صحیح جهت تقویت سیستم‌های مراقبت دوران بارداری، زایمان و نوزادان در جامعه بسیار مؤثر است.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی است که به روش مقطعی بر روی نوزادان بستری شده در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان شهید صدوقی یزد در سال ۹۶ انجام شده است. اطلاعات بیماران از پرونده‌ها و مدارک پزشکی آنها جهت گردآوری اطلاعات و تکمیل پرسشنامه‌ی مربوطه استفاده شد و داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و آزمون‌های T-test, Chi Square مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه‌هایی که در پرونده‌های آنها ثبت اطلاعات ناقص انجام شده باشد از مطالعه حذف می‌شوند.

نتایج: در مطالعه‌ی حاضر ۳۹۹ نوزادی که در سال ۹۶ در NICU بستری شده بودند مورد بررسی قرار گرفتند. از ۳۹۹ نوزاد مورد بررسی در این بخش، ۲۲۴ نوزاد پسر (۵۱٪) و ۱۷۴ نوزاد دختر (۴۹٪) بودند. ۱۲۳ نوزاد (۳۰٪/۱۸) حاصل حاملگی پرخطر بودند. در این مطالعه ۲۵۵ نوزاد (۶۳٪/۹) حاصل زایمان سزارین و ۱۴۳ نوزاد (۳۵٪/۱۸) حاصل زایمان طبیعی بودند. ۲۳۳ نوزاد (۵۸٪/۱۸) از موارد بستری در بخش مراقبت‌های ویژه‌ی نوزادان، نارس متولد شده بودند و ۱۶۶ نوزاد (۴۱٪/۲) ترم بودند. ۲۳۰ نوزاد (۵۷٪/۱۶) وزن کمتر از ۲۵۰۰ گرم داشتند (LBW)، میانگین وزن موقع تولد در کل نوزادان بستری ۲۱۷۲ گرم بود. شایع ترین علل بستری شامل نارسی نوزاد ۴۴/۳٪، دیسترس تنفسی ۳۵/۳٪ و سپس به ترتیب ناهنجاری مادرزادی ۱۷/۲٪، زردی ۱۱/۵٪، سپسیس ۱۰/۵٪، بی قراری و ناله‌ی نوزادی ۵/۲٪، ROP 01/5٪، اسفیکسی ۴/۲٪، اختلال رشد داخل رحمی ۴/۰۱٪، وزن کم هنگام تولد ۳/۷٪، پنومونی ۳/۷٪، تشنج ۳/۲٪، فتق کشاله‌ی ران ۳/۲٪، IVH 2/2٪، TTN0/2٪، اسپیراسیون مکنونیوم ۱/۷٪ و سایر علل بود. از ۱۷/۲٪ نوزادی که ناهنجاری مادرزادی داشتند، ۵۰ مورد (۷۲٪/۴) پسر و ۱۹ مورد (۲۷/۵٪) دختر بودند. از ۶۹ مورد ناهنجاری مادرزادی ۱۷ مورد آن (۲۴٪/۱۶) با بیشترین فراوانی مبتلا به ناهنجاری‌های قلبی عروقی بودند. از ۳۹۹ مورد بستری، ۲۹۰ نوزاد (۷۲/۷٪) با بهبودی نسبی ترخیص شدند، ۵۶ نوزاد (۱۴٪) فوت شدند، ۷ نوزاد (۱٪/۸) با بهبودی کامل ترخیص شدند و ۴۶ نوزاد (۱۱٪/۵) بدون بهبودی یا بارضایت شخصی بیمارستان را ترک کردند. شایع ترین علل مرگ و میر زمینه‌ای شامل نارسی نوزاد ۵۷/۱٪، ناهنجاری مادرزادی ۲۱/۴٪، سپسیس ۱۰/۷٪ و سایر علل ۱۷/۸٪ بود. از ۵۶ مورد مرگ، ۳۰ موردشان (۵۳٪/۱۵) در ۲۴ ساعت اول تولد فوت شده بودند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه که روی ۳۹۹ نوزاد بستری در بخش مراقبت‌های ویژه انجام شد نشان داد که شایع ترین علل بستری و مرگ نوزادان، نارسی و عوارض مربوط به آن و ناهنجاری مادرزادی می‌باشد. برای کاهش مرگ نوزادان ارتقا خدمات اولیه بهداشتی بسیار ضروری است. مراقبت کافی از نوزادان نارس و پیشگیری از تولد زودرس خودبه خودی می‌تواند عامل مؤثری در کاهش بستری و مرگ و میر دوران نوزادی باشد.

کلمات کلیدی: عوامل اپیدمیولوژیک، نوزادان، بخش مراقبت‌های ویژه‌ی نوزادان، بستری



بررسی میزان شیوع استرس حاد بعد سانحه و عوامل موثر بر آن در کودکان دارای تجربه حادثه ترافیکی در تهران

علی مرادی

amoradi1350@yahoo.com

مقدمه و هدف: ایران به لحاظ سوانح و حوادث جاده ای و ترافیکی به عنوان یکی از کشورهای که دارای بیشترین موارد تصادف و مرگ و میر، معرفی شده است. بررسی شیوع استرس حاد پس از حادثه در قربانیان سوانح ترافیکی و عوامل و زمینه های این نوع اختلالات به ویژه در کودکان می تواند به روشن شدن بیشتر ابعاد عوارض روانی این نوع حوادث در جامعه کمک نماید.

روش کار: مطالعه حاضر بصورت مقطعی انجام شد. نمونه تعیین شده در بین طبقات بر حسب جنس و گروه های سنی به روش تخصیص متناسب (proportional allocation) تقسیم شد. نمونه ها از میان مجروحین سوانح ترافیکی که در طول سال ۱۳۹۳ به بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران مراجعه نموده بودند، به صورت تصادفی انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد سنجش اختلال استرس حاد بعد از حادثه در کودکان انجام شد. تجزیه و تحلیل داده ها بوسیله نرم افزارهای SPSS و Stata در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام شد.

نتایج: در این مطالعه در مجموع ۴۵۰ نفر مورد بررسی قرار گرفت. ۳۴۴ (۷۶٪/۴) نفر آنها پسر و ۱۰۶ (۲۳٪/۶) نفر آنها دختر بودند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان در مطالعه به ترتیب ۱۰/۹۰ و ۴/۰۴ سال بود. بر اساس نتایج تحلیل مولفه های اصلی به ترتیب ۱۲۱ (۲۶٪/۹) و ۷۶ (۱۶٪/۹) نفر از کودکان مورد مطالعه هنگام انجام مصاحبه علائم استرس خفیف و شدید بعد از حادثه ترافیکی داشته اند و ۲۵۳ (۵۶٪/۲) نفر از آنها علائم استرس حاد بعد از حادثه ترافیکی را نشان نداده اند. پس از حذف اثر متغیرهای مخدوش کننده، با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک ارتباط جنس، سطح تحصیلات مادر، محل وقوع حادثه، قومیت و زمان سپری شده بعد از حادثه با استرس حاد بعد از وقوع حادثه ترافیکی از نظر آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت نقش عوامل محیطی و اقتصادی-اجتماعی در بروز عوارض ناشی از سوانح و حوادث رانندگی مرتبط با کودکان به ویژه استرس حاد بعد از حادثه، برطرف نمودن عوامل خطر محیطی و اقتصادی اجتماعی انجام مطالعات بیشتر در خصوص شناسائی دقیق تر این عوامل ضروری به نظر میرسد.

کلمات کلیدی: حوادث رانندگی، استرس حاد، کودکان



بررسی اپیدمیولوژیک حوادث مراسم چهارشنبه سوری ایران در سال ۹۶

فاطمه سادات عسگریان*، حسین اکبری

fatisadat@yahoo.com

مقدمه و هدف: چهارشنبه سوری یکی از جشن های ایرانی است که در شب آخرین چهارشنبه هر سال برگزار شده و در آن از مواد محترقه و آتش بازی استفاده می شود هدف این مطالعه بررسی اپیدمیولوژیکی حوادث مراسم چهارشنبه سوری در سال بوده است. **روش کار:** پژوهش حاضر مطالعه ای مقطعی است که به بررسی اپیدمیولوژیکی حوادث در مراسم چهارشنبه سوری سال ۹۶ پرداخته است. جامعه پژوهش شامل کلیه افراد مراجعه کننده به کلیه مراکز بیمارستانی در سطح کشور در شب چهارشنبه سوری می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه های دو قسمتی حاوی اطلاعات دموگرافیک و عوامل مربوط به سوختگی بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها، میزان بروز حوادث در استان های مختلف و بر حسب عوامل سن، جنس، شغل و تحصیلات محاسبه شد.

نتایج: تعداد ۳۲۸۵ حادثه در فاصله ۱۵ اسفند تا ۴ فروردین ماه ۱۳۹۶ دچار آسیب ناشی از مواد محترقه گردیدند. میزان بروز مصدومیت در سال ۱۳۹۵، ۳/۲ در صد هزار نفر بود و در سال ۱۳۹۶، ۴/۲ در صد هزار نفر محاسبه شد. بیشترین میزان بروز مربوط به استان های قزوین (۱۵/۹۲) کردستان (۱۳،۷) و کمترین میزان آن مربوط به استان های کرمان (۰/۱۱) سیستان (۰/۲۳) و یزد (۰/۲۳) و در صد هزار نفر بوده است.

نتیجه گیری: آتش بازی در مراسم چهارشنبه سوری به دردرسر ملی تبدیل شده چرا که نه تنها اصول اولیه و اهداف سنتی آن حفظ نمی شود بلکه با استفاده از وسایل آتش زای مخرب، صدمات و آسیب های فراوانی را بر خانواده ها و دولت تحمیل می نماید. برای پیشگیری از حوادث آتی نیاز به آموزش و دادن آگاهی به افراد جامعه به خصوص قشر جوان و نوجوان ضروری است

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژی، چهارشنبه سوری، سوختگی



ارزیابی ریسک سلامت مواجهه احتمالی با فلزات سنگین و شبه فلزات رسوبات سطحی دریاچه

ارومیه

سپیده نعمتی منصور*، محمد مسافری، جهانگیر اکرامی

nemati.sepid@gmail.com

مقدمه و هدف: با کاهش تراز آب دریاچه ارومیه و گسترش اراضی شور اطراف آن، امکان انتشار ذرات رسوب توسط باد افزایش یافته و در صورت آلودگی این رسوبات، احتمال مواجهه جوامع اطراف دریاچه از طریق تنفس گردو غبار آلوده، انباشت فلزات در گیاهان و محصولات کشاورزی و تغلیظ آنها در زنجیره غذایی و نیز از طریق تماس پوستی افزایش می یابد. لذا مطالعه حاضر با هدف ارزیابی آلودگی رسوبات دریاچه ارومیه به فلزات سنگین و ریسک سلامتی محتمل ناشی از این مواجهه انجام شد.

روش کار: جهت ارزیابی وضعیت آلودگی فلزات سنگین و شبه فلزات، تعداد ۲۶ نمونه از رسوبات سطحی و نمک دریاچه ارومیه از بخشهای مختلف حاشیه شرقی و جنوبی تهیه و پس از آماده سازی، با روش ICP-MS آنالیز گردید. پتانسیل خطر سرطان زایی و غیرسرطان زایی از طریق مصرف، جذب پوستی و تنفس ذرات نمک و رسوب با استفاده از روابط مربوط به محاسبات ریسک سلامت تخمین زده شد.

نتایج: براساس نتایج بدست آمده، میانگین دریافت روزانه عناصر مورد بررسی کمتر از مقادیر مرجع بوده و مقادیر ضریب خطر و شاخص خطر کمتر از یک بدست آمد که در محدوده قابل قبول برای خطرات غیر سرطانزا قرار دارد. مقدار میانگین ریسک سرطانزایی از تمام عناصر فوق در مجموع ایستگاه های مورد پایش ۵-۱۰×۱۰^{-۶} می باشد (یک نفر در هر ۲۸۰۸۹ نفر). حداکثر میانگین، مربوط به آرسنیک و از طریق بلع به میزان ۵-۱۰×۱۰^{-۶} می باشد. بیشترین ریسک سرطانزایی از طریق تنفس نیز مربوط به کروم با میانگین (۷-۱۰×۱۰^{-۶}) می باشد که ریسک قابل قبول برای سلامت انسان را نشان می دهد.

نتیجه گیری: اگر چه نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان داد که سطوح ریسک سرطان زایی و غیرسرطان زایی عناصر انتخابی محدوده بررسی شده در محدوده قابل قبول یا نزدیک به آن قرار دارد، با این حال آرسنیک، جیوه و استرانسیوم عمده آلاینده های شناسایی شده در نمونه رسوبات مورد بررسی می باشند که مقادیر میانگین آن ها بیش از میانگین شل جهانی بوده و دارای ریسک اکولوژیک می باشند. موارد یاد شده، ضرورت انجام ارزیابی ها و مطالعات اپیدمیولوژیک تکمیلی و گسترده تر و به ویژه با تمرکز بر روی گروه های آسیب پذیر مانند کودکان را خاطر نشان می سازد.

کلمات کلیدی: فلزات سنگین، آلودگی رسوبات، دریاچه ارومیه، ارزیابی خطر



بررسی همبستگی بین کیفیت زندگی و سلامت عمومی در معنادان تحت درمان با مواد نگهدارنده

حسن سعادت^۱، حمید توکلی، حدیث براتی

hasansaadati1391@gmail.com

مقدمه و هدف: اندازه گیری کیفیت زندگی بعنوان شاخص وضعیت سلامت در زمینه مراقبت های بهداشتی کاربرد گسترده ای دارد. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط بین کیفیت زندگی و سلامت عمومی در مراجعین به مراکز درمانی معتد، در شهرستان بجنورد صورت گرفته است.

روش کار: مطالعه حاضر بصورت توصیفی تحلیلی و به روش مقطعی می باشد که در مجموع ۳۱۴ نفر از بیماران مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد شهرستان بجنورد با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-26) و پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28) استفاده شد. بعد از جمع آوری اطلاعات، داده ها با استفاده از شاخص های توصیفی و ضریب همبستگی بوسیله نرم افزار آماری SPSS18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین و انحراف معیار سن افراد مورد مطالعه $43/9 \pm 12/9$ سال بود. اکثریت افراد مورد مطالعه را مردان (۲۶۷ نفر / ۸۵٫۰۳٪) و افراد ساکن مناطق شهری (۲۴۳ نفر / ۷۷٫۳۹٪) تشکیل می دادند. ۵۱ نفر از افراد مورد مطالعه (۱۶٫۲۴٪) مجرد بودند. از کل افراد مورد پژوهش ۱۱۷ نفر (۳۷٫۲۶٪) کارگر و ۱۱ نفر (۳٫۵٪) کارمند بودند. بالاترین همبستگی بین بعد اجتماعی کیفیت زندگی و بعد اضطراب سلامت عمومی مشاهده شد ($r = -0.470, p < 0.0001$). همچنین بین بعد اجتماعی کیفیت زندگی و بعد علائم جسمانی و افسردگی سلامت عمومی نیز میزان همبستگی بالا و معنی دار وجود داشت ($r = -0.454, r = -0.448, p < 0.0001$). نمره کل کیفیت زندگی بیشترین همبستگی را با بعد علائم جسمانی سلامت عمومی ($r = -0.554, P < 0.0001$) و نمره کل سلامت عمومی بیشترین همبستگی را با بعد اجتماعی کیفیت زندگی داشت ($r = -0.511, P < 0.0001$).

نتیجه گیری: بر اساس مطالعه حاضر می توان نتیجه گرفت که کیفیت زندگی بیماران مراجعه کننده به مراکز درمانی با سلامت عمومی آنان همبستگی معکوس، مهم و معنی داری دارد.

کلمات کلیدی: درمان های نگهدارنده با متادون، کیفیت زندگی، سلامت روان



اسرار نوروفیبروماتوز

فاطمه جعفریان*، سیده سمانه دهقانی

fateme.jafarian73@gmail.com

مقدمه و هدف: نوروفیبروماتوز یک بیماری ژنتیکی اتوزوم غالب میباشد که عامل آن اختلال ارثی سیستمیک با تظاهرات مختلف در پوست، استخوان و سیستم عصبی است که در اثر جهش در ژن تولید کننده نوروفیبرین ایجاد میشود. این مطالعه با هدف مشخص نمودن سن، جنس، علائم بالینی و ارزیابی روش های درمانی صورت گرفته؛ تنظیم شده است.

روش کار: مطالعه حاضر با جستجو به صورت مروری در متون و مقالات موجود در بانک های اطلاعاتی Magiran, SID, PubMed و Science direct با کلید واژه های فارسی نوروفیبروماتوز، توده ولو، سندرم رکین هاوزن، Brown tumor و Neurofibromatosis بین سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲ جستجو شد. تعداد ۳۷ مقاله فارسی و ۶ مقاله لاتین مرتبط با موضوع جمع آوری شد که نتایج بازایی شده آنها مورد بررسی و دسته بندی قرار گرفت. داده ها و با استفاده از نرم افزار جامع متا آنالیز (V2.0, Biostat) تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: پیدایش تومورها از اواخر دوران کودکی یا اوایل بلوغ بوده و با افزایش سن تعداد آنها بیشتر می شود. تظاهرات این بیماری در سن رشد و از ۵ سالگی شروع می شود. علائم نوروفیبروماتوز شامل اختلالات پیگمانتاسیون، نوروفیبروم های پوستی، ندول های لیش در چشم و تظاهرات اسکلتی نورولوژیک، احشایی و نئوپلاستیک می باشد. خصوصیات اصلی نوروفیبروماتوز وجود لکه های شیری قهوه ای و مک در زیر بغل، اینگوینال، هامارتوم قرینه؛ نوروفیبروم های متعدد پوستی و کاهش سطح آموزش شی بیماران می باشد. منشا تومورها در نوروفیبروماتوز سلول های پوششی عصبی می باشد. نوروفیبروماتوز بعضاً دچار بدخیمی شده و به تومور بدخیم غلاف عصبی تبدیل میشود. درگیری های گوارشی که در ۲۵٪ موارد دیده میشود، بصورت ضایعات مخاطی بخصوص در معده و ژژنوم می باشد. طریقه ی وراثت این بیماری اتوزوم غالب با ۵۰ درصد موتاسیون جدید می باشد.

نتیجه گیری: افراد مبتلا به روش های مختلفی براساس شدت و نوع عارضه تحت درمان قرار میگیرند. به عنوان مثال تومورهای خوش خیم به وسیله جراحی، تومورهای بدخیم بوسیله ی جراحی، شیمی درمانی و رادیوتراپی تحت درمان قرار می گیرند و چون قسمتی از این بیماری به وراثت مربوط میشود، توصیه میشود جوانان از ازدواج های فامیلی تا حد امکان خودداری کنند.

کلمات کلیدی: نوروفیبروماتوز، سندرم رکین هاوزن، توده ولو



شیوع سرطان کولورکتال در اقوام درجه یک بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال

حسین میرزایی*، کورش هلاکویی نائینی، کورش اعتماد، محمد حسین پناهی، علی قنبری مطلق

hosseinmirzaei64@yahoo.com

مقدمه و هدف: سرطان کولورکتال سومین سرطان شایع در مردان و دومین سرطان شایع در زنان در کل جهان است. سابقه فAMILIاری ابتلا به سرطان کولورکتال یکی از مهمترین عوامل خطر ابتلا به این بیماری است. هدف از این مطالعه تعیین میزان تشخیص سرطان کولورکتال در اقوام درجه یک بیماران است.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه مقطعی است، که روی داده‌های حاصل از اجرای پایلوت برنامه غربالگری سرطان کولورکتال در ۱۵ دانشگاه علوم پزشکی کشور و در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. چگونگی اجرای برنامه غربالگری در ایران بدین صورت بوده است که ابتدا بیماران مبتلا به سرطان کولورکتال بر اساس نظام ثبت سرطان را شناسایی و فهرست بیماران را بر اساس اطلاعات نظام ثبت سرطان تعیین کرده سپس افراد در معرض خطر بالا برای ابتلا به سرطان کولورکتال (اقوام درجه یک بیماران) از طریق تماس با بیمار اصلی شناسایی نموده و این افراد را برای شرکت در برنامه غربالگری دعوت نموده اند. این مطالعه بر روی ۶۲۶ نفر از اقوام درجه یک بیماران که کولونوسکوپی شده اند انجام شده است. شیوع سرطان کولورکتال از طریق تقسیم نمودن تعداد افراد با تشخیص سرطان کولورکتال به تعداد کل افراد کولونوسکوپی شده محاسبه گردید.

نتایج: از بین ۶۲۶ نفر فرد کولونوسکوپی شده ۱۷ نفر (۲٫۷ درصد) مبتلا به سرطان کولورکتال و ۱۱۳ نفر (۱۸٫۱ درصد) مبتلا به پولیپ بودند. ۵۸ درصد افراد مبتلا به سرطان کولورکتال مرد و ۴۸ درصد زن بودند. از نظر گروه‌های سنی نیز ۳۵٫۳ درصد از افراد مبتلا به سرطان کولورکتال در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند. افراد دارای پولیپ نیز ۵۶٫۶ درصد مرد بودند و بیشترین گروه سنی نیز مربوط به گروه سنی ۵۰ تا ۶۰ سال بود.

نتیجه گیری: شیوع سرطان در اقوام درجه یک مبتلایان به سرطان کولورکتال در ایران نسبتاً بالا بوده و همچنین میانگین سنی ابتلا به سرطان کولورکتال نیز در این افراد پایین تر است، لذا لازم است آموزش‌های لازم در خصوص عوامل خطر، نحوه پیشگیری و همچنین اهمیت و چگونگی برنامه غربالگری به این افراد داده شود تا این افراد علاوه بر اصلاح شیوه زندگی به صورت منظم در برنامه‌های غربالگری شرکت نمایند.

کلمات کلیدی: سرطان کولورکتال، اقوام درجه یک، میزان تشخیص



بررسی اپیدمیولوژی کارسینوم سلول بازال در استان کردستان از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸

گلاویز احمدی*، مسعود سلیمانی دودران، محسن اسدی لاری، سعید امانی

arvin_amani@yahoo.com

مقدمه و هدف: سرطان های پوست از بزرگترین مشکلات بهداشت عمومی است. کارسینوم سلول بازال (BCC) شایعترین تومور پوستی انسان است که حدود ۵۰ درصد موارد سرطان پوست را تشکیل می دهد. این مطالعه با هدف بررسی اپیدمیولوژی BCC در استان کردستان از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ انجام گرفت.

روش کار: این مطالعه مقطعی با استفاده از داده های موجود در سیستم ثبت سرطان معاونت بهداشتی استان کردستان انجام شد. در این بررسی همه موارد BCC که از سال ۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۸ در این سیستم ثبت شده بود مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از پرسشنامه دو قسمتی که بخشی از اطلاعات از روی داده های موجود در معاونت بهداشتی و بخش دیگر اطلاعات از طریق مصاحبه با بیمار یا افراد درجه یک خانواده بیمار جمع آوری شد. بیمارانی که برای بار اول به زنگ تلفن پاسخ ندادند و یا بیمارانی که شماره تلفن آنها مسدود بود حداقل در ۳ بار تماس تلفنی دیگر در روزهای مختلف پیگیری شدند.

نتایج: در این مطالعه ۸۸۷ مورد BCC که سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ در سیستم ثبت سرطان استان کردستان ثبت شده بود مورد بررسی قرار گرفت. از این تعداد ۵۱۶ (۵۸ درصد) مرد و ۳۷۱ (۴۲ درصد) زن بودند. ۴۵۰ (۵۱ درصد) در گروه سنی ۷۹-۶۰ سال قرار داشتند. میانگین و میانه سنی بیماران بترتیب ۶۲ و ۶۴ سال بود. ۴۴/۹ درصد واحد های مورد پژوهش کشاورز و باغدار بودند. ۶۳/۹ درصد این بیماران بیسواد بودند. ۶۰/۸ درصد بیماران سابقه عود بیماری را داشتند. از نظر محل آناتومیک ۸۲/۸ درصد موارد ناحیه صورت درگیر بود. در مدت زمان تحت مطالعه میزان بروز در مردان از ۳ به ۷ در صد هزار و در زنان از ۴ به ۶ در صد هزار افزایش یافته است.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه به نظر می رسد BCC یک مشکل بهداشتی مهم در استان کردستان می باشد. روند افزایش بروز و بالا بودن موارد در افراد کشاورز و باغدار که اکثرا بیسواد هستند، بیانگر توجه و آموزش بیشتر به این گروه از افراد جامعه می باشد.

کلمات کلیدی: سرطان، کارسینوم سلول بازال، پوست



لزوم توجه بیشتر به شناسایی و درمان پرفشاری خون در افراد با درآمد پائین جامعه

خالد رحمانی*، بهرام کندایی

khalehdrahmani111@yahoo.com

مقدمه و هدف: پرفشاری خون به عنوان یکی از مهمترین عوامل خطر بیماریهای قلبی-عروقی در سطح جامعه مطرح است. به طور متوسط نزدیک یک سوم از جمعیت بالای ۳۰ سال کشور فشارخون بالا دارند. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت پرفشاری خون در افراد با درآمد پائین در استان کردستان و در سال ۱۳۹۶ صورت گرفت.

روش کار: در یک مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۶ تمام افراد ۳۰ تا ۶۵ سال تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) از ۱۰ شهر استان کردستان به صورت سرشماری فراخوان و از نظر ابتلا به پرفشاری خون (فشارخون $< 140/90$ میلی متر جیوه) در دو نوبت و با رعایت شرایط استاندارد مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در مجموع تعداد ۱۱۶۵۳ نفر (۸۵۴۶ زن و ۳۱۰۷ مرد) با میانگین و انحراف معیار سنی به ترتیب $54/07$ و $11/65$ سال وارد مطالعه شدند. میانگین و انحراف معیار سن زنان و مردان هم به ترتیب $52/49 \pm 11/52$ و $58/43 \pm 10/87$ سال بود. از بین ۸۵۵۳ نفر که سابقه فشارخون بالا نداشتند ۲۴۱۹ نفر (۲۸/۳٪) فشارخون بالای ۱۴۰ بر ۹۰ میلی متر جیوه داشتند. این شیوع در بین زنان و مردان متفاوت بود. طوری که در زنان ۲۴/۷۲٪ و در مردان ۳۷/۶۳٪ بود. در مجموع با احتساب نتایج مطالعه حاضر و همچنین سابقه ابتلا به فشارخون از قبل، شیوع کلی پرفشاری خون ۴۷/۳۶ درصد بود. از ۵۵۱۹ نفر با فشارخون بالا، تنها ۳۱۰۰ نفر از بیماری خود مطلع بودند و ۴۳/۸۳ درصد افراد از بیماری خود اطلاع نداشتند.

نتیجه گیری: اگر چه با توجه به میانگین سنی بالای افراد شرکت کننده در مطالعه (۵۴ سال)، شیوع کلی فشارخون بالا (۴۷/۳۶٪) تا حدودی قابل توجه است اما عدم اطلاع درصد بالایی از افراد مورد بررسی از ابتلای خود به این بیماری (۴۳٪/۸۳) در این سنین، یک هشدار برای وضعیت سلامت آنها محسوب می شود. بر اساس نتایج این مطالعه توصیه می شود توجه بیشتری به شناسایی و درمان فشارخون بالا در افراد با درآمد پائین به ویژه در مردان معطوف گردد. توجه بیشتر به این گروه های جمعیتی که عمدتاً در مناطق حاشیه شهر و روستاها زندگی می کنند و ممکن است کمتر جهت سنجش سلامت خود به مراکز بهداشتی درمانی یا مطب های پزشکان مراجعه کنند می تواند یکی از برنامه های مداخلاتی نظام بهداشتی درمانی کشور در آینده باشد.

کلمات کلیدی: پرفشاری خون، بیماریهای قلبی-عروقی، شیوع، درآمد کم



ارتباط بین بروز پرفشاری خون با شاخص های تن سنجی در افراد ۳۵-۶۵ ساله: دو سال فالوآپ

ملیحه احمدی*، مهدی مرادی نظر، فرید نجفی

maadi003@gmail.com

مقدمه و هدف: در زمینه ارتباط بین شاخص های آنتروپومتریک و ابتلا به پرفشاری خون، مطالعات زیادی انجام گرفته اما بیشتر نتایج، از مطالعات مقطعی استخراج شده است. از آنجا که بعد از ابتلا به پرفشاری خون، الگوی رفتاری و تغذیه ای افراد تغییر میکند بنابراین در یک مطالعه مقطعی نمیتوان به درستی ارتباط بین شاخص های آنتروپومتري و ابتلا به بیماری فشارخون را سنجید. هدف از انجام این مطالعه، بررسی تاثیر شاخص های مختلف آنتروپومتري در بروز پرفشاری خون در افراد ۳۵ تا ۶۵ ساله شرکت کننده در کوهورت کرمانشاه میباشد.

روش کار: در این مطالعه تمام افراد ۳۵ تا ۶۵ ساله شرکت کننده در کوهورت بیماری های غیرواگیر روانسر (RaNCD) که مبتلا به فشارخون نبودند به مدت دو سال پیگیری شدند. فالوآپ بصورت سالیانه و از طریق تماس تلفنی و مصاحبه حضوری صورت گرفت. **نتایج:** از ۳۱۹۲ فرد شرکت کننده در این مطالعه ۱۵۶۸ نفر (۴۹،۱۳٪) زن بودند. که پس از دو سال پیگیری، در نهایت ۳۸۷ نفر (۱۲،۱۲٪) به پرفشاری خون مبتلا شدند. در این مطالعه، مشخص شد که تمامی شاخصهای آنتروپومتري با بروز بیماری پرفشاری خون ارتباط مثبتی داشتند یعنی با بالا رفتن مقدار هر یک از شاخص های تن سنجی، خطر ابتلا به فشارخون بالا هم افزایش می یافت که تاثیر این افزایش، در مردان بیشتر از زنان بود بجز شاخص WHR که خطر ابتلا به پرفشاری خون در زنان را نسبت به مردان تا دو برابر افزایش میداد.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت نقش عوامل آنتروپومتري در ایجاد بیماری پرفشاری خون و از آنجا که شاخصهای تن سنجی جزو عوامل قابل تعدیل می باشند لذا اطلاع رسانی، حساس سازی و آموزش با روشهای مختلف در خصوص تغییر در برخی عوامل قابل تعدیل ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: فشارخون، شاخصهای تن سنجی، کوهورت کرمانشاه.



شیوع بالای دیابت در جمعیت با درآمد کمتر: یک مطالعه مبتنی بر جمعیت در استان کردستان

سونیا درویشی*، خالد رحمانی

soniadarvishi@yahoo.com

مقدمه و هدف: بیماری دیابت از بیماری های مزمن نسبتاً شایع در جهان است که به طور متفاوتی تمام نژادها را درگیر می سازد. یکی از گروه های آسیب پذیر از نظر دیابت افراد با درآمد پائین هستند که ممکن است وضعیت تغذیه نسبتاً متفاوتی هم داشته باشند. مطالعه حاضر با هدف بررسی شیوع دیابت در جمعیت با درآمد پائین استان کردستان طراحی و اجرا گردید.

روش کار: مطالعه حاضر یک بررسی مقطعی مبتنی بر جمعیت بود که در سال ۱۳۹۶ بر روی افراد با درآمد کم انجام شد. برای انجام این مطالعه تمام افراد ۳۰ تا ۶۵ سال تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) ساکن ۱۰ شهر استان کردستان به صورت سرشماری فراخوان و از نظر شیوع دیابت با استفاده از آزمایش بررسی قند خون ناشتا (FBS) مورد بررسی قرار گرفتند. در افرادی که در آزمایش اولیه، قند خون بالا داشتند جهت تأیید یک نوبت دیگر هم آزمایش FBS به عمل آمد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: در مجموع تعداد ۱۱۶۵۳ نفر (۸۵۴۶ زن و ۳۱۰۷ مرد) با میانگین و انحراف معیار سنی به ترتیب ۵۴/۰۷ و ۱۱/۶۵ سال وارد این بررسی شدند. میانگین و انحراف معیار سن زنان و مردان هم به ترتیب ۵۲/۴۹±۱۱/۵۲ و ۵۸/۴۳±۱۰/۸۷ سال بود. شیوع کلی دیابت در افراد مورد بررسی ۱۰/۴۲ درصد بود. از بین ۹۳۹۰ نفر که سابقه قند خون بالا را نداشتند یا به عبارتی برای بار اول در این مطالعه بررسی می شدند تعداد ۴۲۵ نفر (۴/۵۲٪) قند خون بالای ۱۲۶ میلی گرم/دسی لیتر داشتند. این شیوع در بین زنان و مردان متفاوت بود. به طوری که در زنان ۴/۵۳٪ و در مردان هم ۴/۵۱٪ بود. در مجموع از ۱۱۶۱ نفر با قند خون بالا، تنها ۷۳۶ نفر (۶۳/۳۳ درصد) از بیماری خود مطلع بودند و ۴۲۵ نفر (۳۶/۶۷ درصد) از بیماری خود اطلاع نداشتند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، شیوع دیابت در افراد با درآمد کم (۱۰/۴۲ درصد) تا حدودی بیشتر از جامعه عمومی استان کردستان (۷/۹ درصد) است. در مجموع و با در نظر گرفتن میانگین سنی افراد مورد بررسی، اگرچه شیوع دیابت در جمعیت با درآمد پائین خیلی بیشتر از جمعیت عمومی نیست اما مهمترین پیام علمی مطالعه حاضر برای سیاستگذاران و ارائه دهندگان خدمات سلامت این است که درصد زیادی از این افراد (۳۶/۷ درصد) تا زمان انجام این مطالعه از بیماری خود اطلاع نداشتند و ممکن است به دلایل فقر مالی جهت انجام آزمایشات پاراکلینکی به پزشک مراجعه نکنند. در نهایت می توان گفت که افراد با درآمد پائین و تحت پوشش نهادهای حمایتی یکی از مهمترین گروه های هدف برای انجام برنامه های مداخله ای و پیشگیرانه از جمله بررسی ها و غربالگری های دوره ای از نظر عوامل خطر بیماری های غیر واگیر می باشند.

کلمات کلیدی: دیابت، شیوع، درآمد کم

تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در ایجاد رفتار خود آزمایی پستان در زنان بالای ۳۰ سال شهرستان سیرجان در سال ۱۳۹۵

نیلوفر صادقی*، رضا صادقی، ریحانه سرداری پور، فاطمه شیبانی

niloufar.sadeghi78@gmail.com

مقدمه و هدف: زنان در تمام سنین در معرض خطر ابتلا به سرطان پستان قرار دارند و با افزایش سن این خطر بیشتر می شود. در صورت تشخیص به موقع و زودرس بیشتر مبتلایان درمان می شوند. با این وجود اکثر زنان خود آزمایی پستان را که روشی مؤثر و ارزان در پیشگیری از مرگ و میر ناشی از سرطان است را انجام نمی دهند. مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در ایجاد رفتار خودآزمایی پستان در زنان بالای ۳۰ سال انجام شد.

روش کار: این مطالعه یک کارآزمایی آموزشی است. جمعیت مورد مطالعه، تعداد ۲۰۰ نفر از زنان بالای ۳۰ سال تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بم بودند که به طور تصادفی به دو گروه مداخله (۱۰۰ نفر) و کنترل (۱۰۰ نفر) تقسیم شدند. مداخله آموزشی طی سه جلسه ۶۰ دقیقه ای انجام شد. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه مدل اعتقاد بهداشتی (حاوی ۶۴ سؤال) و همچنین چک لیست وظایف فردی، طی مصاحبه مستقیم قبل از مداخله آموزشی و سه ماه بعد از آن جمع آوری گردید. داده ها با استفاده از آزمون مجذور کای، آزمون دقیق فیشر، t مستقل و t زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: میانگین و انحراف معیار سن افراد $40/12 \pm 2/36$ بود. میزان خودآزمایی پستان قبل و بعد از مداخله به ترتیب $21/15$ و $60/21$ درصد مشاهده شد. پس از مداخله، نمرات آگاهی در گروه مداخله در مقایسه با گروه شاهد افزایش یافت ($P < 0/001$). حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع و موانع درک شده، راهنما برای عمل و خودکارآمدی نیز پس از مداخله در گروه مداخله در مقایسه با شاهد افزایش نشان داد ($P < 0/001$). ولی در گروه شاهد افزایشی نداشته و اختلاف معنی داری مشاهده نگردید. همچنین میانگین نمرات چک لیست وظایف فردی در گروه مداخله به طور معنی داری در مقایسه با گروه شاهد افزایش یافت ($P < 0/001$).
نتیجه گیری: مدل باور بهداشتی در آموزش خودآزمایی پستان در زنان بالای ۳۰ سال مؤثر بود. بنابراین پیشنهاد می گردد در کنار روش های آموزش سنتی از مدل باور بهداشتی نیز استفاده گردد.

کلمات کلیدی: مدل اعتقاد بهداشتی، آموزش بهداشت، خودآزمایی پستان



بررسی تاثیر قرص ویتامین B6 در ترکیب با کلسیم بر علائم سندرم قبل از قاعدگی در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان دیواندره

سید مهدی حسینی*، سمیه خانی، چنور کریمی، سید زهرا معصومی

hosseini.mehdi54@gmail.com

مقدمه و هدف: سندرم قبل از قاعدگی یکی از شایعترین اختلالات در زنان است و شامل گروهی از علائم جسمی و روحی می باشد که به طور دوره ای در فاز لوتئال سیکل قاعدگی رخ می دهد و چند روز پس از شروع قاعدگی بهبود می یابد. علت این سندرم ناشناخته است و درمانهای متعددی از جمله روشهای حمایتی تا جراحی تخمدان پیشنهاد شده است. با توجه به تاثیر بسزای که علائم سندرم قبل از قاعدگی بر زندگی جامعه زنان دارد، مطالعه ای با هدف بررسی تاثیر استفاده توأم کلسیم و ویتامین B6 بر علائم سندرم قبل از قاعدگی انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر به روش کارآزمایی بالینی دو سوکور شاهد دار بر روی ۷۶ نفر از دانش آموزان شهرستان دیواندره انجام شد. واحدهای پژوهش به مدت دو ماه متوالی فرم ثبت وضعیت روزانه علائم را تکمیل نمودند و به طور تصادفی به دو گروه ۲۸ نفری تقسیم شدند. سپس به مدت دو ماه متوالی استفاده توأم قرص ویتامین B6 با کلسیم را به صورت ۲ بار در روز، از روز ۱۶ سیکل قاعدگی تا روز پنجم قاعدگی استفاده نمودند. مقایسه شدت علائم بین ۲ گروه با استفاده از آزمون t مستقل و با استفاده از SPSS نسخه ۱۶ و STATA نسخه ۱۱ انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد ۲ گروه قبل از درمان از نظر سن، شاخص توده بدنی، درآمد، شغل و تحصیلات فرد، تحصیلات همسر، سن منارک، تأهل و سابقه خانوادگی سندرم قبل از قاعدگی و شدت علائم همگن هستند و به لحاظ آماری اختلاف معناداری بین دو گروه وجود ندارد. پس از مداخله علائم تحریک پذیری، دردناک شدن پستان ها، ضعف و خستگی، سردرد، کاهش علائق، تپش قلب، نفخ شکم، دمدمی مزاج بودن، عدم تمرکز حواس، اضطراب، تغییر اشتها، فراموشی، آکنه، تمایل به خوردن شیرینی درگروه مداخله با اختلاف آماری معنی داری کاهش یافت و بنابراین با توجه به نمره کسب شده، این دارو در درمان علائم فوق موثر بوده است.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان می دهد که مصرف قرص ویتامین B6 در ترکیب با کلسیم بر کاهش علائم سندرم قبل از قاعدگی موثر می باشد. بسیاری از علائم PMS با رابطه ی معنی داری پس از مصرف قرص ویتامین B6 و کلسیم کاهش چشمگیری را نشان داده است.

کلمات کلیدی: سندرم قبل از قاعدگی، اختلالات قاعدگی، ویتامین B6، کلسیم



فراوانی خودکشی موفق و ناموفق در شهرستان دیواندره سال های ۱۳۹۶-۱۳۸۸

سیده پروین قضایی*، سید مهدی حسینی، پیام شکری، منصور میرزایی، چنور کریمی، هیوا محمد جانی
p.ghazai2@yahoo.com

مقدمه و هدف: خودکشی و اقدام به آن یک مشکل عمده بهداشت عمومی در سراسر جهان است و پیشگیری از آن به عنوان یک اولویت ویژه در سیستم بهداشتی و درمانی هر کشور مطرح می باشد. مطالعه حاضر به منظور تعیین توزیع فراوانی خودکشی موفق و ناموفق و عوامل مرتبط با آن در شهرستان دیواندره در طول سال های ۱۳۹۶-۱۳۸۸ می باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی است که به صورت توصیفی تحلیلی انجام گرفت، جامعه مورد پژوهش کلیه موارد خودکشی و اقدام به خودکشی (۵۸۵ نفر) در شهرستان دیواندره طی سالهای ۱۳۹۶-۱۳۸۸ می باشد. داده ها توسط چک لیست های مربوطه از پرونده افراد استخراج گردید. اطلاعات پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ با استفاده از آزمون مجذور کای، آزمون تی تست مستقل و آنالیز واریانس تحلیل گردید. سطح معنی داری آماری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: در مجموع سال های مورد مطالعه، ۴۲ مورد خودکشی موفق و ۵۴۳ مورد ناموفق رخ داده است. میزان کشندگی خودکشی در شهرستان ۷/۱۸ درصد بود. شیوع خودکشی موفق در طول سال های مطالعه در زنان شهرستان ۶۳/۱۱ در صد هزار نفر و در مردان شهرستان ۴۰/۲۶ در صد هزار نفر بود. بالاترین موارد خودکشی موفق در فصل تابستان (۳۸/۰۹ درصد)، ماه فروردین (۱۶/۷ درصد)، افراد مجرد (۵۰ درصد) بود. بیشترین روش خودکشی حلق آویز (۷۶/۲ درصد) است که از نظر آماری معنی دار بود ($P=0.0001$). بیشترین موارد خودکشی موفق و ناموفق در گروه سنی ۱۶-۲۵ سال با ۳۵۱ مورد (۶۴/۷۶ درصد) رخ داده که از نظر آماری معنی دار بود ($P=0.002$).

نتیجه گیری: با توجه به میزان بروز بالای موارد خودکشی در شهرستان آموزش مهارت های زندگی به جمعیت تحت پوشش (با تاکید بر گروه های در معرض خطر و سنین بلوغ) امری بسیار ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: خودکشی، اقدام به خودکشی، اپیدمیولوژی، کردستان



بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی در رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست در کشاورزان زن شهرستان سیرجان در سال ۱۳۹۶

فاطمه شیبانی*، رضا صادقی، ریحانه سرداری پور، نیلوفر صادقی

sheybaniifatemeh@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان بدخیم پوست همواره شایع ترین سرطان در ایران بوده است. تابش بیش از حد پرتو فرابنفش خورشید مهم ترین ریسک فاکتور محیطی در ایجاد این بدخیمی است. این مطالعه با هدف بررسی کارایی مدل باور بهداشتی در آموزش کشاورزان زن در خصوص رفتارهای پیشگیری کننده از سرطان پوست انجام شد.

روش کار: این پژوهش مطالعه ای نیمه تجربی است. جمعیت مورد مطالعه، تعداد ۲۰۰ نفر از کشاورزان زن تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سیرجان بودند که به طور تصادفی به دو گروه مداخله (۱۰۰ نفر) و کنترل (۱۰۰ نفر) تقسیم شدند. مداخله آموزشی طی سه جلسه ۶۰ دقیقه ای انجام شد. اطلاعات از طریق تکمیل پرسشنامه (حاوی ۶۴ سؤال) طی مصاحبه مستقیم قبل از مداخله آموزشی و سه ماه بعد از آن، جمع آوری گردید. و داده ها با استفاده از مجذور کای، تست دقیق فیشر، t مستقل و t زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند

نتایج: پس از مداخله، نمرات آگاهی در هر دو گروه مداخله و شاهد افزایش یافت. این یافته به علت اجرای برنامه های آموزشی روتین در آن مراکز بود. حساسیت درک شده، شدت درک شده، منافع و موانع درک شده، راهنما برای عمل و خودکارآمدی نیز پس از مداخله در گروه مداخله در مقایسه با شاهد افزایش یافت. ولی در گروه شاهد افزایشی نداشته و اختلاف معنی داری مشاهده نگردید. **نتیجه گیری:** مدل اعتقاد بهداشتی در آموزش کشاورزان زن مؤثر بود. بنابراین پیشنهاد می گردد در کنار روش های آموزش سنتی از مدل اعتقاد بهداشتی استفاده گردد.

کلمات کلیدی: سرطان پوست، مدل اعتقاد بهداشتی، آموزش بهداشت



غربالگری در نوزادان

الهه رحیمی نیا^{*}، حوریه رحیمی نیا

rahiminia@sbmu.ac.ir

مقدمه و هدف: غربالگری جستجوی فعال برای یافتن بیماری در افراد به ظاهر سالم به وسیله آزمایشهای سریع، معاینات یا دیگر روش ها می باشد. با انجام آزمایشهای غربالگری خطر بروز بسیاری از بیماریهای ذهنی و جسمی را در نوزادان می توان به حداقل رساند. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی آزمایش های غربالگری در نوزادان صورت گرفت.

روش کار: در این پژوهش مروری از مطالعات کتابخانه ای و سایتهای Pubmed.Irandoc, Magiran و google scholar استفاده شده است.

نتایج: طبق نتایج معیارهای انجام غربالگری شامل موارد ذیل است: ۱- یک معضل مهم سلامتی باشد. ۲- سیر طبیعی بیماری (شامل دوره بدون علامت و...) به خوبی شناخته شده باشد (تا زمان مناسب غربالگری معلوم باشد). ۳- بیماری در مراحل مخفی یا اولیه و بدون علامت قابل تشخیص باشد. ۴- باید آزمون یا روش تشخیصی مناسب برای تشخیص بیماری موجود باشد. ۵- تسهیلات لازم برای تایید تشخیص در اختیار باشد. ۶- روش درمانی موثری برای بیماران وجود داشته باشد ۷- در مورد افرادی که به عنوان بیمار تحت درمان قرار خواهند گرفت روش توافق شده ای موجود باشد. ۸- شواهد کافی موجود باشد که نشان دهد شناسایی و درمان زودرس باعث کاهش مرگ و میر می شود. ۹- منافع انجام غربالگری در مقایسه با کل مخارج احتمالی مراقبت از بیماران قابل توجه باشد. آزمایشات غربالگری برای تشخیص نوزادان مبتلا به اختلالات متابولیک نیز بسیار مفید است که شامل بیماری های ژنتیکی است. در کشورهای پیشرفته ۲۵ تست مختلف برای غربالگری نوزادان انجام می شود. این غربالگری در ایران شامل بیماری های متابولیک، کم کاری تیروئید، بیماری شربت افرا، گالاکتوزومی، فنیل کتونوری، بزرگی و پرکاری مادرزادی غده فوق کلیه (آدرنال) و بیماری فاویسم است.

نتیجه گیری: با انجام آزمایش های غربالگری، می توان خطر بروز بسیاری از بیماری های ذهنی و جسمی را در نوزادان به حداقل رساند. لذا باید والدین را آگاه کرد که این آزمایش باید حتماً در همان روزهای ابتدای تولد نوزاد (روزهای ۳ تا ۵) انجام شود تا بتوان از بروز علایم جدی و جبران ناپذیر آن جلوگیری کرد.

کلمات کلیدی: آزمایش، غربالگری، نوزادان



تومور ویلمز، دردی با تجربه کودکان

فاطمه جعفریان^{*}، سیده سمانه دهقانی

fateme.jafarian73@gmail.com

مقدمه و هدف: تومور ویلمز یا نوروبلاستوم یک نئوپلازی رویانی با منشأ پلاستمای نوروبلاستوما بوده و مهمترین تومور کلیوی کودکان محسوب می شود. بدلیل عدم وجود اطلاعات کافی در ایران در مورد وضعیت اپیدمیولوژی و میزان بقاء در بیماران مبتلابه تومور ویلمز این مطالعه انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر با جستجو به صورت مروری در متون و مقالات موجود در بانک های اطلاعاتی Magiran, SID, PubMed و Science direct با کلید واژه های فارسی تومور ویلمز، میزان بقا و توده شکمی بین سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ جستجو شد. تعداد ۴۸ مقاله مرتبط با موضوع جمع آوری شد که از نتایج بازیابی شده تعداد ۴۳ مقاله مورد بررسی و دسته بندی قرار گرفت. داده ها و با استفاده از نرم افزار جامع متا آنالیز (V2.0, Biostat) تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: یافته ها نشان داد که کمترین سن ۲/۵ ماه و بیشترین سن ۱۱ سال و میانگین سنی بیماران $41/4 \pm 28/2$ ماه بود. این تومور در دخترها (۶۶٪) شایع تر از پسرها (۳۴٪) بود. در ۹۸٪ از موارد توده شکمی بیشترین درصد تظاهر بالینی در فردرا دارا بود. همچنین علت شروع زودرس بیماری، فامیلی بودن در ۳۱٪ موارد، دو طرفه بودن در ۷٪ موارد بود. شایع ترین محل اولیه، غده آدرنال (۴۰٪) و بعد شکم (۲۵٪) بود. درمان تومور در ۲۳٪ موارد فقط جراحی، ۵۰۵ موارد جراحی و شیمی درمانی و در ۲۷٪ موارد جراحی شیمی درمانی و رادیوتراپی بوده است.

نتیجه گیری: از یافته های فوق چنین بدست می آید که مهمترین عوامل مؤثر در پیش آگهی بیماری، سن و جنس بیمار و مرحله بیماری است. به طوری که با تشخیص سریع و به موقع و درمان مناسب، بیماران مبتلا به تومور ویلمز از طول عمر بالایی برخوردار خواهند بود.

کلمات کلیدی: تومور ویلمز، میزان بقا، توده شکمی



مشکلات اجتماعی در کودکان چاق و دارای اضافه وزن

فاطمه جعفریان *، سیده سمانه دهقانی

fateme.jafarian73@gmail.com

مقدمه و هدف: چاقی و اضافه وزن در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به طور چشمگیری افزایش یافته است و با مشکلات سلامتی بی شماری همبستگی دارد. از آن جا که کودکان زمان زیادی را روزانه در مدرسه سپری می کنند، اثرات چاقی و اضافه وزن روی جنبه های مختلف زندگی، احساس می شود. هدف از این مقاله بررسی ارتباط چاقی یا اضافه وزن با مشکلات اجتماعی می باشد.

روش کار: برای دستیابی به منابع لازم از کلید واژه های مشکلات اجتماعی، چاقی، چاقی دانش آموزان، اضافه وزن موجود در مقالات سایت های علمی Science direct، Magiran، SID، Google scholar از سال های ۱۳۹۱-۱۳۸۶ استفاده شد و به تعداد ۶۲ مقاله از این سایت ها دریافت که ۵۸ عدد از آن ها در گردآوری این مقاله مورد استفاده قرار گرفت. داده ها و با استفاده از نرم افزار جامع متا آنالیز (Biostat، V2.0) تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: چاقی در سنین مدرسه با مشکلات سلامتی بیشماری همبستگی دارد و روی جنبه های مختلف زندگی از جمله دستاوردهای تحصیلی، مهارت های اجتماعی کودکان اثر می گذارد. کودکانی که از طرف دوستان و اطرافیان خود طرد می شوند، مهارت های اجتماعی ضعیفی دارند و در معرض خطر زیادی برای مشکلات روانی اجتماعی قرار دارند و این مشکلی است که کودکان چاق با آن روبرو هستند و در نتیجه خطر بروز مشکلات اجتماعی در این کودکان افزایش می یابد. چاقی و برجسب اجتماعی مربوط به آن، خطر مشکلات رفتاری را در کودکان افزایش می دهد که مستعد انجام تخلف های دوران کودکی و نوجوانی، افت و شکست تحصیلی و ناسازگاری های اجتماعی هستند و آسیب های عظیمی بر خدمات سلامت روانی وارد می کنند.

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه همبستگی بین BMI و مشکلات اجتماعی را نمایان ساخت. پیشگیری از چاقی به عنوان اولین قدم برای پیشگیری از مشکلات رفتاری اجتماعی، ضروری به نظر می رسد و درمان چاقی ممکن است روشی برای مواجهه با مشکلات رفتاری باشد.

کلمات کلیدی: مشکلات اجتماعی، چاقی، چاقی دانش آموزان، اضافه وزن



دیابت زنان و رابطه آن با کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی آن ها و سایر اعضای خانواده: یافته های مطالعه قند و لیپید تهران

مینا معین اسلام*، پریسا امیری، مهرداد کریمی، سارا جلالی فراهانی، نیلوفر شیوا، فریدون عزیز

mina.moeen@gmail.com

مقدمه و هدف: اگرچه تحقیقات متعدد نشان دهنده تأثیرات فردی دیابت نوع دو بر کیفیت زندگی مرتبط با سلامت زنان است، در پیشینه پژوهشی تأثیرات این بیماری بر روی کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی اعضای خانواده کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو مطالعه حاضر با هدف ارزیابی ارتباطات میان دیابت زنان و کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی آن ها و سایر اعضای خانواده با استفاده از الگوسازی معادلات ساختاری انجام شد.

روش کار: این مطالعه ی خانواده محور، بر روی ۷۹۴ زن (۱۱/۱ درصد مبتلا به دیابت) و همچنین همسران و فرزندان آن ها انجام شد که در سال های ۱۳۹۴-۱۳۹۶ در مطالعه قند و لیپید تهران شرکت کرده بودند. داده های کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی از طریق نسخه ایرانی فرم کوتاه پرسشنامه Short Form 12 item Health Survey Version 2 (SF-12v2) و نسخه چهارم پرسشنامه کیفیت زندگی کودکان (PedsQL) جمع آوری شد. از الگوسازی معادلات ساختاری برای ارزیابی شبکه ارتباطات میان متغیرهای مورد مطالعه استفاده گردید و داده ها با استفاده از نسخه ۲۳ نرم افزارهای SPSS و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: میانگین سنی زنان $41/37 \pm 5/32$ سال بود. دیابت ارتباط معناداری با دو مؤلفه جسمانی ($P < 0/05$ و $\beta = -0/08$) و روانی ($P < 0/01$ و $\beta = -0/11$) کیفیت زندگی زنان مبتلا داشت. در خصوص اعضای خانواده، دیابت زنان ارتباط مستقیم معناداری با کیفیت زندگی همسران و فرزندان آنان نداشت. اما کاهش امتیاز مؤلفه روانی کیفیت زندگی زنان مبتلا به دیابت با کاهش امتیازهای مؤلفه جسمانی ($P = 0/02$ و $\beta = 0/16$) و روانی ($P < 0/01$ و $\beta = 0/21$) کیفیت زندگی همسران و امتیاز کلی کیفیت زندگی فرزندان ($P = 0/01$) و $\beta = 0/21$) آنان همراه بود.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، دیابت نوع دو تأثیر منفی بر کیفیت زندگی زنان مبتلا و همچنین کیفیت زندگی همسران و فرزندان آنان داشت. پیامدهای منفی دیابت بر کیفیت زندگی اعضای خانواده عمدتاً ناشی از تأثیرات این بیماری بر روی بعد روانی کیفیت زندگی زنان مبتلا می باشد. نتایج حاضر، اهمیت مداخلات روانشناختی را برای ارتقاء کیفیت زندگی زنان مبتلا به دیابت و خانواده ی آنان نشان می دهد.

کلمات کلیدی: دیابت نوع دو، کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، زنان، اعضای خانواده، الگوسازی معادلات ساختاری



بررسی اپیدمیولوژی سرطان کولورکتال و عوامل وابسته به آن در جمعیت استان آذربایجان غربی (۱۳۹۷)

ساسان تالانه *، علی صدقیانی فر، راضیه آزاد کسب، نغمه محصل

sasantalaneh@gmail.com

مقدمه و هدف: سرطان کولورکتال به عنوان شایع ترین عامل اصلی سرطان دستگه گوارش در انسان می باشد. این سرطان به دلیل رشد سلول های سرطانی در کلون یا رکتوم (بخشی از روده بزرگ) اتفاق می افتد. عوامل مختلفی در تشکیل و بروز این سرطان در بدن نقش دارد. هدف از این مطالعه تعیین میزان تاثیرگذاری هر کدام از فاکتور ها و خصوصیات اپیدمیولوژی سرطان کولورکتال در استان آذربایجان غربی در سال ۹۷ می باشد.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی - توصیفی می باشد. بر اساس گزارش سازمان ثبت سرطان کشور حدود ۷۹ نفر مبتلا به سرطان کولورکتال مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی شهرستان ارومیه در سال ۳۹۷ می باشد. اطلاعات مورد نظر در مورد تمامی فاکتورهای مد نظر از طریق پرونده ثبت شده در بیمارستان و همچنین برقراری تماس تلفنی جمع آوری گردید. برای تعیین بقای بیماران و مقایسه میزان بقا در زیر گروه ها از روش های آنالیز کلاپان و رگرسیون استفاده شد. در نهایت داده ها با نرم افزار SPSS ۷.۲۴ مورد ویرایش قرار گرفت.

نتایج: میانگین سنی افراد گروه بیمار $57 \pm 1/9$ سال بود. $91 \pm 1/7$ ٪ از افراد تا پایان پژوهش زنده بودند. $24/17$ ٪ افراد سابقه مصرف سیگار و $32/1$ ٪ افراد سابقه خانوادگی این سرطان را داشتند. میانگین بقای افراد پس از تشخیص $62/3 \pm 1/7$ ماه بود ناحیه رکتوم به عنوان شایع ترین محل بروز آن و اغلب موارد درجه تمایز یافتگی خوب گزارش گردید. کمترین میانگین بعد پس از تشخیص $46/7 \pm 1/8$ سال و بیشترین میانگین ابقا پس از تشخیص $62/3 \pm 1/9$ سال بود که هر دو گروه بدون سابقه مصرف دخانیات بودند. بیشترین شانس نسبی برای سرطان رکتوم با میانگین $3/1$ گزارش گردید.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج به دست آمده از عوامل اصلی ابتلا به سرطان کولورکتال می توان به سابقه خانوادگی، تغذیه و مصرف دخانیات اشاره کرد. همچنین میانگین شانس بقا پس از تشخیص این سرطان در جامعه مورد مطالعه حدود $6/2$ سال بود بدین جهت ارزیابی تمامی عوامل و فاکتورهای تاثیرگذار در سنین پایین تر پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: کولورکتال، اپیدمیولوژی، سرطان



بررسی اپیدمیولوژی تب مالت و عوامل بروز آن در استان آذربایجان غربی در سال (۱۳۹۶)

رامین نوری، مرتضی حکیمیان، ساسان تالانه*، معصومه عباسی

sasantalaneh@gmail.com

مقدمه و هدف: تب مالت به عنوان یکی از بیماری های مشترک بین انسان و دام می باشد عامل این بیماری بروسلوز با باسیل های منفی کوچک هوازی هستند و علائم عفونی و عفونی در تشخیص های افتراقی قابل شناسایی می باشند این بیماری از طریق خوراکی، تنفس، پوست و چشم به انسان منتقل می شود به دلیل این که اکثر روستاهای استان آذربایجان غربی مشغول به دامداری می باشند این مطالعه به منظور یافتن خصوصیات اپیدمیولوژی بیماری تب مالت در استان آذربایجان غربی انجام گرفت .

روش کار: مطالعه به صورت توصیفی مقطعی مربوط به گزارشات ثبت سالانه دانشگاه علوم پزشکی ارومیه میباشد که طی سال ۹۶ به تمامی مراکز درمانی استان آذربایجان غربی ارجاع گردیده است پس از جمع آوری کامل و دقیق اطلاعات داده ها با آزمون t-Test و نرم افزار SPSS ۷.۲۴ مورد آنالیز قرار گرفت. ارزش زیر ۰/۰۵ به عنوان استاندارد معنی دار در نظر گرفته شد.

نتایج: بر اساس گزارش های ارائه شده ثبت بیماری های واگیر و غیرواگیر دانشگاه علوم پزشکی ارومیه مجموعه ۲۱۶ بیمار در طی سال ۱۳۹۶ در سطح استان آذربایجان غربی گزارش گردید که ۵۴/۷۲ درصد را مرد و ۴۸/۲۸ زن تشکیل داد همچنین ۸۹/۲۷ درصد جمعیت را روستایی و ۷/۱۹ درصد را افراد شهری و ۳/۵۴ درصد را افراد عشایر تشکیل دادند بیشترین شیوع مربوط به شهرستان میاندوآب ۳۲/۷٪ و کمترین آن مربوط به شهرستان ماکو با میزان بروز ۱۲/۷٪ گزارش شد بیشترین شیوع بیماری در فصل بهار و کمترین میزان شروع در فصل پاییز گزارش گردیده بود از نظر شغلی نیز بالاترین فراوانی ابتلا به دامداران ۳۲/۷ درصد مشاهده گردید بین پارامترهای جنس و شغل در تمامی گروه با بروز بیماری ارتباط معنی داری مشاهده گردید.

نتیجه گیری: در گروه های مورد مطالعه بین شغل و جنس ارتباط معنی داری مشاهده شد میزان شیوع بیماری هم در ۴ ماهه اول سال نسبت به بقیه فصل های سال بیشتر بود در این بیماری بیشتر این گروه های آسیب پذیر و گروه های هدف اکثراً روستایی و جنسیت مرد بود و از نظر سنی نیز در محدوده ۳۰ تا ۵۵ سال گزارش گردید جهت کاهش میزان وقوع تب مالت برنامه ریزی دقیق و افزایش پوشش واکسیناسیون دامی پیشنهاد می گردند.

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژی، تب مالت، استان آذربایجان غربی



بررسی اپیدمیولوژی مسمومیت افراد مصرف کننده ترامادول مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی (۱۳۹۷)

مرتضی حکیمیان، رامین نوری، ساسان تالانه*، نغمه محصل

sasantalaneh@gmail.com

مقدمه و هدف: مسمومیت یکی از علل اصلی مرگ و میر بر بهداشت عمومی است و به عنوان دومین عامل مرگ و میر در سنین ۳۵ تا ۴۳ سال می باشد از عوامل اصلی آن می توان به مسمومیت دارویی اشاره کرد ترامادول به عنوان یک داروی ضد درد شبیه اپیوئیدی برای تسکین درد ها می باشد در این مطالعه به بررسی اپیدمیولوژی افرادی که در سال ۱۳۹۷ به علت مسمومیت ناشی از مصرف ترامادول مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی ارومیه بودند پرداخته شد.

روش کار: این مطالعه به صورت توصیفی مقطعی بود. جامع آماری تمامی افراد با مسمومیت دارویی ترامادول مراجعه کننده به بیمارستان امام خمینی در سال ۹۷ بود (۴۱۲ نفر) پس از بررسی پرونده افراد، پارامترها و فاکتورهای مشخص شده شامل خودکشی و تشنج و عدم آگاهی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در نهایت داده ها با استفاده از آزمون t-Test و نرم افزار spss ۲۴۷. مورد آنالیز قرار گرفت میانگین بروز معنی دار ۰/۰۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: از بین افراد مراجعه کننده بیشترین مقدار به علت مسمومیت به دلیل خودکشی بود (۴۲٪). ۳۳ درصد افراد باقیمانده دارای علائم تشنج بودند که به دلیل تسکین درد تشنج از دوزهای بالاتر و مصرف زیادی ترامادول مسموم شده بودند ($p=0.002$). میانگین سنی افراد مراجعه کننده $32 \pm 1/9$ سال بود که میزان فراوانی افراد مذکر ۶۸٪ و مونث ۳۲٪ بود. از نظر جنسیت نیز ۶۹٪ افراد مجرد و ۳۱٪ متأهل بودند ۱۹٪ افراد نیز دارای سابقه اعتیاد به سایر مواد مخدر بودند همچنین بین بروز تشنج و مقدار مصرف ترامادول بین مراجعه کنندگان ارتباط معنی داری مشاهده گردید. ($p=0.003$ ، $OR = 0.2/1.0 - 77/3$ ، $CL=95\% / 9/97$ ٪ بیماران از طریق خوردن و ۲۱٪ از طریق مسمومیت دارویی مراجعه کرده بودند از نظر حجم و مقدار مصرف ترامادول ۴۷/۶۲٪ افراد مقدار مصرف ترامادول را کمتر از ۱۰۰۰ میلی گرم گزارش کرده بودند بیشترین زمان بستری ۴۱/۲۶٪ مربوط به جنس مذکر به مدت ۴۸ ساعت بود ۳۷٪ بیماران همراه با ترامادول از داروهای دیگر نیز استفاده کرده بودند که میزان فراوانی داروی بنزودیازپین ۴۸/۷٪ بود که بیشترین فراوانی را داشت.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج به دست آمده بیشترین مسمومیت با ترامادول در سنین کمتر از ۳۲ سال اتفاق افتاده بود همچنین مصرف زیاد و خودسرانه ترامادول با تشنج ارتباط معنی داری داشت لذا جهت کاهش این مقدار از مسمومیت باید سطح آگاهی جوانان را در مورد مصرف ترامادول افزایش داد و در جهت آگاه سازی در ایجاد و مسمومیت های ناشی از مصرف خودسرانه آن و ایجاد محدودیت در توزیع و دسترسی به آن تلاش کرد.

کلمات کلیدی: اپیدمیولوژی، ترامادول، مسمومیت



تعیین همبستگی بین چاقی، بیش وزنی، عدم فعالیت بدنی و استعمال روزانه دخانیات با سرطان مثانه: یک مطالعه اکولوژیک

فاطمه رضایی*، حمیدرضا طباطبایی، علیرضا میراحمدی زاده، سهیل حسنی پور

rezaeik@yahoo.com

مقدمه و هدف: سرطان مثانه، نهمین سرطان شایع در سراسر جهان است. بیش از ۶۰٪ موارد سرطان مثانه و نیمی از ۱۶۵ هزار مرگ و میر ناشی از سرطان مثانه در مناطق کمتر توسعه یافته جهان رخ می دهد، همچنین سه چهارم موارد سرطان مثانه در مردان می باشد. هدف این مطالعه انجام یک آنالیز اکولوژیک برای تعیین همبستگی بین میزان بروز استاندارد شده سرطان مثانه و برخی عوامل خطر در کشورهای آسیایی می باشد.

روش کار: در این مطالعه اکولوژیک همبستگی بین میزان بروز استاندارد شده سرطان مثانه با چاقی، بیش وزنی، عدم فعالیت بدنی و دخانیات در ۳۰ کشور آسیایی ارزیابی شد. آمار میزان بروز استاندارد شده سنی از GLOBOCAN و اطلاعات مربوط به شیوع چاقی، اضافه وزن، عدم فعالیت بدنی و استعمال روزانه دخانیات از profiles Noncommunicable Diseases country گرفته شد. برای تعیین متغیرهایی که داری ارتباط معنی داری با بین میزان بروز استاندارد شده سرطان مثانه هستند ابتدا آنالیز تک متغیره با استفاده از رگرسیون خط ساده انجام شد. در مرحله بعد متغیرهای که در روش رگرسیون تک متغیره دارای p-value کمتر از ۰,۲۵ بودند وارد مدل رگرسیون خطی چند متغیره با متد stepwise شدند.

نتایج: میزان بروز سرطان مثانه در کشورهایی که شیوع بیش وزنی ($R^2=0.36, P<0.001$)، استعمال روزانه دخانیات ($R^2=0.17, P:0.03$)، چاقی ($R^2=0.34, P: 0.001$) و عدم فعالیت بدنی ($R^2=0.13, P:0.04$) بیشتر بود، بالاتر بود. نتایج آنالیز رگرسیون چند متغیره نشان داد که میزان بروز سرطان مثانه با بیش وزنی ($\text{coefficient}=0.15, P<0.001$) و استعمال روزانه دخانیات ($\text{coefficient}=0.21, P=0.001$) همبستگی مستقیم دارد.

نتیجه گیری: ارتباط معنی داری بین بروز سرطان مثانه با بیش وزنی و استعمال روزانه دخانیات مشاهده شد. برای تایید این ارتباط نیاز به مطالعات دقیق تر اپیدمیولوژیک می باشد. همچنین از آنجا که استعمال سیگار یک عامل خطر مستقل برای بسیاری از سرطان ها و همچنین سایر بیماریهای غیرواگیر می باشد بنابراین نیاز به برنامه های کنترل استعمال دخانیات برای کاهش اپیدمی بیماریهای مرتبط با سیگار می باشد. با توجه به روند افزایشی چاقی و بیش وزنی در جهان و ارتباط چاقی با بیماریهای غیرواگیر نیاز به برنامه های مداخله ای در جهت کنترل و یا کاهش روند چاقی و بیش وزنی در جهان می باشد.

کلمات کلیدی: سرطان مثانه، اکولوژیک، بروز استاندارد شده سنی، چاقی، بیش وزنی، عدم فعالیت بدنی، دخانیات



بررسی علل مرگ و میر در مراجعین به مرکز آموزشی درمانی سینا تبریز در سال ۱۳۹۷

کاوس شهسواری نیا*، حسن سلیمانپور، شیما شکاری

kavous.shahsavari@yahoo.com

مقدمه و هدف: تجزیه و تحلیل علل مرگ و میر بیمارستانی و شناسایی الگوهای مرگ و مقابله با عوامل آن، یکی از مناسب ترین راهبردها برای افزایش طول عمر می باشد. به دست آوردن این اطلاعات از اساسی ترین مبنای سیاست گذاری های کلان در برنامه ریزی های مرتبط با نیازهای مراقبت بهداشتی و برنامه ریزی برای کاهش موارد مرگ و میرهای شایع در بیمارستان می باشد. با توجه به اهمیت مسائل فوق، مطالعات بیشتری جهت قضاوت درست در مورد علل مرگ و میر مورد نیاز است. مطالعه حاضر با هدف شناخت بهتر علل منجر به فوت و با در نظر گرفتن تمامی بخش های بیمارستانی، به توصیف علل مرگ و میر بیمارستانی حادث شده در بیمارستان آموزشی-درمانی سینا تبریز در سال ۱۳۹۷ می پردازد تا متغیرهای دموگرافیک، بالینی و علت مرگ به تفکیک بیماری ها مورد بررسی قرار گیرد.

روش کار: این مطالعه به روش توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۷ در مرکز آموزشی-درمانی سینا انجام شد. این بیمارستان مهمترین مرکز پذیرش بیماران مسمومیت و سوختگی در شمال غرب کشور می باشد. برای انجام این پژوهش پس از اخذ مجوز، پرونده تمامی افراد مراجعه کننده به بیمارستان به صورت الکتیو و اورژانسی از تاریخ ۱ فروردین ۱۳۹۷ لغایت آخر اسفند ۱۳۹۷، از بایگانی مرکز استخراج گردید. متغیرهای دموگرافیکی چون سن، جنس، وضعیت تاهل و متغیرهای بالینی چون سطح هوشیاری، میزان اشباع اکسیژن خون، علایم حیاتی، سابقه بیماری و دارو از پرونده ها استخراج و در پرسشنامه محقق ساخته ثبت شد. حجم نمونه در بررسی سرشماری مرگ و میر های حادث شده در طی یکسال براساس مستندات ۶۲۶ مورد می باشد که ۸۸ پرونده بدلیل ناقص بودن اطلاعات درج شده در آن از مطالعه خارج گردید. داده ها با SPSS ۱۶ و با آزمون های توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: میزان مرگ و میر در این مطالعه ۱٪ گزارش شد. ۵/۵۶٪ از افراد متوفی مرد بودند. بیشترین میزان مرگ و میر در رده سنی بالای ۷۵ سال رخ داده است. در رده سنی زیر ۱۵ سال بیشترین میزان مرگ و میر مربوط به سوختگی ها بود. شایع ترین علل مرگ و میر به ترتیب سوختگی ها (۳۳٪/۱۹)، سرطان (۱۸۶٪/۱۶) و بیماری های عفونی (۵۷٪/۱۶) بود. بیشترین میزان مرگ و میر در بخش های ویژه حادث شده است. در ۶۱٪ سابقه بیماری های زمینه ای و مزمین گزارش شده است.

نتیجه گیری: نظر به اینکه این بیمارستان بزرگترین و عمده ترین مرکز آموزشی درمانی سوختگی در سطح استان می باشد، شایع ترین علل مرگ و میر در این پژوهش ناشی از سوختگی ها می باشد. لذا برای کاهش آمار مرگ و میر و افزایش امید به زندگی بیماران دچار سوختگی، توصیه می شود آموزش های لازم به عموم مردم برای مراقبت های اولیه در نجات بیماران دچار سوختگی داده شود و بویژه مراقبت های بالینی بخش های ویژه ارتقا یابد. درصد بالای مرگ و میر ناشی از سوختگی در اطفال و افراد کم سن و سال نشانگر اهمیت موضوع اطلاع رسانی خطرات بالای سوختگی برای پیشگیری از وقوع سوختگی و کنترل اثرات آن است.

کلمات کلیدی: مرگ و میر، اورژانس، مرکز آموزشی-درمانی



بررسی وضعیت تحرک بدنی و راه کارهای ارتقای آن در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی یزد

۱۳۹۳

سیدمحمدحسین حسینی*، شهین اسلامی، فاطمه باختری، محمدرضا پاک سرشت

hosseini.epid@gmail.com

مقدمه و هدف: با توجه به شیوع بالای بی تحرکی و تهدید جدی آن برای سلامتی، تعیین دقیق وضعیت تحرک بدنی و ارائه راهکارهای ارتقای آن خصوصا در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی که خود متولیان سلامت جامعه هستند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این مطالعه با هدف تعیین وضعیت تحرک بدنی و راه کارهای ارتقای آن در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی یزد طراحی شده است.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می باشد. جامعه هدف کلیه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی یزد بودند. که تعداد ۳۷۰ نفر از آنها به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد و به صورت انجام مصاحبه جمع آوری شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های من ویتنی، کروسکال والیس و رگرسیون لجستیک دو حالتی در محیط نرم افزار آماری SPSS انجام شد.

نتایج: شیوع کم تحرکی در این مطالعه ۲۷ درصد بدست آمد. نمره منافع درک شده و خودکارآمدی در حد متوسط بود. نمره موانع درک شده در حد کم بود. نمره فرآیندهای شناختی در حد متوسط و فرآیندهای رفتاری در حد کم بودند. پیش بینی کننده های تحرک بدنی به ترتیب کار در محیط های صفی نسبت به ستادی ($OR=1,75$)، نمره فرآیندهای رفتاری بالاتر ($OR=1,025$) و سن کمتر ($OR=0,96$) بودند.

نتیجه گیری: شیوع کم تحرکی در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی یزد نسبت به مطالعات مشابه پایین تر می باشد. ولی از آنجا که این افراد متولی سلامت جامعه می باشند انتظار می رود که وضعیت بهتری را دارا باشند. به این منظور ارتقای فرآیندهای رفتاری (شرطی سازی تقابلی، مدیریت تقویت، کنترل محرک، روابط یاری رسان، رهایی اجتماعی) پیشنهاد می شود. در این خصوص لازم است به کارکنان با سن بالاتر و همچنین شاغل در محیط های ستادی توجه بیشتری شود.

کلمات کلیدی: شیوع، تحرک بدنی، فعالیت بدنی، کارکنان، راهکار، یزد



بررسی اپیدمیولوژی عقب زدگی شهرستان بیرجند در سال ۱۳۹۷

محمد یوسف مقدم^{*}، امیر مهدی زنگویی مطلق، محمد صدیق فاروخی بجد، زهرا یونسی، اکبر ناصحی تبار، مریم فرخفال
mmoghdam98@gmail.com

مقدمه و هدف: عقب زدگی از معضلات و مشکلات مهم سلامت انسان در تمام جوامع و خصوصاً در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری دنیامجمله ایران می باشد. بررسی و شناخت عوامل اپیدمیولوژی موثر بر عقب زدگی، در پیشگیری و کاهش بار این مشکل بهداشتی در جامعه کمک کننده می باشد. این مطالعه در سال ۱۳۹۷ به منظور بررسی اپیدمیولوژی عقب زدگی در شهرستان بیرجند انجام گردید.

روش کار: مطالعه انجام شده از نوع توصیفی- مقطعی و گذشته نگری می باشد. در این مطالعه تمامی افرادی که از تاریخ ۱۳۹۷/۱/۱ لغایت ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ در شهرستان بیرجند استان خراسان جنوبی دچار عقب زدگی شده و به مراکز درمانی مراجعه نموده بودند مورد پژوهش قرار گرفتند. اطلاعات دموگرافیک و اپیدمیولوژی مصدومین بوسیله پرسشنامه خود ساخته جمع آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ تجزیه و تحلیل گردید.

نتایج: از تعداد ۱۶۶ مورد عقب زدگی در شهرستان بیرجند، ۸۷ مورد مرد (۵۲٪/۴) و ۷۹ مورد زن (۴۷،۶٪) می باشند. بیشترین موارد (۳۲٪) در گروه سنی ۲۵-۴۴ سال، کمترین موارد (۴٪) در گروه سنی ۶۵ سال به بالا و ۲۰٪ از موارد نیز در گروه سنی زیر ۱۰ سال قرار دارند. پاهای ۴۹/۴٪ بیشترین موارد عقب زدگی را به خود اختصاص داده اند. بیشترین موارد عقب زدگی در ۶ ماهه اول سال و پیک شیوع آن (۳۰٪) در شهریور ماه اتفاق افتاده است. تنها ۴٪ مصدومین نیاز به تزریق سرم ضد عقب داشته اند و سایر موارد بدون تزریق سرم بهبود یافته اند. ۵۲٪ موارد در شهر و ۴۸٪ در روستا سکونت داشته اند. گزش ۵۳٪ موارد از ۶ عصر تا ۶ صبح رخ داده است. خوشبختانه همه موارد بهبود یافته اند و هیچ گونه فوتی در سال انجام این مطالعه در اثر عقب زدگی در شهرستان بیرجند گزارش نشده است.

نتیجه گیری: باتوجه به اینکه ۹۶٪ مصدومین بدون تزریق پادزهر بهبود یافته بودند و از طرف دیگر خوشبختانه هیچ گونه فوتی ناشی از عقب زدگی گزارش نشده است لذا به نظر می رسد اکثر گونه های عقب شهرستان بیرجند از نوع کم خطر می باشند. همچنین بیشترین درصد عقب زدگی در مناطق شهری شهرستان گزارش شده است. لذا آموزش راه های پیشگیری از عقب زدگی به جامعه شهری و همچنین بهسازی منازل مسکونی و معابر می تواند سهم زیادی در کاهش عقب زدگی داشته باشد

کلمات کلیدی: عقب، عقب زدگی، اپیدمیولوژی، بیرجند



بررسی تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر تشخیص دیر هنگام بیماری اندومتريوز در سال های

۱۳۹۵-۹۶

حسین میرزایی*، ابوالفضل مهدیزاده کاشی، لیلا اله قلی

hosseinmirzaei64@yahoo.com

مقدمه و هدف: اندومتريوز بر کیفیت زندگی روزانه و کاری فرد بیمار اثر می گذارد و باعث ایجاد هزینه های درمانی و از دست دادن بهره وری کاری می شود. تأخیر در تشخیص بیماری می تواند منجر به رنج طولانی مدت برای بیمار و هزینه های اجتماعی و اقتصادی برای فرد و جامعه شود. برای اینکه بیماری در مراحل اولیه تشخیص داده شود ضروری است تا عوامل مؤثر بر تشخیص دیر هنگام بیماری مشخص شود، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی "تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر تشخیص دیر هنگام بیماری اندومتريوز در سالهای ۱۳۹۵-۹۶" انجام گردید.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی است، که بر روی ۱۸۰ بیمار مبتلا به اندومتريوز مراجعه کننده به بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص) در سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۶ انجام شد. نمونه گیری به روش در دسترس و جمع آوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها در این مطالعه دو فرم دموگرافیک و پرسشنامه عوامل اجتماعی و اقتصادی بود. متغیر وابسته اصلی در این پژوهش مرحله اندومتريوز در زمان تشخیص است که در چهار مرحله I, II, III, IV تقسیم بندی می شود تقسیم بندی براساس آخرین ویرایش دستورالعمل طبقه بندی اندومتريوز توسط انجمن باروری آمریکا انجام شد. متغیر مستقل اصلی مورد مطالعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی بود که با استفاده از آنالیز Principle Component Analysis (PCA) با توجه به متغیرهایی مانند دارایی خودرو، کامپیوتر، تعداد اتاق خواب، تلویزیون، یخچال، ماشین لباسشویی و ماشین ظرفشویی) در سه طبقه وضعیت اقتصادی اجتماعی ضعیف، متوسط و خوب طبقه بندی گردید. تمام اطلاعات جمع آوری شده در نرم افزار Stata نسخه ۱۴ وارد گردید و با استفاده از آزمون های کای دو، آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون لجستیک برای داده های ترتیبی تجزیه و تحلیل انجام شد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان می دهد که اکثریت افراد شرکت کننده در مطالعه (۷۱،۷ درصد) متأهل بوده اند، از نظر وضعیت اشتغال نیز ۵۶،۷ درصد خانه دار بوده اند. بیشتر افراد شرکت کننده فارس (۵۶،۷ درصد) بوده اند. از نظر وضعیت بیمه نیز نزدیک ۹۰ درصد افراد بیمه بوده اند. میانگین (انحراف معیار) سن بیماران ۳۲،۶۶ (۶،۹۲) سال بوده است. بر اساس نتایج این مطالعه بیش از ۹۰ درصد افراد در مرحله III و IV اندومتريوز تشخیص داده شدند. بر طبق نتایج در افراد فاقد بیمه، افراد با تحصیلات پایین و نیز افراد با وضعیت اقتصادی و اجتماعی ضعیف بیماری در مراحل بالاتر تشخیص داده شد ($P < 0,05$).

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد که بیماری اندومتريوز در زنان ایرانی در مراحل پیشرفته تری تشخیص داده می شود که می تواند بر روی وضعیت سلامت عمومی بیماران، کیفیت زندگی آنها اثر گذاشته و از این طریق بر آرامش خانواده نیز تأثیر بگذارد، لذا توصیه می شود این بیماری به عنوان یک تشخیص افتراقی در بیماری های زنان مورد توجه قرار بگیرد. علاوه بر این به نظر می رسد بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها و افزایش سواد سلامت خانوارها از طریق آموزش های عمومی از طریق رسانه های عمومی و نیز آموزش در مدارس در این خصوص می تواند در تشخیص بیماری در مراحل ابتدایی بیماری مؤثر واقع شود.

کلمات کلیدی: عوامل اجتماعی- اقتصادی، اندومتريوز، تشخیص دیر هنگام



اعتیاد به اینترنت و عوامل روان شناختی مرتبط با آن در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز

مجید زارعی*، فردین عزیزیان، اسماء یوسف زاده اصطهباناتی

zareimajid22@gmail.com

مقدمه و هدف: اعتیاد به اینترنت عامل خطری است که در جوامع مختلف متفاوت گزارش شده و بر کیفیت زندگی نوجوانان تاثیر گذار است و منجر به پیامدهای منفی مختلفی می شود. از این رو مطالعه حاضر به دنبال تعیین عوامل مرتبط با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان شهر شیراز طی سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مقطعی و توصیفی بر روی ۴۰۰ دانش آموز ساکن شهر شیراز در طی سال ۱۳۹۷ انجام شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای بود. داده ها با استفاده از آزمون اعتیاد به اینترنت (IAT) و پرسنامه نشانگان مختصر (BSI) گردآوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد میزان اعتیاد به اینترنت در نوجوانان پسر ۱۶ سال و بالاتر و در حال تحصیل در مقطع دوم و سوم متوسطه شهر شیراز به صورت خفیف است. اعتیاد به اینترنت با نشانه های بیماری (BSI) و خرده مقیاس های شکایات جسمانی، بعد وسواس-جبری، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، افکار پارانوئید و روان پریشی همبستگی مثبت معناداری دارد.

نتیجه گیری: از این رو نیاز به تمرکز بیشتر بر اعتیاد به اینترنت به عنوان یک بیماری روانی با توجه به عوامل مرتبط جهت پیشگیری از آن وجود دارد.

کلمات کلیدی: اعتیاد به اینترنت، روان پریشی، اضطراب، نوجوانان



بر آورد کم شماری سوانح ترافیکی منجر به مرگ در ایران

حمید سوری

hsoori@yahoo.com

در تبیین و برآورد بار ناشی از سوانح ترافیکی داشتن تعریف دقیقی از واژه‌های مرتبط به‌خصوص در مورد حادثه ترافیکی، مجروح یا مصدوم ترافیکی و متوفی ناشی از سانحه ترافیکی اهمیت ویژه‌ای دارد. این تعاریف برای اندازه‌گیری رخدادهای مربوط ضروری است و در صورت عدم وجود این اندازه‌های صحیح، اطلاعات برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان نه تنها کمک‌کننده نیست بلکه گمراه‌کننده خواهد بود و باعث می‌شود مقایسه رخدادهای بین زمان‌ها، مقایسه رخدادهای در جوامع مختلف و یا برآورد اثربخشی مداخله‌های مناسب با خطا همراه باشد. یکی از نقاط ضعف مدیریت ایمنی و برنامه‌ریزی کنترل و کاهش حوادث رانندگی، عدم ثبت دقیق و کامل آمار حوادث رانندگی می‌باشد که ناشی از مشخص نبودن یا جامع نبودن تعاریف و مصادیق تصادفات ترافیکی و عدم یکپارچگی و هماهنگی بین دستگاه‌های مسئول در ثبت آمارهای مرتبط (تصادفات رانندگی، مصدومان، کشته‌شدگان) می‌باشد. به دلیل وجود ابهام در اندازه‌های گزارش شده موارد مرگ ناشی از سوانح ترافیکی، سازمان جهانی بهداشت معمولاً تعداد افراد متوفی ناشی از سوانح ترافیکی بسیاری از کشور از جمله ایران را ناقص و دارای کم شماری قلمداد کرده و با به‌کارگیری روش‌ها و مدل‌های مرتبط، سعی می‌کند آن‌ها را تصحیح کند. برای مثال در گزارش جهانی ایمنی راه در سال ۲۰۱۵، تعداد موارد گزارش شده کشور برای مرگ ناشی از سوانح ترافیکی در ایران ۱۷۹۹۴ مورد برای سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳ بوده است، در صورتی که برآورد آن سازمان برای آن سال ۲۴۸۹۶ مورد ذکر شده است که نشان دهند یک‌کم شماری حدود ۲۸ درصدی موارد گزارش شده کشور می‌باشد. این تفاوت طی مطالعات انجام شده در داخل کشور نیز که توسط مؤلف و همکاران در تهران، یا در استان‌های کرمان و آذربایجان غربی انجام شده با کم برآوردی حدود ۲۰ درصد نشان داده شده است. در این بررسی نگاهی عمیق‌تر به تعاریف سوانح ترافیکی و علل کم شماری مرگ‌های ناشی از سوانح ترافیکی خواهد شد.

کلمات کلیدی: سوانح ترافیکی، کم برآوردی، ایران



آیا مصرف سیگار با کاهش فشارخون همراه خواهد بود؟

سمانه اکبرپور*، داود خلیلی، حجت زراعتی، محمد علی منصورنیا، عدرا رمضانخانی، اکبر فتوحی

akbarpour62@yahoo.com

مقدمه و هدف: با توجه به اهمیت فشارخون بالا و ارتباط آن با فاکتورهای مرتبط با شیوه زندگی و از طرفی تمایل به خوشه ای شدن فاکتورهای رفتاری شیوه زندگی، در مطالعه حاضر سعی شده است تا ارتباط الگوهای مختلف شیوه زندگی شناخته شده با فشارخون مورد ارزیابی قرار گیرد.

روش کار: در مطالعه حاضر از داده های مطالعه کشوری نظام مراقبت عوامل خطر بیماری های غیرواگیر در ایران در سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. ۸۲۴۴ نفر از افراد در گروه های سنی ۲۵-۷۰ سال وارد مطالعه شدند. فاکتورهای مرتبط با شیوه زندگی (تغذیه، فعالیت فیزیکی و دخانیات) با استفاده از پرسشنامه جمع آوری و با کمک روش شبکه عصبی خودسازمانده خوشه بندی انجام شد و در نهایت با استفاده از مدل های رگرسیونی رابطه بین فشارخون با خوشه ها مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: نتایج مطالعه حاضر ۷ خوشه شیوه زندگی در جمعیت مورد مطالعه نشان داد. خوشه اول، شیوه زندگی سالم تر (۱۵ درصد)، و مابقی خوشه ها حداقل یک یا چند فاکتور خطر مرتبط با شیوه زندگی را دارا بودند. در این میان دو خوشه ای که به ترتیب همراه با مصرف نوشیدنی های صنعتی، نمک و فست فود بالاتر و دیگری همراه با عدم فعالیت فیزیکی بودند خطر بالاتری در افزایش فشارخون سیستولیک و دیاستولیک (نسبت شانس به ترتیب ۱،۴۸ و ۱،۳۴) نشان دادند. خوشه دیگری که ۱۰۰ درصد سیگاری بودند و فعالیت فیزیکی مرتبط با کار بسیار بالایی داشتند تقریباً ۳۰ درصد شانس کمتری برای ایجاد فشارخون بالا نشان دادند.

نتیجه گیری: هر چند که نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شیوه زندگی همراه با مصرف سیگار با کاهش فشارخون ارتباط دارد. اما ممکن است به دلیل فاکتورهای همراه دیگری مانند فعالیت فیزیکی مرتبط با کار باشد که در کاهش فشارخون تاثیر گذار بوده باشد. البته این فرضیه هم چنان نیاز به مطالعات بیشتری در آینده دارد

کلمات کلیدی: فشارخون، سیگار، بیماری غیر واگیر



بررسی اثر سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت بر کیفیت زندگی سالمندان بالای ۶۰ سال شهر

زاهدان در سال ۱۳۹۷

طیبه رخشانی، منیره عزیزی فدافن، علیرضا انصاری مقدم، حسن اکاتی علی آید، محمد کوگانی، سیده زینب الماسی*
almasy2011@yahoo.com

مقدمه و هدف: جمعیت جهان به سرعت در حال پیر شدن است. با افزایش سن، اهمیت رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و نیز افزایش کیفیت زندگی سالمندان اهمیت بیشتری می یابد. پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط بین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و کیفیت زندگی در سالمندان شهر زاهدان انجام گرفت

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه ای مقطعی - تحلیلی است که بر روی ۶۰۰ نفر از سالمندان مراجعه کننده به مراکز سلامت شهر زاهدان با استفاده از نمونه گیری تصادفی دو مرحله ای و به شیوه خوشه ای انجام شد فرم جمع آوری اطلاعات چک لیست محقق ساخته، پرسشنامه کیفیت زندگی و پرسشنامه رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت بود اطلاعات بصورت مصاحبه حضوری گردآوری شد جهت تحلیل داد ها از آزمون های آنالیز واریانس یک طرفه، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چند چندگانه استفاده گردید

نتایج: در این مطالعه ۲۹۱ نفر مرد (۶۱،۵٪) و ۱۸۲ زن (۳۸،۵٪) حضور داشتند میانگین سنی افراد ۴،۲۶-۶۶،۲۶ بود بیشتر افراد (۳۷٪) متاهل بودند و ۵۴٪ از آنها از نظر مالی وابسته بودند و اکثریت آنها تحصیلات ابتدای و سیکل را داشتند میانگین نمره HPLPII برای افراد شرکت کننده ۱۱۰۸٫۹۱+۱۱٫۳۲ و میانگین نمره کیفیت زندگی ۳،۷+۲۸،۹۷ بود. برای هر دو جنس بیشترین میانگین نمره مربوط به HR از زیر مجموعه HPLPII بود. بین PA و وضعیت تاهل فرد همچنین سن با HPLP-II رابطه وجود دارد. همچنین بین جنسیت و نمره ی SG، N و نمره کلی HPLPII رابطه وجود دارد. بین رفتارهای ارتقا دهنده ی سلامت و کیفیت زندگی رابطه معنا داری دیده شد. همچنین بین سن و کیفیت زندگی رابطه وجود داشت و سن برای سلامت روان یک پیشگو کننده قوی بود. همچنین تغذیه و SM نیز پیشگو کننده های قوی برای کیفیت زندگی در مردان بودند.

نتیجه گیری: با ارتقای سبک زندگی، کیفیت زندگی نیز افزایش می یابد. انجام مداخلاتی با هدف افزایش آگاهی تمامی جامعه و نه تنها سالمندان در خصوص سبک زندگی سالم کاملاً ضروری به نظر می رسد؛ زیرا به طور مثال در این پژوهش سطح فعالیت بدنی پایین سالمندان، بازتابی از گرایش عمومی جامعه است پس تشویق به یک سبک زندگی سالم از لحاظ پیشگیری بالقوه از توسعه بیماری های مزمن، کاهش ابتلا، بهبود کیفیت زندگی و کاهش هزینه های پزشکی و بار مراقبت سلامت در جامعه امری ضروری است.

کلمات کلیدی: کیفیت زندگی، رفتارهای ارتقا دهنده سلامت، سبک زندگی، سالمندان



تعیین مولفه های موثر بر رفتارهای خودمراقبتی در بیماران دیابتی تحت پوشش معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی طی سال ۱۳۹۷

مریم نفیسی*، مریم عمرانی، بیژن مقیمی

m.nafisi1385@gmail.com

مقدمه و هدف: خودمراقبتی در بیماری دیابت روند جدید و چالش برانگیز مدیریتی است که در آن بیماران نقش مهمی در مکانیسم درمان و مراقبت از خود بعهده دارند. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف تعیین وضعیت رفتارهای خودمراقبتی و عوامل موثر بر آن در بیماران دیابتی تحت پوشش معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شده است.

روش کار: در مطالعه توصیفی حاضر، ۲۵۰ بیمار دیابتی مراجعه کننده به داروخانه های تحت پوشش معاونت امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به روش نمونه گیری در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصه های فردی-زمینه ای بیماران و رفتارهای خودمراقبتی آنها است. داده ها با نرم افزار SPSS 18 آنالیز و از آزمون تی، مجذور کای و تحلیل واریانس استفاده شد.

نتایج: میانگین امتیاز خودمراقبتی در بیماران (۱۲±۷/۳۹/۲) و وضعیت خودمراقبتی نسبتاً مطلوب بود. قوی ترین بعد خودمراقبتی بیماران دیابتی مربوط به مصرف دارو و ضعیف ترین بعد مربوط به فعالیت بدنی بود. بیماران دیابتی با سطح تحصیلات بالاتر و بیماران دریافت کننده اشکال تزریقی دارو، رفتارهای خودمراقبتی مناسب تری داشتند. افزایش سن، زندگی با فرزندان یا به تنهایی، ابتلا به بیماریهای دیگر، از جمله عوامل معکوس تاثیرگذار بر رفتارهای خودمراقبتی بودند

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از آن است که عوامل متعددی بر پایداری بیماران دیابتی به رفتارهای خودمراقبتی تاثیرگذار است. اجرای برنامه های آموزشی با هدف ارتقاء سطح آگاهی بیماران و توانمند سازی آنها در مقوله خودمراقبتی، با در نظر گرفتن مشخصه های فردی-زمینه ای، می تواند افقی روشن از کنترل بیماری را فراهم سازد.

کلمات کلیدی: خودمراقبتی، بیمار، دیابت ملیتوس



بررسی میزان بقا و عوامل مرتبط با آن در بیماران مبتلا به سیروز کبدی در استان کردستان

سونیا شهسوارى*، فرشاد شیخ اسماعیلی، محمدعزیز رسولی، پژمان شریفی، ابراهیم قادری، مسعود مرادی

soniashahsavari55@gmail.com

مقدمه و هدف: سیروز کبدی مرحله نهایی از بیماری مزمن کبد است که با مختل کردن عملکرد معمول کبد، موجب بروز عوارض گوناگونی در بیمار می شود. هدف از این بررسی برآورد میزان بقا در بیماران مبتلا به سیروز کبدی با استفاده از دو روش نمره دهی MELD و Child-pugh و تاثیر عوامل مرتبط با آن بر روی بقا سیروز کبدی در استان کردستان مورد بررسی قرار گرفت.

روش کار: در این مطالعه همگروهی گذشته نگر، همه افراد با تشخیص سیروز کبدی مراجعه کننده به مرکز گوارش و کبد بیمارستان توحید سنندج در استان کردستان در سال ۹۶-۱۳۹۰ بررسی شدند. برای آنالیز میزان بقا از روش کاپلان-میر و لگ رتبه و رگرسیون تک متغیره و محاسبه نسبت مخاطره با استفاده از مدل مخاطره نسبی کاکس انجام گردید. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار Stata 14 انجام گردید.

نتایج: در این مطالعه ۱۸۷ نفر از افراد مبتلا به سیروز کبدی مورد بررسی قرار گرفتند که میانگین (انحراف معیار) سنی آنها ۵۶/۱ (۱۷/۶) سال که ۱۱۵ نفر (۶۱٪/۵) آنها مرد، تعداد ۹۰ نفر (۴۸٪/۱) بیش از ۶۰ سال و ۳۷ نفر (۱۷،۸٪) کمتر از ۴۰ سال سن داشتند. در این مطالعه ۸۵ نفر (۴۵٪/۵) فوت کرده بودند که علت فوت ۴۸ نفر (۵۷٪/۸) آنها سیروز کبدی گزارش گردید. میزان بقای ۱، ۳ و ۵ ساله افراد مبتلا به سیروز کبدی به ترتیب ۰/۹۴/۳، ۰/۶۶/۷ و ۰/۴۱٪ و میانه بقا ۵۲ ماه بود. در آنالیز رگرسیون تک متغیره نشان داد که افراد با گروه سنی کمتر از ۴۰ سال میزان مرگ و میر بیشتری دارند (HR 2.10, 95% CI 1.26-3.50, P=0.004) ولی در افراد گروه سنی ۴۰-۵۹ سال تفاوت آماری معنی داری را نشان نداد. (P=0.178) در بیماران مبتلا به سیروز کبدی، افرادی که Child pugh آنها مرحله (HR 1.19, 95% CI 0.78-1.81, P=0.397) B و مرحله (HR 1.27, 95% CI 0.65-2.48, P=0.482) C بود.

نتیجه گیری: خطر مرگ بالا در سنین پایین تر تشخیص سیروز کبدی نشان دهنده شدید بودن بیماری در سن پایین، نیاز به پیگیری سریع بیمار، انجام مداخلات بیشتر و توسعه یک سیستم نظارت تشخیصی می باشد.

کلمات کلیدی: سیروز کبدی، میزان بقا، کردستان



ارتباط بین میزان بروز حوادث ترافیکی موتورسیکلت با میزان رشد اقتصادی استان های کشور: مطالعه بوم شناختی

علیرضا رزاقی*، حمید سوری، محسن حیدری

alirezarazzaghi_21@yahoo.com

مقدمه و هدف: این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین میزان بروز حوادث ترافیکی در موتورسیکلت سواران با سطح توسعه یافتگی استان های کشور انجام شده است.

روش کار: مطالعه حاضر بوم شناختی است که بر روی حوادث رخ داده در بین موتورسواران در سال ۱۳۹۳ انجام گرفته است. داده های مورد استفاده بر اساس داده های موجود در بانک اطلاعات سوانح ترافیکی پلیس است. برای تطبیق نتایج برحسب جمعیت استان ها از نتایج آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت مردان در هر استان استفاده شد. برای سنجش توسعه اقتصادی از شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) برای هر استان استفاده شد. در این مطالعه آزمون های آماری همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج: در مجموع ۹۰۷۲۴ مورد تصادف در بین موتورسیکلت سواران در سال ۱۳۹۳ رخ داد. بر اساس گروه های سنی، بیشترین میزان حادثه در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال با ۴۶۹۴۴ مورد (۵۱٪/۷) بود. میزان بروز کشور برابر ۲۳۹/۳۴ در یکصد هزار نفر جمعیت مردان بود. بیشترین و کمترین میزان بروز به ترتیب مربوط به استان های تهران و اردبیل با ۱۱۲۹/۸۴ و ۷۷/۳۷ در یکصد هزار نفر جمعیت مردان مشاهده شد. میزان بروز حوادث ترافیکی در موتورسواران به ازای یکصد هزار نفر جمعیت مردان با شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) استان ها و شاخص توسعه انسانی (HDI) رابطه مستقیم و از لحاظ آماری معنادار بود ($p < 0.05$).

نتیجه گیری: با افزایش سطح توسعه یافتگی استان های کشور میزان بروز حوادث ترافیکی مرتبط با موتورسیکلت افزایش می یابد. جهت کاهش میزان بروز سوانح ترافیکی تلفات ناشی از آن، می بایست برنامه های پیشگیری و کنترل جامع تری را در بخش های مرتبط راه و بهبود مراقبت های پزشکی آسیب دیدگان مورد توجه قرار داد.

کلمات کلیدی: موتورسواران، تصادفات ترافیکی، توسعه اقتصادی، بروز



The Prevalence of Cigarette Smoking in Iranian Adolescents and Young Adults: A Systematic Review and Meta-Analysis

Mohammad Aryaie*, Armita Shahesmaeili, Zahra Khorrami, Gelayol Ardalan, Gholamreza Heydari, Hamid Sharifi

aryaie2009@yahoo.com

Introduction: We conducted a systematic review and meta-analysis to estimate the prevalence of smoking in Iranian adolescents and young adults.

Methods: PubMed, Web of Science, Embase, Scopus, and domestic databases were searched from January 2001 to December 2018. Cross-sectional studies that reported the prevalence of cigarette smoking among high school students, university students or general population aged between 14 to 30 years were eligible. Data on prevalence of smoking, age and gender of subjects, sample size, date, and location of studies were extracted by two independent reviewers. The pooled prevalence of cigarette smoking was calculated using Random effect model in Stata version 15.

Results: A total of 99 studies were included in the analysis. For high school students, the pooled life-time prevalence of cigarette smoking (95% confidence interval) in girls was 13% (10-16) whereas in boys was 23% (20-26). In university students, the life-time prevalence in girls was 11% (7-14) while in boys was 33% (23-44). The pooled prevalence of current and regular smoking among high school boys was 9% (7-11) and 5% (4-7) while in girls was 3% (2-4) and 1% (0-1), respectively. The pooled prevalence of current and regular smoking among university boys was 22% (16-28) and 11% (7-15); in girls was 5% (3-6) and 1% (1-2), respectively. The prevalence of current smoking among age group of 15-24 year reported from 3.3% to 13.9%. The prevalence of regular smoking among this age group varied from 1.0% to 10.2%.

Conclusion: Cigarette smoking is notable among Iranian young adults especially boys and university students. Our findings call for reinforcement of tobacco prevention and control policies across Iranian schools and universities.

Keywords: Iran. Prevalence. Systematic Review. Meta-Analysis

The prevalence of Peyronie's disease in diabetic patients, Yazd, 2018

Maryam Askari*, Seyed Ali Mohamad Mirjalili, Mina Bozorg, Reyhane Azizi, Nasim Namiranian
askarim204@gmail.com

Introduction: Peyronie's disease (PD) is the fibrous scar tissue inside the penis that causes curved and painful erections (1). PD is associated with, diabetes, hypertension, dyslipidemia and low testosterone. PD causes erectile dysfunction (ED) (2). The aim of this study was to evaluate the prevalence of PD in type 2 diabetic (T2DM) patients in Yazd.

Methods: This cross-sectional study was conducted on 317 patients with T2DM referred to the Diabetes Research Center of Yazd. Inclusion Criteria were: T2DM, ages 30-65 years old, having a medical record at the Yazd diabetes research center, willingness to participate in research. Exclusion criteria contain: history of smoking and using anti-depressive drugs. Data was analyzed using with SPSS-16 and Stata software. Descriptive tables and charts were used and statistical tests such as independent sample T-test and Fisher's exact test were used.

Results: Estimating the prevalence of PD is a challenge for physician; because patients may not talk about their symptoms. In the present study, the prevalence of PD was estimated about 3.80% in diabetic patients. A total number of 317 male patients were enrolled. The prevalence of diabetes microvascular complications were as following; neuropathy 36.30% (30.97-41.38), retinopathy 24.30% (19.67-29.39), nephropathy 20.50% (16.19-25.37), and PD 3.80% (1.97-6.51).

Conclusion: PD is one of the most complex diseases in urology. Pathogenesis is still unknown. A wide range of prevalence has been noted in worldwide. There was no difference in the prevalence of PD in our study with the global studies. But there is a higher prevalence of PD in diabetic patients than the general population.

Keywords: Peyronie disease, Diabetes mellitus, Prevalence

Short and long-term myocardial infarction Survival rate in Islamic Republic of Iran: a study using national registry data in 2013-2014

Samane Mozaffarian*, Seyed Saeed Hashemi Nazari

s.mozaffarian@behdasht.gov.ir

Introduction: Location and type of MI are prognostic significant factors for predicting mortality after MI. This study was designed to prediction short and long-term survival rate in patient with MI in Iran.

Methods: This is a Retrospective cohort study which its data were collected on 21181 cases of myocardial infarction recorded by the Iranian Myocardial Infarction Registry in 2013-2014. The follow up of these patients began after hospitalization, and Patients who died before received by the hospital were not included in the study .The last point was the time of death for all cause. In this study, Time-dependent event (survival) rates were estimated by Kaplan-Meier method and P values were determined by use of log-rank statistics. Continuous variables are presented as mean \pm standard deviation (SD).Categorical variables were summarized as frequencies and percentages

Results: This study evaluated 21181 patient with the first attack of MI. There were 15328 (72.37 %) men and 5853 (27.63 %) women. the most common symptoms were pain left arm(46.60 %), Sweating (40.37 %) and Dyspnea (32.07 %). During the first year after AMI, the most frequent complication was heart failure (7.90 %). The most common location of MI was acute transmural myocardial infarction of anterior wall (31.86 %). Overall, the 28 day, 6 month and 1 year survival rates were 0.95 (0.95-0.96), 0.90 (0.90-0.91) and 0.88(0.88-0.89).

Conclusion: One year after MI, 2479(11.72 %) patient had died and 18681 (88.28 %) had survived (right-censored). Hypertension, diabetes and chronic heart disease was most common risk factors. The short and long-term survival rates in male were higher than female. Short and long-term survival rates were the lowest in patient with acute transmural myocardial infarction of anterior wall, inferior wall and other sites and patient with acute transmural myocardial infarction of inferior wall had the highest short and long-term survival rate.

Keywords: myocardial infarction, Medication therapy, survival rate



Urbanization levels and its association with prevalence of risk factors and Colorectal Cancer Incidence

Mostafa Enayatrad*, Parvin Yavari, Hamid Vahedi, Sepideh Mahdavi, Koorosh Etemad, Soheila Khodakarim

mostafaenayatrad@gmail.com

Introduction: Colorectal cancer is one of the most common cancers in the world. The aim of this study was to determine the relationship between risk factors and the incidence of colorectal cancer in Urbanization levels in Iran.

Methods: This is an ecological study. Urbanization levels were determined using the census data of the Statistical Center and the hierarchical clustering method. Data on risk factors for colorectal cancer were obtained from the information provided by the Iranian Non-Communicable Disease Control Center and the incidence of colorectal cancer from the data from the National Cancer Registry System. Negative binomial regression analysis was used to determine the relationship between colorectal cancer risk factors and urbanization levels with colorectal cancer incidence. For statistical analysis, SPSS (Version 23) and Stata (Version 12) software were used. A significant level of $P \leq 0.05$ was considered.

Results: The relationship between urbanization levels and risk factors with the incidence of colorectal cancer, nutrition Status, tobacco use, body mass index were not significant. There was a significant relationship between physical activity and incidence at different levels and between levels of urbanization and incidence rate, indicating a lower incidence rate of colorectal cancer at lower levels of urbanization.

Conclusion: Colorectal cancer incidence is higher at higher levels of urbanization than lower levels. The difference between regions in terms of urbanization can have in flounce on access to facilities, health service, and counseling opportunities to modify the risk factors and access to proper screening and follow-up care

Keywords: Colorectal Cancer, Incidence, Risk Factors, Urbanization Levels

Comparison of prevalence of congenital hypothyroidism and related factors between Nahavand and Kashmar cities in 2016-2017 (Respectively in the west and east of Iran)

Manoochehr Solgi, Maryam Soori, Samira Tabaei*

m.solgi2121@yahoo.com

Introduction: Congenital hypothyroidism is the result of a reduction in thyroid hormone production or a decrease in the activity of thyroid hormone receptors, and is one of the most preventable causes of mental retardation, deafness, and heart problems in the world. The aim of this study was to compare the prevalence of congenital hypothyroidism between Nahavand in the west of Iran and Kashmar, in the East of Iran during the years 2016-2017.

Methods: This is a cross-sectional descriptive study on neonates born in April 2016 to March 2018 in two cities of Nahavand and Kashmar. A few beads of blood from a baby's heel in 3-5 birthdays on a special filter paper (S & S903) Became Blood samples from the pelvic floor were filtered and dried. The valuation of the samples was performed by the ELIZA method by evaluating the TSH hormone. Premature infants, underweight (less than 2500 grams), a weight of over 4 kg, multiple births or newborns requiring blood transfusions or any newborn needed to be taken to the test again after two weeks

Results: In the city of Nahavand, the incidence of neonatal hypothyroidism in the years 2016 and 2017 was 7.2 and 5.4 per 1000 live births. And for the city of Kashmar, this figure increased to 4.8 and 2.7 per 1,000 births in 2016 and 2017 respectively. Hypothyroidism in Nahavand is more than Kashmar, while both cities have a high incidence of national and global statistics. In both cities of Nahavand and Kashmar, the prevalence of hypothyroidism in infants and boys was higher than that of the daughters. In total, 26.6% of cases of hypothyroidism were in Nahavand and 11% in Kashmar, their parents had familial marriages and there was a significant relationship between the amount of TSH in their infants and their relative marriages ($P < 0.001$).

Conclusion: Our study showed that the prevalence of hypothyroidism in both Kashmar is high in eastern Iran and Nahavand in western Iran. Especially in Nahavand, western Iran, where the prevalence of hypothyroidism is higher than global and national statistics. Further studies are needed to clarify the role of iodine deficiency and familial marriages in a wider context.

Keywords: Neonatal hypothyroidism, screening, special filter paper, mental retardation, Prevalence, Iran



Association between the new anthropometric indexes and coronary artery disease: which of those is the best predictor?

Parvin Ayremlo*^u, Sakineh Nouri Saeidlou, Esmaeel Gholizadeh

p.ayremlou@gmail.com

Introduction: Recently, the Body Roundness Index (BRI), Body Adiposity Index (BAI), Abdominal Volume Index (AVI) and a Body Shape Index (ABSI) anthropometric indexes have been as possible alternative indexes that may be better reflect health status. This study assessed the ability of BRI, BAI, AVI and ABSI to predicting coronary artery disease (CAD) compared to Body Mass Index (BMI), Waist Circumference (WC), Waist-to -Height ratio (WHtR).

Methods: In 550 participants (180 subjects with CAD and 370 controls), the weight, height, Hip circumference (HC), and WC were measured and BMI, BRI, BAI, AVI, ABSI, WHtR and Waist-to- Hip ratio (WHR) indexes calculated using standardized formulas. The receiver operator characteristic curves (ROCs) were conducted to detecting the best anthropometric parameters. Adjusted-Odds ratios (OR) (stratified by sex) calculated for quartiles of each anthropometric index.

Results: In both sexes, WHtR, BRI, WC, AVI, BMI, BAI had the significant largest of area under the curve (AUC) respectively, (AUC>0.82 in females and AUC>0.75 in males). The smallest of AUC was for ABSI (males: 0.61, females: 0.64), HC (males: 0.68, females: 0.75) and WHR (males: 0.69, females: 0.75), receptively. The adjusted-ORs of BRI, BAI, AVI, ABSI, BMI, WC, WHR and WHtR 1.81, 1.21, 1.21, 1.32, 1.29, 1.07, 2.29 and 7.25 for males and ORs for these indices were 2.68, 1.31, 1.43, 3.03, 1.36, 1.13, 2.92 and 10.8 for females respectively.

Conclusion: Based on the AUC, WHtR was superior predictor among all anthropometric indices, while BRI, BAI, AVI can predict the risk of CAD similar BMI and WC and ABSI was the weakest predictor in both sexes.

Keywords: cardiovascular disease, anthropometric indexes, coronary artery disease, ROC analysis, predictive value



Assessment the Relationship between stress exposure during pregnancy and occurrence of Congenital Heart Disease: a Case-control study in southeast of Iran

Hossein Ansari*, Hamideh Tekeh, Normohammad Nori, Mojtaba Akbari

ansarih88@gmail.com

Introduction: Congenital heart disease (CHD) is the most common type of congenital anomalies. This study was to identify the possible relationship between stress exposure during pregnancy and occurrence of CHD considering potential confounders and effect modifiers in southeast of Iran.

Methods: In this case-control study, 353 cases were selected from children 0 to 59 months who suffered from CHD and referred to children heart clinic of Zahedan city. Also 353 controls were selected from healthy children 0 to 59 months referring to health centers in Zahedan city and around the province. The cases and controls were matched on age, sex and place of residence. The data were collected using interview with children's mothers and registered in a valid information form and Holmes-Rahe stress scale and analyzed using Multiple Logistic Regression Models. Directed Acyclic Graph (DAG) was used to determine potential confounders. The data were analyzed in Stata.14 software with $P < 0.05$ significant level.

Results: Considering potential confounders according to DAGitty software, expose to high level of stress during pregnancy increased the chance of the CHD (OR= 3.8). In addition to stress level, lack of using folic acid in pregnancy (OR= 11.8), non-use of multivitamins during pregnancy (OR= 4.1), CHD in first-degree relatives (OR=3.4), history of abortion during pregnancy (OR=3.4) and the presence of a rig within 100 meter of the house (OR=3), significantly modified and increased the odds of CHD ($P < 0.05$).

Conclusion: This study suggests that women who experience stressful life events around the time of conception or early gestation may be at increased risk of delivering infants with a CHD. History of stress experience in combination with nutritional status during pregnancy may increase the risk of CHD. Effective education and increasing the awareness of women regarding techniques of stress control and also warning to couples concerning to consequences of stress during pregnancy, especially in low level society could be helpful in decreasing CHD in this region

Keywords: Congenital Heart Disease, Stress, Children

Relationship between Incidence of Motorcycle Crashes and Economic Development in Iran: An Ecological Study

Alireza Razzaghi*, Hamid Soori, Mohsen Heidari

alirezarazzaghi_21@yahoo.com

Introduction: Evidences show an increase in the occurrence of road crashes and casualties in early stages of economic growth. This study aimed to evaluate the correlation between the incidence of motorcyclists' crashes and the level of development of the provinces of Iran in the year of 2015.

Methods: This was an ecological study of the motorcyclists' crashes in all provinces of Iran. Motorcyclists' injuries were obtained from the database of traffic police and the report of population census in 2011 was used. Given that more than 99% of motorcycle-related crashes occurred in male motorcyclists, the population of males was used to adjust the results. The Pearson correlation coefficient was also applied.

Results: Totally, 90,724 crashes occurred among motorcyclists. The highest rate was in the age group of 18 to 30 years with 46,944 crashes (51.7%). As for sex, men had 90363 crashes (99.6%). Among different provinces, Tehran and Ardabil had the highest and lowest incidence with 1129.84 and 77.37 per 100 thousand male populations, respectively. Significant correlations were found between the incidence of motorcycle crashes and Gross Domestic Product (GDP) (P-value: 0.601) and Human Development Index (HDI) (P value 0.497), respectively (P<0.05).

Conclusion: Increased the incidence of motorcycle crashes is associated with the level of provincial economic development. In order to prevent the injuries and reducing its incidence, attention should be paid to the safety of roads and vehicles.

Keywords: Incidence of road crashes, economic growth, Motorcyclist



A case control study of Association between Stressful Life Events and Suicide

Hosein Azizi *, Mostafa Farahbakhsh, Ali Fakhari, Elham Davtalab Esmaeili
aziziepid@gmail.com

Introduction: A few studies have explored the relationship between the major types of Stressful Life Events (SLEs) included family conflicts and Early Marriage (EM) with suicide. We assessed associations between SLEs and suicide, SAs risk in comparing with a control group.

Methods: This case control study was used data from Suicidal Behaviors (SBs) of registration system in East Azer Province among three groups of controls (n=201) and case groups (SAs=154 and suicides=32). A valid life event questionnaire was used to assess SLEs in the last year. Control group was considered reference category for study groups comparing. Multiple logistic regressions were used to estimate the Adjusted Odds Ratios (AORs) for suicide and SAs risk.

Results: Suicides had the most SLEs score in comparing SAs and control groups and a significant trend was also to be found between SLEs numbers and suicide risk ($P>0.001$). Among SLEs types, family conflicts, EM, financial problems, and expose to the new conditions were increased risk of suicide and SAs. In comparing SLEs types risk, family conflicts in suicides 4.46 (CI: 2.01 - 9.9) and financial problems 7.93 (CI: 2.12 - 24.66) in SAs had the highest AORs.

Conclusion: SLEs management and programming to reduce this negative events by health systems are imperative in suicide prevention.

Keywords: Suicide, Suicide Attempters, Stressful life events, Case control



The patterns of Non-communicable Disease Multimorbidity in Iran: A Multilevel Analysis

Zahra Khorrami*, Maysam Rezapour, Koorosh Etemad, Shahin Yarahmadi, Soheila Khodakarim, Alireza Mahdavi Hezaveh, Mohammadesmail Kameli, Narges Khanjani
zahra.khorrame@gmail.com

Introduction: The prevalence of non-communicable diseases is increasing worldwide. Multimorbidity and long-term medical conditions is common among these patients. This study aimed to investigate the patterns of non-communicable disease multimorbidity and their risk factors at the individual and aggregated level

Methods: Data was inquired from the nationwide survey performed in 2011, according to the WHO stepwise approach on NCD risk factors. A latent class analysis on multimorbidity components) 11 chronic diseases (was performed and the association of some individual and aggregated risk factors (urbanization) with the latent subclasses was accessed using multilevel multinomial logistic regression.

Results: Latent class analysis revealed four distinct subclasses of multimorbidity among the Iranian population (10069 participants. (Musculoskeletal diseases and asthma classes were seen in both genders. In males, the odds of membership in the diabetes class was 41% less by increasing physical activity; but with increased BMI, the odds of membership in the diabetes class was 1.90 times higher. Tobacco smoking increased the odds of membership in the musculoskeletal diseases class, 1.37 and 2.30 times for men and women, respectively. Increased BMI and low education increased the chances of women's membership in all subclasses of multimorbidity. At the province level, with increase in urbanization, the odds of membership in the diabetes class was 1.28 times higher among males ($P=0.027$).

Conclusion: Increased age, higher BMI, tobacco smoking and low education are the most important risk factors associated with NCD multimorbidity among Iranians. Interventions and policies should be implemented to control these risk factors

Keywords: Multimorbidity; Latent class analysis; Non-communicable diseases; Iran.



Association of dietary patterns with continuous metabolic syndrome in children and adolescents; a nationwide propensity score-matched analysis: The CASPIAN-V study

Nafiseh Mozafarian

nafiseh.mozafarian85@gmail.com

Introduction: This study aims to determine the association of dietary patterns with metabolic syndrome (MetS) and its components in children and adolescents.

Methods: This nationwide study was conducted in 2015 among 4200 students aged 7–18 years, who lived in 30 provinces in Iran. The analysis was conducted based on the propensity score using a matched case–control study design. Three dietary patterns were obtained conducting a principal component analysis with a varimax rotation on 16 dietary groups. Continuous MetS score was computed by standardizing the residuals (z-scores) of MetS components by regressing them according to age and sex. The gold standard diagnosis of MetS was considered based on the International Diabetes Federation criteria. Moreover, for the purpose of data analysis, matched logistics analysis was used.

Results: The study participants consisted of 3843 children and adolescents (response rate 91.5%) with mean (SD) age of 12.45 (3.04) years. Totally 49.4% of students were girls and 71.4% lived in urban areas. Three dietary patterns were obtained: Healthy, Western, and Sweet. Prevalence of MetS was 5% (boy 5.5 and girl 4.5%). Results of multivariate analysis show that students with Sweet dietary patterns were at higher risk for abdominal obesity (OR 1.29; 95% CI 1.01–1.66), elevated blood pressure (OR 1.35; 95% CI 1.01–1.81) and MetS (OR 1.33; 95% CI 1.02–1.74). The two other dietary patterns were not associated with MetS and its components.

Conclusion: Sweet dietary pattern increase the risk of MetS and some its components in Iranian children and adolescents. This finding provides valuable information for effective preventive strategies of MetS based on diet rather than medication to maintain healthy lifestyle habits.

Keywords: Metabolic syndrome, Dietary pattern, Propensity score, Children



The Relative incidence of Leukodystrophies in Tehran Province

Manouchehr Amanat*, Ali Reza Tavasoli

manouchehr.amanat@yahoo.com

Introduction: Inherited white matter disorders are a developing diverse group of neurometabolic disorders in children. According to the Global Leukodystrophy Initiative consensus of leukodystrophies classification in 2015, these disorders have been categorized into 2 main groups: classic leukodystrophies and genetic leukoencephalopathies. Classic leukodystrophies are heritable disorders that primarily affect the white matter of the brain with or without peripheral nervous system involvement, whereas in genetic leukoencephalopathies the white matter of the central nervous system is secondarily involved as a result of inborn errors of metabolism and vascular or heterogeneous heritable disorders with systemic manifestation.

Methods: This retrospective cohort study purposed to report the relative incidence of enzymatically genetically proven cases of leukodystrophies in children from Tehran and Alborz provinces from December 2010 to December 2016. The authors funded the bioregistry system known as the Iranian Neurometabolic Registry (INR) in 2010 at the Children's Medical Center in Tehran, the capital of Iran. The Children's Medical Center is the only children's hospital in Tehran and Alborz provinces that provides medical care for children with heritable white matter disorders. The mean number children living in Tehran and Alborz was obtained was obtained from the Iranian Statistic.

Results: Ninety genetically or enzymatically proven inherited white matter disorders who were residents of Tehran and Alborz provinces were found. Of these 90 subjects, 48 (53.3%) and 28 (31.1%) of cases were categorized as classic and genetic leukodystrophies respectively and rest of them (14% or 15.5% of patients) were classified as unsolved leukoencephalopathy (Figure 1). In the classic leukodystrophy group, 13 of them (27%) were belonged to hypomyelination subgroup and 35 (73%) were demyelination subgroup.

Conclusion: Metachromatic leukodystrophy was the most commonly diagnosed leukodystrophy among the patients in the current study. The annual incidence of inherited white matter disorders was 3.01/100 000, the highest number compared with those found in other studies using similar methods throughout the world. One of the main cause of this higher incidence could be the higher number of consanguineous marriages in Iran.

Keywords: Leukodystrophy, Iran, Incidence



The Incidence of Testicular Cancer in Iran from 1996 to 2017: A Systematic Review and Meta-analysis

Hamed Delam*, Soheil Hassanipour

hameddelam8@yahoo.com

Introduction: Testicular cancer (TC), although it is one of the most unusual cancers, seems to be increasing. There is no accurate information on the incidence of this cancer in Iran. The present study is conducted to evaluate the incidence rates of TC in Iran.

Methods: A systematic search was conducted on all published studies of TC incidence using Medline/PubMed, Scopus, Embase, Web of Science, Google Scholar and four Iranian databases (Scientific Information Database, MagIran, IranMedex and IranDoc) until June 2018. This systematic review was done according to the preferred reporting items for systematic reviews and meta-analyses.

Results: The database searching yielded 132 potentially relevant studies. A total of 11 studies were included in the study. The results of the random-effects model were demonstrated that the age-standardised rate (ASR) of TC was 1.13, 95% confidence interval (0.97–1.29) among Iranian males.

Conclusion: ASR for TC in Iran is lower than the world average; however, it has a higher incidence than other Asian countries.

Keywords: Incidence Testicular Cancer Systematic Review Iran.



The incidence of laryngeal cancer in Iran: A systematic review and meta-analysis

Hamed Delam*, Soheil Hassanipour

hameddelam8@yahoo.com

Introduction: The incidence of larynx cancer (LaC) from different areas of Iran were reported. Nevertheless, there is no available systematic reviews in this regard. Therefore, the present systematic review carried out to estimate the incidence rate of LaC among Iranian people.

Methods: This systematic review was performed according to the Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analysis (PRISMA) in October 2017. A search was concluded using Medline/PubMed, Embase, ISI web of knowledge, Scopus, ScienceDirect, and Google scholar for international papers and four national databases (Scientific Information Database, MagIran, IranMedex, and IranDoc) for Persian papers. The incidence rate of LaC was calculated using random effect model.

Results: An aggregate of 166 papers were retrieved in the primary search of the databases. Further screening and advanced refinement of the retrieved studies produced 13 studies totally. The age-standardized rate (ASR) of LaC was 2.70, 95% CI (1.86–3.53) and 0.46, 95% CI (0.31–0.61) in males and females, respectively.

Conclusion: In comparison to other parts of the world, the incidence of LaC was lower in Iran. Afterwards, further studies are necessary to outline the exact incidence rate and the trend of LaC in Iran.

Keywords: Incidence, Aryngeal cancer, Iran, A systematic review, Meta-analysis



The Effect of Dietary Inflammatory Index on hypertension; Results from RaNCD Cohort Study

Azad Ayeneh pour*, Yahya Pasdar, Mehdi Moradi Nazar, Fakhereh Faraji, Mitra Darbandi
azad9574@gmail.com

Introduction: Hypertension is one of the leading cause of death worldwide, which is associated with oxidative stress and inflammation. Diet is associated with chronic diseases such as hypertension, on the other hand, moderates inflammatory conditions. The aim of this study was to determine the relationship between Dietary Inflammatory Index (DII) and hypertension in Ravansar's cohort study.

Methods: This cross-sectional study was performed on 6416 adults using the primary data of the cohort study of Ravansar's non-communicable disease. The Food Frequency Questionnaire (FFQ) was used for dietary assessment. DII was calculated using FFQ data. Data were analyzed using one-variable and multivariate logistic regression test in STATA 14.1 software.

Results: The prevalence of hypertension was higher in women than men. The odds of hypertension in women were 1.2% more than men (CI = 1.0-1.5). By increasing the age, the DII score increased (P <0.001). Persons who were physically more active had lower DII score, which was statistically significant (P <0.001). With increasing the DII quartiles, the risk of hypertension increases. People who were in the fourth quartiles of the DII (the most pro-inflammatory diet) were 1.13 times more likely to have hypertension than those in the first quartile (anti-inflammatory diet) (OR = 1.13; CI = 0.86-1.48).

Conclusion: The results of this study showed that there is a direct linear relationship between hypertension and dietary inflammatory index, so that the prevalence of hypertension increased across the quartiles of DII.

Keywords: Dietary Inflammatory Index, hypertension

Global and Regional Prevalence of Hepatitis C in HIV-Positive Prisoners: A systematic review meta-analysis

Saba Shakarami, Hassan Ahmadi Gharaei, Marzieh Rohani-Rasaf*, Mostafa Dianatinasab
rohani_marzieh@yahoo.com

Introduction: Throughout the world, hepatitis C virus (HCV), and human immunodeficiency virus (HIV) infections are considered a major healthcare problem. People living with HIV (PLHIV) and people in prison are population groups with a potentially high risk and/or prevalence of HCV

Methods: Up to August 2019, we searched PubMed via MEDLINE, Embase, Scopus and Web of science (ISI) to identify published studies on the prevalence of HBV, HCV and HIV co-infections among Prisoners. We estimated the prevalence of these co-infections using a random-effect pooled estimate analysis approach with subgroup analysis based on WHO regions, publication year, study quality and sample size.

Results: 51 articles had required data on HCV and HIV co-infection. Pooled prevalence of HCV/HIV co-infection was 61% (95% CI: (50.0-72.0), I²= 99.78% (p< 0.001) (Fig-1) and in the highest rate comes from East Mediterranean region with 83% (95% CI: 73.0-930).

Conclusion: PLHIV, people in prison and groups with multiple risk factors, have a high prevalence of HBV and HCV and may be at ongoing risk of infection. Implementation of a standard protocol with aim of finding co-infections of HBV, HIV and HIV in prison setting is highly recommended.

Keywords: Hepatitis C, HIV, AIDS, Prison, Prevalence, Co-infection

Patterns of Obesity and Overweightness in the Iranian Population: Findings of STEPS 2016

Shirin Djalalinia*, Sahar Saeedi Moghaddam, Nazila Rezaei, Hossein Zokaei, Moein Yoosefi, Bagher Larijani Farshad Farzadfar

shdjalalinia@gmail.com

Introduction: Obesity has become a common health problem all over the world. Benefiting from a national representative sample, the present study reveals the prevalence of overweightness/obesity and the distribution of BMI levels in the Iranian adult population, by sex, age, and geographical distribution.

Methods: This was a large-scale national cross-sectional study of NCD risk factor surveillance in Iran. Through a systematic cluster random sampling, 31050 participants were enrolled in the study. Anthropometric measures were taken under standard protocols using calibrated instruments.

Results: In 2016, the national prevalence rates of normal weight, obesity and overweightness/obesity among Iranian adults were, 36.7% (95% CI: 36.1-37.3), 22.7% (22.2-23.2) and 59.3% (58.7-59.9), respectively. There was a significant difference between the prevalence of obesity among men [15.3% (14.7-15.9)] and women [29.8% (29.0-30.5)], ($p \leq 0.001$). The 55-64 [31.5% (30.1-33.0)] and the 18-24 [8.3% (7.3-9.4)] year-old age groups had the highest and lowest prevalence of obesity, respectively. The results show a geographical pattern at provincial level, where the level of BMI increases among populations ranging from the southeastern to the northwestern regions of the country. The highest provincial prevalence of obesity.

Conclusion: To achieve the Sustainable Development Goals (SDGs) 3.4 goal, we need an urgent call to action to take all public health measures to halt the growth of obesity and control all its predisposing factors. Considering the priority of the problem, there is a growing need to generate evidence that supports the effectiveness of interventions on the prevention and control of obesity.

Keywords: Obesity, Overweight, BMI, STEPs, Iran



Prevalence and correlates of fear of falling among elderly population in Varamin in 2019

Fatemeh Ghorbani*, Hasan Ahmadi Gharaei

ghorbanifati@gmail.com

Introduction: Falls are a major public health problem in the elderly population. Fear of falling among elderly persons can compromise quality of life by limiting mobility, diminished sense of well-being and reduced social. The major challenge would be on the prevention of falls among them. Hence there is a need to highlight the problems related to fall faced by the elderly in Iran. To study the prevalence of falling and its risk factors among the elderly population in Varamin town.

Methods: A cross-sectional survey was carried out in Varamin. 659 elderly subjects above 60 years were cluster sampling selected from urban and rural areas and interviewed for falling using Easy Care Questionnaire, history of falls and risk factors. Chi-square test was used for group comparisons. Multiple logistic regression analysis was then performed to examine the factors associated with Falling

Results: Of 659 participants, 373 (56/6%) were female. The prevalence of falling among the elderly was 25.1%. Result of chi-square showed significant association of falling were sex, marital status, job, source of income, having chronic diseases among them. Multiple logistic regression analysis revealed that the risk factors associated with falling were diabetic (OR=1.67, CI: 1.10-2.50), arthritis (OR=1.94, CI: 1.25-3.02), visual disorders (OR=1.76, CI: 1.06-2.93), chronic diseases (OR=3.18, CI: 1.62-6.26) and need to caregiver (OR=1.78, CI: 1.13-2.68).

Conclusion: Falling is a health problem among the elderly living in Varamin needs urgent attention. It represents a significant threat to socialization, independence and morbidity or mortality. Knowledge of risk factors of falling may be useful in developing multidimensional strategies to reduce it among elderly

Keywords: Prevalence of fear of falling, elderly population, varamin



Joint disease mapping of breast, uterine and ovarian cancers in cities of Isfahan province using spatial shared component model

Marzieh Nasr*, Behzad Mahaki, Mehdi Kargar, Pejman Aghdak

nasr_marzieh@yahoo.com

Introduction: Malignant breast, uterine and ovarian cancers are the prevalent diseases among women. Today, over one million women with female-related cancers are known around the world. The most prevalent malignant diseases among females are breast, uterine and ovarian cancers. In addition, breast cancer is known as the second cause of female death (1-3). Using shared component model (SC), the relative risks of breast, uterine and ovarian cancers and the effects of shared and specific components of cancers were estimated in Isfahan province from 2005-2010 in the form of mapping. Then, the relative importance of the surrogate of the shared risk factor for the mentioned cancers was presented in order to compare the association of the factor with both diseases

Methods: In this ecological study, the studied population consisted of all the registered patients having breast cancer (C52 code in ICD10), ovarian cancer (C56) and uterine cancer (C55) in the cities of Isfahan province from 2005 to 2010. Spatial shared component model was used with Bayesian inference. *Shared component model:* This model analyzes the general risk of three diseases into shared components and three disease-specific components.

Results: Using the spatial shared component (SC) model, the relative risk of every studied cancer were estimated in a six-year period:

Conclusion: Since ovarian and uterine cancers are the less prevalent disease in comparison with breast cancer, the preciseness of these estimates were improved remarkably over simple mapping models. Based on this model, the estimates were done according to the correlation between the diseases. After recognizing the spatial patterns of the shared and specific risk factors and reviewing of previous studies, regardless of risk factors data, environmental pollution arises as a potential risk factor.

Keywords: Disease mapping, Shared Component model, Breast Neoplasms, Uterine Neoplasms, Ovarian Neoplasms



Age-standardized Sex specific Incidence rate of hypertension in Iranian adults

Samaneh Asgari*, Seyyed Saeed Moazzeni, Farzad Hadaegh

asgari.samaneh@gmail.com

Introduction: To investigate the population-based incidence of hypertension (HTN) in Iranian men and women, during a median follow-up of 13.1 years.

Methods: A total of 2894 and 3639 non-hypertensive men and women aged ≥ 20 years entered the study. The crude incidence rate (95% confidence interval; CI) was calculated by dividing the number of new cases of HTN by person-years at risk for each gender and the whole population. Also, the age-standardized incidence rates (ASRs) were calculated using Segi's world standard population.

Results: During the median (IQR) follow-up of 13.1 years (8.2-16.0), 995 men and 1136 women experienced HTN. The annual crude and ASRs incidence rates (95% CI) of HTN in the whole population were 27.5 (26.3-28.7) and 36.1 (34.3-38.0) per 1000 person-years; the corresponding sex-specific rates were 29.7 (27.8-31.6) and 34.9 (32.5-37.4) per 1000 person-years in men and 25.8 (24.3-27.3) and 38.7 (35.5-42.0) per 1000 person-years in women, respectively. The highest rate of incident HTN was in women aged ≥ 60 years (80.2 per 1000 person-year). Older adults experienced higher incidence of HTN but the highest change was observed from the '20s to '30s, about 1.5-fold in men and > 2 -fold in women.

Conclusion: We found that 3% of men and 2.6% of women developed HTN during follow-up. The incidence rate of HTN among men was prominent in those who were younger than 40 years old; however, among older age groups, the incidence was pronounced among women. Moreover, the incidence rate increased with aging in both sexes by a steeper slope among younger age groups.

Keywords: Hypertension, Age-standardized Incidence, Segi's world standard population



Systematic Review of the Risk Factors of Thyroid Cancer in Iran

Marzieh Eslahi

marzieh.eslahi@gmail.com

Introduction: In 2018 thyroid cancer has ranked the ninth most common cancer worldwide. The global incidence rate of thyroid cancer in women of 10.2 per 100,000 was 3 times higher than in men. Thyroid cancer is the only type of cancer with women predominance. Mortality rates from the disease are much lower, with rates from 0.4 to 0.5 in men and women. Many studies have investigated risk factors for thyroid cancer around the world. The present study was aimed to review studies regarding the etiology and risk factors of thyroid cancer in Iran.

Methods: Using Iran, risk factor, incidence, prevalence, costs, complications and thyroid cancer as Keywords, a comprehensive search was conducted in several databases namely PubMed, Embase, Web of Science and Scopus from 2000 to March 2018. An Iranian database such as SID was also searched. Data were extracted, and the quality of the included studies was evaluated using the STROBE checklist.

Results: There are many studies investigating risk factors contributing to thyroid cancer. However, we find no study focusing on risk factors of thyroid cancer in Iran.

Conclusion: It seems necessary to investigate potential risk factors of thyroid cancer in Iran to plan and develop appropriate preventive and control program for the disease.

Keywords: Systematic Review. Risk Factors. Thyroid Cancer. Iran



The Association between Incidence and Mortality from Cancer and Human Development Index (HDI)

Marzieh Eslahi

marzieh.eslahi@gmail.com

Introduction: The magnitude of cancer is increasing substantially, with over 20 million new cancer cases projected for 2025 compared to an estimated 18.1 million new cancer cases and 9.6 million cancer deaths in 2018. Socioeconomic factors are well-established contributing factor to cancer incidence and mortality. Along with changes in countries levels of human development, socioeconomic developments have profound effects on the scale and profile of cancer. We conducted this study to investigate the effect of HDI on incidence and mortality from common cancers around the world.

Methods: The present study is an ecological study. We used GLOBOCAN 2018 and United Nations Development Program (UNDP) to abstract data on common cancers and HDI level.

Results: In 2018 cancers of lung, prostate, colorectum, stomach, liver were the 5 most common malignancy in men worldwide. In women the most common cancers included: breast, cervix uteri, colorectum, lung and thyroid. Our analyses revealed that there are positive correlation between HDI and incidence and mortality from most of cancers.

Conclusion: The HDI is a broad marker of the scale and profile of cancer, with rates of specific types of cancer increasing or decreasing in magnitude according to increments in the four-level HDI. Highly positive dose-response relationships were observed for lung, kidney, and testicular cancer among males, and for lung, kidney, and brain/nervous system cancers in females. Conversely, for cervical cancer, other pharyngeal cancer, and Kaposi sarcoma in females, negative dose-response relationships were observed with HDI level. Results of our study revealed higher incidence of cancer in countries with higher levels of HDI. It can be to grate extent explained by improved health care services and diagnostic procedures as well as establishment and performance of registries

Keywords: Human development index, cancer, incidence, mortality



The incidence rate of diabetes mellitus (type II) and its related risk factors: A 10-year longitudinal study of Yazd Healthy Heart Cohort (YHHC), Iran

SeyedehMahdiehNamayandeh*, AhmadKarimi, HosseinFallahzadeh, MasoudRahmanian,
Seyed MahmoodSadr Bafghi, MohammadhoseinSoltani, LeilaHadiani

epid.ssu@gmail.com

Introduction: Diabetes Mellitus (DM) is a metabolic disease characterized by chronic hyperglycemia, which occurs due to insufficient production of insulin by the pancreas or resistance to insulin produced by the body. The most dangerous and Long-term complications of diabetes include renal failure, heart failure, cardiovascular disease, stroke, diabetic foot ulcers, and diabetic neuropathy.

Methods: This longitudinal cohort study was conducted on 1641 non-diabetic people of 2000 participants enrolled in phase I of Yazd Healthy Heart project (YHHP) aged 20-74 year-old resident of the city of Yazd. They were selected randomly through cluster sampling method and included in follow up a project for ten years (2004–2014). In order to analyze the data, Chi-Square, independent *t*-test and logistic regression statistical models were used through the SPSS Ver20.

Results: In this study, 1641 people were enrolled and followed up for 12226 person-years over a period of 10 years. Of these, 219 people (13.34%) used the drug in the last year of the study or had fasting blood glucose levels 126 mg/dl, 327 people (19.92%) had impaired glucose tolerance, 530 people (32.3%) were healthy and 565 people (34.43%) were unwillingness to continue collaboration at the start of the study or were inaccessible. After age matching in society, the incidence rate in the population aged 20e74 in Yazd during the ten years was calculated as 21.4 per 1000 of a population-year. For participants who have been diagnosed with diabetes during the study, the average age of diagnosing diabetes for participants in the study was 53.8 years.

Conclusion: The incidence rate of DM type II among the people aged 20–74 years in Yazd was 21.4 per 1000 of a population-year. Univariate analysis revealed that the relative risk of DM incidence increased by smoking, increasing BMI, abdominal obesity, hypertension, and increased cholesterol, triglyceride and uric acid levels ($p < 0.0001$). Variables with a significant *p*-value < 0.05 using the univariate analysis were included in the logistic regression model. Age, family history of diabetes mellitus in relatives, abdominal obesity, triglyceride values greater than 150 and uric acid more than the 75th percentile were recognized as independent risk factors of diabetes. In the present study, Age, family history of DM, abdominal obesity, high triglycerides, and high uric acid are the most important risk factors for diabetes

Keywords: Diabetes Mellitus, Incidence, Risk Factors, longitudinal cohort study.



The incidence of hearing loss and its associated factors among newborns in Fasa, 2018-2019

Zeynab Heydari*, Armita Shahesmaeili, Abdullah Azizi, Roghaye Sepehri

heidariz66@yahoo.com

Introduction: The aim of this study was to calculate the incidence and correlates of hearing loss in Fasa.

Methods: To calculate the incidence of hearing loss, the information of 2561 newborns screened. A case-control study was conducted to study the risk factors such as demographic characteristics, individual level factors and medical conditions.

Results: The incidence of hearing loss was 1.4%. The incidence was higher among boys, who screened in older ages, who had cranio-facial malformation, hospitalized in, had consanguinity and had low birth weight. Hearing loss was significantly associated with having screening at older ages and kinship marriage.

Conclusion: Regarding the negative consequences of hearing loss, public health education for early screening of hearing loss should be reinforced.

Keywords: Newborn, hearing loss, Risk factor



Psychological Disorders Arising from Problems of Appearance and Its Predictors in Burn Patients

Homayoun Sadeghi-Bazargani, Zahra Zare*, Fatemeh Ranjbar

zare.zahra59@yahoo.com

Introduction: Burn injuries are the most certainly stressful events, particularly when permanent disfigurement is a result. Survivors of burn events are even more susceptible to psychological disorders due to aesthetic problems of appearance compared to other groups. Therefore, present study was conducted to assess predictors of dysfunction, distress and possible psychiatric morbidity in burn patients.

Methods: This cross-sectional study was carried out on a total of 217 burn patients. To assess psychological disorders and irrational beliefs, Derriford Appearance Scale59 and Scale for Irrational Thoughts after Burning was used. To identify predictors of dysfunction and distress, both bivariate and multivariate analysis method were conducted.

In multivariate linear regression, forward strategy was used for building the model. Preliminary variable selection for model design was based on a $P < 0.2$ and final decision for keeping the variables in the model was based on a $P < 0.05$.

Results: The results of bivariate analysis showed that gender, body location burned (face only, head and neck), type of resident (urban or rural), and intent of injury; and also irrational beliefs had significant relationships with psychological disorders ($P < 0.05$). Using forward linear regression, irrational beliefs, body location burned (head and neck), type of resident (urban or rural) and intent of injury were significant predictors of the psychological disorders. The models predicted 27 percent ($p < 0.001$) of psychological disorders, dysfunction and distress and possible psychiatric morbidity.

Conclusion: Considering possible psychiatric morbidity and development of facilities for screening is necessary. Moreover, consultation with mental health experts after burn injuries is highly recommended.

Keywords: Burn, Injuries, Derriford Appearance Scale59 (DAS59), psychological disorders, disfigurement



Survival Analysis of Patients with Colorectal Cancer Undergoing Combined Treatment

Mohammad Aziz Rasouli*, Ghobad Moradi, Daem Roshani, Bahram Nikkhoo, Ebrahim Ghaderi
 rasouli1010@gmail.com

Introduction: If colorectal cancer (CRC) is diagnosed in the early stages, the patients will have higher survival rates. Although there might be some other factors which affect the survival rate, the kind of treatment available based on existing health and therapeutic facilities, is very important as well. The aim of this study was to explore the best type of treatment in colorectal cancer patients.

Methods: The data of 335 patients with CRC in Kurdistan province were collected using population-based cancer registration system from first of March 2009 to 2014. Demographic and clinical- pathologic data of the patients were gathered through their medical and pathology records and going to the door of their houses. The cancer-specific survival rate were calculated using Kaplan-Meier survival curve, log-rank test, univariate and multivariate Cox regression. The data was analyzed using Stata 12 software.

Results: One-year, three-year and five-year survival rates were %87, %57 and %33 respectively. The median of survival was 42.6 months. The five-year survival rate for those patients who had received both surgical and chemotherapy treatments was %55.8. There was less mortality rate among the patients who had received both surgical and chemotherapy treatments compared to those who had not received any treatment (HR=0.57, 95% CI 0.24-0.93).

Conclusion: When CRC patients are treated using both surgical and chemotherapy treatments, they will have higher survival rate. Therefore, it is suggested to use both treatments for CRC patients.

Keywords: Survival Analysis, Colorectal Cancer, Combined Treatment, Iran



Epidemiology and determinants of self-injury among high school students in Iran: A longitudinal study

Soudabeh Marin, Mohammad Hajizadeh, Mohammad Hassan Sahebihagh, Maryam Ataeiasl, Masoumeh Anbarlouei, Hadi Pashapour, Hossein Nemati, Mahbobeh Mahmoodi, Asghar Mohammadpoorasl*

ampoorasl@gmail.com

Introduction: Non-suicidal self-injury (NSSI) among adolescents is a major health concern globally. The epidemiology and determinant of NSSI have not been studied extensively in Iran. Thus, this longitudinal study sought to investigate the prevalence, incidence and contributing factors of NSSI among adolescents in Iran.

Methods: This study was conducted at high school students aged 14-18 years old in the metropolitan city of Tabriz, located in north western Iran. Data were collected from 6,229 10th-grade students at two time-points, with 12 months interval in October and November 2017 and 2018. A self-administered questionnaire was used to collect information on demographic, NSSI and cigarette and hookah smoking from the study participants.

Results: Lifetime prevalence of NSSI among students was 6.2% (95% confidence interval [CI]: 5.7 to 6.9) at the first assessment. Scratching and hair pulling were the most and least common methods of self-injury, respectively. Over the one year, 206 students (3.6% CI 95%: 3.1-4.1) reported the onset of NSSI. Tobacco smoking and previous year average grade were related to the incidence of NSSI. Although gender was significantly associated with the prevalence of NSSI, the relationship between gender and incidence of NSSI was not significant.

Conclusion: Although the prevalence of NSSI was low among adolescents, the incidence rate was considerable. Further studies are required to understand the risk factors of NSSI in Iran.

Keywords: *Self-harm; Self-injurious behavior; Adolescent; Students; Tobacco smoking*



The validity of self-reported smoking in a population-based study: Results from the pilot phase of Azar cohort study

Nayyereh Aminisani*, Hamid reza Yousefi, Mohamad Reza Rashidi, Somaie Soltani, Parvin Sarbakhsh, Morteza Shamshirgaran

aminisani_n@hotmail.com

Introduction: Globally, tobacco use is the second leading cause of mortality that substantially increases the risk of death for lung cancer, cardiovascular diseases, chronic respiratory disease and other conditions. Although there is a steady and slowing decline in smoking in developed countries, it is increasing in low and middle-income countries. In population-based epidemiologic studies assessment of the validity of self-reported smoking is an important issue. This study aimed to evaluate the validity of self-reported smoking in the pilot phase of the Azar cohort study in the northwest of Iran.

Methods: A total of 952 adults aged 35-70 years old were recruited for the pilot phase of Azar cohort; a province-level of a nationwide PERSIAN cohort study. A comprehensive questionnaire was completed, and biological samples were taken. Information about the history and duration of smoking, using drug and medication were obtained by a physician. The validity of the smoking was assessed by comparing the questionnaire response with cotinine concentration in urine using HPLC method

Results: The prevalence of smoking was 17.75 which was more frequent in men than women (37.4% vs.1.4%). Based on a cut-off of 50 ng/ml that was used to verify non-smokers, the weighted sensitivity was 19.6 (14.2-26.0), and specificity was 98.0 (89.1-99.9). It was 41.9 (31.3-53.0) and 94.7 (74.0-99.9) in men. Using a cut-off 170 ng/ml to allow light passive smoking, the weighted sensitivity and specificity were 24.0% (16.8%-32.5%) and 92.2 (85.7%-96.4%) respectively.

Conclusion: the sensitivity of the self-reported smoking in this population is much lower than other population-based studies suggesting that we can not rely on the self-report way of data collection to obtain the smoking behaviors correctly. Moreover, in the absence of regulation of banning smoking at home, private and small business as well as cultural beliefs, the optimal cut-off points should be defined for validation of smoking status in this specific minority groups.

Keywords: Validation; Self-report; Prevalence; Smoking; PERSIAN cohort



Epidemiological evaluation of colorectal cancer screening with positivity to fecal immunochemical tests: National Plan Results of IRAPEN

Reyhane Ghiasi Noee*, Ehsan Mousa Farkhani, Saeedeh Hajebi Khaniki, Ali Taghipour
Ghiasinr971@mums.ac.ir

Introduction: In the late 2016, FIT have become the recommended tests for Colorectal Cancer Screening Program (CCSP) in Iran. Since less report of the implementation of this major project has been published so far in the country, this study aimed to investigate Epidemiologic evaluation of CCSP with positivity to FIT.

Methods: In this cross-sectional study, we used secondary data of 45853 individuals extracted from SINA health record during 2016 to 2019 and investigated the epidemiological aspects of fit testing in terms of the most important variables.

Results: Individuals who underwent FIT screening were primarily aged 50-70 years (68.2%) and female (55.6%). The most prevalent symptom was constipation (11.8%) while 82.3% had no symptom. The result of FIT was normal in 41751 (91.1%) of individuals and abnormal in 3412 (7.4%) of them, whereas 690 (1.5%) had inconclusive results. In those with abnormal result of FIT, 10.6% had history of smoking in last 12 months, 4.2% used tobacco. Also 36.2% of those with abnormal FIT had physical activation of less than 150 minutes weekly, 20.8% had hard job and 71.6% were overweight or obese. Moreover 92.8% of patients with positive FIT ate fast foods, 61.7%, 45.9% and 60.4% never consumed fruit, vegetables, and dairy respectively.

Conclusion: Abnormal result of FIT mostly was observed in overweight/obese individuals, fast food consumers, and non-consumers of dairy and fiber-containing foods. Further analytical researches are recommended in the future.

Keywords: fecal immunochemical test, FIT, Colorectal cancer screening



The Associations between Noise Annoyance and Psychological Distress with Blood Pressure in Children and Adolescents: The CASPIAN-V Study

Negin Badihian, Roya Riahi, Mostafa Qorbani, Mohammad Esmail Motlagh, Ramin Heshmat, Roya Kelishadi*

neginbadihian@gmail.com

Introduction: Although blood pressure (BP) tracks from childhood to adulthood, and the prevalence of pediatric primary hypertension is increasing, related determinants are not well understood. The role of noise pollution and psychological distress in increasing BP is well documented in adults, but it remains elusive in children. This study aims to investigate the association of noise annoyance and psychological distress with BP in a pediatric population.

Methods: This national cross-sectional study was conducted in 2015 on a sample of 14400 Iranian students, aged 7 to 18 years. Information regarding noise annoyance and psychological distress were assessed using questionnaires, and BP values were measured. Levels of noise annoyance and psychological distress were classified based on tertiles to No/low, moderate and high.

Results: Data of 14274 students were completed. The mean age of participants was 12.28 (0.05), with 51% boys and 71.4% urban inhabitant. Diastolic BP and mean arterial BP (MAP) had positive correlation with noise annoyance (regression coefficient: 0.028, 95 % CI: 0.005 - 0.05 and 0.025, 95 % CI: 0.002 - 0.04, respectively). Participants with higher psychological distress were 15 % more likely to experience abnormally high BP compared to those with normal psychological status or mild distresses (OR: 1.15, 95 % CI: 1.003 - 1.34).

Conclusion: We found significant positive relationship between the level of noise annoyance and values of diastolic BP and MAP. Moreover, psychological distress had negative correlation with higher risk of elevated BP. The clinical impact of these findings should be assessed in further longitudinal studies.

Keywords: Blood pressure; Noise; Mental health; Children; Adolescents

The relationship between Internet addiction and loneliness worldwide: A systematic review

Farzad Khodamoradi*, Hossein Mozafarsaadati

f_khodamoradi@yahoo.com

Introduction: The Internet is an essential tool for establishing communication. Although Internet makes life easier, but also it can become problematic. The aim of this study is to evaluate the association between Internet addiction and loneliness.

Methods: A literature search was conducted using PubMed (MESH terms), Web of Science, Scopus and Embase. Studies that have examined the relationship between loneliness and internet addiction were included in this review. Data were combined in narrative and tabular forms. Two reviewer conduct all steps.

Results: 19 articles that have examined the relationship between internet addiction and loneliness were included in this study. A moderate association between internet addiction and loneliness was found. 17 studies showed a positive relationship, and only 2 studies show negative relationship.

Conclusion: Internet addiction was positively associated with loneliness. We should pay attention to the early symptoms of loneliness in individuals with Internet addiction. Longitudinal studies are needs for determined the temporality and control for time varying confounders

Keywords: *Internet addiction, loneliness, systematic review, worldwide*



The association of cognitive dysfunction and osteosarcopenia in old age: The Bushehr Elderly Health (BEH) program

Gita Shafiee*, Ramin Heshmat, Afshin Ostovar, Iraj Nabipour, Bagher Larijani
gshafiee.endocrine@gmail.com

Introduction: The aim of this study is to investigate the relationship between Osteosarcopenia (OS) and cognitive impairment in a large sample of older adults in Iran.

Methods: A total of 2426 Iranian adults aged ≥ 60 years, participating in the stage II of Bushehr Elderly Health (BEH) program, a population-based prospective cohort study; were included in this study. Sarcopenia was defined as having low muscle index (< 7.0 in men and < 5.4 Kg/m² in women) with low handgrip strength (< 26 Kg in men, < 18 Kg in women) or low usual gait speed (< 0.8 m/s). Body composition was measured by dual X-ray absorptiometry (DXA). Subjects were divided into 3 groups: 1) nonsarcopenia- nonosteopenia (normal), 2) sarcopenia /osteopenia (BMD < -1.0 SD or sarcopenia), 3) sarcopenia + osteopenia (OS). Cognitive status was assessed by Mini Mental State Examination (MMSE), Category Fluency Test (animals naming), Functional Assessment (FAST) and history of dementia. Everybody who had problem at least in one of these tests were considered as subjects with cognitive impairment and those with normal condition in all tests were assumed as normal cognition .

Results: Of the total participants, 484 (21.8%) of subjects were normal, 51.4% of subjects had sarcopenia /osteopenia and 26.8% of participants had OS. After adjustment for age and sex, the association remained statistically significant [OR=1.27(1.01-1.60) and OR=1.47(1.12-1.91), for sarcopenia/osteopenia and OS, respectively]. The association remained statistically significant only between OS and cognitive impairment [OR= 1.37(1.04-1.80)] in the full model (adjusted for age, sex, physical activity and smoking) .

Conclusion: This study provides evidence that the presence of osteopenia with sarcopenia (OS) independently increases risk of cognitive impairment. Common pathways, such as mitochondrial dysfunction, may have a role in both conditions.

Keywords: Osteosarcopenia, Cognitive Impairment, Elderly

Sleep quality and the risk of recurrent aphthous stomatitis: A prospective cohort study among Spanish students

Hamidreza Tohidinik*, Rodriguez Almudena., Takkouche Bahi

tohidinikh@gmail.com

Introduction: To estimate the effect of insomnia, hypersomnia, sleep satisfaction and number of phenomena during sleep on recurrent aphthous stomatitis (RAS) among adolescents.

Methods: A cohort of 11210 Spanish students aged between 11-19 years was followed up for one year. Insomnia, hypersomnia, satisfaction with sleep and number of phenomena during sleep were assessed at baseline using Oviedo Sleep Questionnaire. Occurrence of RAS was evaluated every 12 weeks using a validated self-diagnosis questionnaire. Poisson regression model was used to calculate adjusted incidence rate ratios (IRRs) and their 95% Confidence Intervals (95% CI).

Results: We detected 3098 new cases of RAS with a total of 323,484 person-week of follow-up (incidence rate = 0.5 year⁻¹). Children in the 3rd and 4th quartiles of insomnia had respectively 1.24 and 1.3 times more risk of developing RAS than those in the first quartile. The trend was almost the same for hypersomnia with IRRs of 1.21 and 1.47 for 3rd and 4th quartiles, respectively. A higher score of phenomena during sleep also increased the risk of RAS, as IRRs for 3rd and 4th quartiles were 1.12 and 1.46 respectively compared to 1st quartile. Better sleep satisfaction had decreased the risk of RAS (IRRs for acceptable and high satisfaction were 0.87 and 0.86, respectively comparing to low or very low satisfaction).

Conclusion: Insomnia, hypersomnia, a high score of sleep-related phenomena and the lack of satisfaction with sleep are associated with a moderate increase the risk of RAS in adolescents.

Keywords: *aphthous stomatitis, cohort study, hypersomnia, insomnia, sleep*



Metabolic Syndrome and Risk of Colorectal Cancer: A Case Control Study

Hosein Azizi*, Khairollah Asadollahi, Ali Delpisheh, Elham Davtalab Esmaeili
aziziepid@gmail.com

Introduction: Among Middle East countries, the prevalence of Metabolic Syndrome (MetS) and Type 2 Diabetes Mellitus (T2DM) were increased dramatically in Iran. Very few evidence based studies have been performed on the relationship between metabolic disorders and Colorectal Cancer (CRC) in developing countries at least in Iran. Objectives: The aim of this case control study was to determine the relation of between MetS and CRC risk.

Methods: A 1:1 case-control study with 414 participants (207 cases and 207 controls) was conducted among referral hospitals (Imam Reza, ShahidMadani and Sina) in Tabriz city from Azerbaijan province, Iran. Cases with CRC confirmed by positive pathology and colonoscopy findings were selected and compared with controls free of neoplastic and chronic diseases at the same time and hospitals for the cases. Group matching was used based on sex and age variables for case and control groups. MetS was defined by International Diabetes Federation (IDF) criteria. Multiple logistic regression was used to estimate adjusted odds ratios for the association between MetS and odds of CRC.

Results: Out of 414 participants, 220 (53%) were men. Among cases, 134 (64.73%) patients had MetS while in control group, 82 individuals (39.61) had MetS history. After adjusting for the confounders, MetS and DM history were significantly associated with elevated odds of CRC (OR: 2.79, %95 CI: 1.58-5.15, P=0.001) and (OR: 2.57, %95 CI: 1.25-4.58, P=0.006) respectively. We have observed also a dose response relation and a trend between components of MetS and CRC risk. So that, odds of CRC was increased by rising numbers of MetS components.

Conclusion: It seems that MetS and its components are associated with increased risk of CRC.

Keywords: Colorectal cancer, Metabolic Syndrome, Type 2 diabetes, Case Control study

Diabetes incidence and influencing factors in women with and without gestational diabetes mellitus: A 15 year population-based follow-up cohort study

Maryam Rahmati*, Sonia Minoee

rahmati.mary@gmail.com

Introduction: Very few extensive follow-up investigations evaluating patients with history of gestational diabetes mellitus (GDM) have been documented. We conducted this longitudinal study to estimate the incidence of diabetes and its predictors in women with and without GDM.

Methods: A total of 2458 eligible women, aged 20-50years (476 with GDM and 1982 without GDM) were selected from among participants of the Tehran Lipid and Glucose study, based on the World Health Organization definition for GDM screening. Pooled logistic regression was used to assess the association between time-dependent covariates and diabetes.

Results: The incidence rate of diagnosed diabetes was 9/1000 for women with GDM and 4/1000 for their counterparts, without GDM. Kaplan-Meier curve indicated a significantly shorter median time for developing diabetes in women with a history of GDM (6.95years [IQ: 4.22-10.71]), compared to their healthy peers (8.45years [IQ: 5.08-10.89]). BMI and previous family history of diabetes were found as major risk factors for future diabetes in women with GDM

Conclusion The results presented here lead to better identification and selection of at-risk women with prior GDM history.

Keywords: Diabetes mellitus; Gestational diabetes; Glucose Study; Risk factor; Tehran Lipid, pooled logistic model



A Survey of Leading Causes of Injury and Violence in South-East Iran

Fariba Zare*, Hossein Bagheri, Mehdi Mohammadi

faribazare9@gmail.com

Introduction: Injuries either unintentional or intentional, constitute a major public health problem, causing 5 million deaths and a lot of disabilities worldwide annually. The present study sought to describe the causes, their characteristics, frequencies, types and outcomes on the injuries reported to Zahedan Forensic Medicine Center. Injuries may be categorized in a number of ways. However, for the analytical purposes and identifying intervention opportunities, it is especially useful to categorize injuries according to whether or not they were deliberately inflicted and by whom. In this respect, the commonly used categories are: unintentional (accidental); intentional (deliberate), interpersonal (assault and homicide), self-harm (abuse of drugs and alcohol), self-mutilation such as committing suicide.

Methods: This is a cross-sectional study conducted on forensic medicine center of Zahedan, located in south-eastern Iran. A total of 1400 intentional and unintentional injuries were systematically extracted from administrative records from January 1, 2008, through December 31, 2018. Data points, utilized for comparison, include age, sex, date of injury, marital status, level of education, employment status, season of injury, location of injury, type of injury (intentional, unintentional), outcome of injury (death, survival) and cause of injury. Injury mechanisms were grouped into the following categories: crash, homicide, burns, suicide, and poisoning. All frequencies for demographic information, injury mechanisms, and outcomes are presented as proportional to total injuries. The data were analyzed by chi square test and logistic regression models. The Hosmer-lemeshow method was used for modeling: The statistical software Stata.14 (StataCorp, USA) was used for all analyses.

Results: In multiple logistic regression model, it was observed that the odds of death in individual with secondary level of education (OR: 0.75, 95% CI: 0.34- 0.92), and university graduates (OR: 0.42, 95% CI: 0.31-0.85) were lower than illiterate ones. Similarly, there was a significant relationship between holiday times and death occurrences, so that the chance of death in holiday time was (OR: 1.54, 95% CI: 1- 2.3) higher than ordinary times. In addition, odds of death in unintentional injuries was (OR = 3.91, CI: 3.06- 4.9) more than intentional cases. The odds of intentional injuries in the age groups of 30-44 and 45- 59 years were more than age group of 14 years old as the reference group (OR = 4.09; 95% CI: 2.4-6.9) and (OR= 3.02; 95% CI: 1.8-5.3). University-graduated individuals (OR= 2.66 95% CI: 2.5-3.5) were more likely to have intentional injury compared to illiterate group. The chances of intentional injuries during holidays were 1.5 times higher than working days (OR = 1.53; 95% CI: 1.04-2.2). Additionally, injuries occurring in an urban setting versus a rural setting were also significantly associated with intentional injuries with odds ratio of 1.7 (95% CI: 1.08 - 2.6).

Conclusion: This study provides rigorous data on the prevalence and patterns of injuries in south-eastern Iran. Additionally, younger age groups were more likely to be injured compared to other categories. Thus, it is suggested that the implementation of appropriate instructing planning and prioritization for the reduction of fights in families and schools are necessary. Taking such actions should target the frequently-suffered groups. As a main health problem, such injuries demand the attention of decision- and policy-makers in the public health arena. The results of this study could be useful to identify interventional measures and determine the local and cultural gaps of the societies. General understanding of the size and type of injuries and their burden in Iran will also help policy makers and health planners to prevent injuries and manage them in the case of occurrence.

Keywords: Intentional injury, Unintentional injury, Epidemiology



Investigation the role of traffic police function in reducing the disparities in mortality from road traffic accident

Fatemeh Shahbazi

asd.shahbazi@gmail.com

Introduction: Road traffic accident (RTA) is one of the major public health problems. Inequality in this problem and its trend don't explore in Iran. Inasmuch as effective measures to reduce the negative influence of road crashes would require the understanding of different contributing factors like inequalities, this article examines geographical inequality in mortality from RTAs over the previous decades.

Methods: In this cross-sectional study all people who died from Road traffic accident from March 2006 to February 2015 was selected. The data were taken from legal medicine organization in Iran. We used theil index to estimate geographical inequality in mortality from RTA. Data were then analyzed in Stata software.

Results: During the ten-year period of this study, 210,582 people in Iran died due to RTA. The mortality rate that caused by RTAs has decreased in during the study period. We found a larger reduction in mortality was in suburban RTAs. In spite of the reduction in RTAs death, geographical inequality increased in during the ten-year study period.

Conclusion: The findings of this study indicate that there is a geographical inequality in mortality from RTAs in Iran. This implies that effective interventions in reducing the RTA should be distributed equally among regions of the country. Further research should investigate the causes of this inequality.

Keywords: *Geographical inequality, mortality, Road traffic accident, trends, Iran*



Frequency of Child Abuse in Iranian Children: A systematic Review and Meta-analysis

Marjan Shahbazi

marjanshabbazi55@yahoo.com

Introduction: Child abuse negatively impacts the development of children and has been linked to poor health outcomes across the life course. The purpose of this study is to carry out a comprehensive review and meta-analysis of published literature on the subject of child abuse in Iran to establish what is known about the nature and extent of the problem.

Methods: PubMed, science direct, Scopus and Google scholar and addition sources (magiran and SID) were searched for English and Persian language studies published from 1 January 1990 to December 31, 2017. Systematic review and meta-analysis were conducted to identify 22 studies from 13 prominences of Iran to estimate the prevalence of different types of child abuse using a cross-sectional design were selected.

Results: Findings show that the prevalence of physical, emotional, sexual abuse 36% (95% CI, 26%-46%), 50% (95% CI, 34%-66%), 26% (95% CI, 1%-50%) and neglect among children in Iran was estimated to be 44% (95% CI, 28%-60%).

Conclusion: Ongoing research effort should collect baseline data, improve retention, replicate studies in other samples and settings, and evaluate additional variables, resilience factors, mediators, and long-term implications of results. Clinicians should integrate lessons from the intervention sciences for preventing and treating the health effects of adversity in children and adolescents.

Keywords: *child abuse, physical abuse, emotional abuse, sexual abuse, neglect, Iran*



Epidemiological Findings in Methanol Poisoning Outbreak in Iran 2018

Elham Bazmi

dr_elbazmi@yahoo.com

Introduction: Methanol poisoning continues to be a serious problem in Iran. Therefore, identification of poisoning and appropriate therapy can significantly reduce mortality and morbidity. The aim of this study was investigation of methanol poisoning epidemic in Iran in 2018.

Methods: A cross-sectional study was performed on 768 cases of non-standard alcoholic beverages in Iran (2018). Demographic and clinical findings of them were extracted from Ministry of Health and Legal Medicine Organization of Iran, Tehran. Then, data analysis was achieved by SPSS (version 13)

Results: From 768 people who were poisoned by alcoholic beverages, 460 cases of them were hospitalized due to acute methanol poisoning in 6 provinces of Iran. (September-October 2018). 96 patients were died from all types of alcoholic beverages, from which 76 ones were died from methanol poisoning. 170 cases had dialysis and 160 cases were blinded. The dead comprise of 86 male and majority of them died in hospital (92%). About 40% of them were aged 25-36 years. The majority of mortality was distributed in 21 provinces. In this breakout fatality rate was 10.1%.

Conclusion: The results of this study indicate a high rate of methanol poisoning in 2018 which shows an epidemic in Iran and a large distribution of non-standard alcoholic beverages, according to the Iranian Legal Medicine Organization (ILMO). Early diagnosis and treatment is necessary to prevent long-term complications.

Keywords: *Epidemiological Finding, Methanol, Poisoning, Iran, Outbreak*



Trend of crude mortality rate due to drowning in Iran

Fatemeh Shahbazi

asd.shahbazi@gmail.com

Introduction: According to the World Health Organization, drowning is the 3rd leading cause of unintentional injury-related deaths worldwide, accounting for 360,000 annual deaths and 7% of all injury-related deaths. Low- and middle-income countries are the most affected, accounting for 90% of unintentional drowning deaths. This study aims to calculate the rate of drowning mortality rate and investigate its trend in Iran.

Methods: Information on death due to drowning in Iran was extracted from Iran Legal Medicine Organization. The crude mortality rate was calculated in each year according to gender and province of the country. To examine the trend for different years, joinpoint regression was used.

Results: From 2013 to 2018, a total of 5853 persons suffered from fatal drowning in Iran. The crude mortality rate significantly was higher in men than women. The drowning mortality rate has decreased during the study period in men, women and both genders. The annual percent change in mortality rate was 3.2%.

Conclusion: Although the death rate from drowning has declined in the country Targeted scale-up of known effective interventions such as swimmers supervision and basic survival skills are needed for reducing mortality due to drowning, particularly in provinces with high mortality rate.

Keywords: Trend, Crude mortality rate, Drowning, Iran



Epidemiological trends of oral cavity cancers in Kurdistan Province in 2001-2017

Kave Mohammadi*, Sonia Shahsavari, Mohammad Aziz Rasouli

kavem2@gmail.com

Introduction: Oral cancer refers to any growth of cancer in the oral cavity; and it is a part of the gastrointestinal tract although it is a subcategory of head and neck cancers. This cancer is a serious and growing problem, particularly in developing countries. In Iran, about 3% of total cancers are related to the oral cavity cancer.

Methods: This was an analytical study carried out based on cancer registry data and the disease management center of health ministry from 2001 to 2017 in the province of Kurdistan. Data used in this study was obtained from a national registry of cancer (NCR). Accordance of The International Classification of Diseases for oral cavity cancer (ICD10: C0-C14) is done manually and also by considering age and sex groups. Data extracted were studied based on the number of cases and standardized incidence rates for both sexes and sex ratio. Standardized incidence rates were directly calculated based on the world standard population. Data was analyzed using Stata 14 software. To calculate the annual percentage change (APC) and trend, Join point 4.1.1.1 software was applied. Common cancers were defined as the number of reported cases and standardized incidence rates.

Results: In this study, 477 cases of oral cavity cancer (ICD10: C0-C14) were studied during a period of 17 years (2001-2017) in Kurdistan province. The mean (Standard Deviation) age of patients was 59.2 years (16.7). Crude incidence rates were 61.4% in men and its urban to rural ratio for this cancer was 2.6. The highest age-specific incidence rate was 6.43 and 7.42 cases per 100,000 people in 2008 and 2016, respectively. The highest incidence in the age group of 65-69 years was reported as 2.62. The lowest specific incidence rate was 0.93 per 100,000 in 2001. An increasing trend was observed from 2001 to 2005 and a slight decline trend was observed from 2010 to 2016.

Conclusion: People awareness about the risk factors of this cancer can prevent its onset at a younger age and its early diagnosis by dentists can prevent the progression of the disease at an early stage and thus it can be treated quickly.

Keywords: Epidemiological trends, Oral cavity cancer, Kurdistan, Iran



Investigation of survival rate in locally advanced breast cancer patients in two groups of Chemotherapy neo-adjuvant and adjuvant referred to the comprehensive cancer center of Shahid Beheshti University of Medical Sciences (2008-2018)

Mohammad-esmaeil akbari, Mohammad Fararouei, Mousa Ghelichi Ghojogh*, Zahra Nikeghbalian, Atieh Akbari, Maryam Karami, Farid Moradian

mghelichi2000@yahoo.com

Introduction: Considering the fact that in locally advanced breast cancer patients, Chemotherapy Neo-adjuvant has many costs and complications, the aim of this study was to compare the survival rates of cancer patients in the two groups of neo-adjuvant and adjuvant.

Methods: This study was conducted as a retrospective cohort. The Kaplan-Meier curve was used to calculate the survival rate of the patient and a log-rank test was used to compare survival curves.

Results: In this study, 845 cases (320neo-adjuvant cases, 525adjuvant cases) were evaluated in breast cancer patients. The mean duration of follow up was 42.68 ± 26.6 months in the neo-adjuvant group and 56.7 ± 37.2 months in the adjuvant group. The survival rates of 1,5 and10 years of patients in the neo-adjuvant group were 96 ± 0.01 , 87 ± 0.04 and $80 \pm 0.07\%$ respectively, and in the adjuvant group were 94 ± 0.01 , 87 ± 0.02 , and $83 \pm 0.03\%$ respectively. The mean survival rate of patients in the neo-adjuvant group was 108.22 ± 2.82 and in the adjuvant group was 106.92 ± 1.98 months, this difference was not significant according to the leg-rank test ($P = 0.542$).

Conclusion: The results of this study showed that the two groups of patients did not differ in terms of reducing the stage of the disease and the survival rate. Therefore surgery of patients can be performed without neo-adjuvant chemotherapy to prevent neo-adjuvant chemotherapy costs and its complications.

Keywords: Breast Cancer, Survival Analysis, Surgery



Dyslipidemia and its components across body weight categories among type II diabetic patients in the west of Iran

Neda Izadi*, Farid Najafi, Seyed Saeed Hashemi Nazari, Mer Ali Rahimi, Hamid Reza Shetabi
neda.izady@yahoo.com

Introduction: The combination of dyslipidemia, obesity, and hyperglycemia can accelerate the progression to CVD. Therefore, this study aims to investigate dyslipidemia and its components across body weight categories among type II diabetic patients.

Methods: The data for this cross-sectional study was extracted from the records of diabetic patients during 2014-15. Dyslipidemia was defined based on the NCEP/ATP III classification of lipid profile. In addition, restricted cubic spline method was used to evaluate a potential nonlinear relationship between BMI and dyslipidemia, and its components.

Results: The median age of 1977 patients was 55 (IQR=14) years. 61.11% was females. The prevalence of dyslipidemia was 91.29% (95% CI: 90.05-92.54). Being an overweight diabetic patient was associated with an increased risk of dyslipidemia (OR=1.87-2.78), hypertriglyceridemia (OR=1.64; 95% CI: 1.29-2.09) and hypo-HDL (OR=1.55; 95% CI: 1.20-2.01). Similarly, obesity also increased the risk of dyslipidemia (OR=1.94; 95% CI: 1.28-2.95), hypertriglyceridemia (OR=1.66; 95% CI: 1.29-2.12) and hypo-HDL (OR=1.86; 95% CI: 1.41-2.43). The non-linear dose-response relationship was associated with a significant increase then decrease in the risk of dyslipidemia, hypertriglyceridemia, and hypo-HDL in men and women as per 1 kg/m² increase in BMI.

Conclusion: With regards to the result, we know that there is no linear relationship between lipid profiles and BMI, the bell-shape association between dyslipidemia, hypertriglyceridemia, and hypo-HDL need to be further investigated in both diabetic and general population in men and women separately. In addition, for public health section, an appropriate intervention is of most important priorities.

Keywords: Dyslipidemias, Lipids, Body Mass Index, Diabetic

Estimating the cure proportion of colorectal cancer and related factors after surgery in patients: using parametric cure models

Neda Izadi*, Farid Najafi, Seyed Saeed Hashemi Nazari, Mer Ali Rahimi, Hamid Reza Shetabi
neda.izady@yahoo.com

Introduction: Colorectal cancer (CRC) is the third most commonly diagnosed cancer and the fourth leading cause of cancer death. This study aimed to estimating the cure proportion and effects of related factors on colorectal cancer in Iranian patients after surgery.

Methods: The 490 adults aged 20–94 years diagnosed with colorectal cancer who were surgeries in Shiraz Faghihi Hospital-Iran, were eligible for analysis. We used parametric cure model (mixture and non-mixture) to estimate the cure proportion and the adjusted hazard ration (OR) for colorectal cancer mortality after surgery. Data were analyzed by the “flexsurvcure” package in R software (version 3.4.2).

Results: The median age of patients was 57.5 (IQR=18) years. 56.33% of the patients were male. The median time of follow up in patients was 618 days. The cumulative survival proportion varied from 0.90 to 0.49 and indicates a decrease and then a flat line in the probability of survival by sex. The flexible survival for adjusted cure proportion (%) was 69.3 and 68.3 in the mixture and non-mixture cure models, respectively. Only obesity was associated with a decreased risk of mortality (OR=0.34; 95% CI: 0.12-0.97).

Conclusion: The overall eight-year survival proportion for CRC was 49%. By having the cure proportion and its related factors in patients with CRC, better service can be provided. Therefore the early detection and screening strategies are needed to reduce mortality and increase survival of patients.

Keywords: Cure Proportion, Related Factors, Colorectal Cancer, Parametric Cure Model



The risk of gestational diabetes mellitus by pre-pregnancy body mass index: A Systematic Review and Meta-Analysis

Neda Izadi*, Jalil Hasani, Farid Najafi, Seyed-Saeed Hashemi-Nazari, Zahra Namvar
neda.izady@yahoo.com

Introduction: Diabetes including gestational diabetes mellitus (GDM) and obesity are two serious health challenges with swiftly growing prevalence in the world. This study was conducted on observational studies published up to 2018 aimed to determine the risk of GDM among pregnant women by pre-pregnancy BMI.

Methods: Five electronic databases including Medline (PubMed), Scopus, Embase, Web of Science and Google Scholar were searched for literature published up to 1 January 2018. The “metaprop” command was then used to apply a fixed or random effects model based on Cochran’s Q-test and Higgins and Thompson’s I² value. Cumulative meta-analysis was performed using the “metacum” command and publication bias was assessed through the funnel plot.

Results: 75 observational studies up to 2018 with a total of 1270300 women and 56195 patients with GDM were included in the present study. The pooled estimate GDM risk in pregnant women using the random effect model was 8.2% (95% CI: 7.1–9.3). The GDM risk in the underweight/normal group were 5% (95% CI: 4–6.1) and 12% in the overweight/obese group (95% CI: 10–14.3). The trend of the risk of GDM among underweight/normal and overweight/obese pregnant women had been increasing from 1992 to 2018.

Conclusion: The risk of GDM is high among overweight/obese pregnant women. Because of GDM is associated with adverse maternal and fetal outcomes, the knowledge about its risk factors can lead to possible preventive strategies, and therefore, it is important that overweight and obese women planning a pregnancy be evaluated for the presence of diabetes.

Keywords: Risk, Gestational Diabetes Mellitus, Pre-Pregnancy, Body Mass Index

HIV-Related Stigma among Healthcare Providers in Different Healthcare Settings- A cross-sectional study in Kerman, Iran

Fatemeh Tavakoli, Mohammad Karamouzian, Aliahmad Rafie Rad, Abedin Iranpour, Mehrdad Farrokhnia, Mehdi Noroozi, Ali Sharifi, Brandon D.L. Marshall, Mostafa Shokoohi, Hamid Sharifi*

fatemehtavakoli98@yahoo.com

Introduction: Stigmatizing attitudes among healthcare providers are an important barrier to accessing services among people living with HIV (PLHIV). This cross-sectional study aimed to assess the prevalence and correlates of HIV-related stigma among healthcare providers in Kerman, Iran.

Methods: Using a validated and pilot-tested stigma scale questionnaire, we measured HIV-related stigma among 400 healthcare providers recruited from three teaching hospitals (n=363), private sectors (n=28), and the only voluntary counseling and testing (VCT) center (n=9) in Kerman city. Data were gathered using self-administered questionnaires at participants' workplace during fall 2016. To examine the correlates of stigmatizing attitudes, we constructed bivariable and multivariable linear regression models.

Results: The mean \pm standard deviation of the stigma score was 25.95 ± 7.20 out of possible 50 with higher scores reflecting more stigmatizing attitudes. Paramedics, nurses' aides, and housekeeping staff had the highest average stigma scores and VCT personnel had the lowest stigma scores. Multivariable regression analyses showed that prior experience of working with PLHIV ($\beta = -2.48$; P value = 0.03), exposure to HIV-related educational courses ($\beta = -2.03$; P value = 0.02), and 10 years of work experience ($\beta = -2.70$; P-value < 0.001) were associated with lower stigmatizing attitudes.

Conclusion: Our findings highlight the need for health managers to provide training opportunities for healthcare providers, including programs that focus on improving knowledge about the risk of HIV for healthcare providers. Enforcing policies that aim to reduce HIV-related stigma and discrimination among healthcare providers in Iran are urgently needed.

Keywords: HIV, Stigma, Healthcare Providers, Kerman, Iran

The effect of dairy consumption on the prevention of cardiovascular diseases: A meta-analysis of prospective studies

فاطمه غلامی*، نادر اسماعیل نسب، قباد مرادی، بیژن نوری

gholamifatemeh734@gmail.com

Introduction: There is no global consensus on the relationship of dairy products with cardiovascular diseases. This study was conducted to evaluate the effect of the consumption of dairy products on cardiovascular diseases, including stroke and coronary heart disease (CHD).

Methods: Important electronic databases such as the Scopus, Science Direct, and PubMed were evaluated up to September 2014. All prospective cohort studies that evaluated the relationship between dairy products consumption and cardiovascular diseases were included. The STROBE checklist was used to assess quality of the study. The designated effects were risk ratio (RR) and hazard ratio (HR). The random effect model was used to combine the results.

Results: Meta-analysis was performed on 27 studies. There were 8648 cases of cardiovascular diseases (CVD), 11806 cases of CHD, and 29300 cases of stroke. An inverse association was found between total dairy intake and CVD (RR=0.90, 95% CI: 0.81-0.99) and stroke (RR=0.88, 95% CI: 0.82-0.95) while no association was observed between total dairy intake and CHD. The total dairy intake was associated with decreased mortality of stroke (RR=0.80, 95% CI: 0.76-0.83) although it had no association with its incidence (RR=0.96, 95% CI: 0.88-1.04).

Conclusion: This is the first meta-analysis of the relationship of total dairy intake with CVD. This study showed an inverse relationship between total dairy intake and CVD while no relationship was found for CHD. Considering the limited number of studies in this regard, more studies are required to investigate the effect of different factors on the association of dairy intake and CVD.

Keywords: Dairy Foods, Cardiovascular Diseases, Meta-analysis, Prospective Cohort Studies



Subgroup dairy products consumption on the risk of stroke and CHD: A systematic review and meta-analysis

فاطمه غلامی*، ملیحه خرم داد

gholamifatemeh734@gmail.com

Introduction: There is no global consensus about the relationship between dairy consumption and cardiovascular diseases (CVD). This study aimed at integrating the results of several studies to predict the dairy effects stroke and CHD.

Methods: In the present study, some major databases such as Scopus, Science Direct, and PubMed were searched up to September 2014. All prospective cohort studies dealing with dairy products consumption and CVD were surveyed. The quality of the study was evaluated using STROBE Checklist. The indices in this study were RR and HR. The random model was used to combine the results.

Results: Out of 6234 articles, 11 were included in the meta-analysis. No relationship was found between stroke and consumption of milk, cream, and butter, and the results are as follow: RR = 0.91 (95%CI: 0.81-1.01) for milk, RR = 0.97 (95%CI: 0.88-1.06) for cream, and RR = 0.95 (95%CI: 0.85-1.07) for butter. However, cheese was found to decrease stroke risk: RR = 0.93 (95%CI: 0.88-0.99). The relationship of CHD with consumption of milk, cheese, cream, and butter are as follows, respectively: RR = 1.05 (95% CI: 0.96- 1.15), RR = 0.90 (95%CI: 0.81-1.01), RR = 0.96 (95% CI: 0.87-1.06), and RR = 0.99 (95%CI: 0.89-1.11). In other words, no relationship existed between dairy products and CHD.

Conclusion: No relationship was found between consumption of various dairy products and CHD or stroke, except for cheese that decreased stroke risk by 7%. Considering the small number of studies, the result of the present study is not generalizable and more studies need to be conducted.

Keywords: Dairy Products, CHD, Stroke, Cardiovascular Disease, Meta-analysis



Risk Factors of Gastric Cancer: A Case-Control Study in the west of the Iran

بشرا زارعی*، رویین ارجمندی، بهرام نیکخو، قباد مرادی

boshrazarei88@gmail.com

Introduction: Gastric cancer is a multifactorial disease. Kurdistan province is one of the regions in Iran with a high incidence of gastric cancer which had the highest incidence rate in Iran in 2009. The purpose of this study is to identify the risk factors for gastric cancer in Kurdistan province.

Methods: In this age sex matched case-control study, 76 new case of gastric cancer in 2016-17 were selected as cases in Kurdistan. The samples in the control group were selected from the Ear, Nose, and Throat (ENT) ward. The samples in two groups were analyzed in terms of demographic variables, risk factors and nutritional factors by Chi-square and Fisher's tests and conditional logistic. Data was analyzed in Stata 14.

Results: The results of multivariate analysis showed that hot tea intake was one of the risk factors for gastric cancer (OR=24.5, 95% CI 2.9-203). Also, the odds of gastric cancer were higher in people with a family history of the gastrointestinal disease and symptoms (OR=20.4, 95% CI 1.4-307).

Conclusion: Hot tea intake and family history of gastrointestinal disease are risk factors for gastric cancer. Intervention strategies are recommended prevent gastric cancer by risk factors modification. It is also recommended to conduct further studies to identify the causes of high incidence of gastric cancer in this area.

Keywords: Risk factor, Gastric Cancer, Case-Control, Iran



Factors Affecting Nutritional Behaviors of ageing population based on BASNEF Model: Sanandaj, Iran

پرشنگ فقیه سلیمانی^{*}، محمد مهدی هزاوه ای، بابک معینی، علیرضا سلطانیان

pari.solaymani@yahoo.com

Introduction: Aging is a natural and inevitable phenomenon of life. However, the elderly can maintain their physical and psychological health by taking appropriate nutritional behaviors throughout the life. One of the most complete hybrid models to study and identify behaviors for creating a new behavior in the community is BASNEF Model. Therefore, this study was conducted to identify influencing factors on improvement of healthy nutritional behaviors among elderly in Sanandaj, Iran.

Methods: This was a descriptive and analytical study, which was conducted based on the BASNEF Model on 150 aged people at 18 health centers of Sanandaj, Iran in 2014. Participants were recruited using simple random sampling method. We used a self-developed questionnaire including demographic characteristics using BASNEF model. Data were analyzed by SPSS version 16 using Spearman and Fisher's exact test.

Results: Findings indicated that attitude regarding behavior ($r=0.292$, $p=0.002$), enabling factors ($r=0.30$, $p=0.001$), and behavioral intention ($r=0.301$, $p=0.001$) were significantly correlated with healthy nutritional behaviors of elderly. However, knowledge, behavioral assessment, and abstract norms had no significant correlation with healthy nutritional behaviors of elderly women. Therefore, physicians were identified as the most effective factor on proper nutritional behavior among the elderly.

Conclusion: According to the results of this study, promoting intention and attitude regarding behavior and enabling factors were influential factors to improve healthy eating among elderly. Therefore, it is recommended to improve dietary status of elderly using nutrition educational interventions.

Keywords: *Elderly, Nutrition, Behavior, BASNEF model*



Determinants of Child Safety Seat Use among Parents in an International Safe Community, Tehran, Iran

مرضیه مرادی*، نرگس خانجانی، امیررضا نبی پور

marziyehmoradi2000@gmail.com

Introduction: Annually 22.3% of child injuries in road accidents lead to death. Child safety seats (CSSs) can reduce the risk of death and serious injury in children. This study was done to determine the prevalence of CSS use in vehicles and the factors influencing its use in Tehran.

Methods: In this cross-sectional study, 804 parents with children under 12 years that owned private cars were questioned in different areas of Tehran in 2015. A demographic questionnaire included demographic data and two specific questionnaires were used for families that did use CSS and did not use a CSS. Crude and adjusted odds ratios (OR) using binary logistic regression analysis with 95% confidence intervals were calculated using SPSS 21.

Results: The prevalence of CSS use was 18.66% and was significantly higher in parents with more than 50 million Rials/month income OR=2.90, 95%CI (1.01-8.29), parents who received child safety seats recommendations OR=3.05, 95%CI (1.83-5.08), parents living in the north of Tehran OR=3.75, 95%CI (1.74-8.09) and fathers with more driving experience OR=1.05, 95%CI (1.005-1.11). Age, weight and height of children, were also factors that influenced the use of child safety seats. The most common reason for parents to use CSSs was awareness about the benefits of this device and the most common reason for non-use was child intolerance while sitting in the seat.

Conclusion: Comprehensive programs, including legislation, enforcement, public education and publicity to promote the benefits of using CSSs, in Tehran, can be an effective step towards increasing the use of child safety devices.

Keywords: Child Restraint Systems, Road accidents, Safe community, Tehran, Iran



Epidemiological aspects of Cystic Echinococcosis among Children in Lorestan Province, Western Iran

Massumeh Niazi^{*}, Hossein Mahmoudvand, Yaser Mokhayeri, Rasool Mohammadi
 Maassumehniazi@gmail.com

Introduction: Hydatidosis is as a zoonotic disease can be transmitted to human by consumption of the parasite's eggs through vegetables, water, food and also via having contact with dog. Children because of contact with the animals and lack of hygiene standards in the consumption of food, water, fruits and vegetables are far more at risk of hydatidosis. This study was aimed to evaluate seroprevalence and risk factors Cystic echinococcosis (CE, hydatid cyst) in children (2-15 year old) referred to health centers of Lorestan province, Iran.

Methods: This cross-sectional study was performed from August 2016 to March 2017 on 316 children (aged 2-15 years), referring to health centers of Lorestan province, Iran. All the serum samples were tested using the commercially ELISA kit of NovaLisa® Echinococcus IgG (Novatec, Germany) according to the manufacturer's instructions. Statistical analysis was carried out using SPSS 17.0 software. Multifactorial logistic regression models were applied to determine association between CE seropositivity and the potential risk factors.

Results: Of the 316 children, 9 (2.84%) tested seropositive for anti-hydatid IgG antibody. In multifactorial logistic regression models, some risk factors such as living in rural regions (4.3; 90% CI: 1.9-9.6) and contact with dogs (3.8; 90% CI: 1.7-8.9) were significantly related to seropositivity to anti-hydatid IgG antibodies. To conclude, we found that CE is prevalent among in children referred to health centers of Lorestan province, Iran.

Conclusion: The obtained findings may be a warning for health centers to pay special attention to CE among children and also design screening programmers for prevention of CE.

Keywords: Hydatid cyst; prevalence; children; risk factor; Lorestan

The Perception of Carrying a Weapon to School by Students in Iran

میثم رضاپور^{*}، نرگس خانجانی، مقدمه میرزایی، عباس نظام تبار ملک‌شاه

maysam.rezapour@gmail.com

Introduction: Safety is an important issue in schools. Primarily, the aim of this study is to determine whether the perception of carrying a weapon to school by students is related to each of gender, school types and grade categories. Additionally, this study examined relationship between the perception of carrying a weapon and perceived safety, aggression and general drug use in school.

Methods: 1540 students (700 boys and 840 girls) aged 14 to 16 years were selected by three-stage stratified sampling design from 42 schools in Mazandran province in Iran and completed the Persian School safety Scale (P-SSS). Descriptive statistics and multilevel logistic regression analysis were used.

Results: 8.3% of girls and 37.9% of boy; 31.7%, 16.2%, and 13.3% of students in public (governmental), gifted, and private schools, respectively confirmed carrying a weapon in its schools. The higher perception of aggression and general drug use in school was related to the positive perception of carrying weapon in school after controlling gender, school types and grade levels (OR=2.79 for aggression and OR=2.31 for general drug use). The interclass correlation coefficient (ICC) of carrying weapon for school (level 2) in empty model was 0.33, while in full model was 0.03.

Conclusion: This study showed boy and public schools and high perception of aggression and general drug are important predictors for the positive perception of carrying weapon in school. Keywords: Carrying weapon, Safety, School, Iran.

Keywords: Carrying weapon, Safety, School, Iran



Some epidemiological aspects of cutaneous leishmaniasis in Aran va Bidgol city, central Iran 2009-2016

عباس درودگر*، معین درودگر، مسعود درودگر

adoroudgar@gmail.com

Introduction: Cutaneous leishmaniasis (CL) is one of the common parasitic diseases in tropical and subtropical areas and is one of the important health problems in Iran. Current evidence suggests an increasing annual prevalence of CL disease in Iran. In order to investigate the prevalence and epidemiological aspects of CL disease in city of Aran va Bidgol, this study was carried out in this central region of Iran.

Methods: This cross-sectional study was conducted in over a period of eight years between 2009-2016. The basic demographic and epidemiological data of patients with CL disease were referred to health care centers were collected and then analyzed through by using SPSS software.

Results: Overall, 926 patients, including 542 (58.5%) male and 384 (41.5%) female with confirmed CL were identified. The CL disease was more common among men (58.5%). The highest and lowest incidence of CL was estimated 238.5 and 44.2 per 100000 populations in 2009 and 2016, respectively. The highest CL disease incidence (26.3%) was observed in the age group of 0-9 year old patients. The most frequent cases (54%) were seen in autumn. More lesions (44.7%) were seen on the hands. 65.4% of the patients were treated by systemic glucantime regimen.

Conclusion: According to the results, although in this 8 year period the trend of the CL disease had been downwards, but incidence of the CL disease is still high. This is an alarming condition and careful planning for control and prevention of the disease is highly recommended.

Keywords: Epidemiology, Cutaneous leishmaniasis, Iran



Epidemiology of common cancers in Dezful County

رضا بیرانوند*، رضا نوروزی راد، شهناز قلاوندی

beiranvandreza@gmail.com

Introduction: Cancers is considered as the third reason of death after cardiovascular disease and accidents. These types of disease are one of the most critical issues in health and treatment in Iran and the world. The aim of this study was to conduct an epidemiologic investigation on types of cancers in Dezful.

Methods: In this epidemiologic study, recorded data of cancers during 2006-2011 was considered. The data were gathered from all of health centers, pathobiology laboratories, and all public and private hospitals in the city of Dezful. Additionally the data of oncology and radiotherapy departments were considered. The, incidence rate in every 100 000 people had been calculated in subgroups of gender and age groups.

Results: Of 2202 registered cases of cancers during 6 years in Dezful, 42.38% were female and 57.61% were male. Cancer incidence during 6 years reached to 525 (incidence of 111.68 per 100000) in 2011 to 223 (incidence 55.4 per 100000) in 2006. During this period, skin cancers (16.47 per 100000) and stomach (10.88 per 100000) had the highest incidence. The most common cancers in males and females were skin and breast cancers, respectively. Breast cancer in females had two peaks from ages 50-54 years and more than 85 years old.

Conclusion: Regarding ascending order of cancer incidence in the region and also the high incidence of skin and stomach cancers, preventive modalities including individuals' personal protection of sunlight and dietary patterns modification are suggested. Additionally, individual's screening and self-examining are suggested too.

Keywords: Epidemiology, Cancer, Dezful, Iran



Estimation of the factors relation of End Stage Renal Disease (ESRD) patient's survival Using Competing Risk Model

ابوالقاسم شکری*، عباس علیپور، سهیلا خداکریم، فاطمه یساری

Introduction: Survival is the most measurable outcome in the end stage renal disease. Sometimes, in the analysis of survival data a person is at risk of failure of several different events, so that the occurrence of one of these events prevents us from observing other events, generally referred to as a competing risk. Previous studies that examined the factors associated with the survival of such patients did not pay much attention to the role of competing risk. Therefore, their estimates were not accurate and showed contradictory results. The use of a competing risk model instead of conventional methods of survival analysis is recommended because of the ability of this method to include several competitive inclinations in the analysis. Although the typical survival analyses rely on an incident and consider other occurrences in the group of people as censorship, the competing risk model uses more information about individuals, except only those individuals who are not available after a certain period of data collection are included in the category of individuals censoring. Thus, the competing risk model provides a more accurate and reliable estimate of the patient's condition. The aim of this study was to determine the factors associated with the survival of the end-stage renal disease patients in a competing risk model and compare the results with those of the other common methods used in the treatment of the hemodialysis patients in Shahid Ayatollah Ashrafi Isfahani Hospital in Tehran.

Methods: In this prospective study, information about 359 patients was collected. The data was collected in collaboration with the hemodialysis department and the agreement of the head of the Shahid Ayatollah Ashrafi Isfahani Hospital. The duration of the study was from April 1, 2011 to the end of March, 2016. The patients' death was examined by contacting the family and their relatives. The cause of death in all patients was defined as death due to end-stage renal disease or death due to other events (such as accidents and events, myocardial infarction and various cancers).

Results: In this study, the causes of renal failure in different age groups were significantly different. The median survival time of the patients in this study was 76.2 months with a confidence interval (45.10 ± 10.77). According to the latest follow-up at the end of 2016, 211 patients were alive, 41 were excluded, and 63(42/57%) patients died because of end-stage renal disease. Eighty-five people had experienced deaths due to dangers such as heart attacks (31.08%), cancers (18.24%), accidents (6.08%) and renal transplant (2.03%). Accordingly, in total, 23.67% of the deaths occurred due to competing risks. In the Cox-age model, there was a statistically significant relationship between the deaths of these patients, so that for one year, the increase in age in this model was accompanied by a 2% increase in the risk of death in patients. In the present study, men with end stage renal disease had a better survival rate than women, and this difference was statistically significant.

Conclusion: In this study, the predictors of the survival of patients with End stage renal disease were different in both Cox multiple regression models and competing risk. In this study, the multiple cause specific competing risk regression model was found to be effective compared to multiple Cox regression models as well as the multiple Finay and Gray competing risk regression model. Based on the Cox regression and competing risk model, the level of education in both simple and multiple analyses was recognized as an independent variable associated with the survival of patients in the end stage of renal disease. As the level of education increases, so does the survival rate of the patients.

Keywords: survival studies, survival, competing risk and End Stage Renal Disease



Pattern of tobacco use in Iranian Adults, 2016 national household survey

سهند ریاضی اصفهانی*، الهام احمدنژاد، ژاله عبدی، علی شیدایی، مهشاد گوهری مهر، الهام عبدالمالکی، رضوانه الوندی
sahand1000@gmail.com

Introduction: Tobacco use is an established preventable risk factor for many non-communicable diseases and impose a great burden on health systems. The prevalence and factors associated with tobacco use in countries are among important indicators in health information systems. This study aimed to determine the prevalence of tobacco use in Iran using 2016 household survey.

Methods: We used the data from 2016 nationally representative STEPwise approach to Surveillance (STEPS) survey with a total sample size of 30150 participants aged 18 and above. The data were cleaned and analyzed considering weighting factors for each participants using STATA version 12 for windows.

Results: The prevalence of current tobacco use in Iran was 13.34% (23.24% in men, 3.52% in women). Cigarette was the most popular form of consuming tobacco and the prevalence of daily cigarette smoking was 9.04% (17.40% in men, 0.74% in women) and the average number of cigarettes smoked per day was 14.67 (14.61% in men, 13.42% in women). Almost all prevalences were higher in lower economical quintiles. Among current smokers, cessation attempt prevalence was 27.46% (27.60% in men, 24.59% in women).

Conclusion: The results of the national surveys suggest a decrease in the prevalence of tobacco use in Iran. However, due to unreliability in the results of the previous STEPS surveys it is difficult to determine the accurate trend in the country.

Keywords: Iran, tobacco use, cigarette smoking, secondhand smoke, noncommunicable diseases risk factors, STEPS survey.



The Global Gender-Specific Under 5 Mortality Rate from 1990 to 2018: A Functional Data Analysis

Mohammad Fayaz*. Alireza Abadi

mohammad.fayaz.89@gmail.com

Introduction: The under 5 mortality rate (U5MR) is one of the most important public health indicators, which is estimated for each country by the United Nations (UN). The aim of this study is to calculate the total and gender-specific U5MR with functional data analysis (FDA).

Methods: The dataset includes 195 country, each has 28 records from 1990 to 2018. The B-Spline basis expansion are used for expressing them as function. The pointwise mean and standard deviation and the sample covariance function is calculated. The functional principal component is estimated for total, male and female rate separately.

Results: The pointwise mean (and standard deviation) for total, female and male U5MR is decreasing smoothly from 71.9 (68.3) to 29.23 (29.2), from 67.5 (65.7) to 26.8 (27.3) and from 76.2 (70.8) to 31.5 (31.1) death per 1,000 live births, respectively. The first estimated functional principal components for total, female and male have the same pattern, decreasing smoothly over years and explains 96.98%, 96.92% and 97.03% of variability, respectively.

Conclusion: The pointwise mean of total, female and male U5MR is presented. The variability of U5MR is studied with pointwise standard deviation and the functional principal component.

Keywords: U5MR, Functional Data, UN



Comparison the quality of sleep between cardio-vascular patients and non-patients 2014

رضیه برزگر بفرۆئی*، مهدیه ممیزی، حسین فلاح زاده

raziyehbarzegar@yahoo.com

Introduction: Heart failure is a common and dangerous life-threatening disease, with an impact on various aspects of life such as sleep quality. This study was conducted to determine sleep quality in patients with heart failure (HF) and its correlates.

Methods: This case-control study was conducted on 160 individuals referring to Afshar Heart Hospital in Yazd through convenience sampling. After diagnostic tests (i.e., angiography and echocardiography) and examinations by physicians, 80 patients with HF and 80 healthy individuals (control group) were selected. Data were collected using a questionnaire. The statistical analyses included descriptive statistics, the Mann-Whitney test, and the Kruskal-Wallis test using SPSS (version 16).

Results: The patients had an average Pittsburgh Sleep Quality Index (PSQI) score of 5.5 (SD=0.3) with a median of 5. Around 43% of the patients compared with around 34% of the comparison group were identified as poor sleepers; these differences, however, were not statistically significant. The educational level (P=0.033), type of job (P=0.028), history of myocardial infarction (P=0.03), severity of pain (P=0.04), and fatigue (P=0.02) were related to sleep quality. The average daily sleep duration reported by the patients was nearly 6 hours. The mean sleep latency was 20 min among the patients. The most common reason for waking up during the night was urination.

Conclusion: Increasing the awareness of patients with HF about improving sleep and encouraging them to participate in regular courses can improve their sleep quality and prevent sleep disorders.

Keywords: Patients, Heart failure, Sleep quality, Pittsburgh Sleep Quality Index, PSQI



Trends in health burden of untreated water and insanitary environments in Iran, 1990-2010: Findings from the global burden of disease study 2010

افشین ابراهیمی*، مختار مهدوی، انوشه قاسمیان، پریناز پورصفا، فرشاد شریفی، معصومه نجاتی فر

Introduction: Water, sanitation and hygiene have a very important role in public health. Poor sanitation is the cause of water contamination, which causes many types of diseases. The aim of this paper was to present the attributable death and disability adjusted life year (DALYs) of untreated water and insanitary environments from 1990 to 2010 in Iran.

Methods: In the Global Burden of Disease 2010 study, using the comparative risk assessment, the proportion of death and DALYs attributable to untreated water source and insanitary environment has been calculated in 1990 to 2010. The certain outcomes were intestinal infectious diseases for both untreated water source and insanitary environments. Estimated attributable deaths and DALYs were reported with 95% uncertainty interval (UI).

Results: DALY number for untreated water source and insanitary environments was 5838 (95% UI: 198- 14837) in 1990, which decreased to 326 (95% UI: 9-863) in 2010 and the percent of decrease was 94.42%. In addition, DALY rate was 5667 (95% UI: 192-14402) DALY per 100,000 in 1990, which decreased to 453 (95% UI: 13-1199) DALY per 100,000 in 2010 and the percent of the reduction was 92.01%. The greatest percentage of decrease in the attributed number of deaths was also found in the late neonatal age group (95.45%).

Conclusion: A significant decrease has occurred in a number of DALYs and deaths between 1990 and 2010, which was attributed to the development of new water systems and environmental sanitation in Iran.

Keywords: *Water, Insanitary Environments, Disability Adjusted Life Year, Burden of Diseases, Iran*



The Trend of National and provincial Burden of gastric cancer in Iran 1990-2017

Nima Fattahi*, Sahar Saeedimoghaddam, Negar Rezaei, Nazila Rezaei, Farshad Farzadfar
 dr_nima_f@yahoo.com

Introduction: Gastric Cancer (GC) is the first cause of mortality from cancers in Iran and there are no accurate data on the burden of this disease in Iran at provincial level. Therefore we aimed to study and illustrate burden of GC and to compare rates by sex and age-groups at the national, and provincial levels over the last 28 years (1990–2017) in Iran.

Methods: Data were extracted from the Global Burden of Diseases during 1990-2017. For this purpose, disability adjusted life years, incidence, and prevalence rate were applied to report burden of GC based on sex and age group in Iran during 1990-2017.

Results: At national level the age-standardized prevalence rate, age-standardized incidence rate, age-standardized mortality rate and The age standardized DALYs rate in Iran in 2017 was 22.9 (22.1 to 23.9), 14.1 (14.1 to 15.2), 14.9 (14.4 to 15.4), 296.8 (286.3 to 308.7) respectively. Over the period from 1990 to 2017, percentage of changes in all of the studied age-standardized rates were negative. Moreover, the sex ratio of all measures was higher among males than females with a ratio of 1.6- 1.8. The ratio of the highest age-standardized incidence rate to the lowest was 3.88 in 1990 and 5 in 2017.

Conclusion: All of the GC age standardized rates had a descending trend from 1990 to 2017. The current study provides comprehensive knowledge and help with appropriate allocation of resources for GC prevention, screening and treatment.

Keywords: Stomach, Gastric cancer, Global burden of diseases study, Iran

The dementia's disease in Iran: A systematic review and Meta-analysis

Sima Oshnoyi*, Mohammad Heidari, Mahin Safaralizade

oshnoyi.soima@gmail.com

Introduction: Alzheimer disease are accounted as major health problems in all around the world. Alzheimer disease is the most common form of dementia and may contribute to 60–70% of cases. It is predicted to increase to 75 million in 2030 and 132 million by 2050. The aim of this study was to perform a systematic review and meta-analysis of data on the prevalence of Dementia in Iran.

Methods: We search different databases including MEDLINE, EMBASE, Scopus, google scholar, Magiran Dissertation Abstracts and Current Research in Iran, websites and publications of World Health Organization.

Results: The meta-analysis evaluated 9 studies that were carried out in Iran between 2010 and 2019 including a total of 4266 participants without assessing their methodological quality due to lack of researches in this fields. Mean age of patients were 71.42 years (95% CI=87.40-75.44). Prevalence of dementia was 13.49 % (95 % CI=12.67-14.31).

Conclusion: This is the first systematic review on the prevalence of dementia in Iran. There is a need to do more researches in this health problem for better management of dementia.

Keywords: Dementia, epidemiology, systematic review, Meta-analysis, Iran



Validation of the Persian version of Parent Supervision Attributes Profile Questionnaire (PSAPQ)

Masoumeh nejatifar*, Hamid Souri, Mohtasham Ghfari

rnejatifar@gmail.com

Introduction: PSAPQ has unique properties that distinguish it from other self-report questionnaires for assessing supervision behaviors of parents. Psychometric properties of PSAPQ in English and Portuguese versions have been confirmed. This study seeks to evaluate the psychometric properties of its Persian version.

Methods: PSAPQ Persian version was developed in three steps: forward-backward translation, content validity, and face validity. This version was distributed among 300 mothers with children 2-5 years old going to kindergartens in Tehran. Construct validity was evaluated by convergent and discriminant validity and reliability by test-retest through correlation coefficient and intra-class correlation coefficient (ICC).

Results: Cronbach's alpha coefficient was confirmed for the whole questionnaire ($\alpha = 0.83$) and subscales ($\alpha = 0.70$) except fate ($\alpha = 0.59$). Item-total correlation was above 0.20 except for question 2 of fate subscale and item-scale correlation was above 0.40. Confirmatory factor analysis confirmed acceptable fitness of PSAPQ Persian version in four factors ($\chi^2 / df = 3$ ($0/001 > P$); CFI= 0.95; GFI= 0.92; NFI= 0.93; NNFI= 0.93; (95% CI= 0.077- 0.108) RMSEA= 0.093). ICC and Spearman correlation coefficients for the three of four subscales of PSAPQ (protectiveness, supervision and risk tolerance) confirmed the reliability during the time.

Conclusion: Persian version of PSAPQ is a valid and reliable tool in the investigation of maternal supervision at home and the risk of injury in children 2- 5 years old. It is necessary to examine its psychometric properties in relation to fathers and other caregivers in different environments other than home in Iran.

Keywords: Parent, Supervision, Validity, Reliability, Persian

Study of frequency and outcome of burn types in Sina hospital inpatients, 2018

kavous.shahsavari*, Aida Javanmardi, Hasan Solleymakpour

kavous.shahsavari@yahoo.com

Introduction: Burns are one of the most common and potentially dangerous public health problems that not only cause deaths but also impose high economic costs, psychological and social consequences, and long-term physical consequences on patients, families and the health system. The present study was conducted to study the frequency and outcome of burn types in Sina hospital inpatients during 2017.

Methods: This cross-sectional study was performed by referring to archival records of burn patients in Sina Hospital in Tabriz in 2017 and completing a checklist containing the required information including gender, age, location of burn incidence, burn season, cause of burn, and percentage of the total body surface area, severity of burn, duration of hospitalization, surgical complications, and mortality rate.

Results: The total number of burn patients was 1586 of whom 998 (62.3%) were male and 598 (37.7%) were female. The mean age of the patients was 25.5 ± 22.9 years (range 36 days to 96 years). The most common age group was children aged 0-5 years ($n=535$, 33.7%) and adults 21-40 years old ($n=453$, 28.5%). Burns occurred more often in summer (30.5%). Most burns occurred at home ($n=1246$, 78.6%). The most common causes of burns were hot water ($n=592$, 37.3%) and flame ($n=520$, 32.8%). The burns were highest in the upper extremities (62.9%), lower extremities (49.6%) and face (32.8%). Most burns were grade III (50.9%) and grade II (40%) respectively. Based on TBSA, most burns were below 10% ($n=1070$, 67.5%). The mean hospital stay was 9.7 ± 6.6 days, ranging from 1 to 43 days. 94 patients died (5.9%).

Conclusion: This study showed that burns are more common in men, children and young adults, and most burns are caused by boiling water and flames and at house. These findings reveal the need to educate families in identifying existing hazards and how to deal with them, in order to reduce the burns frequency and, consequently, reduce their physical, psychological, and social consequences.

Keywords: Burn, Cause, Outcome



The Effect of Insulin Therapy on Cardiovascular Disease in Diabetic Type II Patients Using Doubly Robust Propensity Score Method

لیلا جانانی

janani.l@iums.ac.ir

Introduction: The incidence of cardiovascular disease and diabetic type II is on the rise and is controversy in literature on their relationship. In this study the effect of insulin therapy on cardiovascular disease was investigated, using a doubly robust propensity score approach to control potential confounders.

Methods: In this study, data from a cohort of 458 patients with diabetic type II from Endocrine Research Center at Iran University of Medical Sciences (2008–2011) , were used. Investigating cardiovascular events, type of diabetes treatment, and cardiovascular risk factors. Then, the doubly robust propensity scores were performed to investigate the effect of insulin therapy on cardiovascular events by considering potential confounders.

Results: A total of 312 (68.1%) patients were insulin-naïve and 146 (31.9%) patients were insulin users. The adjusted odds ratio and the 95% interval estimate were 1.230 (0.662, 2.280) using doubly robust propensity score method. Moreover, the relative risk was calculated to 1.199 (0.695, 2.070).

Conclusion: There is a significant difference between crude incidence of CVD in taking insulin and oral drug users but, after controlling the possible confounders based on doubly robust scores, no effect of insulin therapy on cardiovascular disease was found in patients with diabetic type II.

Keywords: *Insulin Therapy. Cardiovascular Disease. Diabetic Type II Patients.*



A review on congenital hypothyroidism screening program outcomes in Tehran Province

Azadeh Safaee*, F Farbakhsh, M.R Sarbazi, M Faraji, B Moghimi-Dehkordi, M Akbari, N Mohamadnia, Sh Arshi

azadesafae@yahoo.com

Introduction: Congenital hypothyroidism (CH) is one of the most common preventable cause of mental retardation in children. In many developing country such as Iran, incidence of CH is rather than worldwide reports. For this reason screening for CH was implemented for all newborn since 2005. In this study we investigated about screening outcomes during a 4 years period since 2015-2019.

Methods: This study was designed as descriptive study. Newborn screening data from 2015-2019 in Shahid Beheshti University of Medical Sciences, were reviewed. A total of 286802 new born were screened during the study period.

Results: Age at screening in 85% of neonates was lower than 5 days (3-5day). TSH distribution levels on filter paper was higher than 5 mU/L in 3.6% of infants in first screening. 3.3% of neonates recall at first screening to another test. Prematurity (5.7%), history of hospitalization (3.4%), TSH level between 5-9.9 mU/L (3.2%), inappropriate sampling (1.8%) were most cause of repeat test, respectively. 0.9% of all of screened cases were referred to venous sampling. 695 children were diagnosed with CH and treatment with levothyroxine were began for them. The incidence rate was 2.4 per 1000 live birth. Higher incidence rate was observed in Firoozkouh (7.2 per 1000), Damavand (4.9 per 1000) and north of Tehran (3.6 per 1000). Treatment in 83.3% of patients started at 28 days or lower.

Conclusion: This study indicated that our indexes in newborn screening program is accordance with acceptable ranges suggested by the national guideline. Incidence rate in some areas was higher than national and international reports which may be due to the mountainous nature of Firoozkouh and Damavand cities. But there is no justification for the high incidence in the north of Tehran. Further studies is recommended to investigate about high incidence rate of CH in these areas.

Keywords: Screening, Congenital hypothyroidism, Newborn



Optimal Cut-Offs Values for Body Fat for identifying metabolic syndrome in Adults; Results from RaNCD Cohort Study

Mitra Darbandi*, Yahya Pasdar, Behrooz Hamzeh

mitra.darbandi@yahoo.com

Introduction: High body fat is related to metabolic syndrome Risk factors. We aimed to determine the optimal cutoff points for the Body Fat Percentage (BFP) and Visceral Fat Area (VFA) in the prediction of metabolic syndrome.

Methods: This cross-sectional study was performed on 10063 individuals, aged between 35-65 years, recruited in Ravansar Non-Communicable Diseases (RaNCD) cohort. The receiver operating characteristic curve analysis was employed to determine the optimal cutoff points for the indices.

Results: In males, the optimal cutoff point for PBF and VFA to the prediction of metabolic syndrome was 29 and 102 cm², respectively. In females, the optimal cutoff point for PBF and VFA was 40 and 147cm², respectively. In the rural population, the cut-off points were lower than the urban population. The risk in males and females with a PBF higher than the optimal cutoff point was respectively 4.7 and 2 times higher than that in those with a PBF lower than the cutoff point.

Conclusion: This study revealed that the indices of BFP and VFA are appropriate predictors of the risk of metabolic syndrome. The diagnostic power of these indicators was better in men and villagers.

Keywords: Metabolic syndrome, Cut-point, Fat Mass Index, Visceral Fat A



Factors Associated with Overweight and Obesity in Adults using Structural Equation Model: Mediation effect of Physical Activity and Dietary Pattern

Mitra Darbandi*, Shahab Rezaeian, Farid Najafi, Yahya Pashar

mitra.darbandi@yahoo.com

Introduction: This study aimed to determine the indirect effect of risk factors associated with obesity and overweight through physical activity (PA) and dietary pattern (DP), using the approach of structural equation model (SEM) in adults' population.

Methods: This cross-sectional study was conducted on 10000 populations from baseline data of Ravansar Non Communicable Disease (RaNCD) cohort study, in the west region of Iran in 2018. Obesity and overweight was the outcome. SEM was used to examine the relationships using be AMOS software.

Results: In general, the population at higher economic level was significantly more dependent on the healthy DP. The direct effect of SES on obesity and overweight was -0.070, the indirect effect was 0.127, and the total effect was 0.057. When stratified by gender, in women, SES had a weak direct effect ($b=0.024$) on the outcome, but indirectly and through the variables of PA and DP, had a significant effect ($b=0.088$) on the outcome. In men, the same situation has been observed and the direct effect of SES ($b=0.070$) was weak, but indirectly and through three variables such as PA, DP, and smoking status significantly contribute to the expected outcome.

Conclusion: Factors associated with obesity and overweight not only by direct effect but also can indirectly and through mediators (such as DP and PA as two important mediation variables) cause this outcome.

Keywords: obesity, overweight, physical activity, dietary pattern, mediation



Evaluation of Factors Associated with Obesity of Menopause Women in RaNCD Cohort Study: Structural Equation Model Analysis

Mitra Darbandi*, Shahab Rezaeian, Farid Najafi, Yahya Pashdar

mitra.darbandi@yahoo.com

Introduction: Weight gain is one of the consequences of menopause. In addition to hormonal changes, the behavioral and environmental factors intensify this event. This study was conducted to evaluate the factors associated with overweight and obesity in menopause women, using the structural equation model.

Methods: This cross-sectional study aimed on 4471 women from baseline data of Ravansar Non Communicable Disease cohort study, in the west region of Iran. The structural equation model was used to examine the relationships, using by IBM SPSS, AMOS version 23.

Results: The mean of body fat and visceral fat area in menopause were significantly greater than perimenopause women. In perimenopause women, the direct effect of socioeconomic status on the healthy dietary pattern was larger than that of menopause women ($\beta = 0.652$ vs. $\beta = 0.530$). In both groups, depression and musculoskeletal disorders, decreased the physical activity, which was stronger in menopause women ($\beta = -0.123$ vs. $\beta = -0.363$). In perimenopause women, increased sleep hours per day directly ($\beta = 0.003$) and indirectly ($\beta = 0.013$) increased obesity.

Conclusion: The direct and indirect effects of well-known risk factors associated with obesity were different, in perimenopause and menopause women. Some risk factors in menopause women have stronger effects, compared to perimenopause women. Physical activity and healthy dietary pattern had a mediator role in the two study groups.

Keywords: Menopause, Obesity, Structural equation model

The survival rate of patients with Beta Thalassemia Major: A systematic review and meta-analysis

Shahab Rezaeian¹*, Maryam Soltani, Soheil Hassanipour, Yousef Veisani, Mitra Darbandi
shahab.rezayan@gmail.com

Introduction: Although, thalassemia is a public health challenge in the countries entitled belt thalassemia but there is no pooled estimated of the survival rate on thalassemia major patients. The aim of this meta-analysis was to evaluate the pooled 10-, 15-, 20-, and 30-year survival rates of the patients with beta thalassemia major around the world.

Methods: A comprehensive literature search of five international databases including Medline/ PubMed, Scopus, Embase, Web of Knowledge and ProQuest was conducted to identify studies reporting survival rate of beta thalassemia major until December 2018.

Results: From 714 retrieved studies, seven studies with 8777 subjects included in the meta-analysis. Base on random effect model, the 10, 15, 20, and 30-year survival rates were 98.39, 95.07, 90.41, and 82.93 percent, respectively.

Conclusion: This meta-analysis provided acceptable results for estimating survival rate of beta-thalassemia compared to other studies. Hence, these results can be effectively used to develop and implement prevention and treatment interventions for policy makers.

Keywords: survival rate; beta thalassemia major, meta-analysis

The Incidence and Epidemiology of Hepatocellular Carcinoma: National and Subnational Perspective of Iran during 17 years

Negar Rezaei, Mohsen Asadi-Lari, Ali Sheidaei, Kimiya Gohari, Moein Yoosefi,
Farshad Farzadfar*

farzadfar3@yahoo.com

Introduction: Hepatocellular carcinoma (HCC) is the third leading cause of cancer deaths, worldwide. The incidence and geographical pattern of HCC are not well-defined in Iran. So, we aim to predict the HCC incidence rate in Iran by age, sex, and provinces over 17 years.

Methods: First, we categorized the Iranian Cancer Registry system based on gender, age, the region of residence, nationality, and type of cancer. Second, the Social insurance Organization's Cancer Registration System data was used to address the Incompleteness. Then, the contribution of each cancer to the overall incidence of cancers was assessed using Hierarchical Bootstrapping Bayesian Logistic Regression Model. Finally, the HCC level was estimated based on the initial data propagation.

Results: At national level, age- standardized incidence of HCC in Iran increased by 1.7 times from 1.20 (95% uncertainty interval; 0.90 to 1.53) per 100,000 in 2000 to 2.08 (95% uncertainty interval; 1.64 to 2.54) per 100,000 in 2016, with 2.48 annual percent change. HCC in Male is more than 1.8 times greater than female. In total with increasing age over 50, HCC increases in all provinces. At the provincial level, the trend noticeably increased during 17 years.

Conclusion: Admitting the incidence of HCC in Iran is low, it is predictable that more newfangled cancer cases will be observed forthcoming. Hence, we need to consider the risk factors of HCC with the intention of decreasing the burden on public health.

Keywords: Hepatocellular Carcinoma, Incidence Rate, Public Health, Iran

The role of environmental factors on the intensity of pedestrian traffic accidents in Tehran city

Ali moradi

amoradi1350@yahoo.com

Introduction: One-fourth of traffic accidents in Iran leading to death occur in pedestrians. Investigation of the characteristics of inner-city roads on the intensity of accidents would help to more efficient planning. Hence, this study aimed to determine the factors related to the increase in the intensity of injury and fatal pedestrian traffic accidents in Tehran city in 2015-16.

Methods: Data was extracted from official records of traffic police and forensic offices. The exact number of fatal accidents was double matched through two data sources. Chi-squared tests and Odds Ratios were provided using binary logistic regression models.

Results: Overall, 6,422 accidents including 6,185 injuries (96.3%) and 238 deaths (3.7%) were extracted. Frequency of fatal accidents was lowest in central parts and highest in some parts of north, south, west and east of the city. The final model showed that lightness, type of the road, legal speed range, weather conditions and the type of crash had significant association with the intensity of accident.

Conclusion: The study showed that environmental factors have non-negligible effects on intensity of traffic accidents. Further investigations to comprehend the mechanism of these effects followed by proper strategies to make necessary changes in inner city roads is warranted.

Keywords: Pedestrian Traffic accidents, environmental factors, intensity,



Validation of Persian HeartQoL questionnaire in Iranian patients with myocardial infarction

Negar Rezaei*, Farnaz Delavari, Neil Oldrige, Moein Yoosefi, Seyedeh Nasim Rezaei, Kianoosh Hoseini, Nahid Raei, Ali Gholami, Fariba Birjandi

n.rezaei@yahoo.com

Introduction: Using medical records of patients with ischemic heart disease is valuable in assessing the outcomes of medical and surgical procedures. The aim of this study was to assess the validity and reliability of the Persian HeartQoL in Iranian patients with ischemic heart disease.

Methods: Using a prospective cross-sectional design, the Persian HeartQoL, SF-36 Health Survey and Hospital Anxiety and Depression Scale questionnaires were self-administered. The HeartQoL factor structure, construct-related validity (convergent with Spearman correlations; divergent with Steiger's test; discriminative with known groups) and internal consistency reliability and reproducibility were assessed.

Results: The HeartQoL was completed at baseline by 163 patients with myocardial infarction; 60 stable patients completed the HeartQoL two weeks later for test-retest purposes. The mean scores (\pm SD) of the HeartQoL Global Scale and the physical and emotional subscales for all participants were 1.68 (0.88), 1.64(0.94), and 1.80(1.06), respectively. The maximum floor effect on the global scale and both subscales was 0.88) were demonstrated on the global scale and both subscales.

Conclusion: The Persian version of the HeartQoL questionnaire is reliable and valid and can be recommended for assessing the health-related quality of life in Persian patients. However, the responsiveness of the Persian HeartQoL needs to be evaluated in the future.

Keywords: HeartQoL questionnaire, Ischemic heart disease, Health-related quality of life, Reliability, Validity



Association between circulating 25-hydroxyvitamin D and cardiovascular diseases: A meta-analysis of prospective cohort studies

فاطمه غلامی*، محمدعزیز رسولی

gholamifatemeh734@gmail.com

Introduction: There exists no global consensus on the relationship between vitamin D status and cardiovascular diseases (CVDs). This study was carried out to evaluate the effect of vitamin D consumption on the risk of CVDs.

Methods: Major electronic databases including Scopus, Science Direct, and PubMed were searched. All prospective cohort studies on the relationship between vitamin D status and CVDs conducted between April 2000 and September 2017 were included. The Newcastle-Ottawa Scale (NOS) was used to assess the quality of the studies. The designated effects were risk ratio (RR) and hazard ratio (HR). The random effects model was used to combine the results.

Results: A meta-analysis of 25 studies was performed. There were 10099 cases of CVDs. In general, decreased level of vitamin D was associated with an increased relative risk of CVDs (RR=1.44, 95% CI: 1.24–1.69), accounting for 54% of CVDs mortality (RR=1.54, 95% CI: 1.29–1.84). However, no significant relationship was observed between the vitamin D status and incidence of CVDs (RR = 1.18, 95% CI: 1–1.39). In general, low serum vitamin D level increased the risk of CVD by 44% (RR=1.44, 95% CI: 1.24–1.69). Low serum vitamin D level increased the risk of CVD mortality (RR=1.54, 95% CI: 1.29–1.84) and incidence (RR=1.18, 95% CI: 1–1.39).

Conclusion: The findings show that vitamin D deficiency increases the CVD mortality. Due to the limited number of studies which included patients of both gender, further research is suggested to separately evaluate the effect of vitamin D status on CVD among men and women.

Keywords: Vitamin D, Cardiovascular Disease, Meta-analysis, Prospective Cohort Study



Gastric cancer data analysis in Iran 2005-2015

فرید مرادیان*، محمد اسماعیل اکبری

moradian.farid@yahoo.com

Introduction: gastric cancer is the most common cancer between Iranian men after nonmelanoma skin cancer also the third most common cancer between Iranian women after nonmelanoma skin cancer and breast cancer. Gastric cancer is the most lethal cancer between both sex in Iranian nation.

Methods: there is remarkable difference in incidence, prevalence, treatment response and survival of gastric cancer between Iranian provinces that ardbil, golestan, eilam have nearly fivefold incidence for gastric cancer in comparisson to Yazd, bandarabas and Isfahan province.

Results: also gastric lymphoma incidence has correlation with socioeconomic status and in poor area lymphoma has higher incidence in a few areas in Iran we can see decreament in gastric cancer incidene

Conclusion: gastric cancer has common and familliar international risk factors but there are specific local and cultural risk factors that needspecific consideration

Keywords: Gastric cancer, Data analysis, Iran



Incidence of Breast and Cervical Cancers in Isfahan Province, Iran, in 2018: Results of a Screening Program for Women

Moslem Taheri Soodejani*, Hamidreza Shoraka, Marzieh Mahmoodi Manesh, Seyyed Mohammad Tabatabaei, Azimeh Ghaderi

moslem.taheri2009@yahoo.com

Introduction: Breast cancer is a malignant lesion caused by abnormal changes and growth in breast tissue epithelial cells, including glands, lobules, and larynx. The tumor can be benign or malignant. Benign tumors are not cancerous and their cells appear to be normal. This study was conducted to investigate the prevalence rate and the geographical distribution of breast and cervical cancers in Isfahan province.

Methods: All women aged 30-60 years in Isfahan were screened for early diagnosis of breast cancer, More than 250 000 women were screened for breast and cervical cancers in 2 steps during the year 2018. Statistical analysis was performed using Microsoft Office Excel to estimate the incidence in each county.

Results: Based on the findings of this study, the incidence of benign breast tumor was reported to be 422 (95% CI: 393-450) per 100 000 women in 2018. Also, the incidence of breast cancer was 65 (95% CI: 54-76) per 100 000 women and that of benign tumor of cervical cancer was 45 (95% CI: 27-63) per 100 000 women in 2018.

Conclusion: The results of this study revealed that breast cancer and benign tumors of cervical cancer are increasing in Isfahan province. Moreover, it was found that screening for these 2 cancers leads to early detection of patients, which results in early treatment and an increase in the 5-year survival rate in these patients.

Keywords: Incidence, Breast, Cervix, Screening



Comparison of Risk Factors for Pedestrian Fatality in Urban and Suburban Traffic Accidents

Jalil Hasani*, Ali Khorshidi, Saeed Erfanpoor, Bashir Nazparvar, Seyed Saeed Hashemi Nazari
jalil68.hasani@gmail.com

Introduction: The burden of traffic accidents on pedestrians is very high in Iran. Since the pattern of injury is different in urban and suburban accidents, this study was conducted to identify the risk factors associated with pedestrian mortality in urban and suburban traffic accidents in Tehran and Alborz Provinces.

Methods: The data of all traffic accidents related to pedestrians in Tehran and Alborz Provinces were investigated from two databases of traffic police and forensic medicine. The effects of demographic variables (age and gender) and pedestrian position, time, accident location, and vehicle type on the outcome of pedestrian death were investigated.

Results: Multiple logistic regression was used to analyze the data. The significance level was considered 65 years compared to 15–24 years (odds ratio [OR]: 2.04, confidence interval [CI]: 1.26–3.3), (OR: 4.8, CI: 2.9–7.9), male gender (OR: 2.26, CI: 1.6–3.1), lighting condition at night compared to day (OR: 1.6, CI: 1.2–2.1), two-way not divided road versus one-way road (OR: 1.6, CI: 1.12–2.3), the status of day after holidays compared to normal days (OR: 1.53, CI: 1.09–2.14), type of vehicle such as heavy or semi-heavy and conventional or pickup versus motorcycles or bicycles (OR: 5.4, CI: 3.1–8.9) and (OR: 1.8, CI: 1.2–2.7) and pedestrian position at crossing the road from an unauthorized route compared to crossing the road from the authorized route (OR: 1.94, CI: 1.4–2.6) were significant on the fatality. Whereas in suburban accidents, there was a statistically significant correlation with pedestrian fatality only in two-way divided road compared to one-way (OR: 0.2, CI: 0.05–0.77).

Conclusion: The present study showed that risk factors for pedestrian mortality are different in urban and suburban traffic accidents. It is necessary to take appropriate measures in urban and suburban areas to reduce the severity of injuries in pedestrians.

Keywords: Comparison, pedestrian, risk factors, traffic accidents

Factors related to pedestrians mortality following road traffic accidents in Tehran and Alborz Provinces, Iran

Jalil Hasani*, Seyed Saeed Hashemi Nazari, Ali Khorshidi, Ahmad Shojaei

jalil68.hasani@gmail.com

Introduction: This study aimed to investigate the deaths and injuries following pedestrian traffic accidents and factors associated with death of pedestrian in Tehran and Alborz provinces.

Methods: In this cross-sectional study all traffic accidents related to pedestrians in Tehran and Alborz provinces reported from March 21, 2013 to March 21, 2014 by the traffic police were studied. The Database related to death of Legal Medicine Organization was used in order to determine the exact number of deaths. The standard population of World Health Organization was used in order to calculate the age-standardized incidence rate. We used Chi-square test, T-test and logistic regression to extract statistically significant associations. P-value under 0.05 was considered significant.

Results: The age-standardized mortality and injury rate were respectively, 6.1 and 65.1 per 100,000 populations. The pedestrian's road traffic (PRT) mortality and injury rates in men were 3 and 1.5 times more than women respectively. Statistically significant relationships were observed between the pedestrian's age, the direct cause in the accident, classification of road, month of occurrence, days of week, type of vehicle, accident location and pedestrian action with the death of pedestrians.

Conclusion: Given that the highest incidence rate of death was observed in the age group over 65 years old, it is necessary to pay special attention to the physiologic characteristics of this age group by predicting safety plans and also to provide more secure conditions for this high risk group in accident-prone road sections.

Keywords: Traffic accidents, Mortality rate, injury rate, Pedestrians, Tehran, Alborz



Factors affecting recurrence and costs of Basal Cell Carcinoma undergoing Mohs Micrographic Surgery: A hospital base retrospective cohort study

Leila Nassiripour*, Mohammadreza Amirsadri, Maryam Tabatabaeian, Mohammad Reza Maracy

mrmaracy@yahoo.co.uk

Introduction: Around 80% of all non-melanoma skin cancer cases are BCC. Mohs surgery is one of the common method used for treatment in recent years. There are several treatment methods for primary BCC. One of these methods is Mohs micrographic surgery (Mohs surgery) which has become popular in recent years. The aim of this study is to investigate 4-year recurrence and factors affecting recurrence of BCC patients after Mohs surgery.

Methods: This is a retrospective cohort study. The study population included all BCC who underwent Mohs surgery in Alzarha hospital in Isfahan between years 2007 and 2014 and monitored for recurrence for 4 years. Logistic regression test was used to determine factors affecting recurrence.

Results: The most and least frequent locations of this disease are nose (30.3%) and body (0.5%) respectively. The most common locations for recurrence are scalp (50%), nose (15%) and around the eyes (15%). The 4-year recurrence frequency of BCC after Mohs surgery was 0.9% with a significant relation between change in location and disease recurrence ($P=0.02$).

Conclusion: Among the causes of recurrence can include: less use of protective equipment in front of sunlight or low precision doctors have in the lesion surgery in locations of the body, arms, feet, head, neck, hands, legs or genital organs.

Keywords: Basal cell carcinoma, Mohs micrographic surgery, Recurrence, cost

Evaluating the Rising Secular Trends of Incidence and Partial Prevalence of Colorectal Cancer in Iran

Mouhebat Vali*, Hossein Molavi Vardanjani, Jafar Hassanzadeh

mohebatvali@gmail.com

Introduction: Colorectal cancer (CRC) is expected to be of the most common cancers in developing countries, where its mortality is high and less services are available for cancer survivors.

Methods: To assess the incidence rate, firstly, the incidence rates of colon and rectum reported in the two sites of <http://globocan.iarc.fr> and <http://healthdata.org> from 1990 to 2017 were extracted based on gender and age groups (less than 40 and more than 40 years old). In the next step, according to the incidence and APC (annual percentage change) provided in the previous step, we predicted the incidence for the next years according to the formulas. We estimated the prevalence of 1-year, 2-3 year and 4-5 year using survival and incidence according to the formula. At the end we predicted prevalence by 2030 in Iran.

Results: In our study, AAPC (average annual percentage change) for women was found to be 4.07 % (CI: 3.76-4.39) in all age groups and AAPC= 4.30 % (CI: 4.14-4.47) for men in all age groups. The predicted incidence in the group under 40 that in men it reaches from about 12 to 15 per 100,000 and for women from about 10 to 11 per 100,000. While the increase of 100/10000 was found in the women over 40 years and the increase of 150/100,000 was obtained in men. And In all groups, predicted prevalence rate increases. In the group under 40 and the group over 40 prevalence increase about 2000 and 26000 numbers respectively in women and men from 2000 to 2030.

Conclusion: With regard to the above mentioned cases, there is a strong need for cancers registry, which is the population information and follow-up of patients, and the establishment of research institutes to determine the basic needs of patients.

Keywords: Incidence, Prevalence, Colorectal Cancer, Predict, joint Point Regression, Iran



Is Iran going to achieve the Sustainable Development Goals for Non Communicable Diseases?

فاطمه خسروی شادمانی*، علی اکبر حقدوست، معین یوسفی، فرشاد فرزادفر

khosravishadman@gmail.com

Introduction: The 4th target of the third goal of Sustainable Development Goals (SDG 3.4) is expected to make a one-third reduction in Unconditional Probability of Dying (UPOD) of non-communicable diseases (NCDs) by 2030. We have projected Iran's chance to achieve SDG 3.4 through different.

Methods: UPOD through the Bayesian model averaging for four major categories of NCDs was projected at the national and sub-national levels. Also, the prevalence of the risk factors was projected by 2030. Assuming that the global reduction in risk factors proposed by WHO is carried out in Iran, a number of deaths would be avoidable; this number is estimated through population attributable fraction. Then UPOD was projected again after subtracting the number of avoidable deaths then the possibility of achieving the target was estimated.

Results: If the current trend goes on, the UPOD will be reduced from 14.7% (13.3- 16.2) in 2015 to 10.8% (7.9- 14.3) in 2030. If the risk factors are reduced to the global target, 54418 deaths will be avoided. By 2030, the UPOD after reducing the avoidable deaths will be 6.55 (5.00- 8.13). Assuming this decrease is achieved, some the provinces will and some others won't meet SDG 3.4.

Conclusion: If the current trend continues, Iran will not achieve the SDG 3.4. However, if the global target set for reducing risk factors is achieved, generally, Iran will meet all expectations in SDG 3.4 except in Asthma and COPD. Therefore, more effective interventions should be designed for Asthma and COPD.

Keywords: Sustainable development goals, Non- communicable diseases, Risk factor, projection, Iran



Earn life skills, the necessity of the world today

Maryam chegeni, Parvin Mangolian Shahrababaki, Mahin Eslami Shahrababaki, Nouzar Nakhaee,
AliAkbar Haghdoost*

ahaghdoost@gmail.com

Introduction: Social network site (SNS) addiction that means excessive and compulsive online social networking has expanded over the last years. This study explored the causes and motives use of social network site for persons with social network site addiction.

Methods: This qualitative study was conducted using content analysis. The 20 Iranian participants included 11 persons with SNS addiction and 11 experts of social network through purposive sampling. Data was collected through semi-structured interviews and analyzed using the Lundman and Graneheim qualitative content analysis method.

Results: The main theme of “Difficulty in acquiring life skills” was extracted with three main categories, including: ineffective and inefficient communications, defects in resiliency, and emotional vacuum.

Conclusion: Based on the results of the present study, life skills play an important role in tendency to SNS addiction. It is essential that policymakers adopt educational and operational programs to enhance the skills of families and new generations.

Keywords: Social network site, Addiction, Qualitative study, Lundman and Graneheim content analysis



An Epidemiological Study of Traumatic Spinal Injuries in Iranian Patients from 2007 to 2017

Ehsan Mazloumi, Maryam Yousefian*

yousefian.maryam96@gmail.com

Introduction: Traumatic spinal cord injuries (tSCI) have been shown to have many adverse effects on spinal cord and neural tissues. These injuries may have negative effects on physical and psychological health during lifetime. The present study aimed to investigate epidemiology of TSCI in patients with trauma admitted in Bessat hospital of Hamadan city between 2007 and 2017.

Methods: This cross-sectional study was conducted on 3219 patients with traumatic spinal injuries admitted to Besaat hospital of Hamadan city between 2007 and 2017. Required data were extracted from hospital information system. Data analysis was performed using SPSS. Quantitative data were expressed as mean, standard deviation, and frequency; and qualitative data were analyzed using chi-square and Fisher Exact tests. The significance level was set at .05.

Results: Results of this study show that mortality was significantly associated with gender ($p=.001$), age ($p=.051$), external causes ($p=.001$), and type of injury ($p=.001$). Also, length of hospital stay was significantly associated with type of injury ($p=.001$), external causes ($p=.001$), whereas there was no significant relationship between length of hospital stay with gender, age, and surgery ($p>.05$).

Conclusion: The findings of this study show that mortality rates are highest at the age of 55 years and over compared with other age groups. Thus, effective intervention and programs should be implemented for this age group.

Keywords: *epidemiological* †*spinal injuries* †*trauma* †*Hamadan*



An Overview on Research Activities of Sarcopenia in Iran

Ramin Heshmat*, Gita Shafiee, Bagher Larijani

rheshmat@tums.ac.ir

Introduction: Sarcopenia, as the age-related loss of muscle mass with poor muscle function (strength or performance) has been gaining attention in recent years. Studies have shown that the decline of skeletal muscle mass could start from the age of 30–40 years. Sarcopenia is common in the elderly population, and is associated with adverse health outcomes, such as falls, fracture, metabolic disorders, disability, loss of independence and mortality. The aim of this study was to undertake a survey of the sarcopenia research in Iran, to identify gaps and highlight strengths in order to progress in sarcopenia research, public health and clinical aspects for the next years.

Methods: This study included all studies published from the beginning until the first of 2019 in national and international journals by Iranian authors conducted in the field of sarcopenia. The databases including MEDLINE (via PubMed), Web of Science and SCOPUS were used as the sources of information. All relevant available academic studies, including review articles, original articles, case reports, conference abstracts, and letters were included in the analysis.

Results: This study included all studies published from the beginning until the first of 2019 in national and international journals by Iranian authors conducted in the field of sarcopenia. The databases including MEDLINE (via PubMed), Web of Science and SCOPUS were used as the sources of information. All relevant available academic studies, including review articles, original articles, case reports, conference abstracts, and letters were included in the analysis.

Conclusion: This review has highlighted recent advances in sarcopenia research in Iran. The presence of sarcopenia has been shown generally to predict adverse outcomes in older adults, but the role of each component and whether these associations are independent of potential confounders is not clear. Finally, in a variety of disease-specific populations, sarcopenia has also been shown to predict disease progression or functional status. Considering the extent of the problem, the high prevalence, and the heavy costs on the health system, attention to awareness, diagnosis, control of risk factors and support of studies on identifying the dimensions of this disease, is essential. The field of sarcopenia continues to hold considerable promise, and work continues to resolve outstanding concerns in this field.

Keywords: Research, Sarcopenia, Iran



Mental Health Problems in Iranian Adolescents: Multilevel Analysis

Zahra Hosseinkhani*, Mahboubeh Parsaeian, Hamid-Reza Hassanabadi, Saharnaz Nedjat, Atefeh Khoshkchali, Zahra Alinesaei

zh_122@yahoo.com

Introduction: Mental health is one of the most important issues in adolescents' life. It is important to consider the adolescents' health, because of the role of adolescence period on their future life. This study was undertaken using multilevel analysis to investigate the risk factors in students' and schools' levels.

Methods: This was a cross-sectional study that recruited 1740 students and 53 schools between February and March 2018 in Qazvin, Iran. We used multistage stratified cluster sampling. Mental health problems were measured by the Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ). Emotional symptom, conduct problem, hyperactivity, peer relationship problem and prosocial behavior were the subscales. This study was used multilevel analysis to diagnose the association between each of the questionnaire scales and students' and schools' variables.

Results: The prevalence of the mental health problems was 16.2%. Conduct problem (21.1%) and prosocial behavior (8%) had the highest and the lowest score, respectively. Mental health problems were significantly higher in girls, adolescents with physical activity and family with high socioeconomic status. The association between variables and the scales of mental health problems was different.

Conclusion: Results indicated that desirable physical activity and socioeconomic status are effective components in the adolescents' mental health and, girls were more vulnerable than boys. Therefore, the educational authorities and health policy makers should consider this diversity to design interventional programs and pay more attention to the high-risk adolescents.

Keywords: Mental health, Adolescents, SDQ, Multilevel analysis, Iran



The Impact of Opioids on Extend of Coronary Vessel Involvement in diabetic patients who underwent coronary angiography

Seyyed Ali Moezi Bady, Maryam Soltani*, Toba Kazemi, Saeede Khosravi Bizhaem, Fatemeh Hamidi, Nahid Azdaki

maryam.soltani52@yahoo.com

Introduction: Diabetes mellitus is one of the serious common and costly chronic diseases and opium addition is a common health problem in Iran. Given the high prevalence of opium use in south Khorasan province and the increasing prevalence of opioid abuse in the community, this study was carried out to examine the relationship between opium use and the extend of coronary vessel involvement in diabetic patients undergoing coronary angiography in cardiology department of Vali-e-Asr hospital of Birjand city.

Methods: This study recruited a total of 1051 diabetic patients who underwent coronary angiography in cardiology department of Vali-e-Asr hospital of Birjand city between 2011 and 2015. The collected data were analyzed using SPSS version 22.0 with chi-square test and univariate regression analysis. The significance level was set at 0.05

Results: The findings of this study suggest that the odds of CAD were significantly .44 times higher in opiate addicted diabetics than opium non-addict diabetics in CAD and no significance groups [OR: 0.44, 95%CI (0.24 – 0.77), P=0.004]. The extend of coronary vessel involvement was not significantly different between addict diabetics and non-addict diabetics in other study groups.

Conclusion: According to the results of this study, the risk of CAD was lower in opiate addicted diabetics than opium non-addict diabetics. Hence, we suggest further research on the dose, time of consumption, and type of opium consumed among patients with cardiovascular diseases.

Keywords: *Opium, extend of coronary vessel involvement, diabetes*



Evaluation of anxiety and fear about anesthesia in adults undergoing surgery with general anesthesia

Mohammad Ghorbani, Nayereh Kassiri, Ehsan Mazloumi*, Maryam Yousefian
ehsan.mazloumi1@gmail.com

Introduction: Fear and anxiety before operation is one of the important issues for patients undergoing surgery. The present study aimed to identify the factors that make patients to be afraid of anesthesia and determine whether these fears are associated with patients' gender, age, education level and previous experience of anesthesia.

Methods: This cross-sectional study was conducted in the hospitals of Shiraz University of Medical Sciences in 2015. During routine screening one day before surgery, 436 adult patients were asked about fear, worry and anxiety by anesthesiologists using a questionnaire.

Results: In the present study, 99% of the patients suffered from different levels of anxiety. The results showed a significant relationship between the patients' gender and level of fear and anxiety. Moreover, the results revealed an inverse relationship between age and anxiety expressed by the patients, in such a way that anxiety decreased with age.

Conclusion: Age, gender, educational level, pre-op visit by anesthesiologist and previous experience of surgery under general anesthesia variably affects all patients in pre-operative time. Current practices are insufficient to alleviate their anxiety and fear so there is high need to implement improving programs.

Keywords: anxiety, fear, general anesthesia, adults



Assessment of Chronic Headache in Men and Women: Results from RaNCD Cohort Study

Behrooz Hamzeh*, Mitra Darbandi, Shahab Rezaeian*, Yahya Pashdar

behrooz.hamzeh@kums.ac.ir

Introduction: Headache is the most common central nervous system disorder and one of the most common health problems. The present study assesses of Chronic Headache in Men and Women.

Methods: This cross-sectional study was performed on 10063 adults aged 35-65 years, attending the preparatory phase of the Ravansar Non-Communicable Disease cohort study (RaNCD). People who had headaches 15 days or more per month, for the duration of 3 months or more, were considered as having chronic headaches (CH). Data were analyzed, using bivariate and multiple logistic regression.

Results: The prevalence of CH in the whole population was 10.49% (95.1% CI: 9.90, 11.09). After adjusting for the confounding variables, the chances of CH in men (OR = 2.59) and women (OR = 2.38) with depression, were higher than healthy subjects. In this study, it was observed that CH in both men and women, are not only different in terms of prevalence, but also in risk factors. The prevalence of CH in women was almost three times more than men (14.5% vs. 6%), and among women with CH, MOH was 6% and in men, 1.9%. The prevalence of CH in the adult population of Kuwait was 2.4% (6). In Sweden, prevalence of CH and MOH was reported 3.2% and 1.8%, respectively (8). Generally, depressions, smoking in the past, urbanization and contraceptive pills in women, have been identified as the risk factors for predicting CH. In the present study, over two-thirds of women (76.9%) used hormonal contraceptive pills. Marital status and SES in men and women had different effects on CH, such that marital status in women was a risk factor, and in men a protective factor

Conclusion: The prevalence of CH in women was almost three times as high as in men. Depression, past smoking and urbanization were identified as predictive risk factors and adequate sleep hours as a protective factor for CH.

Keywords: Chronic headache, depression, economic status



Prevalence and Risk Factors for HBV and HCV among Incarcerated People Who Inject Drugs (PWID) in Iran during 2015-16

سعیده جعفری^{*}، قباد مرادی، بشرا زارعی، محمد مهدی گویا، رشید رضانی، مهرزاد تشکریان، پروین محمدی

jafari.313333@yahoo.com

Introduction: Hepatitis C is one of the rare infectious diseases that has had an increasing trend and burden in the past two decades in most parts of the world, especially in high risk groups. This study aimed at determining the prevalence and risk factors of hepatitis B virus (HBV) and hepatitis C virus (HCV) among incarcerated people who inject drugs (PWID) in Iran during 2015-16.

Methods: The required data was obtained from the Iranian national bio-behavioral surveillance surveys (BBSSs), which examined 11988 prisoners who were selected using multi-stage sampling from 55 prisons in 19 provinces during 2015-16. The demographic and behavioral status of these subjects were measured through interviews and HBV and HCV exposure were examined using ELISA test of blood samples. A total of 1387 individuals with a history of drug injection in their lifetime were enrolled into this study. Survey analysis was used to analyze the data. The univariate and multivariate logistic regression were used to investigate the relationships between risk factors and outcome.

Results: The mean age of the incarcerated PWID was 36.83 ± 8.13 ; of all, 98.46% were male, 50.97% were married, and 96.57% had non-academic education. The prevalence of HCV and HBV was 40.52% and 2.46%, respectively.

Conclusion: The prevalence of HCV was alarmingly high. However, since the infected group is more easily accessed in prison, it can be considered as an opportunity to achieve the goal of eliminating HCV in the country. Hence, it is recommended to design interventions that are focused on the risk factors of prison term, piercing, and extramarital sex.

Keywords: HCV, HBV, Iran, Prevalence, Prison, PWID



Comparison of Cinnamon and Ginger Effects on Dysmenorrhea and PMS in Students of Shoushtar School of Medicine in 2015

فاطمه جعفریان

fateme.jafarian73@gmail.com

Introduction: Regarding the high prevalence of primary dysmenorrhea, the recent study aimed at comparing the effectiveness of cinnamon and ginger in the treatment of primary dysmenorrhea took place on students of Shooshtar University of medical sciences in 2015.

Methods: This study included 130 students with a history of primary dysmenorrhea. Samples were randomly divided into two groups of 65 recipients of cinnamon and ginger. The two groups were similar in age, menarche age, weight, cycle length and period length. For two groups, capsules contain 240mg of cinnamon and ginger powder. Students received 5 capsules daily during the first three days of menstruation. The effect of drugs after the end of treatment was evaluated by a multi-dimensional speech scoring system. For statistical analysis this research, Friedman and Mann-Whitney and variance tests were used.

Results: The improvement of the severity of primary dysmenorrhea in the two groups before and after the intervention was significantly different in the criteria of fatigue, headache, breast tenderness, abdominal pain, acne, irritability, digestive problems, decreased and increase appetite, but there was no significant difference in the level of anger in the cinnamon group before and after the intervention, as well as in the two groups between age difference, menarche, cycle length and period length

Keywords: *Keywords: Dysmenorrhea, Cinnamon, Ginger*



Diabetes Management in a sub sample of Kurdish population: results from Ravansar Non-Communicable Disease Cohort Study

Roya safari faramani*, Farid najafi, Fateneh rajati, Behrooz Hamzeh, Yahya Pasdard, Mahdi Moradinazar

r.safari84@gmail.com

Introduction: Regarding the importance of diabetes management on preventing the disease complication, this study designed to estimate the prevalence, awareness, treatment, and glycemic control of diabetes mellitus (DM) and its associated factors in an Iranian Kurdish population.

Methods: Baseline data of Ravansar Non-communicable Disease (RaNCD) cohort study, consisting of adults aged 35-65 years, were used. Diabetes was defined as a fasting plasma glucose (FPG) of 126 mg/dl or higher, and/or being on diabetes medication and/or diabetes confirmed by a health practitioner.

Results: The prevalence of DM, awareness, treatment, and glycemic control of DM were 8.19, 74.97, 74.75, and 32.68, respectively. Based on the adjusted models, increase age, obesity or overweight, being ex-smoker, suffering from dyslipidemia, hypertension or both of them, and positive family history in the first degree relatives were strongly associated with a high risk of DM, while engagement in regular physical activity was a protective factor. Female gender, being older age, positive family history, suffering from both hypertension and dyslipidemia, and overweight were negatively associated with DM awareness.

Conclusion: Although the awareness and probability of receiving treatment were fairly acceptable, control of the plasma glucose in patients receiving treatment needs more attention. More research is necessary on the potential factors contributing to the glycemic control of DM to identify high-risk subgroups. It is, therefore, highly recommended to establish national estimates for the assessment of diabetes awareness, probability of treatment, control of plasma glucose levels, and the effectiveness of treatments across the country.

Keywords: Diabetes management, Awareness, Treatment, Control



Prevalence, awareness, treatment, and control of hypertension and their determinants: Results from the Ravansar cohort study

Fatemeh Rajati, Behrooz Hamzeh, Yahya Pashar, Roya Safari, Mehdi Moradinazar, Farid Najafi

farid_n32@yahoo.com

Introduction: Hypertension is one of the most important risk factor for non communicable disease. Objectiv Estimate the prevalence of hypertension and identify factors related to its management described as the level of hypertension awareness, treatment, and control, among 10,000 middle-aged adults in Ravansar (Iran) in 2014-17.

Methods: This is a population-based study using the baseline data from Ravansar Non-Communicable Disease (RaNCD) cohort study data. The study sample includes 10,040 middle-aged adults in Ravansar. The study survey included demographic and clinical information. Univariate, bivariate, and multivariable analyses were used to estimate the prevalence of Hypertension and identify factors associated with its management.

Results: Prevalence of hypertension was 15.7%. Among hypertensive patients, 80.7% were aware of having high blood pressure. Among those who were aware of their condition, 90.7% (73.2% of all hypertensives) were treated, and of those treated, 72.9% (53.3% of all hypertensive people) had their hypertension controlled (BP

Conclusion: Our findings show a higher level of awareness, treatment, and control of hypertension in the study population compared to similar findings from recently published Iranian studies in the last two decades. Future studies are needed to shed more light on hypertension-related outcomes of the ongoing health promotion programs in Iran (such as IraPEN).

Keywords: hypertension, prevalence, awareness, treatment, control, Iran



The prevalence of depression among breast cancer survivors in Iran: A Systematic Review and Meta-analysis

مصطفی دیان‌تی نسب^{*}، حسن احمدی قرائی، مرضیه روحانی رصاف، صبا شاکرمی

dianatinasab@sums.ac.ir

Introduction: Depression, which is the most common comorbidity in breast cancer (BC) patients, has adverse effects on patients' quality of life, disease progress, and survival.

Methods: The protocol of this study was registered in PROSPERO. We electronically searched published studies through January 2019 with the aim of finding articles that investigated the prevalence of depression among breast cancer survivors. Web of Science (ISI), Scopus, PubMed/MEDLINE, Science Direct, and Google Scholar were searched to obtain relevant published studies. This review included 15 cross-sectional and 3 cohort studies published from 2000 to 2018. We used a random-effects model to conduct the meta-analysis and generated a summary estimate for the pooled prevalence with 95% confidence intervals (CIs). A subgroup analysis was also conducted based on the depression assessment tool used and the study design.

Results: The total sample size of the studies contained 2,799 women with breast cancer, including 1,228 women who were diagnosed with depression. The pooled prevalence of depression among Iranian women with BC was 46.8% (95% CI, 33.8%-59.9%) with significant heterogeneity ($I^2=98.7\%$)

Conclusion: Our findings indicate a high prevalence of depression among breast cancer patients, underscoring the urgent need for clinicians and health authorities to provide well-defined social and psychological supportive care programs for these patients.

Keywords: Breast carcinoma, Depression, Supportive care, Quality of Life, Prevalence, Meta-analysis



Association of food habits with obesity in a sample of Iranian adults

Razieh Anari*, Maryam Amini, Tirang Reza Neyestani

raziehanari85@yahoo.com

Introduction: Nutritional improvement underlies sustainable development achievement. Food habits as a subset of nutritional behaviors affect well-being. Therefore, it is of great importance to identify the current food habits in the population and to target ones with potentially harmful impacts, especially on chronic diseases. Thus, we assessed food habits and their association with weight status in a sample of Iranian adults.

Methods: A cross-sectional survey was done on a sample of adults (≥ 18 years old) from Tehran metropolitan. Demographic and anthropometric data were measured for each participant. Food habits data were collected by a questionnaire through face-to-face interviews.

Results: The sample included 83 males and 85 females. Mean age of participants was 42.18 years and mean body mass index was 28.64 ± 4.96 kg/m². The rates of overweight and obesity were 40.5% and 34.5%, respectively. In spite of lower energy and macronutrients intakes (p for all

Conclusion: Participants demonstrated relatively acceptable food habits, except for fats. Less frequent meals and breakfast, and irregular meals showed unfavorable impacts on weight. Number of observational studies suggested an inverse relationship between eating frequency and adiposity (3), due to better appetite control and increased thermic effect of food (4,5). High proportion of overweight people calls appropriate policies.

Keywords: Food habits; Iranian adults; Obesity.



The factors associated with infant mortality due to congenital anomalies: A population-based case-control study

Fatemeh Zolfizadeh, Halimeh Yaghoobi*, Maryam Soltani

lemen_2012@yahoo.com

Introduction: Congenital anomalies are one of the major public health problems and one of the leading cause of infant mortality and morbidity. Given the importance of neonatal mortality and regional differences in their event, the present study was carried out to investigate some factors associated with infant mortality due to congenital anomalies in several provinces of Iran.

Methods: This population-based case-control study was conducted on 2199 women referring health centers of nine provinces of Iran. Subjects were assigned into two groups, experimental group (n=213) comprised of mothers with infant death due to congenital anomalies, and control group comprised of mothers with live birth or infant deaths due to other causes (n=1986). The descriptive data were expressed as percentage and frequency. Factors associated with infant death due to congenital anomalies were evaluated and analyzed by logistic regression analysis. The significance level was set

Results: The univariate regression analysis reveal that history of cesarean delivery [OR:2.09 ;95%CI (1.54-2.82)], maternal age [OR:1.92 ;95%CI (1.30-2.84)], area of living [OR: 1.62;95%CI (1.17-2.24)], maternal smoking during pregnancy [OR:1.42;95%CI (1.02-1.95)], consanguineous marriage [OR:1.52;95%CI (1.12-2.07)], and birth weight<2500g [OR:3.12;95%CI (2.25-4.33)] were significantly associated with infant death due to congenital anomalies (p<.05).

Conclusion: Identification of factors associated with congenital anomalies has been shown to reduce treatment costs and medical complications of neonates. Therefore, genetic counseling and educational programs for high-risk individuals, and prenatal screening are essential to identify and prevent factors contributing to congenital abnormalities

Keywords: Deformity, birth defects, congenital anomalies

Investigating the effect of socio-economic inequality on adult food intake: evidence from Ravansar Cohort Study

Mahin Amini*, Mehdi Moradinazar, Ali Kazemi Karyani, Farid Najafi, Yahya Pasdard, Mehnoosh Samadi

amini9094@yahoo.com

Introduction: Various factors affect the supply of daily nutritional needs, the most important of which is socioeconomic status. The purpose of this study was to investigate socio-economic inequality and to determine the most important factors affecting this inequality in adult community of Ravansar.

Methods: This study was performed on urban and rural adults aged 35 to 65 years, during the initial phase of Ravansar Non-Communicable Diseases (RaNCD). The nutritional data were assessed using Food Frequency Questionnaire. Calorie intake was categorized into 3 groups: normal calorie intake ($\pm 10\%$ of daily energy expenditure, low calorie intake (-10%) and high calorie intake ($+10\%$) of the daily energy expenditure. Concentration curve and index were used for measuring the inequality of calorie intake.

Results: Calorie intake of 5354 (58.38%) subjects received more calorie than their body requirement. With the improvement of socio-economic status, calorie intake in all the three macronutrient groups increased significantly. As compared to the normal group, concentration indices of low and high calorie intake groups were -0.113 and 0.44 , respectively. As for the low calorie intake group, the most important factors influencing inequality were socio-economic status, education and place of residence.

Conclusion: More than half of the subjects received more calories than their body requirement. Therefore, in order to reduce socio-economic inequality, along with improving the economic and social status of the society in general, it is better to educate people in terms of the need for proper food intake and to promote the nutritional culture in the society.

Keywords: *Inequality, Socio-economic status, Calorie, Macronutrients.*



Does Socioeconomic Status Affect Fruit and Vegetable Consumption? Evidence from a Cohort Study in West of Iran

Mahin Amini, Yahya Pasdar, Farid Najafi, Mehnoosh Samadi, Ali Kazemi Karyani, Mehdi Moradinazar*

m.moradinazar@kums.ac.ir

Introduction: Fruit and Vegetable (F&V) consumption has been recommended for the prevention of many acute and chronic diseases. The main factors causing the non-consumption of F&V include poor SocioEconomic Status (SES), such as low income and poor literacy. Socioeconomic health inequality is evident in various societies and the present study aims to find the rate of F&V consumption inequality and determine the level and severity of the factors affecting this inequality.

Methods: This cross-sectional study used the data from the recruitment phase of Ravansar cohort study of non-communicable diseases conducted on adults aged 35-65 years. The FFQ was used to obtain data on the F&V consumption, and the concentration index and curve were used to show inequality. According to the WHO recommendations, adequate F&V consumption means a combined consumption equal to 400 grams or higher.

Results: Participants' mean age was 48.1 years (± 8.2 SD). The prevalence of adequate F&V consumption was reported as 55.8%. The concentration index for F&V consumption was 0.178 in the entire population and showed a higher consumption in the higher-SES group of the society. Place of residence (27.03%), followed by SES (20.8%), had the greatest contribution to F&V consumption inequality. Overall, 58.4% of the total concentration index could be explained by the study variables.

Conclusion: Given the significant inequality in F&V consumption. It is necessary to take appropriate measures to reduce inequality and increase the entire population's access to F&V. The inequality in F&V consumption can be reduced in rural populations by improving their literacy and awareness.

Keywords: *Inequality, Socioeconomic Status, Fruit and Vegetable, Decomposition Analysis*



The effect of socio-economic inequality on the quality of nutrition: Evidence from Ravansar Cohort Study

Mehdi Moradinazar, Mahin Amini*, Yahya Pasdar, Farid Najafi, Ali Kazemi Karyani, Mehnoosh Samadi

amini9094@yahoo.com

Introduction: Socio-economic inequality affects many health-related outcomes and factors. One of the most important factors is the pattern and quality of nutrition. Thus, this study is carried out to investigate the effect of socio-economic inequality on the quality of nutrition based on healthy eating index.

Methods: This is a cross-sectional study performed on adults aged 35 to 65 years old, during the initial phase of Ravansar Non-Communicable Diseases (RaNCD). In order to collect nutritional information, indicate the quality of nutrition, and show the inequality, FFQ, Healthy Eating Index (HEI), and concentration curve and index were used, respectively.

Results: The mean (Standard Deviation) of the participants in the study was 48.02 (SD = ±8.27) years. The mean and average HEI in the studied population were 53 and 53.69 (SD = ±7.34), respectively. Concentration index of inequality in the quality of nutrition for the total population was 0.237. The most important contributing factors in inequality were socio-economic status, place of residence, and education with 57.54%, 44.08%, and 29.11%, respectively. Concentration index in subgroups of nutrition showed that, except for refined grains and saturated fats, inequality was more concentrated on other components among the rich.

Conclusion: Due to low nutritional quality and its adverse effects, especially in people with low socioeconomic status and villagers, the quality of nutrition, especially in the poor, should be promoted with proper interventions so as to reduce inequality in the society.

Keywords: *Inequality, Socio-economic status, HEI, Concentration index, Decomposition*



The trend of changes in the mortality of non-communicable diseases in Iran during 2000-2016

Yousef Alimohamadi*, Mojtaba Sepadi, Kouros Holakouie-Naieni

y.alimohamadi67@gmail.com

Introduction: Globally non-communicable diseases are one of the main causes of death. In Iran, these diseases such as Coronary Heart diseases and cancers are the main cause of mortality. Due to the importance of mortality of diseases in public health, the purpose of the current study was to determine the trend of mortality due to non-communicable diseases in Iran during 2000-2016 years.

Methods: In the current study, the data about mortality due to non-communicable diseases per 100,000 people were extracted from the WHO website this data was related to 2000, 2010, 2015 and 2016 years. All data analyzed by excel software 2013.

Results: The mortality rate (per 100,000) due to non-communicable diseases in male versus females was 750.5 vs 723.8, 638.5 vs 570.5, 595.3 vs. 542.9, 587.3 vs. 532.5 in 2000, 2010, 2015 and 2016 respectively. Also, the mortality rate in both sexes was 737.3, 605.4, 570 and 560.8 in 2000, 2010, 2015 and 2016 respectively. Also, the trend of mortality due to mentioned diseases had a decreasing trend in males (750.5 to 587.3), females (723.8 to 532.5) and both sexes (737.3 to 560.8) during 2000 to 2016.

Conclusion: It seems the death of chronic diseases in men is higher than women. It is maybe due to higher risk factors in men. The mortality due to chronic diseases had a decreasing trend it may be due to the increasing level of knowledge of people about these diseases. But the clarification of its exact cause needs to detailed studies at the individual level.



Epidemiological profiles of mortality due to drug and chemical poisoning in patients referred to Baharloo hospital in Tehran (2011-2014)

Elham Bazmi*, Behnoush Bennam

dr_elbazmi@yahoo.com

Introduction: In developing countries with high mortality rates, poisoning is one of the most common causes of admission to emergency rooms. Drug and chemical overdose is a leading contributor to premature death and are largely preventable. To minimize future deaths related to poisoning, the epidemiological profile of deceased individuals is essential.

Methods: In this cross-sectional study, clinical records in hospital files of all patients who died due to drug poisoning and were being treated at Baharloo Hospital, from April 2011 to April 2014, were researched. Demographic data included the following: age, sex, season, and place of admission, occupation, and education, vital signs of the patient at time of visit, level of consciousness, hospitalization, and repeat drug users. This information was extracted from patient files and entered into pre-designed forms. Exclusion criteria included the following: an age of less than 6 years, incomplete case information, patients who died before these necessary procedures and those with uncertain drug types and dosage amounts. To describe the data, mean and standard deviation were used for quantitative variables and frequency and percentage for qualitative variables. To analyze the data, the Chi-Square Test was used for qualitative variables and T-Test for quantitative variables. Data was analyzed by SPSS software.

Results: In this study, 249 qualified drug poisoned patients were studied for a three-year time span. The average age of the death was 37.65 ± 16.78 (with the lowest being 6 years and the highest being 89 years). 184 men and 65 women. The most frequency of death had been occurred in male 184(73.89%), during the summer season 82(32.93%), and the most cases 223(89.6%) had hospital admission <10 days. The average length of hospital stay was 3.61 days, with the shortest length being less than a day and the longest being 43 days Overall in this study there was a statistically significant difference between the cause of poisoning and mortality (p -value<0.001), more information has shown in Table1. In this study, vital signs were recorded when patients were first admitted into the hospital.

Conclusion : Finally, it was found that most deaths caused by poisoning are related to opium and rice tablets. Early prevention, as well as informing and educating people, can be very helpful. high prevalent of mortality followed by drug poisoning at a young age (especially intentional) and the determination of the mortality rate by type of drugs and chemical substances Most deaths occurred among young people and men. These two groups of people are more likely to be at risk for intentional poisoning which leads to death, and it is necessary that health officials pay more attention to them and come up with better interventions for them.

Keywords: poisoning, Epidemiology, mortality, drug, emergency, Tehran



کمپین ملی کنترل فشارخون، فرصت‌ها، تهدیدها و آموخته‌ها

پیوست

افشین استوار

afshinostovar@gmail.com

مقدمه و هدف: بر اساس آخرین پیمایش عوامل خطر بیماری‌های غیرواگیر در کشور، حدود یک سوم جمعیت بزرگسالان ایران از فشارخون بالا رنج می‌برند. این در حالی است که در حدود ۴۰ درصد بیماران مبتلا به فشارخون بالا از بیماری خود اطلاع ندارند. هدف از اجرای "بسیج ملی کنترل فشارخون" افزایش نسبت شناسائی و شروع مراقبت و درمان در بیماران مبتلا به فشارخون بالا در کشور و افزایش آگاهی جامعه نسبت به عوامل خطر، پیامدها و اهمیت تشخیص زودرس و کنترل فشارخون بالا بود.

روش کار: اندازه‌گیری فشارخون در بیش از ۴۰۰۰۰ پایگاه ثابت و موقت فشارخون به مدت یک ماه انجام گردید. کلیه خانه‌های بهداشت، مراکز جامع سلامت و پایگاه‌های بهداشت سراسر کشور در این برنامه ملی مشارکت کردند و حدود ۵۰ هزار نیروی داوطلب جهت اندازه‌گیری فشارخون در حدود ۱۵۰۰۰ ایستگاه موقت مشارکت کردند.

نتایج: بر اساس نتایج اولیه در طول اجرای بسیج بیش از ۳۰ میلیون مورد فشارخون در کل کشور اندازه‌گیری گردید. از میان فشارخون‌های اندازه‌گیری شده بیش از ۲/۶ میلیون مورد بالاتر از اندازه طبیعی بودند که از این میان ۱/۳ میلیون مورد جدید و ۱/۳ میلیون مورد افراد با سابقه فشارخون بودند. علاوه بر این حدود ۱۰ میلیون فشارخون در محدوده پره‌هایپرتنشن بودند.

نتیجه‌گیری: اجرای بسیج ملی کنترل فشارخون برنامه‌ای موفق برای افزایش حساسیت جامعه نسبت به فشارخون بالا به عنوان مهمترین عامل خطر قابل مداخله بیماری‌های غیرواگیر بود. پیگیری اصلاح سبک زندگی در افراد شناسائی شده مبتلا به "پیش فشارخون"، پیگیری کنترل فشارخون در افراد مبتلا به فشارخون بالا که فشارخون آنها کنترل نیست، و پیگیری تشخیص قطعی و درمان افراد جدید شناسائی شده مبتلا به فشارخون بالا می‌تواند به افزایش تاثیر مداخله کمک کند.

کلمات کلیدی: بسیج ملی، کنترل فشارخون، هایپرتنشن



روند عوامل خطر قلبی-عروقی در افراد دیابتی در مقایسه با جمعیت عمومی در ایران،

۲۰۱۶ - ۲۰۰۷

پیوست

حمید ملک زاده، داود خلیلی*

dkhalili@endocrine.ac.ir

مقدمه و هدف: تعیین روند عوامل خطر قلبی عروقی در طی یک دهه گذشته در کشور میان افراد دیابتی، به عنوان پیشگیری ثانویه، و افراد بدون دیابت شناخته شده، به عنوان پیشگیری اولیه، و همچنین مقایسه این دو روند جهت نشان دادن تفاوت های این دو پیشگیری می باشد.

روش کار: از داده های مقطعی از ۵ دوره مطالعات STEPS استفاده شد. ۷۶۶۵ نفر با دیابت شناخته و ۹۳۷۳۳ نفر بدون سابقه دیابت در سنین ۲۵-۶۵ سال در این مطالعات شرکت کردند. از مدل های رگرسیون خطی و لوجستیک جهت بررسی روند عوامل خطر در طول زمان استفاده شد.

نتایج: برای هر دو جنس افراد با دیابت شناخته شده در مقایسه با افراد بدون سابقه دیابت کاهش بیشتری در میزان فشار خون سیستولی (۳/۰ در برابر ۰/۵ میلی متر جیوه برای زنان و ۳/۹ در برابر ۱/۶ میلی متر جیوه برای مردان)، فشار خون دیاستولی (۶/۴ در برابر ۵/۱ میلی متر جیوه برای زنان و ۳/۳ در برابر ۱/۸ میلی متر جیوه برای مردان)، کلسترول LDL (۳۲/۴ در برابر ۲۱/۰ میلی گرم در دسی لیتر برای زنان و ۳۰/۳ در برابر ۱۶/۰ میلی گرم در دسی لیتر برای مردان) و کلسترول non-HDL (۴۲/۴ در برابر ۲۷/۲ میلی گرم در دسی لیتر برای زنان و ۳۱/۳ در برابر ۲۱/۰ برای مردان) نشان دادند. مردان با دیابت شناخته شده همچنین کاهش بیش تری در میزان مصرف سیگار در مقایسه با مردان بدون دیابت شناخته شده داشتند (۷/۳ در برابر ۲/۷٪). روند گلوکز ناشتای پلاسما در افراد با دیابت شناخته شده کاهش ولی در افراد بدون دیابت شناخته شده افزایش نشان داد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه حاکی از تاثیر بیشتر پیشگیری ثانویه در مقایسه با پیشگیری اولیه در کنترل عوامل خطر قلبی عروقی در کشور می باشد. با این حال میزان دست یابی به اهداف کنترلی این عوامل خطر در میان افراد دیابتی کماکان پایین تر از حد مطلوب می باشد که به تلاش بیشتر جهت بهبود کنترل وضعیت این افراد نیاز دارد.

کلمات کلیدی: عوامل خطر، دیابت، روند، جمعیت عمومی



مطالعه بار بیماری‌ها، سوانح و حوادث و عوامل خطر در سطوح ملی و فروملی (NASBOD)

پیوست

فرشاد فرزادفر

f.farzadfar@ncdrc.info

NASBOD فعالیتی منظم برای برآورد از دست‌رفتن سلامتی ناشی از بیماری‌ها، سوانح و حوادث و عوامل خطر است. جهت برآورد میزان مرگ از داده‌های نظام ثبت مرگ و داده‌های آرامستان‌های تهران و اصفهان استفاده شد. پس از محاسبه درصد کم‌شماری و برطرف کردن مشکلاتی از جمله داده‌های تکراری و بد رده‌بندی علل مرگ و با استفاده از روش‌های آماری و اپیدمیولوژی برآوردها به تفکیک ۱۶۵ علت اختصاصی مرگ، ۱۹ گروه سنی و ۲ جنسیت در سطوح ملی و استانی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ انجام شده است. نتایج این مطالعه در سامانه مصورسازی اطلاعات جمعیتی کشور در قالب نمودارهای متنوع بارگذاری شده و با توجه به فراهم آوردن دید کلی از وضعیت علل مرگ در کشور؛ قابل استفاده سیاست‌گذاران نظام سلامت، مدیران اجرایی و پژوهشگران است. بر طبق نتایج کلی این مطالعه طی ۲۶ سال؛ تعداد مرگ ناشی از بیماری‌های تنفسی ۳ برابر شده است و به شدت در حال افزایش است و بی‌شک عمده این تغییرات با مسن شدن و آلودگی هوا در ارتباط است و به نظر می‌رسد سیگار نقش کمتری دارد. میزان مرگ‌ومیر ناشی از سوانح و حوادث رانندگی در حال کاهش است، اما علت اصلی کاهش مربوط به افزایش جمعیت و مقدار مطلق آن در طی یک دهه اخیر تغییر قابل‌ملاحظه‌ای نداشته است. میزان مرگ ناشی از سرطان‌ها در حال کاهش است که قسمت عمده‌ای از آن مربوط به افزایش جمعیت و قسمت دیگر مربوط به بهبود خدمات پزشکی و افزایش بقای بیماران سرطانی می‌تواند باشد.



مطالعه کوهورت چشم شاهرود (Shahroud Eye Cohort Study)

پیوست

محمدحسن امامیان*، سیدحسن هاشمی، اکبر فتوحی

emamian@shmu.ac.ir

حدود ۱,۳ میلیارد نفر در جهان با نوعی اختلال بینایی زندگی می کنند که اکثر آنها بالای ۵۰ سال می باشند. با وجود پیشرفتهای اخیر که باعث شده حدود ۸۰٪ از اختلالات بینایی قابل پیشگیری باشد، هنوز علت بسیاری از بیماریهای چشمی در سنین میانسالی و بزرگسالی روشن نیست و عوامل خطر آن به خوبی شناخته نشده است. مطالعه کوهورت چشم شاهرود جزء معدود مطالعات همگروهی در دنیا است که سعی دارد این عوامل خطر را در یک جامعه ایرانی بررسی کند. فاز اول این مطالعه در سال ۲۰۰۹ با مشارکت ۵۱۹۰ نفر از ساکنین ۴۰ تا ۶۴ سال شهر شاهرود اجرا شد. در این مطالعه علاوه بر معاینات کامل اپتومتری و چشم پزشکی، وضعیت فشارخون، دیابت، چاقی، سیگار و سایر عوامل خطر عمومی نیز بررسی شد. فاز دوم این مطالعه در سال ۲۰۱۴ با مشارکت ۴۷۳۷ نفر از افراد شرکت کننده در فاز اول (درصد پاسخ ۹۱,۳٪) انجام شد و معاینات فاز اول همراه با معاینات و اندازه گیری های جدید انجام شد. برنامه ریزی برای اجرای فاز سوم مطالعه انجام شده و در سال جاری انجام خواهد شد. مطالعه حاضر در سطح ملی و بین المللی شناخته شده و از افتخارات پژوهشی کشور می باشد. تا به حال ۶۲ مقاله علمی از داده های این مطالعه چاپ شده و همین مقدار در مراحل مختلف نگارش تا چاپ قرار دارند. (توضیحات بیشتر در shecs.info). علاوه بر اجرای فازهای بعدی مطالعه به فواصل ۵ سال، بررسی GWAS نمونه های ژنتیکی اخذ شده، جزء فعالیتهای آینده این مطالعه می باشد



مطالعه کوهورت چشم دانش آموزان شاهرود (Shahroud Schoolchildren Eye) (Cohort Study)

پیوست

محمدحسن امامیان^{*}، سیدحسن هاشمی، اکبر فتوحی

emamian@shmu.ac.ir

اختلالات بینایی و عیوب انکساری در سنین کودکی و نوجوانی در حال افزایش است. در بعضی از کشورهای آسیای جنوب شرقی تا ۶۵٪ کودکان نزدیک بین هستند. در ایران هم روند رو به رشدی در این خصوص مشاهده شده است. علل و عوامل خطر اختلالات بینایی در سنین کودکی و نوجوانی هنوز به روشنی شناخته شده نیست. به دنبال اجرای موفقیت آمیز مطالعه کوهورت چشم شاهرود (در سنین میانسالی و بزرگسالی)، مطالعه کوهورت چشم دانش آموزان شاهرود طراحی و اولین فاز آن در سال ۲۰۱۵ با مشارکت ۵۶۲۰ دانش آموز مقطع ابتدایی (۶ تا ۱۲ سال) در نقاط شهری و روستایی آغاز شد. مقرر است به فاصله هر ۳ سال این دانش آموزان تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی پیگیری و معاینات چشم پزشکی و اپتومتری آنها تکرار شود. فاز دوم این مطالعه در سال گذشته با درصد پاسخ حدود ۹۴٪ به پایان رسید. تا کنون ۱۳ مقاله از این مطالعه چاپ شده و ۴۰ عوان دیگر در مراحل مختلف نگارش تا چاپ قرار دارند (اطلاعات بیشتر در sscecs.info). از جمله معاینات فرعی که در این مطالعه انجام شد بررسی سلامت دهان و شاخص DMFT بود. در حال حاضر این مطالعه یک کوهورت در حوزه سلامت دهان نیز می باشد. این مطالعه نیز از افتخارات کشور در اجرای مطالعات همگروهی است و پژوهشگران زیادی در سراسر دنیا منتظر نتایج این مطالعه هستند.



پنجمین ششم



پایان نامه های منتخب

اپیدمیولوژی

تحقق اهداف توسعه پایدار در بیماری های غیرواگیر در سطوح ملی و فروملی: مدل سازی با
بر آورد مبتنی بر سناریو

سخنرانی

فاطمه خسروی شادمانی

استاد راهنما: دکتر علی اکبر حق دوست، دکتر فرشاد فرزادفر

۳۴۵

پایان نامه های منتخب اپیدمیولوژی



دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مقدمه و هدف: هدف چهارم از آرمان سوم اهداف توسعه پایدار، به بیماری های غیرواگیر مرتبط است. این هدف یک سوم کاهش در احتمال غیر شرطی مرگ و میر بیماری های غیرواگیر تا سال ۲۰۳۰ را انتظار دارد. هدف ما در این مطالعه ارزیابی دستیابی ایران به SDG3-4 در دو سناریوی ادامه روند فعلی تا سال ۲۰۳۰ و تغییر در شیوع عوامل خطر طبق توصیه WHO ارزیابی و پیش بینی کردیم.

روش کار: داده های استخراج شده از نظام ثبت مرگ ایران (DRS) برای محاسبه احتمال غیر شرطی مرگ و میر ناشی از چهار دسته اصلی بیماری های غیرواگیر (سرطان ها، بیماری های قلبی و عروقی، آسم و COPD و دیابت) در سطح ملی و فروملی با Bayesian model averaging برآورد و تا سال ۲۰۳۰ پیش بینی شد. با روند پیش بینی شده احتمال غیر شرطی مرگ زودرس و دستیابی به SDG3-4 ارزیابی شد. در گام بعد شیوع شش عامل خطر (دیابت، پرفشاری خون، اضافه وزن و چاقی، کم تحرکی، میانگین نمک مصرفی و مصرف سیگار) از مطالعات Steps و سایر مطالعات انجام شده در ایران به دست آمد. شیوع عوامل خطر با استفاده از مدل های Spatio temporal و Bayesian model averaging تا سال ۲۰۳۰ پیش بینی شد. مرگ های قابل اجتناب متناسب به هر عامل خطر با استفاده از سهم متناسب جمعیتی برآورد شد. تعداد مرگ های قابل اجتناب از تعداد مرگ های پیش بینی شده کم شد و مجدداً احتمال مرگ غیر شرطی برآورد شد و دستیابی به SDG3-4 مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج: احتمال غیر شرطی مرگ و میر بیماری های غیرواگیر در گروه سنی ۳۰ تا ۷۰ سال از ۱۴/۸ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۱۰/۸ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهید رسید. در صورت ادامه روند فعلی از ۳۱ استان، بیماری های قلبی در ۹ استان، سرطان ها در ۱۰ استان، دیابت در ۱۳ استان و آسم و COPD در ۱۶ استان یک سوم کاهش در احتمال غیرشرطی مرگ و میر را تجربه خواهند کرد. به طور کلی ایران نمی تواند به SDG3-4 دست پیدا کند. اما اگر بتوان عوامل خطر را به مقدار توصیه شده سازمان بهداشت جهانی کاهش داد در مقایسه با سال ۲۰۱۵، ۵۴۴۱۸ مرگ قابل اجتناب خواهیم داشت. با فرض پیشگیری از این مرگ ها ایران در بیماری های قلبی و عروقی، سرطان ها و دیابت به SDG3-4 خواهد رسید.

نتیجه گیری: اگر روند فعلی ادامه داشته باشد، ایران تا رسیدن به SDG3-4 فاصله زیادی خواهد داشت. با این حال اگر رسیدن به هدف در مورد کاهش شیوع عوامل خطر (کاهش به مقدار توصیه شده WHO) محقق شود، در آن صورت ایران در مقایسه با سال ۲۰۱۵، فاصله بسیار کمی تا دستیابی به SDG3-4 خواهد داشت. بنابراین باید مداخلات موثری طراحی و پیگیری شود که روند کاهش مرگ های ناشی از بیماری های غیرواگیر را با سرعت بیشتری مخصوصاً در آسم و COPD کاهش دهد.

کلمات کلیدی: بیماری های غیرواگیر، عوامل خطر، مدل سازی، اهداف توسعه پایدار، ایران

بررسی عوامل مرتبط با سوختگی با استفاده از الگوریتم های طبقه بندی در داده کاوی و برآورد

کسر قابل انتساب جمعیت در کودکان استان کرمانشاه، سال ۱۳۹۵

سخنرانی

عباس آقائی

استاد راهنما: دکتر حمید سوری، دکتر یداله محرابی

۳۴۶

پایان نامه های منتخب اپیدمیولوژی



دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه و هدف: ابتلا، مرگ و میر و عوارض صدمات ناشی از سوختگی در کودکان هنوز از چالش‌های بزرگ ملت‌ها محسوب می‌شود. بر اساس مطالعات اپیدمیولوژیکی که در دو دهه‌ی اخیر در ایران انجام شده، موارد سوختگی در کودکان حدود یک سوم از سوختگی‌ها را شامل شده است. برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های پیشگیری، نیاز است که مشخصه‌های اپیدمیولوژی سوختگی و عوامل خطر مرتبط با آن در هر جامعه‌ای به صورت جداگانه مشخص شود. بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین عوامل خطر مرتبط با سوختگی با استفاده از الگوریتم‌های طبقه‌بندی در داده‌کاوی و برآورد کسر منتسب جمعیت در کودکان استان کرمانشاه انجام گرفت.

روش کار: در این مطالعه مورد-شاهدی مبتنی بر بیمارستان، ۱۹۸ کودک ۱۵ ساله و کمتر مراجعه‌کننده به اورژانس سوختگی بیمارستان امام خمینی (ره) کرمانشاه در طول ۱۵ ماه به‌عنوان مورد و ۱۹۸ کودک مراجعه‌کننده به بیمارستان تخصصی کودکان دکتر محمد کرمانشاهی به‌عنوان شاهد وارد مطالعه شدند. جمع‌آوری داده‌ها توسط کارشناس آموزش دیده به روش مصاحبه انجام گرفت. از آزمون تحلیل مولفه‌های اصلی برای ساخت وضعیت ثروت خانوار بر اساس متغیرهای درآمد خانوار، سطح زیربنای محل سکونت و ارزش خودرو استفاده شد. از رگرسیون لجستیک و الگوریتم‌های طبقه‌بندی در داده‌کاوی شامل درخت تصمیم (الگوریتم‌های CART، CHAID، C5.0، QUEST)، شبکه عصبی مصنوعی، ماشین بردار پشتیبان و جنگل تصادفی برای تعیین مهمترین عوامل مرتبط با سوختگی در کودکان استفاده شد. پس از انتخاب معتبرترین الگوریتم بر اساس شاخص سطح زیر منحنی راک، کسر منتسب عوامل مهم مرتبط با سوختگی در کودکان محاسبه گردید. از نرم‌افزارهای IBM modeler نسخه ۱۸، SPSS نسخه ۲۱ و STATA نسخه ۱۲ بهره گرفته شد.

نتایج: میانه (دامنه میان چارکی) سن کودکان دچار سوختگی (۲-۶) ۳ سال بود و پسرها ۵۸ درصد (۱۱۵ نفر) آن‌ها را تشکیل می‌دادند. الگوریتم جنگل تصادفی به عنوان معتبرترین الگوریتم برای تعیین مهمترین عوامل مرتبط با سوختگی در کودکان تعیین شد. مقادیر اندازه اثر متغیرهای انتخاب شده توسط الگوریتم جنگل تصادفی در قالب مدل رگرسیون لجستیک محاسبه گردید که بر اساس آن عواملی همچون افزایش تحصیلات پدر [OR = ۰/۱۶ (۰/۰-۰۳/۸۳)] و مادر [OR = ۰/۱۱ (۰/۰-۰۲/۴۷)]، بهتر بودن وضعیت ثروت خانوار [OR = ۰/۱۳ (۰/۰-۰۵/۳۲)]، بالا بودن سن مادر [OR = ۰/۹۱ (۰/۰-۸۷/۹۵)] و کارگر بودن پدر [OR = ۰/۵۵ (۰/۰-۰۷/۳۶-۴۰/۴۷)] نقش پیش‌گیرنده در ابتلای کودکان به سوختگی داشتند و از طرف دیگر افزایش بعد خانوار [OR = ۱۱/۱۳ (۴/۲۵-۶۲/۵۱)]، افزایش ساعت‌هایی که کودک در طول شبانه‌روز تحت مراقبت مستقیم والدین یا اطرافیان نیست [OR = ۱۰/۸۶ (۱/۱-۰۶/۴۳)] و افزایش شاخص توده بدنی کودک [OR = ۱/۲۳ (۱/۱-۰۶/۴۳)] به‌عنوان عوامل افزایش شانس ابتلا به سوختگی در کودکان تعیین شدند. بیش‌ترین مقدار کسر منتسب مربوط به وضعیت ثروت پایین و کم‌ترین مقدار آن مربوط به متغیر چاقی به ترتیب با مقادیر ۰/۴۷ و ۰/۰۶ بود.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان داد که الگوریتم‌های داده‌کاوی علی‌رغم تعریف کاربردی آنها در زمینه‌ی داده‌های بزرگ، در مواردی که تعداد نمونه‌ها کم بوده ولی در مقابل ابعاد داده‌ها زیاد می‌باشد نیز عملکرد مناسبی را دارند و می‌توان از آن‌ها به عنوان ابزاری برای بهبود عملکرد روش‌های آماری تفسیرپذیرتر مانند رگرسیون لجستیک بهره گرفت. از دیگر نتایج تحقیق این است که سوختگی در کودکان یک پیامد چند علیتی بوده که بیشتر علت‌ها مربوط به شرایط محیط زندگی و خصوصیات افرادی می‌باشد که در تعامل



با کودک هستند. براساس محاسبات کسر منتسب جمعیت، انتظار می رود که با ایجاد تغییر در شرایط محیطی کودکان و تعدیل شرایط اطرافیان، از ایجاد نسبت زیادی از سوختگی در کودکان پیشگیری شود.

کلمات کلیدی: سوختگی کودکان، داده کاوی، مورد-شاهدی، کسر منتسب جمعیت



بر آورد اثرات حاشیه ای (marginal effect) فاکتورهای مرتبط با سبک زندگی در ابتلا به اسکلروز منتشر با استفاده از stratification score و propensity score: یک مطالعه مورد-

سخنرانی

شاهد مبتنی بر جمعیت

ابراهیم عبدالله پور

استاد راهنما: دکتر سحرناز نجات، دکتر محمدعلی منصورنیا

دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه و هدف: ام اس به عنوان یک بیماری خودایمن به عنوان مسئول اصلی ناتوانی های ناشی از عوامل غیر ترافیکی در بزرگسالان جوان شناخته شده است. اخیراً افزایش نگران کننده ای در میزان های بروز و شیوع تطبیق یافته آن در بعضی از مناطق ایران از جمله تهران گزارش شده است. بر اساس این مشاهدات تهران جزء مناطق High risk ام اس طبقه بندی می شود. در مورد نقش متغیرهای سبک زندگی در سبب شناسی ام اس یا اطلاع چندی در دسترس نیست و یا در مطالعات مختلف نتایج متفاوتی گزارش شده است.

روش کار: در مطالعه حاضر ارتباط بین متغیرهای سبک زندگی (سیگار، مواد مخدر، فعالیت فیزیکی، مصرف گوشت قرمز، قلیان) و ام اس با استفاده از یک مطالعه مورد-شاهد مبتنی بر جمعیت در تهران بررسی شد. موردها ۵۴۷ بیمار ۵۰-۱۵ ساله مبتلا به ام اس که در فاصله زمانی تیر ۱۳۹۲ تا بهمن ۱۳۹۳ در انجمن ام اس ایران تشخیص داده شده بودند و کنترل های جمعیتی نیز ۱۰۵۷ کنترل سالم ۵۰-۱۵ ساله بودند که از طریق random digit telephone dialing و بدون همسان سازی انتخاب شدند. Propensity Score با استفاده از دو روش برآورد شد. در روش PS تنها در کنترل ها و در روش دوم در کل جمعیت مورد مطالعه برآورد شد. از Inverse-probability-of-treatment weighing (IPTW) با استفاده از PS های برآورد شده برای برآورد marginal incidence odds ratios (ORs) برای مواجهه های مورد نظر استفاده شد. از آنالیز Stratification score نیز برای آزمون تفاوت استاندارد شده شیوع مواجهه های مورد بررسی در موردها و کنترل ها استفاده شد.

نتایج: در آنالیز IPTW با استفاده از هر دو روش control و weighted case مصرف عمری الکل برای حداقل ۱ بار در ماه (۲- $OR=1/47$ (۹۵٪ CI=۱/۰۸-۱/۴۷)، مصرف عمری قلیان برای حداقل ۱ بار در هفته ($OR=1/4$ (۹۵٪ CI=۱/۰۴-۱/۸۷)، مصرف عمری سیگار برای حداقل ۱ بار در روز (۲/۶۹- $OR=5/3$ (۹۵٪ CI=۱/۴۷-۱۹/۴)، مصرف عمری سیگار برای حداقل ۱ بار در ماه قبل از index date نقش علیتی در اتیولوژی ام اس نشان دادند. در نقطه مقابل، مطالعه حاضر نتوانست اثر حاشیه ای معنی داری را در مورد مصرف گوشت قرمز برای بیشتر از ۵۰۰ گرم و همچنین فعالیت فیزیکی (کمتر از ۲۵۲۰ MET) با ام اس اثبات کند. این یافته ها با استفاده از آنالیز stratification score که تفاوت میان شیوع استاندارد شده مواجهه ها را در دو گروه مورد و شاهد آزمون می کرد اثبات شد. در واقع نتایج حاصل از رویه های مختلف آنالیز causal به کار رفته در مطالعه حاضر به صورت consistent نقش علیتی فاکتورهای الکل، قلیان، مواد مخدر و سیگار

را نشان دادند و در مورد دو متغیر دیگر (مصرف گوشت قرمز برای بیشتر از ۵۰۰ گرم و همچنین فعالیت فیزیکی (کمتر از MET ۲۵۲۰) ارتباطی با ام اس نشان داده نشد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر پیشنهاد می کند که مصرف عمری قلیان، الکل، مواد مخدر و سیگار برای مدت شش ماه به عنوان فاکتورهای قابل تعدیل سبک زندگی شانس ابتلا به ام اس را در سطح جمعیتی حداقل ۱/۴ برابر افزایش می دهند. این در حالیست که مصرف گوشت قرمز و همچنین فعالیت فیزیکی در نوجوانی نتوانستند ارتباط آماری معنی داری با ابتلا به ام اس از خود نشان دهند. طراحی و اجرای برنامه های آموزش همگانی در راستای آموزش ماهیت و اجراء تشکیل دهنده قلیان و تاثیر بارز آن در ابتلا به ام اس با توجه به همزمانی افزایش فزاینده شیوع و بروز ام اس در تهران با افزایش شیوع مصرف قلیان به ویژه در نوجوانان و جوانان در هر دو جنس، مورد تاکید است. رواج باورهای نادرست در مورد "زیان بار نبودن مواد تشکیل دهنده قلیان" در جامعه، بر لزوم اهمیت اجرای برنامه فوق تاکید دوباره دارد. همچنین پیشنهاد می شود برنامه های آموزشی در راستای افزایش آگاهی عمومی در مورد اثرات مواد مخدر، سیگار و الکل در ابتلا به ام اس در سطح جمعیتی طراحی و اجرا گردد.

Keywords: Multiple Sclerosis, Population-based Incident Case-Control, Life style factors, Causal analysis, inverse probability of treatment weighting, stratification score



شناسایی کلاس‌های پنهان اجزای سندرم متابولیک و بررسی اثر برنامه مداخله‌ای در تغییر این کلاس‌ها در طول زمان در مطالعه TLGS با استفاده از Latent Class Analysis و Latent Transition Analysis

سخنرانی

نوشین سادات آهن چی

استاد راهنما: دکتر داود خیلی

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه و هدف: تحقیق برای توضیح ارتباط بین مولفه‌های سندرم متابولیک (MS) با استفاده از تحلیل عاملی، تاکنون یافته‌های ناسازگار را مستند کرده است. ما با استفاده از روش (Latent Class Analysis) بررسی کردیم که آیا زیرمجموعه‌های همگن از افراد وجود دارد که پروفایل‌های مختلف اجزای MS را نشان دهند و سپس با استفاده از روش (Latent Transition Analysis) روند تغییرات بین کلاس‌ها در طول زمان را بررسی کردیم.

روش کار: شرکت‌کنندگان مطالعه حاضر همه افراد ۵۰-۲۰ سال (تعداد=۶۴۴۸) شرکت‌کننده در مطالعه قندو لیپید تهران می‌باشند. متغیرهای دموگرافیک و رفتاری به عنوان پیشگوکننده‌های عضویت افراد در کلاس‌های پنهان سندرم متابولیک با استفاده از رگرسیون چند جمله‌ای در نظر گرفته شدند. با استفاده از مدل LTA انتقال بین کلاس‌ها در طول زمان و پیشگوکننده‌های این انتقال، بر روی افراد شرکت‌کننده در فاز اول و سوم مطالعه قند و لیپید تهران مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: با توجه به شاخص‌های انتخاب مدل، مدل با ۴ کلاس دارای بیشترین انترویی می‌باشد و از قابلیت تفسیر بهتری نسبت به سایر مدل‌ها برخوردار بود. کلاس اول خطر پایین این کلاس با احتمال پایین برای همه‌ی اجزای سندرم متابولیک بود (میزان شیوع: در زنان ۶۴٪ و در مردان ۲۹٪)، کلاس دوم سندرم متابولیک با مصرف داروی کنترل‌کننده دیابت (زنان ۲/۳٪، مردان ۱٪) و کلاس سوم سندرم متابولیک بدون مصرف داروی کنترل‌کننده (زنان ۱۳/۴٪ و مردان ۳۲٪) که ویژگی برجسته این گروه شیوع بالای چاقی شکمی می‌باشد. کلاس چهارم اختلال چربی خون (زنان ۳۸٪ و مردان ۱۹/۶٪) و مردان در کلاس اختلال چربی خون به صورت معناداری با مصرف سیگار ارتباط داشتند (Odds ratio = 4.49 (1.89-9.9)). همچنین نتایج نشان داد افراد در گروه مداخله از ثبات بیشتری در کلاس نرمال برخوردارند و کمتر تمایل داشتند از این کلاس به کلاس‌هایی باریک بیشتر انتقال پیدا کنند.

نتیجه گیری: با استفاده از مدل LCA نشان داده شد افراد مبتلا به سندرم متابولیک می‌توانند در زیرگروه‌های با پروفایل‌های متفاوت و هم‌چنین منشا گوناگون قرار گیرند. این زیرگروه‌ها دیابت شناخته شده و چاقی شکمی و هم‌چنین اختلال چربی خون مرتبط با مصرف سیگار می‌باشند که تاییدکننده این مهم می‌باشد که هر یک از این گروه‌ها نیازمند استراتژی خاصی جهت پیشگیری و درمان می‌باشند.

گونه شناسی رفتارهای پرخطر جنسی در زنان تن فروش مراجعه کننده به مراکز مشاوره بیماری های رفتاری

سخنرانی

مهران اسدی

استاد راهنما: دکتر شهناز ریماز

دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه و هدف: زنان تن فروش به عنوان یکی از پرخطرترین گروه ها، نقش مؤثری در پویایی انتقال HIV ایفا می کنند. گونه های مختلفی از تن فروشی در سطوح جزئی و پراکنده و همچنین بزرگ و سازماندهی شده در دنیا وجود دارد. زنان تن فروش بر اساس گونه تن فروشی در معرض انواع رفتارهای پرخطر جنسی قرار می گیرند که این مهم می تواند سلامت فرد و شبکه جنسی آنها را به مخاطره بیندازد. هدف از این مطالعه، گونه شناسی رفتارهای پرخطر جنسی در زنان تن فروش مراجعه کننده به مراکز مشاوره بیماری های رفتاری می باشد.

روش کار: این مطالعه بصورت مقطعی، طی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۴ بر روی ۱۸۴ زن تن فروش انجام شد. از سه نمونه گیری در دسترس، نمونه گیری نهان از طریق معرفی نمونه ها و نمونه گیری پاتوق ها بر اساس زمان و مکان استفاده شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد کشوری زنان آسیب پذیر جمع آوری گردید. در قسمت پایانی مطالعه، جهت یافتن علل عدم مراجعه زنان تن فروش و گونه های تن فروشی، از روش محاسبه عمیق فردی از ۲۴ زن تن فروش و ۹ مرد مشتری زنان استفاده شد. جهت آنالیز داده ها در قسمت اول از نرم افزار SPSS19 و در بخش پایانی از تحلیل محتوا استفاده گردید.

نتایج: میانگین سنی شرکت کنندگان مطالعه $31/5 \pm 7/8$ سال بود. زنانی که در خانه تیمی یا توسط دلال (۴۵٪)، تلفن همراه یا اینترنت (۶۰٪) و اماکن عمومی و تفریحی و خیابان (۴۸/۳٪) به دنبال مشتری بودند، بیشتر در معرض انواع رفتارهای پرخطر جنسی قرار گرفتند. همچنین زنانی که بصورت تمام وقت تن فروشی می کردند، بیشتر دارای شرکای جنسی همزمان (۳۵/۷٪) و تجربه خشونت جنسی (۴۵/۲٪) بودند. زنانی که از مراکز غیر دولتی خدمت دریافت می کردند بیشتر در معرض خطر شرکای جنسی همزمان (۶۴/۷٪) قرار داشتند. در قسمت مصاحبه عمیق فردی بیشترین علت عدم مراجعه این افراد، ترس از انگ بین گردید.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد، تن فروشی در خانه های تیمی و به صورت تمام وقت، مشتری یابی از طریق تلفن و اینترنت و دریافت خدمات از مراکز غیر دولتی، زنان را بیشتر در معرض رفتارهای پرخطر جنسی قرار داده هاست. لذا پیشنهاد می گردد، با تدوین برنامه های مراقبت رفتارهای پرخطر در درمانگاه ها، مطب های خصوصی و با تربیت گروه همسان بصورت تیم های سیار شاهد کاهش رفتارهای پرخطر در این افراد باشیم.



بررسی نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در چاقی، عدم تحرک، رژیم غذایی نامناسب و عوامل مرتبط در کودکان شهر سنندج در سال

سخنرانی

فریده مصطفوی

استاد راهنما: دکتر قباد مرادی

دانشگاه علوم پزشکی کردستان

مقدمه و هدف: هدف از مطالعه حاضر بررسی نابرابری های اجتماعی اقتصادی چاقی، عدم تحرک و رژیم غذایی نامناسب در کودکان ۱۱ تا ۱۲ سال سنندج بوده است.

روش کار: این مطالعه cross-sectional در سال ۱۳۳۴ بر روی ۲۵۰۶ کودک ۱۱-۱۲ سال در شهر سنندج انجام شد. شاخص های چاقی و اضافه وزن بر اساس BMI سنی جنسی طبق معیار WHO تعریف گردید. داده های فعالیت بدنی با استفاده از پرسشنامه Modifiable Activity Questionnaire (MAQ) جمع آوری گردید. داده های مربوط رژیم غذایی با استفاده از پرسشنامه غذایی بسامد خوراک یا Food Frequency Questionnaire (FFQ) جمع آوری گردید. وضعیت اقتصادی و اجتماعی Socioeconomic statue (SES) با استفاده از داده های دارایی خانواده ها و با روش Principal Component Analysis (PCA) محاسبه شد. برای اندازه گیری نابرابری از Concentration Index استفاده شد و متد تجزیه اکساکا برای تعیین سهم دترمینانت های مختلف در ایجاد نابرابری بکار گرفته شد.

نتایج: شیوع اضافه وزن در پسران ($CI=22/6-28/2$) ۲۵/۴٪ و در دختران ($CI=21/24-25/42$) ۲۳/۳۴٪ بود که از این مقدار (۱۰-۱۵٪) پسران و (۹-۱۲٪) دختران چاق بودند. شاخص concentration Index برای چاقی و اضافه وزن به ترتیب (۰/۰۶۵-۰/۱۴۸) و (۰/۰۷۷) و (۰/۰۵-۰/۱۵۶) است که بیانگر وجود نابرابری در چاقی و اضافه وزن می باشد تمرکز چاقی و اضافه وزن در گروه اجتماعی اقتصادی بالاتر بیشتر است. میانگین BMI برای گروه های اقتصادی فقیرتر ($CI=17/44-17/83$) ۱۷/۶۵ و گروه های با وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتر (۱۸/۸۴-۱۷/۹۵) ۱۸/۲۴٪ می باشد. نتایج دکامپوزیشن اکساکا نشان می دهد که فاکتورهای اجتماعی اقتصادی مسئول ۷۵/۸۷٪ نابرابری های موجود می باشد. بیشترین سهم در ایجاد نابرابری مربوط به محل زندگی و تحصیلات مادر است. بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه ما ($CI=38/97-42/82$) ۴۰/۹٪ افراد شرکت کننده در مطالعه فعالیت فیزیکی کافی نداشتند. نتایج مدل رگرسیونی نشان می دهد دختران نسبت به پسران فعالیت فیزیکی کمتری دارند ($OR=0/34$) و فعالیت فیزیکی با تحصیلات مادر ($CI=1/18-2/47$) $OR=1/71$ ، موقعیت اجتماعی اقتصادی ($CI=1/56-3/05$) $OR=2/18$ و محل سکونت ($CI=1/16-2/44$) $OR=1/68$ ارتباط مستقیم دارد. شاخص تمرکز برای تحرک ناکافی ($CI=-0/21$)- ($0/3$)- ($CI=0/25$) بوده که نشان دهنده تمرکز تحرک ناکافی در گروه با SES پایین می باشد. مدل دکامپوزیشن اکساکا نشان می دهد عوامل اجتماعی اقتصادی مسئول ۴۱/۱۲٪ نابرابری های موجود بوده که بیشترین سهم مربوط به تحصیلات مادر (۶۷/۷۶٪) و سپس محل زندگی (۴۱/۴۲٪) است. همچنین نتایج بدست آمده از مطالعه نشان می دهد ($CI=5/075-54/66$) $CI=5/075$ ۴۷/۲۸٪ افراد



Abstract Book

9th Iranian Congress of Epidemiology

22 - 24 October 2019
Shahid Beheshti University of Medical Sciences
School of health and Safety



Tell: 021-22431993

Fax: 021-22432036

Epidemiology98@sbmu.ac.ir

www.9Epid.sbmu.ac.ir